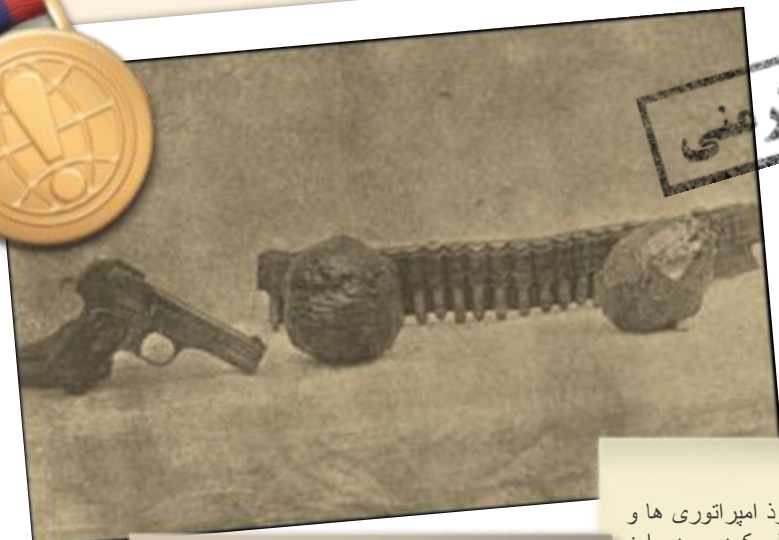




مسئله ارمنی

(افتراء فانتزی)

ادعاها و حقیقت ها



ارامنه مثل آنچه که در طول تاریخ خود بودند، همیشه برای یک قدرت خارجی (به تعبیر ولادیمیر لنین) فقط مانند "احمق های مفید" نوکری کرده اند.

در ما ارامنه ریاکاری، ناروایی و خیانت زمانی که در بطن مادران مان هستیم خلق می شود.

یقیشه چارنس (YEQIŞE ÇARENS) شاعر ارمنی

تو ترسویی، تو دزدی، تو نوکری، تو ارمنی
الکساندر پوشکین (A.S.PUŞKIN) شاعر روس

به طول تاریخ خود در زیر نفوذ امپراتوری ها و دولت های بزرگ مختلف زندگی کرده و در این میان در میدان مجادله، تیول گران ارمنی (دره داران و متصرفان به شرط خدمت) با هدف تأمین یک تعداد نفع اضافی در بین این قدرت ها به طور فشرده ای طرف عوض کرده و برای مطیع ماندن مردم ارمنی در بزرگترین دردها راه باز کرده اند.

TACITUS مورخ رومی، در اثر خود با نام "ANNALUM LIBER" این گونه می نویسد: "ارامنه در برابر امپراتوری های روم و پارس با تغییر رفتار گاه همراه با رومی ها و گاه همراه با پارس ها به اتفاق حرکت می کنند" و به همین جهت مردم ارمنی را یک "ملت مذل" توصیف کرده.

قرن ها بود که ارامنه، در حال انبوه به امپراتوری روم کوچ می کردند. چرا که ارامنه، با اعتبار مزاج، حامل هوس گشت و گذار دیار به دیار بودند... ماجراجویان ارمنی، به خدمت دولتی که به آنها پول فراوان داده و ثروت تأمین می کرد در می آمدند. این دولت، تا زمانی که به خواسته های آنها مانند انجام غارت و ورود به قتل عام اجازه می داد می توانست به صداقت آنها اطمینان کند. به جهت این که مسیحی بودند، با انجام هر کار خیری، قتل عام و غارت هایشان را (مثلا به خدا) می بخشانند و وجدانشان آرامش می یافت.

جان لورنت (JEAN LAURENT)

ما ارامنه "ملت مستغربی" هستیم، ابتدا خودمان، خودمان را گول زده هرچه باشد باور می کنیم... بعد هم باور کردن دیگران را می خواهیم، اما اگر دیگران دروغ های ما را باور نکنند از آنها ناراحت شده و دشمن آنها می شویم.

اوانس کاچازنونی (OVANES KAÇAZNUNI)
از لیبرهای دانشناک ارمنی و اولین نخست وزیر دولت ارمنی در سال 1918



نام: لوون

نام خانوادگی: اکمکچیان

عضویت: اربابگراسالا

نتیجه شرارت: کشته شدن ۹ و زخمی شدن ۸۲ نفر

مکان: آنکارا فرودگاه استیوگا

فهرست

156	تغییر مکان (تهجیر)	001	مروره عامه
158	تعریف و هدف تغییر مکان	001	مقدمه
159	دلایل تغییر مکان	003	پلان 4 ت
163	قانون تغییر مکان	004	نگاهی کوتاه به تاریخ ارمنی
164	شروع اجراءات	005	به میان آمدن مسئله ارمنی
165	مناطق تغییر مکان	006	عصیان و قتل عام های ارمنی
166	نفوس ارمنه تهجیر داده شده	008	1915.04.24 (24 آوریل)
168	مفقودات ارمنه	009	قانون تغییر مکان و اجراء آن
169	تدابیر گرفته شده	017	نسل کشی چیست
170	نفوس ارمنه تهجیر داده نشده	018	ترور ارمنی
171	مخارج انجام شده	020	وضعیت امروزی
172	اموال ارمنه	022	نتیجه
173	بازگردانی ارمنه	023	روابط تورک - ارمنی
174	انعکاس های خارج از کشور	024	دوران سلجوقی
175	بررسی های خارجی	025	دوران عثمانی
176	تلگراف (های) نسبت داده شده به طلعت پاشا	028	ارمنه موظف
178	نظرات شخصیت های علمی	036	دوران جنگ جهانی اول
181	قطعه نامه نسل کشی مجمع ملل	039	دوران مجادله ملی
184	نتیجه	042	ارمنه در سور و لوزان
185	ترور ارمنی	045	از لوزان تا به امروز
186	ارمنستان و ترور	049	به میان آمدن مسئله
187	همکاری ارمنی - PKK	050	معاهده سن استفانو و برلین
191	کمیته های ارمنی و خواص واحد تشکلات ترور	051	کمیته های ارمنی
052	هنچاک	059	عصیان های ارمنه
056	داشناک	093	نقش کلیسا
193	ASALA	101	فعالیت های میسیونری
197	خولیای سقیم ارمنستان بزرگ	102	اسناد بنجل و تزویری
204	کنگره پاریس 1979	107	پروپاگاندا
205	کنگره لوزان 1983	117	قتل عام های ارمنی
206	کنگره سور 1985	119	ارزیابی عمومی
207	قانون اساسی ارمنی	122	قتل عام وان - ارجیش - چاووش اوغلو
208	اهداف کنگره های ارمنی	125	حفریات مزار جمعی کارس - سوباتان
209	تقاضاها و پروپاگاندا ی ارمنی	127	حفریات مزار جمعی وان - زَو
211	دیپلمات های شهید	128	قتل عام ارضروم - دوملو
216	کرونولوژی (وقایع نامه)	129	قتل عام روستای اوبای ایغدر
219	سوالات مهم و جواب ها	130	بنای یادبود و موزه قتل عام ایغدر
256	مقالات و بعضی موضوعات مرتبط	131	تابلوه
289	اسناد آرشیو، آلبوم عکس و منابع	136	نگاهی بر گزارش های آمریکا
297	معرفی و دانلود کتاب	138	نسل کشی مردم آذربایجان توسط ارمنه
301	سخن مترجم	147	ظلم ارمنه بر ارمنه
		150	نسل کشی ارمنه توسط دولت ارمنستان
		152	1915.04.24 (24 آوریل، عید دروغ صورتی)

تا حقیقت چکمه های خود را بپوشد، یک دروغ دنیا را دور زده است.

مرور عامه

مقدمه

تورکیه با قرار گرفتن در بین نقطه ارتباطی آسیا و اروپا و با اتصال تنگه ای دریای سیاه به دریای مدیترانه، و نقطه گذر انرژی های طبیعی از آسیای میانه، قفقاز و خاور میانه (به اروپا) به نسبت محل ژئوپولیتیک خود دقت قابل توجهی را در دنیا به خود معطوف می کند.

در گذشته توسط دولت عثمانی و امروز هم توسط جمهوری تورکیه این محل به دلیل ژئوپولیتیک و ژواستراتژیک بودن زمینه ساز و میدان تبادل بوده و هست. دولت های استعمارگر و امپریالیست برای اینکه دولت عثمانی را تکه تکه کرده و آن را از صحنه تاریخ حذف کنند در این دسیسه خود، از تقاهم قرن ها مسالمت آمیز و دوستانه تورک ها و ارامنه استفاده کردند.

امروز آنچنان که در تاریخ بوده، بعضی کشورها برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود پشتیبان جامعه ارامنه هستند. در بعضی از این کشورها برای اینکه تورک ها و تورکیه را محکوم به نسل کشی صوری ارامنه کنند لوحه های یاد بودی نسب کرده اند، در بعضی کشورها برای متوجه کردن، تعریف و معرفی ادعاهای نسل کشی صوری ارامنه دستور جلسات پارلمانی برگزار می شود و حتی در پارلمان بعضی کشورها این ادعاهای باطل قبول می شوند. در حقیقت موضوعی که باید اهمیت آن بدست مورخین سپرده شود، به وسیله ای تبدیل شده تا ابزار دست سیاسیون برای حفظ منافع شود.

ارامنه در طول تاریخ توسط رومی ها، پارس ها و بیزانس ها، از نقطه ای از آناتولی به نقطه ای دیگر رانده شده و در جنگ ها مفقود گشته یا در دفعات کثیری مجبور و یا حاضر به معامله در صنف تبعه رده سوم بودن قرار گرفته اند. ارامنه بعد از آمدن آناتولی به زیر حاکمیت تورک ها از عدل، انسانیت و آزاد منشی تورک ها، از معنای اتحاد و باور آن استفاده ها کردند. این روابط تکامل آفرین تا اواخر قرن نوزدهم به ادامه خود متداول بوده، و به عنوان **عصر طلایی ارامنه** می توان از آن نام برد. در دولت عثمانی برای هر تبعه با تلاش، با لیاقت، درست و با استعداد امکاناتی محیا می شد و در این بین ارامنه در میان غیر مسلمین به عنوان بیشترین مزیت و امتیاز گیران قرار داشتند. در حالی که از سربازی و قسما از پرداخت مالیات معاف می شدند، در تجارت، صنعت، زراعت و در کارهای اداری فرصت هایی برای ترقی بدست آورده بودند و با ملت وابسته به دولت به حرکت و قرار خود با عنوان **ملت صادق** مقبول گشته بودند. در این چهارچوب آنهایی که به زبان تورکی صحبت کرده و آیین خود را به تورکی برگزار کرده اند از این اجتماع در بین خدمه های دولت به وظایف و پست های مهم و فوق ارتقا درجه یافتند. حتی به پست های عمرانی، بحریه، وزارت، مالیه، خزانه، پستی و تلگرافی، وزارت ضربخانه و مستشاری نائل می گشتند. و حتی درباره مسایل دولت عثمانی به زبان تورکی و خارجی آثاری نوشته اند.

اما در دورانی که دولت عثمانی رو به ضعف رفتن را شروع کرده بود، دخالت اروپا هم تا زمانی که بدون وقفه در هر موضوعی سر نشان دهد. روابط تورک - ارمنی هم به تنزل انجامیدن را آغاز کرده بود. خصوصا غربیان در قیافه کشیش میسیونر، وارد دولت عثمانی شده و با فعالیت های تحریک آمیز ارامنه را از زاویه دینی، عرفی، تجاری و سیاسی از اجتماع تورک به تلاس برای دور نگه داشتن دیده می شدند. بدین گونه در دفعات متعدد تورک ها در حوادث تراژدیک و غم انگیز متضرر بودن را آغاز کردند، از آناتولی شرقی شروع و تا استانبول رو به پخش بودن این عصیان های ارمنی زندگی هزاران تورک و ارمنی را به کام مرگ کشاند.

اما در طول جنگ جهانی اول، ارامنه ای که سرباز عثمانی گشته بودند و بر علیه دشمنان جنگیده و در خدمات عقبه نیرو های نظامی مشغول بودند، بر عکس آنها قسمت مهمی از ارامنه به نیروهای دشمن ملحق شده و بر علیه تورک ها به نزاع و جنگ پرداختند. در پشت جبهه ها نیز ارامنه کميته چي بدون اين که زنان، کودکان و سال خورندگان را جدا کنند وارد قتل عام های خونین سنگین بر علیه مردم مسلمان شده بودند، آنها با قصد به جان و مال صدها هزار مسلمان، آناتولی شرقی را تبدیل به خرابه کرده بودند.

دولت برای خواباندن و توقف اینان با گرفتن تدابیری وارد عمل شده، با تحریک و وعده های دولت های خارجی ارامنه تلاش کردند تا کشوری که نزدیک به هزار سال در آن با رفاه زندگی کرد بودند را تکه تکه کنند.

در بیرون از آناتولی با تشکیل کمیته هایی مثل هنجاک، داشناک، رامگاوار، کمیته اختلال هنجاک، جمعیت مسلح، جمعیت اتحاد و خلاص، جمعیت بسوی ارمنستان، جمعیت جوان ارمنستان، جمعیت صلیب سیاه و نظیر آن مردم ارمنی را برای عصیان مسلحانه تشویق می کردند.

دولت عثمانی با حضور در جنگ جهانی اول و عصیان حجیم ارامنه در آناتولی شرقی، از سویی در جبهه به اجبار جنگ با قوای ارامنه ملحق شده به نیروهای روسی مانده بود و در سوی دیگر در پشت جبهه ها مجبور به مجادله با دسته های سفاک ارمنی که عامل قتل عام مردم تورک، آتش زنان و ویران گران روستاها و قصبه های تورک نشین، مهاجمان به تاسیسات اجرایی و نقلیه ای نیروهای نظامی بودند، شده بود.

به غیره با وجود اینکه هم در جبهه و هم در پشت جبهه وارد وضعیت جنگی گشته بودند. 9 الی 10 ماه در پشت جبهه سعی می شد خطرهای مهم را با تدبیرهای محلی در مسیر انحلال قرار دهند. در این میان در تاریخ 1915.04.24، تعدادی ارمنی کمیته چي که در فعالیت های پشت جبهه به وطن اهانت و خیانت کرده بودند، کشف و در یک عملیات هدایت شده به تعداد 2345 کمیته چي دستگیر شد.

به غیر کمیته چپان خصوصا در نواحی نزدیک به مرز روسیه مردم ارمنی با دیده شدن به حال عصیان در برابر دولت. با ارجاع به آخرین چاره، در منطقه فقط ارامنه ای که ممکن بود به حرکت های شورشی ملحق شوند از منطقه جنگی گرفته، تا به مکانهای امن کشور فرستاده و اسکان داده شوند، به تعبیر آن دوران به تهجیر گرفته شدند. این کاربرد در همان زمان قبل از هر چیز در پشت جبهه برای مردم ارمنی که میان جنگ داخلی بودند امنیت جان تامین میکرد. زیرا، ارامنه ای که در منطقه تورک ها را قتل عام کرده بودند شروع به دادن توان مطالبیم خود در برابر خلق مسلمان کرده بودند.

ارمنستان و بعضی دولت ها که برای منافع سیاسی و اقتصادی از ارامنه استفاده کرده بودند، عمل تغییر مکان و دستگیری های 24 آوریل را یک نسل کشی نشان داده و برای اقناع افکار عمومی جهان وارد فعالیت های تبلیغاتی پر حجمی شدند. (1)

حال اینکه بعد از جنگ جهانی اول، در میان دولت هایی که دولت عثمانی را اشغال کرده بودند، انگلیسی ها در میان لیدرهای سیاسی و نظامی عثمانی و با حضور برجستگان، حدود 143 نفر را به دلیل تثبیت اعمال جنایات جنگی در حوادث ارمنی دستگیر و به جزیره مالتا فرستاده و زندانی کردند. در رابطه با اتهامات تحقیقاتی با قطر وسیع در آرشیوهای عثمانی، انگلیس و آمریکا صورت گرفته بود. به رغم این در مورد افتراء دستگیر شده گان مالتا دلایل ادله به محکمه تقدیم نشده بود. نهایتا دستگیر شدگان مالتا، بدون متوجه بودن هیچ اتهامی در این مورد و در ادامه عدم اجرای محاکمه در سال 1922 آزاد شدند.

اما در (جذلات) بیان تلاش ها در محکوم کردن تورک ها به نسل کشی صوری متوقف نگشته بود؛ در مالتا طی مراحل محاکمه مطبوعات انگلیسی حکومت عثمانی را در ادعا به کشتار جمعی محکوم و در اثبات این موضوع بعضی اسناد ماجرا جویانه تزویری را نشر کردند. در موضوع بحث ادعا می شد که مدارک موجود در کمیته ژنرال آلنی (General Allenby) توسط نیروهای اشغال گر انگلیسی داخل سوریه در وزارت خانه های دولت عثمانی کشف شده. اما بعدها تحقیقاتی که توسط وزارت امور خارجه انگلیس شد، مدارک داده شده به مطبوعات انگلیسی مدارکی نبوده اند که از طرف نیروی های نظامی انگلیس بدست آمده بودند، بلکه معلوم گشته بود نوشته هایی هستند که توسط گروهی از قوم پرستان ارمنی در پاریس برای هیئت های متفق فرستاده شده بوده. (2)

به رغم این واقعیت ها، ادعای نسل کشی صوری برای پذیرش در دستور جلسات، کمیته های ارمنی را با صرف تلاش های خارق العاده، به سمت ترور هدایت می کرد. بعد از سال 1965، ارامنه در کشورهای مختلف، بر علیه تورکیه شروع به مجادله های ننگ زنی کرده، وجود افکار عمومی جهان و تورکیه را به حس کردن مسئله ارمنی را اعتبارا از سالهای 1970 تبدیل به اعمال ترور متوجه شده به سخنگوهای تورک خارج از کشور (تورکیه) کردند.

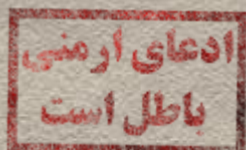
در تاریخ 1973.01.27 یک ارمنی مسن با نام گورگن (کارکین) یانیکیان (Gurgen (Karekin) Yanikiyan) در شهر سانتا باربارا آمریکا، با قتل سر کنسول تورکیه محمد بایدار (Mehmet Baydar) و کنسول بهادر دمیر (Bahadır Demir) در لوس آنجلس با شروع این "ترور فردی ارمنی"، از 1975 اعتبارا همچون قبل از 1915 این ترورها تبدیل به "ترورهای تشکیلاتی ارمنی" شدند. تعرضات متوجه به موظفان تورک خارج از کشور، دیپلمات ها، وزیران و موسسه ها، در مدت زمان کوتاهی برای ارتقاع، حجم گسترده ای پیدا کرده بود.

ترورهای ارمنی، در تورکیه آشفستگی داخل را در سال 1979 اعتبارا با یک دقت بیشتر به مرحله اوج رسانده بود. تروریست های ارمنی در 38 شهر 21 کشور، با 39 حمله مسلحانه، 70 بمب گذاری و یک حمله در شکل اشغال جمعا 110 حادثه ترور را به واقعیت رسانده بودند. در این حملات تروریستی 42 دیپلمات بعلاوه 4 خارجی زندگی خود را از دست دادند. 15 نفر تورک و 66 نفر از اتباع خارجی زخمی شدند. (3)

تشکلات ترور ارمنی، در مورد عکس العمل دنیای خارج در سالهای 1980 با تغییر تاکتیک، وارد همکاری با تشکیلات ترور PKK شد. در سال 1984 PKK وارد صحنه شده و (گروه) ترور ASALA - ارمنی به پلان عقب کشیده شده بود. اسناد، در کمپ های بکا و زلی آموزش واحد اربابگران ASALA و PKK را به میان آورده است.

در مجادله نیروهای امنیتی تورک با ترور PKK، و در عقبه تامین موفقیت ها کمیته های ارمنی، در بیان ادعاهای خود دولت ارمنستان را در پشتیبانی آشکار، و جمعیت پراکنده اجنبی ارمنی را به ادامه دادن تشویق می کنند. در پارلمان کشورهای مختلف تلاش می کنند تا در (جذلات) بیان قوانین و توصیه های قبول کننده نسل کشی صوری ارامنه را تامین کنند و سعی می کنند ادعاهای بی اصل خود را برای افکار عمومی جهان به قبول کردن مجبور کنند.

هدفشان، در (جذلات) بیان ادعاهای خود را به تمام دنیا "تعریف" کردن است، تورکیه هم مجبور به "تیقن" (شناختن و دانستن) این ادعاهای بی اساس شده، در (جذلات) بیان به واسطه قبول ادعای نسل کشی از تورکیه "تضمینات" و تقاضای "ترب" (خاک) شده تا خولیای سقیم "ارمنستان بزرگ" را به واقعیت برسانند.



1) Osmanlıdan Günümüze Ermeni Sorunu, Yeni Türkiye Yayınları, Ankara 2000.

2) Yıldırım, Dr. Hüsamettin, Ermeni İddiaları ve Gerçekler, Ankara 2000, s. 38 (PRO.FO. 13 Temmuz 1921, 371 / 6504 / E.8519)

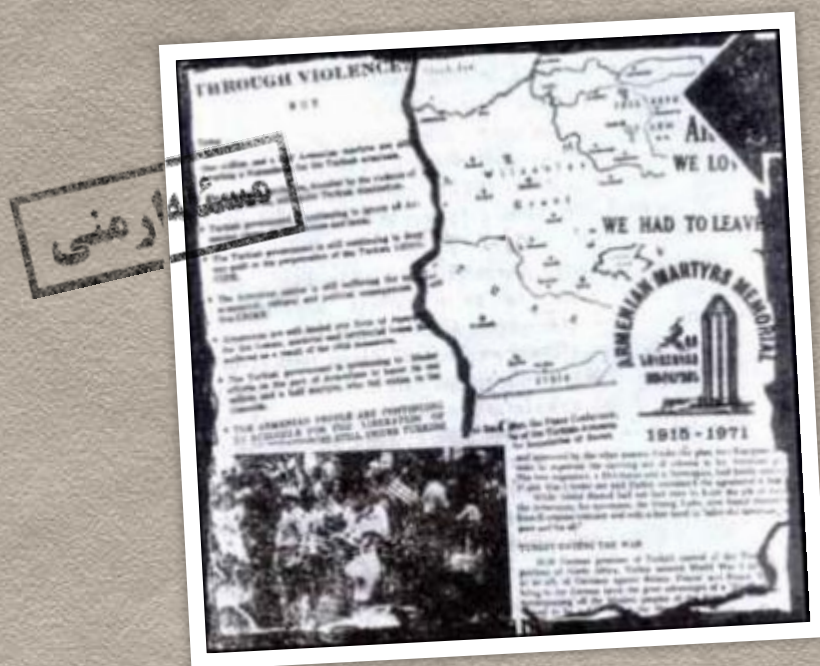
3) Şimşir, Bilal, Şehit Diplomatlarımız, Bilgi Yayınevi, Ankara 2000, 2 Cilt

پلان 4 ت

هدف ترورهای ارمنی که اوج کار را تا قصد به جان انسان ها پیش برده، در (جذلات) بیان ادعای نسل کشی صوری ارمنی و تقاضاهای ارمنستان را به افکار عمومی دنیا رساندن است. اما هدف نهایی، تحقق خولیای سقیم "ارمنستان بزرگ" می باشد. مهمترین قدمی که باید، در راهی که به ارمنستان بزرگ می رود برداشته شود، در (جذلات) بیان برای موضوع ادعاها ایجاد یک تفکر عامه و به تحقق رساندن اعمال متوجه بر تورکیه است.

برای پیاده کردن این اجراء در یک پلان میتوان آن را به شکل "4 ت" نام گذاری کرد و به این چهار مفهوم متکی است: **تعریف**، **تَبَقُّن**، **تَضْمینات** و **تَرَب**... یعنی در (جذلات) بیان مسئله ارمنی به تمام دنیا توسط ترور "تعریف" خواهد شد، این ادعاهای صوری توسط افکار عمومی جهان و تورکیه "تَبَقُّن" و قبول خواهد شد، بدین واسطه با قبول ادعای صوری ارمنی از تورکیه "تَضْمینات" گرفته خواهد شد و برای به واقعیت رساندن خولیای سقیم "ارمنستان بزرگ" از تورکیه "تَرَب" و خاک لازم جدا خواهد شد.

با تکیه به پلان "4 ت" نحوه ایجاد ادعاهای ارمنی این گونه می باشد:

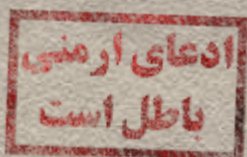


یکی از برشورهایی که بر ضد تورکیه پخش شده: به سبب این برشور تورک ها، 1,5 میلیون ارمنی را قتل عام کرده اند. جای تاسف دارد که دنیای غرب به باور این دروغ ارمنه ادامه میدهد.

Ermeni Mezalimi ve Gerçekler Ermeni Sorunu, 'Dört T' Planı.

1. تورک ها، با اشغال ارمنستان خاک ارمنه را از دست آنها گرفته اند.
2. تورک ها، اعتبارا از جنگ 1877-78 ارمنه را به صورت سیستماتیک به قتل عام گرفته اند.
3. تورک ها، اعتبارا از سال 1915 ارمنه را در یک شکل پلان دار بدیهی است که به نسل کشی گرفته اند.
4. مسلما در موضوع گرفته شدن طلعت پاشا (Talat Paşa) برای نسل کشی ارمنه دستورات سری وجود دارد.
5. تعداد ارمنه ای که در نسل کشی زندگی خود را از دست دادند 1,5 میلیون نفر است.

امروز، در ادعا هدف دار بودن مسئله ارمنی و تلاش ها برای قبول شدن آن در دستور جلسات را باید دید که در چه درجه بی مسندی و با چه نوع اندیشه های ذینفع به وجود آمده، برای درک بهتر این ادعاها، توسعه روابط تاریخی تورک - ارمنی مستلزم بررسی است.



نگاهی کوتاه به تاریخ ارمنی

ارامنه، در طول تاریخ همیشه زیر اداره دولت های مختلف بود و در خدمت دولت هایی که وابسته به آنها بودند مشاهده شده اند.

در منابع دایرة المعارفی و جامع (امروزی) مختلف به بلادی که در شمال ایروان و نخجوان جای گرفته ارمنستان، و به مردمی که در این مناطق زندگی می کنند ارمنی گفته شده.

قسمتی از مورخان ارمنی معتقداند که از هیتی هایی هستند که در قرن 6 ق.م در شمال سوریه و منطقه کیلیکیا زندگی می کردند. و اما قسمتی دیگر می گویند که از نسل هایک پسر (یا نواده) نوح هستند. البته ارامنه به خود اسم "های" به کشورشان هم اسم "هایستان" و یا "هایک" را می دهند که منشا آن بیشتر خرافای و افسانه ای بوده و ریشه همان نام پسر (یا نواده) نوح یعنی هایک است.

در کنار این، قطعا زندگی آنها در کجای منطقه، تعداد و نسبت نفوس مردم آنها با مردم دیگر که در همان منطقه اقامت کردند نامعلوم است. لیکن مورخان ارمنی هم در موضوع منشا هم فکری ندارند.

هردوت مورخی که با صفت پدر تاریخ توصیف شده در ارتباط با ریشه مردم ارمنی اینگونه می گوید که: ارامنه ریشه تراکیایی داشته و از شاخه فریگ هایی (Phrygians) هستند که به سوی مناطق اورارتوها مهاجرت کرده اند.

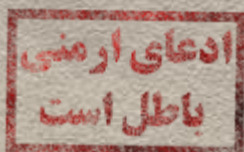
شایع ترین منابع، ارامنه را از نسل تراک - فریگ که ریشه هند و اروپایی داشته و از بالکان ها آمده اند می دانند. اینگونه که آنها شاخه ای از فریگ ها هستند. آنها با فشار ایلیریایی ها (آلبانیایی ها) در قرن 6 ق.م با کوچ به آناتولی شرقی در آنجا مسکون شده اند. بدین ترتیب آنها با تلفیق یافتن با باقی مانده مردمان قدیم (اورارتوها و هورری ها) ساکن آناتولی شرقی و بعضی از مردم بومی قفقاز، جامعه امروزی ارامنه را تشکیل داده اند. اما جواب دادن به یک ادعا لازم است. با استناد به تحقیقات و بررسی های انجام گرفته بر زبان اورارتویی، این زبان با خانواده زبان های شمال شرقی قفقاز تقرب خفیفی نشان می دهد. ولی زبان ارمنی متعلق به خانواده زبان های هند و اروپایی است. یعنی اورارتوها، به هیچ وجه (مستقیم و یا حقیقی) اجداد ارامنه نیستند.

در نگاهی که تاریخی است، ارامنه به ترتیب، زیر حاکمیت پارس، مقدونیه، سلفکیت، روم، پارت، ساسانی، عرب و تورک زندگی کرده و مشاهده شده اند. تعداد زیادی از تیول گرایان (دره داران) ارمنی، که به حاکمیت منطقه رسیده و ارامنه را با کشیدن به صف های خود برای استفاده خواسته اند، از طرف دولت ها بنا شده اند.

تورک های سلجوقی ارامنه را از ظلم امپراتوری بیزانس رها کرده و به آنها حق زندگی را به صورت انسانی بخشیداند. چنانچه در دوران فاتح برای ارامنه آزادی دین و وجدان در بالا ترین سطح داده شد. برای جماعت ارمنی در مورد اداره دینی و اجتماعی اسقف گری مقرر گشت. در حالی که ارامنه در حکومت عثمانی تمام وظایف دینی را در یک آزادی به جا می آورداند، شخصیت های دینی خود را باز اجازه داده می شد که از بین خود تعیین کنند.

بعلاوه بعد از در آمدن آناتولی به زیر حاکمیت تورک ها ارامنه ای که در اینجا زندگی می کردند، صحبت کردن به زبان خود را در یک آزادی کامل دوام داداند. حکومت عثمانی چنان که برای جماعت های دیگر سیاست متناسب را انجام داده بود، برای آنها هم زبان ارمنی و استفاده از اسم های ارمنی را نیز آزاد گذاشته بود. 160 سال قبل از احداث چاپخانه تورکی، کشیشی با نام آپکار (Apkar) سیواسی که در ونیس آموزش چاپخانه داری دیده بود در سال 1567 اجازه داده شد که در استانبول چاپخانه ای ارمنی باز کند. به غیر استانبول در شهرهای دور افتاده ای مثل ازمیر (1759)، وان (1859)، موش (1869)، سیواس (1871) چاپخانه های ارمنی وارد به فعالیت شد اند. در سال 1908 تعداد تمام چاپخانه های ارمنی در تمام کشور به 38 عدد رسیده بود. خصوصا در سال 1910 در استانبول پنج روزنامه و هفت مجله نشر می شده.

در حکومت عثمانی ارامنه، با سود بردن از تحمل و رواداری شخصیت تورکی، تقریبا در عصر طلای خود زندگی کردند. ارامنه با معاف شدن از سربازی و قسما از دادن مالیات، فرصت ارتقا در وظایف مهم مکانیزم های اداری، زراعت، صنعت و تجارت را بدست آورده بودند. ارامنه ای که در خدمه های مختلف دولت به خدمت مشغول بودند، به واسطه تعریف این رواداری و در عوض آن انجام خدمت به دولت عثمانی با صفت "ملت صادق" نام گذاری شده بودند. همانند نبودن مسئله ارمنی در عثمانی تا اواخر ربع چهارم قرن نوزدهم، بین مردم ارمنی هم مسئله حل نشده ای با دولت تورک موجود نبوده.



به میان آمدن مسئله ارمنی

با شروع ضعف در دولت عثمانی، مدارس میسیونر نیز بنا شده، بلافاصله در هر موضوعی با ماندن در معرض مداخله اروپا، در روابط تورک - ارمنی هم دوران آسیب پذیری آغاز شده بود. بعضی دولت ها، با تقسیم دولت عثمانی برای رسیدن به منافع منطقه ای خود، ارمنه را جدا کردن از اجتماع تورک ها به هدف گرفته بودند.



نمایندگان کشورهای ملحق شده به کنگره برلین در یک جلسه.

Osmanlı Ermenileri.

خصوصاً بعضی دولت های بزرگ اروپا، از یک طرف با نام "اصلاحات" در امور داخلی دولت عثمانی دخالت می کردند، از طرف دیگر ارمنه را بر ضد حاکمیت عثمانی متشکل از تشکیلات کرده بودند.

بدین گونه در داخل و خارج کشور تشکیلات متشکل و مسلح شده کمیته های ارمنی در نهایت با فعالیت های تحریک آمیز کلیساهای ارمنی، شروع به دور کردن آرام آرام جمعیت ارمنی از تورک ها کردند.

برعکس رفتار خیرخواهانه تورک ها، ارمنه آغاز کننده مجادله با تورک ها به سرعت ورود در همکاری با دولت های خارجی، برای گرفتن پشتیبانی از غرب، خود را "یک اجتماع له شده" نشان داده و شروع به زبان آوردن ادعای "حق حکومت آنها بر روی آناتولی (و آذربایجان) که تورک ها آن را غصب کردند" کرده بودند.

با فرمان اصلاحات که مسلمانان و غیر مسلمین در مقابل حقوق به وضعیت برابر آورده شده بودند، ارمنه ای که امتیاز خود را از دست می دادند، در پایان جنگ 1877-1878 عثمانی - روس از روسیه، "بیرون نرفتن از خاک های اشغال کرده آناتولی شرقی و به منطقه خود مختاری دادن و یا به لحن ارمنه انجام اصلاحات" را خواسته بودند. این خواسته ارمنه، نسبتاً از طرف روسیه قبول شده، بعد از جنگ عثمانی - روس با امضای معاهده یشیل کوی، با اسم قدیم سن استقانو و دیگر بعد با معاهده برلین مسئله ارمنی به بعد بین المللی وارد شده بود. قدرت های خارجی خواستار تقسیم عثمانی، آغاز به مداخله در روابط تورک - ارمنی کرده بودند.

مسئله ارمنی که از طرف روسیه و انگلیس به صحنه تاریخ تقدیم شده، در اصل یک بسط سیاست امپریالیسم برای براندازی و تقسیم دولت عثمانی بود است. ادعای نسل کشی صوری ارمنی و دروغ های آن در عمل محصول پروپاگاندا و تبلیغات این سیاست است.

ادعای ارمنی
باطل است

عصیان و قتل عام های ارمنی

در دوران سیر امضاء شدن معاهده برلین مسئله ارمنی در دو جهت توسعه داده شده بود. ابتدا، فشار و مداخله دولت های غربی بر روی دولت عثمانی؛ اما دومی، ارامنه ای که در آناتولی، سوریه و روملی زندگی می کردند در مکانهای مختلف آناتولی، خصوصا در شرق آناتولی و در کیلیکیا تشکیلاتی و مسلح شده بودند.



زنی با فرزندان اش که توسط ارامنه در حسن قلعه شهید شده اند.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

نخستین تحرکات از جانب روسیه آغاز شده بود، این حرکت روس ها با علاقه ارامنه انگلیس و فرانسه به پیش رانده شده بود. در شرق آناتولی کنسولگری های انگلیس به سرعت در حال افزایش بود، بعلاوه برای منطقه در تعداد کثیری میسیونر پروتستان فرستاده شده بود.

در نتیجه این تحریکات اعتبارا از سال 1880 در شرق آناتولی کمیته های ارمنی شروع به تشکیل شدن کردند. اما، این کمیته های مانده در سطح محلی، با نبود شکایت از دولت عثمانی و زندگی درون صلح و رفاه مردم ارمنی، آنها را در علاقمند کردن (مردم) به خود نا موفق گذاشته بود.

با نبود امکان وارد کردن ارامنه عثمانی بر علیه دولت توسط تشکیل کمیته های داخلی، این بار روسیه به ارامنه خود در تشکیل کمیته های خارج از خاک های عثمانی متوسل شده بود. بدین ترتیب در سال 1887 در ژنور اعتدال ارباگر هنجاک مایل به سوسیالیسم؛ لیکن در 1890 در تفلیس کمیته های افراطی ترور، عصیان، مجادله و طرفدار تجزیه، داشناک به میان آمدند. برای این کمیته ها، رها کردن خاک های آناتولی و ارامنه عثمانی هدف نشان داده شده بود.

تشکیلات متشکل در استانبول با کشیدن توجه دولت های اروپایی به مسئله ارمنی و با هدف گیری به تحریک ارامنه عثمانی در بین مبادرت های شروع به عصیان، هنجاک ها و داشناک های آغازگر مجادله سیاسی قابل توجه شده بودند. خصوصیات مشترک این مبادرات عصیان؛ ایجاد پلان برای کمیته چی های آمده از خارج کشور عثمانی و امکان جهت دار کردن آنها در فعالیتهای تشکیلاتی شده توسط جستن کمک بزرگ میسیونرهایی که در آناتولی پخش بودند، شده بود.

اولین عصیان در سال 1890 در ارضروم به وقوع پیوست. باز دوباره در همان سال تظاهرات به میدان آمده در کومکاپی، در 1892-93 قیصری، یوزگات، چوروم و حوادث مرزیفون، در 1894 عصیان ساسون، تظاهرات باب عالی و عصیان زیتون، در 1896 عصیان وان و اشغال بانک عثمانی، در 1903 دومین عصیان ساسون، در 1905 مبادرت در سوقصد به جان سلطان عبدالحمید دوم (Sultan II. Abdülhamit) و نهایتا در 1909 عصیان به وقوع پیوسته در آدانا مشاهده شده بود. مثلا در سال 1914 در زیتون 100، 1915 در حوادث وان 3.000 و 1914-15 در حوادث موش 20.000 تورک، در نتیجه مظالم سفاکان ارمنی زندگی خود را از دست دادند.

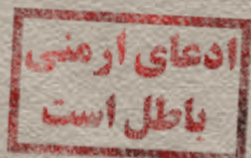
در نگاه کلی در بین سالهای 1906-1922 در آناتولی و قفقازها 517.955 تورک، توسط وامپیرهای ارمنی به قتل عام گرفته شدند، با شمار تثبیت نشده ها این رقم نزدیک به 2 میلیون نفر است. (1)

ارامنه، بزرگترین ضرر را به مردم تورک، در طی جنگ جهانی اول با ورود به قتل عام ها داده بودند. در این دوران ارامنه؛ به حساب روس ها جاسوسی انجام داده، در اعلان سرباز گیری لازم برای تجهیز کردن قوا بدون تعدیل از سربازی فرار کرده، آنهایی هم که به سربازی آمدند و به زیر سلاح رفته بودند همراه با سلاح خود با ورود به صف قوای روس، جرم "خیانت به وطن" را همراه هم انجام داده بودند.

هنوز در شروع تجهیز کردن قوا، دسته های غدار ارمنی با وارد شدن به هجوم بر علیه واحد های نظامی تورک، وارد قتل عام های بزرگی شده، در روستاهای تورک نشین با تنظیم حمله های رعد آسای سریع بزرگترین ضربات را به مردم غیر نظامی زده بودند. مثلاً تمام مردم روستای زَوَی وان از طرف ارامنه بدون تمایز پیر، زن و کودک به کشتار گرفته شده بودند.

فرو نشانی عصبیان ها توسط قوای عثمانی، با هدف دار کردن پروپاگاندایی و تبلیغاتی برای افکار عمومی غرب با پیام "مسلمانان مسیحیان را بقتل می رسانند" معکوس شده و مسئله ارمنی رفته رفته در یک قطر وسیع تر در وصف یک مسئله بین المللی پیچیده شده بود. همان گونه که، در ارتباط با آن دوران گزارش نمایندگی های دیپلماتیک روس و انگلیس، هدف اختلال گران ارمنی با ایجاد هرج و مرج تا جواب ندادن عثمانیان و از این قرار، تامین کردن مداخله کشورهای خارجی در این وضعیت بوده و آن را تثبیت می کرده، است.

از طرف دیگر نمایندگی های دیپلماتیک و کنسولگری دولت های بزرگ در هر گوشه آناتولی پخش شده با همکاری میسیونرهای مسیحی، در پروپاگاندا و تبلیغات ارمنی با تلفیق و پیام رسانی به افکار عمومی غرب نقش بزرگی را بازی کرده بودند.



1915.04.24 (24 آوریل)

حکومت عثمانی، در برابر به میان آورده شدن عصیان ها و قتل عام های ارمنه، بزرگ دینی ارمنی، نمایندگان ارمنی مجلس و اشخاص برجسته مردم ارمنی را با اعلام این که در صورت ادامه بقتل رسیدن مسلمانان با خیانت توسط ارمنه پیش گیری های لازم را خواهند دید، توجیح کرده بود. اما، با رفتن حوادث به جای متوقف شدن، حجیم شدن تعرض های متوجه بر زنان و کودکان بی دفاع تورک افزایش یافته و به سبب این که قوای نظامی در چندین جبهه در حال جنگ بودند احتیاج گرفتن پشت جبهه ها به امنیت احساس می شد.



هنگ داوطلب هتچاک ارمنی دسته دوم، روزنامه ارمنستان جوان "Yeridasaret Hayastan". 1915.07.20

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

به همین علت، در تاریخ 1915.04.24 با بسته شدن کمیته های ارمنی، تعداد 2345 نفر از گردانندگان آنها به جرم فعالیت های علیه دولت کشف و دستگیر شدند. دستگیر شدگان به زندان آنکارا و چانگیری فرستاده شدند. ارمنه خارج هر سال در روز استذکرات خرافه های خود با گفتن 24 آوریل "سالگرد نسل کشی ارمنه"، این تاریخ در حقیقت، تاریخ دستگیری 2345 کمیته چی بوده و با اجراء تغییر مکان (ارمنه) در هیچ شکلی ارتباط ندارد.

در مورد این قرار حکومت عثمانی، وای. کورک (V.Kevork) اسقف اعظم کلیسای اچمیازین (Eçmiyazin)، این تلگراف را به رئیس جمهور آمریکا فرستاده بود:

"رئیس محترم، به واسطه آخرین اخبار گرفته از ارمنستان تورک، در آنجا قتل عام و ترور تشکیلاتی شروع و موجودیت مردم ارمنی را به خطر انداخته. در این زمان خطرناک به عالی جنابان و حس های اصیل ملت بزرگ آمریکا خطاب می کنم، با نام باور انسانیت و مسیحیت، با مداخله فوری به واسطه نمایندگان دیپلماتیک جمهوری بزرگتان، محافظت مردم ام را که در تورکیه به شدت تعصب تورک رها شدند را تمنا می کنم.

کورک، اسقف اعظم و کاتوگیکوس تمام ارمنه جهان" (1)

تلگراف اسقف اعظم کورک، در روسیه توسط سفیر واشینگتن به ام.آمریکا پیگیری شد. تمام حوادث رخ داده، بسته شدن کمیته های ارمنی و دستگیری سردسته های آن بود. اما ارمنه حادثه را مثل "قتل عام" نشان داده و ام.آمریکا و روسیه را تلاش کرده بودند تا به صف خود بکشند.

ادعای ارمنی
باطل است



قانون تغییر مکان و اجراء آن

دلایل تغییر مکان

در برابر عصیان ها و قتل عام های ارمنی دولت عثمانی، در ابتدا به تدابیر منطقه ای مراجعه کرده و درجا پوشانیدن حوادث و ماندن در وضعیت دفاعی را ترجیح داده بود. با فرارهای ارامنه همراه سلاح هایشان، به رغم نقش های بزرگ رهبران دینی در عصیان ها، حکومت در قبول کردن این عصیان ها به شکل بعضی سو قصد های انفرادی تناسب یافته بود. در همان زمان با بودن رئیس دینی و نمایندگان ارمنی مجلس در راس، به کميته ها و به روشن فکران جمعيت ارمنی در وضعیت به میان آمدن اختلافات نو، "با هدف تامین کردن استحکامات کشور در اجبار قبول پیش گیری های تند و شدید خواهند ماند" توضیح داده شده بود.



قانون سوق و اسکان (تهجیر).

این تلاش های حکومت عثمانی با اسناد ثابت شده است. فقط بیشتر قبل از شروع جنگ وارد شدن ارامنه به هر نوع مقدمات عصیان، با شروع شدن و نشدن جنگ به یک عصیان دسته ای هدایت نشده بود. اقدامات ارامنه، در حالی که ارتش عثمانی در جبهه ها می جنگید، "برای استقلال ارمنی، با سعی خدمت به دعوی متفق" به یک پلان حاضر شده مفتضی سوق داده شده بود. ولی فعالیت های دسته های جنایتکار ارمنی در پشت جبهه، به خاطر حقوق دولت ها از حقیقت حساب شدن خیانت در آن چشم پوشی شده بود.

عصیان های ارمنی خصوصا از آناتولی شرقی با شروع شدن به مناطق دیگر پخش شده بود. در ارضروم و اطراف آن با وسعیت یافتن اشغال روس، ارامنه "خون مردم مسلمان را برای خود مباح" دیده بودند و به تعبیر آلمان ها، "در این منطقه پاک سازی مردم مسلمانان شروع شده بود."

دسته های جنایت کار ارمنی در حالی که این نوع ظلم و اقدامات را می رانداند، در جستجو هایی که از طرف نیروهای امنیتی در مناطقی که ارامنه زندگی می کردند شده بود به تعداد کثیری سلاح و مهمات بدست می آمد. دیگر در این شکل سنگین تهدید موجودیت دولت با این وضعیت و نشان دادن کمی تحمل بیشتر، رانده شدن عاقبت کار به نتیجه ای جز امکان نبودن تلافی دیده می شد.

وارد شدن دولت عثمانی به جنگ و خصوصا بعد از هزیمت در جبهه قفقاز، در تعرضات ارامنه بر علیه مردم مسلمان، فرار از سربازی، حمله به سربازان و ژاندارما، دستگیری با سلاح و مهمات و با گسترش بدست آمدن نوشته های رمزی به زبان روسی، فرانسوی و ارمنی، دلایلی مهمی برای نشان دادن قطر ایجاد هرج و مرج در کشور شده بود.

حکومت عثمانی، برابر با گرفتن تدابیر امنیتی بر علیه عصیان ها و قتل عام ها، قبل از تغییر مکان، در صورت کافی نبودن این تدابیر وارد راه حل استقرار ارامنه در مکان های دیگر گشته شده بود. اما حادثه خلق این فکر در به کار گیری وسیع، عصیان ارامنه وان بود. ارامنه اطراف، در تاریخ های ورود دولت عثمانی به جنگ، در وان با اجتماع و مسلح شدن به طور شایسته ای منتظر نزدیک شدن روس ها بودند که با اسناد رسمی متقارن است.

شروع شدن عصیان ارامنه به غیر، قتل عام ها و تخریبات به اشغال وان، ملازگرد و بیتلیس توسط روس ها ختم شده بود. مثلا در وان، نیروهای تورک دایما از پشت ضربه خورده و متحمل خیانت شده بودند. در این وضعیت حکومت، مجبور به دادن قرار تغییر مکان ارامنه ای که در مناطق مختلف کشور زندگی می کردند مانده بود.

تا رسیدن به نقطه تاثیر گذاری دولت های ائتلاف و روسیه همراه هم بر تقدیر شروع شدن عصیان جنگ قتل عام های ارامنه، وکیل فرمانده کل انور پاشا (Enver Paşa) با هدف چاره جویی برای این وضع، در 1915.05.02 با فرستادن یک نوشته به وزیر امور داخله طلعت پاشا (Talat Paşa) "لزوم پراکنده کردن ارامنه ای که در منطقه وان دایما برای راندن عصیان در حال دسته حاضر می شوند به شکلی که نتوانند عیصان کنند" اعلام شده بود.

در این مورد طلعت پاشا، در 1915.05.23 با فرستادن دستورالعملی سری به 4 فرماندهی ارتش از آنها، ارامنه خارج شده از ارضروم، وان و بیتلیس را به قسمت جنوبی ولایت موسل، در مورد خروج ارامنه مرکز از سنجق ژر به سنجق اورفا؛ لیکن ارامنه خارج شده از اطراف آدانا، حلب، ماراش به قسمت شرقی ولایت سوریه شرق و جنوب شرقی ولایت حلب سوق و اسکان داده شوند را خواسته بود. برای بررسی روند سوق در مورد نواحی آدانا، حلب و ماراش مفتش های غیر نظامی تعیین شده بودند.

با قبول اجباری تغییر مکان؛ ارامنه با ضربه زدن از پشت به اتباع یافته دولت عثمانی، با خیال داده شدن مکان هایی که به دست آورد بودند به آنها، برای بنای یک ارمنستان مستقل بعد از جنگ جهانی اول اقناع شده بودند. تغییر مکان ارامنه که در جبهه های ایران و قفقاز خط امنیتی تشکیل داده بودند، برای امحای آنها نبوده، تامین امنیت دولت، هدف را در حفاظت از آنها تعقیب می کرده و موفقیت آمیزترین کاربرد تغییر مکان دنیا بوده.

به کار گیری تغییر مکان با چه علتی بوده با این چشم دیده شدن را نمی خواهد که، ارمنستان و جمعیت پراکنده خارجی ارمنی بر علیه عثمانی منفی، دروغ و افتراهای پر از پروپاگاندا انجام می دهند. در حالیکه، حقیقت تاریخی این است که: این قرار دولت عثمانی با تغییر مکان، ارامنه را از نابودی رها کرده و در شکلی کم نظیر از آنها محافظت کرده. اگر امروز بخش قابل توجهی از ارامنه موجودیت خود را ادامه می دهد، این در سایه موفقیت حسن نیت عثمانی ها بوده.

قانون تغییر مکان (تهجیر)

دولت عثمانی، کاربرد تغییر مکان را بنابر شرایط آن روز متکی بر یک قانون کرده بود. یک کاربرد دلخواه نبوده. قانون چهار ماده ای که شامل تدابیری چون، گرفتن پیش گیری ها از طرف واحد های نظامی بر علیه کسانی که در حال جنگ در برابر اداره حکومت قرار می گیراند، بوده. تدوین قانون به میان آمده این گونه است.

وزارت امور داخله در حالی که بعضی پیشگیری ها مثل توقیف علیه ارامنه عصیان گر را گرفته بود، در تاریخ 1915.05.24 با انتشار بیانه مشترک حکومت های روسیه، فرانسه و انگلیس، از یک ماه قبل به سبب نام گذاری "ارمنستان" بر شرق و جنوب شرقی آناتولی کشته شدن ارامنه را پیش رانده بودند و از حوادث مسئول دستگیری ها را حکومت عثمانی نشان داده بودند.

به مورد کسب یک بعد بین المللی موضوع در این شکل، طلعت پاشا (Talat Paşa)، یک نوشته درباره به کارگیری تغییر مکان در روز 1915.05.26 حاضر و به رئیس الوزرا فرستاده بود. در نوشته بعد از دقت کردن به عصیان و قتل عام های ارمنه، قرار دادن نقل ارمنه از مناطق جنگی به مناطق دیگر توضیح داده شده بود.

نخست وزیری، برای امنیت دولت اجراء تغییر مکان شروع شده را با ماندن در جای خود اعلام کرده، اجبار بسته شدن آن را با یک اصول و قاعده را به زبان آورده بود. مجلس، در همان تاریخ برای قبول کردن این تطبیق قرار را گرفته بود. بدین گونه در 1915.05.27 قانون تغییر مکان از مجلس بیرون آمده، در روز 1915.06.01 با منتشر شدن در روزنامه رسمی تاریخ وقایع آن دوران وارد اجراء شده بود.

در قانون ماده های

1. "امحا شدن مخالفت علیه قوای دولت و نظام اجتماعی، فرود آمدن شدید بر ضد تجاوز مسلحانه و مقاومت"
2. "مسکوت شدن عوامل جاسوسی متوجه بر قوای مسلح و خیانت تثبیت شده خائنین اهالی روستا و قصبه هادر مناطق دیگر"
3. "تاریخ ورود به اجراء قانون" و
4. "اعلام شدن مسئولین در بکارگیری قانون" آمده است.

قانون دیده شده؛ تماما متوجه بر حفاظت از دولت و نظام عمومی، قانون صلاحیت در برخورد با شدت است. لیکن مهمترین خصوصیت آن؛ در متن قانون، ذکر نشدن و یا امحا نشدن هر کدام از گروه قومی و زمره خاص می باشد. مشمولان ورود به قانون اتباع مسلمان، رومی (یونانیان مقیم کشورهای مسلمان) و ارمنی الاصل عثمانی از مکان های خود با سوق دادن به مکان های دیگر مسلما به کوچ گرفته شده بودند.

در تاریخ 1915.05.30 نوشته فرستاده شده از طرف نخست وزیری به وزارت های امور داخله، جنگ و مالیات، چگونگی تطبیق پذیری در شکل جزئیات شرح داده و این گونه گفته شده است: (1)

- کوچ کنندگان، در تخصیص جان و مال خویش با تامین امنیت در یک شکل راحت نقل خواهند یافت.
- تازمان اسکان در خانه های جدید معاش آنها از تخصیص مهاجرین تسویه خواهد شد
- مطابق با وضعیت مالی سابق به آنها املاک و اراضی داده خواهد شد.
- باقی گذاری اموال منقول، به آنها خواهد رسید؛ اموال غیر منقول تثبیت خواهند شد و بعد از تعیین قیمت آنها، پول های آن به صاحبان پرداخت خواهد شد.
- در باقی غیر تخصصی مهاجران مثل باغهای زیتون، توت و پرتقال، به آنها دکان، مسافرخانه، کارخانه و مانند بازخانه مکانهای واردات آور با مزایده به آنها فروخته و یا کرایه داده خواهد شد.
- تمام این موارد توسط کمیسیون های خاص اجراء خواهد شد و در این خصوص یک آئین نامه با جزئیات حاضر خواهد شد.

آیا تلگرافی مبنی بر خواسته طلعت پاشا در کشتار ارمنه موجود است؟

تدابیر گرفته شده درباره ارمنه هدف امحای آنها را حمل نمی کرده و در هر فرصتی طلعت پاشا آنها را به زبان آورده بود. چنان که در یک تلگراف رمزی فرستاده شده در تاریخ 1915.08.29 به والی و متصرفان ولایت های مرتبط اصول استقاده شده در این تلگراف، بارزترین دلیل این است. در دستورالعمل سری این گونه گفته شده است:

"تلاش حکومت در بیرون آوردن ارمنه از مکان های موجود در آنجا با سوق داد آنها به مناطق تعیین شده، تامین کردن وضعیتی است که آنها نتوانند در فعالیت های علیه دولت حضور داشته، در مورد تشکیل یک حکومت ارمنی اعمال قومی انجام دهند. همانند نبودن امحای این افراد در موضوع بحث، در راستای تامین امنیت قافله ها و انجام صرفیات از تخصیصات مهاجرین در مورد معاش آنها هر نوع تدبیری دریافت شده است. آنهایی که در تهاجم به قافله های ارمنی حاضر و یا در مورد اینگونه تهاجمات ژاندارما و ماموران پا پیش گذاشته باشند توسط قانون به شدت گرفته و امثال آن درجا عزل شده و به دادگاه نظامی تسلیم شدنی هستند." (2)

به رغم اینگونه بودن فرمان داده طلعت پاشا، در (جذلات) بیان مدعیان نسل کشی صوری ارمنی، حقیقت را تحریف کرده؛ فرمان متوجه بر بقتل رساندن ارمنه توسط طلعت پاشا را پیش رانده اند. تنها اتکایشان کتابی است با نام "خاطرات نایم بی (Naim Bey): اسناد رسمی تورک در ارتباط با تهجیر و قتل عام ارمنه، که توسط یک ارمنی با نام آرام آندونیان (Aram Andonian) در 1920 در لندن منتشر شده."

در این کتاب تلگراف های جای گرفته و نسبت داده شده به طلعت پاشا (Talat Paşa)؛ با هدف آفریدن یک مجرم به نسل کشی، اسنادی ساختگی و جعلی می باشند. ساختگی و جعلی بودن این اسناد در نتیجه بررسی های انجام شده توسط شناسی اُزل (Şinasi Orel) و ثریا یوجا (Süreyya Yuca) اثبات شده اند. (3)

تطبیقات در راستای تغییر مکان

فرمان تطبیق با چگونگی اجراء تغییر مکان بنابر قانون حاضر شده، تمام جزئیات آن با قواعد معلوم مرتبط گشته بود. در این امر؛ چگونگی تحویل اموال منقول و غیر منقول، اراضی و وضعیت محصول بر روی آن، به ثبت رسیدن اینها، به موضوعات شگفتی مثل: به کوچ کنندگان غذای گرم و گوشت دار دادن جای داده شده بود. در امر تطبیق، مانند نبودن از بین بردن اموال منقول و غیر منقول و یا هر گونه اشاره ای در جهت کشتن انسان ها؛ کاملاً بر عکس آن محکوم شدن مجریان خطا کار در اجراء، تا مجازات آنها با جزای سنگین حکم اعدام معین گشته است.

در امر اجراء داده شده فوق همانند آنچه که معین گشته، آنهایی که مکان شان تغییر می کند اموال قابل حمل و اشیای خود را به همراه بر خواهند داشت و یا اینها بعداً به خود آنها خواهد رسید، اما اموال غیر قابل حمل در مزایده با فروش بدل آن به آنها پرداخت خواهد شد.

قافله های کوچ کننده مشمول این اساس، به مورد فرستاده شدن آنها به مکان های اسکان جدید، بر روی تقاطع راه های معلوم شده در مراکز مثل قونیه، دیاربکر، جیزره، بیره جیک و حلب جمع شده بودند.

گذرگاه های قافله های سوق داده شده، به منظور رو دررو نشدن مهاجرین با مشکل و تا حد امکان برای امنیت آنها از نزدیک ترین راه انتخاب شده بود. در انتخاب گذرگاه ها ریل های قطار و راه های موجود در کناره نهری با نام شاهتور ترجیح داده شده بود.

از یک طرف به رغم بروز جنگ جهانی اول، تغییر مکان در یک شکل منتظم و برای ضرر نرسیدن به هر کدام از قافله ها دقت عظیمی را به خود جلب کرده بود. همان گونه که ادوارد ناتان (Edward Natan) کنسول آمریکایی مرسین، در 1918.08.30 در گزارشی فرستاده به سفیر مورگنثاو (Morgenthau)، پر شدن تمام خط گذرگاه از تارسوس تا آدانا با ارامنه؛ از آن طرف به رغم بودن بعضی ها در فشار ازدحام، اداره شدن این کار توسط حکومت در یک شکل انتظامی در درجه آخر؛ جا ندادن به بی نظمی و شدت؛ برای مهاجرین به اندازه کافی تامین شدن بلیط؛ کمک رساندن به مهتاج شوندگان را مشخص کرده بود. (4)

اگر حکومت عثمانی با قصد به نابود کردن یک گروه انسان وارد این اجراء شده بود، در راه برای مهاجرین امکانات تامین نکرده، در برابر تعرض راهزن ها از قافله ها محافظت نمی کرد، به بیماران کمک نمی رساند، از کودکان حفاظت نکرده، اموال منقول و غیر منقول رها شده به زیر قید گرفته نشده، غذای گوشت دار و به این قرارهای مرتبط در عمل وارد نمی گشت. به همین دلیل در واقع تغییر مکان، برای نابود کردن ارامنه نبوده، تامین امنیت دولت و هدف محافظت از آنها را تعقیب می کرده.

مخارج انجام شده در طول تغییر مکان

در رابطه با حرکت کوچ ارامنه به سوی آناتولی با هدف رفع احتیاجات، مدیریت عمومی مهاجرت تاسیس شده، از طرف این موسسه، اسکان دادن، تامین معیشت و مسائل دیگر مهاجران برای حل به تلاش گرفته شده بود.

در اسناد متعلق به اجراء، در کدام استان و شهرستان بیمارستان بنا شده، برای کودکان ارمنی یتیم مانده تا کدام بنا اختصاص داده شده، با اطلاعات همراه جزئیات قابل استعلام است. به طبع تغییر مکان مهاجرین، سوق، اسکان دادن و برای تامین معاش آنها در سال 1915 خرج شدن بیست و پنج میلیون، لیکن تا پایان سال 1916 دویست و سی میلیون غروش در اسناد قابل ذکر می باشد. (5)

در طی ایجاد شدن قافله ها، وسیله و یا احشام قابل سواری تامین شده، به زنان، کودکان و افراد مسن همراه با بیماران دقت خاصی نشان داده شده بود. در ماده 2 نظام نامه منتشر شده توسط وزارت امور داخله آن دوران، برداشته شدن تمام اموال قابل حمل و حیوانات به همراه ارامنه، لیکن در ماده 3 حفاظت کردن از جان ارامنه در طی مسافرت به مناطق سوق داده برای اسکان، استراحت و تامین اعاشه آنها، مطابق با اصول مقامات حاضر در مکاتهای عبور داده شده؛ در این باره در صورت سستی و بی توجهی به میان آمده مسئول بودن تمام مامورین در یک شکل با جزئیات شرح داده شده بود.

در آن دوران در بین کوچ کنندگان از راه دریا برای محافظت کردن آنها از بیماری مسری مالاریا جوهر گنه گنه پخش شده، در کنار بیمارستان های غیر نظامی برای بیماران بیمارستان های نظامی هم برای استفاده به حال ممکن در آمده شده بودند. از مهاجرین کودکان بی کس و کسانی که خانواده خود را گم کرده بودند به یتیم خانه ها و یا به خانواده ها در مکان های کوچ سپرده و با تامین کردن معاش آنها برای اینکه آنها صاحب مسلکی شوند امکان آموزش فراهم شده بود.

حکومت عثمانی، در حالی که مخارج جدی را برای به کار گیری تغییر مکان خرج می کرد، از طرف دیگر قروض ارامنه به کوچ گرفته شده به دولت و افراد شاخص به تاخیر افتاده یا تماماً پاک شده بود. در این میان با هدف فرستادن یک مقدار پول به مهاجران ارمنی در آمریکا از طرف میسونرها و اسقف ها این پول در بین ارامنه بنابر اطلاعات داخلی دولت پخش شده.

نفوس ارمنی قبل از تغییر مکان

امروزه موضوعی که از طرف کمیته چیان ارمنی و حامیان امروزی آنها بهره برداری شده و بدان شعاع داده می شود. جمعیت ارمنی قبل از کوچ و بعد از کوچ است. بنابر قیدهای گرفته شده در دوران جنگ، ارقام رسمی، تدوینات کلیسا، اطلاعات جای گرفته نفوس در گزارش میسیونرهای خارجی و به رغم اسناد دیگر مداوم نفوس واقعی آن زمان با نشان دادن تعداد متعدد یک رقم آمیخته، ارقام در

مقدارهای نامفهوم در حال تغالی و در جستجوی تکیه بر ادعاهای نسل کشی‌صوری هستند. بعضی از ارقام داده شده، امروز در کل دنیا از جمعیت نفوس ارمنه که زندگی می‌کنند به طوری در چندین طبقه آنسوی تر قرار می‌گیرند.

در سالهای جنگ جهانی اول نفوس ارمنه که در خاک های عثمانی زندگی می‌کردند در بعضی منابع خارجی اینگونه معین شده:

- بنابر پاتریک خاانه ارمنی: 2.5 میلیون
- بنابر هینت ارمنی کنفرانس لوزان: 2.2 میلیون
- بنابر کتاب زرد فرانسه: 1.5 میلیون
- بنابر منابع بریتانیا: 1.5 میلیون
- بنابر تقویم انگلیس: 1 میلیون

لیکن نفوس ارمنی بنابر اسناد رسمی دولت عثمانی اینگونه است:

- در سال 1893 بنابر سرشماری نفوس: 1.001.465
- در سال 1906 بنابر سرشماری نفوس: 1.120.748
- در سال 1914 بنابر سرشماری نفوس: 1.221.850 (6)

در ارزیابی آمار مربوط به عثمانی ها، خارجیان و یا ارمنه، در دوران جنگ جهانی اول بیشترین حد نفوس ارمنه ساکن در اراضی عثمانی با فرض بر 1.250.000 بودن قابل ذکر است.

قطعا در مورد نفوس ارمنه مطمئن ترین ارقام متعلق به اسناد رسمی کشور عثمانی است. در دولت عثمانی مدیریت عام آمار، در سال 1892 تاسیس شد. وظیفه مدیریت عمومی را در سال 1892 نوری بی (Nuri Bey)، در بین سال های 1892-1897 یک موسوی با نام فتحی فرانکو (Fethi Franco)، در بین سالهای 1897-1903 یک ارمنی با نام میگردیچ شینابیان (Mıgırdıç Şınabyan)، در بین سالهای 1903-1908 یک آمریکایی با نام روبرت (Robert) و در بین سالهای 1908-1914 محمد بهیچ بی (Mehmet Behiç Bey) انجام داده بودند. مثل آنچه که دیده می شود در دوران جریان حادثه های مهم حامل مسئله ارمنی به میدان های سیاسی، اطلاعات نفوس عثمانی زیر کنترل خارجیان بوده. از اینجا با حرکت، تا به امروز بنابر نبودن دلیل و یک سند نقیض، اعتبار کردن به اطلاعات نفوس عثمانی لازم و منطقی تر می باشد.

مکان هایی که ارمنه در آن ساکن شدند

در چارچوب به کارگیری تغییر مکان؛ ارمنه خارج شده از ولایت های ارضروم، وان و بیتلیس، به قسمت جنوبی موصل سنجق زُر به اورفا؛ ارمنه خارج شده از اطراف آدانا، حلب، ماراش لیکن به قسمت شرقی سوریه الی در شرق و جنوب شرقی حلب سکونت داده شده بودند.

با بنا شدن مکان های جدید سکونت با فاصله حداقل 25 کیلومتری از راه آهن بغداد، دقت زیادی شده بود تا نفوس ارمنی از 10 درصد نفوس مردم مسلمان در ناحیه و در روستاها بیشتر از 50 خانوار نگذرد.

نفوس ارمنی تابع که به تغییر مکان گرفته شدند

در راستای تغییر مکان ارمنه که در راه های مختلف جدا شده و در مکان هایی که بودند مرتبا تعداد آنها کنترل می شده. از تاریخ 1915.06.09 تا 1916.02.08 چه مقدار بودن نفوس ارمنی که از قسمت های مختلف آناتولی به مکان های جدید اسکان حمل شده و در آنجا در جای خود ترخیص شدند، در اسناد مرتبط با تصنیفات آرشیو عثمانی بدین شکل جمع شده؛ در چارچوب به کارگیری تغییر مکان کلا 438.758 نفر سوق داده شده، لیکن از این تعداد 382.148 نفر در مناطق جدید اسکان زنده و سالم حاضر شده بودند. (7)

مثل آنچه که دیده شد، بین کل کوچ داده شدگان و آن هایی که در مکان های جدید اسکان موجود و حاضر گشته اند یک فرق 56.610 نفره حاصل می شود. این فرق، بنابر اطلاعات بدست آمده، بدین شکل به میان آمده است: 500 نفر بین ارضروم - ارزنجان؛ 2.000 نفر در مسکنه بین اورفا - حلب؛ 2.000 نفر در اطراف ماردین در نتیجه تهاجم راهزن ها و عشیره های عرب به قتل رسیده، بعلاوه در همان اندازه، یعنی حدود 5.000 نفر هم و شاید هم کمی بیشتر در نتیجه تهاجمات انجام شده به قافله ها در ناحیه درسیم کشته شدند. اما رقم قطعی در مورد کشته شدگان در ناحیه درسیم در آرشیوهای عثمانی وجود ندارد. این مقدار مفقودات، در هیچ شکل دیگر، انجام نشدن قتل عام بر علیه ارمنه را نشان می دهد. (8)

به طبع این اطاعات روشن، جمعا بقتل رسیدن 9-10 هزار نفر در راستای کاربرد تغییر مکان تثبیت شده. بعلاوه در راه ها مرگ به دلیل گرسنگی هم در اسناد معلوم است. خارج از این، تقریبا مرگ حدود 25-30 هزار نفر هم به دلیل بیماری هایی مثل حصبه، دیسانتری (اسهال خونی) و شرایط اقلیمی تخمین زده می شود که در این شکل نزدیک 40 هزار نفر در راه ها مفقود شده اند.

اما یک قسمت از باقی 10-16 هزار نفری، همراه با آورده شدن به راه، به سبب توقف تهجیر که هنوز در محل اسکان حاضر نبودند، در ولایت هایی که موجود بودند ترخیص شدند. مثلا در 1916.04.26 در استان قونیه برای اسکان ارامنه در راه سوق درون استان، نوشته ای فرستاده شده بود. از طرفی تخمین زده می شود که قسمتی از ارامنه مشمول تغییر مکان به روسیه، کشورهای غربی و آمریکا فرار کرده اند. (9)

در دوران اجراء تغییر مکان، در ارتش عثمانی از ارامنه موجود زیر سلاح 50.000 به ارتش روسیه ملحق شده، باز به مورد جنگیدن بر علیه تورک ها قید هایی همچون 50.000 ارمنی هم در ارتش آمریکا سه - چهار سال برای دیدن آموزش جای گرفته است. فی الواقع، در نامه یک ساکن آمریکا به وکیل دعوی انلازیغ مراد مرادیان (Murad Muradyan) این گونه اطلاعات موجود می باشد. (10)

در نامه، قسمتی از ارامنه گریخته به روسیه و آمریکا و حرکت کردن 50.000 از سربازان تعلیم یافته در آمریکا به سوی قفقاز به طور آشکار ابراز شده است. از تمام این اسناد مثل آنچه که می توان فهمید، اتباع ارمنی بسیار زیاد عثمانی، قبل از جنگ و درون جنگ با در راس بودن آمریکا و روسیه به کشورهای مختلفی پراکنده شده اند. مثلا یک ارمنی با نام آرتین هوتومیان (Artin Hotomyan) که با هدف تجارت در آمریکا بوده در 1915.01.19 در یک نامه فرستاده به مدیریت عمومی امنیت از هزاران ارمنی گریخته از طرق مختلف به آمریکا و از حال گرسنه آنها در یک زندگی پریشان نوشته است. (11)

این اطلاعات، تعداد طبیعی ارامنه گرفته شده مناطق مختلف آناتولی و روملی به تغییر مکان را با تعداد آنهایی که به مراکز اسکان جدید رسیده اند را نشان میدهد و به این سبب در راستای تغییر مکان نبودن هر نوع حادثه قتل عام برنامه ریزی شده از سوی دولت را به میان می گذارد.

در سال 1918، بوغوس نوبار پاشا (Boghos Nubar Paşa) رئیس هیئت نمایندگان ارمنی در گزارش فرستاده به مسیو گوت (Monsieur Gout) وزیر صلاحیت عالی وزارت امور خارجه فرانسه: خارج شدن 390.000 نفر از تورکیه را که 250.000 نفر در قفقاز، 40.000 در ایران، 80.000 در سوریه - فلسطین 20.000 در موصل - بغداد شامل آن بودند، در اصل تعداد جمعی کوچ گنندگان که به 600-700 هزار نفر میرسد و جدای از اینها در دشت ها پراکنده شده و شامل آنها نمی شوند را معین می کند. (12)

از ارقام داده بوغوس نوبار پاشا 290 هزار نفر (قفقاز و ایران) خارج از اجراء تغییر مکان که خاک های عثمانی را ترک کرده اند قابل فهم می باشد. به همین جهت اگر از تعداد جمعی 600-700 هزار نفری کوچ گنندگان 290 هزار نفر را تقریق کنیم، نفوس طبیعی گرفته شده به تهجیر را در که حدود 400 هزار نفر بودند را نشان می دهد که، این هم با ارقام داده رئیس هیئت نمایندگان ارمنی، بعد از به وقوع پیوستن تغییر مکان، یعنی بین اعداد داده مربوط در سال 1918، با ارقام حاصل شده از اسناد عثمانی تناسب بزرگی در میزان نمایان می کند. و بر عکس ادعای کذب ارامنه و به سبب وجود زنده و سالم آنها در مکان های اسکان، چگونگی بی اتکا بودن ادعاهای نسل کشی صوری به میان می آید.

در رابطه با این موضوع در منابع خارجی و خصوصا ارمنی این اطلاعات جای گرفته است:

بنابر گزارش تقدیم کرده گابریل نوراندوکیان (Gabriel Norandukyan) به کمیسیون ثانوی کنفرانس لوزان: در دوران جنگ جهانی اول به مورد رفتن 345 هزار ارمنی به قفقاز، 140 هزار به سوریه، 120 هزار به یونان و جزایر اژه، 40 هزار به بلغارستان، 50 هزار به ایران، جمعا 695 هزار ارمنی به خارج از کشور رفته اند.

هاتیسو (Hatisov) از روشن فکران ارمنی، (بعدها رئیس جمهور ارمنستان شده بود)، ملحق شده به کنفرانس ترابزون (1918.03.14-04.14) در پیغام فرستاده به حسین رؤف بی (Hüseyin Rauf Bey)، موجود بودن 400 هزار ارمنی مهاجر از مملکت عثمانی در قفقاز را اعلام کرده بود. (13)

پروفسور دکتر ریچارد هووانیسیان (Prof. Dr. Richard Hovannisian) ارمنی در اثر خود با بررسی های نفوس ارمنی: به کشورهای عربی غیر از سوریه: کوچ کردن 50 هزار ارمنی به لبنان، 10 هزار به اردن، 40 هزار به مصر، 25 هزار به عراق، 35 هزار را هم به فرانسه و آمریکا را توصیح داده است. (14)

این ارقام داده شده ارامنه و خارجیان، خارج از کوچ داده شدگان، حرکت تعداد کثیری از ارامنه را با اراده خود در جدایی از تورکیه را نشان می دهد. در نگاه عمومی مان به جدا شده گان: به مورد رفتن 345 هزار ارمنی به قفقاز، 140 هزار به سوریه، 120 هزار به یونان و جزایر اژه، 40 هزار به بلغارستان، 50 هزار به ایران، 50 هزار به لبنان، 10 هزار به اردن، 40 هزار به مصر، 25 هزار به عراق، 35 هزار به فرانسه، آمریکا، اطیش و... جمعا 855.000 ارمنی قابل استنباط می باشد.

با این حال همچون ادعای قاذبان ارمنی، نسل کشی ارامنه و یا نابود شدن 2-3 میلیون ارمنی غیر ممکن بوده.

در کنار این، اگر دولت عثمانی از تبعه ارمنی رها شدن را می خواست؛ این را از راه آسیمیلیسیون و یا با نشان دادن بایست جنگ آن را حل می کرد. حال اینکه ارامنه، در داخل امپراتوری به طوری از تورک ها هم یک زندگی راحت تر داشتند. همانند آنچه که معین شد، ارامنه قانع شده به خیال هایی مانند بعد جنگ جهانی اول دادن مکان هایی که بدست آورده بودند به آنها و بنای یک ارمنستان مستقل، تا شروع کردن به زدن اتباع و دولت عثمانی از پشت، اجرای تغییر مکان به حال اجباری در آمده بود. تغییر مکان ارامنه، هدف محو کردن آنها را نه، بلکه تامین امنیت دولت و محافظت از آنها را تعقیب کرده بود و موفق آمیزترین تغییر مکان دنیا می باشد.

تهاجمات انجام شده به قافله های ارمنی و پیش گیری های دولت

در راستای انتقال ارامنه به مناطق اسکان جدید به بعضی از قافله ها، خصوصا بین حلب - زُر از طرف مردم منطقه تهاجماتی طرح ریزی شده بود. بنابر مستفاد یک تلگراف در تاریخ 1916.01.08؛ از فاصله یک ساعت به حلب تا مسکنه در آن راه ها در نتیجه انجام تجاوزات راهزن های عرب با هدف غصب، کشته شدن ارامنه بسیار زیادی؛ از دیاربکر تا زُر و از سوراوچ با راه منبیچ از ارامنه نقل شده به حلب به قدر 2.000 باز در معرض تجاوزات عشیره های عرب مانده و لخت شدن شان قابل استنباط است. کشته شدن حدود 2.000 نفر در منطقه دیاربکر توسط دسته ها و راهزنان؛ بین ارضروم - ارزینجان هم کشته شدن 500 نفری یک قافله دیگر در نتیجه تجاوز بعضی عشیره های کرد قابل ذکر است.

حکومت عثمانی، در حالی از یک طرف در جبهه ها در حال جنگیدن با دشمن و از طرفی برای تامین امنیت قافله ها تلاش فوق العاده ای صرف کرده بود. به مورد تثبیت کردن و نظارت بر اهمال و سو استعمال موظفان در طی سوق قافله های ارمنی هیئت های بررسی بنا کرده و به مناطق کوچ فرستاده شده بودند. این هیئت ها، با نظارت بر جرم ثابت شده افراد، آنها را به محکمه نظامی سوق داده بودند. با وجود اهمال موظفان در حالی که از کار دست می کشیداند، یک قسمت هم به مجازات سنگین محکوم می شداند.

ارامنه ای که مکان شان تغییر نکرد

قرار تغییر مکان بر روی تمام ارامنه اجراء نشده بود. در تاریخ های 1915.08.02-15 در تلگراف مرتبط فرستاده شده به والی ها، همراه با ارامنه ای که مذهب آنها کاتولیک و پروتستان بود، ارامنه خدمت کننده در صنف های نظامی در ارتش عثمانی و طب الی شعبات بانک عثمانی، در اداره عملکرد امانی و ارامنه تلاش گر در بعضی کنسولگری ها با صادق ماندن به دولت در طی زمان تهجیر به کوچ گرفته نشدن آنها معین شده بود.

از طرف دیگر، بیماران، عذرمدان، معلولین و سال خوردگان به همراه زنان بیوه و کودکان یتیم به تهجیر گرفته نشده بودند. با گرفته شدن به زیر حفاظت در یتیم خانه ها و روستاها از طرف دولت احتیاجات شان مستقبل گشته بود. لیکن در یک امر عمومی پخش شده در تاریخ 1916.04.30 در مورد خانواده های محتاج ارمنی؛ خانواده های بی کس و بی ولی که مردانشان سوق داده شده و یا در سربازی موجود بودند مسکون نشدن آنها در روستا و قصبه های دیگر غیر از جمع ارمنی، تامین گذران آنها از تخصیص مهاجرین اعلام گشته بود. (15)

باز گردانی ارامنه به کوچ گرفته شده

فرستاده شدن ارامنه به مناطق جدید اسکان در 1916.02.08 متوقف شده بود. به دنبال خاتمه جنگ جهانی اول از ارامنه به تابع گرفته شده به تغییر مکان برای آنهايي که می خواستند به مکان سابق شان برگرداند یک قرارنامه طرح شده بود. در نوشته فرستاده وزیر امور داخله مصطفی پاشا (Mustafa Paşa) در 1919.01.04 به نخست وزیری، در موضوع نقل ارامنه متقاضی برگشت به مکان های سابق داده شدن تعلیمات به مکان های مرتبط و گرفته شدن تدابیر لازم در یک شکل با جزئیات اعلام شده بود. (16)

انعکاسات اجراء تغییر مکان در خارج از کشور

ناظران خارجی موجود در مناطق انجام تغییر مکان، به رغم جنگیدن حکومت عثمانی در چندین جبهه درون جنگ جهانی اول در حالی که این کار را با یک مشکل پسندی و اجراء آن در یک شکل عالی نوشته بودند، مطبوعات غرب تحریف دادن حوادث را ترجیح داده بودند. همان طور که در مرسین کنسول آمریکا ادوارد ناتان (Edward Natan) در حالی که در گزارش خود انجام شدن سوق شدن ها را در درون آخرین درجه از نظم را اعلام کرده بود، در استانبول سفیر مورگنثاو (Morganthau) در شکلی عکس حقایق را به کشوراش مخابره کرده و مطبوعات آمریکا هم آنها را بر علیه تورک ها به استفاده گرفته بودند.

در چارچوب گزارشات کنسول های انگلیس موجود در ایران، ادعای کشته شدن 1.000.000 ارمنی در پارلمان انگلیس به مشاجره، قرار اعتراض و شکایت از حکومت تورک گرفته شده بود. جدای از آن، در انگلیس در مورد حوادث ارمنی دررون "کتاب آبی" نشر شده ادعاهایی مبنی بر اینکه یک سوم از جمعیت ارامنه 1.800.000 نفری موجود در کشور عثمانی به قتل رسیده اند، شده بود.

بررسی های خارجیان

در این موضوع اولین تحقیق، همان بعد از اتمام جنگ جهانی اول در طول اشغال استانبول از طرف انگلیس انجام شده بود. به سبب ایجاب اعمال جنایت جنگی 143 نفر از تورک ها را برای محکوم کردن دستگیر کرده بودند، با استفاده از برتری غالب بدست آمده شان در جنگ در بررسی های انجام داده به اطلاعات و سندی متوجه بر موجودیت نسل کشی نرسیده بودند.

در سال های بعد تزویرات متوجه به نسل کشی متوقف نگشته و سعی شده که برای ایجاد افکار عمومی با اطلاعات و اسناد ساختگی، بعضی سیاسیون کشورها را هم در این بازی آلت دست کنند، در سال 1985 به مورد سعی در گرفتن یک قرار متوجه به نسل کشی صوری از مجلس نمایندگان آمریکا، گزارش تقدیم شده 69 شخصیت علمی در تاریخ 1985.05.19 به مجلس نمایندگان، در آخرین درجه اهمیت قرار دارد. در گزارش با خلاصه اینگونه آمده است: (17)

"از قرن 14 تا 1922، بدین روز تورکیه، درست تر منطقه ای که جمهوری تورکیه نام گرفته، یک قسمتی از یک دولت امپراتوری چندین زبانه، چندین ملیتی عثمانی بوده. همان طور که امروز برابر شمردن امپراتوری هابسبورگ (Habsburg) با جمهوری اتریش اگر اشتباه است، یکی گرفتن امپراتوری عثمانی، با جمهوری تورکیه هم اشتباه است.

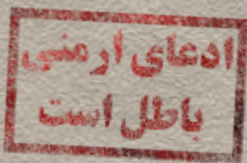
تورکیه، بر روی تحقیقات عثمانی و خاورمیانه تخصص یافته، اعضای آکادمی هایی که در ذیل امضاء آنها موجود می باشد، معتقداند قرار شماره 192 مجلس نمایندگان آمریکا در استفاده زبان از زاویه های متعدد در فکر فریفتن و اشتباه کردن هستند. احتیاط مان در موضوع کانون شدن استفاده لغت های تورکیه و نسل کشی در شکل ذیل خلاصه می شود:

جمهوری تورکیه امروزی در نتیجه انقلاب تورک در سال 1923 تاسیس شده، با حذف امپراتوری عثمانی از صحنه تاریخ در 1922، اکنون جمهوری تورکیه تنها بخشی از خاک ها و ملیت های بنیه ای حافظ دولتی که بیش از 25 دولت امروزی در جنوب شرق اروپا، شمال آفریقا و خاور میانه شامل آن بودند را تشکیل میدهد. جمهوری تورکیه را، نمی توان از هیچ یک از وقایع به وقوع پیوسته در زمان عثمانی مسئول گرفت.

راجع به مجرم کردن نسل کشی، هیچ یک از امضاء کنندگان این شرح، هدف کوچک شمردن تلخی های کشیده ارامنه را حمل نمی کنند. در همان شکل موضوع بحث در فکر ارزیابی کردن بر نشان دادن درد های کشیده مردم مسلمان منطقه در شکلی متفاوت هم نیستیم. (... هرچند در تعیین کردن متجاوز و معصوم و آشکار سازی دلایل حادثه برای تقریب لازم مورخین اسناد و اکتشافات فراوان تر موجود است.

همانند با قرار اتهام شماره 192 از مجلس نمایندگان، در مورد ورود بی عدالتانه بر قضاوت درباره مردم تورک و شاید هم بر آغاز پیشرفت مورخین در قید کردن شرح این حوادث تراژیک راهی متضررانه باز خواهد شد.

اگر کنگره این قرار را قبول کند، در مسئله ای تاریخی با قرار دادن بر حقیقی بودن کدام طرف از راه قانون سعی کرده است. تاریخی بودن این قرار متکی بر فرضیات پر شبهه، به بررسی حقیقت تاریخی ضرر خواهد رساند و در پروسه اعتماد کردن بر طرح قانون آمریکا صدمه خواهد رساند."



- 1) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, Ermeni Tehciri ve Gerçekler (1914-1918), TTK Yayını, Ankara 2001, s. S. 70 (ŞFR., nr. 54/315 (Ek-III)
- 2) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. S. 70 (DH. EUM. 2. Şube, 68/80)
- 3) Orel, Şinasi; Yuca Süreyya; Ermenilerce Talat Paşa'ya Atfedilen Telgrafların Gerçek Yüzü, TTK Yayını, Ankara 1983.
- 4) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. S. 70
- 5) Dr. Hüsamettin Yıldırım, Ermeni İddiaları ve Gerçekler, Ankara, 2000, s. 35
- 6) Karpat, Kemal H. Ottoman Population 1830-1914 Demographic and Social Charsetistic, The University Of Winsconcin Press, 1985, London
- 7) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 76
- 8) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 77
- 9) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 77
- 10) DH. EUM. 2. Şube, nr.2F/14.
- 11) Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.2F/94.
- 12) Archives des Affaires Etrangères de France, Série Levant, 1918-1928, Sous Série Arménie, Vol. 2, folio 47^{den} naklen bkz. Bilal Şimşir, Les Départén de Melte et les Allégations Armeniennes, Ankara 1998, p. 49.
- 13) Akdes, Nimet Kurat; Türkiye ve Rusya, Ankara, 1990, s. 471
- 14) Hovannisian, Richard, The Ebb and Flow of the Armenian Minortiy in the Arab Middle East, Middle East Journal, Vol. 28 no. 1 Winter 1974, s. 20
- 15) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 62
- 16) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 82
- 17) FEIGL, Erich-, A Myth of Terror: Armenian Extremism: Its Causes and Its Historical Context, Edition Zeitgeschichte-Freilassing, Austria.

نسل کشی چیست؟

اجرای تغییر مکان، توسط دسته های ارمنی و دولت های متخاصم با ادعای "قتل عام و نسل کشی ارمنی" نام گذاری شده و بر علیه عثمانی ها یک پروپاگاندای بزرگ را آغاز کردند.

حال اینکه نسل کشی؛ **محو کردن گروه های انسانی به سبب تفاوت های عرق، ملیت، قوم و دین می باشد.** این جرم، مستقیماً از طرف دولت و یا با رضای او می تواند اعمال شود. مجمع عمومی ملل متحد، برای پیش گیری و محکوم کردن جرم نسل کشی در 1948 "**قطعنامه نسل کشی**" را قبول کرده و تورکیه هم در سال 1950 طرفدار این قطعنامه شده.

زمان گفتن نسل کشی، ورود آلمان های فاشیسم نازی بر علیه گروه های قومی مختلف که کشتار جمعی شان به فکر خطور می کند. در طول جنگ جهانی دوم میلیون ها انسان از جمله یهودیان به دست آنها کشته شدند، نازی ها حتی حدود 200.000 گلی و 70.000 انسان عذرمند را هم کشته بودند فقط برای اینکه به مفهوم مذخرف برتریت نژاد خرافه ای و مجهول آریایی معتقد بودند. در عمل نسل کشی این است.

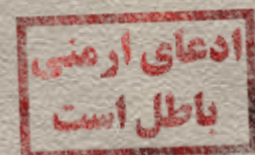
بعلاوه اینها، به رغم درجهت پیشگیرانه بودن قطعنامه مجمع ملل، در عصر مدرن هم حادثه نسل کشی در تعداد بی شماری دیده شده.

مثلاً، بنابر اعترافات منتشر شده شخصاً 2 ژنرال بازنشسته قهرمان فرانسی حادّه در روزنامه له مونده (Le Monde); فرانسویان در بین سال های 1954-1962 حداقل در الجزایر 1 میلیون جزایری را بقتل رساندند، در بین سال های 1975-1979 در کامبوج (Cambodia) کیمیرهای سرخ 1.7 میلیون کامبوجیایی را به قتل رساندند، در 1994 در رواندا 500.000 توتسی، از طرف هوتوها کشته شدند و نهایتاً بعد از 1991 در بوسنی - هرزگوین و کُزوو به تعداد هزاران مسلمان در معرض توحش صربها قرار گرفتند.

جرم نسل کشی، در معنی حقیقی در این حوادث انجام گرفته است. بر عکس ادعاها و دورغ های ارمنی، در سال 1915 کاربرد به کوچ گرفتن ارمنه موجود در منطقه شرق آناتولی به اراضی مطمئن تر، حرکتی بود در جهت تامین امنیت ارمنه و جبهه ها و با نسل کشی هیچ ارتباطی ندارد. در شرق آناتولی مفقودات ارمنه در طول جنگ و کوچ صحیح است، اما این مفقودات، در آناتولی شرقی به دلیل وجود جنگ و عصیان ها و تامین نشدن صحت آسایش، وسیله، سوخت، غذا، مداوای ناکافی و به سبب شرایط سنگین اقلیم همچنین بیماری های مسری مثل تیفوس، به وجود آمده بودند و در هیچ شکلی با قصد و یا با برنامه بودن قتل عام موضوع بحث نمی تواند باشد.

در اصل ارمنه، در گذشته به سبب خیانت در دفعات متعدد به دولت هایی که زیر حاکمیت آن دولت ها زندگی می کردند، در حرکت های شبیه به کوچ تابع گرفته شده اند. ساسانی ها در 379 (میلادی) 70.000 ارمنی را به ایران، در 1025 بیزانسی ها 40.000 ارمنی را به سیواس و قیصری، در 1250 مملوکیان تا 10.000 ارمنی را به مصر، در 1743 ایرانی ها 24.000 ارمنی را به داخل ایران و در 1777 روس هایی که کریمه (اوکراین) را اشغال کرده بودند هزاران ارمنی را به استب ها تبعید کردند.

در طول تاریخ، ارمنه که در دفعات بی شمار در معرض کوچ و تبعید شدن ماندند، بدون آوردن هیچ کدام یک از این ها به دستور جلسات، فقط تلاش می کنند در سال 1915 گرفته شدگان به تغییر مکان از طرف دولت عثمانی را که در آخرین درجه دلایل ذیحق بوده را در (جذلات) بیان با نام نسل کشی به حال چالش درآورند. این وضعیت، حاصل یک سیاست مقصد دار متوجه بر فنایی تمامیت ارضی تورکیه است. با متفرج ماندن بر معنی واقعی حرکات نسل کشی بعضی کشورها در آفریقا و بالکان ها، پشتیبانی کردن آن ها از دروغ ها و ادعاهای نسل کشی صوری ارمنی بارزترین شاخص این موضوع است.



از زاویه دید تورکیه یکی از بعدهای مهم مسئله ارمنی، شروع کردن ارمنه به استفاده از متلورژی (اصول شناسی) ترور مسلحانه بر علیه تورک ها است. این تهاجمات متوجه به شخصیت های سیاسی تورک، نخستین بار در 1905 با تهاجم بمب گذاری انجام شده بر علیه سلطان عبدالحمید دوم (Sultan II. Abdülhamit) شروع شده بود. در بیرون از آناتولی بنا شدن گروه های هنجاک، داشناک، رامگوا، کمیته اختلال هنجاک، جمعیت مسلحان، جمعیت بسوی ارمنستان، جمعیت ارمنستان جوان، جمعیت اتحاد و خلاص و مانند جمعیت صلیب سیاه تشکلاتی این چنینی برای سوق دادن مردم به عصیان های مسلحانه به میان آمده بودند. در نتیجه تمام اینها حرکت های عصیان که بر حیات هزاران تورک و ارمنی مال شده بود در هر چهار سوی کشور پخش شده بودند.

از تاسیس جمهوری تورکیه تا سال 1965 بعد از سپردن یک دوران ساکت، با حمایت لابی ارمنی حرکات ترور به صورت ناگهانی برای کشتن دیپلمات های تورک تکراراً به میان آورده شده بود. تا پایان سال 1972 در کشور های مختلف تقریباً 20 بنای یادبود قائم شده، از طریق نشر و انتشار، فعالیت های سیاه کاری (افتراء ارمنی) با برنامه به کار گرفته شده بود.



پنج روی ترور. جلد مجله تایم به تاریخ 1986.09.29.

در دوران جدید تشویق کنندگان، توسعه دهندگان، محیا سازان، پخش کنندگان در میدان های وسیع تر و تامین کنندگان اهداف مختلف ترور؛ تشکیل دهندگان تیم و گروه ترور، پشتیبانان تشکلات جدید ترور، تدوین کنندگان تماس و ارتباط مشترک، تشکیلات های ترور دانشناک و هنجاک بودند. در کنار اینها از اسم بیشترین استقهام کننده و استفاده کننده مترادف ترور ارمنی، ارتش سری ارمنی برای آزادی ارمنستان (!) در شکل اسم اختصاری، ASALA می باشد.

با بیرون آوردن تیم و گروه های ترور از داخل تشکلات عرفی ترور، لیکن ASALA با بیرحم ترین و غیر انسانی ترین اعمال ترور خود آفریننده ترور دوران جدید گشته بودند. ASALA هم حمایت معنوی و روحی، تماس و ارتباط مشترک را از هنجاک های ارمنی می گرفت. ترور ارمنی، در شکل تهاجم مسلحانه متوجه به موظفان تورک خارج از کشور، نمایندگی ها و سازمان ها در زمان کوتاه با نشان دادن ارتقاع سریع وسعت یافته بود. در این دوران در اروپا و کشورهای شرق مثل سوریه و لبنان ارامنه اساس گرفته، با ورود به همکاری با یونانیان قبرس و یونان اعمال خود را به وقوع رسانده بودند.

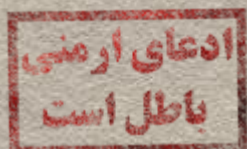
تشکلات ترور ارمنی، به مورد عکس العمل دنیای خارج در سال 1980 با تغییر تاکتیک، وارد همکاری با تشکیلات ترور PKK شده بودند. در سال 1984 تشکیلات تجزیه طلب ترور PKK به صحنه فرستاده شده و ASALA - ارمنی به پلان عقب کشیده شده بود. بعضی از نمونه های مشخص ارتباط دهنده بین ارامنه و PKK این موارد می باشند:

- تشکیلات تجزیه طلب ترور PKK، بین تاریخ های 28-21.04.1980 با اعلام هفته سرخ و با به خاطر آوردن 24 آوریل روز نسل کشی صوری ارامنه شروع به انجام تجمعاتی همراه با ارامنه کرده بودند.
- در تاریخ 08.04.1980 در شهر سیدون لبنان تشکلات ترور PKK و ASALA تجمع مطبوعاتی طرح ریزی کرده بودند و در نتیجه تجمع یک اظهار نامه منتشر شده بود. اما به مورد کشیدن عکس العمل این حادثه ادامه ارتباط در میدانی نا مشروع با مخفی بودن به قرار گرفته شده بود. بعد از این توافق، در تاریخ 09.11.1980 با تهاجم طرح ریزی شده متوجه به سر کنسول تورک استرازبورگ، و در تاریخ 19.11.1980 با تهاجم به دفترخانه راه هوایی تورکیه در روم، از طرف تشکیلات های ترور PKK و ASALA همکاری ارتقا پیدا کرده بود.
- تروریست تجزیه طلب عبدا... اجلان (Abdullah Öcalan)، از طرف اتحادیه نویسندگان ارمنی به سبب کمک در راه رسیدن به مطلب خولیای سقیم ارمنستان بزرگ به عنوان عضو مفتخر انتخاب شده بود.
- در بنیه حرکت مردم ارمنی، یک کمیته کردستان هم همانند مشابه یک تعداد کشور اروپایی تشکیل شده بود.
- در تاریخ 04.06.1993، حزب هنجاک ارمنی، با ملحق شدن منصوبان تشکیلات ترور ASALA و PKK در غرب بیروت در مرکز موجود تشکل ترور PKK یک تجمع انجام داده بود.

یک نمونه قابل توجه دیگر مرتبط با ارتباط ارمنی - PKK لیکن، در تاریخ های 09-06.01.1993 در بیروت با طرح ریزی شدن دو تجمع جداگانه در کلیسا، اسقف اعظم ارتدکس ارمنی، از این تعبیر در ملحق شدن صلاحیت داران حزب ارمنی همراه با 150 جوان به تجمع استفاده کرده بود:

- اکنون باید بر علیه تورکیه رفتار ساکن نشان داده شود.
- اجتماع ارمنی به مرور در حال رشد است و از جهت اقتصادی در حال قدرت گرفتن است.
- در سایه فعالیت های توسعه داده شده پروپاگاندا، در تمام دنیا درک بهتر برای نسل کشی (صوری) آغاز شده.
- دولت ارمنستان تاسیس شده، با گذشت هر روز اراضی آن در حال گسترش است و انتقام پدران خود را کاملاً خواهند گرفت.
- به مورد در راس بودن ایالات متحده آمریکا، دیگر کشورهای غربی در جنگ رانده شده به قره باغ ارامنه را ذیحق دیده اند.
- ارزشمند شماری این فرصت لازم است... در قره باغ به محاربان جوان ارمنی اعضای جدید ملحق خواهد شد.
- در تورکیه - با قصد مجادله انجام شده با تشکل ترور PKK - جنگ داخلی ادامه خواهد یافت، اقتصاد تورک به نقطه صفر خواهد رسید و شهروندان عسبان خواهند کرد.
- تورکیه تجزیه خواهد شد و یک دولت کرد تاسیس خواهد شد.
- ارامنه ارتباط خود با کردها را در یک شکل عالی ادامه دادنی و مستلزم حمایت از مجادله های کرد هستند.
- امروز اراضی در دست تورکیه، فردا مال ارامنه خواهد شد.

بطور خلاصه؛ هدف مشترک تشکیلات های ترور ارمنی؛ در استفاده از هر فرصت برای راندن بی ثباتی به تورکیه، در ادعای متخلخل رهایی اراضی ارمنی (!) و بنای "ارمنستان بزرگ مستقل" است. امروز ارامنه با بدست آوردن خصوصیت دولت دار بودن، در موضوع بحث، تقاضا های متغییر آنها مدام در زیر عناوین مختلف قابل مشاهده است.



وضعیت امروزین

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری ارمنستان با اعلام استقلال خود در 1991.09.23 ادعاهای "نسل کشی صوری" متوجه بر تورکیه را به حالت یک سیاست دولت درآورده است. ارامنه، با ایجاد یک تجسم جمعی مشغول بر ظلم و نالقی، با در راس بودن ایالات متحده امریکا، فرانسه، دولت های تابع و موسسه های بین المللی، تلاش کردند که آنها را به لحن دعوی ارمنی بکشند.

در ارتباط با تثبیت و قبول ادعاهای نسل کشی صوری، از تورکیه در گرفتن تضمینات سنگین و در آخرین مرحله لیکن درون مرزهای تورکیه در ادعای واهی در وجود اراضی ارمنی (!)، با تامین ادعای ارمنستان غربی در جهت بنای ارمنستان بزرگ در حال تعقیب این سیاست هستند.

حال اینکه در 1990.08.23 در اعلامیه قبول شده در پارلمان ارمنستان؛ به ماده "جمهوری ارمنستان، تلاش قبول بین المللی نسل کشی به وقوع پیوسته 1915 در ارمنستان غربی و تورکیه عثمانی را حمایت می کند" جای داده شده.

دخالت های هدف دار شده تعریف نسل کشی صوری، در تعدادی کشور کثرت یافته، در این کشورها پشت سرهم بنای یادبود قائم شده، حتی در مدارس بعضی کشورها در نسل کشی صوری ارمنی خوانده شده است.

روابط تورک - ارمنی در حکومت تر- پتروسیان (Ter-Petrosyan) نسبتا در وضعی معتدل سپری شده بود. اما در آوریل 1998 با رئیس جمهور شدن لیدر سری تشکیلات داشناکسوتیون کوچاریان (Koçaryan) بلافاصله حرکات قوم پرستی افراطی آزاد رها شده، در روابط ارمنستان و تورکیه یک سیاست طرفدار سردی شروع به پیروی کرده بود. کوچاریان در یک توضیح رسمی انجام شده؛ "هیچ وقت فراموش نکردن نسل کشی، بودن در وضعیت معرفی این تراژدی به دنیا، بی جزا ماتدن نسل کشی، شناخت بین المللی و به وقوع نه پیوستن انتقاد در شکل لایق" را اظهار کرده بود. در جلسه 53. مجمع عمومی سازمان ملل با تکرار ادعاهای معین گشته، به زیر احاطه و محاصره اقتصادی گرفته شدن ارمنستان از طرف تورکیه و آذربایجان را ادعا کرده بود.

زیباترین جواب بی شبهه را به امثال کوچاریان، جماعت ارامنی که در تورکیه زندگی می کنند داده اند. در تاریخ 2000.10.07 در یک برنامه پخش شده تلوزیونی با نام پوست گردو در گفتگو با رئیس کلیسای ارمنی قندیلی دیکران کُورکان (Dikran Kevorkan)، وی در مورد ادعای نسل کشی صوری و کاربرد تغییر مکان این جملات را به زبان آورده بود:

"نسل کشی و تهجیر (جمع کردن از جایی و به جایی دیگر برداشتن) به معانی متفاوت می رسند. بازی امپریالیست ها و حکام غیر سیاسی لیدر تفکر ارمنی (مطبوعات، کلیساها، شخصیت های دینی) مسبب تمام این حوادث شده بودند. پاتریک یک لیدر روحانی است، در موضوعات سیاسی مثل الهام از پاتریک یک اشتباه انجام می شود. قدرت های امپریالیست اگر در پشت ASALA و PKK نبودند آنها چکار می توانستند انجام دهند؟ در مسئله تغییر مکان فشاری از آلمان بر استانبول است. در اینجا آلمان در موضوع تشنج نظام مسکون و راه آهن بغداد هدف گرفتن تامین منافع اقتصادی خود را دارد." (1)

لیکن نظرات کورکان در مورد ادعاهای "آسیمیلیسیون" این گونه است:

"امروز برای ارامنه دنیا، کشوری که بتوانند در آن از هویت خود در راحت ترین و قوی ترین شکل محافظت کنند تورکیه است. جمعیت پراکنده ارمنی و خارج از کشور با تغییر اسامی خود وارد مجادله می شوند. چرا که در آنجا، یک سنگینی مدنی، در حل کردن آداب آن مردم وجود دارد. امروز جمعیت پراکنده ارمنی که بر علیه تورکیه حرف میزنند خیلی خوب میدانند که، در کلیساهای معین آمریکا رسوم قربان در روز های یکشنبه به زبان انگلیسی انجام می شود و ارامنه زبان مادری خود را فراموش می کنند.

وقتی این را میگوییم یک فرد شیرین می شوی. برای همین ما با شهروند تورکیه بودن خود تاسف مان را به زبان می آوریم. برای چه؟ چرا که بر روح قوای ملی امانت سپرده شده از سوی آتا تورک یک ناحقی انجام می گیرد. تمام اینها بازی آنهاست که در خارج هستند. ASALA، PKK، این قرار نامه، تمام اینها بازی خارجیان است. ما با شهروند تورکیه بودن خود به وقوع انجامیدن یک ناحقی را درک می کنیم، ارامنه اگر عقل دارند به عنوان ماشه استفاده نشوند." (2)

لیکن مسروب دوم (II. Mesrob) پاتریک ارامنه تورکیه، در 1999.05.22 با سخنرانی در یک ضیافت رسمی تنظیم شده در هتل هیلتن استانبول، در بیان این پیام تکذیب کننده، جواب بسیاری از ادعاهای ارمنی را داده بود:

"تاسیس پاتریک گری ارمنی استانبول در تاریخ یک حادثه است که به برابر آن برخورد نمی کنیم. هشت سال بعد از فتح استانبول توسط فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmet)، در 1461 اسقف اعظم ارامنه آناتولی غربی با یک فرمان آورده در بازگشت به پاتریک گری استانبول یک نمونه بسیار بارز از بصیرت آینده نگری فاتح و پادشاهان عثمانی و تسامح نشان داده به ادیان دیگر است.

در تاریخ منصوب شدن یک حاکم دینی توسط اعضای یک دین دیگر در تاسیس مقام ریاست روحانی، نه قبل و نه بعد از فاتح دیده شد. در حال ورود بر هزاره جدید بحران های موجود در دنیا، خصوصا اگر میانه نزاع محیط نزدیک مان را به پیش چشم بگیریم، ارزش به وقوع پیوستن حادثه 538 سال قبل، اهمیت تساهل بین آداب و ادیان را فکر کنم بهتر می توانید درک کنید.

فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmet) را به خاطر این که در داخل مرزهای امپراتوری حیات جمعیت ارمنی را بنابر عرف و عادات آن تنظیم کرد، در جهت آن به دولت مردان خادم کشور و در 1461 با شروع پاتریک گری ارمنی استانبول از هواگیم (Hovagim) بورسای تا این مکان با صداقت به 83 پاتریک گری مان خدمت کنندگان را با عشق و منت درک می کنیم.

ما ارامنه تورکیه، با وجود این که در کشورمان بزرگترین جمعیت مسیحی هستیم که زندگی میکنیم، 76 مین سال (جمهوریت) را با ذوق تبریک گفته آتیه روشن جمهوری تورکیه را با تمام قلب باور کرده و به فرداها با امید نگاه می کنیم." (3)

کوچاریان (Koçaryan) لیدر سری تشکیلات داشناکسوتیون، بعد از این که رئیس دولت ارمنی شد به اجراء پلان 4 ت سرعت داده بود. هدف نهایی، پیش بینی تجزیه متوجه بر تمامیت ارضی جمهوری تورکیه است. این استراتژی، در گذشته از هدف سه - پنج تشکل ارمنی به میان آمده، ارمنستان امروزی هم آن را به حال ایدال گرفته. اگر به مهمترین سه سند ارمنستان امروزی نگاه کنیم این وضعیت را به طور آشکار می بینیم.

اینها اعلان استقلال است، قرار استقلال و قانون اساسی ارمنی در سال 1995 قبول شده است. ارمنستان در شورای عالی جمهوری جماهیر شوروی به تاریخ 1990.08.23 در ماده 12. ابلاغیه استقلال جمهوری ارمنستان، تلاش قبول بین المللی نسل کشی به وقوع پیوسته 1915 در ارمنستان غربی و تورکیه عثمانی را حمایت خواهد کرد، را به زبان آورده بود.

پارلمان ارمنستان، در تاریخ 1991.09.23 با گرفتن قرار استقلال در ارتباط با موضوع مربوط بیان و تعهد کرده بود که ارمنستان به اعلان استقلال خود صادق خواهد ماند، در سال 1995 با قبول شدن قانون اساسی ارمنی لیکن ارمنستان در اعلان استقلال به اهداف ملی خود متعهد خواهد ماند، را به حال یک حکم قانونی اساسی در آورده بود.

قبول کردن یک نسل کشی به سبب عدم اتفاق آن و طلب خاک از شرق تورکیه و آن را با ارمنستان غربی توصیف کردن، از یک عمل مخفی خارج شده، محتملا در شکلی که در قانون اساسی یک کشور دیگر اتفاق نمی افتد، رسماً به دنیا افشا شده بود. جدای از قانون اساسی با نقشه های پروپاگاندایی و تبلیغاتی این وضعیت را انجام می دهند.

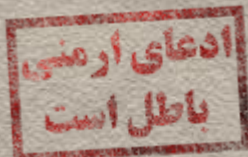
در برابر این سیاست امپریالیسم ارمنستان، توجه به متن های توافق نامه NATO و OSCE لازم است. اسناد به وجود آورنده هر دو تشکل و اساس منطق این تشکیلات ها، به زیر تأمین گرفتن تمامیت ارضی کشورهای عضو است.

همانند آنچه که واضح است NATO یک پکت نیروی نظامی است. اما، اگر به شرط پاریس که تشکیل دهنده اصل OSCE است بنگریم؛

... قانون ملل متحد با تحمیل مسولیت ها و با تناسب تعهدات آورده در سند نهایی هلسینک، به تمامیت ارضی هر کدام از کشورها یا در استفاده نظامی علیه استقلال و یا دیده شدن در وضعیت تهدید استفاده از نیروی نظامی و یا اینکه موجود بود در یک عمل به طرز منافعی با اساس این اسناد و اهداف تعهد اجتناب کردن را تکرار خواهد کرد. اگر با قانون ملل متحد و مسولیت های تحمیل شده نا تناسبی دیده شود، از نظر حقوق بین المللی نقض شده بودن آن را خاطر نشان خواهیم کرد...

حکم آن را می بینیم.

در این ماده همانند آنچه که دیده می شود، در حالی که منطق هر دو سازمان واضح می باشد، از طرف دیگر رفتار متوجه اعضای NATO و OSCE با یک کشور متقاضی و طالب خاک تورکیه و یا خاک تورکیه را با ارمنستان غربی تفسیر کرده و آنها را در قانون اساسی خود جا داده قابل بحث و نقد است. حق و منافع طرف های همکاری بین المللی متکی بر احترام است. از یک طرف تورکیه با عضو بودن در هر دو سازمان بین المللی، از طرف دیگر هم ارمنستان بر روی اراضی تورکیه ادعای حق کرده و در پی سیاست امپریالیسمی است...



نتیجه

امروز آنچنان که در تاریخ بوده، بعضی کشورها برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود پشتیبان جامعه ارمنه هستند. در بعضی از این کشورها برای اینکه تورک ها و تورکیه را در (جذلات) بیان خود محکوم به نسل کشی صوری ارمنه کنند لوحه های یاد بودی نسب کرده اند، در بعضی کشورها برای متوجه کردن، تعریف و معرفی ادعاهای نسل کشی صوری ارمنه دستور جلسات پارلمانی برگزار می شود. و حتی در پارلمان بعضی کشورها این ادعاهای باطل قبول می شوند. در حقیقت موضوعی که باید اهمیت آن بدست مورخین سپرده شود، به وسیله ای تبدیل شده تا ابزار دست سیاسیون برای حفظ منافع شود.

از زمان به میان آمدن مسئله ارمنی تا به امروز، هدف ترور ارمنی که قتل عام و بقل رساندن را مسلک خود کرده، با آمدن از جهالت و بی بصیرتی در واقعیت های تاریخی، سعی کرده تا در (جذلات) بیان ادعای های نسل کشی صوری ارمنی و طلب های ارمنه را برای حس شدن به افکار عمومی دنیا برساند. لیکن آخرین آرزویی که می خواهند بدان برسند تحقق خولیای سقیم "ارمنستان بزرگ" می باشد.

ارمنه و حامیان آنها، با هدف به واقعیت رساندن خولیای سقیم ارمنستان بزرگ، به کوچ گرفتن ارمنه را در شکل پلان 4 ت برای بهره برداری به اجراء گذاشته اند. این پلان، هدف دارد که ادعاهای ارمنی را به دنیا تعریف کرده، از طرف تورکیه هم به تیقن گرفته شود، با گرفتن **تظمینات** از تورکیه و نهایتاً با جدا کردن قسمتی از ترب و خاک تورکیه که نام (متخلخل) ارمنستان غربی را بر آن نهاده برسد.

مسئله ارمنی، توسط کشورهایی به میان آمده بود که برای رسیدن به منافع خود تکه تکه شدن دولت عثمانی را هدف قرار داده بودند، لیکن امروز با اسامی تغییر یافته همگی برای همان محیط نفع بر روی تورکیه در به تحقق رساندن اعمال خود آنچه را که بگرمی گرفته اند مسئله ای بی اساس، اصطناعی و مقصد دار است.

آنهایی که از این ادعاهای بی اساس و افتراها بهره برداری می کنند، شهروندان ارمنی الاصل درون مرزهای جمهوری تورکیه که با عرف، عادت و دین خود آزادانه زندگی می کنند نیستند؛ جمعیت ارمنی پراکنده خارج که فیزیکا و روحا حتی خیلی دورتر از ارمنستان زندگی می کنند و سیاست مدارهای فرصت طلبی هستند که با شکار کردن رای، مردم خود را برای موفقیت در اعمال تهی و پر خطر به پیش می رانند، این فرصت طلبان، با هیچ شمردن واقعیت های تاریخی برای تامین منافع سیاسی و اقتصادی باید به این نا حقی ها که بر علیه تورکیه انجام می دهند خاتمه دهند.

افتناع واقعیت های تاریخی و دعوی ذیحق مان به افکار عمومی جهان، وظیفه ناگذشتی هر شخص با هویت و زبان تورکی، خصوصاً مدیران دولت، اشخاص علمی و ارگان های نشر و توزیع مطبوعات می باشد.



1) Kanal 6 Televizyon, Ceviz Kabuğu Programı, 7 Ekim 2000)
2) Kanal 6 Televizyon, aynı program.
3) 23 Mayıs 1999, Gazeteler

روابط تورک - ارمنی

ارامنه به ترتیب زیر حاکمیت پارس، مقدونیه، سلفکیت، روم، پارت، ساسانی، عرب و تورک زندگی کرده و مشاهده شده اند. تورک های سلجوقی ارامنه را از زیر ظلم بیزانس رها کرده و به آنها حق زندگی را به صورت انسانی بخشیدند. چنانکه در دوران فاتح برای ارامنه آزادی دین و وجدان در بالا ترین سطح داده شد. برای جماعت ارمنی در مورد اداره دینی و اجتماعی اسقف گری مقرر گشت.

ارامنه در طول تاریخ توسط رومی ها، پارس ها و بیزانس ها، از نقطه ای از آناتولی به نقطه ای دیگر رانده شده و در جنگ ها مفقود گشته یا در دفعات کثیری مجبور و یا حاضر به معامله در صنف تبعه و شهروند رده سوم بودن قرار گرفته اند. ارامنه بعد از ورود تورک های سلجوقی به آناتولی، از عدل، انسانیت و آزاد منشی تورک ها، از معنای اتحاد و باور آن استفاده ها کردند. این روابط تکامل آفرین تا اواخر قرن نوزدهم به ادامه خود متداول بوده، و به عنوان "**عصر طلایی ارامنه**" میتوان از آن نام برد.

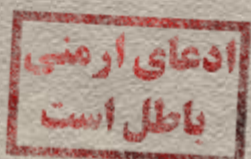
در دولت عثمانی مثل هر تبعه با تلاش، با لیاقت، درست و با استعداد امکاناتی محیا می شد و در این بین ارامنه در میان غیر مسلمانان به عنوان بیشترین مزیت و امتیاز گیران قرار داشتند. در حالی که از سربازی و قسما از پرداخت مالیات معاف می شدند، در تجارت، در صنعت، در زراعت و در کارهای اداری فرصت هایی برای ترقی بدست آورده بودند و با ملت وابسته به دولت به حرکت و قرار خود با عنوان "**ملت صادق**" مقبول گشته بودند.

تاسیس پاتریک گری ارمنی استانبول در تاریخ یک حادثه است که به مشابه آن برخورد نمی کنیم. هشت سال بعد از فتح استانبول توسط فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmet)، در سال 1461 اسقف اعظم ارامنه آناتولی غربی با یک فرمان آورده در بازگشت به پاتریک گری استانبول، یک نمونه بسیار بارز از بصیرت آینده نگر فاتح و سلاطین عثمانی و تسامح نشان داده به ادیان دیگر می باشد. در تاریخ منصوب شدن یک حاکم دینی توسط اعضای یک دین دیگر در تاسیس مقام ریاست روحانی، نه قبل و نه بعدا از فاتح دیده شد.

سخنان میسرروب دوم (II. Mesrob) پاتریک ارامنه با اظهار این که "در حال ورود بر هزاره جدید بحران های موجود در دنیا، خصوصا اگر میانه نزاع محیط نزدیک مان را به پیش چشم بگیریم، ارزش به وقوع پیوستن حادثه 538 سال قبل، اهمیت تساهل بین آداب و ادیان را فکر کنم بهتر می توانید درک کنید." اهمیت این حادثه را تصدیق می کند.

خصوصا، آنهایی که به زبان تورکی صحبت کرده و آیین خود را به تورکی برگزار کرده اند از این اجتماع در بین خدمه های دولت به وظایف و پست های مهم و فوق ارتقاع درجه یافتند. حتی به پست های عمرانی، بحریه، وزارت، مالیه، خزانه، پستی و تلگرافی، وزارت ضربخانه و مستشاری نایل می گشتند. و حتی در مورد مسایل دولت عثمانی به زبان تورکی و خارجی اثری نوشته اند.

اما در دورانی که دولت عثمانی رو به ضعف رفتن را شروع کرده بود، ارامنه که با تحریک و وعده دولت های خارجی با عصیان های خود بر زندگی ده ها هزار تورک و ارمنی خاتمه دادند، تلاش کرده بودند تا کشوری که هزار سال در آن با رفاه زندگی کرده بودند را تکه تکه کنند.



روابط تورک - ارمنی در دوران سلجوقیان

آناتولی اعتبارا بعد از بیرون آمدن از زیر حاکمیت بیزانس در قرن 7، ابتدا بدست امویان، لیکن بعد از آنها تا اواخر قرن 10 بدست عباسیان افتاده بود. از اواخر قرن 10 آناتولی مجددا به شکل کامل به زیر حاکمیت بیزانس افتاد.

امپراتور بیزانس واسیل دوم (Vasil II)، در آخرین سنوات عمر خود به فعالیت در قفقازها دیده شده بود. در زمان خاندان باغراتونی بعد از مرگ گاگیک اول (Gagik I) (990-1020) در منطقه اغتشاشاتی به میان آمده بود. این وضعیت به امپراتوری بیزانس یک فرصت موفقیت آمیز برای مداخله داده بود. قسمتی از گرجستان همانند منطقه وان هم وارد امپراتوری بیزانس شده بود. لیکن همان خاندان ارمنی در ادامه طول حیات خود برای پسر و خلف گاگیک ایونناس سمبات (Ionnas Smbat) مانده بود، اما بعد از مرگ او هم در شکل مشابه محل زندگی ارامنه به امپراتوری بیزانس ملحق شده بود.

امپراتوری بیزانس، در الحاق محل زندگی ارامنه به مرزهای خود باز نمانده بود، در همان زمان مورخ ارمنی ماتوس (Mateos) اورفایی همانند آنچه که معین کرده "مردم ارمنی و حاکمان آنها را از خانه و ایالت خود برداشته و برده اند" را توضیح داده.

ولیعهد سلجوقی حسن در سال 1047-1048، پیشروی به سوی منطقه اطراف دریاچه وان را شروع کرده بود. در تعیین شدن ابراهیم یینال (Ibrahim Yinal) به عنوان والی عمومی آذربایجان به مورد گرفتن دستور از تغرل بی (Tuğrul Bey) در سپتامبر 1048 با حرکت به سوی پستی های پاسین، فرماندهی های ارتش بیزانس در لپاریت، آرون و کاتاکالون را مغلوب کرده بود.

رومانوس ششم دیوژنس (Romanos VI. Diogenes) با مرگ امپراتور بیزانس (1067) کونستانتین دوکاس (Konstantin Dukas) و ازدواج با همسر او با بدست آوردن اقتدار، بلافاصله جنگ علیه سلجوقیان را بدست گرفته بود، فقط به سبب ضعف شدید ارتش خود با یک سختی بزرگ، ارتشی معاش گرفته با اکثریت اصالت های خارجی (بچنک، فرانک، ارمنی، اسلاو، بلغار، خزر، گرجی و...) را تشکیل داده بود.

امپراتور بیزانس قبل از راهی شدن مستقیم به ملازگرد، تا بعد از برگشت از جنگ قسم خورده بود که مذهب ارمنی را از میان ببرد. ارتش امپراتوری بیزانس، در تاریخ 1071.08.26 به ارتش سلطان آلپ ارسلان هجوم برده، اما فقط مغلوب شده بود. آلپ ارسلان با به اسارت بردن امپراتور بیزانس، با امضای صلح دیوژنس برای به تخت نشستن دوباره او با یک مراسم بزرگ راهی استانبول شده بود.

ارامنه ای که سالهای طولانی زیر حاکمیت بیزانس زندگی کرده بودند در موضوع چگونگی رفتار بیزانس با آنها، ماتوس اورفایی با شنیدن و نوشتن حرف کسانی که در آن زمان زندگی می کردند بدین شکل نقل کرده:

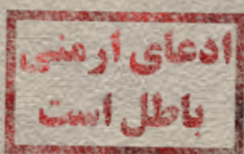
"... آنها (رومی ها) مذهب کاتوگیکوس را در معرض شکنجه های مختلف رها کرده بودند. بنابر چیز هایی که حس کردیم آنها، او را با آتش عذاب داده، فقط او، از بین شعله ها سالم و سلامت بیرون می آمد." "دو سال بعد (993-994) دوک روم کبیر، برابر با یک ارتش بزرگ بر علیه ارامنه حرکت کرد، بر روی مسیحیان افتاده و آنها را از زیر شمشیر رد کرده و به اسارت گرفت. او، مثل یک مار سمی به هر جا مرگ برد و بدین طریق، جای ملل بی دین را گرفت."

تورک ها، چگونه با ارامنه ای که به همراه بیزانسی ها بر علیه آنها می جنگیدند رفتار کردند؟ آیا همچون چیزی که بیزانسی ها انجام می دادند آنها را حقیر دیده بودند؟ آیا ظلم انجام داده بودند؟ یا اینکه کلیسا یا صومعه آنها را به آتش کشیده بودند؟ با در راس بودن ارامنه، رواداری و مسامحه نشان داده شده به تمام غیر مسلمین در حکومت سلجوقی را ماتوس اورفایی بدین شکل قید کرده:

"در تاریخ 539 (1090.02.27-1091.02.26) کاتوگیکوس ارمنی بارسگ (Barseg) نزد جهانگیر سلطان ملک شاه (Cihangir Sultan Melikşah) رفت. او دیده بود که در بعضی جاها مسیحیان را زیر فشار گذاشته، از کلیسای خدا، روحانیون و از اسقف های صومعه مالیات گرفته اند، به حضور عالی جناب و سلطان شیرین ایرانی ها و تمام مسیحیان رفته و قرار عرض کردن همه اینها را گذاشت. سلطان، سنیور بارسگ را به حضور قبول کرده، التقات بزرگی نشان داده و آرزو های او را به جا آورد. سلطان، تمام کلیساهای صومعه ها و روحانیون را از دادن مالیات معاف کرده و به کاتوگیکوس ارمنی فرمانها داده و او را با توجه خاص راهی کرد."

با این بیانات همانند آنچه که قابل فهم است تورک های سلجوقی، آن رواداری که بیزانسی ها به ارامنه و غیر مسلمین دیگر نشان نمی دادند را نشان داده بودند و حفاظت از دین آنها و زندگی اجتماعی آنها را تامین کرده بودند. این ذهنیت، در دوران سلجوقیان آناتولی هم ادامه داشت. به رغم نشان دادن تمام این رواداری ها، بعضا ارامنه در کنار بیزانسی ها حاضر شده و یا در طی جنگ های صلیبی در کنار آنها جای می گرفت اند.

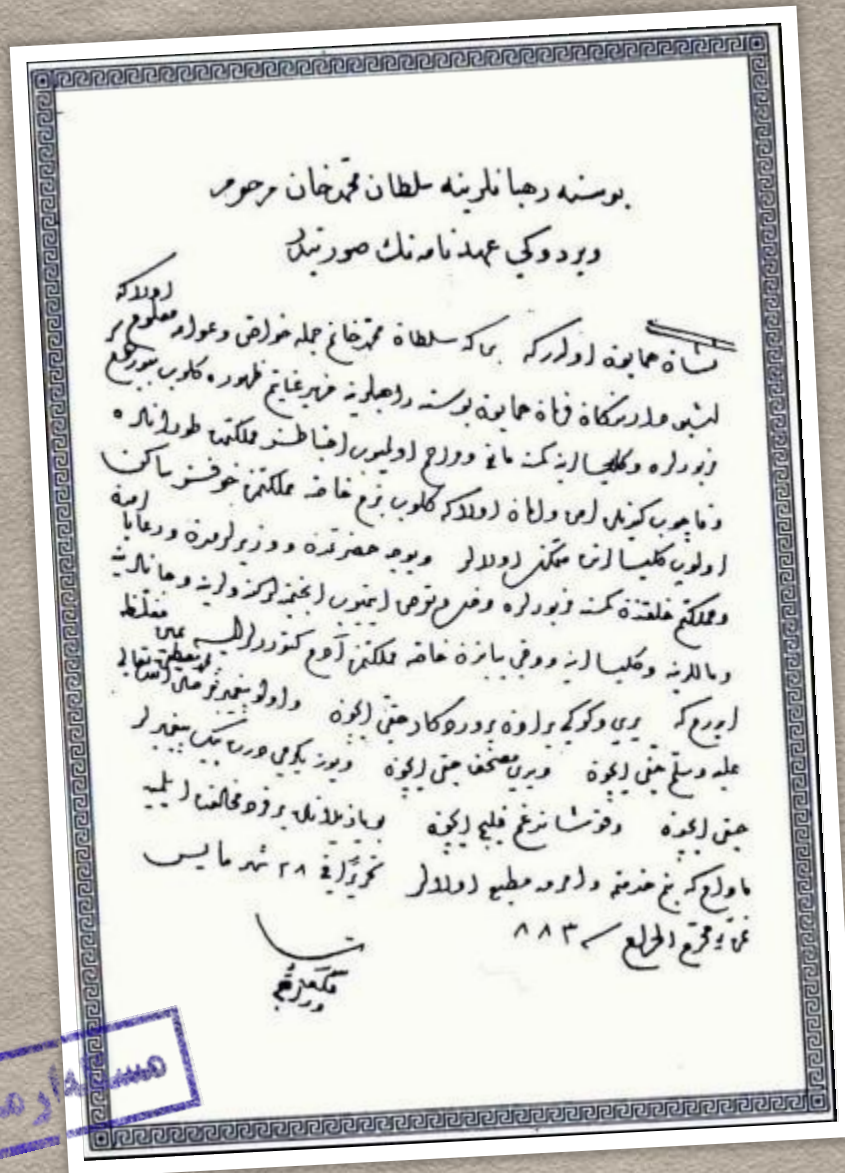
"خیانت و بی وفایی که خصلت ذاتی و تراشده پیکر غریزی منفعت طلبانه اقلیت دره دار ارمنی بود، حتی زمان مغلوبیت سلجوقیان نیز دیده می شود. در سال 1243 بعد از مغلوبیت کوسه داغ زمانی که خانواده و نزدیکان قیاس الدین کیخسرو دوم سلطان سلجوقی از محل زندگی ارامنه می گذشتند. توسط آنها اسیر شده و به مغول ها تسلیم شده بودند."



روابط عثمانی - ارمنی

ارامنه در اولین سالهای بنای حکومت عثمانی، عموماً در نواحی چوکور‌آوا، آناتولی شرقی الی قفقاز در وضعیتی پراکنده، دارای پرنس گری و حکومت های ملوک الطوائفی بودند. آنها به حکومت های ایران، بیزانس، گرجی، سلجوقی و دیگر دولت ها و میری های کوچک ملحق شده و زیر اداره آنها بودند.

اولین ارتباط ارامنه با عثمانیان، با وجود حداقلی آنها در ناحیه آناتولی غربی شروع شده بود. عثمان غازی (Osman Gazi) در سال 1324 بعد از این که بورسا را مرکز دولت کرده بود، اکثر ارامنه ای که در کوتاهیا بودند را همراه رئیس روحانی ارمنی به بورسا نقل مکان داده بود.



فاتح سلطان محمد، در زمانی که بوسنی را فتح کرد نتیجه سیاست دولت عثمانی این بوده که برای مردم ناحیه آزادی دینی آورده بود. فاتح سلطان محمد با دادن فرمان تاریخی (1478) 883 به کشیش های لاتین آنجا این متن ذکر شده: "نشان همایون این که من سلطان محمد خان ام؛ از طرف من به مردم طبقه خواص و عوام در این شکل معلوم شود که، با راهب های بوسنی که این فرمان را حمل می کنند در لطف حاضر شده این خصوص را فرمان دادام: موضوع بحث به راهب ها و کلیساهای شان از طرف هیچ کس مانع ایجاد نشود به آنها ناراحتی وارد نگردد. از اینها لزوماً به آنهایی که با بی احتیاطی در مملکت ام هستند و لزوماً برای آنهایی که فرار کردند امن و امان باشد که، به مملکت مان بیایند و بدون وحشت ساکن شوند و در کلیسا ها مسکون شوند: نه من، نه وزیرام و نه از طرف مردم ام هیچ کس در هیچ شکلی به اینها وارد نشده و آنها را انیت نخواهد کرد. به آنها، به جان های شان، به اموال شان، به کلیسا های شان و به کسانی که از خارج به مملکت مان خواهند آورد به حق الله آفریننده آسمان و زمین، به حق پیغمبر مان محمد مصطفی (ص)، به حق قرآن، به حق صد و بیست و چهار هزار پیغمبر و به حق شمشیری که بر کمر بست ام به سنگین ترین قسم ها قسم می خورم که، بنابر موضوع بحث خصوص معین شده فوق به راهب ها تا زمانی که در خدمت من و مطیع امر من هستند از طرف هیچ کس با آنها مخالفت نخواهد شد." در متن این فرمان هم همانند آنچه که دیده شد اقلیت ها تماماً در داخل یک محیط حریت حیاط شان را طی کرده بودند.

فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmet) در سال 1453 بعد از این که استانبول را فتح کرد هواکیم (Hovakim) رئیس روحانی ارامنه که در بورسا بود را به استانبول آورد و در سال 1461 با ابلاغ یک فرمان پاتریک گری ارمنی را بنا کرده بود. با فتح آناتولی شرقی و قفقاز جنوبی در 1514-1516 توسط یاوز سلطان سلیم (Yavuz Sultan Selim) ارامنه ای موجود در این منطقه را با ایجاد همان بنیه اجتماعی به پاتریک گری استانبول متصل کرده بود.

ارامنه که در طول تاریخ خود ارتباط و علاقه ندیده از هیچ دولت و حاکم را از دولت عثمانی دیده بودند، به ملت تورک با یک ارتباط صمیمی وابسته شده بودند. از این رو در مدت کوتاهی با کوچ از مکان های مختلف به استانبول جمعیت کثیری را ایجاد کرده و به حال یکی از جمعیت های دنیا که درون رفاه بودند درآمد.

از زمان فاتح سلطان محمد تا سلطان محمود دوم (Sultan II. Mahmud) در یک مدت 350 ساله امور دینی و اجتماعی مسیحیان و ارامنه مستقیم مطلقا با هم ادغام نشده بود. با کمک ارامنه ای که به آنها "امیرا (Amira)" گفته و از بانک دارها، تجار و ماموران دولت تشکیل می شده؛ تعداد زیادی مدرسه، چاپخانه و کتابخانه باز شده، تعداد زیادی جوان ارمنی به مورد انجام تحصیل و آموختن صنعت به اروپا فرستاده شده بودند. در همان دوران ارامنه زیر حاکمیت روس از این حقوق بی بهره مانده بودند.

پاتریک ارمنی نرسس (Nerses) در سال 1876 در نامه تقدیم کرده خود به شورای مجلس اتباع، "اگر تا بدین روز ملت ارمنی، با ملت بودن حفظ شده و اگر از باور خود، کلیسا، زبان، تاریخ و از ارزش های مدنی خود محافظت کرده، تمام اینها زیر سایه نشان داده شدن حمایت، خیر دوستی و کمک حکومت تورک به ملت ارمنی است. تقدیر، ارامنه را به تورک ها پیوست داده. بدین سبب ارامنه، در روزهای جنگ و امتحان سنگین دولت در این مورد بدون قید شدن نمی توانند حرکت کنند. برعکس آن همانند هر زمان در اجبار امداد بدان هستند. ارمنی ای که وطن را دوست دارد، با کمک به دولت، بهترین خدمت و کمک شده به ملت ارمنی را خواهند دید." متن فوق را ذکر کرده بود. همانند آنچه که دیده شده پاتریک نرسس، در سایه صاحب حق بودن ارامنه در حکومت عثمانی چگونگی محافظت از شخصیت ارمنی را معین کرده بود.

دولت عثمانی، اصلاحات وعده داده را که به خط سلطان بوده را اعلان کرده بود، لیکن غیر مسلمین از حقوق داده شده جدید راضی و ممنون نگشته بودند. تنظیمات برای غیر مسلمین تکلیف خدمت در نظام را آورده بود، اجازه ورود آنها به مدارس نظامی در ماموریت های اداری و نظامی دولت داده شده بود. با استناد به این ارامنه در 1863 با یک فرمان در باب عالی به اجراء گرفته شدن نظام نامه ملت ارمنی که از 99 ماده تشکیل شده بود را تصدیق کرده بودند.

در حکومت عثمانی ارامنه هم همچون اقلیت های غیر مسلمان در هر زمان معامله تبعه رده اول را دیده بودند؛ همچون به خدمت نظام نرفتن شان، خصوصا با بدست گرفتن نقطه های کلیدی حیات تجاری با سرعت تمام، در جامعه به پلان مقدم کشده شده و به این جهت ثروتمند شده بودند.

وابستگی شان به دولت، تملک شان به عدالت تورک ها، حتی صحبت کردن شان به زبان تورکی، باعث تعیین شدن ارامنه در امور خاص و رسمی مرتبط با دولت شده بود. از این منظر در قرن 16 اشخاصی همچون محمد پاشا (Mehmet Paşa) ی ارمنی الاصل تا رتبه وزیری در بین سیاسیون ارتقا یافت، در قرن 18 جواهر ساز های کاخ از عایله دوزیان دیوریکلیایی (Divrikli Düzyan) که بعدها از وزرای ضربخانه شدند، طبیبان کاخ از خانواده ساسیان (Sasyan)، در قرن 19 وزرای ضربخانه از خانواده بزجیان (Bezciyan)، وزرای باروت خانه از خانواده دادیان (Dadyan) در عالی ترین خدمه های دولت مشغول خدمت بودند. در قرن 19 و زمان سلطان عبدالحمید دوم (Sultan Abdülhamit II) و بعد ها، در پست های وزارتی و امور خارجه موظفان ارمنی هم موجود می باشند. به غیره تعداد زیادی از ارامنه برای سیاسیون دولت عثمانی مشاوره هم انجام می دادند.

ارامنه مثل آنچه که ادعا می کنند در جامعه ای نبودند که به نسل کشی گرفته شوند، گروهی شده بودند که در هر خدمه دولت، در هر مسلک، مقام های مهم به آنها داد شده بود.

موثرترین توضیحات از زاویه دید روابط عثمانی - ارمنی، شخصا از طرف لیبرهای جمعیت ارمنی در تورکیه اینگونه به میان آمده بود. پاتریک ارمنی مسروب دوم (II. Mesrob) در تاریخ 1999.05.22 با سخنرانی در یک ضیافت رسمی برگزار شده در هتل هیلتن استانبول این سخنان را بیان کرده بود.

"بیرون از هزاره سوم هستیم. در حال حاضر شدن برای تجلیل شروع دوران جدیدی در تاریخ بشریت هستیم. همه مان، یک فرصت بزرگ بودن این مورد را درک می کنیم. فرصت تعیین کردن آینده مان، اقلیم، مدنیت و درک هم گرایی خلق ها..."

احترام به حیات انسان، به حق و آزادی های فردی، دنیای عادل و دور از هر نوع شدت، حسرت مشترک همه مان است.

این نقطه بازگشت پیش روی مان تنها یک فرصت بی نظیر نیست، در همان زمان یک امتحان سخت را تقدیم مان می کند. حاضر شدن برای پشت سر گذاشتن 2 هزار ساله پر شده از حوادث تراژیک.

باز در میان همه چیزهایی که پشت سر می گذاریم تنها چیزی که با احترام یاد خواهیم کرد، نیست نبودن حوادثی است که با شوق آنها را در هزاره های پیش رو مبارک خواهیم شمرد.

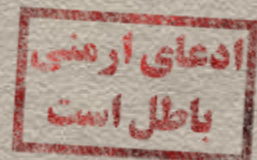
عینا مثل تجلیل امروزمان...

تاسیس پاتریک گری ارمنی استانبول در تاریخ یک حادثه است که به مشابه آن برخورد نمی کنیم. هشت سال بعد از فتح استانبول توسط فاتح سلطان محمد، در سال 1461 فرمان آورده شده اسقف اعظم ارامنه آناتولی غربی در بازگشت به پاتریک گری استانبول، یک نمونه بسیار بارز از بصیرت آینده نگری فاتح و سلاطین عثمانی و تسامح نشان داده به ادیان دیگر است.

در تاریخ منصوب شدن یک حاکم دینی توسط اعضای یک دین دیگر در تاسیس مقام ریاست روحانی، نه قبل و نه بعد از فاتح دیده شد. در حال ورود بر هزاره جدید بحران های موجود در دنیا، خصوصا اگر میانه نزاع محیط نزدیک مان را مقابل چشم بگیریم، ارزش به وقوع پیوستن حادثه 538 سال قبل، اهمیت تساهل بین آداب و ادیان را فکر کنم بهتر می توانید درک کنید.

فاتح سلطان محمد را به خاطر این که در داخل مرزهای امپراتوری حیات جمعیت ارمنی را بنابر عرف و عادات آن تنظیم کرد، در جهت آن به دولت مردان خادم کشور و در 1461 با شروع پاتریک گری ارمنی استانبول از هواکیم بورسای تا این مکان با صداقت به 83 پاتریک گری مان خدمت کنندگان را با عشق و منت درک می کنیم.

ما ارامنه تورکیه، با وجود این که در کشورمان بزرگترین جمعیت مسیحی هستیم که زندگی می کنیم، 76 مین سال (جمهوریت) را با ذوق تبریک گفته، آتیه روشن جمهوری تورکیه را با تمام قلب باور کرده و به فرداها با امید نگاه می کنیم."



تصاویر و اسامی بعضی از ارامنه موظف در دولت عثمانی



Agop KAZAZYAN



Artin DADYAN Paşa



Gabriel NORADUNKYAN



Mareşal Garabet Artin DAVUT Paşa



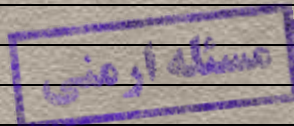
Mareşal Ohannes KUYUMCUYAN Paşa



Sakız OHANNES Paşa

ناظرین (وزرا)

اسامی	مقام
آگوپ کازازیان	وزیر مالیه
مارشال گارابت آرتین داوود پاشا	وزیر P.T.T
آندون تینگیر یاور پاشا	وزیر P.T.T
اوسکان ماردیکیان	وزیر P.T.T
بردوس حلاجیان	وزیر عمران
مارشال گارابت آرتین داوود پاشا	وزیر عمران
آووکات کریکور سیناپیان	وزیر عمران
کریکور آگاتون	وزیر عمران
گابریل نورادونکیان	وزیر عمران
گابریل نورادونکیان	وزیر امور خارجه



غیر از این اسامی، که به آنها ناظر خزانه خصوصی گفته می شده، در زیر هم بعضی مقام های بزرگ ارمنی که در خدمت دولت بودند موجود می باشد و منحصر ا اشخاص دارای اعتماد نزد پادشاه از طرف شخص وی انتخاب می شدند؛

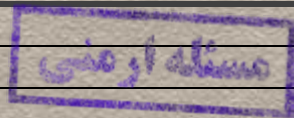
آگوپ کازازیان پاشا	Agop KAZAZYAN Paşa
میکائیل پورتاکالیان پاشا	Mikael PORTAKALYAN Paşa
ساکیز آهانس پاشا	Sakız OHANNES Paşa

اعضای اعیان (سناورها)

مارشال آهانس کویومجویان پاشا	Mareşal Ohannes KUYUMCUYAN Paşa
آبراهام ارامیان پاشا	Abraham ERAMYAN Paşa
مانوک آزاریان	Manuk AZARYAN
گابریل نورادونکیان	Gabriel NORADUNKYAN

ناظرین خزانه خصوصی

اسامی	مقام
آگوپ کازازیان پاشا	ناظر (وزیر)
میکائیل پورتاکالیان	ناظر
آهانس ساکیز پاشا	ناظر



مدیران و ماموران خزانه خصوصی

توماس	TOMAS	ملکن میلویان	Melkon MİLOYAN
هیمایاک سفریان	Hımayak SEFERYAN	بهرام یاکوبیان	Behram YAKUPYAN
آرام عادل	Aram ADİL	سهاک یرمیان	Sahak YEREMYAN
کورک ترکمیان	Kevork TORKOMYAN	لوون پاپازیان	Levon PAPAZYAN
آرتین زکی	Artin Zeki	کورک کران	Kevork KORAN
آگوپ جینجیان	Agop CİNCİYAN	دیکران چوبریان	Dikran ÇÜBERYAN
آرام دورداجی	Aram HURDACI	کورک چووریان	Kevork ÇÜVERYAN
میگردیچ حکیمیان	Mıgırdıç HEKİMYAN	هوسپ تاکووریان	Hovsep TAKVORYAN
گارابت	GARABET	کریکور تاکووریان	Krikor TAKVORYAN

وکلاي (نماینندگان) مجلس

1876 در اولین مجلس مشروعیت

اسامی	نماینده شهر...
آهانس ا... وردی	Ohannes ALLAHVERDİ
سبوح مقصودیان	Sebuh MAKSUDYAN
روپن یازجیان	Rupen YAZICIYAN
سهاک یاورومیان	Sahak YAVRUMYAN
هامازاسب بالاریان	Hamazasb BALLARYAN
مانوک کارجیان	Manuk KARCIYAN
میکائیل آلتینتوپ	Mikael ALTINTOP
آگوپ شاهینیان	Agop ŞAHİNYAN
تانیل کاراجیان	Taniyel KARACIYAN

1908 در دومین مجلس مشروعیت

اسامی	نماینده شهر...
کریکور ظهراب	Krikor ZOHRAP
بدروس حلاجیان	Bedros HALLACYAN
آگوپ بابیکیان	Agop BABIKYAN
آگوپ بویاجیان	Agop BOYACIYAN
آرتین بوشگزنیان	Artin BOŞGEZENYAN
دکتر نظارت داگواریان	Dr. Nazaret DAGAVARYAN
استپان اسپارتالییان	İstepan İSPARTALIYAN
هامپارسوم بویاجیان	Hamparsum BOYACIYAN
کگام دررقابتیان	Kegam DERGARABEDYAN
کاراکین پاستیرماجیان	Karakin PASTIRMACIYAN
واهان پاپازیان	Vahan PAPAZYAN

1914 در مجلس

اسامی	نماینده شهر...
استپان چراجیان	İstepan ÇIRACIYAN
اننیک احسان	Onnik İHSAN
بدروس حلاجیان	Bedros HALLAÇYAN
کریکور ظهراب	Krikor ZÖHRAP
آگوپ هیرلاکیان	Agop HIRLAKYAN
کگام دررقابتیان	Kegam DERGARABEDYAN
آرتین بوشگزنیان	Artin BOŞGEZENYAN
دیکران بارسامیان	Dikran BARSAMYAN
ماتیوس نالبتیان	Matyos NALBATYAN
کارابت تومایان	Karabet TOMAYAN
ساسون	Sasun
وارتکس سرنگلیان	Varteks SERENGÜLYAN

مسئله ارمنی

ارامنه موظف در وزارت P.T.T

اسامی	مقام
مارشال گارابت آرتین داوود پاشا	ناظر
آندون تینگیر یاور پاشا	ناظر
اوسگان ماردیکیان	ناظر
کریکور آگاتون	مدیر عمومی P.T.T
کورک ثابت فینجانجیان	مفتش P.T.T
Mareşal Garabet Artin DAVUT Paşa	
Andon Tıngır YAVER Paşa	
Osgan MARDİKYAN	
Krikor AGATON	
Kevork Sabit FİNCANCIYAN	

بعضی مامورین

ژورژ سرپوس	Jorj SERPOS	آودیس شالچیان	Avedis ŞALÇIYAN
میشل میصیرلی	Mişel MISIRLI	میکائیل آنکارالیان	Mikael ANKARALIYAN
ارامیان	ERAMYAN	پاسکال کازانجیان	Paskal KAZANCIYAN
استپان	İSTEPAN	آندون کوسه یان	Andon KÖSEYAN
هامپارسوم	HAMPARSUM	دیکران آراکلیان	Dikran ARAKELYAN
آرسن	ARSEN	آهانس آبراهامیان	Ohannes ABRAHAMYAN
پارلادی	PARLADI	ملکون یوزباشیان	Melkon YÜZBAŞIYAN
گارابت	GARAABET	میگردیچ عجمیان	Mıgırdıç ACEMYAN
فران	FRAN	کارکین چرکزیان	Karekin ÇERKEZYAN
پیئر هاسسون	Piyer HASSUN		

ارامنه موظف در وزارت مالیه

اسامی	مقام
آگوپ کازازیان پاشا	ناظر
Agop Kazazyan PAŞA	

بعضی مامورین

ساکیز آهانس	Sakız OHANNES	میکائیل دوز	Mikael DÜZ
چامیچ آهانس	Çamıç OHANNES	بوگوس دوز	Bogos DÜZ
آهانس ا... وردی	Ohannes ALLAHVERDİ *	آگوپ دوز	Agop DÜZ
ساکیز آرمناک	Sakız ARMENAK	کریکور دوز	Krikor DÜZ
یرمان چلبی	Yeremyan ÇELEBİ	گارابت دوز	Garabet DÜZ
آسپ بهلمیان	Osep BEHLEMYAN	مهران دوز	Mihran DÜZ
آرتین دوز	Artin DÜZ	استپان شاشیان	İstapan ŞAŞYAN
سرکیس دوز	Serkis DÜZ	استپان آراپیان	İstapan ARAPYAN
آهانس دوز	Ohannes DÜZ		

* نماینده و وکیل رئیس مجلس در 1877

ارامنه موظف در وزارت آموزش ملی

بعضی مامورین و معلمین

Yervant	یروانت	Mihran DÜZ (Müsteşar)	مهران دوز (مستشار)
OSKAN	اوسکان	Tomas TERZİYAN	توماس ترزیان
Mikael AŞCIYAN	میکائیل آشجیان	Nişan GUGASYAN	نیشان گوگاسیان
Krikor OSKIYAN	کریکور اوسکیان	Tavit ÇIRACIYAN	تاویت چیراجیان
Rahip Kleman SİBİLYAN	راهب کلیمان سیبیلیان	Sebuh TABİBYAN	سبوح طبیبیان
Prof. Krikor KÖMÜRCİYAN	استاد کریکور کومورجیان	SARYAN	ساریان
Artin SARAFYAN	آرتین سارافیان	Artin OHANNESYAN	آرتین آهانسیان
Hamazasb HAKİ	هامازاسب هاکی	Hovsep YUSUFYAN	هوسپ یوسفیان
		Agop BOYACIYAN	آگوپ بویاجیان

ارامنه موظف در وزارت عدلیه

اعضای شورای دولت

اسامی	مقام
آندون تینگیر یاور پاشا	عضو شورای دولت
آبراهام یرمیان پاشا	عضو شورای دولت
مهران دوز	عضو شورای دولت
بدروس کویومجویان	عضو شورای دولت

بعضی مامورین

Viçen HOKOSYAN	ویچن هوکوسیان	VAHAM (Müsteşar)	واهام (مستشار)
İstapan KARAYAN	استپان کارایان	Serkis KARAKOÇ	سرکیس کاراکوچ
Markar UNCUCYAN	مارکار اونجویان	Artin Şinasi PEKMEZOĞLU	آرتین شناسی پکمز اوغلو
Tateos REFKİ	تاتوس رفکی	GARABET	گارابت
Diran AŞNANYAN	دیران آشنانیان	GASBAR	گاسبار
Kapriel NEŞTERCIYAN	کاپریل نشترجیان	Diran PARGAMYAN	دیران پارگامیان
Artin MOSDİÇYAN	آرتین موسدیچیان	Bogos ŞAŞYAN	بوگوس شاشیان
Ovakim REİSYAN	اواکیم رئیسین	Dikran YUSUFYAN	دیکران یوسفیان
Kevork FİKRİ	کورک فکری	Takvar HAMAMCIYAN	تاکوار هاماجیان
HAYRABET	هایرابت	Kapriel KAPRIYELİYAN	کاپریل کاپریلیان
		Ohannes TOROSYAN	آهانس توروسیان

بعضی مامورین و مدیران شورای دولت

Ohannes NURYAN	آهانس نوریان	Ohannes TINGIR	آهانس
İlyas ÇAYAN	الیاس چایان	Bogos MISIRLIYAN	بوگوس میصرلیان
Duran DADYAN	دوران دادیان	Krikor ODIYAN	کریکور اودیان
Andon KÖSEYAN	آندون کوسه یان	Serkis DÜZ	سرکیس دوز
Bedros Zeki GARABETYAN	بدروس زکی گارابتیان	Artin DADYAN	آرتین دادیان
Krikor HIDIRYAN	کریکور هیدیریان	Sahak ABRO	سهاک آبرو
Hirant ASADUR	هرانت آسادور	Zareh DİLBER	زارح دیلبر

بعضی کنسول ها

Ohannes NAFİLYAN	آهانس نافیلیان	Hrant DÜZ	هرانت دوز
Hrant NORADUNKYAN	هرانت نورادونکیان	Ohannes MAGAKYAN	آهانس ماگاکیان
ARSEN	آرسن	Mihran KAVAFYAN	مهران کاوافیان
AVYAN	آویان	Hovsep AZARYAN	هووسپ آذریان
Manuk AZARYAN	مانوک آذریان	Serkis BALYAN	سرکیس بالیان
Puzant MANAS	پوزانت ماناس	Dikran HÜNKARBEĞENDİYAN	دیکران هونکارببندیان
Rupen MANAS	روپن ماناس	Miyas YERAM	میناس یران
		Mıgırdıç EREMYAN	میگردیچ ارمیان

بعضی از منشیان سفارت ها

Gaspar MANAS	گاسپار ماناس	Ohannes ABRAHAMYAM	آهانس آبراهامیان
Pol MANAS	پول ماناس	Harudyun MARKARYAN	هارودیان مارکاریان
Sebuh MANAS	سیوح ماناس	Levon YERAMYAN	لوون یرامیان
Pier MANAS	پیئر ماناس	Dikran DADYAN	دیکران دادیان
Alexandre MANAS	آلکساندره ماناس	Avedik SAHUMYAN	اودیک ساهومیان
Diran ALİKSANYAN	دیران آلیکسانیان	Zenop MANAS	زنوپ ماناس

ارامنه موظف در وزارت عمران

وزرا

اسامی	مقام
مارشال گارابت آرتین داوود پاشا	ناظر (وزیر)
بدروس حلاجیان	ناظر
آووکات کریکور سیناپیان	ناظر
کریکور آگاتون	ناظر
گابریل نورادونکیان	ناظر

بعضی مامورین

Bogos HANLIYAN	بوگوس خانلیان	Krikor ODYAN	کریکور ادیان
Melkon NAZİKYAN	ملکون نازکیان	Mıgırdıç SİNAPYAN	میگردیچ سنایان
Karakin GAZAROSYAN	کاراکین گازاروسیان	Ohannes KARDAVYAN	آهانس کارداویان
Edvard Yervant SAMUELYAN	ادوارد یروانت سامویلیان	Bedros HORASANYAN	بدروس خوراسانیان
		Kevork PAKARAD	کورک پاکاراد

ارامنه تلاش گر در خدمات جنگل و زراعت

بعضی مامورین

Kevork TORKOMYAN	کورک ترکمیان	Krikor HEKİMYAN	کریکور حکیمیان
Nişan KALFAYAN	نیشان کافیان	Eram	ارام
Bedros KUYUMCUYAN	بدروس کویومجویان	Haygaz BEGYAN	هایگاز بگیان
Onnik İHSAN	اننیک احسان	Mıgırdıç HEKİMYAN	میگردیچ حکیمیان

ارامنه موظف در وزارت امور داخله

بعضی مامورین مهم

Karakin DEVECİYAN	کارا کین دوه جیبیان	Mareşal Garabet Artin DAVUT Paşa	مارشال گارابت آرتین داوود پاشا
Servet PARACIYAN	ثروت پاراجیان	VARTAN Paşa	وارتان پاشا
Sisak FERİT	سیساک فرید	Krikor ŞABANYAN	کریکور شعبانیان
Minas GAMSAR	میناس گامسار	Osep AMİRA	اسپ امیرا
Levon SÜRENYAN	لوون سورنیان	Haçadur DERNERSESYAN	هاچادور درنرسیان
Yervan YUSUFYAN	یروانت یوسفیان	Nişan KAZAZYAN	نیشان کازازیان
Bogos PARNASYAN	بوگوس پارناسیان	Mikael MAMİKONYAN	میکائیل مامیکونیان
Harutyun HANDANYAN	هاروتیون هاندانیان	Bedros KAPAMACIYAN	بدروس کاپاماجیان

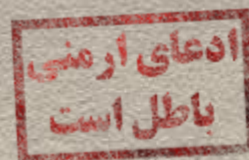
بعضی از معاونین والی ها

L.AYCIYAN	ال. آجیان	Ohannes FERİT	آهانس فرید
Antranik BİLLURYAN	انترانیک بیلوریان	Ohannes ASASYAN	آهانس آساسیان

بعضی معاونین متصرفان

Hagop FERİT	هاگوپ فرید	Nazaret	نازارت
Garabet TOROSYAN	گارابت توروسیان	Gazaros SAYEBAĞLIYAN	گزاروس سایه باغلیان
Hagop YAVER	هاگوپ یاور	HAGOP	هاگوپ
Krikor PAPAZYAN	کریکور پاپازیان	Mihran BOYACIYAN	مهران بویاجیان
Nişan AGAH	نیشان آگاه	Harundyun APARTYAN	هاروندیون آپارتیان
Armenak BOYACIYAN	آرمناک بویاجیان	Levon	لوون
KRİKOR	کریکور	Minas ÇUKASIZYAN	میناس چوکاسیان
Dikran KEVORK	دیکران کورک	Nazaret ARMENAK	نازارات آرمناک
Avedis SİSLİYAN	اودیس سیسلیان	Fikri ASLANYAN	فکری آسلانیان
Minas HEKİMYAN	میاناس حکیمیان	MANUEL	مانویل
Garebet TEKVORYAN	گارابت تکوریان	Garabet İSRAELİYAN	گارابت اسرائیلیان
Artin ZEKİ	آرتین زکی	BEDROS	بدروس
Asadur KUŞADALIYAN	آسادور گوشادالیان	NİŞAN	نیشان
Andon GÖÇEYAN	آندون کچیان	PASKAL	پاسکال
Simpat DERNERSESYAN	سیمپات درنرسیان	Sarim ÇUKASIZYAN	ساریم چوکاسیزیان
		Dikran KİRİŞÇİYAN	دیکران کیریشچیان

1) Koçuş, Sadi; Tarih Boyunca Ermeniler ve Türk-Ermeni İlişkileri, Altınok Matbbası, Ankara 1967.
 2) Demir, naşide Kerem, Türkiye'de Ermeni Meselesi, Şafak Matbbası, Ankara 1976
 3) T.C. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı
 - Osmanlı Belgelerinde Ermeniler (1915 - 1920)
 - Arşiv Belgelerine göre Kafkaslar'da ve Anadolu'da Ermeni Mezalimi 1,2,3,4 Cilt
 - Ermeni Olayları Tarihi 1,2 Cilt



روابط تورک - ارمنی در دوران جنگ جهانی اول

با وارد شدن عثمانیان به جنگ با انگلیس، فرانسه و روسیه در تاریخ 1914.11.01 این وضع در نظر کمیته های ارمنی یک فرصت بزرگ دیده شده بود، با تشکیل هنگ های داوطلب ارمنه ملحق شده به صف روس، همراه با قوای اشغالی روس وارد آناتولی شرقی شده بودند. به غیره، در مناطق مختلف آناتولی عصیان های جدید ارمنی به میان آمده، قوای عثمانی از پشت زده شده و مردم غیر نظامی تورک راهی یک قتل عام بزرگ شده بودند. این قتل عام ها تنها مسلمانان را به هدف نگرفته بود در اطراف ترابزون رومی ها و در اطراف حکاری موسویان هم از طرف ارمنه به قتل رسیده بودند.



یکی از دسته های داوطلب هنجاک با نام هامزاسب.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

قبل از یک مدت کوتاه در ورود دولت عثمانی به جنگ، در ژوئن 1914 کمیته داشناکسوتیون در اضروم تجمع کرده و این قرار را گرفته بودند:

کنگره داشناکسوتیون با به پیش چشم گرفتن تضاد حکومت اتحاد و ترقی با عناصر مسیحی و خصوصا با ارمنه از قدیم با تعقیب سیاست علیه برهم اقتصادی، اجتماعی و اداری، فشار و در موضوع کاربرد اصلاحات با نشان دادن حرکات فریبکارانه، قرار بودن در وضعیت مخالفت بر علیه اتحاد و ترقی، ورود به مجادله با شدت علیه بر خود و تشکیلات خود را داده بود.

عثمانی ها با اعلان تجهیز کردن و نکردن قوا، ارمنه عثمانی که در مارسی (فرانسه) زندگی می کردند در 1914.08.05 یک بیان نامه منتشر کرده بودند. جمله هایی چند در بیان نامه منتشر شده موضوع بحث در روزنامه های مختلف اینگونه می باشد.

"ارمنه روس، در صف نیروهای مسکو، برای گرفتن انتقام تحقیر انجام شده بر روی اجساد برادران خود، وظیفه شان را انجام خواهند داد. به نظر ما در مورد ارمنه زیر تحکم تورک، هیچ ارمنی سلاح خود را، به وطن دوم مان فرانسه، متفق و دوستان او نباید برگرداند.

(...)

ارمنه، تورکیه بدون سخن گفتن از علیه چه کسی بودن شما به زیر سلاح رفتن شما را جار می زند؛ برای کمک به له کردن ریل های راه آهن نیروهای ویلهلم دوم (II. Wilhelm) که از روی اجساد 300.000 از برادران مان گذشته داوطلبانه در نیروی های فرانسه و متفق های او ثبت نام کنید..."

تا شروع جنگ در هر وضعیتی همکاری های ارمنه با روس ها را می توان در هر منبعی یافت.



هنگ داوطلب هنجاک ارمنی دسته دوم از روزنامه ارمنستان جوان "Yeridasaret Hayastan". 1915.07.20

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

در این موضوع فلیپس پریس (Philips Price) از این بیانات استفاده می کند:

"... با انفجار شروع جنگ ارمنه این نواحی (ولایت های شرقی آناتولی) با مقامات روس که در قفقاز بودند وارد تماس های مخفی شدند و بایک تشکیلات زیر زمینی توسعه یافته از این ولایت های تورک سوق داده شدن داوطلبانه به ارتش روس شروع شد..."

رافائل د نوگالس (Rafael de Nogales) هم اینها را می نویسد:

"فعلا با شروع جنگ، در مجلس وکیل ارضروم گارو پاستیرماجیان (Garo Pastirmaciyan (Pasdermichan)) از طرف دیگر سرعیا با تمام ارمنه سرباز و نظامی در ارتش سوم وارد روسیه شد. در مدت کوتاه با برگشت به همراه آنها، شروع کردند به آتش زدن روستاها و در شکلی بی انصافانه تمام مردم مسلمان که بدست شان می افتادند از زیر تیغ آنها می گذشت اند. لزوما در قبال این مطالب خونین، مقامات عثمانی، برای آنها که نتوانسته بودند به هر حالی موفق به فرار شوند، در آن هنگام با ترخیص ارمنه نظامی و ژاندارمای موجود در ارتش از سلاح، آنها را به مورد استفاده به گردان های انشاعات راه و تجهیزات نقلیه منتقل کردند."

لیکن کلایر پریس (Clair Price) اینگونه نوشته:

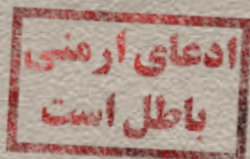
"به منظور اجبار قانون اساسی 1908 که تا دوران کابینه انور پاشا (Enver Paşa) حاضر شده بود حق احضار ارمنه به زیر سلاح رفتن همچون تورک ها موجود بود، اما، یک مجادله مسلحانه در همان حال خصوصا در زیتون شروع شد. به طول مرزهای شرقی ارمنه شروع به فرار برای ملحق شدن به ارتش روسیه کردند. کابینه انور در حالی که از صداقت باقی مانده ها در شبهه بود، آنها را به گردان های عمرانی سوق داد."

حکومت عثمانی در 3 آگوست تجهیز قوا را اعلان کرده بود. ارمنه اهل زینون با اینکه نمی خواستند زیر بیرق عثمانی بمانند با بنای یک گردان فدایی، حفاظت از مناطق با اداره پارتیزان های خودی را خواسته بودند، طبیعتا به مورد قبول نشدن این تقاضاها در تاریخ 30 آگوست در واقع عصیان کرده بودند. در نتیجه تعقیب حدود 60 متمرّد همراه با سلاح هایشان گرفته شده و هرچند یک مدت سکوت به حاکم شدن بود اما در ماه دسامبر اهالی زیتون دوبار تهاجم به ماموران ملکیه و ژاندارما را شروع کردند.

تا آمن ماه مه 1915، روس ها تا آناتولی شرقی پیش آمده، انگلیسی ها و فرانسوی ها چاناق قلعه را زیر فشار گذاشته و در حالی که در جنوب حرکت کانال انجام می شد، وضعیت داخلی کشور اینگونه می باشد: در زیتون، وان و موش عصیان ها به میان آمده. عصیان وان، برای اشغال شهر از طرف روس ها راه باز کرده بود. عصیان زیتون و موش ادامه دارد. هر طرف کشور با سرباز های فراری

پُر شده، هر طرف در معرض تهاجم دسته ها مانده، در نتیجه به سربازی رفتن تورک هایی که دست شان به سلاح رفته میدان برای ارمنه باز شده بود. در حالی که دولت از طرفی در جنگ بود، از طرفی هم با عصیان ها مشغول بود. عثمانی در یک وضعی این چنینی اجبارا در گرفتن قرار تهجیر مانده بود. (1)

در رابطه با ارمنه تورکیه گرفتن یک قرار دیگر هم در میان جنگ وجود دارد که، با پاتریک خانه ارمنی مرتبط است. در تاریخ 1916.08.10 با نشر شدن یک نظام نامه جدید در تقویم وقایع (روزنامه)، ارتباط ارمنه تورکیه با کلیسای اچمیازین (واگرسایات: در غرب ایروان) تماما قطع شده، کاتوگیگوس سیس و آکدامار به حال واحد در آمده، مرکز کاتوگیگوس به قدس منتقل شده و پاتریک گری استانبول هم به این کاتوگیگوس متصل شده بود. لیکن پاتریک گری استانبول به حکم تماس ممکن با نظارت مذهب ها متصل شده بود. بعلاوه، نظام نامه به انتخاب پاتریک و مجالس پاتریک خانه هم یک شکل جدید داده بود. (2)



1) Gürün, Kamuran, Ermeni Dosyası, TTK Basımevi, Ankara 1983, sh. 193-209

2) Gürün, a.g.e., sh. 229

روابط تورک - ارمنی در دوران مجادله ملی (1919-1922)



هنگ هچاک ارمنی فرماندهان و سربازان تیم اول قسم هشتم و هینت صلیب سرخ.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

در جنگ جهانی اول ارمنه علیه ارتش تورک، در کنار دولت های غالب، جنگ خود را پیش رانده، در رابطه با اراضی تجزیه شده امپراتوری با تجمع در پاریس و حضور در کنفرانس با غرق شدن بر خیال، به صحنه وارد شدن ارمنستان بزرگ که از قفقاز شرقی تا سواحل مدیترانه امتداد یافته و در شکل کلی نیمی از آناتولی که شامل آن می شد را ادعا کرده بودند. ارمنه برای به واقعیت رساندن این نیت خود، بعد از جنگ جهانی اول با تاسیس دولت ارمنستان در اطراف ایروان، در داخل مرز و خارج مرز، خصوصا در نواحی ایروان، کارس و نخجوان تلاش کردند تورک ها را در شکلی انبوه نابود و یا مجبور به کوچ به مناطق دیگر کنند. حوادث بقتل رسیدن تورک ها توسط ارمنه، به مورد دست کشیدن ارتش تورک از منطقه بنابر احکام متارکه مودرس حجیم تر گشت.

مردم تورک که در منطقه زندگی می کردند برای محافظت از خود در برابر ارمنه شورای های ملی بنا کرده بودند. این شوراها شامل شورای ملی حکومت آجارا در مناطق آرتوین و آخیسکا، در نواحی کارس، آرداهان و گوله جمهوری قفقاز جنوب غربی، شورای ملی کاغیزمان، شورای ملی کولپ، زنگین باشار، نخجوان و اردوباد بودند.

دولت های طرف قرارداد مخصوصا انگلیس، در شرق برای منع کردن روابط ممکن تورکیه با روس ها بعد از جنگ جهانی، مستقیم یک بلوک قفقاز متشکل از آذربایجان، گرجستان و ارمنستان را بنا کرده بود.

حکومت های آذربایجان، گرجستان و ارمنی همسایگان این شورای بنا شده در 1918.04.09 از روسیه جدا شده و جمهوری های ماورای قفقازها را بنا کردند. در ادامه گرجستان استقلال خود را اعلام کرده و تا ورود به زیر حمایت آلمانی ها از هم تجزیه شده و به سه دولت مستقل تقسیم شد.

بعد از متارکه مودرس واحد انگلیس با کمیته یک ژنرال به کارس آمده، در ابتدا شورای ملی را قبول کرده بودند. اما تا 1919.04.13 با فشار بر شورا آن را منحل کردند و اداره منطقه را بدست گرفت اند. لیکن با آوردن سربازان ارمنی به کارس در 1919.04.29 اداره را به ارمنه منتقل کردند. بدین جهت ارمنه با کمک انگلیس وارد اراضی تورک شده و مناطق شورای حکومت های قفقاز جنوب غربی و نخجوان را اشغال کردند.

دسته های ارمنی در حالی که در مناطق اشغال کرده بقتل رساندن تورک ها را ادامه می دادند برای وسیع کردن حدود هم با قوای مسلح حاضر شدن مواضع را می راندند، به انداز کافی از انگلیسی ها کمک های نظامی گرفت اند، در روزی (1920.06.22) که یونانی ها از خط میلن حرکت اشغال دوم را شروع کردند. ارمنه هم از شرق تا غرب تعرض مستقیم به آلتو باردیز را شروع کرده بودند.

در منطقه التو نزاع های خونین فراوانی اتفاق افتاده و در نتیجه فشار انجام داده قوای ملی تعرضات ارمنی منقطع گشت.

لیکن قوای ملی در منطقه باردیز، با نتوانستن اعمال علیه قوای غالب ارمنی در اجبار عقب نشینی مانده. با تعرضات عکس نهمین لشگر قفقاز تورک، در این منطقه ارامنه هم راهی هزیمت شداند.

در راستای اشغال اراضی تورک ها توسط ارامنه، گرجی ها هم با کمک انگلیسی ها ابتدا آخیسکا را اشغال کردند. لیکن در طول ماه فوریه 1920 شلوساتی، آردانوچو و قسمتی از آرداهان را اشغال کردند. به مورد حاضر شدن در طول اشغال کردن باتوم و با مراجعت مردم منطقه به سوی انگلیسی ها نتوانست اند آنجا را اشغال کنند و اطراف باتوم زیر کنترول انگلیسی ها ماند.

در 1920.05.03 برابر با حرکت ارتش سرخ شوروی به سوی گرجستان انگلیسی های موجود در باتوم، با هدف تشویق گرجی ها با استقامت در برابر بولشویک ها در 1920.05.07 با کشین قوای خود از آرتوین آنجا را به گرجی ها تسلیم کردند. به غیره با بستن قید برای تامین منافع اقتصادی گرجستان، قبل تر بی طرفی خود را اعلان کرده و باتوم را هم برای گرجستان ترک کردند.

اعتبارا از ژوئن 1920 با بودن حکومت مجلس ملی تورکیه (TBMM)، دیگر یک زمان خاتمه دادن به لزوم توسعه حوادث فوق ارامنه بر علیه تورک ها، یا لزوما در منطقه التو شروع شدن حرکات تعرض و اشغال رسیده بود. به غیره در این راستا از جهات سیاسی اهم شروع کردن توسعه روابط با روس ها، بنا کردن ارتباط مستقیم از مرز مستقیم و مجبورا وجه رهایی اراضی تورک زیر اشغال گرفته شده بود.

در جبهه شرق وضعیت قوای تورک که می توانستند به حرکات ملحق شوند اینگونه بود:

بنابر احکام آتش بس مودرس قوای تورک حاضر در شرق، قفقاز و ایران را تخلیه کرده و بعد از کشیده شدن به حدود پس از 1878 نهمین لشگر لغو شده و به جای آن با لشگر پانزدهم قفقاز و لشگر دوازدهم پیاده از موقع مستحکم ارضروم محاوره این سپاه در جبهه شرق اینگونه بود:

قرار گاه سپاه پانزدهم و واحد های مرتبط در ارضروم؛ لشگر یازدهم قفقاز در منطقه بایزید - وان - ارجیش، لشگر دوازدهم پیاده در شرق خراسان (در استان ارضروم)؛ سومین لشگر قفقاز در منطقه ترابزون؛ نهمین لشگر قفقاز در منطقه ارضروم - حسن قلعه موجود بودند. خارج از اینها گروه جُروح تشکیل شده با روح قوای ملی بر علیه گرجی ها در منطقه آرتوین، گروه های یکم و دوم به مورد حفاظت از سواحل دریای سیاه در منطقه آرهاوی و ریزه، گروه سوم که بر علیه دسته های پونتوس مجادله می کرد در ترابزون، گروه چهارم در گوموش خانه، گروه آلپ ارسلان در منطقه گیره سون موجود بود.

قوای ارمنی: ارتش ارمنی شکست خورده تا اواخر جنگ جهانی اول با دفعات کثیر مغلوبیت مستقیم از ارتش تورک، با احیای انگلیسی ها از نو در حال ترتیب حمله بود. بنابر استخبارات فرماندهی سپاه پانزدهم، محاوره 1919.05.15 هفتمین سپاه ارمنی متشکل از سه لشگر پیاده با یک تیپ سواره و توپچی های سپاه هم اینگونه بود:

قرارگاه هفتمین سپاه و مرتبطات آن در ایروان؛ یک لشگر پیاده در اطراف ایروان یک لشگر پیاده دیگر در گومرو (لنیناکان)، یک لشگر هم در اطراف کارس موجود بود.

برای به واقعیت رساندن اهداف معین شده فوق واحدهای فرماندهی جبهه شرق زیر فرماندهی کاظم کارابکر پاشا (Kazım Karabekir Paşa)، با گرفتن سلاحیت از مجلس ملی تورکیه اعتبارا از 1920.09.28 تعرض عمومی مستقیم را در ساریکامیش - کارس - گومرو (لنیناکان) شروع کرده. در 29 سپتامبر ساریکامیش، در 30 اکتبر هم کارس پس گرفته شد. قوای تورک که حرکات خود را به پیش می رانداند، در 1920.11.07 با متلاشی کردن آخرین مقاومت ارمنی در گومرو، در شرق نخستین غلبه را بدست آورداند.

در نهایت این حرکات وارد شده بر علیه ارامنه مفقودات تثبیت شده هر دو طرف اینگونه است:

مفقودات تورک: جمعا عبارت است از 6 شهید و 21 زخمی.

مفقودات ارمنی: 51 ارمنی درحرکات مرتبط با اشغال کارس و به مورد موجود بودن در محاربه، جمعا 95 ارمنی هلاک شده، باز در حرکت انجام شده به کارس، به مورد موجود بودن یک وزیر به همراه یک قسم از ماموران بلند مرتبه در بین شان سه ژنرال و در رتبه های مختلف 50 نظامی، شمار اسیران سرباز به 500 رسیده بود.

معاهده صلح گومرو (لنیناکان) (1920.12.03)

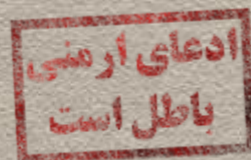
به مورد پیروزی بدست آمده سربازان قوای حکومت مجلس ملی تورکیه، در میدان جبهه های شرق علیه ارامنه، در 1920.11.28 بین نمایندگان تورک و ارمنی تجمع کرده موجود در گومرو، معاهده گومرو هم به تاریخ 1920.12.02-03 امضا شد.

در 1920.11.17 با قبول مغلوبیت از ارامنه متقاضی متارکه با شرط متارکه هزاران گلوله تفنگ، 2000 اسلحه، 3 توپ کوهی مشتعل با باطری، 40 تفنگ جفت تیر گرفته شد.

به لزوم این معاهده مرز تثبیت شده در شرق پس از معاهده مسکو و کارس با هم مرز شرقی جمهوری تورکیه شده است. همچنین برابر با الحاق اراضی تورک کارس به وطن اصلی شهرستان های در اشغال ارامنی ایغدیر و توزلوجا هم، با ماندن درون مرزهای استان کارس برای تورکیه آزاد شداند.

بنابر ماده هجدهم معاهده، این معاهده از طرف هر دو حکومت تصدیق شده و صورتهای آن در آنکارا، معاوضه خواهد شد. لیکن یک روز بعد از امضاء کردن معاهده حکومت داشناک ارمنی برانداخته شده و ارمنستان، از طرف ارتش سرخ اشغال شده بود. بدین جهت معاهده گومرو هم تصدیق نشده بود. در عوض آن، ابتدا در 1921.03.16 معاهده مسکو، بعدها در 1921.10.13 معاهده کارس بین تورکیه، روسیه شوروی و ارمنستان با امضا شدن وارد اجراء گشته بود.

با به پیروزی رسیدن فرماندهی جبهه شرق در ورود بر علیه قوای اشغالگر ارمنی در شرق، امضاء معاهده گومرو با ارامنه، اولین معاهده سیاسی حکومت آنکارا است. ارامنه، این معاهده و دیگر معاهده ها، همراه با معاهده سیور را رد کرده و مرزهای امروزی تورک - ارمنی را قبول کرده بودند. (1)



1) Görgülü, İsmet; Ana Hatlarıyla Türk İstiklal Harbi, Kastaş Yayınevi, 2. Baskı 1999, s.53-60

ارامنه در معاهده سِور و لوزان

امضاء شدن معاهده سِور بعد از مغلوب شدن دولت عثمانی در جنگ، ارامنه را یک بار دیگر امیدوار کرده بود. در این معاهده با پیش بینی شدن شناخت ارمنستان به عنوان یک دولت آزاد و مستقل، اما تثبیت مرز به تقدیر رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ویلسون (Wilson) سپرده شده بود. لیکن در معاهده لوزان که موسس جمهوری تورکیه به تاریخ 1923.07.24 و بی اعتبار شمار معاهده سِور بوده هیچ حکمی در مورد ارامنه در آن جای نگرفته بود.

در اواخر سال 1920 به مورد بدست آمدن نتایج موفقیت آمیز حرکات رو به پیش قوای تورک در جبهه آناتولی شرقی، جامعه ملل، نماینده انگلیس لرد روبرت سسیل (Lord Robert Cecil)، با هدف مرتب کردن اوضاع ارامنه و در ادعا گرفتن پیش گیرهای لازم برای رهایی ارامنه پس مانده از خطرات علیه آنها، در تورکیه برای آفریدن یک زمان نا متغیر بنابر شاخص ها توصیه شده؛ به دعوت تجمع در مجمع عمومی. در این تجمع با تعهد بین حکومت های مرتبط یافتن یک راه حل عاجل برای مسئله ارمنی و برای خاتمه دادن به کشمکش بین تورک ها و ارامنه موظف شدن یک دولت و در این موضوع با هدف حاضر کردن یک گزارش قرار تاسیس یک کمیسیون داده شده بود.

در تاریخ 1921.02.27 در لندن یک کنفرانس برگزار شد. در این کنفرانس از وکلای ارمنی، بوغوس نوبار (Boghoss Nubar) و آهارونیان (Aharunyan) شنیده شده بودند. هر دو نماینده ارمنی هم، برای در اجراء ماندن معاهده سِور استقامت ورزیده و برای همین دلایل کثیری نشان داده بودند. نمایندگان ارمنی، برای کیلیکیا تقاضای خود مختاری کرده بودند. نماینده فرانسه، از مشکل بودن تغییر وضعیت در کیلیکیا، اما از اهمیت دادن حکومت فرانسه به اقلیت های موجود در این مکان سخن رانده بود. یکی از نتایج مهم کنفرانس به جای تاسیس "یک ارمنستان مستقل" در اراضی تورکیه، به میان آمدن قرار "تاسیس یک اجاق" برای ارامنه آناتولی شرقی بود.

در کنفرانس لندن، در معاهده سِور به جای یک دولت آزاد و مستقل ارمنی، چه شده بود که کلمه نامعلوم یک "اجاق" به میان آمده بود. این لغت متغیر، با هدف تامین خود مختاری برای ارامنه زیر اداره تورک ها از طرف میسیونرهای آمریکایی در شکل یک مطابقت به میان آمده بود. جامعه ملل، در تاریخ 1921.09.21 قرار جدا و مستقل شدن این اجاق از تورکیه را داده بود.

نمایندگان ارمنی، بر علیه قرار "اجاق" برخاسته؛ هدف تاسیس تماما یک ارمنستان متحد و مستقل را ادعا کرده بودند. در سال 1922 در پاریس با تجمع وزرای امور خارجه انگلیس، فرانسه و ایتالیا، از قرار داده شده تاسیس یک کشور ارمنی در ماه مارس 1921 در کنفرانس لندن سخن رانده بودند که با قرار جامعه ملل هم در این موضوع تناسب خواهد یافت. اما قبل از این تاریخ، در 1921.03.16 معاهده مسکو؛ بعد هم بین تورک ها و جمهوری های قفقاز معاهده کارس؛ با فرانسوی یان هم در 1921.10.20 معاهده آنکارا امضاء شده بود. که در آنها تحویل کیلیکیا به تورک ها قابل ذکر می باشد.

لرد کرزن (Lord Curzon)، در آوریل 1921 در کابین لردها؛ از "ترک کردن کیلیکیا توسط مسلمانان و تورک ها، بدون توجه به این که کیلیکیا در دست اکثریت مسلمانان و تورک ها بود" سخن گفته بود. این وضع در کیلیکیا با نام اقلیت ها در کنفرانس صلح پاریس به اعتراض شده بود.

در 1922.03.26 وزرای امور خارجه انگلیس، پاریس و ایتالیا، در پارس یک تجمع انجام داده بودند. حقوق تعریف شده ارامنه در معاهده سِور احیا و به جای یک ارمنستان مستقل برای اولین بار در کنفرانس لندن پروژه تشکیل یک وطن ملی ارمنی به میان آمده بود. انگلیس بنا شدن این وطن ملی را در (اجاق) کیلیکیا، و فرانسوی یان هم بنا شدن آن در آناتولی شرقی را توصیه کرده بودند. در این تجمع با خلاصه این قرار گرفته شده بود:

"وضعیت ارامنه، ماتدن شان رو درروی فلاکت های وحشتناک و به سبب کمک های انجام داده آنها در جنگ علیه دولت های متفق قابل توجه است. به همین جهت حفاظت ارامنه و یافتن یک چاره برای وضعیت آنها هدف بنای یک اجاق ملی با کمک جامعه ملل تقاضا می شود."

بدین ترتیب در پاریس تجمع وزرای امور خارجه دولت های متفق، با جدا شدن از خواسته های معاهده صلح سِور و کنفرانس لندن کار را در نهایت به جامعه ملل منتقل کرده بودند.

ارتش تورک در جبهه غرب با شروع کردن از تاریخ 1922.08.22 و در 1922.08.30 بعد از پیروزی حاصل شده از محاربه میدان سرفرماندهی، در تاریخ 1922.10.28 معاهده مودانیا امضاء شده بود و نمایندگان حکومت جمهوری تورکیه، از طرف دولت های اتفاق در 1922.10.28 برای انجام کنفرانس صلح در سوئیس به شهر لوزان دعوت شده بودند.

مسئله ارمنی در لوزان بین "مسئله اقلیت ها" دیده شده بود. خلاصه ماده های پیش رانده شده برای اقلیت ها اینگونه بود:

- A. در تورکیه برای اقلیت ها حقوق زبان، دین و مشابه آن در بعضی موضوعات بعضی حقوق باید تامین و این حقوق باید از طرف جامعه ملل کنترل شوند.
- B. مسیحیان نباید به سربازی رفته، در عوض آن باید پول پرداخت کنند.
- C. تغییر نکردن عین امتیازهای دین و مذهب.
- D. باید به اقلیت ها عفو عمومی داده شود.

E. آزادی سیر و سفر باید شناخته شود.

F. ارامنه ای که از جای خود کوچ داده شدند باید تکراراً به مکان قدیم شان برگرداند.

G. به ارامنه باید در آناتولی و در کیلیکیا یک وطن اختصاص داده شود.

در مجمع کنفرانس لوزان به تاریخ 1922.12.13 در مورد حفاظت از اقلیت ها نماینده انگلیس لرد کرزن (Lord Curzon)، در سخنرانی انجام داده اینگونه صحبت کرده بود:

"اکنون از ارامنه صحبت خواهم کرد. چیزی که فقط اینان از باطن با آن رو در رو هستند، مصیب انداختن عالم مدنی به دهشت نیست، فقط در مورد آینده شان به دلیل داده شدن اطمینان به آنها لایق توجه هستند.

اکنون در ایروان که جزء جمهوری شوروی شده یک حکومت ارمنی وجود دارد. بنابر چیزی که به من گفته اند در اینجا 1.250.000 نفوس موجود است. با آمدن مهاجرین از هر طرف فشار فزونی یافته و دیگر به حالی در آمده که کسی را نمی تواند جذب کند. از طرف دیگر ارامنه موجود در کارس، آرداهان، وان، بیتلیس و ارضروم متضرر کشته اند.

در حالی که فرانسویان کیلیکیا را تخلیه می کنند مردم ارمنی آنجا هم از ترس، ارتش فرانسه را تماشا می کنند. اکنون آنها در شهرهای اسکندرون، حلب، بیروت و به طول مرز تورکیه در سوریه به حال پراکنده در آمده اند. فکر می کنم که، ابتدا در اینجا از سه میلیون ارمنی اکنون در آناتولی 130.000 نفر مانده. تعدا کثیری به قفقاز، به روسیه، به ایران و به کشورهای همسایه دیگر پراکنده شدند. (...)) در هر حال در تورکیه آینده، لزوماً در آناتولی یا لزوماً در بالکان برای امنیت و حفاظت از تعدا کثیری از ارامنه که موجود خواهند بود الحاق ماده های خاص به معاهده لازم خواهد بود.

اکنون از آرزوهای بایست ارامنه و لزوماً عاشقان ارامنه برای بنای یک کشور ارمنی حرف خواهم زد. ساکن شدن ارامنه در اراضی خودشان خیلی طبیعی است. اراضی جمهوری ارمنستان، برای این ناکافی است. بدین جهت برای ارامنه موجود در تورکیه خواه در شمال شرقی و خواه در جنوب شرقی کیلیکیا داده شدن اراضی خواسته می شود. وضعیت، به جا آوردن این آرزوها را از وضع ابتدائی به حالی سخت در آورده. لیکن ما از دانستن نظرات نمایندگان تورک در این مورد خوشبخت خواهیم شد."

لرد کرزن، بعد از این بررسی جزئیات این مسئله و برای اعلان توصیه های قطعی، تاسیس یک کمیسیون ثانوی را خواسته بود. ام. بارر (M. Barer) و مارکی گارونی (Marki Garoni) هم عیناً بر روی قواعد کلی نظرات خود را بیان کرده بودند.

رئیس هیئت نمایندگان تورک اسمت اینونو (İsmet İnönü)، در مورد موضوعات دیگر بعد از انجام توضیحات متکی بر اسناد جزئی، خصوصاً این موارد را معین کرده بود:

"ملت تورک و حکومت تورک، در مورد عصیان های به میان آمده همیشه بعد از فزای صبر به پیش گیری های سرکوبانه مراجعه کرده و در برابر سرکشان مقابله کرده. مسئول رو در رو شدن ارامنه با تمام خسارات در تورکیه، به حرکات خود آنها مرتبط است. در سال 1909 حوادث آدانا و باز در جنگ جهانی در تعداد کثیری از ولایت های آناتولی به میان آمدن عصیان ها عیناً دوام وحشتناک یک مصیبت است. از حوادث معین گشته هم همچون چیزی که قابل فهم است عناصر غیر مسلمان درون دولت عثمانی، تا زمانی که در طول قرنهای زندگی راحت و با رفاه از احساسات نیک حاکمان مملکت سوء استفاده نکرده اند، تورک ها هم در هیچ زمان حقوق آنها را انکار نکرده اند.

نمونه قابل مشاهده جماعت موسوی که تا بدین روز از حرکت نا متناسب بر انسانیت، هیچ شکایتی از حکومت تورک و ملت اش نکرداند، در مورد ارامنه و رومیان در اثبات شخصاً مجرم بودن آنها در ارتباط با حوادث مصیبت آمیز کافی می باشد. بدین جهت تاریخ، از پیش چشم دور نگرفته شدن دو فاکتور اساسی مسئله اقلیت ها را نصیحت می کند.

اولاً: موضوع آرزوی بعضی دولت ها دخالت در امور داخلی مملکت با بهانه حفاظت از اقلیت ها و با سرعت تاثیر سیاست خارج در برابر آرزوی کرده انجام دادن تحریکات و به میان آمدن سریع تضاد؛ دوماً: بدین طریق به اقلیت ها بر روی دانستن خواسته ها جسارت دادن به تمایل در برابر رهایی و برای بنای یک دولت مستقل به میان آمدن فاکتور سیاست داخل.

با آمدن به (موضوع) ارامنه: روابط مستحکم شده بین تورکیه و جمهوری ارمنی با قبول معاهده ها، از طرف حکومت ارمنی امکان هرگونه احاطه را از میان برداشته است. از طرف دیگر ارامنه، قرار گرفته به سکونت در تورکیه، با شهروند خوب بودن دیگر لزوم قطعی زندگی خود را باید به پیش چشم بگیراند. نهایتاً نمایندگان مجلس ملی تورکیه در این نظراند:

A. ابتدا قبل از تصحیح وضع اقلیت های تورکیه، راه هر نوع دخالت بیگانه برای تهییجات آتی بسته است.

B. برای رسیدن به این هدف قبل از هر چیز معاوضه متقابل بین مردم تورک و رومی لازم است.

C. بهترین تضمین برای امنیت و پیشروی اقلیت های خارج گرفته شده از اجراء پیش گیری های معاوضه متقابل؛ در مورد تمام جماعت جدا شده لزوماً از قانون و یا از شهروندی تورک تضمین داده شده، تضمین تورکیه خواهد بود."

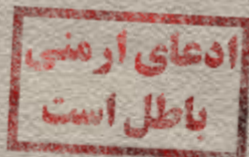
در معاهده صلح لوزان نمایندگان ارمنی نا امید (منفصل از خیال) گشته به تاثیرشان بر مسائل ارمنی، در مورد لزوم راهی که باید گرفته شود بعد از انجام صحبت های خود، در لوزان تلاش نشان داده دولت های ائتلاف برای ارامنه اگر نتیجه متناسب هم ندهد برای تکرار

مجدد این اقدامات در یک زمان مناسب قرار رانده شدن قواعد اصلی این سیاست را گرفته بودند. نمایندگان ارمنی، در حالی که از لوزان جدا می شدند برای دولت های ملحق شده یک اعلامیه منتشر کرده بودند. در خلاصه اعلامیه اینگونه نوشته شده بود:

"نمایندگان ارمنی، از توضیحات کمیسیون های کنفرانس لوزان و در مطبوعات با نشر شدن پروژه معاهده صلح فهمیده اند که دولت های ائتلاف مسائل ارمنی را در سطح رها کرده اند. ماتدن مسئله ارمنی با حل نشدن، وضعیت ارامنه را به حالی وخیم در آورده و توجه کردن به این موضوع را تقاضا می کنیم."

معاهده ورسای، معاهده سور، در 1921 انجام یافتن کنفرانس لندن و در 1922 در تجمعات پاریس از امپراتوری عثمانی قرار رها کردن بعضی اقلیت ها و برای ارامنه تامین یک وطن گرفته شده بود. در میان جنگ، از طرف متفقین یک عنصر جنگ طلب؛ بعد از جنگ هم، با تعریف متفق ماندن در وعده های داده به ارامنه در لوزان، به جای انجام وعده ها، قرار تامین شدن یک چیز هم گرفته نشده است. ما نمایندگان ارمنی زیر این شروط، با نام ارامنه، از دولت ها یک بار دیگر در راه حق و عدالت قرار یافته شدن یک چاره برای دردها را خواهش می کنیم. متداوم نبودن اینگونه صلح در شرق را اعلام می کنیم."

رئیس هیئت جمهوری ارمنی آ. آهارونیان (A. Aharonyan)، در تاریخ 1923.08.09 با مراجعه به جامعه ملل با گفتن اینکه در معاهده صلح لوزان دارایی ارامنه هم قبول نشده است، گرفته شدن مسائل ارمنی به دستور اجلاس جامعه ملل را خواهش کرده بود. باز ارامنه، در تاریخ 1923.08.09 با نشان دادن اعتراض به نمایندگان دولت های متفق در معاهده صلح لوزان از گرفته نشدن ارامنه به توجه و گویا مثل اینکه ارامنه با حاضر نبودن از امضای انداخته شکایت می کنند؛ ادعا کرده بودند که این معاهده نه به صلح نه به حق و نه به عدالت سود خواهد رساند و مخالفت شان از این معاهده را آشکار ساخته بودند.



روابط جمهوری تورکیه - ارمنی از لوزان تا بدین روز

در معاهده لوزان که تماماً مسئله ارمنی را از میان بر می داشت و ارمنه که فهمیده بودند شانس به وقوع پیوستن طلب هایشان از تورکیه توسط دولت های ائتلاف در سطح رها شده، دوباره به سوی روسیه برگشته بودند. ارمنه که روس ها را دشمن تاریخی تورک ها فرض کرده بودند، سیاست تقریب روس ها به دریاهای گرم را وارد حساب کرده، با تصور این که این کشور زیر هر شرطی که باشد می رود ولی از ارمنه محافظت خواهد کرد. به تصور این قول ارمنه یک برنامه انجام داده، تلاش های خود را بر روی این قواعد مقرر کرده بودند.

- A. با جدا مادن از رژیم درون جمهوری ارمنی شوروی، توسعه مدنیت و اقتصاد.
- B. تامین و حفاظت از احساسات قومی، زبان، دین، رسوم و اهداف تمام ارمنه پراکنده شده موجود در دنیا.
- C. راندن آرزو و ادعاهای ارمنه در بین دولت های اروپایی و جامعه ملل و برای این در انتظار فرصت مادن.
- D. تامین کمک موسسه های خیریه برای جمعیت و مهاجرین ارمنی؛ پرورش کودکان بی پدر و بی مادر، انجام دادن بایست کمک به مریضان و محتاجان.



کپی معاهده گومرو حدود کشیده شده بین اتحاد جماهیر شوروی و تورکیه.

A Myth Of Terror.

برای به کارگیری این برنامه و تامین کمک های ارمنه موجود در اروپا تاسیس یک ارگان حس شده بود؛ اما بعضی از محیط ها، از دخالت مجدد کمیته ها اجتناب کرده بودند. به رغم این کمیته داشناک، آرزوهای "ارمنستان متحد و مستقل" را رانده بود.

بعد از تاسیس جمهوریت (در تورکیه) بین روسیه شوروی و جمهوری تورکیه در تاریخ 1925.12.17 حاضر شدن یک پاکت عدم تعرض انجام پذیرفته بود. این پاکت حدود 20 سال در اجراء مانده بود، اما به مورد هیاهوی جنگ جهانی دوم وزیر امور خارجه روسیه شوروی با دادن یک نوت به سفارت تورکیه در مسکو، بی اعتبار بودن معاهده را معین کرده بود.

هم زمان، در ایالات متحده آمریکا بعضی از اسامی با نفوذ جمعیت پراکنده ارمنی به هری اس. ترومان (Harry S. Truman) رئیس جمهور این کشور یک نامه استدعا داده بودند. در این استدعا نامه کمیته چیان داشناک تلاش کرده بودند که با الحاق حساب های قدیم؛

در 1920 مرزهای کشیده شده نقشه ارمنستان توسط رئیس جمهور آمریکا ویلسون (Wilson) برای قبول شدن مجدد آن استدعا کرده بودند که توصیه آن توسط آمریکا به مجمع ملل برده شود.

روسیه شوروی بعد از جنگ جهانی دوم در مورد ارمنه یک سیاست جدید را تعقیب کرده بود. بنابر این سیاست؛ به مورد تجمع ارمنه در جمهوری ارمنستان شوروی تمام ارمنه دنیا عصیان خواهند کرد، تفکر تورک ستیزی از نو شعله ور خواهد شد و بدین طریق آناتولی شرقی بدست روس ها خواهد افتاد. حسن ذیات روسیه شوروی شمرده و ریخته شده و خوش بختی ارمنه در ارمنستان شوروی با تضخیم و مبالغه منتشر شده بود. باز متناسب با همان هدف، برای احتال و قریب ارمنه پراکنده موجود در کشورهای مختلف گماشته هایی فرستاده شده بود. کلپ های ارمنی تاسیس شده بودند. دعوی ارمنی با رانده شدن به عنوان یک مسئله انسانی و عدالت، در این موضوع از دولت های بزرگ وسیله شدن آنها خواسته شده بود.

بعضی از فعالیت های به اجراء در آمده در طی زمان معین گشته عبارتند از:

- در ماه دسامبر سال 1945 در واشینگتن پایتخت ایالات متحده آمریکا، از طرف ارمنه یک کمیته آمریکا با نام "عدالت" بنا شد. با منتشر کردن یک اعلامیه پس دادن نواحی شرقی آناتولی به جمهوری ارمنستان و به جا آوردن مجدد حدود کشیده شده بین تورک - ارمنی توسط ویلسون خواسته شده بود.
- ششمین کاتوگیکوس اچمیازین (واگرسابات امروزی: در غرب ایروان) کورک چورکچیان (Kevork Çörekçyan)، تک به تک با دادن یک نوت به استالین (Stalin) رئیس دولت شوروی، ترومان (Truman) رئیس جمهور آمریکا و رئیس جمهور انگلیس آتله (Atlee). در این نوت، با تکرار شدن ادعاهای سابق، ملحق شدن ولایت های آناتولی شرقی به ارمنستان شوروی تقاضا شده بود.
- لیکن تلاش های روسیه در سوریه و لبنان اینگونه است: روسیه شوروی، با بهره بردن از اداره ضعیف دولت در سوریه و لبنان در این کشورها حجیم شدن فعالیت های ارمنی را تامین کرده، در پشت پرده کمک به ارمنه آنها را تحریک می کرد. برای کنترل این تلاش ها از طرف دیپلمات های روسیه شوروی در حلب، شام، بیروت و در چند مکان دیگر مراکزی باز شده بود. در همان محیط، تعداد کثیری مدارس با معلمان ارمنی روس باز شده بود. در این مدارس سربازان هم از طریق آژان بودن وارد می شدند. در نتیجه تمام این تلاش ها به مورد بودن 30 هزار از لبنان یک تشکل ارمنی 100 هزار نفری به میان آمده بود. سفیر شوروی سولود (Solod)، در زمان ریاست هرانت دیویان (Hrant Devyan) ارمنی مایل به مسکو با یک پارتی کمونیسم در شام "کلپ دوستان ارمنی" را بنا کرده بود. این تشکلات درون سوریه و لبنان، "با وعده های بنای یک ارمنستان مستقل الحاق ولایت های آناتولی شرقی به اتحاد جماهیر شوروی" را به هدف گرفته بودند.
- در ماه ژانویه سال 1946 یک دیپلمات شوروی آمده به بیروت، با نمایندگان ارمنه لبنان و ختای، جداگانه صحبت کرده و به آنها تعلیمات روسیه شوروی را اعلام کرده بود.
- کمیته ارمنه لبنان، در 1946.05.16 با ارسال یک تلگراف به شورای امنیت ملل متحد "در راستای به نتیجه رسیدن حوادثی که در آن یک و نیم میلیون ارمنی کشته شده اند در عوض اراضی مان که از طرف تورک ها استیلا و اموال مان به زور گرفته شده الحاق اراضی نام برده را به ارمنستان شوروی را خواستاریم" گفته شده بود.
- در پاریس کمیته دفاع ارمنستان با نشان دادن فعالیت، در ماه ژوئن 1946 به همراه وزیر امور خارجه فرانسه با ارسال جداگانه یک نوت به وزیر امور خارجه چهار دولت بزرگ، الحاق کارس و آرداهان به ارمنستان شوروی را تقاضا کرده بودند.
- روسیه شوروی، همانند تلاش برای افتناع ارمنه خارج، تلاش کرده بود که ارمنه داخل را هم از طرق مختلف متأثر سازد. در این چهارچوب، در 1946.02.20 در سالن مدرسه پلی تکنیک مسکو کنفرانس دادن سیونف (Civenof) از اعضای مخابر آکادمی علوم ارمنی برای نمایندگان هیئت ارمنی تامین شده بود. در کنفرانس سیونف، با ادعای موجود بودن استان های وان، بیتلیس، اتلازیغ، ارضروم، سیواس و تراپزون درون مرزهای ارمنستان از کشته شدن انبوه ارمنه صحبت کرده بود و از نظاره گر بودن دولت های بزرگ در اروپا انتقاد کرده بود. سیونف با شرف انگیز شمردن ارتباط نشان داده روس ها به ارمنه، در معاهده سور لزوم داده شدن استان های آناتولی شرقی که بعدها در معرض تهاجم تورک ها مانده و با امضای معاهده گومرو از طرف کمیته چیان داشناکسوتیون بدست تورک ها افتاده است را ادعا کرده بود.
- شورای ملی ارمنی، در 1946.06.17 با نام یک "نماینده دفاع از حقوق ارمنی" برای نمایندگی آمریکا در نیویورک یک ضیافت 800 نفری برگزار کرده بود؛ در اینجا ادعای از طرف تورک ها به زور بدست گرفته شدن استانهای آناتولی شرقی با هدف واحد شدن 1.5 میلیون ارمنی پراکنده شده در دنیا با ارمنستان شوروی قرار مراجعه به مجمع ملل متحد گرفته شده بود.
- در 1946.07.29 در ایروان نمایندگی انگلیس - شوروی با ترتیب دادن یک تجمع مطبوعاتی از نمایندگان، باچان (Bochon) برای روزنامه نگاران شوروی اینگونه صحبت کرده بود: "هر انگلیسی که تاریخ ارمنی را می داند، اضطراب کشیده شده از طرف ارمنه را دانسته و نسبت به آنها احساس همدردی می کند. این تقرب را، در بازگشت به مملکت مان تلاش خواهیم کرد تا به حال نظر عامه افکار عمومی در آوریم."
- در آمریکا شورای ارمنی، در ماه سپتامبر 1946 یک برشور با عنوان "ارمنه چه می خواهند" منتشر کرده بود. در برشور، با ادعا شدن تکثیر جمعیت ارمنی و خالی از سکنه بودن اراضی بدست گرفته شده از طرف تورک ها اینگونه گفته شده بود: "ارمنه برای پس داده شدن اراضی شان به آنها تنها به جا آورده شدن عدالت را می خواهند."
- کمیته مدعی مسئله تورک - ارمنی، در 1946.08.15 در مجمع ملل با مراجعه به نمایندگان 21 ملت با یک پیام، تلاش کرده بود که ادعاهای ارمنی را به دستور جلسه مجمع ملل بیاورد.

- در 1965.04.24 در کلیسای ارامنه فرانسه یک مراسم با هدایت مون سنپور مانوکیان (Mon Senyör Manukyan) برگزار شده بود. در شب همان روز نمایندگی محاربان اسبق با ترتیب دادن یک راهپیمایی، یک حلقه گل بر روی بنای یادبود سربازان مجهول فرانسه گذاشته بودند. فردای همان روز در کلیسای نوتیا دومه یک مراسم دیگر ترتیب یافته بود.
- در 1969.04.24 با اعلان شدن "روز یادبود مردگان ارمنی" یک گروه متشکل از ارامنه جوان موجود در انگلیس، با گذشتن از روبروی سفارت ترکیه بر علیه ترکیه اعتراض کرده بودند.
- تورک سنیزی، در دانشگاه های آمریکا هم خود را نشان داده بود. یک ارمنی ثروتمند با نام آگوپ کـوورکیان (Agop Kevorkyan) با بخشیدن 30 میلیون (به ارزش لیره) به دانشگاه نیویورک با بستن "انستیتوی شرق" به جای آن "انستیتوی تاریخ و زبان ارمنی" بنا شده بود.
- ارامنه موجود در آمریکای لاتین، در 1965.04.24 در شهر ساوپاولوی برزیل به سبب رسیدن 50 مین سالگرد قانون تغییر مکان (تهجیر) یک تظاهران ترتیب داده بودند. در همان روز، سناریویی با نام "ماجرای ارامنه 1915" از طرف ارامنه برزیل به قلم گرفته و صحنه بندی شده بود.
- رئیس جمهور ترکیه جودت سونای (Cevdet Sunay) در زیارت خود از آمریکا به تاریخ 1967.04.02 یک اعلان با دفاع از ادعاهای ارمنی در روزنامه (The New-Times) منتشر شده بود. در اعلان داده شده از طرف کمیته ملی ارامنه آمریکا؛ طرح گرفته شدن مسئله ارمنی به دستور جلسه مجمع ملل تضاعفا شده بود.
- رئیس جمهور سونای اینبار در طول سیاحت به پاریس، ارامنه فرانسه توسط مطبوعات یک تبلیغات انجام داده بودند. در مقاله منتشر شده با امضای هرانت ساموئل (Hrant Samuel) اینگونه گفته شده بود: "ارامنه پاریس، با مهمان کردن ژنرال سونای در برابر وطن حرمت و احترام شان را ابراز کرده بودند؛ اما در حقیقت بر علیه رئیس جمهور ترکیه دست به تظاهرات زده بودند. لیکن در اینجا می خواهیم این را معین کنیم که، این، در برابر خواسته های ارامنه از ترکیه به معنی نه گفتن نیست. بدون توقف به دعوی با حق مان، درون سکونت و از راه های سیاسی با مجادله و برای یافتن یک راه حل تلاش خواهیم کرد."
- پاتریک هورن اول (I. Horen) در سیاحت اروپا، در قبرس با ماکاریوس (Makarios) ملاقات کرده بود. بلافاصله بعد این ملاقات در مطبوعات قبرس نشریات تحریک آمیز شروع به انتشار کرد. در این راستا پارتی رامگاوی ارمنی موجود در مرکز لبنان، به سبب 45 مین سالگرد تاسیس در یک اعلامیه منتشر کرده؛ برای رسیدن به هدف "تثبیت کردن اراضی مرتبط با ارامنه که از طرف تورک ها بدست گرفته شده؛ باز برای به واقعیت رسیدن تلاش های آزادی و استقلال، ارامنه درون یک تفکر آزاد و دموکراتیک هستند" را توضیح داده بودند.
- کمیته چیان ارمنی، برای حفاظت از منافع و اموال خود، در حالی که در هر کشوری که موجود بودند دست به انجام تظاهرات و کنفرانس می زداند، پاتریک ارامنه استانبول اسقف اعظم شینوک کالوسیان (Sinork Kalusyan)، به مورد مخالف بودن با اینگونه حوادث در 1967.02.06 و 1967.04.06 جداگانه برای افکار عمومی دنیا توضیحاتی انجام داده بود. کالوسیان در توضیحات خود، بعد از لوزان از باقی نماندن چیزی که به آن "مسئله ارمنی" بگویند و تاسف خود در برابر حوادث را اعلام کرده بود.
- اعراب مسیحی و مسلمان لبنان به همراه هم، در سال 1969 در (جذلات) بیان از 54 مین سالگرد قتل عام ارمنی یاد کرده بودند. حکومت لبنان، برای اعزاداری شان در 24 آوریل به ماموران ارمنی اجازه داده بود. در 1969.04.24 بر علیه ترکیه و اسرائیل تظاهراتی انجام شده بود.
- به سبب 60 مین سالگرد ادعای قتل عام انجام شده بر علیه ارامنه در فرانسه، آمریکا، آلمان و یونان تظاهرات های بزرگ انجام گرفته بود. قبل از این تظاهرات حکومت کشورهای موضوع بحث برای حفاظت خطرات متوجه بر علیه تورک ها در اجبار گرفتن تدابیری مانده بودند. (1)
- بعد از 1965، ارامنه موجود در کشورهای مختلف با شروع کردن به مجادله های افتراء زنی برای حس شدن موجودیت مسئله ارمنی در (جذلات) بیان نزد افکار عمومی دنیا و ترکیه، اعتبارا بعد از سال های 1970 وارد عملیات های ترور متوجه بر سفرای تورک خارج از کشور شده بودند.
- یک ارمنی مسن با نام گورگن (کارکین) یانیکیان (Gurgen (Karekin) Yanikiyan) در 1973.01.27 با بقتل رساندن سرکنسول ترکیه محمد بایدار (Mehmet Baydar) به همراه کنسول بهادر دمیر (Bahadır Demir) در لوس آنجلس، شروع شدن این "ترور فردی ارمنی" اعتبارا از سال 1975 تبدیل به "ترور تشکیلاتی ارمنی" شد. تهاجمات ارمنی متوجه به سفرای خارجه ترکیه، بعد از 1980 حجم گسترده ای پیدا کرده بود. تروریست های ارمنی، در 38 شهر 21 کشور، به مورد 39 حمله مسلحانه، 70 حمله به شکل بمب گذاری و یک نمونه هم به شکل اشغال جمعا 110 حادثه ترور را به واقعیت رساندند.
- در این تعرضات 42 دیپلمات تورک همراه با 4 خارجی حیات شان را از دست داداند، 15 نفر تورک و 66 نفر هم با تابعیت های خارجی زخمی شده بودند. از 1984 ترور ارمنی از صحنه کشیده شده؛ بعد از یک مدت درون همکاری بودن، ترور را به گروه تجزیه طلب ترور PKK سپرد.
- اولین کنفرانس تشکلات ارامنی دنیا، در پاریس در تاریخ 1979.09.03-06 تجمع کرده بود. ملحق شدن تشکل ترور ASALA به عنوان یک نیروی با اهمیت و کنگره ای در آن نقش موثری را بازی می کرد، بر روی قوای اختلالی ارمنی موجود در فرانسه موثر گشته بود. هدف این کنگره؛ را در شکل "گرد آوردن ارامنه دنیا زیر یک فکر و یک پرچم، با ارزیابی محیط سیاسی متمایل شدن به طلب خاک" می تواند خلاصه شود.

- در تاریخ 28-21.04.1980 PKK و ارمنه با اعلان هفته سرخ، به همراه از روز 24 آوریل در (جذلات) بیان به عنوان روز بقل رسیدن ارمنه یاد کردند. در 08.04.1980 PKK و ASALA با ترتیب دادن یک تجمع مطبوعاتی مشترک در شهر سیدون لبنان، به مورد رو در رو شدن این همپوشی با عکس العمل مخفی این روابط غیر قانونی را گرفته شد. پس از این تجمع در 19.11.1980 در سرکنسولگری استرازابورگ، لیکن در 1980 تهاجم متوجه به دفترخانه THY (هوایمایی تورکیه) در روم از طرف ترور PKK و ASALA برای اشتراک ارتقاع یافت.
- کنگره لوزان 1983، در نتیجه حوادث مهم تجمع کرده بود. ترور به بعدهای وسیع کشیده شده بود، رفته رفته افکار عمومی دنیا به حال سرزنش و ملامت ارمنه و تروریست ها در آمده بودند. مخصوصا عملیات برداشته شده به قتل عام در شکل جمعی، شروع به ناراحت و متضایق کردن ارمنه و نزدیک ترین دولت های حامی کرده بود. کنگره، با هدف "متحد کردن نظرات سیاسی ارمنی و تامین کردن حرکات آن در یک جهت" در یک همچنین محیطی تجمع کرده بود. با ملحق نشدن ASALA، لیکن در نتیجه ملحق شدن اقلیت طرفداران شدت؛ بین داشناک و ASALA اختلاف و تقاسیم دیده شده بود.
- در 13-07.07.1985 در کنگره ای که در سور تجمع کرده و اسم آن "سومین کنفرانس تشکلات ارمنی" نامیده شده بود لیکن اهداف اصلی، قبول کردن "قانون اساسی ارمنی" حاضر شده بود. در کنگره، تشکیل تمثیل یک "اتحاد" برای ارمنه در وسعت جهانی به تلاش گرفته شده بود. ملحق نشدن ASALA و راهی شدن آن به انتقادات حجیم در کنگره و صفت تمثیلی داشناک ها مسبب بحث های طولانی شده بود.
- در 04.06.1993 در غرب بیروت در مرکز PKK، یک تجمع با الحاق پارتی هنجاک، ASALA و PKK به وقوع پیوسته بود.
- در تاریخ های 09-01.06.1993 در تجمعات ترتیب داده شده در دو کلیسای جداگانه در بیروت، قرارهای مهمی که تورکیه را در زمانی نزدیک مورد توجه قرار می داد گرفته شد. در تجمع با حضور اسقف اعظم ارتدکس ارمنی لبنان همراه با الحاق حدود 150 جوان به صلاحیت داران پارتی ارمنی این قرارها گرفته شده بود.
- اکنون باید بر علیه تورکیه رفتار ساکن نشان داده شود.
- اجتماع ارمنی به مرور در حال رشد است و از جهت اقتصادی در حال قدرت گرفتن است.
- در سایه فعالیت های توسعه داده شده پروپاگاندا، در تمام دنیا (در جذلات بیان) درک بهتر برای نسل کشی آغاز شده.
- دولت ارمنستان بنا شده، با طی هر روز اراضی آن در حال گسترش است و انتقام پدران خود را کاملاً خواهند گرفت.
- به مورد در راس بودن آمریکا، دیگر کشورهای غربی در جنگ رانده شده به قره باغ ارمنه را ذیحق دیده اند.
- ارزشمند شماری این فرصت لازم است... در قره باغ به محاربان جوان ارمنی اعضای جدید ملحق خواهد شد.
- در تورکیه - با قصد مجادله انجام شده با تشکل ترور PKK - جنگ داخلی ادامه خواهد یافت، اقتصاد تورک به نقطه صفر خواهد رسید و شهروندان عصیان خواهند کرد.
- تورکیه تجزیه خواهد شد.
- در تورکیه یک دولت کرد تاسیس خواهد شد.
- ارمنه ارتباط خود با کردها را در یک شکل عالی ادامه دادنی و مستلزم حمایت از مجادله های کرد هست اند.
- امروز اراضی در دست تورکیه، فردا مال ارمنه خواهد شد.
- در این میان، در لبنان و کشورهای دیگر قسمت عظیمی از پول جمع شده برای پارتی و موسسه های ارمنی در طی ماه های اکتبر، نوامبر و دسامبر 1992 برای تامین سلاح از یونان یا به وسیله یونان و فرستاده شدن قسمت باقی پول هم توسط راه هوایی در اوایل ماه ژانویه 1993 به ارمنستان برای تامین مواد غذایی به مورد رساندن آن به اشغال گران متجاوز ترمیرگر ارمنی در قره باغ قابل ذکر است.
- بعد از 1984 کمیته های ارمنی که حرکات ترور متوجه بر تورکیه را به PKK سپرده بودند، در (جذلات) بیان راندن ادعاهای خود به وسیله جمعیت پراکنده ارمنی خارج را ادامه داده بودند. در بعضی ایالات آمریکا و با حمایت بعضی کشورهای اروپایی از ارمنه با در راس بودن فرانسه در پارلمان این کشورها بیرون آموین قبول کردن "نسل کشی ارمنی در (جذلات) بیان" تامین شده بود. این جریان هم اکنون هم ادامه دارد.



به میان آمدن مسئله ارمنی

با شروع ضعف دولت عثمانی و ماندن در معرض مداخله اروپا در هر موضوعی، یک دوران انحراف هم بین روابط تورک - ارمنی آغاز شده بود. دوات های غربی با تجزیه دولت عثمانی برای سود بردن از منافع منطقه ای خود جدا کردن ارامنه از جامعه تورک را به هدف گرفته بودند. مخصوصا بعضی از دولت های بزرگ غربی در زیر نام "اصلاحات" از طرفی در حالی که در امور داخلی دولت عثمانی دخالت می کردند. از طرف دیگر هم ارامنه را بر علیه حکومت عثمانی متشکل از تشکیلات کرده بودند. بدین طریق در بیرون و خارج از کشور کمیته های ارمنی متشکل و مسلح شده در نتیجه فعالیت های تحریک آمیز کلیساها، رفته رفته شروع به دور کردن جمعیت ارمنی از تورک ها کردند.

بر عکس رفتار حسنه تورک ها، ارامنه ای که در صورت اتفاق با دولت های خارجی بر علیه تورک ها شروع به نزاع کرده بودند، برای اینکه حمایت غرب را بدست بگیرند خود را با نشان دادن "یک جمعیت له شده" و به زبان آوردن ادعای "حقوق آنها در فرمانروایی بر روی آناتولی که از طرف تورک ها قصب شده" را شروع کرده بودند.

ارامنه ای که امتیازات خود را با فرمان اصلاحات که مسلمین و غیر مسلمین را به وضعیتی مساوی در می آورد، از دست داده بودند، در نتیجه جنگ عثمانی - روس در 1877-1878 از روس ها "کشیده نشدن از اراضی اشغال کرده آناتولی شرقی، خود مختاری دادن و یا به لحن ارامنه انجام اصلاحات" را خواسته بودند. همراه با این خواسته ها مسئله ارمنی، برای اولین بار، به میان آمدن و شکل بین المللی گرفتن را شروع کرده بود.

بعد از جنگ عثمانی - روس در 1877-78 ماده 16 معاهده سن استفانو که دولت عثمانی در اجبار قبول کردن آن بود بدین طریق می باشد:

"از ارمنستان که زیر استیلا سربازان روس قرار گرفته تخلیه و پس دادن مکان های لازم به دولت عثمانی در آنجا بدون راه باز کردن زیان بر روابط دوستانه دو دولت، دولت عثمانی در ایالاتی که ارامنه در آن محفوظ هستند لزوم اصلاحات منافع محلی، انجام ترتیبات بدون از دست دادن وقت و تامین امنیت ارامنه در برابر کردها و چرکس ها را تضمین می کند."

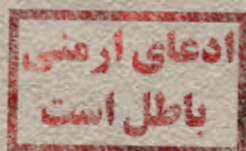
این حکم معاهده، با اعتبار اساسی ارامنه ای که حاصل شدن استقلال را می خواستند، در معنی کلی اگر راضی هم نکرده بود، در تاریخ برای اولین بار انعکاس "مسئله ارمنی" در یک سند بین المللی و به جهت سخن گفتن از موجودیت یک منطقه با نام "ارمنستان"، اهمیت بزرگی را حمل می کرد.

در سال 1878 در نتیجه تجمع کنگره برلین در ماده 61 معاهده امضاء شده برلین هم به جای ماده 16 معاهده سن استفانو این حکم آمده بود:

"حکومت عثمانی، در ایالاتی که مردم ارمنی در آن موجود هستند لزوم انجام اصلاحات احتیاجات محلی، بر تضمین امنیت و راحتی ارامنه در برابر تحدیدات کردها و چرکس ها را تعهد می دهد و در این موضوع مطلع شدن دولت ها از تدابیر گرفته شده، این دولت ها هم بر اجرای تدابیر موضوع بحث نظارت خواهند کرد."

با این حکم معاهده برلین، در روابط تورک - ارمنی حق مداخله قدرت های بیگانه تعریف شده بود.

بدین طریق ارامنه، استفاده شدن از طرف روس ها و انگلیسی ها را شروع کرده و در دست انگلستان در برابر امپریالیسم روس وظیفه یک پیش قراول را بازی کرده بودند. مسئله ارمنی که از طرف انگلستان و روسیه به صحنه تاریخ تقدیم شده، در حقیقت یک بسط سیاست امپریالیسم برای به زمین انداختن و تجزیه دولت عثمانی بود. ادعاهای نسل کشی صوری ارمنی و دروغ های آن هم در عمل محصول تبلیغاتی این سیاست می باشند...





نمایندگان کشورهای ملحق شده به کنفرانس برلین در یک جلسه.

Osmanli Ermenileri.

بلافاصله بعد از ورود عثمانی به دوران تنزل با تشویق روسیه، انگلستان، فرانسه و امپراتوری اتریش - مجارستان، ملی که امپراتوری عثمانی را تشکیل می دادند پشت سر هم وارد مجادله های اختلالی شده و برای همین موفق شده بودند. این تقلا ها برای ارامنه هم نمونه تشکیل داده بود، آنها هم با حمایت مادی و معنوی متقاضیان تکه تکه شدن عثمانی ها در هر نقطه عصیان ها را شروع کرده بودند. بدین ترتیب، اعتبارا بعد از نیمه دوم قرن 19 از یک "مسئله ارمنی" حرف زده شده بود.

در این دوران دنیا با رفتن به سوی توازن قدرت با به میان آمدن یک دولت مهم تر، روسیه تزاری اراضی عثمانی را به عنوان یک میدان طبیعی برای قشون کشی قبول می کند و از پشت عثمانی ها هدف باز شدن بسوی دریاهای گرم را تعقیب کرده. برای رسیدن به این هدف به همراه استفاده از مهمترین وسیله ها در جنگ ها، بازی کردن نقش حامی برای جمعیت مسیحی زیر حکومت عثمانی را هم داشته است.

از طرف دیگر، دو قدرت مهم دیگر یعنی انگلیستان و فرانسه هم در هدف سود بردن از ارامنه عثمانی برای پروتستان گری و کاتولیک گری می باشند و در مفاد این اهداف، در سال 1830 در استانبول کلیسای کاتولیک ارمنی و در 1847 کلیسای پروتستان ارمنی را بنا کرده بودند. در پشت این علاقه نشان داده روسیه، انگلستان و فرانسه به جمعیت ارمنی و دیگر مسیحیان عثمانی، با اعتبار اساسی زیر تظاهر به حمایت از اقلیت ها مداخله در امور داخلی دولت عثمانی و هدف تکه تکه کردن امپراتوری خوابیده بوده.

از طرف این قدرت ها برای ارامنه بنای یک دولت جعلی متمسکون داده شده ارمنی در آناتولی شرقی وعده داده شده بود. حال اینکه در دوران موضوع بحث، نفوس ارمنی موجود این منطقه درون نفوس عمومی منطقه فقط یک نسبت 15% را به خود اختصاص می داد. مثلا ارامنه در پرجمعیت ترین نقطه ای که بودند، یعنی در بیتلیس حتی 1/3 نفوس را هم تشکیل نمی دادند. اگر برای "مسئله ارمنی" جستن یک نقطه شروع لازم باشد، معاهده سن استفانو بعد از جنگ عثمانی - روس در 78-1877 و کنفرانس برلین می باشد.

ادعای ارمنی
باطل است

کمیته های ارمنی

• کمیته آرمناکان ارمنی



مسئله ارمنی

ارامنه اختفاء کرده در زیر زمین ها، در حال ساخت فشنگ.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

کمیته آرمناکان اولین کمیته و موسسه سیاسی بنا شده ارامنه به مورد تلاش بر علیه تورک ها می باشد. در سال 1885 در وان تاسیس شده بود.

با شعار بدون خون ریختن آزادی بدست نمی آید شروع به کار کرده بود. در فرانسه با نشر روزنامه ارمنستان (Armenia) برای ایجاد افکار عمومی تلاش کرده بودند. هدف تامین استقلال ارمنی را از راه اختلال بدست گرفته بودند و برای به واقعیت رساندن این موارد، در برنامه حاضر کرده:

به یک میان آوردن تمام ارامنه، انتشار افکار مخالفانه، انجام دادن استفاده از سلاح و آموزش نظامی به اعضای خود، تامین سلاح و پول و حاضر کردن مردم برای یک عصیان عمومی را پیش بینی کرده بودند.

در موضوع آموزش نظامی، از یک سرگرد موظف کنسولگری روس در وان کمک گرفته و آموزش را در مدرسه ارمنی وان انجام داده بودند.

فعالیت های معلوم کمیته اینگونه بودند:

تهاجمات به ژاندارماهای تورک، جنایات مختلف، تهاجم به عشیره ها، در اکتبر 1892، قتل یک پلیس در وان، در ژوئن 1895، به همراه کمیته هنجاک ملحق شدن به عصیان وان و با یک گروه 200 نفری بر روستاها و قصبه ها تاخت و تازهایی را انجام داده بودند.

اعضای این کمیته بعدها وارد کمیته های هنجاک و داشناک شده بودند.

ادعای ارمنی
باطل است

کمیته هنجاک ارمنی



یکی از دسته های داوطلب هنجاک با نام هامازاسب.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

کمیته هنجاک (صدای ناقوس) ارمنی در اصل از طرف ارمنه قفقاز تابع روس با سرکردگی آودیس نظربگ (Avedis Nazarbeg) و همسر او مارو (Maro) به همراه دیگر شاگردان قفقازی در سال 1886 در سوئیس بنا شده و برای انتشار تفکر کمیته هم، باز با نام هنجاک یک روزنامه به چاپ رسانده بودند. در راس این کمیته و در میان اعضای آن اکثریت را باز ارمنه تابع روس تشکیل می دادند. این کمیته، برای فعالیت های خود منطقه آناتولی شرقی را انتخاب کرده بود؛ بعد از مدتی مرکز کمیته از سوئیس به لندن برده شده بود.

برنامه کمیته هنجاک، سوسیالیست، مارکسیست و سنترالیست بود؛ قواعد کارل مارکس (Karl Marx)، با اساس بودن قبول شده بود. اعضای این کمیته، در حالی که به خود سوسیال دموکرات می گفتند، برنامه سیاسی شان تماماً در وصف یک بیانیه کمونیست بوده.

کمیته، در سال 1890 به مورد موجود بودن مرکز آن در استانبول در دیگر ولایت های کشور عثمانی شعباتی باز کرده و با این سرعت، با تشکلاتی شدن فعالیت های خود را شروع کرده بود. هدف سیاست اصلی این کمیته، رها کردن ارمنه تورکیه از تورک ها، ارمنه ایران از ایرانی ها و ارمنه روسیه از روس ها بوده؛ بعد هم، در تمام این مملکت ها تمیز کردن کاپیتالیزم ها بود.

برنامه (کمیته هنجاک ارمنی)

"صنف کارگر و تولید کننده، یک اکثریت عظیمی از بشریت را احاطه می کند. رها شدن از استعمار صاحب سرمایه این صنف از طرف یک اقلیت ثروتمند و حاکم، با صاحب شدن بر تولید تمام تولید کنندگان و وسایل آن، بر خاک، بر کارخانه ها، بر معادن و با صاحب شدن بر واسطه های نقل و انتقال به واقعیت می رسد. استقلال صنف تولید کننده، رهایی تمام انسانیت، توسعه عمومی و اقتصادی می باشد.

برای رسیدن به این هدف و فعلاً برای اجراء آن، تمام صنف تولید کننده کشورهای متمدن، در یک شکل مختص بر خود باید سازماندهی شده و با به حرکت در آوردن امکانات عمومی سیاست در امر خود، همراه هم در تمام کشورها باید انقلاب کمونیسم انجام شود. در این سایه سایر اصناف از میان برداشته و صنف تولید کننده، یک نظام سوسیالیست بنا می کند. در این بنا شدن خلق، قوانین خود را انجام داده و قدرت خود را نشان می دهد.

(...)

در وضعیت امروزی ارمنه، در مدیریت صنف های متصل بر اداره مطلقیت موجود هستند. مدیریت اینها، سیستم مالیاتی و مالی شان، برای آنها مخرب است. در حالی که در یک طرف آنها شکل تولید کاپیتالیست اجراء می شود از سوی دیگر مدام اشکال مدیریت و اقتصادی قدیم در حال نیست شدن است."



هنگ داوطلب هنجاک ارمنی دسته دوم از روزنامه ارمنستان جوان "Yeridasaret Hayastan". 1915.07.20

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

با تاثیر تمام این شرایط سوسیالیست دمکرات های ارمنی و تامین یک نظام سوسیالیسم احاطه کننده عموم و تمام برای ارامنه، با هدفی دور در حال قبول شدن می باشد و بدین دلیل تمام تمایل و مشاغل، در لزوم انتخاب یک هدف نزدیک هستند. در عمل این هدف نزدیک، پارتی اختلالی هنجاک سوسیال دمکرات ارمنی را ایجاد کرده بود. این اهداف نزدیک عبارتند از:

- A. ایجاد اختلال
- B. نابود کردن صنف های حاکم مدیریت مطلقیت
- C. رهایی ارامنه از اسارت
- D. قدرت دادن به ارامنه برای ملحق شدن به امور سیاسی
- E. برداشتن موانع تاثیر گذار بر ترقی مدنی و اقتصادی
- F. حاضر کردن محیط ابراز بارز تمایلات و آرزوهای صنف کارگر
- G. مرتب کردن شرایط تلاش سنگین
- H. برای تشکیلاتی شدن در حال یک موجودیت سیاسی خاص برای خود آنها تامین کردن اصلاحات در مورد صنف
- I. آسان سازی تلاش های خلق و کمک کردن به آنها برای پیش روی مستقیم بر اهداف دور

هدف نزدیک کمیته هنجاک با تمام تناسب بر این تفکرات، تلاش برای فروپاشی صنف های مدیریت مطلقیت و تغییر آنها با یک رژیم مشروط و دمکرات می باشد. شروط اصلی آن هم شامل موارد ذیل می باشد:

- A. برای تمثیل خلق، هر بخش با سرعت استفاده از آرای خود در انتخابی که انجام خواهد شد یک مجلس تشریعی (قانون گذار) باید بنا شود، این مجلس، با بررسی تمام امور، قوانین، سیاست و اقتصاد مملکت باید دارای صلاحیت قرار دادن در این موارد باشد.
- B. باید برای ولایت های یک مختاریت گسترده داده شود.
- C. باید برای خلق یک آزادی کلی تامین شود.
- D. خلق، باید تمام مامورین دولت، تمام اشخاص مشغول در خدمات عمومی، مامورین امنیت، مامورین مشغول در امور آموزش و عدلیه را انتخاب کنند.
- E. هر تبعه رشید بدون حمایت از تفاوت ملیت و صنف، لزوما برای ولایت ها و یا لزوما برای ادارات مختار در انتخاب وکیل باید دارای صلاحیت باشد.
- F. تمام اتباع در برابر قانون، بدون حمایت کردن از تفاوت ملیت و دین باید برابر شوند.
- G. باید برای مطبوعات، بیان، وجدان، تجمع، بنای انجمن و برای مجادله انتخاباتی یک آزادی کلی داده شود.
- H. شخص تبعه و خانه او، باید در برابر تهاجمات محافظت شود.

- A. کلیساها، باید از حکومت جدا شده؛ تمام موسسه های دینی، فقط باید با کمک اشخاص تداوم دهنده در این مکان ها و منصوبان خودی می توانند از موجودیت خود محافظت کنند.
- J. تمام خلق، سربازی خود را درون صلح در شکل تشکیلات غیر نظامی باید انجام دهند.
- K. باید یک نظام متمایل اجباری و لایک به کار گرفته شود؛ حکومت، باید به فقرا کمک کند.

با مرتبط بودن در اصلاحات برای وضعیت اقتصادی مردم، با بدست آوردن حقوق سیاسی ذکر شده در فوق لزوم آورده شدن شرایط ذیل به صورت تکیه بر آن قواعد لازم می باشد:

- A. باید سیستم مالیاتی موجود برداشته، به جای آن یک قدرت معین و بنابر قابلیت پرداخت یک سیستم مالیاتی پیشرفته بنا شود.
- B. مالیات های واسطه دار، باید تماما برداشته شوند.
- C. روستائیان، باید از هر نوع قرض رها شوند.
- D. با کمک های خلق و یا حکومت باید ابزار زراعت تامین شده استفاده از آنها تعلیم داده شده و به خلق تحویل داده شود.
- E. دورن خلق باید مشارکت های زراعی بنا شده، هدف این مشارکت، فروختن محصولات زراعی، خرید بذر، حبوبات و چیزهای شبه آن و داشتن مدیریت باشد.
- F. لزوم تامین کردن هر نوع وسیله برای انتقال و تماس.
- G. حکومت، باید برای پیشگیری از استعمار تلاشگران کمک کرده و برای محافظت از آنها قانون اتخاذ کند.

ارامنه تورکیه با تشکیل اکثریت ارامنه (دنیا) و مکان های زندگی آنها، اراضی وسیعی از تورکیه را شامل می شد. دعوی اکثریت ارمنی، در ماده 61 معاهده برلین و با کمک شروط بین المللی دیگر، به حالت یک خلق در آمده و از طرف دولت های بزرگ اروپایی هم تعریف شده بود. وضعیت افلاس کرده، زوال و بی نظمی سیاسی، اقتصادی و مالی امپراتوری عثمانی، اختلافات داخلی و حال دچار گشته بر زلزله، نابودی حکومت عثمانی را اجباری و قطعی کرده بود، تاثیر دولت های دیگر اروپایی هم به آن کمک کرده بود. با تجزیه یک قسم از اراضی اروپایی عثمانی در یک شکل منظم به سبب عدم در اختیار دولت های دیگر افتادن تامین خصوصیات ذیل، یک وضعیت تاریخی لازم و ضروری را گرفته بود:

- A. کمیته های ارمنی، امروز مشغولیت خود را در دفاع از دعوی ارامنه و برای به نتیجه رساندن آن بنابر هدف نزدیک صرف خواهند کرد.
- B. بنابر این وضعیت صحنه مشغول اختلال، منطقه ارامنه موجود در تورکیه خواهد شد.
- C. با لزوم جدا کردن آینده ارامنه از تقدیر دولت عثمانی، اولین شرط نزدیک ترین هدف ارمنی استقلال است.

چاره رساندن ارامنه به هدف نزدیک، با یک اختلال یعنی با اجبار در تورکیه زیر و رو کردن و تغییر دادن بنای عمومی مناطق دارای ارمنی؛ با عصیان عمومی و باز کردن آتش جنگ بر علیه حکومت تورک می باشد. واسطه های این مجادله بدین ترتیب است:

- A. با مطبوعات، کتاب و صحبت ها بین مردم و مخصوصا در میان کارگران انجام دادن تبلیغات؛ انتشار افکار انقلاب، در بین مردم تاسیس تشکیلات انقلابی و به میان آوردن عصیان.
- B. مجازات عناصر استبداد تورک، مفتشان، مخابران، خائنین و اهانت کنندگان؛ استفاده از ترور، برای دفاع از تشکیلات اختلال و محافظت از مردم در برابر اذیت کنندگان و مشغولیت خائنین.
- C. برای حفاظت از مردم در برابر تهاجمات نظامی های حکومت و یا عشیره ها، به وجود آوردن یک قوای حاضر مسلح؛ حفاظت از جریان گروه ها. این گروه ها در انجام یک عصیان عمومی وظیفه رهبری را انجام خواهند داد.
- D. متصل بر هم، تماما درون یک اتحاد و برابری حرکت به سوی هدف مشترک، با اجراء همان تاکتیک، باید یک تشکل منظم سوق و اداره شونده از یک مرکز و متشکل از تعداد کثیری از گروه ها تاسیس شود. در تورکیه تمام قدرت و سلاحت تشکیلات ها، با یک نظام نامه شاخص بر مشغولین و تشکیلات کمیته هنجاک تثبیت شده است.
- E. ایجاد حوادث برای ترتیب دادن اجراء یک عصیان.
- F. ورود هر دولت بر جنگ علیه تورکیه، مناسب ترین زمان برای به موفقیت رسیدن یک عصیان عمومی است.
- G. کشیدن ارامنه و دیگر اقلیت های موجود در منطقه که تقدیرشان با ارامنه مشترک است به طرف خودمان، مشترکا با آنها علیه دشمن مشترک مان حکومت تورک جنگیدن. بزرگ ترین هدف کمیته هنجاک ارمنی، همراه با تمام اقلیت های موجود در آناتولی شرقی، با رهایی از اسارت دولت عثمانی بنا کردن یک فدراسیون همانند آنچه که در سوئیس است می باشد.

کمیته هنجاک مشغول بر یک برنامه سیاسی، مخصوصا بر صنف کارگر یک تبلیغات و پروپاگاندای بسیار متناسب مارکسیزم انجام داده بود. برای انجام اختلاف و اختلال، جوان ها، لیبرهای دینی، ماجراجویان و بی کارها، برای ورود به کمیته و تلاس در این مکان ها جان گذاشته بودند؛ مدیران کمیته هم، با تلاش بر روی اساس صنف خواستار خلق یک اجتماع سوسیال متشکل از کارگران (Proletariat) بودند.

این فعالیت های کمیته، بنابر شرایط موجود در تورکیه، از یک تبلیغات سوسیالیزم آن سوتر نرفته بود. به عصیان های ترتیب داده کمیته هنجاک ارمنی، اکثرا افرادی از مملکت های خارجی خصوصا از روسیه آمده و به این گونه اعمال اشخاص متمایل هم ملحق شده بودند.

ورود ارامنه به عمل، در بی امکان بودن مملکت در ورود به حوادث خونین بسیار سنگین موثر گشته بود. برای بنای تشکیلات های کمیته هنجاک ارمنی از ژنو شیمائون تقلیسی (Tiflisli Şimavon)، از ایران اس. دانیلیان (S. Danielyan)، از ترابزون روپن هانازات (Rupen Hanazat) تابع روس، از باتوم اچ. مگاوریان (H. Megavoryan) آمده بودند. بعد از بحث و جدال طولانی، استانبول مرکز کمیته هنجاک ارمنی شد. به این تشکل، در استانبول سایر تشکیلات های اختلال گرای بنا شده قبل از سال 1890 هم ملحق شده بودند. همان طور که مشاهده می شود، سرنوشت ارامنه موجود در تورکیه، بدست تعداد کثیری از ارامنه روس رها شده بود. در این میان آنهایی که وارد کمیته نشده و کمک مالی انجام نداده، شروع به زیر فشار قرار گرفتن و بقتل رسیدن کرده بودند. تشکیلات ها، با یک سرعت اعظیم در ولایت های موجود آناتولی هم انتشار یافته بودند.

فعالیات (کمیته هنجاک ارمنی)

برنامه اصلی و نظام نامه کمیته هنجاک ارمنی، در سال 1909 در استانبول منتشر شده بود. این نظام نامه، به لزوم قانون انجمن ها کارگران آن به وزارت آن داده شده و با انجام مراحل مختلف لازم در تاریخ 1909.02.08 سند تصدیق استانداری استانبول به شماره 90 را گرفته بود. نظام نامه از پنج قسمت تشکیل شده بود. در ارتباط با فعالیت های بدست گرفته کمیته هنجاک ارمنی در دفتر قرار متعلق به سال های 1910، 1911، 1912، 1913 گرفتن این قرارها درج شده است:

A. تلاش برای تامین سلاح، مهمات و مواد منفجره.

B. انجام تعلیم سلاح (از طرف ماروفیان (Marufyan)، یاورویان (Yavruyan)، جاندان (Candan)).

C. سرعت دادن به تبلیغات

D. بنای روابط با کمیته داشناک.

E. بنای روابط با متحد گراها.

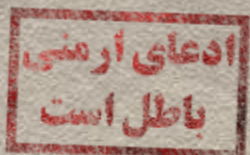
F. بنا و هدایت دسته ها در وان (دسته ها: اورسفان، جانگ، گوچناک، ژورچاک، پنچاک، بادامی، تژهنک، مارو و پارس)

کمیته هنجاک ارمنی در تاریخ 1914.07.24 در تورکیه سومین کنگره خود را برگزار کرده بود. با فرستاده شدن 28 نماینده از 51 شعبه در کنگره افتتاح شده با ریاست جانگلیان (Cangülyan) و منشی گری تانجوتیان (Tancutyan) این قرار گرفته شده بود:

"هدف و تلاش های مان لزوم مسئولیت بزرگ و با گرفتن خطرات زاده شده از آن به پیش چشم، برای نشان دادن انسان های متمدن بودن مان باید از ماجرا ها و از حرکت های انجام گرفته با بی فکری دوری جست، تاثیرات عالی درک شده دارای استقرار و برای موفقیت واسطه های مان در اهداف و حرکت های مان تنها ترین چاره باید مورد توجه قرار گیرد."

کمیته چی های ارمنی هنجاک به مورد این، در سال 1896 دور شدن از تورکیه را شروع کرده بودند. در بین اعضای این کمیته تضاد و اختلاف به میان آمده و به دو قسمت جدا شده بودند. یک قسم هنجاک های اصلی (طرفداران نظربگ)، قسم دیگر هنجاک های اصلاح طلب (Veragazmiyal Hınçak) نام گرفتند. این گروه دوم، از طرف یک شخص با نام آرپیاریان (Arpiyar Arpiaryan) به مدیریت گرفته شدن را شروع کرده بود. هر دو کمیته هم، بنابر یک قاعده کلی نه، بلکه بنابر مسلک ها و نظرهای مدیران حرکت کرده بودند، منافع شخصی را به پلان مقدم گرفته و از این دفاع کرده بودند. این تضاد بین آنها، به غوغاهای خیابانی تغییر کرده، بعضی ها دچار ضرب و شتم گشته، یک قسم هم کشته شده بودند.

لیکن مردم ارمنی متوجه شده از مارکسیست بودن هنجاک ها نظرات کمیته چیان را قبول نکرده بودند. مجادله ها در سال 1902 تماما افزایش یافته، تعداد کثیری از کمیته چیان مرتبط با هر دو طرف، در انگلستان، روسیه، مصر، بلغارستان، قفقاز و ایران در میان خیابان ها کشته شده بودند. بعد از عصیان وان بعضی دسته ها، اگر اسم هنجاک را حمل کرده باشند هم دیگر از یک قدرت کافی محروم بودند. بعضی لیبرهای هنجاک ارمنی با درک اهداف مخفی روس ها و جدایی آنها از راه محقوق و خیالی گرفته شده یکی از فاکتورهای مهم در منحل شدن کمیته هنجاک ارمنی، گشته شده بود.



1. کمیته داشناک ارمنی



کمیته داشناک ارمنی که با "فدراسیون انقلابی ارمنی" هم ذکر می شود، در به میان آمدن مسئله ارمنی نقش های مهمی را بازی کرده بود. فعالیت های کمیته، بعد از بدست کمونیسم ها افتادن "جمهوری ارمنی" در ایالات متحده آمریکا، لبنان، ایران، فرانسه و یونان در شکل "پارتی در تبعید" ادامه داشته. کمیته داشناک ارمنی که تا بدین روز با اعمال مختلف فعالیت های خود را ادامه می دهد، تیم و گروه های مختلف ترور را تشکیل داده.

1. ترکیب تشکل

A. بورو - فوق ترین ارگان تشکل است. اداره تشکل در

راستای قرار بورو صورت می گیرد. بورو در قواره به شکل رهبری اشتراکی است. از کالیفرنیا، از فرانسه، از ایران یک، از لبنان با پنج عضو تشکیل می شود. اعضا در

بین خود یکی را به ریاست انتخاب می کنند. تا زمان جنگ داخلی لبنان بورو، در لبنان بود. در پایان جنگ داخلی به ترتیب به ایالات متحده آمریکا، یونان و فرانسه نقل مکان کردند. امروز هم تکراراً فرض بر بودن آن در آمریکا می شود. اعضای "بورو"، اساس های مدیریت و قرارهای آن مخفی است، ریاست بورو تا سال 1985، بدست هرایر ماروکیان (Hrair Marukiyan) که یک ارمنی متولد ایران و مقیم یونان می باشد بود.

B. کمیته مرکزی - ارگان فوق ادراه تشکل است. با بورو ارتباط بین گروه های محلی و ارگان ها را تشکیل می دهد. در مکان هایی که از نظر نفوس ارمنی مورد توجه است بنا می شود. در لبنان و فرانسه به رغم موجود بودن یک "کمیته مرکزی"، در ایالات متحده آمریکا هم دو کمیته زیر نام "کمیته مرکزی بخش غرب" و "کمیته مرکزی بخش شرق" موجود است. در زیر این ساختار شبه هرم تشکلات و ارگان ها جای می گیرند. به غیره، مثل نام های "فدراسیون جوانان ارمنی"، "تشکل جوانان"، "تشکل کشف دانشجویان پسر و دختر"، "ارگانهای ورزش و فرهنگ" هم بنا شده است.

C. پروپاگاندا و انتشار جداگانه به کمیته مرکزی و یا کمیته های مرکزی زیر نام: آموزش حقوق، مالی، نظامی و "کمیته کنترل مهاجرت ارمنی" به قسمت های مختلف سرویس متصل است. اینها واحد های سرویس های اطلاعات بیشتر و تکنیک هستند: نام "فدراسیون اختلال گرا - انقلابی ارمنی"، با هدف تامین تاثیر پروپاگاندا و خصوصاً در آفریدن عکس العمل افکار عمومی غرب تغییر خواسته و در شکل بازوی سیاسی داشناکیان اسم "کمیته ملی ارمنی" را گرفته بود. در اجراء پروپاگانداهای مختلف گویا مثل موسسه های متفاوت بوده از هر دو اسم سعی کرده اند که استفاده کنند.

2. اهداف و آماج



داشناک، بنای یک ارمنستان بدون کمونیسم و تامین پرداخت تضمینات از طرف تورکیه در برابر ادعای جرم انجام داده علیه ارامنه را به هدف گرفته است. داشناک در ارگان های نشر این هدف را، بدین شکل به زبان می آورد: "ایستادن بر روی معاهده سبور را ادامه خواهیم داد. این معاهده یکی از کیلومترها سنگ دعوی مان است..."

لیکن هدف نهایی داشناک در شکل "4ت" خلاصه می شود: انجام تعریف ادعاهای نسل کشی از راه ترور، به تیقن (شناختن و دانستن) گرفته شدن ادعاها از طرف تورکیه، پرداخت تضمینات از طرف تورکیه و اعاده ادعای متخلخل ترب و اراضی موجود زیر اشغال تورک ها به ارامنه.

3. استراتژی، تصرفات و رفتارها

در منظر استراتژی، داشناک که در شکل "به تحقق رساندن اهداف از طریق صلح طلبی" را به میان می آورد، با فعالیت هایی که تکیه بر سال های طولانی قبل تر دارد تماماً حرکت کردن مثل یک تشکل ترور را به میان گذاشته بود.

بنابراین، گروه ترور "کماندوهای عدالت نسل کشی ارمنی" (!) از طرف داشناک بنا شده، بعدها اسم تشکل به شکل "ارتش انقلابی ارمنی" تغییر کرده بود. تمام جنایات این گروه و حوادث بمب گذاری از طرف داشناک طرح ریزی شده بود. لیکن تشکل ترور داشناک از یک طرف با ASALA متفاوت است: ASALA در عملیات ترور در حالی که بین شهروند تورک و یا یک کشور دیگر تفاوتی قائل نمی شود؛ داشناک و گروه های متصل بر آن، تنها با هدف بودن تورک ها، شهروندان تورک و نمایندگان تورک را انتخاب کرده بودند.



در سال 1982 بعد از کشته شدن سرکنسول تورک لوس آنجلس توضیح "کماندوهای عدالت" بعد از انجام عملیات "تنها هدف مان دیپلمات های تورک و موسسه های تورک است"، بارزترین دلیل آن است. در سال 1983 بعد از تهاجم گروه تروریستی "ارتش انقلابی ارمنی" به سفارت تورکیه در لیسبون همان اظهارات تکرار شده بود. اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 داشناکیان، بیشتر مثل یک طرفدار غرب حرکت کرده و برای متاثر کردن افکار عمومی غرب تلاش کرده بودند. لیکن هنجاکیان به سوی روسیه متمایل شده بودند.

در سال های 1982 و 1983 بعد از تعرضات به سفارت ها استراتژی تشکل داشناک ارمنی بدین شکل توضیح داده شده بود:

"یک رهایی برای رسیدن به هدف نهایی خود دو مرحله دارد: اولی تامین مقر پشبتبانی است. به این "تبلیغات داخلی" گفته می شود. اما مرحله دوم، معرفی در خارج یعنی بدست آوردن ذوق دنیا. حداقل باید تمایل افکار عمومی دنیا به دعوی تامین شود. لیکن این، به تعبیر دیگر مرحله نمایش عملیات است..."

اوصاف داشناک، از طرف وارانجیان (Varanciyan) مورخ حزب داشناک بدین گونه تقریر می شود:

"شاید هم هیچ پارتی اختلال گرا، حتی نازودوولتز (Nazodovoletz) روس ها و چاربناری (Çarbonari) ایتالیایی ها هم این گونه که در عملیات ترور صاحب تجربه غنی هستند و از هیچ چیز کشیده نمی شوند. به اندازه پارتی داشناک، تروریست در شکل مخبول و ممسوس به وجود نیاورده اند. صدها شمخال چی، افرادی که برای انتقام با بمب و خنجر، راهی می شوند را آفریده بود..."

4. کنگره های وین و مونیخ

در تاریخ 1981.12.27 در 22 مین کنگره داشناک انجام گرفته در وین (پایتخت اطریش)، با خلاصه این قرارها گرفته شده بود:

- هدف پارتی، بنای یک ارمنستان متحد و آزاد است.
- دیگر نهادهای ارمنی، به وسیله کمیته سیاسی با انجام فشار باید به صف های داشناک کشیده شوند.
- با کشورهای غربی تماما باید یک نزدیکی بنا شود.
- شوروی باید با ارمنستان وارد روابط نزدیک شده و باید کوچ ارمنی متوقف شود.

در پایان سال 1984 با آمدن نمایندگان پارتی از 15 کشور در کنگره صورت گرفته مونیخ لیکن این قرارها گرفته شده بود:

- برای معرفی دعوی ارمنی مجادله های جدید باید شروع شود.
- برای تامین حل سیاسی دعوی ارمنی، باید راه های صلح جویانه و قانونی مختلف امتحان شود. (با موجود بودن در کنگره ایالات متحده آمریکا و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد) باید معرفی نسل کشی ارمنی تامین شود.

در پایان این تجمع لیکن در اعلان منتشر شده اینگونه گفته شده بود:

"حقوق مشروع مردم ارمنی، باید با معرفی نسل کشی تورکیه تامین شود، تضمین مفقودات انسانی و اقتصادی و ادعای بنای دوباره وطن هزاران ساله ارمنی را ادامه خواهیم داد..."

در هر دو قرار کنگره هم، تبلیغات به عنوان ابزارهای دانشناک از نظر معین کردن استفاده موضوعات مهم هستند.

5. پشتیبانی و روابط

دانشناک، حمایت خود را بیشتر از ایالات متحده آمریکا و از دولت های اروپایی می گیرد، اما روابط آن تا حد امکان در شکل وارد نشدن به تماس با تشکل های ترور دیگر متصل بر یک اساس است. با تشکیلات های دولت های مذکور روابطی دارد. کلیسا و اتحادیه کلیساها با "لابی های ارمنی" و "مراکز بررسی" مهم ترین منابع پشتیبانی را تشکیل می دهند.

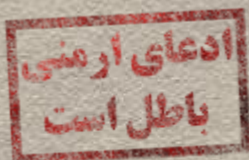
6. بسط های سیاسی

تا سال های 1970، در تشکیلات ترور دانشناک ارمنی در سیاست های معین و اجرایی، اساس "رهایی و استقلال ارمنستان شوروی" قرار گرفته بوده. بدین سبب، ابتدا دشمنیت های علیه اتحاد جماهیر شوروی بهره برداری، بر علیه طرفداران ارمنستان شوروی و یا حامیان ارمنستان شوروی یک مجادله بی رحمانه داده شده بود. علت کشته شدن اسقف اعظم کلیسای ارمنی هولی کروس نیویورک در طی مراسم نوبل از طرف فدایی دانشناک، خواست اسقف اعظم در بهبود وضعیت ارمنستان شوروی بود. بعد از سال های 1970، مرگ لیدر جمهوری ارمنی و به دلایل دیگر از میان برداشته و متلاشی شدن و پرسنل آن، در سیاست های دانشناک مسبب تغییرات اساسی شده بود. دیگر، دشمنی بر تورکیه و تورک ها متمایل شده بود. بنابراین، در 1972 گروه ترور "کماندو های عدالت نسل کشی ارمنی" (!) بنا و متشکل گشته توسط دانشناک هم به لزوم این سیاست وارد حرکت شده بود. روزنامه آرتاگ شاپاثریای که ارگان تبلیغاتی دانشناک بوده، با گفتن "امروز آخرین امید در مجادله های رهایی و راه بیرون رفت تروریسم است" متد دوران جدید را آشکار ساخته بود.

اما، هجوم متوجه بر سفارت تورکیه در لیسبون، برای دانشناک اعتبار به همراه نیاورد. بعد از این حادثه، اسم ارگان "کماندوهای عدالت نسل کشی ارمنی" (!) اگر با تغییر به "ارتش اختلال گرای ارمنی" هم همراه بوده برای دانشناک رهایی بخش نبوده. خصوصا در تاریخ 1984 با دستگیری ساسونیان (Sasunyan) از سفاکان دانشناک ارمنی و محاکمه آن به سیاست دانشناک یک ضربه محکم وارد کرده بود. در این مدت دانشناک، حمایت ارامنه متولد آمریکا را از دست داده؛ بنابراین، روزنامه "Armenian Reporter"، پارتی دانشناک با افتادن بدست ارامنه لبنانی و آمده از خارج، در برابر اکثریت عظیم طرفداران عدم حمایت از تروریسم عاجز ماندن آن را نوشته بود. با ضعیف شدن بازوی تروریست، بین دانشناکیان و خصوصا تضاد بین مدیریت های فوق، "پورو" و "کمیتة های مرکزی" افزایش یافته. مدیریت فوق تشکل به دو قسمت تقسیم شده بود. اعضای قدرتمند "پورو"، نمایندگان کمیته مرکزی لبنان و مدیران برجسته، در لبنان، کشته شده و یا مفقود شده بودند. مستقیم تا اواخر سال 1985 دیگر نمی توان از یک تمامیت برای دانشناک حرف زد. دو فاکتور بزرگ خارجی در آمدن دانشناک بدین وضع نقش مهمی بازی کرده بودند. یکی از اینها فاش شدن روابط مدیران دانشناک با سرویس های مخفی بعضی دولت ها و به میان آمدن تلاش این سرویس ها در جمع کردن کلیساهای ارمنی در یک دست بود. اما دومی مجادله ASALA - دانشناک بود. ASALA، برای رهبران دانشناک از شرح "انگل مکنده و لخته کننده خون ارامنه" استفاده کرده بود.

7. ارگان های اشاعه

در موضوع تبلیغات درون کمیته های ارمنی و ارگان های ترور تجربه های بزرگ و در همان نسبت با موجود بودن پشتیبانی دانشناک، توسط برنامه های پخش شده بین زمان های مختلف معین، بخش های غیر معین، برنامه های رادیویی خریداری شده، رادیوها و شبکه های تلوزیونی خاص و مثل فیلم های ویدئویی با ابزار خبر رسانی و اشاعه مدام اهداف شان، حرکات شان و امکان شنیده شدن سیاست شان توسط افکار عمومی دنیا را بدست آورده بودند. درون ارگان های اشاعه دانشناک مهمترین آنها در ایالات متحده آمریکا برنامه های "هایرنیک (Hayrenik)" و "آسبارز (Asbarez)" با بخش به زبان ارمنی و "هفتگی ارمنی (Armenian Weekly)" با بخش به زبان انگلیسی هستند. به رغم تعداد محدود ملحق شدگان این تشکیلات، در مکان هایی مثل پاریس، بروکسل، ایروان و مونیخ ترتیب دادن 22 کنفرانس دنیا یک حادثه مهم تبلیغاتی، نشر و اشاعه است.



عصیان های ارمنی

• قبل از 1914

○ حادثه موسی بی

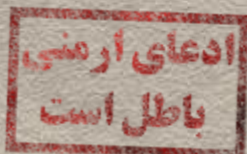
قبل از تظاهرات انجام شده کمیته هنجاک ارمنی در کوم کاپی استانبول، یکی از حوادث استفاده شده در شکل ابزار تبلیغات از طرف کمیته چیان ارمنی در برابر تمام اروپا حادثه موسی بی است. به موجب این حادثه در تورکیه امنیت جان و مال ارامنه، فریادهای بلند شده به صورت پیش راندن امنیت مسیحیت بوده.

شکایات پیش رانده شده در مورد موسی بی (Musa Bey) از اهالی موتکی (از شهرهای استان بیتلیس) اینگونه خلاصه می شود:

موسی بی یغماها و ظلم های متعددی را انجام داده؛ اما بر روی شکایات مرتبط با خود ساکت نگشته بود. بطور قابل توجهی با فراری دادن یک دختر ارمنی با نام گلزار و برادر زاده یک کشیش اهل موش (شهر) دختر ارمنی را به خانه اش آورده، به او تجاوز کرده، بعد هم آن را به برادرش داده؛ فقط برای مسلمان شدن او شرط گذاشته. دختر، رد کردن مسیحیت را قبول نکرده. از ضربات چوب های موسی یک چشم خود را از دست داده و با فرار کردن از خانه موسی بی به مورد موجود بودن در شکایت با تعدادی از اهالی موش که به استانبول می آمدند به استانبول آمده. این دختر و کشیش هم همراه 58 ارمنی مهاجر، به نخست وزیری و عدلیه عرضحالی داده. جوابی نگرفته بودند. از طرف کمیته و پاتریک خانه به خان ها منتقل شده بودند. با تشویق کمیته با گفتن "مرحمت" در رسم سلام و علیک، داد خواسته و به مورد این با آورده شدن به دایره مابین به سوال کشیده شده بودند.

به مورد این موسی بی، برای محاکمه شدن به استانبول آورده شده بود. در مقابل یک تجمع بزرگ شنونده با حضور نمایندگان سیاسی خارجی و روزنامه نگاران محاکمه شده بود. در طی محکمه به تعداد شصت شاکی و شاهد شنیده شده بودند. در نتیجه، به دلیل دیده نشدن یک شی در استلزام مسولیت، موسی بی، بی گناه دیده شده بود. بدین طریق این نمایش مهم شمرده شده از طرف کمیته چیان هم نتیجه خواسته شده را نداده بود.

همراه با این حادثه موسی بی یک وسیله و ماتریال تبلیغاتی قوی شده بود. مادر و عموی کشیش دختر ارمنی گلزار همراه هم با انداختن عکس، عکس هایشان به هر طرف، خصوصا به کشورهای خارجی فرستاده شده بود. بدین طریق، تحریک کردن تزمّت و تعصب مسیحی (صلیبی) خواسته شده بود.



○ حادثه ارضروم

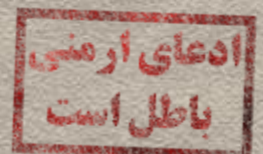
عصیان ارضروم، در تاریخ 1890.06.20 به میان آمده بود. در آن زمان به والی موجود سمیح پاشا (Samih Paşa) و بعضی مرتبطان دیگر، آوردن سلاح و مهمات ارامنه از روسیه و نگهداری آنها در مدرسه ساناساریان (Sanasaryan) و کلیساها خبر داده شده بود. آن سال در طی ماه ژوئیه، با ضبطیه و پلیس ها، جستجو کردن کلیسا خواسته شده بود، اما ارامنه به خاطر با خبر بودن از این مبادرت تدابیر لازم را گرفته و برای مخالفت حاضر شده بودند. به مورد اولین امر ارامنه کمیده چی، با کشودن آتش بر روی سربازان آمده بر روی حادثه یک سرباز و دو افسر را نقش بر زمین کرده بودند. بعلاوه با مرگ یک پلیس در نتیجه عملیات کلیسا جستجو شده بود.

شخصاً یک ارمنی شاهد حادثه، در روزنامه هایرنیک (Hayrenik) چاپ شده در آمریکا به زبان ارمنی به سبب سالگرد حادثه ارضروم در سال 1927 در یک نوشته این موارد را توضیح می دهد:

"موسس مدرسه ساناساریان، در سال 1890 مرد. برای استراحت روح وی آئین برگزار شد، عزاداری شد. خبر موجود بودن یک کارگاه سلاح در کلیسا به حکومت داده شده بود. خبر داده شده از طرف کشیش های کاتولیک ارمنی به فرض گرفته شده بود. قبل از جستجو، شخصی با نام بوگوس کوپک (Köpek Bogos) منصوب تشکیلات "مدافع اتباع"، خبر جستجوی مدرسه تا دو ساعت دیگر را داد. بلافاصله؛ کتاب های تاریخ ملی، دفترها و ابتدا هر چیزی که مورد توجه بود از میان برداشته شد. در پایان جستجو چیزی بدست نیامد. ارامنه، با گفتن "ورود تورک ها به کلیسا، نجاست و ناپاکی است" شروع به فریاد زدن کردند. بعدها، کمیده داشناکسوتیون با قرار کمیده مرکزی و آدم های گرگسیان (Gergesyan) کشته شده و از موسسان جمعیت مدافع شهروندان، بین مردم شروع به تحریکات کردند. دکان ها بسته شد. در کلیساها مراسم ممنوع شد، ناقوس ها به صدا در نیامد. ارامنه بر وضع موجود حاکم گشته بودند. عصیان گران با استفاده از این فرصت با گفتن "ارامنه سه روز است (مثل سگ) ناله می کنند، این آزادی شان را با سلاح حفظ خواهیم کرد" فریاد می زنند و خفیف شدن مالیات حکومت، برداشته شدن عوض سربازی، تخریب شدن کلیساهایی که تقدس شان از بین رفته و بنای دوباره آنها و اجراء ماده 61 را می خواستند.

سه - چهار روز، در قبرستان، کلیسا و حیاط مدرسه مانداند. برجستگان ارمنی تلاش کننده در پراکنده کردن ارامنه، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. امر حکومت در مورد مشغول شدن هر کس به کار و زندگی خود شنیده نشد. در این زمان برادر گرگسیان با کشودن آتش دو نفر را کشت. بین هر دو طرف، یک نزاع دو ساعته به وقوع پیوست. فردای آن روز کنسول ها شهر را گشتند. از هر دو طرف بیش از 100 مرده و به اندازه 200 الی 300 نفر زخمی موجود بود. دکتر اصلاتیان (doktor Aslanyan) به دلیل دادن گزارش به کنسول ها با نام ارامنه و از طرف دولت به دلیل در تحت تعقب بودن از شهر فرار کرد.

در طی این حوادث یک باد خارجی و از بادهای سرد شمالی می وزید. به دلیل تظاهرات ارامنه، کنسول روس توت (Tevet)، با زیارت والی، از عبارت "اینگونه مردم سرکش، اگر در روسیه بودند کاملاً آن را محو می کردند و در همان زمان هم برای تسکین ارامنه، زندگی کردن زیر اداره یک حکومت وحشی مثل تورکیه ارزش ندارد" استفاده کرده بود.



○ تظاهرات کوم کاپی (ژوئیه 1890)

بدون شبهه یکی از حوادث مهمی که ارمنه کمیته چی با ابزار تبلیغاتی بودن از آن استفاده کردند، تظاهرات کوم کاپی است. هنجاکیان در استانبول، صرفاً با هدف تقاضای عدالت با انجام پیش راندن این تظاهرات بدون سلاح را، اچ. جانگلین (H. Cangülyan) اداره کننده آن حرکت این گونه توضیح می دهد:

"در استانبول در ارتباط با مسئله موسی بی (Musa Bey) و حادثه اضروم اگر یک حرکت مقابل انجام نشود ارمنه خود را فراموش شده فرض خواهند کرد. بدین جهت، یک حرکت مشابه لازم بود. در آناتولی جنایاتی که باید انجام می شد، اروپا را بطوری علاقه مند نمی کرد. بدین جهت در مقابل چشم سفرا، برای کشیدن علاقه اروپا انجام یک حرکت شکایت شرط گشته بود. اگر هیجان ارمنه تنها و تماماً به ارمنستان متصل می ماند، دقت روسیه را می کشید. روسیه، از این مردد گشته و در یکی از روزها، ارمنستان را ضبط می کرد. اگر حرکت، در استاتهای دیگر و خصوصاً اگر در مرکز می بود، در آن زمان، علاقه دولت های دیگر را هم می کشید. در این صورت، مسئله ارمنی، به خاطر نزدیک کردن بیشتر انگلیس از روسیه به دعوی مان، از زاویه منافع ملی فرورفتن به یک شکل پر فایده تر ممکن می شد. پراکنده شدن از وطن اصلی و مخلوط شدن ملت با عرق های دیگر، فقط حرکتی که باید در وطن اصلی انجام می شد را به عدم موفقیت می کشاند. از این رو، به دلیل این وضع ارمنی گری، لزوم انجام حرکات ارمنی در بیرون از حدود ارمنستان حس می شد. به همین دلایل هم ندیدن استانبول به عنوان مرکز مناسب یک حرکت غیر ممکن بود. در استانبول (همراه با آنهایی که از بکار و دیگر استاتها آمده بودند) 200.000 ارمنی موجود بود.

راس شر در استانبول بود. از این رو، انجام دادن حرکت در آنجا، در مقابل بینی سرای مناسب تر بود.

درون یک خلق ماده زیر اسارت از پنج - شش قرن پیش به این سو، تا زمان بیدار شدن روح اختلال و عصیان، استفاده اختلال گران از این، این روح را سالم تر، با اساس تر و در آوردن آن به یک شکل وسیع تر را لازم کرده بود. انتشار تفکر اختلال بین خلق، درج آن به حال یک واسطه پر ثمر و موثر، میان اهداف فعالیت های اختلال گران بود.

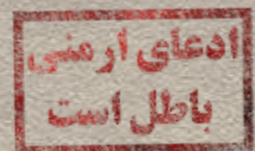
حکومت تورک و خلق تورک، درون ارمنه به روح متحد حکمران، از طرف اینان یک ظریبه وارد شده به ارمنستان و به هر حال در طرف دیگر و خصوصاً در استانبول، در این مرکز تجمع کرده منافع بین المللی، دیدن تاثیر معکوس آن را باور کرده و اگر این را ببینند، دیگر یک سیاست اختلال گرا را تماشای کرده، درون مملکت جرات ترتیب دادن یک قتل عام دیگر را نخواهند کرد."

قبل از حادثه کوم کاپی مهمترین اشخاص برجسته کمیته، در یکی از جادهای پشتی بی اوغلو در خانه یک خارجی مسکون گشته تابع روس در کنار مگاوریان (Megavoryan) تجمع کرده بودند. به مورد اداره کردن تظاهرات انجام گرفته پیش رو در 15 ژوئیه با یک رای گیری مخفی دو نفر انتخاب شده بود. جانگلین، برداشتن پاتریک به سرا؛ لیکن مراد هم مسئولیت خواندن اعلامیه را بر عهده گرفته بودند. روز حادثه خطوط تلگراف اطراف آناتولی بریده و هنجاکیان در کلیسا تجمع کرده بودند. اعلامیه، با دست نویسی شدن تکثیر یافته و بین مردم پخش شده بود. در طی مراسم جانگلین با روفتن بر روی کرسی اعلامیه را خوانده بود. انجام دهنده مراسم پاتریک عاشقین (patrik Aşıkyan)، با فرار کردن به پاتریک خانه پناه برده بود، از رفتن همراه کمیته چیان به سرا، نا راضی گشته بود. کمیته چیان هنجاک ارمنی پاتریک خانه را اشغال کرده، شروع به شلیک با سلاح ها کرده، تمام شیشه ها و سقف بنا را تکه تکه کرده بودند.

در نهایت با اقتناع اجباری پاتریک عاشقین او را به مورد بردن همراه خود به سرا درون یک ارابه سوار کرده بودند. مردم و کمیته چیان تجمع کرده، با گفتن "زنده باد کمیته هنجاک، زنده باد ملت ارمنی، زنده باد ارمنستان، زنده باد آزادی!" فریاد زده بودند. فقط داجاد و مامپرا وارتابت (Dacad ve Mampra Vartabetler)، به دلیل خبر دادن وضعیت به حکومت وسیله ای که پاتریک عاشقین هم درون آن بود از طرف قوای نظامی برگشت داده شده بود. به مورد این کمیته چیان بر روی نظامی ها آتش گشوده بودند. جانگلین این صحنه را اینگونه توضیح می دهد:

"طرف ما در یک شکل وحشیانه بر روی هم به طرف سربازها آتش گشوده، سربازان هم، مشغول گرفتن شلیک کننده گان بودند. 6-7 سرباز با مجروحیت شدید به زمین افتاده بودند. به تعداد 10 نفر هم خفیف مجروح شده بودند. ما دو مرده دادیم."

و حادثه کوم کاپی که هنجاکیان به آن "تظاهرات بدون سلاح" گفته بودند، در این شکل خاتمه یافته بود.



○ اولین عصیان ساسون

ساسون با عصیان های مشهور، بنابر تشکیلات غیر نظامی آن زمان، دارای بیش از صد روستا، از جهت امور اداری و عدلی متصل بر شیبرت، یک شهرستان با فاصله 14 ساعته با موش بود. در نزدیکی آن شهرستان های موتکی و گارزان قرار داشت. از جهت کوهستانی و شیبدار بودن اراضی در وضعیتی دور از نفوذ حکومت بود. مردم آن، در حالی که ارامنه هم در بین آنها موجود بود به زبان زازایی و کردی با یک زبان مخلوط صحبت می کردند. همراه با انجام نگرفتن سرشماری نفوس، در آن زمان یک پنجم از مردم این شهرستان ارمنی، لیکن باقی آن با کرد بودن تخمین زده می شد.



کاوافیان (Kavafian) مؤثر و سرشته حوادث ساسون که در قیافه یک روس دارای صلاحیت دیده می شود.

A Myth Of Terror.

در این مناطق در سال های 1890 یک ارمنی با نام مهران دامادیان (Mihran Damadyan)، طی سه سال گشت و گذار با وجود تبلیغات با نام هنجاک به تحریک ارامنه برای عصیان هم مشغول بوده. به مورد خبر دادن ارامنه ساسون دامادیان، در 1893 دستگیر و برای محاکمه به استانبول آورده شده و بعد رها می شود.

عصیان ساسون، صرفاً با هدف دعوت کردن دولت های خارجی از طرف کمیته هنجاک ارمنی ترتیب داده شده و به واسطه مراد کامپارسون بویاجیان (Kamparsun Boyacıyan)) با یک پلان اجرایی انجام گرفته شده بود.

مراد به مورد رفتن به ساسون با گذشتن از قفقاز از آنجا حمایت و کمک کمیته داشناکسوتیون را دیده بود. با آمدن به ساسون و با جمع کردن بعضی ارامنه در اطراف خود شروع به حاضر کردن پلان های عصیان کرده بود.

در اصل این حرکت عصیان که صرفاً با هدف کشیدن مداخله بیگانگان انجام شده بود، به واسطه کمیته های ارمنی و پاتریک خانه به هر طرف در شکل بسیار خونی و هیجان انگیز اعلام شده بود. در پایتخت های مختلف اروپا به لحن ارامنه میتینگ ها و در پارلمان ها توضیحاتی انجام گرفته بود. در هر گوشه و کنار از مسئولیت انگلستان از قبول کردن معاهده قبرس صحبت شده بود.

هولوارد (Holward) کنسول انگلستان در شهر وان، برای بررسی رفتن به ساسون را خواسته بود؛ اما حکومت، به سبب محرض و محرک دیده شدن هولوارد به او اجازه رفتن نداده بود. بعد از ارتباطات طولانی، دولت هایی که در ارضروم کنسول گری های شان موجود بود، یعنی فرانسه، انگلستان و روسیه، از طرف کمیسیون تحقیقات عثمانی، الحاق کنسول گری های موجود در آنجا اساساً قبول شده بود. کمیسیون از 1895.01.04 تا 21 ژوئیه شش ماه در بررسی ها موجود بود، 108 تجمع انجام داده و صحبت های بیش از 190 شاهد را شنیده بود. از هیئت عمر بی (Ömer Bey) به سبب تعیین شدن در مشاورت والی بیتلیس در 29 ژانویه مجبور به جدا شدن از کمیسیون گشته بود. در 23 اگوست مراد سرکرده عصیان دست گیر شده بود.

ارامنه به عصیان ساسون امیدهای بسیار بزرگی بسته بودند. به نظر ارامنه؛ به مورد جدا شدن یک عصیان در ساسون اروپا بلافاصله مداخله خواهد کرد، خواسته های ارامنه تامین خواهد شد و با این عصیان منفعت های بسیار بزرگی بدست خواهد آمد.

برای ادامه دادن عصیان هنجاکیان در استانبول و استانها دیگر با بلیط های تصدیق شده با مهر کمیته پول فراوانی را جمع کرده بودند.

در مورد چگونگی تحقق حادثه، اقتباس از متن منتشر شده روزنامه نیویورک هرالدم آمریکا (New York Herald Amerikan) به جهت محکوم نشدن در طرفداری کافی خواهد بود:

"در بررسی های اروپا، عصیان ارمنه به همراه اشخاصی که از کشورهای بیگانه آمده و ارمنه را تحریک کرده بودند مشخص گشته بود. سرکشان از انگلستان آمده و با سلاح های مدرن هر کاری انجام داده بودند، آتش افکنی، آدم کشی، بعد از استلاب و یغما قرار گرفتن در وضعیت تقابل با سربازان نظامی، تضاد گرایی و کشیده شدن به کوه ها. هیئت بررسی، در انتقال های نظامی حکومت عثمانی بر علیه عصیان گران استفاده از قانونی ترین حق را تعیین کرده بود. این سربازان، بعد از درگیری های خونین عصیان گران را مغلوب کرده بودند. فقط اقناع تقریباً 3 هزار ملتجی تماماً مسلح مخفی شده بین کوه های صعب العبور با حرف های متقاعد کننده، با متون روزنامه در مورد آن نمی توان چیزی نوشت.

ارمنه با وجود 3 هزار نفری بودن در کوه آندوک گرد آمده بودند. در بین آنها پاتصد - ششصد نفر، احاطه کردن قصبه های موش را خواسته بودند. با این هدف در جنوب موش به عشایر دلیجان هجوم برداند. یک قسم از آنها را کشتند، اموال شان را غارت کرده، تمام باورهای دینی مسلمانان که بدست شان افتاده بود را مورد اهانت و تحقیر قرار داده و مسلمانان را در شکلی وحشتناک بقتل رساندند. این عصیان گران در اطراف موش با تهاجم در مقابل سربازان نظامی قرار گرفتند، اما به جهت اکثریت قوای نظامی نتوانسته بودند قصبه های موش را اشغال کنند.

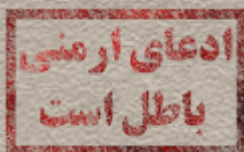
سرکشان، به همراه آنهایی که در کوه آندوک بودند دسته هایی را تشکیل دادند. این دسته ها هم بر روی عشایر نزدیک جنایات وحشتناک و عجیب انجام داده و یغماگری کردند. برادر زاده عمر آقا را زنده زنده آتش زداند. سه - چهار ساعت آن طرف تر از روستای گللی قضات به زنان مسلمان تجاوز کرده، آنها را ذبح کردند.

تعداد زیادی از مسلمانان، با در آمدن چشم هایشان از حذقه، بریده شدن گوش هایشان، با اجتناب بر حقارت خاسانه و وحشتناک، در اجبار قبول مسیحیت و بوسیدن صلیب ماندند.

مستقیماً تا اواخر آگوست ارمنه، در اطراف موش با هجوم به کردهای روستای گللی قضات را همراه دو - سه روستای دیگر را به آتش کشاندند. با آمدن به 3.000 ارمنی سرکش در تألری، آنها، با افشاندن عزاء و دهشت در بین مسلمانان و دیگر مسیحیان با رد رها کردن سلاح، یغما و آدم کشی را ادامه دادند. در آن زمان، برای به راه آوردن آنها (سرکشان) به آنجا سربازان ارتش فرستاده شد.

هامپارسوم (Hamparsum) سرکش، با شرکت در یازده جنایت به سوی یک کوه مرتفع فرار کرد. زنده دستگیر شد. اما دو افسر را کشت و شش افسر را هم مجروح و زخمی کرد. در پایان آگوست تمام دسته های سرکش ارمنی انفاض و متفرق شده بودند.

از طرف تورک ها با زنان، کودکان، افراد مسن و معلولین متناسب با احکام اسلامی و انسانی رفتار شده بود. آنهایی که کشته شدند سرکشان و عصیان گران بودند، آنهایی که تسلیم شدن را قبول نکردند و معرکه علیه حاکمیت قانونی کشور را ترجیح دادند."



○ 1895، عصیان زیتون

در زیتون یکی از مهمترین عصیان‌های به میان آورده هنجاکیان، در ژوئیه 1895 به وقوع پیوست. در نزدیکی زیتون در روستای آرکین خبر موجود بودن چند ارمنی خارجی در فعالیت‌هایی گرفته شده بود، این اشخاص از طرف حکومت تعقیب شده بودند. مرکز آنها در لندن در کمیته هنجاک‌کی که نظربگ (Nazarbeg) رئیس آن بوده قرار گرفته و برای به میان آوردن عصیان اشخاصی با اسامی آغاسی، هراچیا، آباح (خ)، نشان، ملک و گاربیت (Agasi, Hraçya, Abah, Nişan, Melek, Garbet) فرستاده شده و پروپاگانداست‌های هنجاک بودن آنها معین گشته بود. با صحبت از اینکه آنها به زیتونی‌ها مسلح شدن و به تورک‌های اطراف، قوای نظامی و به قصبه‌های مهم هجوم خواهند برد، سلاح و پول لازم از طرف کمیته فرستاده خواهد شد و با شروع شدن و نشدن حرکت آنها آمدن ناوگان انگلیس به مرسین و اسکندرون معلوم گشته بود.

در تاریخ 1895.09.16 عصیان گران زیتون، با وجود پارتوگومیوس وارتابت (Partogomios Vartabet) همراه با نمایندگان روستا در یک هیئت ارمنی 100 نفری با تجمع در دره کارانلیک نحوه به میان آمده عصیان به قرار گرفته شده بود.

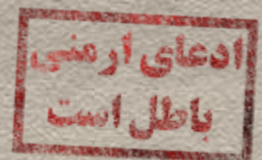
به مورد این قرار ناگهان در هر طرف عصیان شروع گشته، سیم‌های تلگراف بریده شده، دو هزار بدون سلاح و چهار هزار نفر مسلح تهاجمات زیتون را شروع کرده بودند. سرکشان با محاصره سربازخانه و دایره حکومت قائم مقام شهر، 50 سرباز، 600 نفر و فرماندهان را به اسارت گرفته بودند. اسیران بعدها از طرف زن‌های زیتون کشته شده بودند. فرمانده رمزی پاشا (Remzi Paşa) برای حمله تقاضای قوا کرده بود، به جای آن اثم پاشا (Ethem Paşa) آمده بود، لیکن او هم در اجبار تقاضای قوای جدید مانده بود.

سرکشان، سلاح‌های مدرن به کمر بسته بودند. سربازان موجود در گوکسون بعدها وارد هجوم شده و سرکشان را در اجبار گریختن به زیتون گذاشته بودند. زیتون از طرف سربازان محاصره شده، اما در لحظه‌ای که یک نتیجه کامل می‌شد گرفت سفرای موجود در استانبول، در مورد ارامنه زیتون در تکلیف میانجی بودن برای حکومت مانده بودند. سرای، این تکلیف را قبول کرده و حرکت را متوقف کرده بود. سفرا، کنسول‌های موجود در حلب را برای مذاکره مامور کرده بودند. کنسول شش دولت در تاریخ 1896.01.01 به زیتون آمده بودند و در 28 ژانویه با سرکشان زیتون صلح شده بود. (1)

با شروط صلح، تسلیم صلاح‌هایی که با آن جنگیده اند، عفو عمومی، خارج شدن پنج کمیته چی به خارج از کشور، عفو مالیات گذشته، کم شدن مالیات میری سرکشان ارمنی تسلیم شده و عصیان خاتمه یافته بود.

کمیته هنجاک که عامل اختلال بود، با حمایت کنسول گری انگلیس در 13 فوریه از زیتون جدا شده، از مرسین در 12 مارس به طرف مارسی (فرانسه) حرکت کرده بود.

با عصیان زیتون تلاش‌های فعال پارتی هنجاک ارمنی در تورکیه فعلاً خاتمه یافته بود. پارتی، با حرکات انجام داده تصور کشیدن علاقه اروپا در تامین استقلال ارامنه را کرده بود و به همین جهت هم بر ریخته شدن خون نزدیک بر تمام ارامنه قصد کرده بود. ولی حتی یک چیز هم بدست نیاورده بود. (2)



1) Uras, Esat-; Tarihte Ermeniler ve Ermeni Meselesi, İstanbul 1987, s. 491-496
2) Gürün, Kamuran-; Ermeni Dosyası, TTK Basımevi, Ankara 1983, s. 160-161



یک گروه ارمنی متعلق به دسته داشناک در طی عصیان وان.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

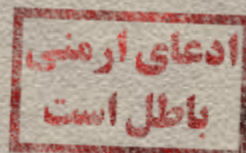
عصیان وان اگر در شب 15-14.06.1895 منقلب گشته شده باشد هم تدارکات آن به خیلی قبل ترها بر می گردد. بنابراین، ژنرال مایوسکی (General Mayewski) که 6 سال در وان، بعد هم در اضروم کنسول گری روس را انجام داده بود در این باب می نویسد:

"در 1895، اختلال گران برای اینکه علاقه اروپا را بر روی مسئله ارمنی پیاده کنند تلاش های حجیمی را شروع کرده بودند، به ارامنه ثروتمند نامه هایی با موضوع تهدید به مرگ در صورت پرداخت نکردن کمک مالی فرستاده شده بود. در ظرف این مدت کمیته اختلال وان با قرار خود بعضی جنایات سیاسی را هم انجام داده بود. مهمترین این جنایات ها در تاریخ 06.01.1895، یعنی روز بزرگ ترین عید ارامنه، کشته شدن کشیش بوگوس (Papaz Bogos) در زمانی که برای اجراء آئین مقدس به کلیسا می رفت، بود. (...) به همراه آمدن بهار تدارکات اختلال هم سرعت یافته بود، در نزدیکی شهر بحث از انسان هایی که بعد از کشته شدن بدن های شان تکه تکه شده شروع شده بود. اختلال گران، با دیدن عدم انجام تعقیبات در برابر اینگونه جنایات، روز به روز هم جسارت بیشتر پیدا کرده بودند. برابر با این در همان اندازه که جسارت ارامنه رو به فزونی می رفت صبر مسلمانان هم کم می شد."

کنسول انگلستان، ویلیامس (Williams) هم که از دور اندیشان بود این گونه می نویسد:

"داشناکیان در وان حدود 400 منصوب دارند، تعدای که فکر نکنم از 50 بگذرند همراه با هنجاکیان هم کیشان خود را با اربابگری و تروریز و با طغیان و جنونیت های انجام داده خلق مسلمان را تحرک کرده، به اصلاحات امکان به واقعیت رسیدن را نمی دهند. اگر اینها ساکت شوند مطمئن هستم در منطقه بزرگ ترین مانع سد کننده امنیت از میان برداشته می شود."

فرمانده نظامی وان سعادت دین پاشا (Saadettin Paşa) همین وضعیت را می بیند. اساسا از اکتبر 1895 اعتبارا در وان حوادث منفرد شروع به میان آمدن کرد و به همین سبب هم در برابر هر نوع حادثه احتیاج دائما در هر حال احتیاط کردن به میدان آمده بود. در گزارشات ولایت، تا شروع تاریخ عصیان به تعداد 23 حادثه و وقوعات قید شده بود. سعادت دین پاشا متعاقبا عصیان را در گزارشات حجیم با معین کردن این خصوصیات، چگونگی آمدن به آن روز را خلاصه کرده بود. عصیان وان در بین تاریخ های 24-15.06.1895 ادامه داشته؛ در طی عصیان 418 مسلمان به همراه 1715 ارمنی زندگی خود را از دست دادند، 363 مسلمان و 71 ارمنی هم زخمی شده بودند. در وان بعد از این تاریخ، با دسته هایی که با گذشتن از ایران آمده بودند حوادث منفردی ادامه داشته، اما اینها فقط به شکل یک عصیان در نیامده بودند.



○ تهاجم به بانک عثمانی

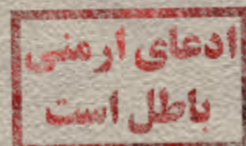
آخرین حادثه سال 1896 روز 26 آگوست به وقوع پیوستن تهاجم به بانک عثمانی می باشد. این حادثه تماماً اثر کمیته داشناک است. آنهایی که حرکت را اداره می کنند، سه ارمنی با نام های وارثو (Varto)، مار (Mar) و بوریس (Boris) که از قفقاز ها آمداند هستند. آکرکین پاستیرماجیان (Akrekın Pastırmacıyan) که از اسم مستعار ارمن گارو (Armen Garo) استفاده کرده و در مشروعیت 1908 در ارضروم به نمایندگی انتخاب شده و در طول جنگ جهانی اول با دسته خود بر علیه تورکیه وارد نزاع شده با آمدن از آتن با آنها وارد اتفاق شده بود. چگونگی به جریان افتادن تهاجم انجام شده به بانک عثمانی در روز 26 آگوست را اسد اوراس (Esat Uras)، از "تاریخ داشناکسوتیون" وارانتیان (Varantyan) که به زبان ارمنی می باشد اینگونه نقل می کند:

"26 آگوست، صبح ساعت 6:30 برای شروع تهاجم به بانک 6 نفر کافی بود. در حالی که کیسه های بمب بر روی شانه ها و تپانچه ها در دست ها بود حرکت کردیم. زمانی که به بانک نزدیک شدیم صدای بمب ها و شلیک سلاح هایی رفقای پیش رو را شنیدیم. به داخل بانک هجوم بردیم. فکر کرده بودند ما دزد هستیم. به آنها گفتیم نترسید. بمب ها نتیجه متعجبانه ای به آنها می داد، کسی که آنها را بلافاصله لمس می کرد کشته نمی شد، فقط گوشت بدن آن را تکه تکه می کرد، درون عذاب و اضطراب می پیچاند. همراه گارو به اتاق مدیر رفته و شروط مان را نوشتیم. به جا آوردن تقاضاهای مان از طرف دولت ها، آزاد شدن کسانی که به این نزاع و ماجرا وارد شده بودند، در غیر این صورت بانک را همراه با خودمان به هوا خواهیم فرستاد را معین کردیم. 17 نفر نزاع کننده مانده بود. 3 نفر مرده، 6 نفر هم زخمی شده بود. مفقودات دشمنان مان هم خیلی زیاد بود."

تقاضاهای کمیته چپان ارمنی عبارت بودند از:

- تعیین یک تصدی عالی اروپایی که از طرف 6 دولت انتخاب شده باشد.
- والی، متصرف و قائم مقام های عالی از طرف تصدی تعیین و تصدیق آن توسط پادشاه.
- امنیه (غیر نظامی)، ژاندارما و پلیس باید از مردم بومی و ضرورت اداره آن هم از سوی اروپا باشد.
- اصلاحات عادل بنابر سیستم اروپا.
- حریت مطلق دین، تعلیم و مطبوعات.
- صرف 3/4 واردات کشور به احتیاجات محلی.
- پاک شدن قروض مالیات های جمع شده.
- معاف شدن 5 ساله از مالیات، 5 سال بعد از آن تخصیص مالیات پرداختی به ضررهای دیده شده از تشوش.
- اعاده سریع اموال غصب شده.
- بازگشت آزادانه مهاجرین.
- عفو ارامنه محکوم شده از جرم های سیاسی.
- تاسیس موقت یک کمیسیون از نمایندگان دولت های اروپایی برای کنترل به واقعیت رسیدن خصوص های فوق.

در نتیجه، مدیر عمومی بانک، سر ادگار وینسنت (Sir Edgar Vincent) با سر مترجم سفارت روس ماخیموف (Maximoff) به همراه با رفتن به سرای صلاحیت حل شدن موضوع را گرفته بودند. تضمین خارج شدن آزادانه آنها از تورکیه گرفته شده بود. 17 نفر، همراه با ماخیموف از بانک خارج شده، به قایق خصوصی سر ادگار رفته، از آنجا هم با کشتی Gironde فرانسویان به طرف مarseille حرکت کرده بودند. تهاجم بانک بدین صورت خاتمه یافته بود. اما خالی کردن بمب و گلوله های ارمنی در آن روز بر روی سرباز، پلیس و مردم، باعث به پا برخاستن اهالی مسلمان استانبول شده بود. اختلاط استانبول چند روز ادامه داشت. این فقط یک حمله به اجراء درآمده از طرف مسلمانان بر علیه ارامنه نبود. ارامنه هم به تهاجمات خود ادامه داده بودند. در این حادثه شمار ارامنه مرده، در منابع غربی با 4.000-6.000 بودن ذکر شده است. لیکن در اسناد مورد بررسی قرار گرفته عثمانی در این موضوع هنوز به سندی برخورد نشده است. اما تخصیص و مبالغه زائد بودن رقم 6.000 در این میان آشکار است. در نتیجه تظاهرات باب عالی اختلاط چند روزی ادامه داشته، اما تعداد کشته شدگان در رقم 172 مانده بود. این بار برای رسیدن به رقم 4.000-6.000 ادامه چند هفته ای حادثه لازم بوده. چه برسد به آن که، با ورود مسلمانان به مجادله که بنابر تمام منابع با چماق و چاقو ذکر شده، امکان کشته شدن این تعداد از این طریق بسیار غیر ممکن و مستعجبانه می باشد. در مورد تعداد اهالی مسلمان کشته شدن در این حادثه در هیچ جایی قیدی به ثبت نرسیده است. به رغم این ادعای صدراعظم در کشته شدن 120 سرباز و موجود بودن 25 زخمی از اسناد انگلیس قابل استناد است. باز در همان سند به سبب حوادث دستگیری 300 نفر مسلمان و عالی بودن تدابیر گرفته شده حکومت در این باب قید شده است. در ارتباط با این حادثه یک محکمه مخصوص بنا شده بود و دستگیر شدگان مسلمان و ارمنی در این محکمه محاکمه شده بودند.



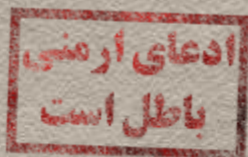
○ دومین عصیان ساسون

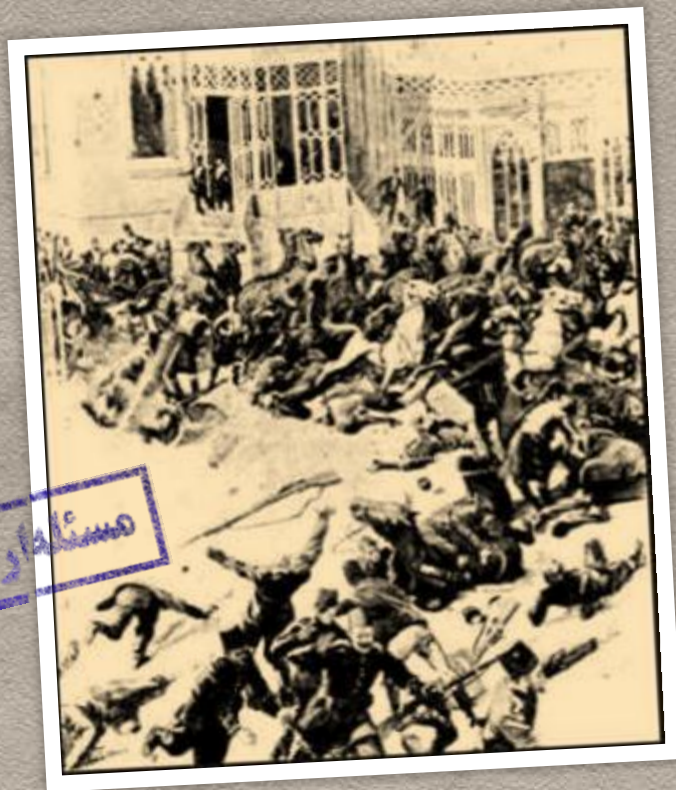
در ساسون با نتیجه ندادن اولین ضربه در تاریخ 1895.08.08 داشناک های ارمنی، دومین ضربه را خواسته بودند که در ژوئیه 1897 وارد کنند. دسته های داشناک ارمنی عموماً به تورکیه از روی ایران و از راه وان وارد می شدند. لیکن عشایر مازریک موجود در اطراف راه ها مزاحم آنها می شوند. کمیته چیان ارمنی به منظور از ریشه کنن این عشایر، در ژوئیه 1897 یک روز در حال سپیده دم با یک دسته 250 نفری به چادرهای عشایر موجود در خوناسور حمله کرده بودند. اما با بدست نیاورد نتیجه دلخواه، به مورد رو دررو نشدن با خطر محاصره کشیده شده بودند.

داشناک ها بعد از این تاریخ شروع به کشیدن حرکات خود به مناطق ساسون و موش کرده بودند. در این دوران آندرانیک اوزانیان (Antranik Ozanyan)، حرکات دسته را بدست گرفته بود. آندرانیک در 1866 در شارکی کاراحصار متولد و در جوانی وارد کمیته شده بود، به علت کشتن یک تورک زندانی شده بود، با فراری داده شدن از حبس از طرف کمیته به باتوم فرستاده شده بود. در جنگ جهانی با دسته های جنگی شهرتی به پا کرده بود. اسم آندرانیک که تا فرماندهی هنگ ارتقا یافته بود، در اواخر 1890 تازه تازه شروع به میان آمدن کرده بود.

حکومت عثمانی در سال 1901 برای به ترتیب گذاشتن اداره ساسون در تپه های تالوری و شنیک قرار انجام بنای یک سرباز خانه را داده بود، ارامنه بر علیه این پروژه ایستاده بودند. مجادله با دسته های زیر کنترل آندرانیک فعلاً در این تاریخ شروع شده بود. لیکن عصیان اصلی اعتباراً در اواخر سال 1903 در هر طرف منطقه شروع به پخش کرده بود. در تاریخ 1904.04.13 بر سوی سرکشان سربازان نظامی فرستاده شده بود، به همین مورد سرکشان نتوانسته بودند زیاد ایستادگی کنند. فقط دسته، جنگ را تا آگوست ادامه داده بود و آندرانیک در اجبار فرار کردن به قفقاز مانده بود.

بنابر چیزی که در کتاب کی. کودولیان (K. Kūdūlyan) با اسم "نبردهای های آندرانیک" که به زبان ارمنی و در سال 1929 در بیروت منتشر شده بود نوشته شده است. در نزاع های انجام شده در 22، 16، 14 آوریل، در 2 مه و 17 ژوئیه جمعا 1132-932 تورک کشته شده بودند، در حالی که فقط 19 ارمنی کشته شده بود. این، ارقام نوشته و گفته شده از سوی ارامنه است. دومین عصیان ساسون، یک بار دیگر هم نتیجه به دستور جلسه آمدن ادبیات قتل عام در نزد افکار عمومی بین الملل را زاده بود. فقط علاقه قدیم را ندیده بود. زیرا یک دوران جدید به مورد کشیده شدن علاقه دولت ها به موضوعات دیگر شروع شده بود.





سوء قصد ترتیب داده شده به جان سلطان عبدالحمید دوم (II. Sultan Abdülhamid) در تاریخ 1905.07.21.

A Myth Of Terror.

آخرین مبارت داشناکیان به توطئه، انجام سوء قصد به جان عبدالحمید است. در این مورد، پاپازیان (Papazian) با گفتن این که "تهاجم متوجه به جان سلطان عبدالحمید، آخرین پرده از تجربه های اختلال انجام داده داشناک ها به حساب ارامنه تورکیه است. این هم یکی از سوء قصد های با شکوه، اما بی فایده داشناکسوتیون بود. موفقیت آن فایده ای به دعوی ارامنه نداشت، لیکن نا موفق بودن آن در هر حال مردم مان را از یک فلاکت بزرگ رها کرد" را اظهار می کند. (1)

کریسداپر میکائیلیان (Krisdapor Mikaelyan) همراه با ورام شابوخ کندیریان (Vram Şabuh Kendiryan) اهل آرنائوت کوی، ژوریس (Joris) بلژیکی و همسر اش، سیلیو ریشچی (Silvio Rişçi) نیم رومی، لپا - ریپس (Lipa-Rips) متولد آلمان، تُرکُم (آرداش هاجیک کاپتانیان) ((Torkom (Ardaş Haçik Kaptanyan))، سافو (کونستانن کابولیان) ((Safo (Konstantin Kabulyan))، ماری زاین (Mari Zayn)، گارو (هامپارسوم آغاجانیان) ((Garó (Hamparsum Ağacanyan))، کریس فنرجیان (Kris Fenerciyan)، آشود (کارلو وُوائیچ) ((Aşod (Hamparsum Ağacanyan)) و یک قسم از اشخاص ماجرا جوی آمده از قسمت های مختلف قفقاز و اروپا با جمع شدن در استانبول شروع به تلاش برای پلان های سوئی قصد کرده بودند. ابتدا با 12 بمب به روستای پولونز رفته بودند و زیر حفاظت ابراهیم پاشا (İbrahim Paşa) امتحان بمب انجام داده بودند.

کریسداپر، زیر سایه پاسپورت یک یهودی روس با توصیه گرفته از سفارت روس با چند بار رفتن به مراسم سلاملیک آزادانه بررسی هایی انجام داده بود و انداختن بمب بر روی پادشاه در حالی که رد می شده را آسان دیده بود. فقط در سلاملیک به دلیل ریخته شدن شن یک ناجوری در انفجار بمب به میان آمده بود.

بعد ها در مراسم پانزدهم رمضان، پلان تهاجم به پادشاه در راه با دو شخص تپانچه دار بررسی شده بود و ژوریس، گرفتن یک خانه بر روی راهی که از ییلدیز تا دلمه باغچه بوده را توصیه کرده بود. اشخاص تعیین شده با تپانچه های خود حاضر و منتظر مانده بودند، اما آن دفعه با رفتن پادشاه به سرای چراغان از باغچه ییلدیز، این توطئه کمیته چیان ارمنی را هم بی نتیجه گذاشته بود.

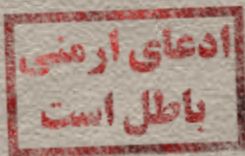
نهایتاً، پلان بمب انداختن در مکان موجود بودن میهمان های خارجی و در همان زمان انفجار ارابه با یک بمب بزرگ پیش رانده شده بود. در این موضوع بررسی و حساب های طولانی انجام شد، با حاضر شدن بمب ها در ممالکت خارجی، به انجام رسیدن تست در آنجا، قرار انجام شدن یک سوء قصد با یک بمب ساعت دار درون ارابه گرفته شد.

کرسدایر که به بررسی ها ادامه می داد، هر هفته با رفتن به ییلدیز، داخل و خارج شدن پادشاه به جامع، فاصله بین محل ایستادن ارا به تا جامع را با حساب قدم و ساعت تثبیت کرده بود. در نتیجه، در حیاط جامع و در بین ارا به های خارجی تا حد امکان با نزدیک بودن به پادشاه قرار موجود بودن یک ارا به با یک بمب ساعتی بزرگ، انفجار و کشته شدن برابر پادشاه و نزدیکان او گرفته شده بود.

در محل نشستن راننده ارا به یک صندوق آهنی که 120 کیلو ماده منفجره درون آن جا می گرفت ساخته شده بود و برای انفجار ماده منفجره یک مدت یک دقیقه و 42 ثانیه ای با یک ساعت نما حاضر شده بود. قرار اداره کردن ارا به بر عهده زاری هاجیکیان (Zare Haçikyan) 45 ساله یک ارمنی قاتل از منصوبان قدیمی کمیته گذاشته شده بود.

ماده منفجره، در صبح 18 ژوئیه، درون صندوق آهنی زیر محل ارا به ران قرار گرفته، درون آن یک قوطی حلبی که داخل آن 500 عدد کپسول قرار داشت جاسازی شده بود. بعد از حاضر کردن همه چیز در روز جمعه 1905.07.21 بعد از مراسم سلامیک در حالی که سلطان عبدالحمید (Sultan Abdülhamid) به سرای باز می گشت در مقابل جامع بمب منفجر شده بود. در حالی که تمام ترتیبات با تمام معنا انجام شده بود، در آن روز بعد از بیرون آمدن پادشاه از جامع و دیدار او با شیخ الاسلام (Şeyhülislam) و به همین جهت مدتی تاخیر او، باعث ناموفق ماندن سوء قصد شده بود.

در نتیجه شروع شدن تحقیقات مرتبط با حادثه یک شخص با اسم ادوارد ژوریس (Edouard Joris) از اتباع منصوب به اطیش محکوم به اعدام شده بود. بعد از یک مدت ژوریس از زندان به سرای آورده شده، به مورد تلاش بر علیه ارامنه با بخشش 500 لیره آژان تعیین شده و به اروپا فرستاده شده بود. (2)



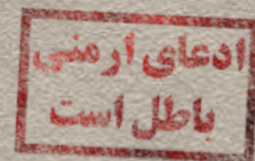
○ حادثه آدانا

در ادامه روزهای متوالی تحریک ارمنی، ارامنه دو جوان از مسلمانان را کشته و با اصرار در تسلیم نکردن قاتل حوادث مثل کوه یخ بزرگ و وسعت یافته بود، مسلمانان و ارامنه در طول 3 روز فعلاً خیابان به خیابان در حال نزاع بودند.

حکومت بلافاصله از دده آغاچ به آدانا سرباز فرستاده بود، به مورد آمدن آنها حوادث از نو شعله ور شده بود، اما این بار خیلی سریع پوشانده شده بود. جمال پاشا (Cemal Paşa) در خاطرات خود، در حادثه آدانا کشته شدن 17.000 ارمنی و 1.850 مسلمان، اگر نسبت نفوس شهر در دست ارامنه بود، تجلی کردن عکس این اصول، در اثناء اقتتال متفاوت نبودن تمایل نشان داده طرفین را می نویسد.

پاتریک خانه در بررسی که خود انجام داده بود به رقم 21.300 رسیده بود. نماینده ادیرنه بابیکیان افندی (Babikyan Efendi)، یک گزارش مرتبط با موضوع به مورد تقدیم کردن آن به مجلس را حاضر کرده بود. به دلیل مرگ او بعد از یک مدت بسیار کوتاه در این گزارش که در مجلس دیده نشده بود رقم مردگان با 21.001 نفر بودن نشان داده شده است. رقم داده جمال پاشا، به دلیل اینکه بعد از اتمام محاکمه ها بود، در طی حادثه با به پیش چشم گرفتن این امکان که، آنهایی که فرار کردند دوباره برگشته اند بیشتر از این که 21.000 ارمنی کشته شده باشد، به 17.000 بودن آن قرار داده شده بود.

در آدانا بعد از حادثه حکومت نظامی اعلام شده بود، مجرمین مسلمان و ارمنی به دیوان حرب فرستاده شده بودند.



• دوران جنگ جهانی اول

○ عصیان های بیتلیس

عصیان ارامنه، در دوران جنگ جهانی اول هم ادامه داشته و به اندازه ای که امنیت دولت را تحدید کند در 1915 دولت را به حال مجبوری در اجراء تغییر مکان (تهجیر) آورده بود. ارامنه خارج از کشور، همراه با اعلان تجهیز قوای نظامی عثمانی با تاسیس "لشکرهای انتقام"، به حرکات عصیان ارامنه موجود در اراضی عثمانی خصوصا در مناطقی که کثرت داشته اند سرعت داده بودند.

کمیتة های ارمنی بیشترین اهمیت را، بعد از وان به مناطق موش و بیتلیس می دادند. راه های منطقه، عموما باز و برای انتقال مناسب هستند. شهر بیتلیس، بر روی راه وان، دیاربکر، حلب و اسکندرون یک مرکز اسکان مهم بود. عصیان های موش و تالوری ارامنه هم در این مناطق انجام گرفته بود.

از این نظر از طرف پاتریک خانه منتخب ترین اشخاص و کشیشان در این مناطق به وظیفه گرفته شده بودند. در شکایت انجام داده پاتریک خانه و کمیتة های ارمنی بر علیه حکومت عثمانی به اروپا و در مراجعات دائما از حوادث این دو شهر صحبت شده بود؛ در مسئله اصلاحات هم باز این دو استان پیش رانده شده بود. این منطقه، حتی یک روز هم از تهاجم و عصیان ارامنه در امان نبوده.

ارامنه موجود در منطقه بیتلیس، تلاش می کردند که حتی با دلایل مزخرف و بی اهمیت هم حادثه آفرینی کنند. از طرف کمیتة داشناک ارمنی روزنامه های اشخادانک و واندوسب نشر شده در وان و خاراچ نشر شده در ارضروم این حوادث را به گوش ارامنه بیگانه کشورهای خارجی می رساندند. کمیتة ها، با این حوادث ملحق شدن ارامنه برای یک خود مختاری را به هدف گرفته بودند. بعد از اعلان تجهیز قوای نظامی دولت عثمانی کمیتة داشناک ارمنی با گرفتن تعلیمات لازم از روسیه در این منطقه از کمیتة چیان شناخته شده واهان پاپاسیان (Papasyan Vahan) نماینده وان را آورده بود.

جوانان تورک تناسب یافته به اعلان تجهیز قوا در حالی که وارد صف های دفاع از وطن می شدند، تعداد کثیری از ارامنه که تبعه عثمانی بودند از این دعوت سرپیچی و تمرد کرده بودند. ملحق شدگان هم همراه با سلاح های خود شروع به فرار و گریز از لشکرها کرده بودند. در ژانویه 1915 ارامنه روستای سیکور شهرستان هیزار بیتلیس، به اعزامیان فرستاده شده برای جستن سربازان گریخته با گفتن اینکه به حکومت عثمانی سرباز نخواهیم داد و حکومت را نمی شناسیم از سلاح استفاده کرده و ژاندارماها را کشتند.

همان وضع، در روستاهای بزرگی مثل کُرسو، آکحیس، بی گری، آرشین و تاسو هم تکرار شد. کمیتة ها راه گواش بین وان - بیتلیس و خط مخابره مهم گذشته شده از آنجا را برداند. در این روستاها در حالی که عصیان ادامه داشت در روستای وینریس متصل به مرکز هم در 1915.02.20 نزاع هایی به میان آمد. این را عصیان های موجود در منطقه هیزان و بیتلیس هم تعقیب کرد.

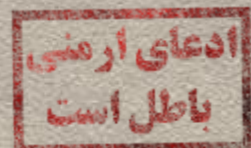
در اراضی موش هم حوادث شروع به دیده شدن کرد. به مدیر ناحیه که با ژاندارماها به روستای کومس ناحیه آکان می رفتند در خانه ای که اسکان یافته بودند به مدت هشت ساعت آتش گشوده شد. از ژاندارما و امنیه 9 نفر کشته شد. اداره حرکت موجود در اینجا از طرف نماینده داشناک موش روپن (Rupen) و از روسای شناخته شده کمیتة اسرو (Esro) و پاپازیان (Papazyan) آشکار و معین شده بود. ژاندارمای بیتلیس همراه با فرمانده لشکر با رفتن به هیزان برای جمع کردن سرباز، راه اعزامیان زیر امر او در دره کارکار بریده شد. بعد از هفت ساعت نزاع یک نفر سرباز ژاندارما شهید شد.

اوزوم لو لاتو (Üzümlü Lato) ی مشهور هم با دسته ای که با ارامنه وان تحت امر خود تشکیل داده بود در اطراف موکنس و هیزان راهزنی انجام می داد.

اهداف موجود در این عصیان ارامنه، به تعلل انداختن حرکت، انتقال، مخابره نظامی و مشغول کردن قوای نظامی بود.

کنسول روس بیتلیس، در گزارش شماره 63 فرستاده خود در تاریخ 1912.12.24 اینگونه می گوید:

"در، در آمدن افکار عمومی ارمنی به وضعیت معین گشته فوق کمیتة داشناک ارمنی یک سهم عظیمی را بر عهده دارد. کمیتة، برای به میان آمدن نزاع بین ارامنه و مسلمانان و به مورد به میان آمدن وضع وخیم پیش رو در تامین دخالت روس ها در امور و برای اشغال این مناطق از طرف سربازان روس با تمام قدرت در حال تلاش می باشد."



○ عصیان های ارضروم



تعدای از سلاح های بدست آمده از دسته های ارمنی در اطراف ارزینجان و ارضروم که با آنها هزاران مسلمان معصوم بدست کمیته چپیان بقتل رسیده اند.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

منطقه گارین ارضروم از طرف ارامنه و کمیته چپیان بسیار مهم دیده می شد. ارامنه روس، با گذر از اینجا از قفقاز وارد کشور عثمانی شده بودند و مهمترین مرکزشان را در اینجا بنا کرده بودند. آخرین کنگره انجام شده کمیته داشناک ارمنی قبل از جنگ جهانی اول هم در اینجا تجمع کرده بود. به جهت موجود بود بر روی راه ارضروم، ترابزون - وان، هم از قفقاز شاهراه بوده و هم از راه ترابزون از باتوم، کستنبه و دیگر مناطق محل گرفتن منظم اطلاعات بوده و از اینجا به داخل سلاح و مهمات حمل می شده.



یک مسافر خانه در ارضروم که از طرف ارامنه با جمع کردن تورک ها درون آن به آتش کشیده شده.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

بعد از اعلان تجهیز قوا در منطقه ارضروم که سال ها بر عصیان های ارمنی، طغیان و قتل عام ها صحنه بود در زمان شروع جنگ، در مرکز استان و تصرفات، ارامنه حاضر بر زیر سلاح، همراه با سلاح هایشان به روس ها ملحق شده بودند. حکومت روس با مسلح کردن کامل آنها دسته ها بنا کرده و به داخل آناتولی فرستاده بود. کشیشان کلیسا هم برای رهایی جوانان ارمنی از سربازی تلاش های عظیمی را کرده بودند.

ارامنه، از یک طرف در حالی که تلاش می کردند راه های لوژستیک ارتش تورک را ببنداند، از طرف دیگر هم برای تخریب روحیه مردم نا موفق بودن عثمانی و متفقان آن را تبلیغ کرده و برای پیروزی دشمنان در کلیساها دعا می کردند. ارامنه در ارضروم برای خود قبل از تجهیز قوا به اندازه کافی اعاشه و دیگر اشیاء ضروری را حاضر و نگهداری کرده بودند. اینها در جستجو های بعدی به میدان آمده بودند.

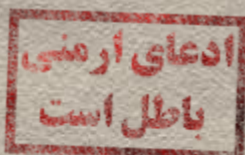


کودکان تورک اهل ارضروم که با خفه شدن توسط غدارهای ارمنی به قتل رسیده اند.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

در نوامبر 1914 کمیته چپان ارمنی جمع شده در صومعه چانلیوانک اطراف روستای کارنی شهر کنماه ارضروم اگر هم در حال حاضر کردن پلان های عصیان بودند قبل از این که وارد میدان اجراء شوند عصیان شروع شده بود. در ارضروم و تصرفات ارامنه با مسلح شدن به خانه ها هجوم برده، شروع به کشتن زنان و کودکان مسلمان کردند. در سایه این عمل ارامنه هدف این بود که، سربازان منطقه که به جبهه فرستاده شده بودند روحیه خود را از دست خواهند داد و با تامین شدن بازگشت آنها نزد خانواده های شان قوای ارتش تورک تنزل خواهد یافت. در منطقه ارزینجان تعداد کثیری سرباز گریخته مسلح همراه با سلاح، مهمات و بمب بدست آمد. تعداد کمیته چی ملتهب و سخین که فقط به همین جهت از طرف پاتریک خانه برای کماح تعیین شده بودند در اطراف نمایندگی کماح با جمع کردن داوطلبان ارمنی بر علیه تورک ها ظلم و ضیمات بسیاری را انجام داده بودند.

یک شخص ارمنی با اسم دیکران پاپازیان (Dikran Papazya) که از طرف نیروهای امنیتی عثمانی گرفته شده بود با گفتن اینکه "اگر یک تاخیر چهار - پنج روز دیگر (در گرفتن آنها) به میان می آمد، همراه با گرفتن تمام ترتیبات از رها کردن کل ارضروم درون آتش و ویرانی بدست آنها؛ کشتن تمام تورک ها و سربازان، لیکن هشیاری حکومت در این باب ناموفق شدن شان در ورود بر این عمل" را آشکارا به زبان آورده بود.



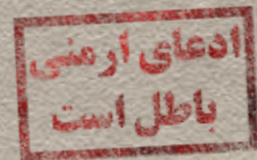
○ عصیان های ائلازیغ

بعد از تجهیز قوا، در ائلازیغ هم تهاجم سربازان فراری ارمنی به مردم مسلمان یک وضع وسیعی گرفته بود. مهمترین آنها عبارتند از: یک ارمنی تابع عثمانی که در کنسول انگلیس ائلازیغ به کار ترجمه مشغول بود، در مورد لشکر 11 اطلاعاتی جمع کرده بود. این اخبار در حالی که به سفیر انگلیس در استانبول فرستاده می شد بدست آمد بود.

باز درون استان نامه هایی با موضوع این که ارامنه دوست دارند پاسکال یورتی شان را زیر پرچم روس جشن بگیرند بدست آمده بود. تلاش های انجام شده برای تحریک عشایر شرقی و متحد کردن آنها با ارامنه به میدان آمد بود. آتش زدن ماده های اکمال حاضر شده به منظور فرستادن آنها از انغین (کمالیه) به ارتش از طرف یک ارمنی با نام فیلیپوس انغینلی (Eğinli Filipos) خواسته شده بود. فیلیپوس در آتش سوزی هلاک شده بود؛ لیکن، در جستجوی انجام شده در خانه او انجام این عمل با تشویق نماینده ارمنی انغین و خبر داشتن چند ارمنی دارای نام از این حادثه هم مشخص شده بود. در حالی که رهبران دینی بزرگ در راس بودند، ارامنه ای که از صادق ماندن شان به حکومت و از نبودن سلاح نزد خود صحبت می کردند، در نتیجه جستجوهای انجام گرفته فقط در مرکز استان بیش از 5.000 قیضه سلاح، 300 بمب، 40 کیلو فیتیله بمب، 200 پاکت دینامیت، 5.000 عدد ساچمه دینامیت یافت شد. در کلیسای ارمنی آراپکیر هم سلاح، مهمات و دو دست لباس درویش بدست آمد.

در ماههای ژانویه و فوریه 1915 تعداد کثیری از سربازان معلول و زخمی تورک که در حال بازگشت به خانه هایشان بودند در راه ها و روستاهای ارمنی گرفتار و کشته شدن آنها به شکلی بربرانه بدست ارامنه ذکر شده است.

قبل از شروع جنگ با روس ها و بعد از شروع، ارامنه ای که کمک به ارتش روس و حرکت بر علیه حکومت عثمانی را یک وظیفه به شمار آورده بودند، با بنای گردان های داوطلبانه در منطقه وان، به مرز ایران رفته بودند؛ قسمت عظیمی از اینان فراریان استان و یا ارامنه اجنبی دیگر کشورها بودند که با داوطلب شدن، ارامنه آمده از ائلازیغ هستند.





بمب، سلاح قزاق و مواد منفجره بدست آمده در جستجوهای انجام شده در دیاربکر در روز 14 آوریل

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

ارامنه، در این منطقه به رغم موجود بودن شان به نسبت خلق مسلمان در اقلیت ترتیبات اختلال ارگانه‌های کمیته چی را حاضر کرده بودند. آسان کردن اشغال روس، به تاخیر انداختن حرکت ارتش تورک و در راه مشغول کردن آن و هر کاری که از دستشان بر می آمد انجام داده بودند، گریختن از سربازی را تشویق کرده بودند. قبل از جنگ ارامنه که با یک امید تبدیل شده به شوق محصور گشته شده بودند، در انجام هر نوع طغیانی هیچ عجز و مانعی ندیده بودند.

ارامنه ای که به سربازی نرفته و یا از سربازی گریخته بودند با تشکیل "گردان سد آتش" مایحتاج خود را به زور از بین مردن جمع کرده بودند. در حالی که حرکت روس ها رو به پیش بود اعمالی که باید انجام می دادند به قرار گرفته شده بود. در جستجوی صورت گرفته به مورد خبر داده شده، اعضای کمیته چی دست گیر و پلان آنها فاش شده بود.

در عملیات انجام شده در تاریخ 1915.04.27 تعداد زیادی سلاح، مهمات، بمب، سرباز فراری و این اعلامیه کمیته با متن ذیل بدست آمد:

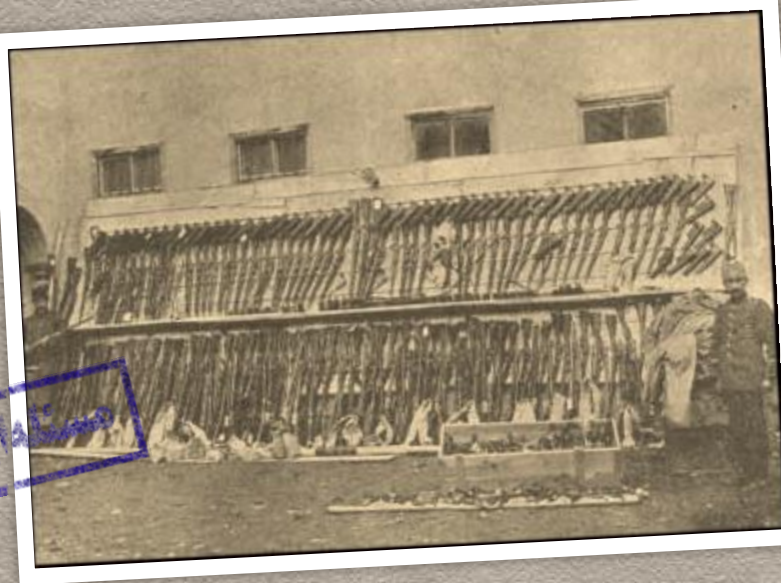
"اگر روس ها از طرف وان با موفقیت به پیش حرکت کنند تمام ارامنه، در لزوم عصیان برای انجام پلان و دستورات خاص می مانند، مسلمانان را خواهند کشت، شهر را به آتش خواهند کشاند، بناهای رسمی را آتش زده، حکومت را به زور مجبور به قبول توصیه های ارمنی خواهند کرد و اشغال روس ها را آسان خواهند کرد."

سربازان گریخته و داوطلبانی که از تحت تعقیب قانونی بودن در خوف بودند با آنهایی که از مکانهایی مثل موش، کیغی، بیتلیس، وان و تالوری آمده بودند متحد شده و به هر طرف هجوم برداند، به هر گروه از سربازها و مسلمانان پراکنده که بر خورد کرده آنها را کشته، نقل و انتقال مواد اکمال نظامی را با هدف بودن انتخاب کرده بودند.

پیام وزارت کارگران والی گری دیاربکر در تاریخ 1915.04.27 اینگونه است:

"در دیاربکر جستجوی سرباز فراری، سلاح و گلوله صورت گرفته؛ در نتیجه تعداد زیادی سلاح، مهمات، البسه نظامی و ماده منفجره یافت شده است. از کمیته چیان ارمنی تنها در مرکز بیش از 1.000 سرباز گریخته دستگیر شده اند."

ادعای ارمنی
باطل است



قسمتی از سلاح های بدست آمده در مرکز سیواس، اونیفورهای ژاندارما، روزنه انتقال سرباز و بمب که از طرف ارمنه ایجاد شده اند.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

سیواس، استانی است که در تمام مدت بر عصیان ارمنه صحنه شده بود. عصیان های سال 1894، در مناطق مرزیفون، آماسیا و توکات اتفاق افتاده بوداند.

سیواس، برای ارمنه، به اندازه ارضروم مهم بود. تعداد زیادی از روسای مشهور دسته های سفاک ارمنی مثل دانیل چاوش (Daniel Çavuş) و مراد (Murat) در این مکان ها پرورده شده و حوادث بزرگی را آفریده بوداند.

کمیته چیان ارمنی در اینجا با گذر از روستایی به روستای دیگر خطاب به مردم "هدف تورک ها از مشروعیت و حریت نابود کردن ارمنه است. مطلقاً گول حرف های برابری و برادری را نخورید. ارمنه، آزادی خود را با سلاح و بمب خواهند گرفت. گاونر تان را بفروشید و بمب بخرید" می گفتند. در راس این مبلغان پیزا میگردیچ - پنگانی (Penganlı Piza Mıgırdıç)، مراد - گوکدنی (Gökdenli Murat)، داگیسیان آرام - سوشهری (Suşehirli Dagısyar Aram) و کاراگوزیان همایاک - شبین کاراحصار (Şebinkarahisarlı Karagözyan Hemayak) موجود بوداند.

در تعطیلات ماه آگوست سال 1913 یک معلم آمریکایی با اسم آقای هوئبرگ (Mr. Huborg) که به شبین کاراحصار و سوشهر می رفت در راه بازگشت از شبین کاراحصار در سوشهر شبانه در حالی که در یک باغ خوابیده بود با تفنگ کشته شده بود. ابتدا مسلمان بودن قاتل ها فرض شده بود، چند نفر تورک بی گناه دست گیر و در مورد آنها تحقیقاتی شروع شده بود. در نهایت انجام جنایت از طرف ارمنه به دلایل سیاسی مشخص شده و متهمان آزاد گشته بوداند. اگر چه انجام دهندگان این جنایات شناخته هم نشداند، در تورکیه نشان دادن عدم امنیت، وحشی بودن تورک ها، لیکن انجام اعمال توسط ارمنه برای تامین مداخله دولت های بیگانه مشخص شده بود.

باز در ماه اکتبر سال 1913 در ناحیه ازبیدیر سوشهر بعضی حرکات کشیش ارمنی کریه (Kerih) حکومت را مشکوک کرده و به جهت یک حادثه دزدی در جستجوی انجام گرفته از خانه او به غیر اشیاء مسروقه تعدادی سلاح غیرقانونی هم یافت شده بود. گرفته شدن کریه، نمایندگی شبین کاراحصار را به نگرانی انداخته بود و اقدامات انجام شده سهو گرفته نشده بود. از این هم مشخص بود که، هر کاری که کریه انجام می داده، با خواسته و اطلاع نمایندگی شبین کاراحصار بوده.

در عصیان شبین کاراحصار نقش ایفا شده از طرف کریه، بعدها خیلی بهتر مشخص شده بود. کشیش روستای یایچی شبین کاراحصار سیپونیل (Siponil) بیشتر از این که یک کشیش باشد با کمیته چی بودن شناخته شده بود. سیپونیل، قبل از این که کشیش شود شخصا حرکات ارمنه را اداره کرده بود، در ماه نوامبر کلیسا به مورد جمع کردن عایدات در حالی که در روستاها می گشت، با گفتن "عثمانی ها یک جنگ را که در آن مغلوب خواهند شد را شروع کرده اند، بعد از یک مدت کوتاه روس ها از جبهه، ما هم از عقب هجوم خواهیم برد. زمان استفاده از سلاح های داده شده از قبل به شما رسیده. امروز فایده سلاح هایی که در دستتان است را خواهید دید. سلاح یافته و مخربان را شما بزرگ خواهید کرد" تبلیغات انجام می داد.

پشت سر کشیش سیپونیل، پیرا میگردید - پنگانی، با بهانه تجارت پوست در روستاها به گشت و گذار پرداخته و تقویت تبلیغات انجام گرفته را شروع کرد. ارامنه، گرفتن تمام توصیه های موجود، در آینده نزدیک رسیدن به موفقیت را فرض کرده؛ فقط آن روز نزدیک به هر نحوی نمی آمد. کنخدای روستای پورک سوشهر آگوپ (Agop) دیگر با نتوانستن زیاده تاب بر این تحمل، با فریاد زدن "این سلاح ها را برای کدام روز نگه داشتیم" گفته و مامور قافله ارگان خصوصی شهر زارا نوری (Nuri) را با تپانچه خود زخمی کرد. بدین طریق حادثه اختلال قبل از تدارکات به وقوع پیوست. در تفتیش انجام گرفته، 150 تفنگ و به اندازه 10.000 مهمات بدست آمد. این حادثه، در دیگر روستاهای ارمنی هم سلاح های موجود را به میان آورد بود.

فقط در روستاهای ارمنی شهرستان سوشهر 160 سلاح یافت شد. نمایندگی شبین کاراحصار، ضرر مادی از افتادن سلاح ها بدست حکومت و تقوض رحیه را دیده و با گفتن "هر چه لازم است انجام شود، اما سلاح ها تحویل داده نشوند" خبرهای مرتبط را می فرستاد. با تاثیر این اخبار سلاح های محفوظ در روستاها در کلیسای کاراحصار جمع شد. آن سلاح ها در عصیان پیش روی شبین کاراحصار استفاده شد.

قبل از تجهیز قوا، در شهرستان زارا یکی از روسای کمیته ارمنی تانیل - گمیلیسلی (Gemisli Tanil) و رفقای او، بین شهرستانهای زارا و خفیف در اطراف کوه ساکار 12 تورک را در حال درو محصول، دادستان کاراحصار جمال (Cemal) با 2 ژاندارما و در منطقه تعداد زیادی شخص را کشته و غارت کرده بودند. فقط در شهرستان زارا 30 عدد بمب، 45 تکه دینامیت و سلاح های مختلف یافت شد.

در پیام فرستاده فرماندهی لشکر 10 به فرماندهی ارتش 3 در تاریخ 1915.03.27 اینگونه گفته شده است:

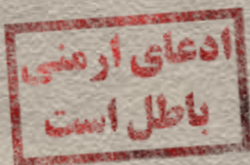
- A. "در خانه یک ارمنی در ثکات سلاح و مهمات یافت شده.
- B. در شهرستان کانگال سیواس از ارامنه منطقه اولاش سلاح بدست آمد.
- C. ارامنه روستای پورک سوشهر، در تاریخ 1915.02.25 به سربازان داوطلب و بی سلاح عثمانی هجوم برده و آتش گشوده اند. در جستجوهای انجام شده در این روستا سلاح و گلوله بدست آمده، 95 سرباز فراری و 25 مجرم هم دستگیر شده اند."

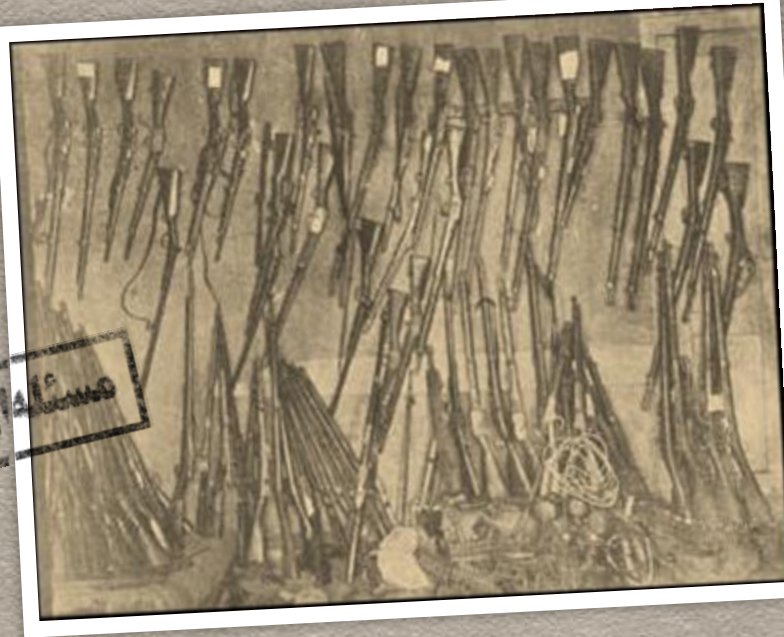
در پیام فرستاده به وزارت کارگران والی گری سیواس به تاریخ 1915.04.22-23 اینگونه گفته شده است:

"در مرکز ولایت مکانهایی که ارامنه جمعی در آن موجود هستند، شبین کاراحصار، سوشهر، خفیف، دیوریگی، گورون، گنمئرنک، آماسیا، ثکات و مرزیفون می باشند. تا به الان در جستجوی های انجام شده با روستاهای تورک سوشهر، در اطراف آن و روستاهای توزحصار و خراسان خفیف و در ناحیه اولاتاش تابع مرکز تعداد زیادی سلاح غیر قانونی و دینامیت کشف شده. از این ولایت مسلح شدن 30.000 نفر از طرف ارامنه معین شده، از اینها 15.000 نفر به ارتش روس ملحق شده و 15.000 نفر باقی هم، در صورت ناموفق شدن ارتش تورک و تهدید کردن ارتش مان از پشت، با اعترافات مظنون های گرفته شده قطعی شده است. کمیته داشناک، بین ارامنه و واحد های امنیت فرستاده به روستای توزحصار محل پناه گرفتن مراد، رئیس دسته های ارمنی نزاع ها شروع شده است، گریختگان در حال تعقیب شدن هستند."

در جستجوی گروه فرستاده به خراسان (روستا) برای یافتن ارمنی گریخته، مراد پیدا نشده بود. اما یک صندوق تفنگ، یک صندوق بمب و دینامیت به دست آمده بود.

در جستجوهای روستای توزلای خفیف هم 16 صندوق اسلحه، 20 عدد بمب یافته شده؛ بین رفقای مراد و موظفان ژاندارما هم نزاع هایی رخ داده بود.





قسمتی از سلاح های جمع شده از ارامنه در ترابزون.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

به جهت بنادر مهم واردات و صادرات بودن سامسون و ترابزون، ارامنه، برای داخل کردن سلاح و مهمات دلخواه از این مکان ها فایده می جستند. به همین علت، در این مکان ها یک ارگان کمیته منظم بنا کرده بودند. امور خبر گرفتن از خارج و دادن اطلاعات به ممالک اجنبی، از این مکان ها به آسانی انجام می گرفت.

اسکله گیرئسون هم مهم بود. در اینجا دو ارمنی با نام های واهان بادیلیان (Vahan Badilya) و کل آرتین (Kel Artin) که دلالی انجام می دادند، انتقال سلاح را اداره می کردند. یک روز، تفنگ و گلوله های بیرون آمده از گونی کاه که از روی جرثقیل افتاده بود، واقعه قاچاق کردن را به میان آورد.

ارامنه موجود در این مکان به جهت قرار گرفتن در وضعیت اقتصادی بهتر، همانند ناتناسبی نشان داده به دعوت تجهیز قوا مسلمانان را هم به ناتناسبی مجبور کرده بودند.

ارامنه در بمباران گیرئسون از طرف یک کشتی جنگی روس نمایش های بزرگ مبسوطانه و مبهجهانه ای را انجام داده بودند. در انجام رفتارهای تحقیر آمیز بر روی ماموران حکومت و مردم مسلمان هم تقلاهای بسیاری می کردند.

ادعای ارمنی
باطل است



یک گروه از دسته های فعالیت نشان دهنده غدار ارمنی در اطراف آنکارا و یوزگات

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

در دوران جنگ جهانی اول در یوزگات هم تعداد زیادی از حوادث ارمنی به میان آمده بود. ابتدا از طرف مردم ارمنی روستای اوریخ بوغازلییان، در مکانهای مختلف روستای چاپیرشهری دینامیت جاسازی شده و با انفجار یکی از اینها یک کودک تورک به شکلی وخیم زخمی شده بود. به مورد این در مناطق ارمنی اوریخ، منتشه و ایغدلی جستجوهای انجام گرفته، تعداد فراوانی سلاح، مهمات، مواد منفجره و اوراق تبلیغاتی کمیته چیان کشف شده بود. به فرمانده ژاندارما و ژاندارماها به جهت رفتن به روستاها برای جمع کردن سرباز با اسلحه هجوم برده بودند. بیش از صد ارمنی مسلح مخفی شده در جنگل اطراف روستای چاتکئییر، به ژاندارماها، سربازان و به مردم بی گناه که از راه می گذشتند تاخت و تاز انجام داده بودند. در مرکز شهرستان آکداغ معدنی، ارامنه چندین دفعه بمب انداخته و نمایش هایی را انجام داده بودند.

کمیته چیان موجود در اینجا، از مناطق دیگر خبر گرفته و با آنها به صورت رمزی مکاتبه می کردند. نرفتن به سربازی، تحریک و تحقیر مردم تورک با تهاجم های تک به تک و ترساندن خانواده های تورک که اعضای آن به سربازی رفته اند در یک شکل عمومی و وسیعی رانده شده و می رفت.

ادعای ارمنی
باطل است



یک گروه ارمنی وظیفه گرفته از پارتیزان های ارمنی در عصیان 1915 وان

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

در طی جنگ جهانی اول در بین عصیان های مختلف به میان آمده ارامنه از نظر نتیجه مهمترین آنها دومین عصیان وان بوده. در آن دوران در وان بین مردم تورک، ارمنی، ناستوری و یا کلدانی با نام اتحاد و ترقی، داشناکسوتیون، رامگاوا، هنجاک، پارتی سراکان، پارتی کارساکان 4 پارتی و 2 انجمن خیریه موجود بود. پارتی و انجمن ارمنی، مردم ارمنی را تعلیم داده و آنها را مسلح کرده بود. (1)

لیکن کشیشان و کمیته چیان ارمنی با اطلاع و نظارت روسیه حرکت کرده بودند. (2)

با شروع این نوع ترتیبات در سال 1908 و موجود بودن روسیه در پشت آنها، مکاتبات بین کنسول روس وان با سفیر روس به طور بارز مستفاد این مسئله است. (3) موضوع بحث پشتیبانی، از طرف موریز (Moricz) کنسول امپراتوری اتریش - مجارستان ترابزون در یک گزارش به تاریخ 1914.01.30 اینگونه معین گشته: (4)

"روس ها، ارامنه را وارد حرکت خواهند کرد. برای این مقصد پول زیادی خرج می کنند، مخفیانه به خدمت سرکشان سلاح می فرستند و برای انفجار یک عصیان ارمنی دلالتی می کنند."

به رغم تمام تحریکات، وکیل والی وان جودت بی (Cevdet Bey)، در تاریخ 1914.12.01 اشخاص برجسته ارمنی را جمع و با انجام دادن یک دیدار با آنها با بیان این موضوع که بین مسلمانان و ارامنه حوادثی که به میان خواهند آمد به دولت ضرر خواهد رساند هیچ نتیجه ای بدست نیاورده بود. (5)

بر عکس آن کمیته چیان ارمنی، بعد از شروع نزاع در وان و اطراف آن اعتبارا مظالم خود را افزایش داده بودند. خصوصا با قتل عام جمعی مسلمانان محمودیه جامع و مساجد آنجا را تبدیل به آخور احشام کرده بودند. قائم مقام محمودیه در نوشته خود به تاریخ 1915.03.15 این حرکت ارامنه را به حکومت گزارش داده بود. (6)

جودت بی که به والی گری وان در آمده بود لیکن در 25 مارس، از موجود بودن ارامنه درون یک تدارک بزرگ برای آسان کردن اشغال وان توسط روس ها و از هر طرف به طور هماهنگ عصیان خواهند کرد، را معین کرده بود. (7)

دولت عثمانی در آن روزها در چاناق قلعه و در عراق در حال دادن جنگ مرگ و زندگی، لیکن سربازان موجود در منطقه وان، بر علیه تهاجم روس ها که از قفقازها آن را انجام داده بودند در حال جنگ قرار گرفته بود. دسته های ارمنی که این وضعیت را ارزیابی کرده بودند در تاریخ 1915.04.15 ابتدا در اطراف وان، 17 آوریل در شاتاک (چاتاک)، در 18 آوریل در بیتلیس و در 20 آوریل در مرکز وان یک عصیان بزرگ را شروع کرده بودند. (8)

در وان و اطراف آن ماموران و ژاندارماها کشته شده بودند؛ کلانتری ها و خانه های مردم تورک در برابر هجوم و غارت ارامنه قرار گرفته؛ با به آتش گرفته شدن بناهای رسمی به دست واندالسیم های ارمنی عصیان به تمام منطقه وان پخش شده بود. یک قسم از لشکر ژاندارمای وان با یک تیم از عشایر منطقه اگر در برابر ارامنه جنگیده باشند هم باز نتوانسته بودند عصیان را بپوشانند. در این میان، در چوله مریک هم ناستوری ها عصیان کرده بودند. والی وان جودت بی به جهت گرفته نشدن در برابر توقیف و فشار روس - ارمنی در شب 16-17 ماه مه از آنجا کشیده شده بود؛ بدین ترتیب وان، بدست روس ها و ارامنه افتاده بود. ارامنه صدها نفر از مردم شهر و اطراف آن را به کشتار گرفته بودند. این وضع، در تلگراف فرستاده شده از طرف وانگنهم (Wangenheim) سفیر آلمان به وزیر امور خارجه آلمان به تاریخ 1915.05.10 اینگونه قید شده است: (9)

ارامنه موجود در ولایت وان عصیان کرده اند، وارد تهاجم بر علیه روستاهای مسلمان و قلعه شده اند. پادگان تورک درون قلعه 300 کشته داده، در نتیجه ادامه داشتن جنگ خیابانی در روزهای متوالی شهر بدست سرکشان ارمنی افتاده است. در تاریخ 1915.05.17 هم وان از طرف روس ها اشغال شده است، ارامنه به طرف دشمن رفته اند و شروع به قتل عام مسلمانان کردند. در طرف بیتلیس 80.000 مسلمان موفق به فرار از منطقه شده اند. (10)

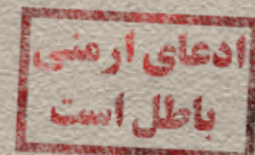
تزار روس، به سبب افتاده شدن وان بدست روس ها و ارامنه یک اعلان "به جهت تشکر از فداکاری مردم وان" را منتشر کرده بود، این را، بیان نامه وزیر خارجه روس سزانوف (Sazanof) که از کمک ارامنه تشکر کرده بود ثابت می کند. در مکان های مختلف دنیا روزنامه های ارمنی و بعضی روزنامه های غربی، کمک انجام داده ارامنه به روس ها و ضرر داده آنها به دولت عثمانی را با یک ذوق و ابتهاج بی حد و حس در تیتراهای خود جای داده بودند. روزنامه له تمپس (Le Temps) نشر پاریس در نسخه خود به تاریخ 1915.08.13 در مورد آرام مانوکیان (Aram Manukyan) که از طرف روس ها به مقام والی گری وان نائل گشته بود، اطلاعات جالب توجهی داده بود. روزنامه، بعد از آشکار ساختن این که مانوکیان در دوران عبدالحمید دوم (II. Abdülhamid) در وان به پارتیزان گرای مشغول بوده و در طی مشروعیت دوم در کشور عثمانی در وظیفه معلمی و مدیریت مدرسه موجود بوده اینگونه می نویسد:

"آرام یک بار دیگر بر سر این جنگ به سلاح متوسل گشت و در وان در راس عصیان گران قرار گرفت. هم اکنون که روسیه این استان را در دست دارد، برای اینکه از عنصر ارمنی ملحق شده به جنگ علیه تورکیه که در این شکل یک درجه درخشان دارد را ممنون کرده باشد آرام را والی آنجا کرد." (11)

به جهت این خیانت ارامنه راه های اكمال ارتش عثمانی بسته شده بود؛ بازوهای منتقل کننده اعاشه و مهمات به سربازان لیکن از طرف ارامنه زده شده بود. بدین ترتیب ارتش تورک در اجبار عقب نشینی مانده بود و روس های وارد شده به تهاجم ارضروم، بیتلیس و ترابزون را هم اشغال کرده بودند. (12)

لیکن ارامنه با جسارتی که از حمایت روس ها گرفته بودند، حجم تجاوزات خود بر علیه مسلمانان را به طور مفصل افزایش داده بودند. تعداد کثیری از خانواده های مسلمان برای رها کردن جان خود به مناطق داخلی آناتولی کشیده شده بودند. در این مدت در مناطق مختلف هم مکان به مکان عصیان های ارمنی شروع شده بود.

به رغم بقتل رسیدگان که مسلمانان بودند، پاتریک ارمنی، در ادعای ارامنه دچار تجاوز گشته اند قرار گرفته بود. حکومت تورک به دلیل دچار نشدن به فشار دولت های غربی در اجبار بنای یک کمیسیون بررسی قرار گرفته بود. در نتیجه بررسی های انجام شده در مناطق سیواس، وان، ارضروم و ارزینجان سالم بودن ارامنه ای که پاتریک ارمنی از کشته شدن آنها خبر داده بود معین گشته شده بود. در گزارش کمیسیون، هم اکنون هم عصیان وان و سیواس ادامه دارد و در برابر آنها نه ژاندارما و نه مردم مسلح تورک وجود دارند که قرار گیراند ذکر شده بود. (13)



Halaçoğlu, Yusuf; Ermeni Tehciri ve Gerçekler (1914-1918), Türk Tarih Kurumu Yayını, Ankara 2001.

1) DH. EUM. 2. Şube, Dosya 1, belge 28/1.

2) Askeri Tarih Belgeleri Dergisi (ATBD.), Nisan 1987, sayı 86, belge 2050.

3) Rusya Dış Politika Arşivi, Siyasi Kısım, nr. 113, 7/20 Mayıs 1908, s. 51.

4) Österreichischer Haus-Hof-und Staatsarchiv, Politisches Archiv, XII, 463'den naklen N. Göyünç, "Türk Ermeni İlişkileri ve Ermeni Soykırımı İddiaları", Ermeni Sorunu ve Bursa Ermenileri, Bursa 2000, s. 10.

5) ATBD., Ekim 1985, sayı 85, belge 1966.

6) ATBD., Nisan 1987, sayı 86, belge 2051.

7) Aynı yer, belge 2052.

8) ATBD, Ekim 1985, sayı 85, belge 2003, 2005.

9) Wangenheim, Deutsches und Armenien, 1914-1918, yay. Johannes Lepsius, Potsdam 1919, s. 65, 46 nr. Belgeden naklen N. Göyünç, Aynı makale, s. 11.

10) N. Göyünç, Aynı makale, s. 11.

11) Bayur, Aynı eser, III/3, 20-21.

12) ŞFR, nr. 64/44.

13) ATBD, Aynı yer, belge 2004.

○ حادثه شبین کاراحصار

در آناتولی همراه با عصیان های ارمنی تعداد بی شماری حادثه سرکشی هم به میان آمد. یکی از این سرکشی ها حادثه شبین کاراحصار در تاریخ 1915.06.05 می باشد.

یک رئیس دسته ارمنی با نام مراد سیواسی (هامپارسوم بویاجیان) (Sivaslı Murat (Hamparsum Boyacıyan))، با 500 نفر از زیر دستان خود شبین کاراحصار را مورد تاخت و تاز قرار داده بود. به جهت رد شدن راه اصلی اکمال ارتش تورک در جبهه شرقی منطقه دارای اهمیت استراتژیک بود. در صورت به دست ارامنه افتادن این منطقه اکمال نیروهای مسلح تورک و خدمات عقبه دچار تداخل شده و حرکت رو به پیش ارتش روس آسان خواهد شد. واندالیسم های پارتیزان ارمنی محله مسلمانان شبین کاراحصار را به آتش کشاندند. در جا با تورک ها رو در رو شدند، شروع به کشتن آنها توسط شکنجه دادن کردند. به گروه های جمع شده نظامی و ژاندارما هم در اطراف تهاجم برداند.

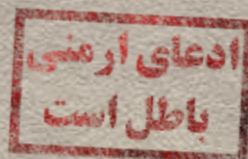
در برابر این وضع با تصرف قوا، نیروها از مناطق دیگر به شبین کاراحصار آمده بودند و عصیان ارامنه محاصره شده بود.

در پیام فرستاده فرماندهی لشکر 10 موجود در سیواس به سر فرماندهی در تاریخ 1915.06.15، در ارتباط با حادثه از این خصوص استفاده شده:

"با التجا و پناه بردن حدود 500 نفر از راهزنان و سلابان ارمنی که با آمدن از این مکان و دیگر نقاط درون قلعه قدیمی جمع شده اند، عصیان کردن آنها به اصلاح رسیده است. محل نزاع به وقوع پیوسته بین نیروهای امنیتی و پارتیزان های ارمنی ولایت سیواس معین گشته."

در پیام فرستاده شده به فرماندهی 3 لشکر والی گری سیواس به تاریخ 1915.06.18-19 لیکن اینگونه گفته شده است:

"با پوشانده شدن عصیان شبین کاراحصار، التجا حدودا 800 نفر از ارامنه زن، مرد و کودک به قلعه و مسلح بودن حدود 200 نفر از سرکشان معین شده بود."





پارتیزان های ارمنی دستگیر شده در روستای چنگیلر ولایت بورسا، یک توپ، تعداد کثری سلاح گرم و اونیفورم های نظامی متعلق به آنها

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

به مورد ازداد و کثرت عصیان ارمنی و حوادث، دسته های پارتیزان ارمنی موجود و حاضر از خیلی قبل تر در مناطق چنگیلر، سلوز، اورهان غازی، گملیک و بیله جیک با شنیدن کشف تعداد بیشماری سلاح در نتیجه جستجوهای به عمل آمده در آداپازار و ایزمیت، هجوم و حمله به مردم تورک را شروع کرده بودند. ارامنه ای که واحد های ژاندارما و نظامی را به تعقیب خود مجبور می کردند هدف تضعیف قوای نظامی را داشت اند، آنها راه تخریب روحیه سربازان مشغول جنگ در جبهه ها بر علیه دشمن را یاد گرفته بودند.

دسته های پاریزان ارمنی که سلاح های مدرن و حتی لوزام صحنی در اختیار داشتند، با اتحاد با پارتیزان های گریخته از ازمیت و آداپازار، در حال یک گروه 60-70 نفری، تهاجم به هر طرف را شروع کردند. در راس دسته های پارتیزان ارمنی موجود بودن سرکشیش وکیل بارکئف (Vekil Barkef)، منشی او سُکپاس (Sokpas)، مدیر مدرسه ارمنی بورسا، خدمه کلیسا و دیگر موظفان دینی معین گشته شده بود.

ادعای ارمنی
باطل است



سلاح های بدست آمده از ارمنه در مرکز آدانا

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

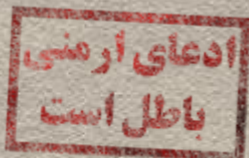
آدانا که در تهاجمات ارمنی اصلاً در قصور نبوده، بعد از انجام اعلان تجهیز قواء برای جنگ جهانی اول، این تهاجمات در یک قطر وسیع و در شکلی مفصل حاضر شده بود. این منطقه هم به جهت نزدیکی به سواحل مدیترانه و هم به جهت نزدیکی به جبهه سوریه و عراق در اعمالی که ارمنه در این مکان ها می توانستند انجام دهند بسیار موثر می توانست باشد. ارمنه ابتدا از جاسوسی شروع کردند. از این نظر ارمنه کمیته چی منطقه را به پلان اول گرفتند.

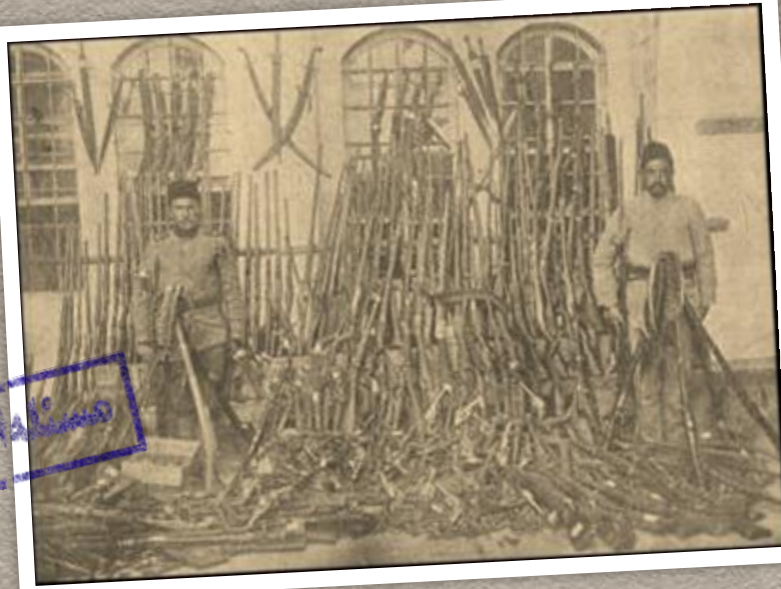
دو ارمنی در تاریخ 1915.02.01، با پناه بردن به یک کشتی دشمن در خلیج اسکندرون وظیفه آژانی را که به آنها داده بودند را به جا آورده بودند.

در تاریخ 2 فوریه سه ارمنی با نام آبراهام سالجییان (Abraham Salcıyan)، آرتین (Artin) و بدروس (Bedros) از ارمنه دؤرتیول هم با التجا به کشتی دشمن در بندر، اطلاعاتی را در ارتباط با قواری ارتش تورک و ترکیب نظامی آن به دشمن رساندند.

در تاریخ 1915.02.24 دو شخص با اسم های کوشگنر توروس اوغلو (Köşger Torosoğlu) و معلم آگوب (Öğretmen Agop)، با آورده شدن از قبرس به اسکندرون آمدند. آنها، همراه با تعلیمات گرفته از فرماندهی ناوگان دشمن در ساحل دستگیر شدند. باز در تاریخ 1915.02.24 داغلی اوغلو آرتین (Dağlıoğlu Artin)، موجود در بین ارمنه ملتجی به کشتی دشمن با اوراقی که همراه او بود دستگیر شد و به محکمه نظامی تسلیم شد. بدین طریق چگونگی نفوذ ارمنه کمیته چی به یکی از نقاط بسیار جان گیر مملکت دیده شد. به غیره در صائم بی لی، دؤرتیول، گزان همراه دیگر شهرستان ها و در ناحیه حسن بی لی به تعداد بی شماری سلاح، بمب، دینامیت، نقشه و پرچم کشف شد.

از طرف کمیته چیان و کشیشان ارمنی در غارهای منطقه و صومعه موجود بر روی صخره های ناهمواره در قصبه (هاچین) صائم بی لی به اندازه 200 کیلو باروت ذخیره شده کشف گشت.





سلاح های بدست آمده از ارمنه در اورفا

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

کمیته های ارمنی بعد از اعلان مشروعبیت، در اورفا هم یک ارگان متشکل از داوطلبان را بنا کرده بودند، حتی ارمنه کوچ کرده از میدان حرکات آناتولی شرقی و مسکون گشته در این منطقه را هم قانع کرده بودند. در این هنگام یک شخص که در عصیان سال 1895 اورفا با مجرم دیده شدن به تابلوسگاریا تبعید شده بود بعد از اعلان مشروعبیت مورد عفو قرار گرفته و به تورکیه بازگشته بود و با معرفی خود به عنوان کشیش، از طرف پاتریک خانه ارمنی استانبول به اورفا فرستاده شده بود. این شخص عیسان ارمنه را تدارک دیده، به ارمنه افکار تورک ستیزانه تزریق کرده و اهمیت تامین سلاح و مهمات را برای آنها ذکر کرده بود.



سلاح ها، بمب ها، دینامیت ها، فیتیله های دینامیت و بمب های دستی گرفته شده از ارمنه در اورفا

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

روس ها هم به حاضر شدن ارمنه اورفا اهمیت بزرگی داده بودند. چون که منطقه اورفا، از آناتولی شرقی تا اطراف اسکندرون بر روی یک راه اصلی قرار داشت. در منطقه اورفا برای سرکشان به اندازه هشت - ده سال مواد غذایی کافی ذخیره شده بود. اشغال وان از طرف روسها؛ به تبلیغات آنها سرعت داده بود. با پیش راندن این که روس ها بعد از چند ماه از روی دیاربکر و سیورک به اورفا خواهند آمد ارمنه را برای عصیان دعوت کرده بودند.

یکی از موضوعات بسیار چشم گیر در تدارکات عصیان هم، به مورد استفاده شدن مناطق زیتون، ساسون، بیتلیس و آنتپ در امر یک فرمانده برای کمیته چیان آمده از ماراش و دیاربکر با یک قوای مسلح از فداییان محلی و سربازان فراری موفقیت هایی در حمل آب، آسیاب آرد، پختن نان، رسیدن به مریضان و زخمی ها، تمیز کردن تفنگ ها، فرمان برداری، ساخت گلوله و انجام سخنرانی ها بود.

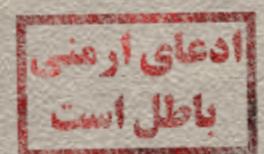
در حالی که برای شروع عصیان یک زمان مناسب به انتظار گرفته شده بود در طی جمع کردن سلاح و به سربازی گرفتن متولدین 1894 با الحاق سربازان فراری از مناطق زیتون، ساسون، هاجین و دیاربکر هم به کمیته چیان، در روستای گرمیش موجود در فاصله 7.5 کیلومتری اورفا و در روز پنجشنبه 1915.08.19 هم در مرکز اورفا اولین عصیان شروع شده بود.

فردای روز حادثه اورفا به گردان خدمات مشغول بر روی راه تللولیاز - اورفا - سیورک حمله شده بود. اگر چه ابتدا یاغی های ارمنی مثل آنچه که قرار گذاشته و قصد کرده بودند که سربازان و کارگران تورک را بکشند، اما موفق نشده بودند. پس از آن که یاغی های ارمنی با به دست آوردن کلنگ، بیل و محافظ از گروه ژاندارماهای مشغول در قسمت تللولیاز - اورفا با سلاح هایی که به دست آورده بودند افسر ابراهیم هیلمی (Subay İbrahim Hilmi) را شهید کرده بودند؛ چهار نفر ژاندارما و کنخدای روستا را هم زخمی کرده بودند.

بعد از این حادثه از تاریخ 1915.08.28 تا تاریخ 1915.09.29 آرامش حاکم بود. اما در 1915.08.29 چهل بار صدای شلیک سلاح آمده بود، فردای آن روز به سوی پلیس و ژاندارماهای رفته به محله ارمنی برای بررسی مسئول حادثه، آتش گشوده شده بود و یک ژاندارما شهید و دو ژاندارما هم زخمی شده بودند. سرکشان ارمنی با تاخت و تاز به خانه های مردم تورک وسایلی که در دفاع و حمله مناسب بود را غارت و 10 زن و دختر بی دفاع را کشته بودند.

عصیان اورفا، از طرف کمیته چیان ارمنی بسیار خوب به پلان گرفته و اداره شده بود. در ارتباط با این حادثه وجود کمک های دول اجنبی نیز ثابت شده بود.

بعد از عصیان، سردسته های گروه های پارتیزان ارمنی، باز با جستن یک سهولت به منطقه ای دیگر گریخته بودند. اتمام نزاع در تاریخ 1915.10.16 و در همان تاریخ با پیام سری به شماره 7664 از فرماندهی ارتش 4 به سرفرماندهی عرض شده بود.

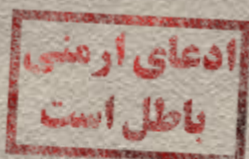


○ حادثه فندقچیک

سرکشان ارمنی موجود در منطقه زیتون که زمان به زمان بر علیه حکومت عثمانی عصیان کرده در طی کوچ کردن به مناطق دیگر ارامنه پارتیزان پراکنده شده در اراضی شمالی کوه های نور، با تازیدن بر روستاهای تورک نشین، واحد های نظامی و گروه های ژاندارما، آنجاها را به آتش زده، ویران کرده و آنها را کشته بودند.

بعد از یک مدت یک دسته 600 پارتیزانی متشکل از ارامنه زیتون، صائم بی لی و ماراش، در بهار سال 1915 با جمع شدن در روستای فندقچیک موجود در بین ماراش و قصبه باغچه و در فاصله 30 کیلومتری از باغ های بیه عصیان کرده بودند؛ چهار روستای تورک نشین موجود در کنار این روستا را به آتش کشانده بودند. ارامنه منطقه ماراش هم شروع به جمع شدن در فندقچیک مرکز عصیان شداند؛ روستا، در یک شکل عالی برای دفاع حاضر شده بود.

اگر چه در این میان به منطقه عصیان یک گروه ژاندارما هم فرستاده شده بود اما نتیجه ای مثبت گرفته نشده بود. به مورد این با فرستادن لشکر 132 پیاده از اصلاحیه، گردان پیاده موجود در بلن و یک تیم توپ کوهی به منطقه فندقچیک عصیان پوشانده شده بود. در این حادثه بیش از 10 روستای تورک نشین به دست واندالیسم های ارمنی ویران و به آتش کشیده شده و به تعداد 2.000 نفر از اهالی تورک این روستاها به صورت وحشیانه ای بقتل رسیده بودند.



○ حادثه کوه موسی

کوه موسی در دامنه کوه های نور قرار گرفته است. ارتفاع آن تقریباً 1.000 متر می باشد، با صخره های بزرگ و بوته های فشرده دارای یک منظره تیز و تک بلوکی می باشد. کتاب "چهل روز در کوه موسی" نوشته شده از طرف یک یهودی با اسم فرانس وئرفل (Franz Werfel) در آمریکا از طرف ارامنه برای نشان دادن ظلم های صوری انجام گرفته به حال یک فیلم سینمایی در آمده شده بود. حقیقت این حادثه به میان آمده در جنگ جهانی اول را ژنرال فخرالدین تورک کان (General Fahrettin Türkkan) که والی آن زمان حلب بود اینگونه توضیح می دهد:

"در طول جنگ جهانی اول با پخش شدن صحبت هایی در مورد اینکه دولت های ائتلاف در سواحل منطقه اسکندرون طرحی را انجام خواهند داد، مردم هفت روستای ارمنی متصل به ناحیه سامان داغ، مالیاتی را که متعلق به حکومت بوده را پرداخت نکرده بودند، کمک لازم برای احتیاج قوای مسلح تورک را انجام نداده، عصیان کرده و بر روی کوه موسی رفته بودند.

به مورد تناسب نیافتن با امر حکومت اگر چه برای سرکشان هم مامور هایی فرستاده شده بود اما ارامنه، به آنها گوش نداده و با سلاح بر علیه آنها در آمده بودند. فرماتده منطقه سرهنگ غالب (Albay Galip) با نیافتن یک چاره دیگر، با لشکر ژاندارما راه های پایین آمدن از کوه موسی را به زیر کنترل گرفته و شخصا خود او با بالا رفتن از روی کوه موسی اگر برای یک دفعه آخرین هم با عصیان گران صحبت کردن را خواسته بود بر روی کوه نمادین هیچ کس را دیده بود. در بررسی های انجام گرفته پایین آمدن ارامنه از یک لبه مستقیم امتداد یافته به دریای مدیترانه مشخص شده بود. سرهنگ غالب با تعقیب کردن نشانه ها تا سواحل دریا پایین آمده بود در آنجا با جسد 20-30 حیوان روبرو شده بود.

در تحقیقات انجام شده یک کشتی جنگی فرانسوی با انتظار در سواحل اسکندرون، به مورد علامت داده شده از کوه موسی با فرستادن یک کشتی کوچک پارویی انتقال سردسته های ارمنی و دیگر عصیان گران موجود در اینجا به کشتی معلوم شده بود. این موضوع، رسماً با سوال از حکومت فرانسه می تواند دانسته شود. در بررسی های بعدی انجام شده در کوه موسی همانند تصادف نکردن با شخص زخمی و بیمار، جسد هیچ انسان دیگری هم پیدا نشد بود. از این نظر کتاب نوشته شده از طرف وئرفل یهودی الاصل که با ترجمه به تمام زبان ها پخش شده و موضوع به فیلم گرفته شده این کتاب تماماً متخیلانه و اختلقانه بوده و برای به اشتباه انداختن افکار عمومی جهان بر علیه تورک ها به نتیجه ای که حامل اوصاف پروپاگندا بود واصل شده بود."

در واقع حادثه کوه موسی این است. اینگونه شده بود. هدف آن جرم، قذف و افترا زنی بر علیه تورک ها است. فرانسویان در جنگ جهانی اول به منطقه اسکندرون، ولایت های حلب و ختای برای اینکه درهای مهم ورود و خروج به دریای مدیترانه بودند و به منطقه سامان داغ که توسط آنها دیده می شد هم اهمیت داده بودند؛ حتی برای انجام حرکت در آوردن این منطقه به مخالفت امکانات خود را بررسی کرده بودند. این اهداف هستند که، فرانسویان شهر اسکندرون را 6 بار بمب باران کرده بودند؛ اگر چه با به عصیان کشاندن مردم مسیحی منطقه خواسته بودند که حکومت عثمانی را در یک وضعیت سخت رها کنند اما تا اتمام جنگ برای اجراء اینگونه تشبثی جسارت و فرصت نیافته بودند.



کمپ پارتیزان های ارمنی آمده از کوه موسی؛ جوان، سالم و برای تهاجم مرگبار بعدی حاضر. به طوری که رئیس آنها بوغوس نوبار (Boghos Nubar) در سال 1919 می تواند اینگونه بگوید: "در اصل از شروع جنگ به بعد، یک ملت پیشروی جنگ" و به آنها افتخار کند. این عکس از موزه Musée d'histoire contemporaine پاریس گرفته شده است

Eric Feigl - Ermeni Mitomanyası

Sakarya, Em. Tümg. İhsan-; Belgelerle Ermeni Sorunu, Gnkur. Basımevi, Ankara 1984, s. 245-246.

ادعای ارمنی
باطل است

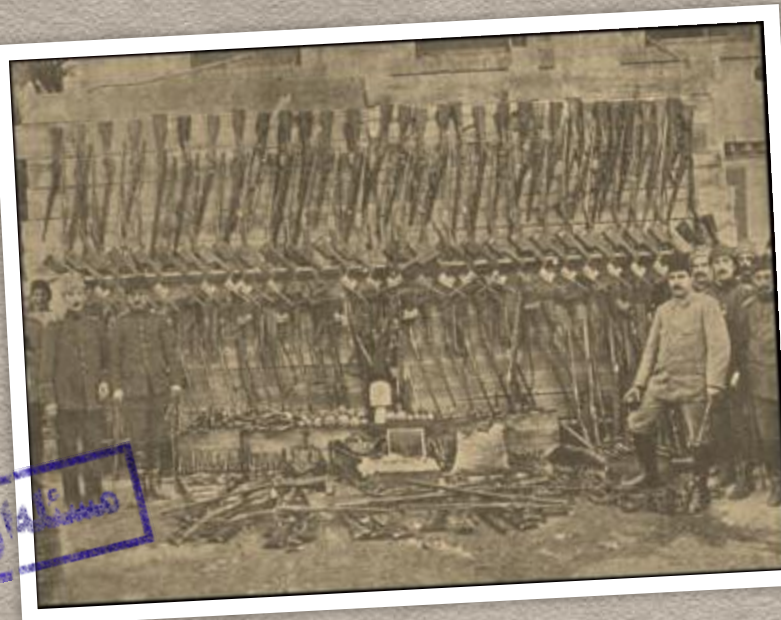
○ حادثه ازمیت و آداپازار



قسمتی از سلاح و بمب های بدست آمده از ارمنه در مرکز شهرستان آداپازار مربوط به ازمیت

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

زمانی که نیروی دریایی روس با توپ اثریغلی کارادنیز را به آتش گرفته بود، انجام جاسوسی ارمنه منطقه به سود روس ها ثبت شده بود. خصوصا ارمنه آداپازار با گفتن، "روس ها تا چند روز دیگر به سواحل دریای سیاه سرباز خواهند رساند، به اینجاها خواهند آمد، آن موقع در منطقه حتی یک تورک هم نخواهد ماند" به صورت بارز خبررسانی و انجام تبلیغات را شروع کرده بودند. به مورد این در نتیجه جستجوهای انجام گرفته، حکومت در منطقه تعداد بیشماری ماده منفجره که چند عدد از آنها در وصف تخریب کردن آداپازار بودند همراه با تفنگ، تپانچه، البسه نظامی و ژاندارما، تعداد فراوانی مهمات و فیتیله دینامیت را یافته بود. همان جستجو در ازمیت هم انجام شده بود، در آنجا هم همان اشیاء به دست آمده بود.



قسمتی از سلاح و بمب های بدست آمده از ارمنه در آداپازار

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.



بمب های بدست آمده در آداپازار، وسائل بمب سازی و ارامنه ای که این بمب ها را ساخته و آنها را پخش می کردند.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

بنابر شرح های اختلال گران ارمنی دستگیر شده آداپازار و ازمیت؛ روس ها، زمانی که در محل دهانه رود ساکاریا یک طرح را انجام دادند این سلاح ها و مواد منفجره بر علیه سربازان و مردم تورک استفاده خواهد شد. بدین ترتیب یک پلان کشتار عمومی و نابود سازی به اجراء در خواهد آمد. یک قسم از ارامنه هم با پوشیدن البسه سربازان تورک، ارتش تورک را از درون خواهند زد. با به میان آمدن پلان ارامنه، سردسته های ارمنی کمپته به مناطق یالووا و بورسا گریخته بودند، در آنجا بعد از غارت تورک هایی که با آنها تصادف کرده بودند آنها را کشته بودند.

به رغم این ارامنه قاذف در هر جا شروع به پخش اخبار و شایعات مبنی بر کشته شدن ارامنه و انجام شکنجه بر روی ارامنه کرده بودند. در نتیجه حکومت در اجبار گرفتن پیشگیری های اساسی قرار گرفته، یک قسم از ارامنه پارتیزان هم دستگیر شده، قسم دیگر هم با گریختن به مناطق مختلف خود را نجات داده بودند.

ادعای ارمنی
باطل است

○ تابلوی عمومی عصیان ها

دوران شروع شده با حادثه ارضروم در 1890 و اتمام یافته با عصیان وان 1896، در دنیای غرب به عنوان یک دوران بزرگ نسل کشی نشان داده شده است.

نعلبندیان (Nalbadian)، "در این دوران 300.000-50.000 ارمنی کشته شده است" می گوید.

دیود مارشال لانگ (David Marshall Lang)، بین سال های 96-1894 کشته شدن 200.000 ارمنی را می نویسد.

بنابر پاستیرماجیان (Pastirmacıyan) 100.000-110.000 مرده وجود دارد.

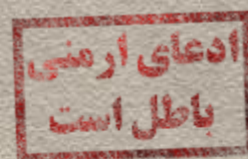
لیکن میساسکیان (Misasskian)، با گفتن "حداقل 300.000 ارمنی مرده است" آن را می نویسد.

رقم هئیسوس (Hepsius) 88.243 است. اما چگونگی یافتن عددی به این شکل مشخص و معلوم نیست. مثلاً در سال 1896 کشته شدن 20.000 نفر در وان را نشان می دهد. حال اینکه اکثر پارتیزان های ارمنی درون شهر وان از ایران آمده هستند و سببی هم برای شبهه کردن به ارقام داده سعادت دین پاشا (Saadettin Paşa) نیست. در همان شکل کشته شدن 6.000 نفر در زیتون را می نویسد. لیکن آغاسی (Aghasi) از ضایعات دادن 125 نفر می نویسد. بعد از اتمام عصیان موجود بودن نزدیک به 3.000 مرده از بیماری ها در اسناد انگلیس جای می گیرد که، این مردگان ربط و اهتمامی با حادثه عصیان ندارند.

رقم 1895 بلیس (Bliss)، 35.032 می باشد.

حتی اگر تعداد ارامنه ای که با گلوله های کمیته چیان ارمنی کشته شدند را تورک ها کشته اند، حساب کنیم، در سال های 1890 در طول عصیان و سرکشی شمار ارامنه ای که حیات خود را از دست دادند، حتی رسیدن آن به 20.000 هم بسیار مشکل است.

در این میان انجام دادن حساب مسلمانان کشته شده هم لازم و محتوم می باشد. اگر این جمله آغاسی را که "در زیتون 20.000 تورک را کشتیم" جدی بگیریم، کشته شدگان مسلمان به 25.000 نفر نزدیک است و حتی از مفقودات ارمنی هم بیشتر می شود. لیکن این مثبت گشته که، قسمت عظیمی از این مسلمانان زمانی که بدون این که دخالتی در حوادث داشته باشند، با گشودن شدن آتش و انداختن شدن بمب بر روی آنها، صرفاً با گفتن این که آنهایی که در عقب می مانند در حرص محصور گشته و به ارامنه حمله خواهند کرد کشته می شدند. در عمل قتل عام اصلی، جنایت اصلی این است. نه کشته شدن توده ای سرکش.



○ جُمُوح و عصیان های ارمنی در نبرد آزادی (تورکیه)

دولت های غالب جنگ جهانی اول، در طول جنگ، با بستن معاهده های مابین، قرار بر تجزیه اراضی تورک ها کرده بودند. با آتش بس مودرس هم که این فرصت به دستشان افتاده بود؛ با گرفته شدن قوای تورک از گذرگاه های توروس تخلیه منطقه را خواسته بودند.

در نتیجه تاخت و تاز های انجام گرفته، واحد های تورک موجود در این جبهه، به شمال توروس ها کشیده شدند. فرانسویان که بلافاصله بعد از امضای آتش بس شروع به اشغال آدانا کرده بودند، با خالی دیدن میدان همراه با ارامنه مسلح کرده شان با وسعت دادن به اشغال شان، به غیر آدانا، کوزان، عثمانیه، تارسوس، مرسین و پوزانتی را هم اشغال کردند.

در این میان انگلیسی ها هم، آنتپ، ماراش و اورفا را اشغال کردند؛ اما بعد از یک مدت با یک قرارداد موجود بین آنها و فرانسویان این سه ولایت به فرانسویان تحویل داده شد. بدین شکل فرانسویان در اشغال یک میدان طویل از شمال غربی گذرگاه های توروس تا شرق رود فرات موجود بودند. (1)

فرانسویان در این میدان وسیع برای محافظت از موجودیت خود، همانند استفاده انگلیسی ها در این دوران از ارامنه، فرانسویان هم استفاده از ارامنه موجود در سوریه و آناتولی جنوبی را خواسته بودند. انگلیسی ها در حالی که با گرفتن خاک تورک ها آن را به دولت ارمنستان می دادند، فرانسویان هم برای بدست آوردن سرباز مجانی برای ارامنه مناطق تحت اشغال خود وعده بنای دولت ارمنی کیلیکیا در منطقه چوکورأوا را دادند.

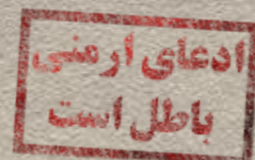
ارامنه آمده به سوریه با تهجیر همراه با ارامنه متمسکون گشته در چوکورأوا، محصور در این وعده شیرین گشتند. بدین طریق می توانستند خولیای سقیم ارمنستان بزرگ را که از (دریای مدیترانه) خلیج اسکندرون تا قفقازها (دریای خزر) ادامه داشت را به واقعیت رسانده و آن را بنا کنند. حدود 5.000 ارمنی، برای به واقعیت رساندن این هدف با سرباز لژیون بودن به ارتش فرانسه محلق شدند و با اونفورم های فرانسوی با در امر صاحبان خود بودن بر علیه تورک ها مشغول نزاع گشتند. باقی آنهایی که با تهجیر به سوریه آمده بودند، با کمک فرانسه در چوکورأوا استقرار یافتند، اینها با واحد شدن با ارامنه متمسکون گشته، با سلاح های فرانسه قوای غیر نظامی و پارتیزانی بنا کردند و با جدا بودن از ارتش اشغال گر فرانسه، بر علیه حکومت تورک دست به سرکشی زداند. قوای ملی متشکل از مردم غیر نظامی تورک، در جبهه با ارتش فرانسه، در داخل و عقب در وضعیت جنگ با پارتیزان های ارمنی، در اجبار محافظت از مکان های اسکان و جان خود ماند.

شمار ارامنه سرکش مسلح که با فرانسویان در همکاری بر علیه دولت بودند، همراه با مکان هایشان اینگونه بود: (2)

در آنتپ 2.500، در ماراش 2.000، در صائم بی لی 1.500، در اورفا 1.000، در زیتون 500، در شار 350، در کوزان 300، در مرسین - آدانا 1.000، در عثمانیه - اصلاحیه 1.000، جمعاً 10.150

خارج از حرکت ارتش فرانسه، عصیان ارمنی که در شکل جموح بر علیه دولت بود، از تاریخ 1919.03.07 تا 1921.09.06؛ در مناطق کوزان، هاجین (صائم بی لی)، شار، گوکسون، زیتون (سلیمانلی) و ماراش ادامه داشت و مسبب مرگ هزاران مسلمان معصوم و تخریب ده ها روستا و قصبه شد. همانند قتل عام هایی که در آناتولی شرقی انجام داده بودند در اینجا هم آنها را انجام دادند.

خونین ترین مناطق عصیان و جموح ارمنی، صائم بی لی که قبلاً شاهد 10 عصیان ارمنی و سلیمانلی با 6 عصیان بودند، شدند. آخرین عصیان، عصیان موجود در زیتون (سلیمانلی) در تاریخ 1921.09.06 بود که پوشانده شد و عظم جنگ افکنی در پارتیزان های سفاک ارمنی به انکسار کشیده شد. فرانسویان، شکست را قبول کرده، در تاریخ 1921.10.20 بعد از انجام دادن معاهده صلح (معاهده آنکارا) با حکومت آنکارا، با شروع کردن به تخلیه اراضی اشغال کرده تورک، ارامنه عصیان گر در میانه ماندند. بعد از انجام ده ها قباح و شاعت، قتل عام و دهشت در منطقه نماداند و همراه با ارتش فرانسه کشیده شدند. نتیجه، استفاده شدن یک بار دیگر ارامنه اتفاق افتاده بود. در پایان جنگ جهانی اول ارامنه ای که از طرف انگلیسی های موجود در شرق و فرانسویان موجود در جنوب استفاده شده بودند، آیا این را درک کرده بودند؟ لیکن امروز انجام دادن دوبلورگری قابل انتظار و خواست اینکه از طرف چه کسانی استفاده شوند تمام درک شان است. متضرر نگشتن مجدد شان است.

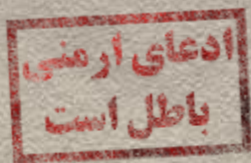


1) Görgülü, İsmet; Ana Hatları ile Türk İstiklal Harbi, Kastaş Yayınevi, 1999, s.60
2) Türk İstiklal Harbi 4. Cilt Güney Cephesi, Gnkur. Yayını, 1966, s.4

نقش کلیسا در به میان آمدن مسئله ارمنی

در تاریخ 1863.01.29 یک نظام نامه که وضعیت مردم ارمنی موجود در امپراتوری عثمانی را قوی تر، دارای بعضی امتیازات الحاقی دیگر و در موضوع اداره خود به آنها مختاری می داد، با اسم "نظام نامه ملت ارمنی" وارد اجراء شده بود. این نظام نامه که برای ارمنه با احتوای احکام جدید و با تعداد زیادی از حقوق موجود قبل، به موجب احکام فرمان اصلاحات، برای ارمنه که با صادق ترین تبعه دولت بودن آنها از صدها سال قبل قبول شده بود در وضعیت یک پاداش قرار داشت. در این نظام نامه که با گرفتن موافقت حکومت عثمانی بدون واسطه و مستقیم از طرف مجالس پاتریک ارمنی حاضر شده بود، برای ارمنه امتیازهای بی حدی که به آنها تا "دولت درون دولت"، اداره درون اداره" میتوان گفت را شناخته بود. ارمنه خواستار از میان برداشته شدن این "نظام نامه ملت" همراه با تحکم عصیان گران ارمنی از یک نظر بودند. در این دوران، ارمنه گریگوری در 26 دایره اسقف گری زیر اداره پاتریک های استانبول زندگی کرده، لیکن اکثر ارمنه کاتولیک که در شهرها موجود بودند، 13 دایره اسقف گری تحت اداره یک پاتریک تشکیل داده بودند. (1)

یک نویسنده ارمنی با اسم کالگیک اوزانیان (Kagik Ozanyan)، اینگونه ابراز کرده بود که، این نظام نامه، در ارمنه روح اختلال را بیدار کرده و "مسئله ارمنی" را روی میز گذاشته است. (2)



1) İlber Ortaylı, *Tanzimattan Cumhuriyete Yerel Yönetim Geleneği*, İstanbul 1985, s. 73.

2) Esat Uras, a.g.e., s.412.

○ تلاش های تجزیه طلبانه کلیسای ارمنی

بعد از اعلان "نظام نامه ملت ارمنی" در سال 1863 پاتریک های ارمنی فعالیت های بیشتری را در جبهه های ملی و سیاسی شروع کرده بودند. بنابر ارامنه این یک قدم انداخته شده برای مختاریت تلقی شده و اگر مداخله اروپا به سبب حوادث لبنان وسعت یابد، امید نافع و مفید بودن این مداخله ها برای خود آنها هم بیدار می شد. در امپراتوری عثمانی عصیان های شروع شده برای ارمنستان مستقل (بین سال های 1780-1862) نتیجه نداده بود. (3)

لیدر تفکر بنای یک ارمنستان مختار در دوران اراضی امپراتوری عثمانی، پاتریک میگردیچ هیریمیان (Patrik Migirdiç Hirimyan) (1869-1873) است. میگردیچ هیریمیان متولد 1820 در وان، در سال 1854 در حالی که 34 سال داشت، برای کلیسای آکدامار وارتابت شده، (4) بدین طرق عضو کلیسا شده بود. در سال 1858 با بنای چاپ خانه در صومعه واراگ وان با روزنامه "عقاب وان" و در سال 1863 در صومعه عزیر گارابت (St. Garabed) شهر موش با روزنامه "عقاب موش" شروع به نشر کرده و استقلال ارمنی را تعقیب کرده بود. هیریمیان که با وعظ و موعظه های خود به خود توجه جلب کرده بود، در سال 1869 در استانبول به عنوان پاتریک ارمنی انتخاب شده بود. (5) انتخاب او به عنوان پاتریک، نتیجه صعود منافع ملی ارمنی به راس که در حال بیدار شدن بود را زاده بود. پاتریک هیریمیان، با شروع کردن و نکردن وظیفه خود تلاش بر روی این دو اساس را آغاز کرده بود:

A. بررسی مجدد "نظام نامه ملت ارمنی" تعدیل کردن بنابر آرزوی ولایت ها و احتیاج آنها،

B. معطوف کردن نگاه ارمنی گری استانبول، مجلس و حکومت به ارمنستان (نقاط سکونت اقلیت ارمنی در آناتولی شرقی). (6)

بانک دارها، صرافان و ماموران حکومت که سیاست اهوجانه هیریمیان را در کشیدن ارامنه به دنیال ماجرا، خطر و مخاطره را قبول نکرده و آینده ارامنه را در وفادارای به تورکیه می دیداند در برابر او جبهه گرفته بودند. نهایت هیریمیان، هدفی را که با پاتریک بودن هم نتوانسته بود به دست بگیرد، مجبور به استعفا کردن در آگوست 1873 مانده بود.



پاتریک نرسس وارژابدیان (Nerses Varjabedian) (1874-1884) هم که در مقام هیریمیان نشسته بود راه او را تعقیب کرده بود. در سال 1878 سلطان عبدالحمید دوم (II. Abdülhamid) به تخت نشسته و مشروعیت اول را اعلام کرده بود. نرسس وارژابدیان در طول کنفرانس تجمع کرده در استانبول (1876.12.12-1877.01.20) برای حل مسئله بلغار در یک گزارش ترتیب داده شده از طرف پاتریک قبلی هیریمیان که در آن فشارهای صوری که از طرف حکومت عثمانی به ارامنه نشان داده می شده را به سفیر انگلیس هنری الیوت (Henry Elliot) تقدیم کرده بود، ولی به سبب موضوع کنفرانس از این تشبث و مبادرت نتیجه ای نگرفته بود. (7)

گزارش های شکایت و مراجعت های شروع شده پاتریک خانه در زمان هیریمیان، بعد از مسئله مسیحیان بالکان وارد صفحه بسیار شدیدی خواهد شد. در گزارشات ظلم های (به ارامنه) پاتریک خانه به باب عالی، دولت های اروپایی و در بررسی های این شکایت نامه ها، اکثر آنها چیزی غیر از حوادث ساده پلیسی به میان آمده در ولایت ها نبوداند که مسئله ای آنچنانی برای دیده شدن باشند. پاتریک خانه، در حالی که به صورت مرتب از یک طرف حوادث ساده را با اغراق و تضخیم به گوش حکومت می رساند، از طرف دیگر هم با به میان گذاشتن این موارد در شکل حوادث مهم سیاسی شروع به دادن گزارش آنها به نمایندگان دولت های اروپایی کرده بود.

پاتریک ارمنی استانبول نرسس وارژابدیان 1837-1884

Ermeni Kilisesive Terör.

قبل از جنگ روس - عثمانی در سال های 1877-1878 برای ارمنه دو راه دیده می شود:

- A. صادق ماندن به دولت عثمانی و تورک ها،
B. تلاش در تعقیب کردن حرکت جمعیت مسیحیان دیگر درون امپراتوری و تامین مداخله دولت های اروپایی.

پاتریک نرسس وارژابدیان، در نامه فرستاده به وزیر امور خارجه انگلیس لرد سالیسبوری (Lord Salisbury) در تاریخ 1878.04.13 اینگونه نوشته می نویسد:

"دیگر زندگی ارمنه و تورک ها در یک میان غیر ممکن شده است. برابری عدالت، و آزادی وجدان را فقط یک اداره مسیحی می تواند تامین کند. باید جای اداره مسلمان را اداره مسیحی بگیرد. بنای اداره مسیحی بین مکانهای ارمنستان (آناتولی شرقی) و کلیکیا (8)، لازم است... ارمنه تورکیه در واقع این را می خواهند... یعنی، در ارمنستان تورکیه، همچون چیزی که در لبنان اتفاق افتاد، یک اداره مسیحی قرار گرفته زیر نظمین می خواهند." (9)

پاتریک نرسس، در تاریخ 1878.03.17، با ملاقات سفیر انگلیس لایرد (Layard) در استانبول، اینگونه گفته بود که "یک سال قبل از ادراه عثمانی شکایتی نداشتیم، اما غالبیت روس وضعیت را عوض کرده، در شرق یک ارمنستان مستقل می خواهیم. اگر شما کمک نکنید برای به واقعیت رساندن آن به روسیه مراجعت می کنیم."، سفیر در این سوال که قصدتان از ارمنستان کجاست، نرسس با گفتن "وان، سیواس، دیاربکر و کلیکیا" جواب داده بود. به مورد گفتن سفیر در اینکه، "بله اما در هیچ یک از این مکان ها اکثریت را تشکیل نمی دهید." نرسس با گفتن "این را می دانیم، اما اکنون روسیه در شرق اراضی به دست می آورد، بین روسیه و امپراتوری عثمانی توازن قدرت عوض شده. ما هم باید به فکر آینده مان باشیم." (10) هدف ارمنه را توضیح داده بود.

جنگ روس - عثمانی 1877-1878، به مورد خواست عثمانی ها به صلح در متارکه انجام گرفته در ادیرنه به تاریخ 1878.01.31 خاتمه یافته بود (11)، لیکن شروط صلح در معاهده سن استفانو (یشیل کوی) تثبیت شده بود. در سن استفانو در طول ملاقات های مداوم صلح شخصا نرسس وارژابدیان و بعضی از اشخاص برجسته ارمنی، با ملاقات رئیس هیئت نمایندگان روس و برادر تزار گراندوک نیکولا (Grandük Nikola)، موفق به گذاشتن یک ماده در ارتباط با ارمنه در معاهده شده بودند. در تاریخ 1878.01.03 در عهد نامه سن استفانو امضا شده، بین دولت عثمانی و روس که احکام بسیار سنگینی را حمل می کرد تعبیر "ارمنستان" و وجود مملکتی اینگونه در ماده 16 آن برای دولت عثمانی به قبول شدن گرفته شده بود. اما این توافق به اجراء گرفته نشده بود.

پاتریک نرسس که خبر تعدیل شدن معاهده سن استفانو در برلین را گرفته بود، با وارد شدن به حرکت، شروع به حاضر شدن در یک فعالیت حجیم در نزد تمام دولت هایی که قرار بود به کنگره ملحق شده و تجمع کنند کرده بود. در راستای این هدف اسقف بشپیکتاش هورن نار (Horen Nar)، با رفتن به روسیه، از طرف تزار الکساندر دوم (Çar II. Aleksandr) قبول شد. هورن نار، از تزار، ادامه دادن حمایت از ارمنه عثمانی و در کنگره برلین دفاع از دعوی آنها را خواست کرده بود. در دوران ریاست پاتریک قبلی هیریمیان یک هیئت ارمنی با گشت و گذار از پایتخت های اروپا (رم، وین، پاریس، لندن) برای اینکه سیاستمدارانی برای دعوی ارمنی (Hai Tahd) کسب کنند وارد تبلیغات شده بود. در دست این هیئت، که آرزوهای ارمنی را معین می کرد یک پروژه متشکل 7 ماده ای حاضر شده برای بنای ارمنستان در تورکیه موجود بود. (12)

پاتریک نرسس وارژابدیان هم، از طرفی با فرستادن یک نامه به رئیس کمیته ارمنی شهر منچستر، کاراکین پاپازیان (Karekin Papazyan) (13)، با سپاسگذار ماندن سیاست شان به روسیه، در زیر سایه انگلیس و امید به آن هدف رسیده شده شان به رفاه مادی و معنوی را معین کرده بود، از طرف دیگر در 30 ژوئن با ملاقات سفیر انگلیس لایرد در استانبول با ابراز این که پروژه شان را به کنگره داده اند، حمایت انگلستان از این پروژه را خواسته بود. (14)

به غیره پاتریک نرسس، در مورد نفوس ارمنه ای که در امپراتوری عثمانی زندگی می کردند هم برای دولت های بزرگ رقم های تصحیف و تحریف شده آمار کلیسا را فرستاده بود.

در نتیجه مسئله اصطناعی و ساختگی ارمنی، با راه نیافتن به تغییر بیشتر در ماده 16 معاهده سن استفانو، در تاریخ 1878.07.13 با ماده 61 معاهده برلین بودن امضاء و قبول گشته بود، بدین طریق، "مسئله ارمنی"، به مورد در نظارت دولت های بزرگ بودن به حال یک "مسئله اصلاحات" که در دولت عثمانی انجام گرفته خواهد شد تثبیت شده بود.

نوریاز چراز (Nuryaz Çeraz) که با مترجم و منشی بودن همراه با پاتریک قبلی هیریمیان به کنگره برلین ملحق شده بود، در یک برشور منتشر کرده در سال 1879، با تاکید بر این که با نتایج به دست آمده در کنگره برلین لزومی به افتادن ارمنه در ناامیدی نیست، به آنها اینگونه خصاب می کند: (15)

"کنگره برلین... اساس های تاسیس بنای ملی (دولت ارمنستان) را هم انداخت... اروپا به دست مان سلاح هایی داد؛ قبل از اینکه زنگ بزنند باید از این سلاح ها استفاده کنیم... با کنگره برلین یک معدن طلا کسب کردیم، به کار انداختن اجاق این معدن و بیرون آوردن طلا بر ما افتاده."

مثل آنچه که دیده شد در برشور، با توصیه عملیات مسلحانه به ارامنه، در پشت آنها موجود بودن دولت های اروپایی معلوم شده است.

پاتریک نرسس وارژابedian، به لزوم حل مسئله با اختلال و عصیان اعتقاد پیدا کرده و برای حاضر کردن این هم در پاتریک خانه یک کمیسیون با اسم "کمیسیون اصلاحات" را تاسیس کرده بود. از طرف این کمیسیون، در بخشنامه فرستاده شده به اسقف گری در واسط سال 1879، با یک جمله ارامنه را به عصیان دعوت می کرد. در این بخشنامه، انجام خواسته های کشیشان ارمنی ولایت ها جای گرفته بود. (16)

در این مدت، در استانبول وکیل پاتریک ارمنی اسقف عظم ماتوس از میرلییان (Başpiskopos Mateos İzmirliyan) هم ساکن ننشته و به نامه باران کردن اسقف ها مشغول شده بود. در بررسی این نامه ها، موجود بودن پاتریک خانه در خیانت، تعقب شدن طرز حرکت، براندازی حکومت، تامین مداخله بیگانه و در نتیجه به دست آوردن مختاریت دیده می شود. (17)

گزارش شدن تلاش های پاتریک خانه بر علیه دولت به وزیر امور خارجه در نوشته های سری متعلق به سال های 1881 و 1882، و خصوص های والی سیواس حق پاشا (Hakkı Paşa) که در ذیل ذکر شده است قابل توجه می باشد: (18)

1. پاتریک خانه به اسقف ها، شروع به فرستادن بخشنامه هایی برای حاضر کردن اختلال و عصیان کرده است.
2. پاتریک خانه، با بیرون انداختن اسقف ها و کشیش های عقل در سر داشته، مسن، اختلال و عصیان را برای ارامنه راه منفعت ندانسته، ادراک کنندگان متضرر گشتن ملت ارمنی از این و آنهایی که با امر پاتریک خانه تناسب نمی یابند از کارشان (بعضی از اینان را به قتل رسانده اند) به جای آنها اسقف و کشیش های جوان اختلال گرا را تعیین کرده.
3. پاتریک خانه، با فرستادن بخشنامه های سری با ورود به امور شمارس نفوس که کار دولت است، در راه نشان دادن موجود بودن ارامنه در اکثریت "شش ولایت" به دولت های اروپایی شروع به تلاش هایی کرده.
4. پاتریک خانه، در زیر نام های مختلف (کمک به ارامنه در قحطی، پرداخت قرض های قدوس شریف و...) با گرفتن مالیات از ارامنه، در مطبوعات اروپا به لحن ارامنه و بر علیه تورک ها در مقیاسی وسیع وارد تبلیغات شده است. برای این تلاش کرده اند که حوادث جنایی عادی را مانند قتل ارامنه نشان دهند، اخبار زاهد و بی ربط با حقیقت را آفریده اند. بطور خلاصه، با وبخ و مغایرت دادن حوادث شروع به یک مجادله متکی بر دروغ و افتراء کرده اند.
5. پاتریک خانه صدها هزار لیره (طلا) را که زیر اسم "کمک" از ارامنه جمع کرده را در اختیار دارد و با یک قسمت از این پول ها، پارتیزان های مسلح و سفاک ارمنی که از روسیه به آناتولی شرقی تراوش کرده اند همراه با فدایی های محلی شروع به حرکات ترور و اشفاق کردند.
6. کشیش ها، از دو، سه سال قبل، در مدارس ارمنی حتی با توسل به کودکان کوچک، تمام استیصابات و ادراکات ارامنه را با مسموم کردن، در آنها حرمت و اطاعت از دستورات حکومت را از ریشه انداخته اند.
7. پاتریک خانه، همانند تقدیمات کرده در بنا شدن کمیته های ارمنی از نظر مالی هم کمک های بزرگی را در حال انجام دادن است. در معین کردن کمیته های ارمنی در تحت اداره پاتریک خانه فایده وجود دارد.

بعد از مرگ نرسس وارژابedian در سال 1884، به جای او در سال 1885 اسقف ارضروم هاروتیون وهابedian (Piskopos Harutyun Vehabedian) (1885-1888) به عنوان پاتریک انتخاب شد. وهابedian، سیاستی را که میگردید هیریمیان و نرسس وارژابedian آن را تعقیب کرده بودند را تصویب نکرده بود و برای اصلاح وضعیت ارامنه تورکیه به بی فایده بودن انتظار امید و مدد از اروپا معتقد شده بود.

در دوران هاروتیون وهابedian که سه سال در پاتریک گری ماند، کمیته های عصیان گر ارمنی تشکیلات های خود را وسعت داده، در اروپا و آمریکا شعباتی باز کرده بودند. دیگر ناسیونالیزم ارمنی، با یک بیان دیگر، حرکت اختلال گرای خواستار مختاریت، در کنار کلیسا، وارد پارتی های اختلال گرای ارمنی شده بود. یک تاثیر معین کسب کرده، بنابر مدل تقدم گراهای اروپایی تشکل یافته بود،

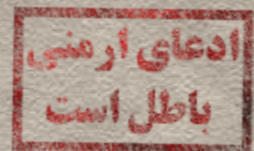
"ارمنگان" اولین पार्टी سیاسی ارمنی بود که صاحب ارگان نشر شد، در سال 1885 در وان تاسیس شده بود. (19) لیکن ارمنه در سال 1887، در ژنور اولین पार्टी مارکسیستی خود را بنا می کنند. اینها، بعد ها در سال 1890 اسم "پارتی اختلال گرای هنجاک" را گرفته بودند. (20)

بعد از هاروتیون وهابیدیان در دوران سر راهب صومعه از میت هورن عاشقیان (Horen Aşıkyan) (1888-1894) هم، حوادث عادی به میان آمده در ولایت ها، از طرف اسقف های آنجا به شکل تضخیمانه ای بزرگ شده، با دادن فرم دلخواه، با انعکاس در شکل "شکنجه و ظلم تورک" به اروپا، مداخله خواسته شده بود.

لیکن کمیته چپان ارمنی، با قناعت به اینکه فعالیتی که آنها می خواهند را پاتریک هورن عاشقیان (Horen Aşıkyan) نشان نداده است یک سوء قصد به جان او را ترتیب داده بودند. منتها پاتریک فقط زخمی شده و به مورد این حادثه استعفاء کرده بود. (21)

به جای هورن عاشقیان، پاتریک قبلی مصر ماتوس از میرلییان (Mateos İzmirliyan) (1894-1896) برای پاتریک گری استانبول انتخاب شده بود، این وضعیت هنجاکیان را خوشحال کرده بود. او، ماموران متصل به کمیته ها و اعضای آنها را هم به خدمت گرفته بود. از میرلییان، فقط در تفکر انتشار اختلال و عصیان نمانده بود، تمام امور انجام داده حکومت را با یک زبان سنگین به نقد گرفته بود، به سفیر انگلیس و روزنامه لندن گزارش هایی فرستاده بود. (22)

عصیان های انجام شده برای استقلال ارمنی در دوران ماتوس از میرلییان، بلافاصله در هر ولایت با سرعت شروع و منتشر شده بود. (23) این عصیان ها در سایه درایت سلطان عبدالحمید دوم (II. Abdülhamid) در زمانی کوتاه پوشانده شده بود. از میرلییان که به مورد ترقی ها استعفاء داده و به قدس رفت، با بازگشت به استانبول برای دومین بار به عنوان پاتریک (1908-1909) اعلام شد. (24)



- 3) Bkz. Erdal İlater, *Ermeni Mes'elesi'nin Perspektifi ve Zeytûn İsyanları (1780-1880)*, Ankara 1988, s. 97-II5.
- 4) *Ermeni Kilisesi'ndeki ruhanî dereceler şunlardır: Katogigos, Patrik, Yepiskopos (Piskopos), Vartabed, Papaz.*
- 5) Uras, Esat-; a.g.e., s. 417; Nalbandian, Louise-; a.g.e., s. 53; Gürün, Kâmuran-; a.g.e., s. 62, 74.
- 6) Buradaki Ermenistan tâbirinden kasıt, Doğu Anadolu'dur. Ancak, Ermenistan tâbirinin, etnik değil, coğrafi bir tâbir olduğu ilim âlemince kabul edilmiştir. "Yüksek/Yukarı/Dağlık Bölge" anlamına gelen Ermenistan adına, XIII. yüzyıldan itibaren tesadüf edilmeyecek ve bölgel (Doğu Anadolu) XIX. yüzyılın ikinci yarısına kadar "Türkmen Ülkesi" olarak adlandırılacaktır. Geniş bilgi için bkz., H. Kemal Türközü, *Türkmen Ülkesi (Doğu Anadolu) Adı ve Emperyalizmin Etkileri*, Ankara 1985, s. 1-12; Kâmuran Gürün, a.g.e., s.1-9; Mehlika Aktok Kaşgarlı, a.g.e., s. 329; Tuncer Baykara, *Anadolu'nun Tarihî Coğrafyasına Giriş, Anadolu'nun İdarî Taksimatı*, 1, Ankara 1988, s. 24-25,
- 7) Uras, Esat-; a.g.e., s. 417; Sonyel, Salahi Ramsdan-; *The Ottoman Armenians*, s. 41.
- 8) Kilikya, Toros Dağları, Amanos Dağları ve Akdeniz arasında kalan bölgedir. İdarî anlamda ise Kilikya, Osmanlı İmparatorluğu'ndaki Adana Vilâyeti'ne verilen addır. Kilikya'nın sınırları zaman zaman değişmiştir.
- 9) F.O. 424/70, Nu. 134/İ zikr., Bilâl N. Şimşir, *British Documents On Ottoman Armenians (1856-1880)*, Vol. I, Ankara 19R2, s. 173, Belge Nu. 69.
- 10) Gürün, Kamuran-; a.g.e., s. 99.
- 11) Nihat Erim, *Devletlerarası Hukuk ve Siyâsî Tarih Metinleri: Osmanlı İmparatorluğu Andlaşmaları*, C.1, Ankara 1953, s. 381-385.
- 12) Projenin tamamı için bkz, Esat Uras, a.g.e., s. 459-485; Enver Ziya Karal, a.g.e., C. VIII, s. 132; *L'Angleterre et les Armeniens (1839-1904)*, s. 19-22.
- 13) Mektubun metni için bkz., Esat Uras, a.g.e., s. 485-486.
- 14) Gürün, Kamuran-; a.g.e., s. 104.
- 15) Turkey Nu. 4(1880), Nu. 118/İ, zikr., Bilâl N. Şimşir, a.g.e., s. 602-606, Belge Nu. 309..
- 16) Hocacioğlu, Mehmed-; *Tarihte Ermeni Mezâlîmi ve Ermeniler*, İstanbul 1976, s. 181-182.
- 17) Mektubun mahiyeti için bkz., *Aspirations et Agissement Revolutionnaires des Comites Armeniens...*, s. 308-310.
- 18) Hocaoğlu, Mehmet-; a.g.e., s. 182-185.
- 19) Nalbandian, Louise-; a.g.e., s. 90.
- 20) Nalbandian, Louise-; a.g.e., s. 104, 1 17.
- 21) Uras, Esat-; a.g.e., s. 724-725. Horen Aşıkyan'a, Hınçak Komitesi tarafından gönderilen tehdit mektubu için bkz., *Aspirations et Agissement Revolutionnaires des Comites Armeniens...*, s. 310-311.
- 22) Hüseyin Nazım Paşa, *Ermeni Olayları Tarihi*, I, Ankara 1994, s. 66.
- 23) *İsyanların kronolojik sıralaması için bkz., Kâmuran Gürün, a.g.e., s. 139-159.*
- 24) Uras, Esat-; a.g.e., s. 833; Salahi Ramsdan Sonyel, a.g.e., s. 281.

○ اعلان مشروعیت، همکاری کلیسا - داشناک - هنگاک

در تاریخ 1908.07.23-24 بعد از اعلان مشروعیت دوم پاتریک خانه ارمنی، با تمام هستی خود یک تخت (یاتاق) کمیته چی شده بود. کلیسای ارمنی، بعد از مشروعیت هم جای خود در، درون ترور را گرفته بود.

در گزارش شماره 602 فرستاده شده در تاریخ 1910.12.03 از طرف کنسول روس بیتلیس به سفیر روس در استانبول، (25) دارای ماهیت نشان دادن و آشکار کردن تمام روابط موجود بین منصوبان داشناک و کلیسای ارمنی می باشد.

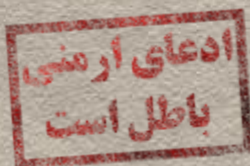
در سال 1909 در پشت "حادثه 31 مارس" استانبول، بی حکومت ماندن موقتی دولت به ارامنه فرست جسته را داده بود. در آدانا با تشویق اسقف موشنگ (Piskoposu Muşeg) در عصیان ارمنی به میان آمده در تاریخ 1909.04.14، با کشیدن توجه دولت های اروپایی تامین مداخله آنها و با کمک هنگاکیان در آدانا، ماراش، مرسین، و اسکندرون هم با هدف بنای یک دولت ارمنی انجام گرفته بود. (26) در حادثه آدانا که 13 روز ادامه داشته حدود 20.000 تورک و ارمنی کشته شده بودند، لیکن اسقف موشنگ حداکثر تا روز دوم اختلال به اسکندریه گریخته بود.



کلیسای اچمیازین (اواخر قرن 19)

Ermeni Kilisesi ve Terör.

در همان دوران، در تاریخ 1909.05.29، پاتریک ارمنی استانبول ماتوس از میرلییان (Mateos İzmirliyan)، برای گرفتن مقام گاتوگیگوسی، گاتوگیگوس کلیسای اچمیازین میگردید هیریمیان (Mıgırdiç Hırimyan) که در اکتبر 1907 مرده بود از استانبول حرکت کرده بود، به جای او پاتریک یقیشه توریان (Patrik Yeğişe Turyan)، (1909-1911) آورده شده بود. (27) بعد از او هم، برای مقام پاتریکی هووانس آرشارونی (Hovannes Arşaruni)، (1912-1913) انتخاب شده بود. (28)



25) Aspirations et Agissement Revolutionnaires des Comites Armeniens..., s. 95-103.

26) 1909 Adana Ermeni olayları hkn. geniş bilgi için bkz.. Cemal Paşa, Hâtırât (1913-1922), İstanbul 1922, s. 249-256; Esat Uras a.g.e., s. 810-829; Mehmet Asaf, 1909 Adana Ermeni Olayları ve Anılarım, yayına hazırlayan İsmet Parmaksızoğlu, Ankara 1982; Salâhi R. Sonyel, "The Turco-Armenian Adana Incidents in the Light of Secret British Documents (July, 1908-December-, 1909)," Belleten, Sayı: 20 i (Aralık 1987), s. 1291-1338.

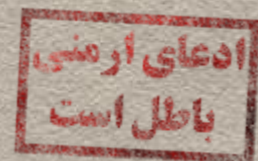
27) Jacques de Morgan, a.g.e., s. 369; Raymond H. Kevorkian -Paul B. Paboudjian, Les Armeniens dans L'Empire Ottoman, Paris 1992, s. 29.

28) Morgan, Jacques de-; a.g.e., s. 369.

○ "نظام نامه کاتوگیگوسی و پاتریک گری ارمنی"

فعالیت پاتریک خانه ارمنی در راه تکه تکه کردن کشور (عثمانی)، در سال 1863، لزوم تعدیل کردن حقوق داده شده با "نظام نامه ملت ارمنی" از طرف دولت بود. در تاریخ 1916.08.16 با "نظام نامه کاتوگیگوسی و پاتریک گری ارمنی" جدید وارد اجراء شده (29) یکی صرفاً روحانی و در وضعیت عالی کاتوگیگوسی، دیگری مثل نیمه روحانی، نیمه سیاسی و اداره پاتریک گری به جای دو مقام، تنها یک مقام کاتوگیگوسی - پاتریک گری که متشکل از سلاحت های هر دو بوده به میان آمده بود. در کشور عثمانی دو مقام کاتوگیگوس سپس (کوزان) و آکدامار و دو پاتریک گری استانبول و قدس برداشته و به جای آنها مقام کاتوگیگوسی و پاتریک گری، تک مقامی گذاشته و مکان آن هم مرکز سیاسی دولت نبود، مرکز دینی مسیحیت قدس شده بود. پاتریک خانه در مجالس خود هم تغییراتی انجام داده، مجلس عمومی (مجلس عمومی ملی) 140 نفری برداشته شده و به جای آن مجلس دینی (مجلس روحانی) 12 نفری با مجلس مختلط بنا شده بود. دولت عثمانی، با این نظام نامه جدید هدف بریدن رابطه کاتوگیگوسی اچمیازین و روسیه از ارمنه عثمانی را گرفته بود. بدین طریق، ارمنه عثمانی برای رهایی از حفاظت معنوی روسیه تلاش کرده بودند.

امپراتوری عثمانی، از جنگ جهانی اول مغلوب بیرون آمده بود و بنابر احکام متارکه مودرس انجام داده با دولت های ائتلاف در تاریخ 1918.10.30 اراضی آن اشغال شده بود. دیگر زمان شروع شدن رهایی وطن و تاسیس یک دولت جدید و صفحه بنای جمهوری تورکیه رسیده بود.



29) BOA, DÜİT, Nu. 67/1-İ; Nizâmname metninin Fransızcası için bkz., Hrant Vartabed, L'Empire Ottoman et L'Indépendance de L'Eglise Armenienne, Publications du Dadjar, Nu. 2, Constantinople 1917, s. 80-94.

○ تلاش های پاتریک زاون آگیازاریان

متارکه مودرس، برای محیط بنای ارمنستان یک قدم مهم شده بود. با تناسب بر احکام نظام نامه 1918 پاتریک ارمنی زاون آگیازاریان (Zaven Egyazaryan) که به استانبول آمده بود، (30) برای بنای یک ارمنستان مستقل یک تشکیلات تشکیل داده بود، (31) با جمع کردن سلاح، گلوله و کمک های نقدی از نظر مادی تلاش کرده بود که نقصان ها را تمام کند و از پاتریک خانه رم هم در مقیاس وسیعی پشتیبانی گرفته بود. (32)



بوغوس نوبار پاشا (Bogos Nubar Paşa) با صفت نماینده ارمنه تورکیه بودن، در تاریخ 1918.11.30 با مراجعت به دولت های ائتلاف، بنای یک ارمنستان مستقل و قرار گرفتن این مستقلیت زیر حمایت دولت های ائتلاف و جامعه ملل را خواسته بود. (33) از طرف دیگر، پاتریک زاون هم، به مورد موجود بودن در تلاش هایی در خصوص به واقعیت رساندن همان مسئله، در تاریخ 1919.02.12 از استانبول به پاریس و از آنجا به لندن حرکت کرده بود. پاتریک زاون در ملاقات با بوغوس نوبار پاشا که او را از بعضی خصوص ها روشن کرده بود، از یک طرف هم با لرد سیسل (Lord Cecil)، لرد کرزن (Lord Curzon) و مشاور او لرد هاردینگ (Lord Harding) ملاقات کرده، و در مذاکراتی با نخست وزیر فرانسه چامبون (Chambon) و نخست وزیر یونان ونیزلوس (Venizelos) حاضر شده بود. (34) به مورد عرض کردن منداری ارمنه، شاه انگلیس جورج پنجم (V.George) را هم زیارت کرده بود. (35) لیکن پاتریک زاون که در بازگشت خود از لندن به پاریس با رئیس جمهور و نخست وزیر فرانسه ملاقات کرده بود، از نتیجه بسیار متامل و امیدوار برگشته بود. (36)

بعد از لوزان و تاسیس جمهوری تورکیه و بعد از نماندن موضوعی که به آن مسئله ارمنی گفته شود کلیسای ارمنی تورکیه آفریدن مسئله را به حال خود رها کرده و بر علیه مبادرات ارمنه پراکنده اجنوی کشورهای بیگانه در وارد کردن تورکیه به فشار جبهه گرفته بود. هم اکنون هم پاتریک خانه ارمنی، عکس العمل خود در برابر ادعاهای نسل کشی صوری ارمنی را نشان می دهد.

پاتریک ارمنی استانبول زاون آگیازاریان 1868-1927

Ermeni Kilisesi ve Terör.

ادعای ارمنی
باطل است

30) 1898-1906 yılları arasında Erzurum'da, 1910'da Van'da, 1919-1913 yılları arasında Diyarbakır'da piskopos olarak çalışan Zaven Efendi, Eylül 1913'de İstanbul Ermeni Patriği seçilmiş, ancak zararlı faaliyetleri sebebi ile 1916'da Bağdad'a gönderilmiş, 1918'de Mondros Mütarekesi'ni müteakip İstanbul'a dönmüştür. Daha fazla bilgi için bkz. Christopher J. Walker, a.g.e., s. 426-427; Ayrıca bkz., Zeki Sarihyan, Kurtuluş Savaşı Günlüğü, I, Ankara 1993, s. 136-137.

31) Atatürk, M. Kemal; Nutuk, I, 1919-1920, İstanbul 1967, s. 2; Selâhattin Tansel, Mondros'tan Mudanya'ya Kadar, I, Ankara 1973, s. 106.

32) Ergünöz Akçora, "Millî Mücadele Yıllarında Kurulmuş Faydalı ve Zararlı Cemiyetler," TDTD, Sayı: 4 (Nisan 1987), s. 20.

33) Bogos Nubar Paşa'nın müracaat metni için bkz., Esat Uras, a.g.e., s. 923-924.

34) Uras, Esat; a.g.e., s. 943-944.

35) Uras, Esat; a.g.e., s. 943-944.

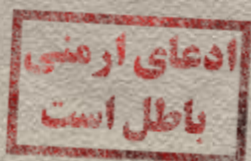
36) Uras, Esat; a.g.e., s. 943-947.

فعالیت های میسیونری

اولین میسیونرهای آمده به تورکیه پروتستان و منصوب به "British and Foreign Bible Society" بودند، بعد از بنای این تشکیلات در سال 1804 با ورود آنها به ازمیر و شروع فرستادن شدن آنها به درون آناتولی قابل ذکر می باشد. میسیونرهای آمریکایی اعتبارا از سال 1819 شروع به آمدن کردند.

در سال 1896 میسیونرهای متعلق به 7 کلیسای آمریکا و 4 کلیسای انگلیس که از هم جداگانه بودند در خاک های عثمانی پراکنده شده بودند. تنها از آمریکا 176 میسیونر و در کنار آنها 869 مشاور و دستیار محلی در حال تلاش بودند. بعضی از شهرهای مهم آناتولی که در آنها یک میسیون موجود بود شامل: بورسا، ازمیر، مرزيفون، قیصری، سیواس، ترابزون، ارضروم، هارپوت، بیتلیس، وان، ماردین، آنتپ، ماراش، آدانا، هاجین، آنکارا، یوزگات، آماسیا، توکات، آراپکیر، مالاتیا، پالو، دیاربکر، اورفا، بیره جیک، البیستان و تارسوس بودند.

فعالیت های میسیونری، حتی اگر عصیان های ارمنی را پشتیبانی هم نکرده باشد، در حاضر کردن زمینه عصیان ها نقش مهمی را بازی کرده بودند. در دوران تقدم کردن بر عصیان ها و بعد از عصیان ها در گزارش های آمده از ولایت ها، فعالیت های میسیونرها شکل وسیعی گرفته بود.



اسناد بنجل و تزویری (الحاقی)

آرام آندونیان (Aram Andonian) 1875، استانبول - 1952، پاریس



آرام آندونیان نویسنده کتاب تبلیغاتی "خاطرات نائم بی" با اسناد تزویری مسبب الهام گرفتن کتاب تخیلی "چهل روز در کوه موسی" پای مصنوعی شماره 2 در دروغین بودن نسل کشی ارمنه

صاحب اوصاف نویسنده و متقلب شارلاتان، در سال 1920 یک کتاب با نام، خاطرات نائم بی (Naim Bey) نوشته، و آن را به سه زبان انگلیسی، فرانسوی و ارمنی منتشر کرده بود. درون محتوای این کتاب، در ادعا "اسناد" موضوع بحث را برای لیدرهای عثمانی، خصوصاً طلعت پاشا (Talat Paşa) مال کرده بود. اما اصل این اسناد را هیچ وقت نشان نداده و بعدها معلوم ساخته بود که آنها را گم کرده است.

گروهی از دول غالب جنگ جهانی اول، بعد ها در مالتا (جزیره) زمانی که برای مجرم نشان دادن لیدرهای عثمانی نگه داری شده، هر گوشه و کنار را جستجو می کردند، به "تلگراف های" ایجاد شده توسط آندونیان هیچ اعتباری نکرده بودند. آرام آندونیان، زمانی که در ژنو سوئیس ساکن بود در تاریخ 1937.07.26 در نامه نوشته به یک مادام ارمنی با اسم ماری ترزییان (Mary Terziyan)، از تاریخی نبودن کتاب خود، بلکه از تبلیغاتی بودن آن و چگونگی استفاده دیگران از این کتاب، آنگونه که می خواهند را اعتراف کرده بود.

در جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی، بر علیه انگلیس، فرانسه و اتفاق تشکیل داده متفقین آنها، در جبهه ای که آلمان، اتریش - مجارستان و بلغارستان موجود بودند، جنگید. از آن زمان به بعد، عثمانی ها، در برابر اقلیت ارمنی با به اجراء گذاشتن یک سیاست هوشیارانه نابود سازی متهم شدند.

در طول جنگ، این نوع اتهامات، در هر زمان در هر کشوری، بین تبلیغات سیاسی جنگ موجود می باشد. لیکن زمانی که وارثان عثمانی، تورک ها موضوع بحث باشند، اوضاع از هر زمان دیگر یک وضع جدی به خود می گیرد. تهاجمات انجام گرفته به تورکیه پایانی ندارند. بر عکس، عثمانی تا آخرین زمان خود به انجام قتل عام متهم شد و این اتهامات بعد از جنگ جهانی دوم به کلمه "نسل کشی" تغییر یافت. هدف موجود در اینجا، درون هرج و مرج جنگ جهانی اول بین تقدیر ارمنه و تقدیر یهودیان در جنگ جهانی دوم، بنا کردن یک موازات می باشد. در بنیه اتهامات انجام گرفته بر علیه عثمانی ها (و بعد ها تورک ها)، کتاب آرام آندونیان به تاریخ 1920، "خاطرات نائم بی: اسناد رسمی تورک در ارتباط با تهجیر و قتل عام ارمنه" خوابیده است. کتاب در همان زمان در پاریس، لندن و بیستون به سه زبان انگلیسی، فرانسوی و ارمنی منتشر شده بود. از آن زمان به بعد، این "اسناد بنجل و تزویری" ستون فقرات اتهامات مهمل ارمنه بر علیه عثمانی ها و وارثان آنها یعنی تورک ها را تشکیل داده است. آرام آندونیان، بعد از اشغال انگلیسی ها، ادعا کرده بود که در حلب با یک مسئول تورک ملاقات کرده است. این شخص صلاحیت دار به او اوراقی داده است که در آن دستور به مرگ موجود می باشد. بدون اندکی تعلل بر روی تفاوت فاحش نسخه های فرانسوی و انگلیسی این اسناد رسمی، بعد از خواندن آنها می توان بسیار واضح گفت که آیا اینها خاطرات نائم بی نیست اند، آیا اینها خاطرات بی واقعه آرام آندونیان هستند.

در متن انگلیسی، درون کتاب 48 "سند رسمی عثمانی" منتشر شده موجود می باشد. این اسناد به این اسامی و موسسات مال شده اند:

شماره سند	شخص و موسسه
30	وزیر امور داخله، طلعت پاشا (Talat Paşa)
8	رئیس کمیسیون اسکان حلب، عبدالاحد نوری بی (Abdulahad Nuri Bey)
3	والی حلب، عبدالخالق بی (Abdülhalik Bey)
2	(پارتی اقتدار آن زمان که انور و طلعت پاشا هم داخل آن می باشند) جمعیت اتحاد و ترقی
1	وزیر دفاع انور پاشا (Enver Paşa)
1	وزارت امور داخله
1	والی منطقه "Deir es Zor"
1	والی منطقه آنتپ، زکی بی (Zeki Bey)
1	احمد بی (Ahmed Bey)، (نامعلوم)

هیچ کدام از این اسناد کامل نیست اند. در بعضی از آنها تاریخ، در بعضی شماره سری، در بعضی ها هم هر دو موجود نیست اند، یعنی در یک شکل نیمی ناقص می باشد.

اصل کاغذهای تکثیر یافته از طرف آندونیان هیچ زمان دیده نشداند، در کتاب تصویر 14 "سند" موجود می باشد. زمانی که سراغ نسخه های اصلی گرفته شده بود، گم کردن آنها را مدعی شده بود. هیچ کدام از این اسناد ایجاد شده از طرف آندونیان امروز وجود ندارند، با یک احتمال بزرگ، برای اینکه جعلی بودن آنها به میان نیاید آنها را نابود کرده اند. هرچند، اگر اسناد اصلی وجود نداشته باشند باز هم می توان جاعل بودن آنها را ثابت کرد.

آسان ترین و بدون چون و چرا ترین اثبات جاعل گرایی آندونیان، استفاده از معلومات سهو و سرگردان تاریخ (گذاری) در اسناد بنجل او است. مثلاً: آندونیان زمانی که در استانبول بود نامه ای که امضای والی حلب را داشت بدون داده شدن به پست به دست او می رسد.

البته که، آندونیان برای جعلیات خود، در آن دوران از تقویم رومی که در امپراتوری عثمانی از آن استفاده می شده، استفاده کرده. تقویم رومی استفاده شده از طرف عثمانی ها، یک انطباق خاص تقویم هجری می باشد که مبدا را هجرت پیامبر اسلام (ص) از مکه به مدینه (سال 622 میلادی) قبول کرده بود. برای اینکه از سال قمری استفاده می کرده، برای تبدیل تقویم گریگوری به تقویم رومی مستلزم تقریب 584 سال می بود. مثلاً: سال 1987 میلادی در تقویم رومی برابر است با سال 1403. اما یک نکته نه چندان جزی دیگر هم وجود دارد و آن هم در نظر گرفتن تفاوت 13 روزه که به 584 سال علاوه می شود. و علاوه این که، تقویم رومی در 1 مارس شروع می شود. یعنی دو ماه آخر تقویم رومی (ژانویه و فوریه) دو ماه ابتدایی تقویم میلادی می باشد. بنابر تقویم میلادی، تاریخ دقیق برای دو ماه آخر تقویم رومی، با علاوه کردن یک سال به 584 سال یافت می شود. مثلاً: در تقویم رومی 5 ژانویه 1331 (1331.01.05) در تقویم میلادی مطابق است با 18 ژانویه 1916 (1916.01.18)، $(1916.01.18) = (1331.01.05) + 584$ (روز). اما تمام بازی این نیست. همانند آنچه که در فوق معین گشت، در عثمانی، سال همیشه در 1 مارس شروع می شد. در فوریه 1917 برای آسان کردن این تبدیل، بین تقویم رومی و تقویم گریگوری تفاوت 13 روزه از میان برداشته شده بود. اما فرق 584 ساله ادامه داشته. یعنی 16 فوریه 1332 رومی 1332.02.16 (فوریه 1917) ناگهان 1 مارس 1333 رومی 1333.01.01 (1917.01.01) شده بود. در همان زمان، سال 1333 (1917) فقط در ده ماه با وارد شدن از 1 مارس به 31 دسامبر تمام شده بود. یعنی 1 ژانویه 1334 رومی 1334.01.01، 1 ژانویه 1918 میلادی 1918.01.01 شده بود. (نوت: جمهوری تورکیه، در سال 1925 تقویم میلادی را قبول کرده و بدین گونه سال 1341 رومی، سال 1925 میلادی شده بود.)

این حساب های تقویمی شاید بسیار تکنیکی و فشرده باشند. اما زمانی که موضوع بحث کتاب "چهار روز در کوه موسی" باشد و فرانس وئرفل (Franz Werfel) اولین کسی می باشد که آرام آندونیان (Aram Andonian) جاعل او را فریب داده است، موضوع اوضاع مهمی پیدا می کند. تاریخ گذاری (و شماری گذاری متوالی) تکه کاغذهای بنجل آندونیان و همچنین زمانی که اساس اسناد را در دست می گیریم، نباید فراموش کنیم که، نمره تمام اوراق آمده و رفته همیشه از 1 مارس (1333 رومی = 1917 میلادی) و به صورت متوالی تا 28 فوریه (آخرین روز سال رومی) ادامه داشته. بعد باز از نو، در 1 مارس به سال جدید می آمده.

زمانی که آرام آندونیان جاعل سند شماره 1 را می آفرید که ادعای مهمترین بودن از بین "اسناد" مهم را کرده بود، خطای بسیار جدی انجام داده بود. حال متن مهمترین قسمت این "اسناد":

سند شماره 1

" بعد از نوشتن ناشیانه مثلاً: بسم ... الرحمن الرحیم، اینگونه شروع می کند"

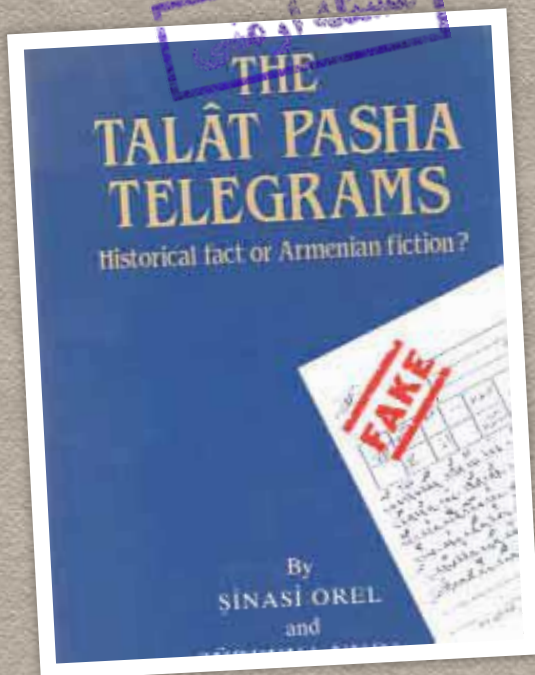
به نماینده آدانا جمال بی (Cemal Bey). 1331.02.18 (1916.01.02)

(نوت: در "اسناد" رسمی اصلی تورک این جای گرفته. برای یافتن تفاوت موجود بین اسناد انگلیسی و فرانسوی به ذیل دقت کنید)

"در تورکیه، تنها قدرتی که می تواند مانع حیات سیاسی اتحاد و ترقی باشد، ارامنه هستند. بنابر اخبار گرفته شده از قاهره، دانشناک ها، در حال کشیدن پلان حمله به مردم هستند. بعد از یک گذر کوتاه، در سند شماره 1 هم به یک نتیجه این چنینی می رسد. مردم، برای محافظت از وطن مادری در برابر این نژاد لعنتی این قرار را گرفته اند که لکه ای که تاریخ عثمانی را سیاه خواهد کرد را بر روی شانه های وطن پرستانه خود بگیرند.

برای فراموش نکردن تلخی های گذشته و نگاه کردن به آینده با امید، تمام ارامنه ای که در تورکیه زندگی می کنند، در شکلی که حتی برای زندگی کردن، یک فرد هم نماند، قرار به قتل داده شده است و حکومت برای این صلاحیت هایی داده است. البته حکومت، به والی ها برای این قتل عام ضروری، دستورات لازم را خواهد داد."

بعد از جرئیاتی چند، "سند" با یک امضای غیر قابل خواندن تمام می شود. از زاویه تمام کنندگی در معین کردن مان این هم لازم است که، این نامه که بخشی مهمی از کلکسیون اغراق آندونیان جاعل می باشد. در نسخه اصلی فرانسوی کتاب در حالی که تاریخ 1331.02.18 (1915.02.18) را حمل می کند، در نسخه انگلیسی تاریخ 1331.02.08 (1915.03.25) را قید کرده است. هرچند، (در ادعا) متن اصلی تورکی تاریخ 1331.02.18 را نشان می دهد. حال خاطر نشان شود که، بنابر قواعد تبدیل تقویم ها، 1331.02.18 برابر است با تاریخ 1916.03.02 (به جهت کبیسه بودن سال 1916، ماه فوریه 29 روزه است). که نه با 1915.02.18 نسخه فرانسوی، و نه با 1915.03.25 نسخه انگلیسی متقارن می باشد. به عبارتی دیگر، آرام آندونیان بر روی تاریخی واقعی جعل انجام داده بود و به جای 1331، 1330 نوشته، در نامه ای که تاریخ آن 1916.03.02 قید شده است، (I) بسیار سخت می تواند ارتباطی با حوادث نه ماه قبل داشته باشد. حال اگر این را اتفاقی و یا یک خطای انجام گرفته بر روی "سند اصلی" فرض کنیم، باز دقت کردن به سند شماره 2 موجود در کلکسیون اغراق آندونیان مفید خواهد بود. سند شماره 2 موجود در کلکسیون طبعیتا باید دارای تاریخ 1332.03.25 باشد اما تاریخ روی آن 1331.03.25 می باشد. در اینجا بسیار واضح است که، آندونیان شارلاتان، در مورد تقویم رومی عثمانی چیز چندانی نمی دانسته و به جزئیات این تبدیل بسیار اهمیت نداده است. مورخین تورک، شناسی ارل (Şinasi Orel) و ثریا یوجا (Süreyya Yuca)، در رابطه با جعلیات آرام آندونیان در سال 1983 نتیجه یک تلاش علمی را منتشر کردند و تعداد کثیری از جزئیات ناموفقانه موجود در این جعلیات را به میان گذاشتند. در بین اینها تاریخ های اشتباه، امضاهای ساختگی دارای چنان حال مضحک و خنده داری می باشند که درون آن "منبع تغذیه هایی" که هیچ مسلمان نمی تواند آن را بنویسد وجود دارد.



جلد کتاب تلگراف های طلعت پاشا "واقعیت های تاریخی یا جعل ارمنی؟"

نامه ساختگی نوشته شده از طرف آندونیان به تاریخ 1331.02.18 (1916.03.02)، در شکلی که هیچ مسلمان نمی تواند با آن "تغذیه" کند شروع می شود. اما، آندونیان جاعل و شارلاتان، بزرگترین خطای خود را در تاریخ انجام داده بود. تاریخی که بر روی نامه قید کرده است کاملاً متعلق به یک سال پیش است. به جای 1330 (1915)، 1331 (1916) نوشته، داخل نامه، خواسته بود که درون کوچی 1915 را دلیل یک طرح ریزی طولانی مدت نشان دهد. کتاب "تلگراف های طلعت پاشا، واقعیت تاریخی یا جعل ارمنی" که مشتمل فولادین و مهیب منطق بر کله تهی و پوست تخم مرغی بسیاری از منابع خصم و افتراء ارمنی می باشد. از طرف شناسی ارل و ثریا یوجا حاضر شده است و نقاب صورتی رنگ ادعاهای آندونیان جاعل مبنی بر قتل عام ارمنه از طرف عثمانی ها را بر می دارد. آنها این اسناد ساختگی "تاریخی" را تالیف کردند، در اصل این اسناد ساختگی، اسناد تاریخی تلاش های ندیده ای هستند که هدف تفریح تظاهر کردن برای افکار عمومی دنیا را داشته.

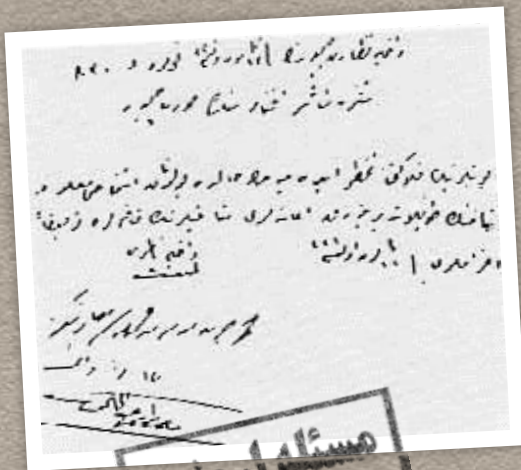
در یک قسمت خبیثانه از مدارک بنجل آندونیان، خصوصاً به دلیل وارد کردن کودکان، از وسعت یافتن قتل عام بحث می کند. این بخش که با تکیه بر یک نقسان روحی و روانی خلق و هوشمندانه حاضر شده. در این نوع "سند" اینگونه می گوید:

سند شماره 4: کپی یک تلگراف رمزی وزارت امور داخله که رمز گشایی شده. شماره، 502، 1331.09.03 (1915.09.16)

"اسم عملیاتی که به شما امر خواهیم کرد انجام دهید مردم در گذر (ارمنه)، ابتدا شروع کردن از مرد ها را توصیه می کنیم و باید زنان و کودکان را هم داخل کنید. برای این کار اشخاص قابل اعتماد را موظف کنید."

وزیر امور داخله، طلعت پاشا، نوت: به عبدالخلد نوری بی (Abdülhalad Nuri Bey). آیا در 5 سپتامبر با فرماندهی ژاندارما ملاقات کردین؟ والی، مصطفی عبدالخالق (Mustafa Abdülhalik)

واقعیت تقلید کردن امضای والی در یک شکل واضح (و بد) به یک کنار، آندونیان کار را کمی به غفلت گرفته و در نوشتن تلگراف یک عمل محقوق دیگر انجام داده است. در تاریخ 3 سپتامبر و یا 5 سپتامبر، "والی مصطفی عبدالخالق" نمی توانسته در حلب یک کار اداری انجام دهد. در آن زمان نام والی حلب باکر سامی بی (Bekir Sami Bey) بود و مصطفی عبدالخالق، در اوایل سپتامبر هنوز در استانبول می باشد. او در حلب وظیفه خود را در تاریخ 1915.10.10 شروع کرده است. فی الواقع در آرشیوهای عثمانی، برای والی حلب باکر سامی بی به تاریخ 1331.09.03 یک تلگراف کشیده شده وجود دارد. ولی شماره سری آن شماره خیالی آندونیان یعنی 502 نیست بلکه 78 می باشد.



"سند امضا دار" آندونیان که دارای امضای ساختگی والی مصطفی خالق می باشد آن هم به تاریخی که او هنوز وظیفه خود بر والی گری حلب را شروع نکرده است.



یک برگ تقویم قدیمی، همچون شکل حیات در امپراتوری کثیرالمتعلم و چند زبانه عثمانی، با این حال نباید از افتادن آندونیان جاعل به دام خود تعجب کرد.

چنان به نظر می رسد که، فرانس وئرفل (Franz Werfel) زمانی که کتاب چهل روز در کوه موسی را می نوشت، از قسمت "وسعت دادن به قتل عام" کاغذهای آندونیان بسیار متأثر شده است. (بنابر جعلیات آندونیان) دیگر آنهایی که کشته می شوند مردها نیست اند، بلکه زنان و کودکان هم کشته خواهند شد. دوازده عدد از "اسناد" آندونیان با این موضوع مرتبط هستند. پنج عدد از آنها به خود طلعت پاشا فرستاده شده است. اما جای شکر دارد که زمان در نظر گرفتن بعضی از معیارها (مثل: تاریخ، امضاء، اسامی، شماره سری) بلافاصله معلوم می شود که این تلگراف ها حاصل یک جعل بد و ناشیانه می باشد.

فرانس وئرفل، ابتدا در وضعیت فریب خوردگی کامل از طرف جعلیات آندونیان قرار دارد. به طوری که، زمان دادن گزارش های مرتبط با "جنایات انجام داده تورک ها" به او در وین از اطراف محتوای حکایات توضیح داده شده را بدون حس شبهه ای باور کرده بود.

از این رو، در رابطه با اهداف عرفان اسلام و درویشان منصوب به طریقت مولوی بدون آن که چیزی بداند چنان خود را در مقام قضاوت می بیند که گویا تجربه ای که او از جهالت کسب کرده تجربه ای است که هر کسی بدان نیاز خواهد داشت. لیکن فرانس وئرفل در پرتوی وظیفه تذکاری و شگفت آوری که به او بار شده بود می توانست تمام آنها را کوچک ببیند.

فرانس وئرفل، می دانست که از طرف جاعلان فریب خورده است

آبراهام سو سِور (Abraham Sou Sever)، یک یهودی سفارد می باشد که قبل از جنگ جهانی اول در ازمیر متولد شده بود. بعد ها به ایالات متحده آمریکا کوچ کرده و در کالیفرنیا زندگی می کرد. آبراهام سو سور، ادعای صوری ارامنه مبنی بر "نسل کشی"، با تکیه بر اطلاعات مرتبط با متدهای تبلیغاتی و تجربه شخصی یک بیان و شهادت نامه که از واقعیت ها بحث می کرد را به قلم گرفته بود. اهمیت کلام او از مرتبط بودن آن با فرانس وئرفل می باشد. بیان تصدیق شده سر دفتر اسناد سور، در ارتباط با ادعاهای دروغین "نسل کشی" ارمنی با یک بخش از کلکسیون تاریخی کتبی و شفاهی بودن به موسسه های تحقیقاتی ایالات متحده آمریکا فرستاده شده بود. در اینجا بیانات سور در ارتباط با فرانس وئرفل و حوادث کوه موسی می باشد:

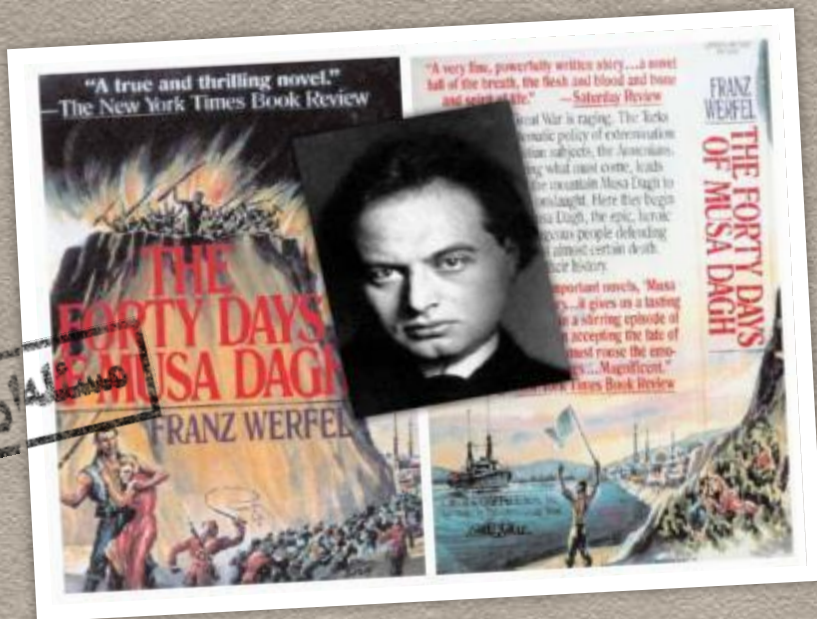
"کوه موسی، اگر واقعیت دارد، بزرگ ترین دلیل بر دورویی و عصیان ارمنی می باشد. پنجاه هزار ارمنی تمام آنها مسلح، با تدبیر بودن بر احاطه به روی این کوه رفته بودند. گروه های مسلح، از روی کوه با هجوم های آتی ارتش عثمانی را از پشت زده و بعدها هم اثر خود بر روی کوه را گم کرده بودند. در نهایت عثمانی ها، با کشف کردن استحکامات تدارک دیده ارامنه، وارد حمله و هجوم نشده بودند. مغلوبیت دول اتفاق و چهل روز به طول انجامیدن احاطه، هم نشانه خوبی برای این است که ارامنه تا چه حد تا نوک بینی عثمانی ها یک تدارک عالی دیده

بودند. به غیره نشان دهنده این است که سرکشان ارمنی، تا چه حد از طرف روس ها تغذیه، ترتیب و تامین مالی شده، سلاح و مهمات محیا کرده اند. تشکیلات آزادی ارمنی و لیدرهای دانشناک، قریب خوردن از روسیه در وعده های استقلال و یک ارمنستان بزرگ و جدید، آمدن پول و سلاح از روسیه، قبل از ورود به جنگ جهانی اول، ترتیب دادن خرابکاری و صدمه زدن به ارتش عثمانی که در اجبار دفاع از وطن بود، تشکیل دادن گروه های آزادی ارمنی را قبول کرده بودند. نیروهای عثمانی، درحالی که طرف مقابل کوه را احاطه کرده بودند، هزاران ارمنی که چهل روز بر روی کوه مانده بودند، از طریق یک باریکه مخفی که به مدیترانه باز می شد فرار کرده بودند. ارمنی ها، با کشتی های جنگی فرانسه و انگلیس که در حال گشت بودند توسط مشعل ها ارتباط برقرار کرده بودند. هزاران ارمنی که نجات یافته بودند. به مورد برده شدن به بندر اسکندریه مصر سوار کشتی های فرانسوی و انگلیسی شده بودند. ارامنه، برای اینکه اینگونه به کارشان بیاید، فراری داده شدن این هزاران ارمنی توسط فرانسویان و انگلیسی ها را مخفی کرده، یک دروغ مبنی بر کشته شدن آنها را خلق کرده بودند. دوستم فرانس وئرفل، برای بررسی چیزهای نوشته هرگز به این منطقه نرفته بود. فقط، در وین توضیحات رفقای ارمنی خود را به قلم گرفته بود. وئرفل قبل از مرگ به من در مورد دروغ ها و اشتباهات فراوانی

که ارامنه بر روی او فرو ریخته بودند و حس پشیمانی و شرمی که از نوشتن کتاب این چنینی کرده بود، گفت. اما به جهت این که از کشته شدن توسط تروریست های دانشناک می ترسید این را به عموم ابراز نکرده بود.



اریک فیگل - 1931-2007.01.27



تصویر فرانس ورنفل و جلد پشت و روی کتاب تخیلی "چهل روز در کوه موسی"

میسوینرهای مسیحی، ارامنه را در موضوع برگشت از باور ارتدکس به کاتولیک و پروتستان راغب و راحت قانع شونده دیده بودند. سمپاتی (sympathy) حاصل شده از این تغییر، کمک فراوانی به انتشار و باور حکایت های ساختگی در مورد قتل عام در تمام دنیای غرب کرده بود.

ارامنه امروز این حکایت های ساختگی را، توسط بزرگان شان که از دسته های پارتیزان دانشناک ارمنی که با تزار روس و بلشویک ها تباری و همکاری کرده بودند شنیده اند. جمهوری ای که بنا کرده بودند، به جهت سرگرمی و حيله فاناتیسم های (fanatic) دانشناک، مرده زاده بود. ادعاهای کذب نسل کشی، باعث زاده شدن یک سمپاتی بزرگ در دنیای غرب بر علیه آنها شده بود. لیکن اصلا نتوانستند متزلزل کننده گان این ادعاها را تحمل کنند. هم اکنون هم تلاش هایی که در این جهت انجام می گیرد را با تحدید پوشانده و سعی می کنند مانع آنها شوند.

محقق و نویسنده اطریشی اریک فیگل (Eric Feigl) که در سال 2007 او را از دست دادیم و به اندازه شایسته از ارزش و دوستی او بهره نبردیم در پیش گفتار کتاب خود با نام "میتومانیای (جنون دروغ گویی) ارمنی" (Armenian Mythomania) اینگونه می نویسد:

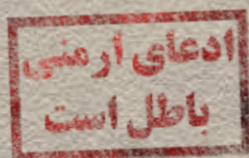
"البته، در طول تحقیقات ام با افراد زیادی ملاقات کردم. خصوصا می خواهم رئیس انستیتوی ژریان، دکتر جرارد لیباریدیان (Dr. Gerard Libaridian) را یاد کنم. با دکتر لیباریدیان در دفتر کمبریج، ماساچوستس ساعت های طولانی سپری و صحبت های جالب توجهی انجام دادیم. دکتر لیباریدیان فرد باهوش، سرشار، با معلومات، با استعداد و دارای اعتماد به نفس بود. حتی میتوان از صحبت هایی که با او انجام دادیم بازی که موضوع را بگیرد نوشت. در طول این بحث ها، سریع از سخنان آتشین میزبان ام نوت بر می داشتم. در کلام خود دفعات زیادی از "اسناد آندونیان" صحبت کرد. فهمیدم این که دکتر لیباریدیان می دانست این اسناد ساختگی هستند مقبول به نظر می رسید، خرج نکردن حتی یک کلمه بر روی موضوع مرتبط را خواستم. موضوعات فراوان قابل توجه تر دیگری برای بحث وجود داشتند. اما روی کتاب آرام آندونیان و خصوصا بر روی "اسناد" این کتاب ایستاد.

نهایتا، در اجبار گفتن: "اما، دکتر لیباریدیان، شما هم مثل من می دانید که، "اسناد آندونیان" ساختگی و تزویری می باشند." ماندام.

جواب کوتاه و مشخص دکتر لیباریدیان به جمله ستمکارام و افاده موجود بر روی صورت او را هرگز فراموش نخواهم کرد:

"!!!؟"

حال نباید پرسید که اگر نسل کشی صوری ارمنی یک دروغ نیست! چرا در آن تحریف و جعل وجود دارد؟



پروپاگاندا (تبلیغات)

یکی از میدان هایی که به راحتی می توانیم از ضعیف بودن تورک ها در آن سخن بگوییم پروپاگاندا یا تبلیغات است. این در دولت عثمانی هم اینگونه بود. رابطه تورک ها با پروپاگاندا، عبارت گشته است به تلاش برای جواب دادن به نوشته ها و ادعاهای کذب و دروغین، یعنی یک نوع غیر فعالی و تاثیرپذیری، از یک تلاش برای محافظت از خود فراتر نرفته است. این حرکت برای نشان دادن دائمی تورک ها در وضعیت گناه کار بودن، به طرف عکس او یک راحتی بزرگ و آزادی حرکت می دهد.



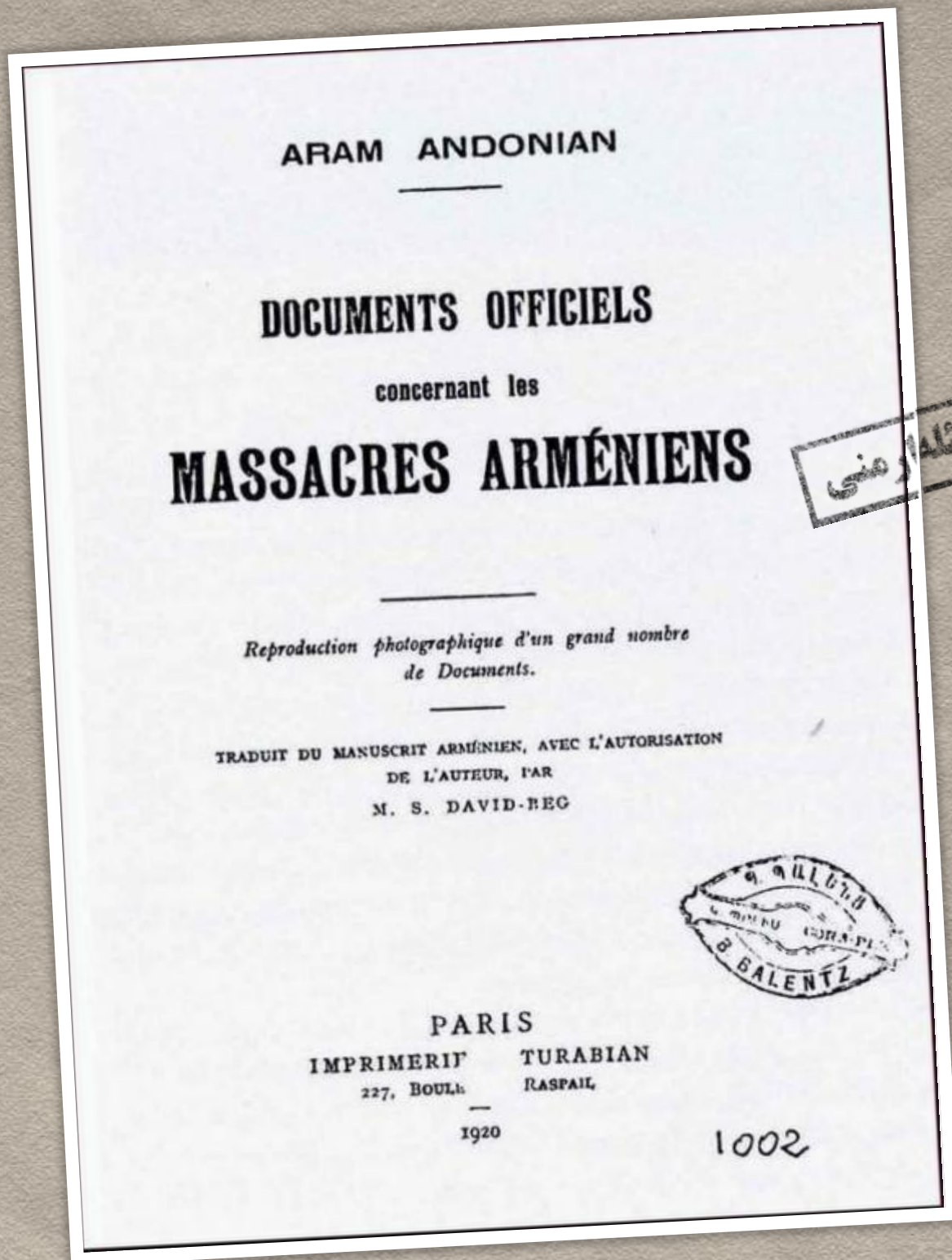
برشی از روزنامه تورکیه به تاریخ 2001.03.20

بدون شبهه حجیم ترین تاریخ تبلیغات علیه تورک ها و تورکیه مخصوصا در آمریکا در سال های 1920 (1923) بوده است. در مورد سبب های آن پاول (Powell) اینگونه می نویسد:

"دشمنی و تخصصی که بر علیه تورک ها ریشه انداخته را میتوانیم به این دلایل ربط دهیم. ابتدا در گذشته سیاست ظلم روا دیده به اقلیت مسیحی و خصوصا ارمنی می باشد؛ دومی پیش داوری دینی و تبلیغات سیاسی است که، صحبت کردن در مورد کدام یک از اینها که در کجا شروع شده و دیگر در کجا خاتمه می یابد سخت است؛ سومی که مسبب متعوس گشتن و سکوت خیال می باشد احساس به میان آمدن کشوری جدید از کشوری است که همه مان مغلوب و تکه تکه شدن آن را قبول کردیم و نهایت رد کردن های مصرانه تورک ها در دفاع از خودشان است."

پاول (Powell) در صفحه 32 کتاب خود در مورد این دلیل آخر سخن گفته و در تابستان 1922 در مکالمه انجام داده با سلطان وحدتدین (Sultan Vahdettin) این جملات را که خود پادشاه آن ها را گفته، نقل می کند:

"روزنامه ها و مجلات شما، اگر یک نوشته را بفرستیم که آن را یک تورک نوشته نشر نمی دهند، اگر چاپ کنند مردم تان آن را نمی خوانند، اگر بخوانند آن را باور نمی کنند. حتی اگر به آمریکا شخص مشروطی را که با زبان شما رای و نظر تورک را توضیح دهد را بفرستیم، آیا شنوندگان بی طرفی می توانیم پیدا کنیم؟"



جلد کتاب آرام آندونیان (Aram Andonian) از برجستگان ارمنی با اسم "ارامنه به قتل رسیده" که ادعا می شود با تکیه بر اسناد رسمی حاضر شده است. تزویری و ساختگی بودن آن عدم استفاده از سیستم تقویمی است که در تکانبات عثمانی ها از آن استفاده می شده و خطاهای کثیر شبیه به آن قابل ذکر است. A Myth Of Terror.



مسئله ارمنی

یکی از تابلوهای غرور ارمنه

شاید گفته های پادشاه حقیقت داشته باشد، حال اینکه باز در صفحه 10 همان کتاب، یکی از کشیش های معتبر نیوانگلند که اسم او ذکر نشده، از طرف او اینگونه نقل می شود که "شنیدن حقیقت در مورد تورک ها را نمی خواهم، من قناعت ام در مورد آنها را خیلی زمان است که عوض کرده ام" لیکن آمدن او به این چنین نقطه ای سکوت مداوم تورک ها و تبلیغات های اشتباه معارضه های نشر داده شان با علاوه کردن فاکتورهای دینی و ملاحظه های سیاسی مسبب جا گرفتن در ذهن ها می باشد. همراه با این؛ ذهنیت "هرچه باشد نشر نمی دهد، نشر دهند خوانده نمی شود، بخوانند باور نمی کنند" تماما به توسعه یک دعوی بر علیه، راحت تر شدن تبلیغات طرف عکس و یک عنصر برای نتیجه دادن سریع تر شده بود. عموما در هر کشوری بلافاصله، میل به باور کردن حقیقت مقاله بیرون آمده از یک روزنامه و خبر وجود دارد.

چگونگی کمک کردن فاکتور دینی و ارزیابی های سیاسی در توسعه و جا گرفتن هوا علیه تورکیه مشخص است. لیکن با ورود یک عنصر تبلیغات هوشیارانه به میان کار، وضعیت با طبیعت خود هم تغییر کرده، به غیر داده شدن فقط اخبار تک طرفانه، درون اخبار داده شده وضعیت کم شدن سهم واقعیت و یا برداشته شدن تمام آن می تواند به میان بیاید. بعضی اظهارات قانع کننده این مورد، در همان کتاب اینگونه نوشته شده است:

"حوادث ناگوار به شکل بسیار عظیمی تیز و مبالغه شده بود. لیکن یک قسمت از حوادث موحشانه متعلق به دوران های آخر اصلا به وقوع نرسیده است. یکی از تمثیل گران مطبوعات محلی (استانبول) تشکیلات امداد آمریکا، به دوستان خود آشکارا اینگونه می گوید که، به آمریکا فقط خبرهای ضد تورک بفرستید، چون این چیزی است که پول می آورد."



مسئله ارمنی

از طرف ارمنه ادعا شده بود که تصویر مجسمه های موجود در تابلوی فوق متعلق به ارمنه ای است که تورک ها آنها را کشته اند. لیکن در سال های کشیده شدن تابلو (Vereshchagin, 1871-1872) بین تورک ها و ارمنه هیچ مسئله ای وجود نداشته.

Ermeni Mezalimi ve Gerçekler.

این بیان می تواند بیشتر انتزاعی دیده شود. به همین جهت دادن بعضی نمونه ها مفید خواهد بود:

"در اروپا بعد از یک مدت کوتاه از نوشته شدن خبر تاخت و تاز به بانک عثمانی و متعاقبا تهاجم های صورت گرفته به ارامنه، از طرف روزنامه های تصویری هنرمندانی به مورد رسم تصاویر حوادث وحشتناک به استانبول فرستاده شده بودند. در بین آنها مخابر مشهور حرب، آقای ملتون پرائر (Mr. Melton Prior) هم وجود داشت. شخصی جدی، دارای طبیعت مقرر و انسانی بود که بر غیر طبیعی بودن حوادث متوانست مسلط شود. به سبب این وظیفه خاص از موجود بودن در یک وضعیت اهتمامی سخن گفته بود. مردم کشورش به وقوع رسیدن حوادث وحشتناک غیرقابل رسوخ به عقل را شنیده و منتظر تصاویر تمثیلی آنها بودند.

ارامنه مرده دفن شده، به زنان و کودکان هیچ صدمه ای نرسیده و به هیچ کلیسای ارمنی هم تهاجمی صورت نگرفته، به همین جهت، مسئله چگونگی تامین این حوادث به میان می آمد. با این که انسان با عزت و با نجابتی بود و از تورک ها تقدیر می کرده، خلق خصوص هایی که شاهد آنها نبوده را رد کرده بود. لیکن دیگران در این حد صادق نبودند. نهایتا، در یک روزنامه تصویری ایتالیایی، رسم های وحشتناک و مخوفی که زنان و کودکانی که در کلیسا به قتل رسیده بودند دیده شد."



رئیس دسته پارتیزان های سفاک ارمنی، اندرانیک (Antranik)، که با لقب قهرمان ساسون شناخته شده بود - بر روی پرچم اش عبارت "کسی که خود را برای ملت اش فدا کند خوش شانس است" نوشته شده.
Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

"یکی از اسم های در راس مقامات عالی موظفان تورک، که به مناسبت تدابیر گرفته، ادعا شده بود بر علیه ارامنه حرکات وحشیانه انجام می دهد، مارشال شاکر پاشا (Müşir Şakir Paşa) وظیفه گرفته با اصلاحات در آناتولی بود. مارشال که در اکتبر 1895 در ارضروم حاضر بود، در طی عصیان سرکشان ارمنی روایت هایی مثل: یک انسان تشنه به خون ساعت به دست که به فرمانبران در انتظار خود تعلیمات مداومی مثل یک و نیم ساعت مانده به تپه شدن ارامنه - در بعضی نسخه ها دو ساعت دیگر، در مورد وی بلافاصله در تمام دنیا گشته بود...

با به پیش چشم گرفتن این هدف در یک سیاحت به نوبت با کنسول انگلیس آقای گراوس (Mr. Graves)، والی محمد شریف رعوف پاشا (Mehmet Şerif Rauf Paşa)، کنسول فرانسه ام. روگفریر (M. Roqueferrier) و سر کنسول روس ام. وی. ای. ماخیمو (M. V.A. Maximov) ملاقات کردیم. از تمام این اشخاص، باور کردن یا نکردن صحت شایعات گفته شده در مورد شاکر پاشا پرسیده شد. در این باب ام. روگفریر با گفتن اینکه: اینها حکایت های مضحک ذوق آور تلفیقی هستند، به حرف های خود چند جمله تقدیرانه در مورد شاکر پاشا هم علاوه کرد."



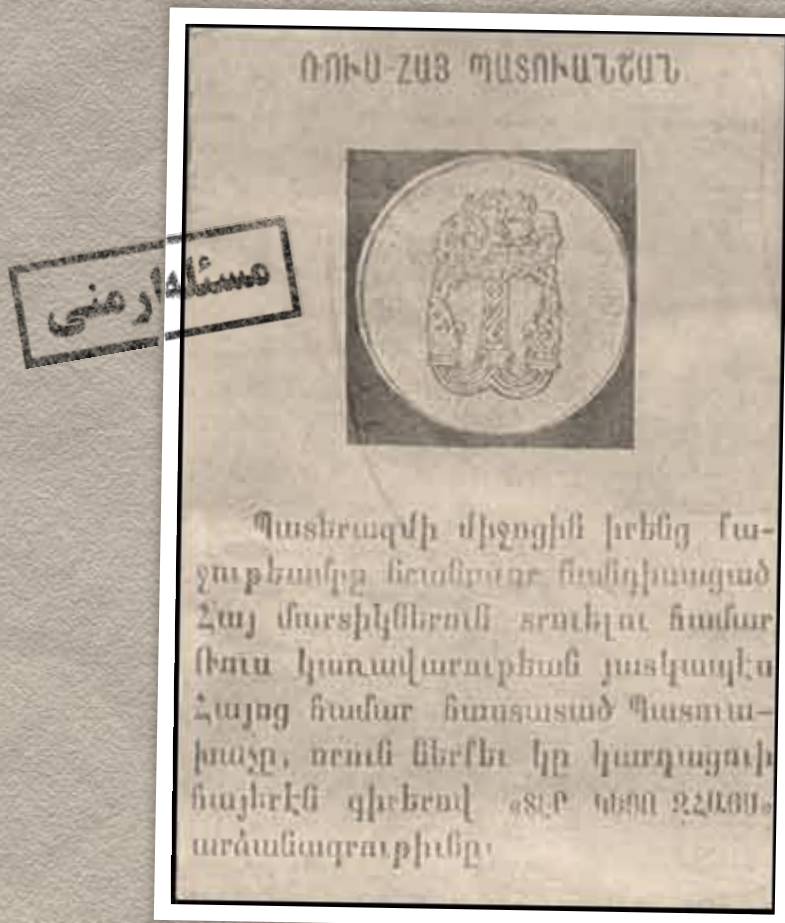
یکی از تابلوهای غرور ارامنه

"سر کنسول روس ام. وی. ای. ماخیمو: تکذیب کردن صحت قصه های این چینی وظیفه من نیست، چیزی که به شما می توانم بگویم این است که شاکر پاشا (Şakir Paşa) یک انسان مرد و خوش قلبی است، او را سال ها است که می شناسم، دوست ام است." "کنسول انگلیس آقای گراوس، هم گفت: در آن زمان در اینجا نبودم، در این موضوع با شاکر پاشا هم صحبت نکردم، فقط والی از واقعی نبودن آن حرف زد، این برای من کافی است، زیرا شخصا بدون تردد گفته های رعوف پاشا (Rauf Paşa) را باور می کنم." از آقای گراوس، با گفتن اینکه اگر اختلال گران ارمنی با آمدن به کشور مردم ارمنی را به عصیان تشویق نمی کرداند، آیا به وقوع رسیدن هر کدام از قتل عام ها را می توانستید تصور کنید؟ سوال شد. او با گفتن خیر، حتی یک ارمنی هم کشته نمی شد. جواب داد. "در اواخر اکتبر (1922) در آمریکا نماینده تشکیلات امداد شرق (خاور) نزدیک (Near East Relief's) متوفی خانم آنی تی. آلن (Miss Annie T. Allen) و خانم فلورنس بیلینگ (Miss Florence Billings)، در مورد وضعیت روستاهای تورک نشین به آتش کشیده شده در زمان کشیده شدن یونانی ها یک گزارش حاضر کرده و به مرکز تشکیلات در استانبول فرستاده بودند. تشکیلات، این گزارش را همانند نشر نکردن گزارش بریستول (Bristol) توسط آقای لیود جورج (Mr. Llyod George) که متعلق به فجایع انجام داده یونانی ها در ازبیر بود، هرگز منتشر نکرد."

گزارش بریستول را، واقعا لیود جورج منتشر نکرده بود.

"تخواستن نشر دادن گزارش چیز غیر قابل درکی نیست. به غیره، ام. ونیزلوس (M. Venizelos) هم تمام سنگینی شخصی خود را به میان گذاشته بود. نماینده یونان با حاضر نشدن و با مخفی نگه داشتن اسامی شاهدین به نشر شدن حوادث تثبیت شده اعتراض کرده بود. در اینگونه انجام شدن آن، این دلوایسی اقتدارهای محلی یونان بود که یک جهت ذیحق دارد نه کمیسیون های غربی.

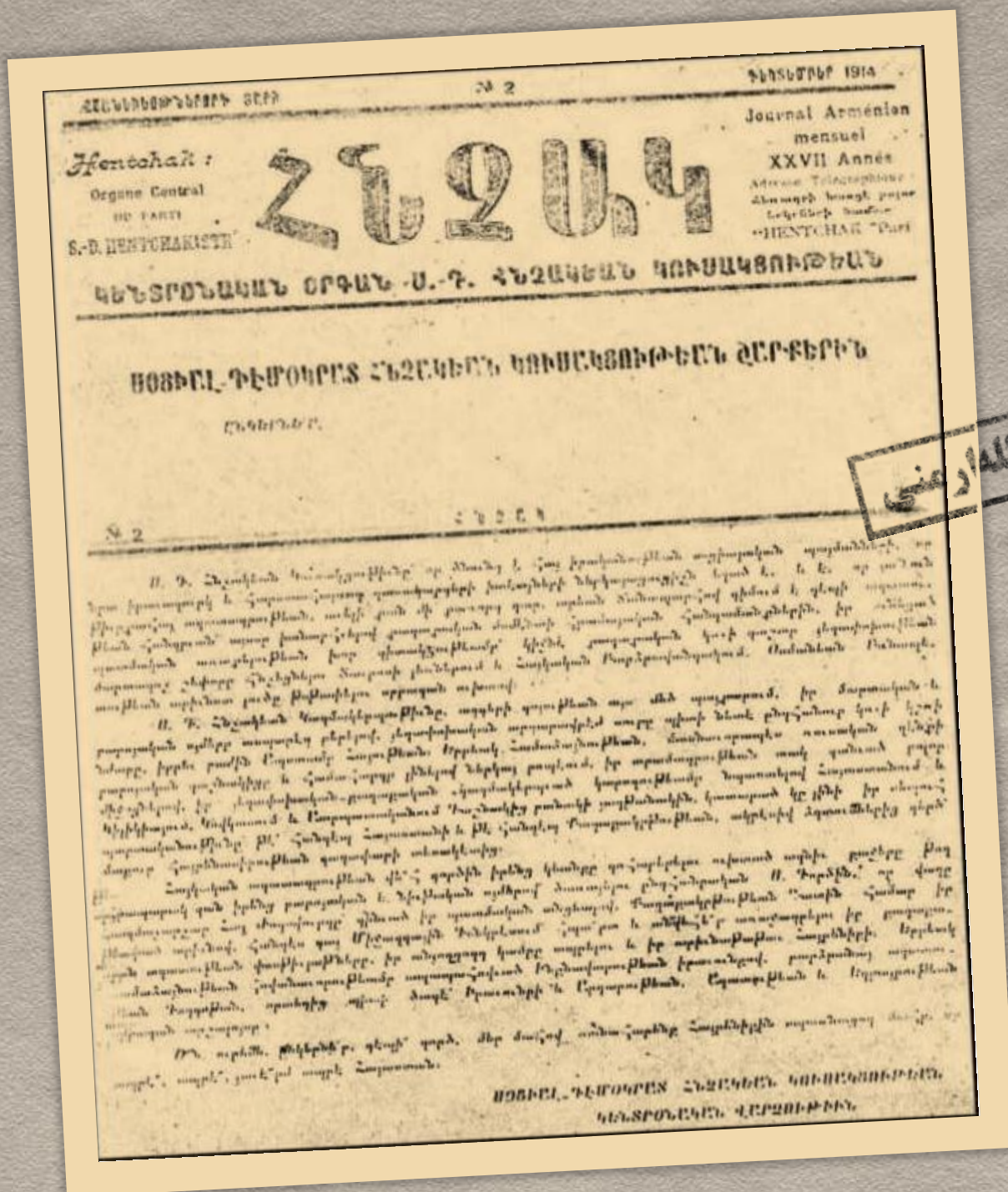
آنهایی که بر علیه یونان اطلاعاتی که نتیجه خواهد داد را به میان گذاشتند در مناطق تحت اشغال یونان زندگی کرده و در معرض حرکت وقیحانه یونانی ها قرار نمی گرفتند. همان نگرانی های حقوقی برای گزارش توحش آلمان در بلژیک و معامله اجراء شده بر ارامنه در امپراتوری عثمانی با اسم گزارش بریس (Bryce) هم معتبر بود. حکومت های متفق به رغم همان دلایل در گزارشاتی که اسامی آنها آورد شد در نشر آنها هیچ مانعی ندیده بودند."



نشانی که بر روی آن "پروودگار حافظ ارامنه باشد" نوشته شده و از طرف دولت روس به ارامنه ای که در جنگ از خود جسارت نشان داده اند تقدیم شده است.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

گزارش بریس که توینبی (Toynbee) از آن بحث می کند، کتاب آبی انگلیسی ها است که خود او آن را تدوین کرده است. لیکن، اگر نادرا هم باشد، وضعیت های کاملاً عکس هم بوده، انگلیسی ها در 1918.19.18 مجبور به تخلیه باکو شده بودند. در حالی که روزنامه ها این را نشر می کردند از خیانت ارامنه هم بحث کرده بودند. سرویس های پروپاگاندای انگلیس با تلاش جدی بر روی این موضوع افتاده و راه تأثیری که این خبر می توانست داشته باشد را از میان برداشته بودند. به همین جهت گرفتن سطرهای ذیل از یک تذکاریه حاضر شده برای همین مقصد مهم خواهد بود:



صفحه اول روزنامه هنجاک ارمنی نشر شده در پاریس، تابستان 1914. در اینجا لزوم عصیان کردن ارامنه بر علیه امپراتوری عثمانی ذکر شده است.

A Myth Of Terror.

"گفتنی است که تنزل اعتبار ارامنه، ضعیف کردن دعوی علیه تورک است. کشتن این اعتقاد که، در رها نشدن فلاکت از سر تورک، او یک انسان اصیل است سخت شده بود. این وضع این اعتقاد را احیا کرده و تا زمان موجود بودن ارامنه به اعتبار و وجاهت صهیونیسم ها با اعراب هم ضرر خواهد رسید. (...) معامله انجام داده تورک ها بر ارامنه، برای قبول کردن وضعیت موجود مسئله تورک در شکل رادیکال به افکار عمومی داخل و خارج کشور در دست حکومت اعلیحضرتان یک سرمایه بزرگ است."

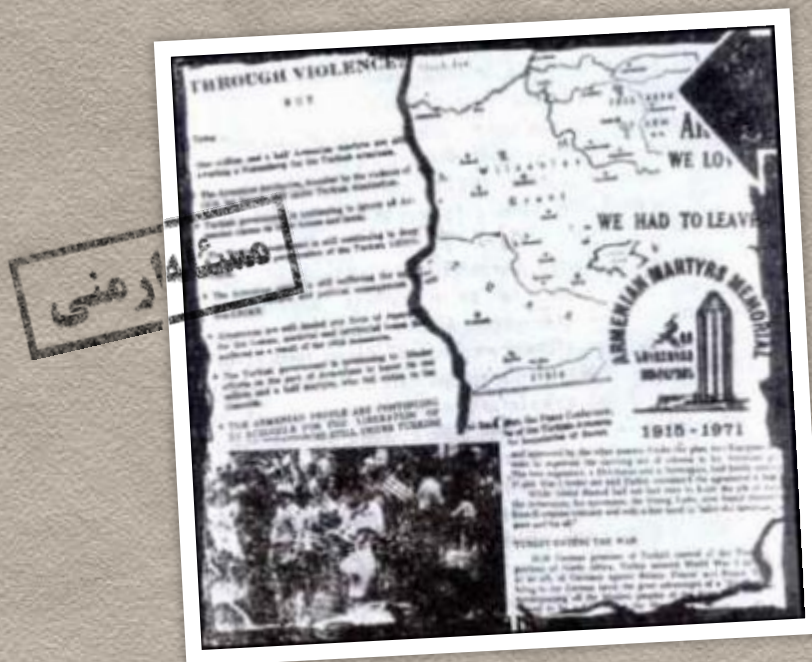
برای درک کردن اهمیت تبلیغات نگاه کردن به چگونگی بنای یک تشکیلات برای همین مقصد به دست انگلیسی ها مفید خواهد بود:

"اولین خصوص شنیده شده در مورد یک دایره تبلیغاتی، در آگوست 1914 در کلپ گلف والتون هیت (Walton Heath) روز یکشنبه بعد از خوردن نهار، از آقای تی. پی. اوکونور (Mr. T.P. O'Connor) به لیود جورج (Lloyd George) گفتن: توسط آلمان ها در خیابان های آمریکا برشور پخش می شود و ضرورت دادن یک جواب به تبلیغات شروع شده توسط آنها در شکل فشردن برشور به دست تک تک مسافرانی که با کشتی می آیند، بود. لیود جورج هم با گفتن، اگر این است برای این که ببینی نگاه کن، چارلی چه کار میتواند انجام دهد، بفهم. مسترمن هم قبول کرد."

آقای مسترمن (Mr. Mesterman) یک عضو قدیمی کابینه بوده و در کابینه عوام نماینده بود. بعد از این تاریخ تاسیس یک دفترخانه تبلیغاتی توسط مسترمن و قرار گرفتن او در راس آن دانسته شده است. موجودیت دفترخانه تماما مخفی حفظ می شده، با استعفای مسترمن از کمیسیون بیمه بهداشت کابینه، "خانه ولینگتون" ("Wellington House") فعال این کمیسیون هم به حال مرکزی آورده شده و اسم کابینه با خانه ولینگتون ماندن وارد اسناد شده است.

لیکن میدان فعالیت خانه ولینگتون اینگونه ذکر شده است:

"دعوی متفقین، سعی انگلیسی ها، بحریه، ارتش، انجانات بخش تجاری، امکانات اقتصادی و نظامی امپراتوری، اسباب و تلاشهای جنگ، وحشت و جرم های آلمان و متفقین او، دعوی بلژیک، نشر کردن حوادث معین کننده غیره انسانی بودن جنگ زیر دریایی، وسایل و کتاب های استفاده شده، برشورها، مجموعه ها، دیاکرام ها، نقشه ها، پوسترها، کارتیستال ها، رسم ها، عکس و گالری ها بود."



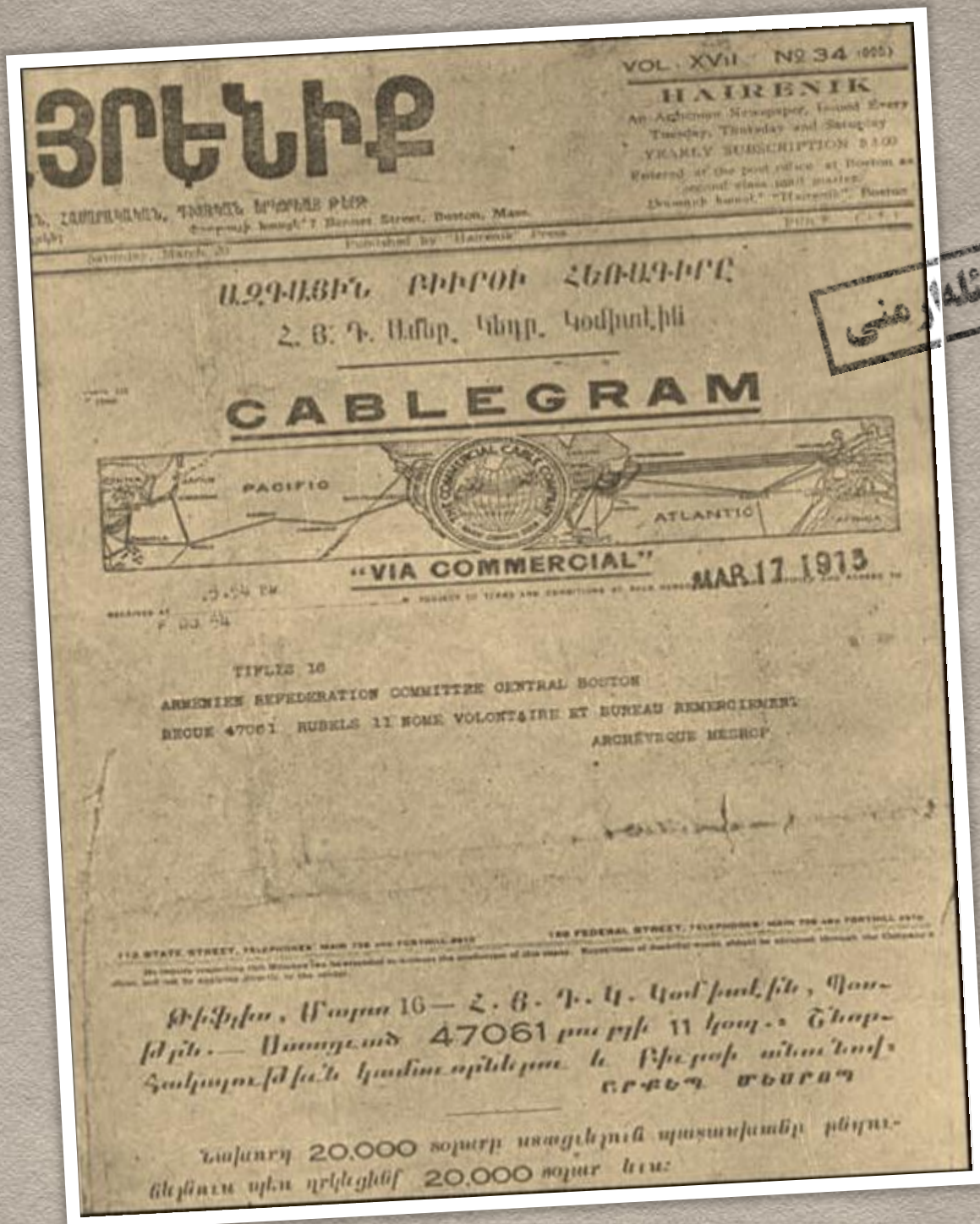
یکی از برشورهایی که بر ضد تورکیه پخش شده: به سبب این برشور تورک ها، 1,5 میلیون ارمنی را قتل عام کرده اند. جای تاسف دارد که دنیای غرب به باور این دروغ ارامنه ادامه میدهد.

Ermeni Mezalimi ve Gerçekler Ermeni Sorunu, 'Dört T' Planı.

کابینه فقط در انگلیس 17 میلیون نسخه نشریه نشر کرده و به آن داخل نبودن مجموعه رسمی 15 روزه قابل ذکر است.

در مورد فعالیت های موجود در کابینه مسترمن در پایان 3 گزارش 118 صفحه ای، لیست کتاب ها و برشورهای چاپ شده موجود است. در اواخر نیمه اول سال 1916 تعداد کتاب ها و برشورهای چاپ شده 182 می باشد. در بین نویسندگان به اسم هایی مانند، مکس آیتکن (Max Aitken)، ویلیام آرچر (William Archer)، بالفور (Balfour)، جیمز بریس (James Bryce)، ای. تی. کوک (E. T. Cook)، کونان دوئل (Conan Doyle)، الکساندر گری (Alexander Gray)، آرچیبالد هورد (Archibald Hurd)، روتیارد کیپلین (Rudyard Kipling)، ای. لوونستاین (A. Lowenstein)، سی. اف. جی. مسترمن (C. F. G. Masterman)، ای. جی. توینبی (A. J. Toynbee)، ای. جی. ولس (H. G. Wells) برخورد می کنیم. اسم یکی از 3 کتاب نوشته توینبی هم "ظلم های انجام شده بر ارامنه" است.

تمام مراجع کتاب آبی چاپ شده توسط کابینه مسترمن و در سال 1975 در آمریکا چاپ دوباره آن از طرف یک چاپخانه ارمنی، متعلق به روزنامه های ارمنی با اسم های هوزیرون (Hoziron) چاپ تفلیس، ارمنستان (Armenia) چاپ مارس، آرارات (Ararat) چاپ لندن، گوتچنگ (Gotchnag) چاپ نیویورک همراه با اطلاعات گرفته شده از میسیونرها و نقل آن توسط "کمیته مظلیم ارمنی" در آمریکا است. چگونه بودن کتابی که با استناد بر این منابع نوشته شده است آشکار و ملحوظ می باشد. در این میان قید این نکته هم مهم خواهد بود که: همراه با به تهجیر گرفته نشدن ارامنه استانبول و ازمیر، در نقشه موجود در این کتاب تهجیر شدن آنها دیده می شود.



تلگراف فرستاده شده از طرف کابینه ملی ارمنی در تفلیس به کمیته اختلال گرای دانشکسوتیون در شهر بیستون ایالات متحده آمریکا.

"تفلیس، 16 مارس

47,061 روبل و 11 کوپک گرفته شد. از طرف کابینه و داوطلبان تشکر میکنم.

اسقف مسروپ (Piskopos Mesrop)"

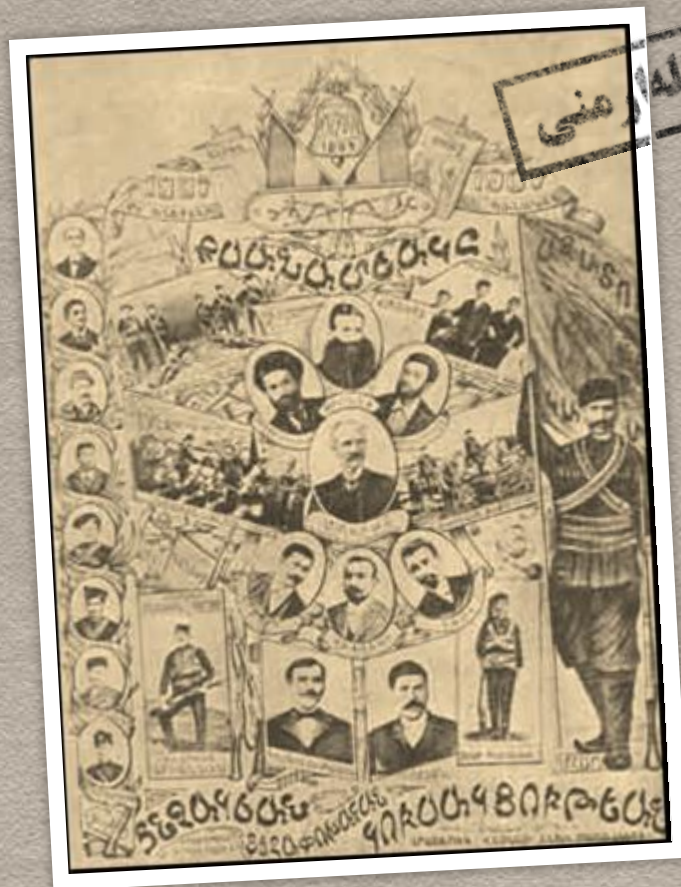
Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

بعد از این توضیح دایر بر چگونگی نوشته شدن کتاب آبی، عموماً در مورد چگونگی التقاء ساز و برگ پروپاگاندا، بندهای گرفته شده از نوشته های دو نویسنده که این موضوعات را بررسی کردند مفید خواهد بود. نویسنده اولی آرتور پونسوبی (Arthur Ponsoby) است که نام کتاب او "دروغ های دوران جنگ" (The Lies In the War Time) می باشد. پونسوبی که از سال 1910 تا 1918 عضو پارتنی لیبرال کابینه عوام بود، بعد ها وارد پارتنی کارگری شده بود، یک فرد مخالف جنگ است. کتاب خود را در سال 1928 منتشر کرده بود. در پروپاگاندا در مورد مراجعت بر کدام راه ها بعضی قسمت های جالب توجه این کتاب شامل بندهای ذیل می باشد:

"وزارت جنگ با انشاء یک بخشنامه، سربازان را، به دادن گزارش در مورد حوادث جنگی مرتبط با دشمن دعوت کرده بود، ضروری نبودن صحت مطلق حوادث و کافی بودن موجودیت عادی یک احتمال را علاوه کرده بود." (صفحه 20)

"حوادث دهشت قبول شونده ترین ها هستند: خصوصاً در این کشور (انگلیس) و آمریکا بدون آنها جنگ انجام نمی گیرد. تهمت و افتراء زدن به دشمن یک وظیفه در قبال وطن حساب می شود." (صفحه 22)

"در حوادث معمولی که یک نتیجه نمی تواند تولید کند حتی شهادت انسان ها اعتماد مطلق خلق نمی کند. لیکن در زمان علاوه شدن پیش داوری ها، هیجان ها، حرص ها و وطن پرستی به احساسات طرز بیان یک انسان کاملاً به حالی بی قیمت می آید. مستور کردن تمام اطراف با حکایات دهشت نا ممکن است، اینها با برشورها، پوسترها، نامه ها و نطق ها هر روز و هر روز تکرار شد. اشخاص صاحب شهرت به سبب موجود نبودن دلیل در محکوم کردن حتی دشمنان جان شان، در رهبری کردن برای مجرم نشان دادن تمام یک ملت با جنایت های غیر طبیعی و هر نوع وحشیگری که به عقل خطور کرده تناقض و بی قراری نکردند." (صفحه 129)



تابلوی ترسیم شده از طرف شعبه وارانای هنجاک به مورد ذکر و یاد آوردی اعضای مشهور و اختلال گرای (سفاک و غدار) تشکیلات.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

"برای افراد انس نگرفته در یک عکس کشیده شده با یک دستگاه عکاسی در مقیاس عظیمی سنگینی اعتماد کردن وجود دارد. از یک عکس آنی بیشتر از چیز موثق فهمیده نمی شود. هیچ کس شک کردن به یک عکس را از عقل نمی گذراند، به همین دلیل هم اگر ساختگی بودن آن ثابت شود، بسیار دیر به میان خواهد آمد، در طول جنگ مونتاژ عکس به حال یک صنعت در آمده بود. تمام دولت ها آن را انجام دادند، لیکن ماهرترین آنها فرانسه بود." (صفحه 135)

در طول قتل عام های 1905 در روسیه رسم های بسیاری کشیده شد، موجود بودن یک ازدحام در اطراف یک ردیف جسد متعلق به یک رسم به تاریخ 1915.06.14 در "له میرور" (Le Miroir) با تیتیر "جنایات گله های آلمان در لهستان" منتشر شده بود. تعداد موارد کثیر شبیه به این هم در روزنامه ها جا گرفت. " (صفحه 136)

دومین نویسنده آلن لئن (Allen Lane) و اسم کتاب او "آتش در خانه را مشتعل نگه داریم" (Keep the Fire at Home on) می باشد. در صفحه ابتدایی کتاب سخنرانی رئیس جمهور آمریکا کلوین کولیدج (Calvin Coolidge) در جمع اتحادیه نویسندگان روزنامه ذکر شده. رئیس جمهور اینگونه می گوید که: "پروپاگاندا، برای منعکس کردن بعضی از قسمت های حادثه و بریدن ارتباط آنها با یک دیگر، تلاش می کند که اگر تمام سری حادثه در یک شکل سالم بررسی شد امکان نرسیدن آن به یک نتیجه ممکن را ایجاد کند."

در بعضی از بندهای کتاب اینگونه نوشته شده:

"تلاش پروپاگاندا، آسان کردن کار است. با پروپاگاندا تشکلات موظف و ارگان های خبر با اصول قبول شده شان یک زمان طولانی، با تکرارهای مداوم، یک تفکر ذیحق در نزاع ها خلق می کند. تبلیغات چی، اساسا برای تناسب دعوت کردن مردم به باور خصوص های خیالات و تصاویر ساده قابل باور شدن خلق می شود. در جنگ جهانی دوم همانند معین کردن گوبلس (Göbels)، به اشخاص ساده لوح، در موضوعات فهمیده و طلب کرده، دادن دلایل در خود یافته غیر قابل تائید است." (صفحه 3)

"این در زمان جنگ، قبل از هر چیز، بنابر پیش داوری در مورد حرکت آنها، یک دیدگاه و حرکت که دشمن در انتظار آن است را خلق می کند. این، خبری که او را سمپاتی می کند را مخفی کرده و تقدیمی که در دشمن یک نفرت دایمی را بیدار خواهد کرد طلب می کند." (صفحه 3)

"حکایات وحشت در تمام جنگ ها به میان می آید، مقصد، خلق کردن نفرت و منظره جمع شده بر روی ترس برای الهام جنگ است." (صفحه 3)

"جنگ، با ایده ال های ساده جهانی که هر شخصی آن را می داند هیچ کس را در آن با عدم تطبیق دادن ناحق نشان نمی دهد؛ ایده ال هایی که تمثیل کننده خصلت های ملی، مثل: حریت، عدالت، دموکراسی و مسیحیت، هستند." (صفحه 4)

"حکایت های خاص وحشت، از مخابران بسیار دور از میدان حرکت آمده بود. اینها در شکل غیر قابل تغییری، توضیحات بعضی از ملتجیانی که هویت آنها نا معین است می باشد. بسیاری از اینها هم، خصوص هایی هستند که از دهان دوم شنیده شده اند." (صفحه 84)

جلد کتاب نوشته فرانس وئرفل (Franz Werfel) با اسم "چهل روز در کوه موسی" در این کتاب در کنار حوادث واقعی حوادث تزویری و تحریف شده جای گرفته.

A Myth Of Terror.

بحث پروپاگاندا را می توان با یک جمله از، سی. اف. دیکسن جانسون (C. F. Dixon Johnson) تمام کرد: "در حساب رسی نهایی به میان آمده از کل این حکایات قتل عام، با به ضرر تورکیه بودن، در تکرار کردن هدایت آن از طرف حکومت انگلیس بی قراری و تذبذب نخواهیم کرد."



قتل عام های ارمنی

مسئولین دولت تورک و صاحبان اقتدار بدانند که، از این به بعد نه یک تورک و نه دولت تورک برای هیچ ارمنی ارزشی نخواهند داشت. برای حفاظت از موجودیت خود راه های دیگر را به اندیشند.

از مقاله منتشر شده در روزنامه اوریزون (Orizon)، متعلق به ارگان نشر داشناکسوتیون در سال 1912 (1)

"تمام کودکان تورک برای ملت ارمنی یک وجه خطرناک هستند و باید کشته شوند"

بویاجییان (مراد) (Boyacıyan (Murad)) از لیبران دسته های غدار ارمنی - سال 1914 (2)

در طول جنگ جهانی اول دولت عثمانی و تورک ها علاوه بر قرار گرفتن در مقابل تجاوز دشمنان از هر چهار سو با خیانت های فراوانی هم روبرو شدند. دولت عثمانی زمانی که در مقابل دشمنان خارجی و داخلی سال ها در جنگ بود، کمیته های جنایات ارمنی در جغرافیای آناتولی حداقل یک میلیون تورک را به کشتار گرفتند، بعضی از نمونه های کشتار وحشتناک مردم تورک توسط ارمنه این گونه می باشد:

کشتن خونخوارانه سالخوردهگان، زنان، کودکان، سربازان و افراد غیر نظامی - گرفتن تورک ها و تکه تکه کردن آنها با سرنیزه و یا تبر - کشتن تورک ها با ضرب و شتم قرار دادن آنها با اشیاء فلزی و چوبی - دادن اجساد تورک های کشته شده به سگ ها - سوزاندن اجساد تورک های کشته با ریختن نفت (قطران) بر روی آنها - سوزاندن تورک ها درون سنده های آفروخته شده - پر کردن انبارهای کاه، خانه ها و مساجد با مردم تورک و به آتش زدن آنها - تجاوز به زنان و دختران، کشتن فجیع و شنیع زنان با نشاندن آنها بر سرنیزه ها - کشتن زنان با بریدن سینه، فرو کردن سرنیز و یا هیزم به ارگان های جنسی آنان - بریدن سینه زنان و فرو کردن پستان آنها درون دهان نوزادان شیر خواره شان - بریدن سر تورک هایی که به کشتار گرفته اند و نشاندن سر آنها بر سرنیزه ها و گرداندن آنان - دزدی و غارت کردن از خانه، محل کار و دایره های رسمی مردم تورک و تاراج مواد غذایی و اشیاء زینتی - کشتن نوزادان با سرنیزه - بعد از بحث بازی کردن سر جنسیت جنین زنان حامله، بریدن شکم زنان و نگاه کردن به جنسیت جنین - سرخ کردن کودکان بر روی آتش مانند بره و فرو کردن سرنیزه به آنها - انداختن کودکان به تنور و بعد تلاش برای خوراندن گوشت آن به مادران شان - لخت کردن پسر بچه ها تجاوز به آنان و بریدن ارگان های جنسی آنها - میخ کردن مردان و زنان تورک از دست هایشان به درها - بریدن بینی، گوش و چانه مردان و زنان تورک - بعد از لخت کردن زنان و دختران جوان با گفتن "زور باشید، نماز بخوانید" تحقیر و مسخره کردن آنها (در ادامه تجاوز کردن به آنان و یا کشتن آنها) - تجاوز و قیحانه به دختر بچه ها - کشتن مردان و بریدن اندام جنسی شان و گذاشتن آن درون دهان آنان و تحقیر مردگان - پر کردن واگن های قطار با مردم تورک و گرداندن بی مقصد آنان بدون آب و غذا، کمبود هوا و خستگی تا مردن آنان، کشتن انبوه مردم در خانه ها، قهوه خانه ها و دایره های رسمی با انداختن بمب به میان آنها - کشتن مردم تورک بعد از بیرون آمدن آنها از مساجد با حمله مسلحانه و بمب انداختن به میان آنها - به آتش کشاندن روستاها، خانه ها و مزرعه های مردم تورک - خفه کردن مردم تورک با آب، طناب و یا آویزان کردن آنها - در آوردن چشم تورک ها گرفته از حدقه - کشتن تورک ها با له کردن و خورد کردن سر آنها توسط سنگ و یا قنداق تفنگ - به نجاست کشاندن ریش اشخاص متدین و تکه تکه کردن اعضای بدن شان - لخت کردن تورک های به اسارت گرفته و مسبب مردن آنها شدن در سرمای شدید منطقه، قتل عام جمعی مردم تورک با بستن آنها به گلوله - کندن پوست تورک های به اسارت گرفته - داغ کردن بدن تورک های به اسارت گرفته با اشیاء فلزی - کشتن فجیع تورک های به اسارت گرفته با دادن نان زهرآلود - بریدن گوسفند مانند گردن تورک ها - انداختن نوزادان شیر خواره به هوا و گذاشتن سر نیزه زیر آنها و کشتن فجیع آنان - بریدن دست و پای تورک ها و رها کردن آنان.

دسته های سفاک و قاتلان غدار ارمنی، با حمایت و پشتیبانی قوای اشغالگر روسیه، انگلیس، فرانسه، و ایتالیا در وضعیتی تبانی با آنان در ولایت ها، شهرها و روستاهای مختلف آناتولی وارد نسل کشی بر علیه مردم تورک شده بودند زیرا تنها راه تحقق رویای سقیم ارمنستان بزرگ در پاک سازی مناطق از مردم غیر ارمنی بود. مزارهای جمعی متعلق به تورک ها در آناتولی (کارس، وان و ارضروم) و آذربایجان گواه انجام گرفتن نسل کشی بر روی مردم تورک توسط ارمنه می باشد.

در تاریخ 1985.11.24 مجله Le Petit Journal فرانسوی، در خبر خود با زدن تیتر "دسته های پارتیزان ارمنی چگونه تورک ها را ذبح کردند" گوشه ای از جنایات سفاکان ارمنی بر علیه مردم تورک را افشاء می کند.

در دایرة المعارف جنگ جهانی اول که توسط استفان پوپ (Stephen Pope) و الیزابت - آن ویل (Elizabeth-Anne Wheal) در سال 2003 نوشته و در انگلیس منتشر شده اینگونه می نویسد:

"تورک ها هنوز درون مقدمات تجهیز قوا بودند که، ارمنه با خونریزی در آناتولی شرقی کشتار فجیع 120.000 نفر که ارمنی نبوده اند را شروع کرده بودند." در کتاب تعریف کلمه کشتار فجیع (slaughter) بسیار قابل توجه می باشد.

در وان تمام تورک ها از طرف ارمنه به نسل کشی گرفته شدند. روزنامه گوچناک (Goçnak) ارمنی منتشر شده در ایالات متحده آمریکا در شماره خود به تاریخ 1915.05.24 با مدح " تنها ماندن 1.500 تورک در وان" به توضیحات خود ادامه می دهد.

در دوران سیر امضاء شدن معاهده برلین مسئله ارمنی در دو جهت توسعه داده شده بود. ابتدا، فشار و مداخله دولت های غربی بر روی دولت عثمانی؛ اما دومی، ارمنه ای که در آناتولی، سوریه و روملی زندگی می کردند در مکانهای مختلف آناتولی، خصوصاً در شرق آناتولی و در کیلیکیا تشکیلاتی و مسلح شده بودند. نخستین تحرکات از جانب روسیه آغاز شده بود، این حرکت روس ها با علاقه ارمنه انگلیس و فرانسه به پیش رانده شده بود. در شرق آناتولی کنسولگری های انگلیس به سرعت در حال افزایش بود، بعلاوه برای منطقه در تعداد کثیری میسیونر پروتستان فرستاده شده بود. در نتیجه این تحریکات اعتباراً از 1880 در شرق آناتولی کمیته های ارمنی شروع به تشکیل شدن کردند. اما، این کمیته های مانده در سطح محلی، با نبود شکایت از دولت عثمانی و زندگی درون صلح و رفاه اقلیت ارمنی، آنها را در علاقمند کردن مردم به خود نا موفق گذاشته بود.

با نبود امکان وارد کردن ارمنه عثمانی بر علیه دولت توسط تشکیل کمیته های داخلی، این بار روسیه به ارمنه خود در تشکیل کمیته های خارج از خاک های عثمانی متوسل شده بود. بدین ترتیب در 1887 در ژنور اعتدال اربابگر هنجاک مایل به سوسیالیسم؛ لیکن در 1890 در تفلیس کمیته های افراطی ترور، عصیان، مجادله و طرفدار استقلال داشناک به میان آمدند. برای این کمیته ها، به اصطلاح **رها کردن خاک های آناتولی و ارمنه عثمانی** هدف نشان داده شده بود.

تشکیلات متشکل در استانبول با کشیدن توجه دولت های اروپایی به مسئله ارمنی و با هدف گیری به تحریک ارمنه عثمانی در بین مبادرت های شروع به عصیان هنجاک ها، داشناک های آغازگر مجادله سیاسی قابل توجه شده بودند. خصوصیات مشترک این مبادرت عصیان؛ ایجاد پلان برای کمیته چی های آمده از خارج کشور عثمانی و امکان جهت دار کردن آنها در فعالیتهای تشکیلاتی شده توسط جستن کمک بزرگ میسیونرهایی که در آناتولی پخش شده اند بوده.

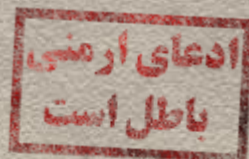
اولین عصیان در 1890 در ارضروم به وقوع پیوست. باز دوباره در همان سال تظاهرات به میدان آمده در کومکاپی، در 93-1892 قیصری، یوزگات، چوروم و حوادث مرزفون، در 1894 عصیان ساسون، تظاهرات باب عالی و عصیان زیتون، در 1896 عصیان وان و اشغال بانک عثمانی، در 1903 دومین عصیان ساسون، در 1905 مبادرت در سوقصد به جان سلطان عبدالحمید دوم (Sultan II. Abdülhamit) و نهایتاً در 1909 عصیان به وقوع پیوسته در آدانا مشاهده شده بود. مثلاً در سال 1914 در زیتون 100، 1915 در حوادث وان 3.000 و 1914-15 در حوادث موش 20.000 تورک، در نتیجه مظلیم سفاکان ارمنی حیات خود را از دست دادند.

در نگاه کلی در بین سالهای 1906-1922 در آناتولی و قفقازها 517.955 تورک، توسط وامپیرهای ارمنی به نسل کشی گرفته شدند، با شمار تثبیت نشده ها این رقم نزدیک به 2 میلیون نفر می باشد.

فرو نشانی عصیان ها توسط قوای عثمانی، با هدف دار کردن تبلیغاتی برای افکار عمومی غرب با پیام "مسلمانان مسیحیان را بقتل می رسانند" معکوس شده و مسئله ارمنی رفته رفته در یک قطر وسیع تر در وصف یک مسئله بین المللی پیچیده شده بود. همان گونه که، در ارتباط با آن دوران گزارش نمایندگی های دیپلماتیک روس و انگلیس، **هدف اختلال گران ارمنی با ایجاد هرج و مرج تا جواب ندادن عثمانی ها و از این قرار، تامین کردن مداخله کشورهای خارجی در این وضعیت بوده و آن را تثبیت می کرده، می باشد.**

از طرف دیگر نمایندگی های دیپلماتیک و کنسولگری دولت های بزرگ در هر گوشه آناتولی پخش شده با همکاری میسیونرهای مسیحی، در پروپاگاندا و تبلیغات ارمنی با تلفیق و پیام رسانی به افکار عمومی غرب نقش بزرگی را بازی کرده بودند.

ارمنه، در طول تاریخ بزرگترین ضرر ممکن به مردم تورک را با ورود به قتل عام ها در طی جنگ جهانی اول داده بودند. در این دوران ارمنه؛ به حساب روس ها جاسوسی انجام داده، در اعلان سرباز گیری لازم برای تجهیز کردن قوا بدون تعدیل از سربازی فرار کرده، آنهایی هم که به سربازی آمدند و به زیر سلاح رفته بودند همراه با سلاح خود با ورود به صف قوای روس، **جرم "خیانت به وطن"** را با یکدیگر انجام داده بودند.



1) Orizon, No 196, 1912'den aktaran: K. N. Karamyan, Polojenie Zapadnih Armyan, "Armeyanskiy Vopros" i Mejdunarodnaya Diploma tiya V Posledney Çetverti XIX Veka i Naçale XX Veka, s.81, Yerevanski Gosudarstvenniy Universitet, Erivan, 1972
2) History of the Dashnaksutun" (Alternately known as "History of the A.R.Federation" ["H. H. Dashnaksutyan Patmutiwn," Paris, 1932 and Cairo, 1950



مسلمانانی که در تاریخ 1914.08.29 در طی زیارت آرامگاه حوالی سیوژک - ارفا یوکسک یول و کاراجاداغ از طرف دسته های پارتیزان ارمنی ابتدا به اسارت گرفته شده و بعد با قصد به جانشان به شهادت رسیده اند.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

برای ارمنه به نوبت، در آناتولی کمیته هایی مثل: "صلیب سیاه"، "آرمناکان" و "محافظان وطن"، در ژنور؛ "هنچاک"، در تفلیس "داشناک" بنا شده بود. برای این کمیته ها هدف بودن اراضی آناتولی شرقی و متحد کردن ارمنه عثمانی میدان نشان داده شده بود.

کمیته های ارمنی که با این اهداف تحریک شده بودند، برای اولین بار در سال 1890 در ارضروم عصیان را شروع کرده، در ادامه تظاهرات کوم کاپی، حوادث قیصری، یوزگات، چوروم و مرزیفون، عصیان ساسون، تظاهرات باب عالی، عصیان وان و زیتون، اشغال بانک عثمانی، سوء قصد به جان سلطان عبدالحمید دوم (Sultan II. Abdülhamit) و در 1909 عصیان آدانا را به وقوع رساندند.



قتل عام با تبر: تصویری کشیده شده از قسمتی از مسلمانان بقتل رسیده توسط ارمنه با تبر در روستای کوللار از میت بعد از حادثه.

Ermeni Ayaklanmaları ve İhtilal Hareketleri.

در طی این عصیان ها، مثلاً در سال 1914 در زیتون 100، 1915 در حوادث وان 3.000 و 1914-15 در حوادث موش 20.000 تورک، در نتیجه مظلیم سفاکان ارمنی حیات خود را از دست دادند. در نگاه کلی در بین سالهای 1906-1922 در آناتولی و قفقازها 517.955 تورک، توسط وامپیرهای ارمنی به قتل عام گرفته شدند، با شمار تثبیت نشده ها این رقم نزدیک به 2 میلیون نفر است.



یک زن تورک در ارزینجان با نام پاکیزه که از طرف ارمنه ابتدا مورد تجاوز قرار گرفته و نهایتاً به قتل رسیده است.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

ارمنه، در طول تاریخ بزرگترین ضرر ممکن به مردم تورک را با ورود به قتل عام ها در طی جنگ جهانی اول داده بودند. در این دوران ارمنه؛ به حساب روس ها جاسوسی انجام داده، در اعلان سرباز گیری لازم برای تجهیز کردن قوا بدون تعدیل از سربازی فرار کرده، آنهایی هم که به سربازی آمدند و به زیر سلاح رفته اند همراه با سلاح خود با ورود به صف قوای روس، جرم "خیانت به وطن" را با یکدیگر انجام داده بودند.



1918.02.10، بدن بی جان تورک هایی که بعضی از قسمت های بدن آنها با بریده شدن توسط ارمنه درون چاه های آب انداخته شده بود.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

هنوز در شروع تجهیز کردن قوا، دسته های غدار ارمنی با وارد شدن به هجوم بر علیه واحد های تورک، وارد قتل عام های بزرگی شده، در روستاهای تورک نشین با تنظیم حمله های رد آسای سریع بزرگترین زیان را به مردم غیر نظامی داده بودند. مثلاً تمام مردم روستای زوی وان از طرف ارمنه بدون گفتن پیر و زن و کودک کشته شده بودند.



کودکان به قتل رسیده توسط ارمنه در ارزینجان.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.



1918.04.25، زنان و کودکان تورک که در سوباتان از طرف سفاکان ارمنی به صورت وحشیانه ای کشته شده اند، یکی از حرکات مخوف غدارهای ارمنی این بود که: آنها سر جنسیت جنین های درون شکم زنان حامله شرط بندی کرده و آنها را با پاره کردن شکم مادران شان بیرون می کشیدند. این حرکت نفرت انگیز ارمنه همانند موجود بودن در تصویر فوق در قتل عام های آناتولی و آذربایجان بارها اتفاق افتاده.

Massacre Exerted By The Armenian On The Turks During World War I Pictures.

ادعای ارمنی
باطل است

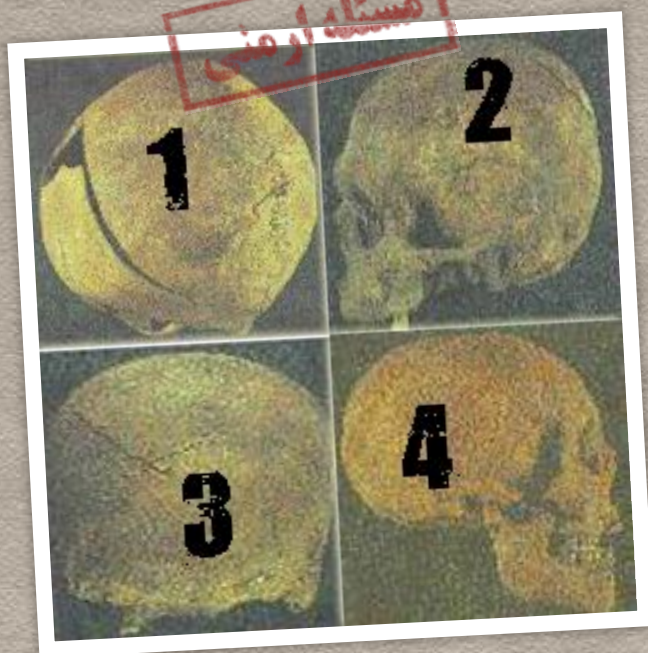
قتل عام وان - ارجیش - چاووش اوغلو (اجساد یافت شده در انبار کاه)

پروفسور دکتر متین ازبک (Prof Dr. Metin Özbek) که در منطقه تحقیقاتی انجام داده، حادثه را اینگونه نقل می کند:

"در محلی که به آن انبار کاه چاووش اوغلو گفته می شد در حال انجام گرفتن حفاریات اساسی یک خانه، اسکلت های یافت شده انسان بر اثر یک تصادف بزرگ از نظر انسان شناسی را به مورد بررسی تحویل گرفته و آنها را به لابراتوار مان در دانشگاه حاجت تپه بردم. همانند آنچه که معلوم است، شاخه علمی انسان شناسی با رساندن یک تیم تکنیک و اصول امکان به دست آوردن اطلاعاتی همچون سن جسد، جنسیت، دلایل مرگ، بیماری ها و اطلاعات بسیار بیشتری را دارد. به غیره در جمجمه ها هم تعیین نژاد انجام شد.

در بقایای اسکلت های گرفته ام، در بین استخوان های سر و بدن مقایسه کردن ممکن نشد. به همین جهت، حساب فرد را فقط بنابر جمجمه ها انجام دادیم و برای هر جمجمه یک شماره دادیم. یعنی دیگر هر فرد دارای یک هویت انسان شناسی جداگانه شد.

در بین یافته ها 5 زن و 4 مرد تثبیت کردیم. مهمترین معیار نشان دهنده سن افراد کشته شده قسمتی به اسم "symohysis pubis" در استخوان کفل می باشد. در 7 اسکلت این نقطه حفظ شده بود. فهرست توزیع سن اسکلت های یافته شده افراد در انبار کاه چاووش اوغلو در ذیل بدین شکل می باشد.



مونث (P6) سن 17-18

منکر (P7) سن 17-18

مونث (P4) سن 18-19

مونث (P3) سن 27-30

منکر (P2) سن 35-40

مونث (P1) سن 39-44

منکر (P5) سن 50 (تقریباً)

کودک (D1) سن 15 (تقریباً)

در این اسکلت ها که سن و جنسیت آنها را مشخص کردیم، در اصل یک جهت مشترک متوجه کننده هم وجود دارد. آن هم این است که، در جمجمه تمام افراد کشته شده نشان ضربه یک وسیله برنده یافت می شود. یعنی آشکارا کشته شدن آنها با شکنجه"

تعدادی از بقایای قتل عام شدگان وان - ارجیش - چاووش اوغلو

1. آثار بریدگی موجود بر روی جمجمه ها:

No.1 مونث: در جمجمه دو شکاف راه باز کرده با یک وسیله برنده موجود می باشد. یکی از این شکاف ها بر روی استخوان اهیانه قرار گرفته. امتداد آن 42 میلیمتر می باشد. دومین شکاف هم باز بر روی استخوان اهیانه است، کمی در عقب سر قرار گرفته و امتداد آن 36 میلیمتر می باشد. با هدف گرفته شدن مغز در نتیجه وارد شدن این ظریبات مرگ آنی شخص در محل تثبیت شده است.

No.2 مونث: (تصویر 1) بر روی این سر 4 رد بریدگی مشخص کردیم. اولی بر روی استخوان اهیانه چپ بوده و امتداد آن 95 میلیمتر می باشد. وسیله برنده با شکافتن استخوان سر تا مغز فرو رفته است. شکاف دوم بر روی هر دو استخوان اهیانه قرار گرفته. جسم برنده (می تواند تبر باشد) فرو آمده بر روی سر، جمجمه را متلاشی کرده، با یک احتمال بزرگ مغز را هم متلاشی کرده است. اینگونه تهاجمی برای مرگ آنی آن شخص کافی بوده. ضربه سوم باز در طرف چپ است، به اهیانه اثبات کرده. این شکاف حدوداً 12 میلیمتر در پشت شکاف اولی قرار گرفته. طول شکاف باز شده 48 میلیمتر می باشد، لیکن عرض آن 19 میلیمتر است. قسمت بریده یک ماکو را خاطر نشان می کند. لیکن ضربه چهارم وارد شده بر سر با سومی در یک مسیر می باشد و فقط در پشت آن وارد شده. نیمی از شکاف بر روی استخوان اکسیپیتال قرار گرفته است.

No.3 مذکر: (تصویر 2) یکی از افرادی بود که بر روی سر وی بیشترین آثار بریدگی را معین ساختیم. ضربه اول بر روی گوش چپ اثبات کرده؛ وسیله برنده برآمدگی حمله را از ریشه جدا کرده، استخوان اکسیپیتال او هم به صورت خفیفی ساییده شده است. ضربه دوم بر روی چشم چپ برخورد کرده و بر روی پراک فرانتال یک رد عمیق بریدگی به جا گذاشته است. ضربه سوم که طول آن 75 میلیمتر می باشد لیکن در اهیانه چپ دیده می شود. وسیله برنده وارد شده به مغز بر یک شکاف امتداد یافته از برآمدگی اهیانه چپ تا سوتورا لامبودئال پس راه باز کرده است. از شدت ضربه شکاف هایی بر روی سر ایجاد شده. ضربه چهارم وارد شده بر سر دواخت ساگییتال را بریده است. طول بریدگی 48 میلیمتر می باشد. لیکن ضربه پنجم که توسط جسم برنده وارد شده در پلان افقی بوده و قسمت

اهیانه چپ نزدیک دوخت ساگیتال را ساید و برداشته است. وسیله برنده، بعلاوه به زیگوماتیک هم اثابت کرده. در این محل همراه با زیگوماتیک قسمتی از استخوان چانه هم بریده شده است. شخص در همان زمان به آتش انداخته شده و سوخته شده بود.

No.4 (مذکر): (تصویر 3) به مغز با یک وسیله برنده سه ضربه جداگانه وارد شده. اولی به سمت عمومی اهیانه اثابت کرده، این رد بریدگی که امتداد آن 37 میلیمتر می باشد، یک شکاف بر روی بریدگی دوم که روی اهیانه چپ و فرونتال در جهت افقی می باشد قرار گرفته. طول رد بریدگی 92 میلیمتر است. ضربه سوم باز بر روی اهیانه چپ اثابت قرار گرفته، امتداد آن 49 میلیمتر، لیکن یک شکاف که عرض آن 21 میلیمتر می باشد را ایجاد کرده است. جسم برنده قسمت تابولا اکسترنا را با ساییدن برداشته است. مثل شخص قبلی، این هم بعد از مرگ سوخته شده است.

No.5 (مونث): (تصویر 4) بر روی سر وی چهار اثر بریدگی تثبیت کردیم. اولی در محل فرونتال بوده و طول آن 28 میلیمتر می باشد، شکافی که بسیار عمیق نیست. دومی در فرق سر، بر روی هر دو اهیانه و در طول 77 میلیمتر می باشد، تا حد امکان یک شکاف عمیق می باشد. ضربه ای کافی برای مرگ آنی این زن. ضربه سوم هم در وصف کشنده می باشد، به گوش راست اثابت کرده، مثل بریدن قسمت حملی از ریشه قسما برآمدی استخوان چانه را هم بریده است. رد بریدگی چهارم با قسمت لثوی روی چانه بالایی راست مرتبط می باشد. اثر جسم برنده در اینجا تنها با بریدن استخوان خلاصه نشده و بر تخریب شدن تاج دندان آسیاب دوم کوچک بالایی هم راه باز کرده است.

No.6 (مذکر): این شخص مسن که بر روی سر او 4 شکاف موجود است. اولین شکاف در طول 57 میلیمتر، عرض 14 میلیمتر تا حد امکان عمیق بود و بر روی اهیانه چپ می باشد. در این محل وسیله برنده تا مغز فرو رفته است. در قسمت پیشین شکاف از طرف دوخت ساگیتال رد یک بریدگی به طول 23 میلیمتر وجود دارد. رد ضربه دوم بر روی اهیانه راست بوده و در وسط دوخت ساگیتال می باشد. این رد بریدگی که طول آن 29 میلیمتر و عرض آن 28 میلیمتر می باشد از طرف دو شکاف جداگانه در جهات افقی و اریب بریده شده است. یکی از اینها با طول 43 میلیمتر و دیگر در طول 42 میلیمتر می باشد. لیکن ضربه سوم بر روی اهیانه راست اثابت کرده است، چند میلیمتر جلوتر از سوراخ اهیانه می باشد و یک جهت اریب هم دارد. ضربه چهارم بیشتر از یک وسیله برنده، در قسمت نزدیک به دوخت ساگیتال بر روی سر این مرد با یک شی نوک تیز وارد شده، شاید هم با همچنین جسمی مورد شکنجه قرار گرفته است.

No.7 (مذکر): با یک جسم برنده کلا 5 ضربه جداگانه خورده. اولی بر روی محل گوش چپ اثابت کرده؛ وسیله تهاجم، برآمدگی حملی را از ریشه بریده و برداشته. حتی ریشه کمر زیگوماتیک هم از ریشه بریده شده. بر روی ریشه گوش چپ با یک جسم برنده دو بار پشت سرهم ضربه وارد شده است. در نتیجه این ضربات وارد شده شخص بلافصله مرده است. دومین رد بریدگی بر روی اهیانه راست نزدیک قسمت دوخت لامبدا می باشد. طول شکاف که قسما در پلان افقی بوده 41 میلیمتر می باشد. این بریدگی سوم بین دو دوخت لامبدا بوده، بر روی اکسیپیتال به طول 44 میلیمتر می باشد. پنجمین رد بریدگی هم در پشت سر و به طول 53 میلیمتر می باشد.

No.8 (مونث): بر روی سر این دختر بچه 15 ساله کشته شده سه رد بریدگی موجود می باشد. اولی بر روی اهیانه راست بود، به طول 50 میلیمتر و شکافی است که عمق آن تا مغز فرو رفته است. لیکن رد بریدگی دوم نسبت به اولی در موضع عمودی بوده و طول آن 20 میلیمتر می باشد. شکاف سوم در پشت سر می باشد. این دختر بچه بعد از کشته شدن جداگانه سوخته شده است.

No.9 (مونث): در سن 17-19 سالی کشته شده. در جمجمه او بر روی استخوان های محفوظ مانده هیچ گونه اثر ضربه موجود نیست. یک قسمت مهم از اکسیپیتال جدا و یا غیب شده. در مورد علت مرگ چیزی نمی توانیم بگوییم.

2. تشخیص نژاد در اسکلت ها:

در جمجمه از راه اندازه، شاخص و مشاهده مورفولوژیک می توان نژاد را معین ساخت. هرچند، درون هر گروه نژادی بعضی وضعیت های متناوب را هم نباید فراموش کرد. در روشنایی اصلاحاتی که تکنیک آنتروپومتریک به ما تقدیم می کند اسکلت های یافت شده در انبار کاه چاووش اوغلو را بررسی کردیم.

بنابر این شاخص جمجمه یک مقیاس مهم نژادی است و آن را در 8 جمجمه حساب کردیم. ارزش های کشف کرده مان بین 76-89 متغیر می باشد. در آن حال، 4 فرد وارد گروه مزوسفال، لیکن دیگران هم وارد گروه براکیسفال می شوند. به ساختار دولیکوسفال در هیچ یک از جمجمه ها تصادف نکردیم. در آناتولی تا حد ممکن نژاد آلپین شایع می باشد در این نژاد مثل وارد شدن تیپ هایی مثل براکیسفال، مزوسفال ها هم وارد می شوند.

تمام اسکلت ها موجود در دستمان به غیر از یکی متعلق به نژاد آلپین می باشد. خاطر نشان کردن این که نژاد اکثر تورک های آناتولی در نژاد آلپین جای گرفته ضروری است. لیکن تنها یک زن جوان در سن 17-19 وارد این گروه نمی شود؛ وارد تنوع شرقی که بر آن اسم آرمنوید نژاد دیناریک داده شده است می شود.

در حال حساب کردن قامت آنها از معادله های رگریشن متعلق به تروتر و گلستر استفاده کردیم. در حالی که در 3 زن ارزش های 159.9 سانتیمتر، 159.2 سانتیمتر و 168.2 سانتیمتر یافتیم؛ در 3 مرد هم به ترتیب ارزش های 170.1 سانتیمتر، 172.4 سانتیمتر و 173.5 سانتیمتر یافتیم.

به غیره در انبار کاه چاوش اوغلو همراه با اسکلت ها 1 دکمه پیراهن، یک تکه آهن دارای ساختار برنده و یک تکه از چانه بالایی یافت شد. بنابر اطلاعات داده پروفسور دکتر ایلتر اوزل (Prof.Dr.İlter Uzel) از آکادمی طب گلخانه دانشکده داندان پزشکی تکه پروتز بالا متعلق به طرف راست عقب می باشد. پروتز از کائوچو، اما دندان ها از پورسلن می باشند. پروتز، در اوایل سال های 1900 در افرادی که وضع مالی مناسب داشتند استفاده می شد. لکه های نیکوتین موجود بر روی پروتز متعلق بودن آن به یک مرد را به فکر می آورد. این نوع پورسلن، در بین سال های 1915-1925 استفاده شده و محصول شرکت SSN (ایالات متحده آمریکا) می باشد. بدین طریق متعلق بودن اسکلت ها به کدام دوران هم آشکار می شود.

3. آثار زخم خوردگی در استخوان های دراز:

به رغم تصادف با تعداد زیاد اثر بریدگی در جمجمه ها، در استخوان های بازو، ساق پا و یا قسمت های بدن به اندازه ای که به آن نمی توان نه گفت آثار کمی از ضربه وجود دارد. طبیعی که کشته شدن فردی اگر خواسته شود، اولین نقطه تهاجم به سبب موجود بودن مغز در سر خواهد بود.

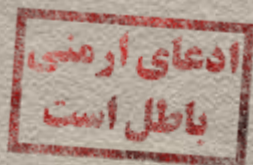
در استخوان بازوی چپ یک فرد مسن در میان بدنه و در طرف بیرونی 3 رد بریدگی موجود می باشد. استخوان اثر سوختگی را نشان می دهد. در استخوان درشت نی متعلق به یک زن بر روی بدنه، در طرف پیشین رد یک بریدگی عمیق جای گرفته است.

در یک استخوان درشت نی متعلق به یک مرد، در محلی نزدیک به قسمت زیرین در طرف داخل تا حد امکان رد یک بریدگی عمیق را تثبیت کردیم.

4. نتیجه عمومی و ارزیابی:

در بررسی های مفصل انسان شناسی انجام گرفته بر روی اسکلت هایی که تصادفا در انبار کاه چاوش اوغلو (شهرستان ارجیش) به میان آمداند، اکثر آنها انسان های جوان بوده، هوشیارانه به قتل رسیده و یک قسم هم سوخته شده اند.

اسکلت های تیپ نژاد آلبین و خصوصا بنابر موضوع بحث متعلق بودن قوی آنها به تورک های آناتولی توضیحات شاهدان زنده ای که در این مناطق زندگی می کردند از یک نظر دارای صفت پشتیبانی این تهاجم و شکنجه های وحشتناک است که این افراد با آنها رو دررو شده اند. حال تاریخ (جعل شده) معکوس شده در وضعیت طبیعی سیر می شود؛ بقتل رسیده گان ارامنه نبوداند بلکه آشکارا تورک بودن آنها به میان می آید.



حفریات مزار جمعی کارس - سوباتان

پروفسور دکتر جودت باشاران (Prof. Dr. Cevat Başaran) ارکولوژ حاضر در تحقیقات منطقه، در مورد حادثه اینگونه می نویسد:

"یکی از حفریات مزارهای جمعی که هدف به میان آوردن حقایق و واقعیت های حوادث تلخ به میدان آمده در آناتولی شرقی بین سال های 1915-1918 را به میان می آورد در کارس - سوباتان انجام گرفت. در 28 کیلومتری شرق کارس، باز شدن مزار جمعی موجود در روستای سوباتان در نزدیکی محل آبی اؤرئن قرار گرفته در مرز تورکیه - روسیه بعد از سمپوزیون "کارس و آناتولی شرقی در تاریخ نزدیک" در روز 1991.06.20 به وقوع پیوست.



مزارهای جمعی کشف شده در کارس - سوباتان

در سال 1918 در طول کشیده شدن وامپیرهای غدار ارمنی از منطقه، روستای سوباتان که مثل خیلی از مراکز مورد هجوم دسته های اربابگر ارمنی قرار گرفته بود، بر روی راه آبی در جنوب تپه های بزرگ و کوچک یاهنی موجود است. عملیات حفر موجود در روستای سوباتان که حدود 20-30 خانوار نفوس مسلمان را در خود جای داده، در راستای بیانات شفاهی متحملان حوادث (یکی از شاهدان عینی فارض اؤزتورک (Fariz Öztürk) 120 ساله و دیگری دوراغا اؤزتورک (Durağa Öztürk) 95 ساله) در روستا، از محل چهار مزار جمعی معین شده انبار کاه محله کؤسه اوغلولار در دهانه ای با ابعاد 8x10 متری برای باز شدن به اجراء گرفته شد.

در میدان تقسیم شده به چهار مستطیل جداگانه 4x5 متری اولین عملیات در دهانه A-I شروع شد. ابتدا کندوکاو رانده شده در سطح وسیع بعد ها در نقطه داخلی برش دهانه های B-I و A-I حجیم شد. بعد از برداشته شدن خاک پر شده 40 سانتی متری با اولین اسکلت ها برخورد شد. اکثر اسکلت های به دست آمده در هم متعلق به کودکان با گروه سنی بین 0-1 بودند که همراه با وسایل درجای طبیعی دیده شدند.

در دهانه A-I در حدود عمق 80 سانتیمتری گروه اسکلت به دست آمده تا حد امکان ساختار فابل توجهی را نشان می دادند. این اسکلت های مقرر گشته در جهت های شمال - جنوب باید متعلق به یک مادر و دختر بچه می بودند. اسکلت زن بر روی طرف راست افتاده بود و با دست چپ خود به فرزند در آغوش اش پیچیده بود. اثر دو ضربه معین شده بر روی جمجمه این زن، خصوصاً در وصف نشان دهنده به قتل رسیدن آنها محتملاً با وسیله ای مثل تبر و یا جسم برنده می باشد. در حرکت اول که تبر زیاد موثر نبوده، دومی با عمق برداشتن جمجمه را نصف کرده بود. زن و کودک با البسه موجود بر روی خود دفن شده بودند.

در گروه اسکلت دیگر به دست آمده در گوشه جنوبی دهانه A-I تنها قسمت بسیار کمی باز شده بود. از اینها تا جایی که قابل تصور می باشد اجساد باز بصورت تصادفی خوابانده شده بودند. بعد از تلاش های نخست انجام گرفته در ایجا اسکلت های 12 کودک و 3 فرد بالغ به میان آمد.

در گروه دیگر اسکلت به دست آمده در گوشه جنوبی دهانه A-I تنها قسمت بسیار کمی باز شده بود. از اینها تا جایی که قابل تصور می باشد اجساد باز بصورت تصادفی خوابانده شده بودند. بعد از تلاش های نخست انجام گرفته در ایجا اسکلت های 12 کودک و 3 فرد بالغ به میان آمد.

در طول حفاریات از بین کشفیات دیگر به دست آمده تکه های لباس زیر و البسه ابریشمی، سگک فلزی متعلق به یک کمر، دو جفت گوشواره، منجوق های رنگی زیاد متعلق به یک گردن بند کوچک، زنجیر فلزی، دکمه های لباس، یک سکه مسی که تا حد امکان زنگ زده بود و نقطه به نقطه اخشاب ستون های افقی پوسیده یافت شده بودند. این کشفیات، در موزه کارس در بخش باز شده قتل عام برای نمایش داده شدن گرفته شدند.

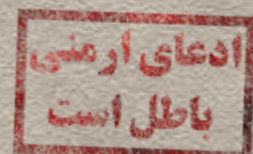
بنابر بیانات شاهدان عینی حوادث فارض اؤزتورک (Fariz Öztürk) و دوراغا اؤزتورک (Durağa Öztürk) که اسناد آرشیو را پشتیبانی می کنند، قتل عام انجام گرفته توسط ارمنه در تاریخ 1918.04.25 اینگونه انجام گرفته: دسته های پارتیزان داشناک - ارمنی با عقب نشینی از کارس و ساریکامیش، در آن زمان ها که در روستای سوباتان تورک، ارمنی و رومی ها در کنار هم زندگی می کردند به روستا تاخت اند. دسته های غدار ارمنی با آتش زدن هر طرف با بی اعتنایی، در هر جا که روستاییان را به چنگ می آورند در همان جا آنها را ظالمانه می کشتند.

بنابر تصاویر به دست آمده از اسناد آرشیو و رسیدن به یافته های بعد کندوکاو زنان، کودکان و مردان مسن که با ضربه خوردن از سر توسط تبر و یا پاره شدن شکم با سرنیزه خون خواران مخوف ارمنی کشته شده و در جاده ها رها شدند.

بنابر اطلاعات به دست آمده از اسناد آرشیو در روستای سوباتان جمعا به قتل رسیدن 570 نفر شرح داده شده است. بلافاصله با کشیده شدن دسته های پارتیزان ارمنی منطقه از نو به دست واحدهای ارتش تورک می افتد. اجساد انسان های بقتل رسیده که در کوچه و جاده ها در حال تعفن و یا توسط سگ ها خورده می شدند، از طرف افراد زنده مانده و سربازان با جمع آوری شدن در یک نقطه معین روستا در انبارهای کاه و هیزم قرار می گیراند.

به علت عدم امکانات آن دوران و کثرت تعداد مردگان انبارهای کاه که به عنوان مزار برای دفن شدن بکار رفته بودند از راه فرو آورده شدن برای این انسان های معصوم یک "مزار جمعی" می شوند.

در سوباتان از مکان یافت شدن سه مزار جداگانه تا انبار کاه موجود در محله کؤسه اوغلولا مدفون شدن بیش از 180، در جاده تیپ تیپ بر روی 257 کودک و در انبار موجود در جنوب مسجد بیش از 350 با شرح های اسناد آرشیو و شاهدان معین شده بود.



حفریات مزار جمعی وان - زَو

پروفسور دکتر جودت باشاران (Prof. Dr. Cevat Başaran) ارکولوژی که در منطقه تحقیقات انجام داده اینگونه تثبیت می کند:

"در نزدیکی های روستای چیتورنن که در 18 کیلومتری شمال غربی وان قرار دارد در مکانی به اسم شهادتگاه زو در عملیات حفر شروع شده در تاریخ 1990.04.04، در حفریات انجام گرفته در راستای شرح های شفاهی یکی از شاهدان عینی متحمل حادثه ابراهیم سارگین (İbrahim Sargin)، بعد از برداشتن 30-40 سانتیمتر از خاک پر شده، با اسکلت انسانی که به صورت جمعی کشته شده بودند برخورد شد.



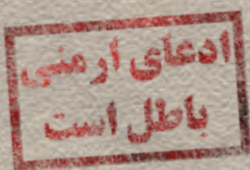
مزار جمعی کشف شده در وان - زَو

در مجموعه بعضی از این اسکلت ها موجود بودن شکستگی و له شدگی، ترک خوردگی و سوختگی مشاهده شده بود. مهمترین آنها غلاف خنجر و قمه، تعداد زیادی پوکه مرمی، تکه های پارچه ابریشمی، منجوق های سلطان رشاد تغزل گردنبندی، تعویذ بسته شده با موم عسل، سکه های مسی و دکمه های شفاف.

یافته ها، در تناسب با شرحیات شاهد عینی به این اطلاعات می رسد. در سال 1915 دسته های پارتیزان ارمنی که با پشتیبانی روس ها وارد منطقه شده بودند، به روستاها تاخت و شروع به قتل عام مردم غیر نظامی تورک و مسلمان منطقه می کنند.

دسته های پارتیزان ارمنی که از 8 روستای حوالی نزدیک با جمع کردن تقریباً 2.000-2.500 نفر و آوردن اجباری آنها به روستای زو، این مردم را به صورت تصادفی داخل خانه ها و طویله ها کرده و با اجسام سوراخ کننده و برنده بعد از شکنجه آنها بر روی انسان ها آتش گشوده اند. بعد از آن هم تمام خانه ها را ویران کرده اند.

وسایل به میان آمده در کندوکاو در "بخش قتل عام" موزه وان به نمایش گذاشته شده است."



حفریات مزار جمعی ارضروم - دوملو - روستای ینشیل یایلا

پروفسور دکتر جودت باشاران (Prof. Dr. Cevat Başaran) ارکولوژ حاضر در تحقیقات منطقه، در مورد حادثه اینگونه می نویسد:

"حفریات مزار جمعی روستای ینشیل یایلا ارضروم با ملحق شدن مطبوعات خارجی در تاریخ 1988.10.07 به وقوع پیوست. در قتل عام ینشیل یایلا که بنابر دانسته های مان از خاطرات کاظم کارابکر پاشا (Kazım Karabekir Paşa) در ماه مارس 1918 به اتفاق افتاده است، زنان، کودکان و مردان مسن منطقه با جمع و پر شدن آنها توسط ارامنه در انبارگاه بر روی آنها آتش گشوده شده است.

در میدان کندوکاو یک قوطی توتون منقوش به نشان ماه و ستاره، صفحه های قرآن کریم، پوکه های مرمی، تکه های اخشاب ستون نیمه سوخته، موهای بلند بافته شده، تکه های البسه ابریشمی و دکمه های لباس کوچک یافت شده بود. از مزار جمعی نزدیک به 100 اسکلت بیرون آورده شده بود.

وسایل به میان آمده در حفریات به منظور نمایش در موزه ارضروم قرار داده شدند."



تصاویر مربوط به مزار جمعی کشف شده در روستای ینشیل یایلا ارضروم

ادعای ارمنی
باطل است

حفریات مزار جمعی روستای اوبای ایغدير

پروفسور دکتر جودت باشاران (Prof. Dr. Cevat Başaran) ارکولوژ حاضر در تحقیقات منطقه، اینگونه می کند:

موجود بودن یک مزار جمعی متعلق به تورک ها در روستای اوبای ایغدير که توسط ارامنه به قتل رسیده بودند برای اولین بار از طرف پروفسور دکتر انور گنوکچو (Prof. Dr. Enver Konukçu) تثبیت شده و این با اسناد آرشیو هم همخوانی دارد.

در تاریخ 1986.03.01 در حفریات مزار جمعی انجام گرفته در منطقه یافته هایی که اسناد را تصدیق می کردند به دست آمد و با شرح های شاهد عینی سکینه آکسو (Sakine Aksu) هم "قتل عام تنور خانه" بیشتر واضح شد.



طی حفریات انجام گرفته در دهانه شروع شده در قسمت داخلی درب رو به شمال بنایی که ابعاد آن 6x8 بود، "قفل کلید شده آهنی" یافت شده، بعد در دهانه دوم کنده شده در میان اتاق زیر 1 متر خاک پر شده نزدیک به 90 اسکلت انسان به دست آمده بود. بر روی بعضی از مجموعه ها آثار سوراخ شدگی، شکاف برداشتن و شکستگی ها دیده شده بود. سنگ پایه یافت شده در قسمت جنوبی تنور موجود در مرکز اتاق، متعلق به ستون حامل سقف خاکی بنا بود و تکه های سوخته این ستون هم به دست آمد.

با به هم پیوستن یافته ها و شرح شاهد عینی؛ دسته های پارتیزان ارمنی؛ در "قتل عام تنور خانه" بر روی تعداد زیادی از مردم غیر نظامی بی سلاح که از روستای اوبای جمع کرده بودند شکنجه انجام داده، با خواباندن همه آنها بر روی صورت و کلید کردن اتاق، بر روی آنها آتش افروخته اند و فرو ریختن سقف خاکی با سوختن ستون اخشاب مشهود می باشد.

در طول انجام حفریات تکه های آهن ذوب شده، تکه های اخشاب سوخته، شیشه های شکسته، مرمی گلوله، همراه با اسکلت ها یک تکه پارچه هم یافت شده بود. لایه سبتر خاکستر و سوختگی موجود در دیوار و کف بنا محو شدن اسناد دیگر در این سوختگی را نشان می دهد.



مسئله ارمنی

حفریات مزار جمعی در تنور خانه روستای اوبای

ادعای ارمنی
باطل است

بنای یادبود و موزه قتل عام ایغدیر

در بین تاریخ های 24-26.04.1995 در سمپوزیوم بین المللی ترتیب داده شده در شهر ایغدیر با موضوع "حقایق تاریخ و ارامنه" که با حضور اشخاص سیاسی و علمی کشورهای مختلف بود. به مورد پسندیده شدن پروژه بنای یادبود حاضر شده پروفیسور دکتر جعفر گایسی (Prof. Dr. Cafer Gayisi) معمار آذربایجانی توسط ملحق شده گان برای یاد خاطره مردم مسلمان قتل عام شده توسط ارامنه در اعلان پایانی سمپوزیوم ضرورت انشاء شدن یک بنای یاد بود بدین شکل تایید شده بود:

"با سپردن خاطره بیش از یک میلیون شهید عزیر مان که در گذشته در آناتولی شرقی از دست داده ایم به نسل های آینده قرار باز شدن ضریح در شهر ایغدیر و یک مزار شهدا در روستای اوبا گرفته شد". محل بنای یادبود قتل عام، در محل ورودی شرقی شهر ایغدیر می باشد، یعنی در محل اتصال راه های آمده از آذربایجان، ایران و ارمنستان. مساحت اراضی مثلثی شکل 1.4 هکتار می باشد. بنای یادبود ساخته شده در این اراضی در وجوه کوه آغری ارتفاع گرفته است. بنای یادبود و موزه در نقطه کانونی اراضی مثلثی شکل قرار گرفته و اساس آن را یک تپه به ارتفاع 7.5 متر در شکل تپه های کورگانی باستان تشکیل می دهد. موزه هر ماه حدود 4.000 زائر دارد.

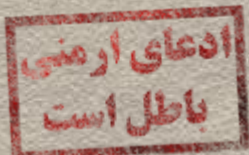


بنای یادبود و موزه شهدای مسلمان قتل عام شده توسط ارامنه

موزه و بنای یادبود از 350 متر مربع فضای داخلی 2 حوض و از 5 طرح شمشیر مانند به ارتفاع 36 متر تشکیل شده است. اطراف آن را هم فضای سبز و پارک تشکیل می دهد. ارتفاع کامل آن از سطح زمین 43.5 می باشد به همین جهت مرتفع ترین بنای یاد بود تورکیه می باشد. در معماری درب ورودی موزه از معماری سلجوقی الهام گرفته شده است. 5 شمشیر قرار گرفته در مرکز که نوک های خمیده آن به شکل یک قبه می باشد، با این حال مقبره های سلجوقی را تمثیل می کند.

بنا شدن آن در 1997.08.01 شروع شده و در تاریخ 1999.10.05 خاتمه یافته بود. در انشاء بنا از سنگ های مرمر آورده شده از نقاط مختلف تورکیه استفاده شده بود. اما به مورد قدیمی شدن سنگ های آن با احیای مجدد آن در سال 2005 از نو برای زائرین باز شده است.

در این موزه کوچک اسناد انکار و رد کننده قتل عام جمعی ارامنه و حقایق حل کننده لعاب نسل کشی که بر تهجیر ارامنه گرفته شده موجود می باشد. در اتاق سمت راست ورودی موزه تصاویر مربوط به قتل عام های ارمنی و در اتاق سمت چپ برای بررسی ادعاها و حقایق توسط زائرین یک کتاب خانه موجود می باشد. در موزه 570 جلد کتاب، 260 قطعه عکس (جنابات ارمنی) و تصاویر دیپلمات هایی ترور شده بین سالهای 1973-1985 در کشورهای مختلف توسط تشکیلات ترور مسلحانه ارمنی ASALA موجود می باشد.



شمار تورک های قتل عام شده توسط ارمنه بین سال های 1906-1922 در آناتولی و قفقاز ها

تعداد کشته شدگان	مکان	تاریخ	جلد و سند
30.000	Kars, Ardahan	کارس، ارداهان	1914-2-21 1/2
2.000	Pasinler	پاسینلر	1916-5-8 1/3
563	Tercan	ترجان	1916-5-8 1/3
1.600	Van, Tatvan	وان، تاتوان	1916-5-8 1/3
40.000	Bitlis	بیتلیس	1915-5-9 1/3
10.000	Bitlis	بیتلیس	1916-5-8 1/3
123	Bitlis	بیتلیس	1915-5-9 1/3
44	Van	وان	1915 1/4
1.000	Van	وان	1916-5-22 1/4
200	Köprüköy / Van	کوپروکوی / وان	1916-5-22 1/4
15.000	Van	وان	1916-5-22 1/4
8	Van	وان	1916-5-22 1/4
8.000	Van	وان	1916-5-22 1/4
80.000	Van	وان	1916-5-22 1/4
15.000	Van	وان	1916-5-22 1/4
5	Of	اوف	1916-5-23 1/5
2.086	Trabzon	ترابزون	1916-5-23 1/6
300	Van	وان	1916-5-23 1/6
44.233	Van	وان	1916-5-11 1/6
20.000	Malazgirt	مالزگرد	1916-5-11 1/6
12	Bitlis	بیتلیس	1916-6-11 1/7
15	Van, Reşadiye	وان، رشادیه	1916-4-1 1/8
14	Van Abbasağa	وان عباس اقا	1916-6 1/9
15.000	Edremid, Vastan	ادرمید، واستان	1916-6 1/9
29	Bitlis	بیتلیس	1915-4 1/10
10.000	Muradiye	مرادیه	1915-4 1/10
20.000	Van	وان	1915-5 1/11
200	Haskay	هاسکای	1915-2 1/11
3	Dutak	دوتاک	1915-2 1/11
120	Van	وان	1915-4 1/12
150	Van	وان	1915 1/12
16.000	Bitlis	بیتلیس	1915-5 1/11
500	Muş	موش	1916-5 1/11
14.000	Bayezid	بایزید	1916-5-25 1/12
800	Muş	موش	1915 1/13
126	Müküs	موکوس	1915-8 1/13
121	Müküs Sehan	موکوس سهان	1915-6-7 1/13
19	Muş Akçan	موش اکچان	1915-7 1/13
10	Muş	موش	329 1/13
113	Bitlis Hizan	بیتلیس هیزان	1915 1/14
5.200	Van	وان	1915 1/15
311	Bitlis	بیتلیس	1916-8-14 1/16
45	Şatak Serir	شاتاک سریر	1916-6-6 1/19
1.150	Şatak	شاتاک	1916-6-6 1/19
9	Terme	ترمه	1916-1-15 1/23

9	Kars	کارس	1919-1-25	2/2
2	Kilis	کیللیس	1919-1-21	2/3
4	Adana, Pozantı	ادانا، پوزانتی	1919-2-26	2/4
1	Osmaniye	عثمانیه	1919-5-18	2/5
3	Pasinler	پاسینلر	1919-6-13	2/7
8	Iğdır	ایغدير	1919-6-3	2/10
9	Kars, Göle	کارس، گوله	1919-7-7	2/11
6	Kağızman	کاغیزمان	1919-7-9	2/12
8	Kurudere	کورودره	1919-7-9	2/13
4	Mescidli	مسجدلی	1919-7-8	2/16
10	Gülyantepe	گلین تپه	1919-7-8	2/16
20	Mescidli	مسجدلی	1919-7-11	2/22
2	Bulaklı	بولاکلی	1919-7-19	2/26
9	Kars, Kağızman	کارس، کاغیزمان	1919-7-24	2/31
803	Sarıkamış	ساریکامیش	1919-7	2/36
695	Sarıkamış	ساریکامیش	1919-7	2/37
2.502	Muhtelif Köyler	روستاهای مختلف	1919/8	2/38
4	Kağızman	کاغیزمان	1919-7-5	3/1
5	Tiknis, Ağadeve	تیکنيس، افاده وه	1919	3/1
2	Pasinler	پاسینلر	1919-7-19	3/1
4.000	Nahçıvan	ناخجوان	1919	3/1
8	Kurudere	کورودره	1919-7	3/6
180	Akçakale	اکچاکاله	1919-7-4	3/6
9	Sarıkamış	ساریکامیش	1919	3/6
153	Erzurum	ارضروم	1919-8-15	3/7
426	Erzurum	ارضروم	1919-8-15	3/7
3	Allahüekber	الله و اکبر	1919-9	3/14
2	Sarıkamış	ساریکامیش	1919-9-14	3/16
2	Maraş	ماراش	1919-11-11	3/18
4	Adana	ادانا	1919-11	3/19
7	Ulukışla	اولوکیشلا	1919-11-16	3/19
4	Adana	ادانا	1919-12-7	3/22
1	Antep	انتپ	1920-1-22	3/26
12	Ünye	اونیه	1919-9	3/27
40	Pozantı	پوزانتی	1920-2-28	3/28
100	Çıldır	چیلدیر	1920-2-10	3/29
400	Zaruşat	زاروشات	1920-3-9	3/32
1.350	Şuregel	شوره گل	1920-2-2	3/33
4	Maraş	ماراش	1338-3	3/35
2.000	Şuregel, Zaruşat	شوره گل، زاروشات	1920-3-22	3/36
120	Zaruşat	زاروشات	1920-3-9	3/37
720	Kağızman	کاغیزمان	1920-3-16	3/37
500	Gümrü	گومرو	1920-4-6	3/39
2	Kars	کارس	1920-4-28	3/40
1.774	Kars	کارس	1920-5-5	3/41
10	Kars	کارس	1920-5-22	3/46
408	Kars, Erzurum	کارس، ارضروم	1920-7-2	3/47
1.500	Zengibasar	زنگیباسار	1920-7-2	3/47
69	Erzurum	ارضروم	1920-7-27	3/49

2.150	Zaruşat	زاروشتات	1920-2-1	3/50
27	Kars, Erzurum	کارس، ارضروم	1920-5	3/50
650	Oltu	اولتو	1920-8	3/50
18	Kars, Erzurum	کارس، ارضروم	1920-8	3/50
1.387	Bayburt	بایبورت	1920-10-15	3/51
100	Göle	گوله	1920-10-20	3/52
9.287	Pasinler	پاسینلر	1920-10-17	3/53
3.700	Tortum	ترتوم	1920-10-18	3/54
8.439	Erzurum	ارضروم	1920-10-19	3/55
10.693	Kars civarı	اطراف کارس	1920-10-26	4/2
889	Aşkale	اشکاله	1920-10-?8	4/3
86	Zaruşat	زاروشتات	1919-1-6	4/4
69	Kosor	کسور	1920-12-1	4/5
508	Göle	گوله	1920-12-3	4/6
122	Kosor	کسور	1920-12-4	4/7
28	Kars, Zeytun	کارس، زیتون	1920-12-4	4/9
1.975	Sarıkamış	ساریکامیش	1920-12-4	4/10
194	Göle	گوله	1920-12-6	4/12
14.620	Kars, Digor	کارس، دیگور	1920-12-7	4/14
5.337	Sarıkamış	ساریکامیش	1920-12-14	4/16
600	Göle	گوله	1920	4/17
3.945	Kars	کارس	1920	4/17
138	Haramivartan	حرامی وارتان	1920	4/18
64.408	Nahçıvan	نخجوان	1920	4/19
1.026	Zarcışat	زارجیشات	1920-11-29	4/20
18	Zenibasar	زنی باسار	1921-2	4/21
5.307	Nahçıvan	نخجوان	1920	4/23
561	Kars civarı	اطراف کارس	1920-2	4/24
192	Erivan	ایروان	1920-12	4/26
6.000	Karakilise	کارا کلیسا	1921	4/27
53	Pasinler	پاسینلر	1921-11-21	4/29
1.215	Erzurum	ارضروم	1921-11-21	4/29
870	Hınıs	هینیس	1918	4/30
580	Tercan	ترجان	1918	4/31
12	Nahçıvan	نخجوان	1921	4/32
580	Bayburt	بایبورت	1921	4/33
148	Arpaçay	ارپاچای	1921	4/34

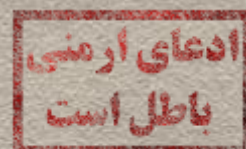
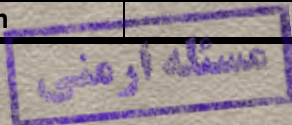
آرشیو های دولت



فهرست حوادثی که شمار کشته شدگان تثبیت نشده است

تعداد کشته شدگان	مکان	تاریخ	جلد و سند
25 köy halkı	Revan	روان	1906-2-11
1 köy halkı	Bitlis	بیتلیس	1915-5-9
Sayı belirsiz	Bitlis	بیتلیس	1915-5-9
Sayı belirsiz	Van	وان	1916-5-22
Sayı belirsiz	Van	وان	1916-5-23
Sayı belirsiz	Trabzon	ترابزون	1915-5-11
Sayı belirsiz	Bitlis	بیتلیس	1916-6-11
Sayı belirsiz	Van	وان	1916-6-11
Sayı belirsiz	Başkala	باشکالا	1916-6-11
180 hane	Van	وان	1915-6-11
100 hane	Bitlis	بیتلیس	1915-6
Sayı belirsiz	Van	وان	1915-5
Sayı belirsiz	Maçka	ماچکا	1915-6-10
Sayı belirsiz	Eleşkird	الشکیرد	1914-12-17
Sayı belirsiz	Hınıs	هینیس	1916-5-23
Sayı belirsiz	Muş	موش	1915-12
2 köy halkı	Muş	موش	1915-1
Sayı belirsiz	Elaziz	الازیز	1915
Sayı belirsiz	Gevaş	گواش	1915-8
9 köy	Şatak	شاتاک	1915-2
Sayı belirsiz	Hizan	هیزان	1915
55	Diyarbakır	دیاربکر	1916-6-3
30 köy	Tercan	ترجان	1916-5
Sayı belirsiz	Ardahan	ارداهان	1919-1-25
2 köy	Gülantab	گولاتتاب	1919-7-8
Sayı belirsiz	Büyük Vedi	بویوک ودی	1919-7-16
Sayı belirsiz	Gümrü	گومرو	1919-7-25
1 aile	Kars	کارس	1919-7-12
Birçok	Artvin	ارتوین	1919-7
Birtakım	Bayezid	بایزید	1919-7
3 köy ahalisi	Nahçıvan	نخجوان	1919-8
Çok sayıda	Sarıkamış	ساریکامیش	1919
1 köy	Sarıkamış	ساریکامیش	1919
Sayı belirsiz	Sarıkamış	ساریکامیش	1919
30 hane	Erzurum	ارضروم	1919-8-15
2 aile	Kars	کارس	1919-7-12
Sayı belirsiz	Kars	کارس	1919-8-12
Tüm erkekler	Kars	کارس	1919-8-12
Bütün halk	Kars	کارس	1919-8-12
Tüm erkekler	Kars	کارس	1922-8-18
Bütün halk	Sarıkamış	ساریکامیش	1919-8-31
Sayı belirsiz	Kağızman	کاغیزمان	1919-8-31
Sayı belirsiz	Kağızman	کاغیزمان	1919-8-18
Sayı belirsiz	Karaurgan	کاراورگان	1919-9
Sayı belirsiz	Sarıkamış	ساریکامیش	1919-9-14
Çok sayıda	Kozan	کزان	1920-3-3

Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Şuragel	شوراگل	1920	3/33
Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Zaruşad	زاروشاد	1920-3-9	3/37
Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Kağızman	کاغیزمان	1920-3-16	3/37
Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Kars Cıvarı	اطراف کارس	1920-5-24	3/47
Tüm erkekler	تمام مردان	Oltu-Göle	اولتو - گوله	1920-7-27	3/49
Bütün halk	تمام مردم	Kars civarı	اطراف کارس	1920-5-24	3/50
Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Kars	کارس	1920-12-3	4/8
Bir kaç çadır	تعدادی چادر	Kars civarı	اطراف کارس	1919	4/23
85 hane	85 خانه	Kars civarı	اطراف کارس	1919-3	4/23
1 köy halkı	مردم 1 روستا	Sarıkamış	ساریکامیش	1919-3	4/23
Yüzlerce kişi	صدها نفر	Iğdır	ایغدیر	1919-2	4/23
Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Kars civarı	اطراف کارس	1920	4/23
Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Erivan-Kars	ایروان - کارس	1920-11	4/26
Sayı belirsiz	تعداد نامعلوم	Tekman	تکمان	1918	4/30



- Osmanlı Belgelerinde Ermeniler (1915-1920), Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Yayınları, 1995.
- Hüseyin Nazım Paşa, Ermeni Olayları Tarihi, Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Yayınları, 1994.
- Arşiv Belgelerine Göre Kafkaslar'da ve Anadolu'da Ermeni Mezalimi (Türkçe ve İngilizce), 4 cilt, Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Yayınları, 1995, 1995, 1997, 1998.
- Armenians in Ottoman Documents (1915-1920), The Turkish Republic Prime Ministry General Directorate of the State Archives Publication, 1995.
- Kars İli ve Çevresinde Ermeni Mezalimi. Dr. Fahrettin Kırzioğlu. 1970. Kars Turizm Derneği
- Arşiv Vesikalarıyla Tarihte Ermeni Mezalimi ve Ermeniler, Mehmet Hocaoglu, 1976 Osmanlı ve Sovyet Belgelerinde Ermeni Mezalimi, Halil Kemal Türközü, 1983/ Ermeni ve Rus Mezalimi, Erdal İlter, 1999.

نگاهی بر گزارشی از آرشیوهای آمریکا (الحاقی و متفرقه)

بروس فین (Bruce Fein) مشاور حقوقی رئیس جمهور اسبق آمریکا رونالد ریگان (Ronald Reagan) در گزارش بررسی های کاخ سفید اینگونه می گوید که: "کاخ سفید تحقیقاتی انجام داد و در نتیجه، کشتار 2 میلیون مسلمان توسط ارمنه تثبیت شده است. ارمنه آرشیوهای خود را باز نمی کنند، چرا که به میان آمدن این حقیقت را نمی خواهند..."

در تحقیقات انجام گرفته از طرف کاخ سفید که در سال 1981 در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان صورت گرفت بروس فین با ارزیابی ادعای نسل کشی صوری ارمنه با خاطر نشان کردن این که ادعای ارمنه در آخرین درجه بی اساسی می باشد، در مورد ادعای نسل کشی صوری ارمنه اینگونه توضیح داد:

"فراموش نکردن اهتمام و اعتنای امپراتوری عثمانی به اقلیت ها که آن را می توانیم فوق العاده حساب کنیم ضروری می باشد. اقلیت ها، در شکلی بسیار راحت زندگی کرده و دارای آزادی دین بودند.

دسته های پارتیزان ارمنی در طول جنگ جهانی اول همراه با روسیه و فرانسه مسلمانان را به قتل عام (پاکسازی) گرفتند. این کشته شدگان که رقم آنها حدود 2 میلیون نفر می باشد یک حقیقت است. در برابر خیانت ارمنه، عثمانی ها هم از خود دفاع کردند. خصوصاً ارمنه ای که در ایالات متحده آمریکا زندگی می کنند، با دروغ های نسل کشی سود و منفعت های عظیمی را تامین می کنند. حکومت ایالات متحده آمریکا هم به جهت بازگشت پول های عظیم مانع شدن بر ارمنه را نمی خواهد. ارمنه با اصرار و سماجت آرشیو های خود را باز نمی کنند. چرا که نمی خواهند پولی که سال ها است با دروغ نسل کشی آن را بر می گردانند را از دست بدهند، زمانی که آرشیوها باز شود حقیقت به میان خواهد آمد."

ما بر علیه تورک ها جنگ شروع کردیم

اوانس کاپازنونی ((Hovannes Katchaznouni (Ovanes Kaçaznuni) از بنیان گذاران پارتی داشناکسوتیون (داشناک) و اولین نخست وزیر دولت ارمنی در سال 1918، در گزارش تقدیم کرده به کنگره پارتی داشناک در بخارست در سال 1923 با اسم "دیگر چیزی نیست داشناکسوتیون انجام دهد" که در تورکیه هم به چاپ رسیده است، اما در ارمنستان غیر مجاز بوده. در ایالات متحده آمریکا اسم این گزارش در بین لیست ها جای می گیرد ولی افشا شده، اینگونه می گوید:

ما بر علیه تورک ها جنگ شروع کردیم، به خیال ارمنستان از دریا (خزر) تا دریا (مدیترانه) بر علیه تورک ها عصیان کردیم، همه مان در کمپ دولت های ائتلاف و دشمنان تورک ها بودیم، مسبب حوادث ما هستیم. برای فرستادن ارتش دول ائتلاف به تورکیه و تامین حاکمیت مان به اروپا و آمریکا دعوت های رسمی انجام دادیم. کشتیم و کشته شدیم. تهجیر درست بود و لازم. حقایق را ندیدیم، مسبب وقایع ما هستیم، رد کرد صلح و مسلح شدن مان یک خطای محض بود. معاهده سیور چشم مان را کور کرده بود. در پستر عصیان های مان خولیای ارمنستان بزرگ که دولت های ائتلاف وعده آن را داده بودند خوابیده بود. اما ما هیچ وقت نتوانستیم دولت باشیم. حقیقت دولت ارمنستان تورکیه را که، برای مان جز خیال چیزی دیگری نبود، را ندیدیم. ما با مال کردن خواسته های مان برای دیگران، با اهمیت دادن به لاف های تهی اشخاص بی مسئولیت، حقایق را نفهمیدیم و محصور اوهام شدیم. در تهجیر تورک ها می دانستند که چه کار می کنند و امروز یک خصوص که آنها را از عمل کرده پشیمان خواهد کرد موجود نیست. یک اعجاب خاص برای انسان های بی توازن، از یک نوک به نوک دیگر در حال پخش بودیم. شکایت کردن از تقدیر و جستن مسببان فلاکت مان در بیرون از خودمان یکی از خصوصیات مشخصه مرض روحی و روانی قومی در بین ارمنه است. هر کسی، فرانسویان، انگلیسی ها، آمریکایی ها، روس ها با تک کلمه ای، تمام دنیا ما را خیلی راحت گول زد و خیانت کرد. امپریالیست ها از ما استفاده کردند. دولت های بزرگ اروپایی ما را دفن کردند.

اگر به جای سور (معاهده) با تورک ها تفاهم کرده بودیم چیز های زیادی کسب می کردیم. انگلیسی ها قتل عام های متقابل را به تحریک شدن انداختند. در مناطق مسلمان پیش گیری های اداری که ترتیب را تامین می کرد را نگرفتیم، در اجبار به آغوش گرفتن سلاح ماندیم، ارتش ها فرستادیم، ویران کردن ها و قتل عام ها به واقعیت رساندیم. تورک ها با عزم و انگیزه دفاع حرکت کردند. هیچ کاری که به آن افتخار کنیم نیست. به دنبال گناه کار در بیرون از خودمان نگردیم. بله، انتحار کردن را توصیه می کنم. دیگر چیزی نیست پارتی داشناک انجام دهد. پارتی را منحل کنیم. اگر این قرار را نگیریم، ما را ویرانی و بی شرفی در انتظار است.

با شروع جنگ بزرگ ارمنه، ارمنه عثمانی را ترک کرده با دولت های امپریالیست متحد شدند. در جبهه ها 200 هزار ارمنی وارد جنگ شد. ارتش فرانسه که در هر جا حضور داشت ارمنه آن را تشکیل می دادند. عثمانی غیر از تهجیر چاره دیگری نداشت. در آن زمان در آناتولی شرقی به علت عدم وجود راه آهن از جهات مختلف، انسان ها از بیماری مرداند. مجادله سیاسی عصیان گران ارمنی خیلی بیشتر از آن که تصور شود به دریاچه ای از خون انسان های معصوم تبدیل شده بود. هنچاکیان و داشناکیان به اهداف منزجرانه خود رسیده بودند، جان های معصوم برای دعوی آنها قربان می شدند.

کشورهای غربی ارمنه را مشروط بر ترور کردند. حال چه هست که کشورهای غربی امروز خود را مورخ می بینند، محکمه و دادگاه می بیند، قرارها می گیرند. کشورهای غربی امروز هم همراه با دیاسپورا (ارمنه پراکنده اجنبی) بر روی ارمنه بازی کردن را ادامه می دهند. جماعت ارمنی آن روزها هم تله دسته های پارتیزان ارمنی و کمیته چی شده بودند.

امروز هم کریپتو ارمنی های (Crypto Armenians) قرار گرفته در راس PKK با مخفی شدن در زیر نام جدید کردستان بزرگ در پی به واقعیت رساندن نقشه شوم خود که نام متخلخل ارمنستان بزرگ را حمل می کند، بر علیه مسلمانان این منطقه بازی دیگری را شروع کرده اند. بازی ای که در آن 60 الی 80 درصد لیدرهای PKK ارمنی هستند، ارمنی هایی که بسیار واضح و روشن است که هدفشان در نقشه های کردستان بزرگ کمونیسم (مارکسیسم - لنینیسم) چرا غیر از مناطق کرد نشین تورکیه حتی شهرها و استان های تورک نشین هم موجود است، غیر از آن حتی تمام شهرهای آذربایجان غربی و بعضی از شهرهای آذربایجان شرقی هم در این نقشه ها وجود دارند. بنابر این نقشه ها، آنها سعی می کنند به هر نحوی با ارمنستان مرز داشته باشند و با باز شدن به دریای خزر از اراضی آذربایجان و دریای سیاه و مدیترانه از اراضی تورکیه نقشه شوم ارمنستان بزرگ تحت حمایت روسیه را که در قرن گذشته نیمی از جغرافیای آناتولی و آذربایجان را برای از بین بردن پیوند تاریخی و جغرافیایی تورک ها ایالت ها و شهرهایی مثل: آنتالیا، آدانا، سیواس، ارزروم، دیاربکر، وان، خوی، اورمیه، تبریز و باکو را هدف گرفته بودند را به واقعیت برسانند.

مجادله ای در آن حرکت دفاعی مسلمانان (تورک، کرد، سنی، علوی) در اتحاد مابین به گفته یک ارمنی خیالباف با اسم مهران دباغ (Mihran Dabağ) که مدارک او در مورد ادعاهای نسل کشی صوری ارمنی بر چند ماجرا و حکایت ذهنی رمانتیک خانوادگی قوم اقوم و ارامنه دوست و آشنا متکی می باشد، معتقد است عدم وجود جدل بین تورک ها و کردها (مسلمانان) در اصل نشانه یک اتحاد ضد ارمنی است. حال لازم است بر نکته عکس و مقابل این ادعا و نفاق افکنی آنها نگاه کرد که اگر اتحاد بین مسلمانان مورد خدشه قرار گرفت شود ارامنه مسبب آن هستند جایی که امثال مهران دباغ یا "عصیان گران امنیت" نیست اند که از وضع موجود شاکی باشند. یعنی در این جنگ کردها کشته خواهند شد، ارامنه پیروزی کسب خواهند کرد. چرا که کشیش (و محقق ارمنی) پروتستان آلمان ژوهانس لپسیوس (Johannes Lepsius) معتقد بود: تا زمانی که یک دولت کرد (زاغه نشین) شبانه بنا نشود، ارمنستان بزرگ بنا نخواهد شد.

در نتیجه تقاضاهای "ارمنستان مستقل" پاتریک نرسس (Patrik Nerses) و گراندوک نیکولا (Grandük Nikola)، تا هجوم نماینده ارمنی ارامنه در مجلس عثمانی آکرکین پاستیرماجیان (Akrekın Pastırmacıyan) با فرماندهی بر دسته های سفاک ارمنی به وان و قتل عام 10 ها هزار مسلمان حادثه اجراء "یک تهجیر ذیحق" و "مدیریت بحران در شرایط جنگی" که دولت عثمانی بارها به ارامنه با اخطار این که اگر عصیان و قتل عام ها بر علیه دولت و مردم مسلمان خاتمه داده نشود با حرکات پیشگراانه روبرو خواهند شد، امروز بدون استناد بر هیچ سند و واقعیت تاریخی آن تهجیر ذیحق به عنوان نسل کشی رنگ و لعاب داده می شود.

با توجه به این نکته که حقیقت هیچ حادثه تاریخی در مجالس به دست سیاستمداران به قرار گرفته نمی شود. سپردن روشن کردن حقیقت موضوع به دست مورخین جز به سیاه پرده کبیر کذب و افتراء ارمنی و ارمنی پرستان آتش نخواهد زد. هیچ کس از گرفته شدن این امر به دست مورخین ذره ای ضرر نخواهد کرد جزء آنها...

قناعت بر اینکه آنها خیانت را چیز خوبی می دانند

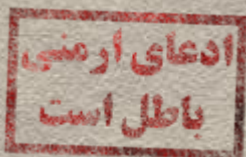
مرور روابط تاریخی ارامنه با دیگر ملل ما را به این قناعت خواهد رساند که در ارامنه شخصیت خیانتکارانه و بی وفایی برای شان چیز مثبتی تلقی می شود. "انها خیانت را چیز خوبی می دانند." ارامنه مثل خفاش های وامپیر کوچک از این صخره آویزان به آن صخره آویزان امپراتوری ها و دولت های بزرگ در طول تاریخ همیشه پریده اند.

Tacitus مورخ رومی، در اثر خود با نام "Annalium Liber" این گونه می نویسد که "ارامنه در برابر امپراتوری های روم و پرس با تغییر رفتار گاه همراه با رومی ها و گاه همراه با پرس ها به اتفاق حرکت می کنند" و به همین جهت ارامنه را یک "ملت مذل" توصیف کرده.

رومانوس ششم. دیوژنس (Romanos VI. Diogenes) امپراتور بیزانس قبل از راهی شدن مستقیم به ملازگرد، تا بعد از برگشت از جنگ قسم خورده بود که مذهب ارمنی را از میان ببرد. ارتش امپراتوری بیزانس، در تاریخ 1071.08.26 به ارتش سلطان آلپ ارسلان هجوم برده، اما فقط مغلوب شده بود. در آن زمان که دوران حذف شدن امپراتوری بیزانس از آناتولی توسط سلجوقیان بود مورخان ارمنی از جشن گرفتن ارامنه در بعضی از شهرها می نویسند، جشنی که ارامنه حدود 9 قرن بعد زمانی که یک امپراتوری پیر در حال فر ریختن بود دوست داشتند که آن را با روس ها بگیراند.

البته صفت "ملت صادق" که در امپراتوری عثمانی به ارامنه داده شده بود تا زمان روزهای خوب و خوش قدرت بود، آنها در نزدیک ترین زمان هنگامی که درک کرده بودند قدرت های دیگری هم هستند تصمیم به عوض کردن ورق تاریخ ملیص شان کردند.

در واقع اگر بر این جمله که: هدف از مطالعه تاریخ پیش بینی (بنابر تجربه حاصل شده) حوادث مترقبه آینده در زمان حال است، معتقد باشیم، با مرور حتی خلاصه ای از تاریخ ارامنه یک نکته حقیقی در مورد آینده آنها را درک خواهیم کرد، نکته ای که می توانیم در حقیقت آینده ارامنه مشاهده کنیم. بدون شک این خواهد بود که: ارامنه خیانت و غداری خواهند کرد.



نسل کشی مردم آذربایجان توسط ارامنه (الحاقی و متفرقه)



یک کودک آذربایجانی که در تاریخ 16.09.1989 قربانی تروریسم ارمنی گشته است.

در تاریخ 10.02.1828 بنابر معاهده تورکمن چای که بین ایران و روسیه بسته شد اراضی تاریخی آذربایجان با سرحد شدن رود ارس به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد. حتی در تجزیه شدن آذربایجان هم رد پای عنصر ارمنی مشاهده می شود، قسمت شمالی آذربایجان زیر سلطه امپراتوری روس قرار گرفت. روس های برای حفظ موجودیت خود در قفقاز که اکثریت آن را مسلمانان و تورک های آذربایجان تشکیل می دادند متوسل بر یک سیاست شده بودند. سیاستی که هدف آن محور ریشه مردم مسلمان آذربایجان و قفقاز با مسیحی سازی بود. آنها برای رسیدن به این هدف خود از ارامنه استفاده کردند. روس ها با به مهاجرت گرفتن ارامنه ایران و عثمانی به اراضی آذربایجان شمالی صفحه های سیاست خود را پشت سر هم امضاء می کردند.

حضور ارامنه در اراضی آذربایجان شمالی و سیاست مسیحی سازی مرزهای جنوبی روسیه در قفقاز به هر طریقی با گذشت زمان شدت می گرفت تا آنجا که آنها با تبلیغات قبل از جنگ جهانی اول، با شروع این جنگ فرصت بسیار عالی برای به واقعیت رساندن خولیای سقیم ارمنستان بزرگ را بدست آورده بودند. اما مشکل اصلی ارامنه به رغم مبادرت آنها به هر عملی در به نتیجه رساندن بنای دولت ارمنی در اراضی عثمانی که موفق نشدند در سه نکته خلاصه می شد. ابتدا این که ارامنه پراکنده در آناتولی شرقی در هیچ شهر اکثریت نبودند و تنها شهری که جمعیت ارمنی در آن نسب به شهرها و مناطق دیگر آناتولی شرقی بیشتر بود شهر بیتلیس بود که ارامنه در آن 1/3 جمعیت را تشکیل می دادند. دومین نکته که در هوشیاری دوات عثمانی خلاصه می شود دستگیری های 24.04.1915 بود که در آن روز با دستگیری 2345 کمیته چی ارمنی ضربه محلی به کمیته های ارمنی وارد شد طوری که این تاریخ از طرف کمیته چیان ارمنی در ادعا به عنوان روز نسل کشی ارامنه که بی اساس می باشد انتخاب شده است. سومین نکته که کاملاً هر گونه پشتیبانی و امید را از ارامنه کمیته چی در به واقعیت رساندن وهم ارمنستان بزرگ به باد فنا داد، تهجیر ارامنه ای که عصبان های مسلحانه آنها و کمیته چیان ارمنی مسبب قتل عام و مهاجرت مردم مسلمان منطقه شده بود می باشد. با این مدیریت بحران در شرایط جنگی و عکس العمل دفاعی منطقی، کمیته چیان ارمنی ناموفق شده و نقشه شوم ارمنستان بزرگ به تھشم و انکسار ابدی کشیده شده بود.

ارامنه که بهترین فرصت ممکن برای بنای ارمنستان بزرگ (با وعده های روس) را در جنگ جهانی اول دیده بودند، در نتیجه جنگ چاناق قلعه و با به میان آمدن مصطفی کمال آتاتورک (Mustafa Kemal Atatürk) بعد از جنگ جهانی اول حتی امید داشتن یک دولت مختار ارمنی، که دولت عثمانی وعده آن را هم به ارامنه داده بود را از دست داده بودند. بنابر این ارامنه ای که زیر سایه سیاست روس ها در اراضی آذربایجان مسکون شده بودند، که به آنها قبل و بعد از تهجیر و جنگ جهانی اول مهاجرین ارمنی عثمانی و سایر نقاط هم ملحق شده بودند. آفریدن یک ارمنستان این بار در اراضی آذربایجان برای ارامنه هدف شده بود. بنای این ارمنستان که ابتدا با مسکون سازی ارامنه در ایروان یکی از ایالت های مختار آن زمان آذربایجان شروع شده بود با قتل عام مردم آذربایجان و راندن آنها از خانه و وطن شان، پروژه ارمنستان سازی از اراضی تاریخی آذربایجان مرحله به مرحله انجام می گرفت. طوری که بعد از سقوط امپراتوری روسیه و تشکیل 3 جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنی در قفقاز و دخالت و نفوذ کمیته داشناک ارمنی (با آرایش ظاهری توسط استپان شالیمیان (Stepan Şalimyan) درون دولت مساوات آذربایجان) و تظاهر به اتحاد بین دولت مساوات باکو و ارامنه برای مقابله آنها با اشغال ارتش سرخ که در اصل اشغال آسان آذربایجان توسط ارتش سرخ پلان مخفی کمیته های ارمنی برای محو کردن دولت مساوات آذربایجان و اشغال آذربایجان توسط روس ها بود. تلاش ارامنه داشناک برای اعلام کردن باکو به عنوان پایتخت ارمنی در ماه مارس 1918 ارامنه را وارد قتل عام های جمعی خونین بر علیه مردم آذربایجان کرد.

کمیتة های ارمنی که با هدف آفریدن یک ارمنستان بزرگ بدون در نظر گرفتن در اقلیت بودن ارمنه پراکنده بین مردم جغرافیای آناتولی و آذربایجان را شروع کرده بودند. برای این هدف خود که آن را در آناتولی شرقی به رغم قتل عام های خونین سنگین که بر علیه مردم مسلمان انجام داده بودند نتوانستند به نتیجه برسانند. این بار آنها این سیاست ریشه کنی و پاک سازی را بر علیه مردم آذربایجان آغاز کرده بودند.

دولت ارمنی تشکیل شده بر روی اراضی آذربایجان که در نهایت قتل عام و تبعید مردم آذربایجان ابتدا با 8.913 کیلومتر مربع شروع و با هر کیلومتر مربع وسعت یافتن مردم آذربایجان را به کشتار و تبعید گرفته بود تا ارمنه مهاجر در آنجا سکونت داده شوند، امروز با غصب اراضی تاریخی آذربایجان و بدون در نظر گرفتن منطقه قره باغ (کلا هفت منطقه) که دولت ارمنستان آن را بعد از سقوط شوروی در سال 1992 اشغال کرده است، مساحت ارمنستان با کشتارهای انجام داده بر علیه مردم آذربایجان توسط ارگانه های دولتی ارمنی به 29.800 کیلومتر مربع رسیده است.

پروژه ارمنستان سازی از اراضی تاریخی آذربایجان با آوردن 95.400 خانواده ارمنی از گرجستان، روسیه، سوریه، لبنان، بلغارستان، ایران، رومانی، آمریکا، فرانسه، فلسطین و مصر به درون آذربایجان روز به روز شدت می گرفت. بی. ایشخانیان (B. isxanyan) مورخ ارمنی در کتاب "Norodnosti Kavkaza" (سنپترزبورگ 1916) اینگونه می گوید که: اکثریت ارمنه سکونت داده شده در قره باغ از آلبانی آورده شده اند. لیکن قسمت اندکی از آنها از سوریه، فنقیه، بین النهرین، ایران، عراق و قسمت بسیار کمی هم از تورکیه آمده اند. اراضی آذربایجان برای پناه گرفتن ارمنه از تعقیب ها و تجاوزها امن ترین و مناسب ترین مکان می باشد.

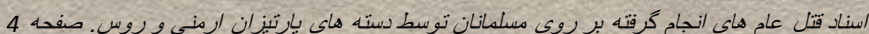


مزار جمعی از مردم آذربایجان که به دست غدارهای ارمنی در قبا قتل عام شده اند.

قتل عام های ارمنه در قفقاز و اراضی تاریخی آذربایجان تنها بر روی تورک های آذربایجان انجام نگرفته بلکه بر روی ده ها هزار گرجی، ده ها هزار از مردم کرد ایروان، زنگه زور (قره باغ) و سایر مناطق آذربایجان، یهودیان در قبا همانند یهودیان حکاری (تورکیه)، تالش ها در لنکران، لژی ها، آوارها و حتی روس هایی که در نتیجه سیاست روس سازی در قفقاز جنوبی مسکون شده بودند از طرف ارمنه به قتل عام گرفته شده اند.

نکته قابل توجهی که در قتل عام مسلمانان توسط ارمنه که بعد از تورک های آذربایجان، کردهای آذربایجان هم شامل آن می شداند این بود که ارمنه در قتل عام مسلمانان که طرز آن شبیه انتقام گرفتن بود حرکت آنها ابتدا نفاق افکنی بین شیعه و سنی و بعد اظهار این که فقط تورک های شیعه را خواهند کشت، چرا که این انتقامی است از تورک های عثمانی که تاوان آن را تورک های آذربایجان می دهند، لیکن در زمان قتل عام کرد ها اینگونه اظهار می کردند که: آنهایی که جزء کادرهای تهجیر ارمنه، کشته شدن ارمنه و یتیم شدن کودکان ارمنی شداند، مگر سنی، مگر کردها نبوداند؟

تا جایی که در خاطرات ژوهانس لپسیوس (Jonannes Lepsius) محقق ارمنی در مورد دعوای ارمنه با تورک ها و کردها دقیقاً این جمله ذکر شده که: ارمنه با تورک ها دعوای خاک و با کردها دعوای خون دارند.



"در آگوست 1919 واحد های نظامی ارمنی به 45 روستای اطراف نخجوان و شرور هجوم برده و روستاهای نزدیک به ریل های راه آهن را با واگن های زره دار به زیر آتش گرفته بودند.

در اواخر ماه مه 1920 ارمنه، در روستای مسلمان نشین قره داغلی در حوالی ایروان اهالی آنجا به زور از خانه هایشان رانده، با به تاراج بردن اموال شان، آنها را مجبور به مهاجرت کرده بودند.

در شب 24-23.05.1920 بیش از 300 سوار ارمنی، در 5 کیلومتری اولوخانلی با محاصر روستای جبچالی، مسلمانانی که دست شان برای دفاع به سلاح رفته بود را در یک میان جمع کرده و همه آنها را از سرنیزه هایشان گذرانده بودند.

باز در شب 27.06.1920 ارمنه هجوم برده به روستاهای حاجی بایرام و خبر بگ لی، اموال و دارایی اهالی را به یغما برده، تعداد کثیری را کشته؛ یک بخش کوچک هم که از قتل عام خود را رها کرده بودند، با گذر از رود ارس به آذربایجان جنوبی، به مورد تاخت و تاز ارمنه در رود ارس غرق شده بودند.

500 مسلمان که با پاسپورت داده شده توسط سفیر آذربایجان در ایروان، به مورد رفتن به نواحی امن آذربایجان و سایر نقاط در قطاری که از ایروان به گنجه می رفت در اطراف گومرو با پیاده شدن از واگن ها توسط ارمنه، قتل عام شدند.

ارمنه در 06.04.1920 با هجوم واحد های نظامی متشکل از صنف های مختلف نظامی، در روستاهای مسلمان نشین مناطق وادی، زنگه زور و اردوباد، یکی از ممقوت ترین شکل های ظلم، غداری و وحشی گری، رضالت و پستی هایی که شخصیت ارمنی را نفرت انگیز می کند را انجام داده بودند.

ارمنه در شب 16.04.1920 با هجوم به اهالی مسلمان موجود در روستای هاچاپاراک در اطراف شهر ایروان، وارد قتل عام جمعی بر علیه مردم شده بودند. 6 نفر از اهالی که نتوانسته بودند از این توحش جورانه وامپیرهای ارمنی خود را خلاص کنند، با دشنه ذابحان ارمنی تکه تکه شده بودند. ناموس و عفت زنان و دختران پاکدامن مسلمان با افتادن به زیر دندان حرامیان ارمنی جویده و هتک حرمت شده، بعد هم یا به آتش کشیده و یا کشته شدند. تمام خانه ها به دست آنها چپاول و تاراج شده بودند."

مظالم ارمنه بر علیه تورک های آذربایجان، تنها با کشتار های جنگ جهانی اول محصور نمی باشد، در دوران اتحاد جماهیر شوروی و در دوران بنا شدن جمهوری ارمنستان بعد از متلاشی شدن شوروی هم این ظلم ها ادامه داشته. پروفیسور دکتر یاسین اصلان (Doç. Dr. Yasin Aslan)، در کتاب خود با اسم "تاریخ ارمنستان در تفریق راه" در این موضوع اسناد مهمی را به میان می گذارد.

"ارمنه، در تاریخ 13.02.1988 در مرکز اداری قره باغ، خان کندی تظاهراتی انجام دادند. نمایش دهندگان خیابانی، خواستار جدا شدن قره باغ از آذربایجان و الحاق آن به ارمنستان بودند. بعد از این، زنجیر تقاضاها شروع به طویل شدن کرد. در 18.02.1988 اولین مهاجران رانده شده آذربایجانی شروع به آمدن به باکو کردند. از آنجا آنها را سوار اتوبوس ها کرده و باز به وطن شان برگشت دادند. لیکن آنها بعد از یک مدت کوتاه از نو شروع به مهاجرت کردند.

مهاجرین، این بار به جای باکو به سومگاینت پناه بردند. در آنجا بعضی حوادث رخ داد. این را دیگران تعقیب کردند. بین 200-180 هزار آذربایجانی، به زور از ارمنستان رانده شدند. تخمینا در همان تعداد ارمنی هم از آذربایجان اخراج شدند. در خلاصه، حوادث متوالی رخ داده از 1988، بیش از یک میلیون تورک آذربایجان را به حال مهاجرت اجباری انداخت. حوادث شروع شده در سال 1988، در اصل آخرین حلقه زنجیر تغریب را تشکیل می داد. زیرا، تورک های آذربایجان که در تکه جدا شده وطنشان با نام نو ظهور ارمنستان زندگی می کردند، چندین بار در دوران رژیم شوروی از اراضی تاریخی شان دفع شده بودند. رئیس پارتی کمونیسم ارمنستان اروتونیان (Arutunyan) در سال 1945 در رابطه با الحاق منطقه قره باغ به ارمنستان برای استالین (Stalin) نامه نوشته بود. استالین هم در رابطه با موضوع به رئیس پارتی کمونیسم آذربایجان میر جعفر باقروو (Mir Cefer Bağırov) نامه فرستاده بود.

باقروو، در جواب نامه استالین لزوم ماندن شوشا در مرزهای آذربایجان که تمام نفوس آن را آذربایجانی ها تشکیل می دادند و موجود بودن تقاضا های بزرگ مردم آذربایجان از ارمنه در طلب کردن خاک و اراضی تاریخی شان را نوشته بود. تقرب این چینی، در آن زمان کمک کرده بود که این مسئله مصنوعی پوشیده شود.

اما، هیئت وزرای اتحاد جماهیر سابق با قرار شماره 4083 در تاریخ 23.12.1947، تورک های آذربایجان موجود در ارمنستان را زیر نام "آذربایجانی" به دشت های کورا - ارس آذربایجان تبعید کرده بود. همان هیئت وزرا تقریباً دو ماه و نیم بعد، با قرار شماره 754 در تاریخ 10.03.1948 که امضای استالین را حمل می کرد، وارد اجراء شدن قرار قبلی را تأمین کرده بود.

در اوایل قرن بیستم، رانده شدن مردم آذربایجان از ارمنستان (که خود آن از اراضی تاریخی آذربایجان خلق شده بود) از راه ها و اشکال مختلف به وقوع پیوست. در این سال ها 130 هزار آذربایجانی از وطن شان رانده و به جای آنها از کشورهای خاورمیانه، نزدیک به 100 هزار ارمنی آورده شده بود. این عمل در سال های آتی آن دوران هم ادامه داشته. بنابر منابع مورخین ارمنی، در اوایل قرن پیش، از 2.300 روستای موجود در ارمنستان حدود 2.000 روستا متعلق به مردم آذربایجان بود."

بعد از این تثبیت، می توانیم با استناد بر مدارک به حرکات نفوس در قفقاز نگاهی بکنیم: ابتدا باید این را گفت که "در قفقاز بر روی مردم آذربایجان نسل کشی انجام گرفته، بعلاوه مهاجرت اجباری مردم آذربایجان توسط ارگان های دولتی ارمنی هم اتفاق افتاده است."

برای ثابت کردن این ادعا، حرکات نفوس در قفقاز بنابر چیزی که در اینجا ادعا می شود، مستلزم کاهش نفوس تورک های آذربایجان در زمانی کوتاه و افزایش نفوس مردم ارمنی می باشد.

در تاریخ 1849.05.09 که با فرمان امپراتوری روس "منطقه مختار ایروان" بنا شد، اکثریت نفوس ایروان را تورک ها تشکیل می دادند و عموماً تورک ها و ارمنه همراه هم زندگی می کردند. در این منطقه تقریباً نیم قرن بعد از اعلام فرمان یعنی در سال 1897 یک سر شماری نفوس انجام گرفته بود. بنابر این سر شماری نفوس عمومی منطقه با قید شدن 829.550 نفر ثبت شده بود.



تصویری از تورک های قره باغ آذربایجان که بعد از حمله نظامی غدارهای ارمنی و اشغال قره باغ توسط دولت ارمنستان آواره شدند.

بنابر اسناد ثبت نفوس، 429.312 نفر از این نفوس را ارمنه (حدوداً 51%)، 313.178 نفر از این نفوس را هم تورک های آذربایجان (حدوداً 37%) و باقی آن را روس ها، گرجی ها و اکرایی ها تشکیل می دادند. با گذشت 20 سال، در سر شماری جدید انجام گرفته در سال 1918، نفوس عمومی (ارمنستان) 1.510.000 می باشد. 795.112 نفر از این نفوس ارمنی و 575.092 نفر هم تورک بودند. یعنی، در سال 1897 در اراضی ارمنستان امروزی 313.178 و در سال 1918 حدود 575.092 نفر تورک زندگی می کردند.

کورکاتیان (Korkatyan) مورخ ارمنی که در آن روزها حرکات نفوس را مورد تحقیق و بررسی قرار داده بود. اینگونه می نویسد که: "در تاریخ 1920 در اراضی ارمنستان شوروی فقط ده هزار تورک آذربایجانی زندگی می کنند." (1)

یعنی، در سال 1918 شمار 575.092 نفری تورک های آذربایجان با گذشته شدن 2 سال به ده هزار نفر تنزل یافته بود.

ای. ای. لالایان (A. A. Lalayan) یک مورخ ارمنی دیگر در صفحه 67 اثر خود با نام "استریچسکی زاپینسکی (istoričeski Zapinski)" در رابطه با همان موضوع اینگونه می نویسد که: "قتل عام مردم آذربایجان از طرف ارمنه، یک سیاست از قبل پلان خورده دولت و کلیسا بود. به همین جهت در بین سال های 1918-1920 در دوران اقتدار سی ماه (از ماه می 1918 تا نوامبر 1920) حکومت داشناک در ارمنستان، مستلزم تعجب نکردن هیچ کس از کشته شدن شصت درصد از مردم آذربایجان در اراضی ارمنستان می باشد.

لالایان در سال 1936، در مجله محبوب سیاسی آن سال ها، با اسم "روول یوتسیونی ووستوک (Revoljutysoniy Vostok)" در شماره های دو و سه مجله، اعتراف های دو ارمنی قاتل که به نسل کشی مردم تورک توسط ارمنه ملحق شده بودند را منتشر کرد.

یک مورخ ارمنی دیگر با اسم هووانس شاههاتیون (Hovhannes Şahhatyun) در اثر خود اینگونه ذکر می کند که: قلمرو حکومت خان نشین ایروان از قرن 15 تا 19 توسط خان های آذربایجانی اداره می شده است. در اراضی این خان نشینی تا سال 1849 حداقل پانصد هزار تورک آذربایجانی زندگی می کرد. (2)

در خبری منتشر شده توسط روزنامه کمونیست در ارمنستان به تاریخ 1948.02.21، اینگونه نوشته شده: با قرار شماره 00902 پولیتبوروی (Politburo) اتحاد جماهیر شوروی در تاریخ 1947.12.23، تورک های موجود در ارمنستان به زور و اجبار از خانه و کاشانه شان رانده شده اند و چهار صد و هفتاد و شش روستای متعلق به مردم آذربایجان به آتش کشیده شده است.

لیکن روزنامه رابونچسکی (Rabonçski) باکو در تاریخ 1948.05.21، تنها چهل یک هزار نفر از صد و پنجاه هزار آذربایجانی متحمل کوچ اجباری به مناطق قابل سکونت رسیده اند، را می نویسد.

در دایرة المعارف بزرگ شوروی منتشر شده در سال 1959 جمعیت عمومی ارمنستان 1.501.600 نشان داده می شود. سر شماری نفوس 1918 که آمار آن 1.510.000 نفر می باشد، در سال 1959 به 1.501.600 نفر تنزل یافته است. اما چه عجیب که، در سال 1918 نفوس 795.112 نفری ارمنی در سال 1959 به 1.361.600 نفر افزایش یافته و در سال 1918 نفوس 575.092 نفری تورک های آذربایجان، لیکن در سال 1959 به 107.700 نفر تنزل پیدا کرده است.

بعد از 1936، اولیای امر ارمنی، در این کشور شروع به تغییر نام (تورکی آذربایجانی) مکان ها و ابطال آنها کردند. در سال 1991 هم با امر رئیس جمهور وقف ارمنستان لوون تر - پتروسیان (Levon Ter-Petrosyan) به 90 روستا که مردم مسلمان آن رانده شده بودند اسامی ارمنی مناسب داده شد. در سال های 1960-1970، در دوران ریاست هووانس باغداراسیان (Hovanes Bagdasarayan) مشاور رئیس عالی ارمنستان شوروی تغییر نام مکان ها شروع شد.

در نتیجه سال ها عمل غصب، راندن و مهاجرت اجباری، 1.5 میلیون تورک آذربایجان از جغرافیایی که مهاجرین ارمنی در آن مسکون شده بودند، از وطن تاریخی شان رانده و با توحش و بهانه های مختلف ارامنه، در اجبار مهاجرت مانداند. در سال 1988 عمل راندن مردم مسلمان از خانه و کاشان شان به اتمام رسیده بود. مثلاً برای نمونه امروز حتی یک تورک آذربایجان هم در ارمنستان نماده است.

کشتار تورک ها در آذربایجان جنوبی توسط ارامنه و مسیحیان

بنابر واقعیت ها اینگونه تثبیت می شود که، وحشی گری ارمنی - آسور (سریانی) در آذربایجان جنوبی تنها یک قسمت از سیاست اجرایی قتل عام انجام گرفته توسط ارامنه بر روی مسلمانان می باشد.

جنگ جهانی اول بر هرج و مرج موجود در ایران افزوده بود. انگلیس و روسیه که وارد وفاق ثلاثی شده بودند همراه با آلمان و عثمانی در مورد ایران پلان های خاصی داشتند. ایالات متحده آمریکا هم تلاش می کند که نفوذ خود در ایران را بیشتر کند و برای این هدف از فعالیت میسیونر های آمریکایی فرستاده در قطر وسیعی فایده می برد. در دوران جنگ تمام دولت های غربی که نام شان ذکر شد برای منافع خود در مناطق غربی آذربایجان جنوبی با تحریک ارامنه، آسوری ها و کردها در زمینه ملی نزاع و قتل عام ها انجام دادند.

در محیط بغرنجی که جنگ جهانی اول در آذربایجان جنوبی آفریده بود و پارتیزان های مسلح ارمنی و آسور همراه هم با سود بردن از این هرج و مرج با تاخت و تاز در شهر های خوی، سلماس، ساوجبلاق و روستاهای منطقه در بازار و خانه ها اموال مردم را به تاراج برداند، تورک های معصوم و بی سلاح آذربایجان از بزرگ تا کوچک بدون تمایز شدن شروع به کشته شدن در برابر این وحشی گری که در راس آن ارامنه و آسوری ها قرار داشتند، کردند. اینگونه قتل عام ها در شهر اورمیه هم در شکلی وحشیانه انجام گرفت. در نهایت با ورود ارتش تورک به منطقه اهالی شهر اورمیه و سایر شهرها و روستاها از یک قتل عام جمعی نجات یافته بودند. اما بعد از رفتن ارتش تورک از منطقه، در مناطقی که آذربایجان جنوبی با تورکیه و عراق همسایه بود ارامنه، آسوری ها و کردها باز از نو شروع به قتل عام تورک های آذربایجان کردند. این قتل عام ها در روزهای نخست سال 1918 زمانی که ارتش روس که در شکل پراکنده از طرف حکومت بلشویک از ایران خارج شد، شکلی بسیار فجیع و هولناکی گرفت. آشکار است که ملحق شده گان جنگ جهانی اول که دولت های بزرگ غربی بودند در مسئله تکه تکه کردن کشورهای شرقی بنابر دایره نفوس از بهانه هایی همچون خواسته ارامنه وحشی و سارق استفاده می کراند.

بعد از اینکه ارتش روس از آذربایجان جنوبی کشیده شد انگلیسی ها شروع به فرستادن اردوهای خاص خود به این اراضی کردند. تا بهار 1918 آنها زنجان، میانه، خوی و اورمیه را اشغال کردند. در همان زمان در منطقه شمال غربی آذربایجان جنوبی با تحریک اشغال گران، ارامنه، آسوری ها و کردها در معنی واقعی وارد قتل عام بر علیه مردم تورک آذربایجان شدند. تنها در منطقه اورمیه حدود 150 هزار و در منطقه خوی 50 هزار از اهالی آذربایجان به دست سفاکان ارمنی - آسور یا کشته (130 هزار) شده و با جان خود را بر اثر حمله بیگانگان و شرایط حاکم تجاوز از دست داده بودند. لیکن در اراضی تورکیه، در مناطق آناتولی شرقی حدود 200 هزار از تورک های آذربایجان توسط غدارهای ارمنی کشته شده بودند. بدین ترتیب در اراضی خاور نزدیک اشغال شده از طرف روس ها که به آنها تعلق نگرفت حدود 400 هزار تورک آذربایجانی از طرف غدارهای ارمنی به کشتار گرفته شده بودند.

حزب دمکرات آذربایجان با ریاست شیخ محمد خیابانی برای جلوگیری از این قتل عام ها به اراضی فلاکت زده و مناطق شرفخانه، سلماس، اورمیه و... دسته های مسلحی فرستاده بود. این نیروها موفق به مقابله کردن در برابر وسعت قتل عام جمعی شده بودند. جنگ جهانی اول همچون تعداد زیادی از کشورها به ایران و به آذربایجان جنوبی هم بلاهایی همچون قتل عام های بزرگ، گرانی، قحطی و گرسنگی آورده بود. جنگ حیات اقتصادی آذربایجان جنوبی را ویران کرده بود. در آن روزهای فجیع علی دهقانی و محمد تمدن از شاهدان زنده در آثار خود با نام های "اورمیه وطن پیامبر زرتشت" و "تاریخ اورمیه" از نتیجه های تلخ قتل عام های انجام گرفته بر روی مردم تورک آذربایجان توسط ارامنه سخن می گویند.

احمد کسروی از مبلغان مرتد شوونیسم پارس، حتی علارغم خصومت و دشمنی هایی که با واقعیت ها و ارزش های مردم آذربایجان داشت و آثار خصمانه به اصطلاح تاریخی مربوط به دوران قدیم او که گرفتار افق های طفیف سیاست و باستان پرستی شده اند. در اثر خود با نام "تاریخ هیجده ساله آذربایجان"، نتوانسته است از موضوع سیاست کشتارهای انجام گرفته بر روی مردم آذربایجان از سوی بیگانگان صلیبی چشم پوشی کرده و آنها را ننویسد.

در کتاب کسروی آسوری ها با مغلوب شدن به کردهای تورکیه در اطراف دریاچه وان به اراضی آذربایجان گریخته بودند. 25 هزار آسوری در منطقه با ندامت مسیحی، توسط روس ها مسکون گشتند. آنها در مواقع کثیری مال و دارایی مردم محلی را به زور از دست آنها گرفته و آنهایی که مقاومت می کردند را می کشتند. در این عمل ارامنه نقش موثرتری را بازی می کردند و مردم بیچاره و بی سلاح آذربایجان را می کشتند.

معتمد الوزرا که با چشمان خود قتل عام تورک های آذربایجان جنوبی را دیده بود در نوشته های خود اینگونه ذکر می کند که: "تا صبح صدای سلاح ها اصلا متوقف نشد. زمانی که صبح شد به خانه حکومت رفتیم. از گزارش ها معین گشت که، شب فاجعه های دهشتناکی رخ داده بود. جیلویی ها و ارامنه تاخت و تاز انجام داده و تخمینا 500 خانه به آتش کشیده شده و مردم تورک کشته شده اند. بعد از صبح، قتل عام در طول روز هم ادامه داشته. امروز در قتل عام حدود 10 هزار زن و کودک بی گناه آذربایجانی کشته شده اند." در سالنامه ای که تاریخچه خونین آن روزها را تعریف می کند علی دهقان در اثر خود با نام "اورمیه زادگاه زرتشت" در آخرین چهارشنبه سال در مورد فاجعه هایی که بر سر مردم آذربایجان آمده است اینگونه می نویسد: "بعد از صبح کردن کنسول آمریکایی مستر شد (Mister Şed) با خلع سلاح کردن تورک های آذربایجان به وسیله حیل، مردم اورمیه فهمیدند که فریب خورده اند. امروز 26 اسفند 1296 (1918.03.17) در شهر اورمیه کشته شدن 10 هزار انسان توسط ارامنه دانشناک و جیلویی ها را دیدیم."

ارامنه که قتل عام های متوجه بر تورک های آذربایجان را به واقعیت می رساندند تنها از آسوری ها نه، بلکه برای استفاده با کردهای مسلح محلی هم قرارهای مخفی هدف دار انجام می دادند. ارامنه که با نیرنگ، لیدر آسور مارشیمون (Marşimon) را به پیش انداخته بودند ملاقات او با لیدر کرد، اسماعیل سیمیتقو را مقرر کردند. در زمان ملاقات بنابر اختلاف در همکاری، سیمیتقو مارشیمون را می کشد و بر علیه این توصیه حیل گرانه ارامنه می ایستد. بعد از مرگ مارشیمون برای اداره آقا پتروس (Ağa Petros) ارمنی ریاست را انجام داده بود. کسروی می نویسد که: در قتل عام های خونین انجام گرفته در زمان ریاست آقا پتروس در سلماس حتی یک روستا هم نماده بود. مردم بیچاره کشته می شوند، آنها که می توانند مهاجرت می کنند. زمانی که در بین شهرهای اورمیه، سلماس، خوی و ... و روستاهای موجود بین این شهرها قتل عام تورک های آذربایجانی توسط ارامنه ادامه داشت، ارتش عثمانی به کمک آنها آمد و شاید هم مردم آذربایجان را از خطر محو شدن از منطقه نجات داد. ارتش عثمانی در ماه ژوئیه 1918 به شهر خوی رسید. ارتش از آنجا مستقیما به سمت سلماس حرکت کرد و به دسته های ارمنی - آسور حمله کرد. پتروس برای این جنگ از اورمیه مهمات جنگی آورده بود. بعد از یک جنگ چند روزه قوای ارمنی - مسیحی به اهلاک کشیده شد، آنها خانواده های خود را رها کرده و گریختند.

آن سال لیدر کمیته دانشناک ارمنی آندرانیک اوزانیان (Andranik Ozanyan) که در تقلائی مذبوحانه برای آفریدن ارمنستان بزرگ بود برای گرفتن شهر خوی و متحد کردن اردوهای ارمنی - آسور با 8.000 نفر از طریق جلفا به طرف شهر خوی حرکت کرد. ارامنه برای خود مقرر کرده بودند که، شهر خوی را گرفته، بعد از کشتن اهالی آن ده هزار خانواده ارمنی را در آنجا سکونت دهند و این قسمت آذربایجان به ارمنستان ملحق شود. ارتش عثمانی از طرف سلماس وارد خوی شد. اهالی خوی که این را شنیده بودند خوشحال شده و مقامات آنها محکم تر شده بود. ارتش عثمانی توپ ها را بر روی کوه ها مقرر کرد و به سوی مقر دسته های سفاک ارمنی آتش گشود و ارامنه بعد از، از دست دادن امید خود در به نتیجه رساندن نقشه شوم شان گریختند.

حتی این مغلوبیت هم بر قتل عام مردم آذربایجان خاتمه نداد. ارامنه پلان های جدید کشیدند. به شهرهایی که حلقه دفاعی ضعیف داشتند حمله های منطقه ای انجام داده و فاجعه های جدید به وقوع می رساندند. ارامنه در پلان های شریر خود حتی استفاده کردن از کشتی نظامی روس ها در دریاچه اورمیه را هم از قلم نه انداخته بودند. آن کشتی تحت فرمان یک دسته نظامی 180 نفری ارمنی - آسور بود. هدف جاسازی توپ ها در این کشتی، آمدن به بندر شرفخانه و به زیر کنترل گرفتن کشتی های موجود در بندر برای شروع کردن یک عملیات جدید بود. ارامنه کمیته چی برای رسیدن به این هدف خود هر گونه جرمی انجام می دادند. اهالی ساکن و حتی علمای دینی را هم به قتل می رساندند. برای مثال تکه تکه کردن آقا میر محمد پیشنماز خلخال که نیت حقیرانه و شوم ارمنی - آسور را آشکار کرده بود بهترین نمونه برای نشان دادن میزان توحش ارامنه می باشد.

احمد کسروی: "ارامنه زمان گریختن از اورمیه در راه ها، در روستاهای وحشی گری هایی که تا آن زمان دیده نشده بود را انجام دادند. آنها با حس کردن نزدیک شدن ارتش عثمانی شهر را ترک کردند. در این حوادث وحشتناک ارامنه و آسورها بیش از 10 هزار نفر از اهالی را کشتند. مردم بیچاره بعد از شش ماه ظلم و شکنجه توسط ارامنه و آسورها از گریختن آنها خوشحال شدند."

چهره واقعی سفاکان یام یام ارمنی

در اوایل قرن گذشته که دولت های غربی و امپریالیسم، اقلیت ارمنی را همخوابه رویای معوق ارمنستان بزرگ کرده بودند. با شروع جنگ جهانی اول غباوت و مبادرت های مسلحانه این اقلیت خیره سر تنها چیزی بود که در راه نقشه شوم ارمنستان بزرگ می توانست انجام دهد. این اقلیت ارمنی که کل تاریخ خود را با دره داری زیر اداره امپراتوری های بزرگ سپری کرده بود. جز عصیان احمقانه توده ای ارمنی قلدر که بازیچه غرب شده بودند چیزی نداشت که در راه رسیدن به رویای معوق ارمنستان بزرگ بدهد. به گونه ای دره داران و متصرفان ارمنی با چند قدم انداخته همراه امپریالیسم غرق رویا شده بودند. آنها در این همراهی اصول خویش یعنی دره داری را ترد و از ذوق هدیه امپریالیسم خود را ذیق خیانت بزرگ دیده بودند. نهایتا این که رسوا شدند، نسل های بعدی اقلیت ارمنی که ضربه شدیدی به اعتبار و روان آنها در نتیجه حماقت اجدادشان خورده بود، در چنبره ای از افسردگی، دروغ، افتراء و خیال پردازی برای انتقام پرورش یافته و هیچ چیز برای افتخار نداشتند. آنها مجبور به افتخار آفرینی بودند. لیکن نمونه هایی از این تفاخرات به سبک یام یام های ارمنی در آذربایجان:



تصویری از بقایای اجساد مردم بی گناهی که به دست سفاکان ارمنی قتل عام شده اند

"ما با خاچاتور (xaçatur) در زمان ورود به خانه ای که به دست گرفته بودایم، سربازان مان یک کودک تورک 13 ساله را به پنجره میخ کرده بودند. برای این که کودک تورک سر و صدا نکند، خاچاتور سینه پریده مادر این کودک را درون دهان او فشار داد. بعد پوست سر، سینه و شکم این کودک 13 ساله تورک را کند. نگاه کردم، کودک تورک بعد از 7 دقیقه با از دست دادن خون دنیای خود را تغییر داد. روح ام از شدت سرور مغرور گشت. بعد هم خاچاتور جسد این کودک تورک مرده را تکه تکه برید و جلوی سگ هایی که هم جنس این تورک بودند، انداخت. شب همان کار را با 3 کودک تورک دیگر انجام دادیم. من مثل یک ارمنی وظیفه ام را به سرانجام رسانده بودام. می دانستم، که هر ارمنی از حرکات مان احساس فخر خواهد کرد."

خاطرات ژری بالایان (Zori Balayan) - کتاب: جان گرفتن روح مان

"در سرمای شهر برای گذشتن از لجن زار حوالی داشبولاق مجبور به ساختن پل از مرده ها شدایم. من نمی خواستم که از روی مرده ها رد شوم. پودبول کوونیک اوهایان (Podbolkovnik Ohanyan) که این کار را انجام داد به من اشاره کرد و گفت "نترسین" من پایم را روی سینه یک دختر بچه 9-11 ساله مرده فشار دادم و شروع به قدم انداختن کردم. پاها و شلوار من غرق خون بود، و به همین شکل من از روی 1.200 مرده گذشتم."

خاطرات داوید خردیبیان (David Kherdiyan) - کتاب: بخاطر صلیب "For the Sake of Cross" صفحه 19

"در 2 مارس گروه "قفلان" ارمنی (که با سوزاندن مردگان مشغول بود) با جمع کردن نزدیک به 2.000 جسد حقیر تورک در یک کیلومتری خوجالی در قسمت های جداگانه شروع به سوزاندن آنها کرد. در آخرین ماشین بار من یک دختر بچه تقریباً 10 ساله که از سر و بازو ها زخمی شده بود را دیدام. وقتی که با دقت نگاه کردم دیدم که، این دختر بچه آرام آرام نفس می کشد. بدون توجه کردن بر گرسنگی و زخم های عمیق، او هنوز هم زنده بود. چشم های این دختر بچه که با مرگ مبارزه می کرد را من هرگز از یاد نخواهم برد. در آن هنگام یک سرباز به اسم تیگرانیان (Tigranyan) او را از بازو هایش گرفت و بر روی اجساد که روی آنها نفت ریخته شده بود انداخت و بعد آنها را به آتش کشاتداند. برایم آن گونه به نظر رسید که صدای جیغ و فریاد خفیفی از بین اجساد به آتش کشیده شده می آمد. کاری نمی توانستم انجام دهم. من به شوشا (شهری در قره باغ) برگشتم. آنها بخاطر صلیب به جنگیدن ادامه داداند."

خاطرات داوید خردیبیان (David Kherdiyan) - کتاب: بخاطر صلیب "For the Sake of Cross" صفحه 76

مسلم، بارها ثابت شده که کشتن افراد بی دفاع و تحقیر کردن مردگان تنها نشانه قدرت و افتخار این مخلوقات ممقوت یعنی سفاکان ارمنی در میدان می باشد. آنها به خاطر طلب جنگیدانه، صلیبی که به جزم آنها عیسی بر روی آن عذاب کشیده است. به خاطر طلب، چرا که طلب همه باور آنها است، **صلیب بت آنهاست**، آن کودک 13 ساله و امثال او هم همچون قربانیان به خاطر صلیب به چهار میخ کشیده شدند. آنها با توحش سفاکان ارمنی به چهار میخ کشیده شدند، و این حرکات در اصل نشان دهند میزان اسارت و بندگی برای ابلیس نفرت از تورک ها در مخلوقات کذاب و حقیرالخلقه ای همچون غدارهای ارمنی می باشد.

هدف واقعی از بیان کردن این موضوعات همانند ارمنه تزریق کردن یک مظلوم نمایی شیدانه مختص ذات مدعیان ارمنی برای تورک ها نیست، مظلوم نمایی که امروز ارمنه با یک نقاب صورتی رنگ آن را با بی شرمی و افتراء فکری به نمایش گذاشته اند. بلکه اثبات مبادرت های ارمنی که هم در اسناد خارجی و هم در اسناد دولت عثمانی نمونه های آن بسیار موجود است می باشد، فعالیت های هدف دار دولت های امپریالیسم و گروه های اختلال گرای سفاک ارمنی بر روی اقلیت ارمنی از اواخر قرن 19 که با به نتیجه رسیدن این فعالیت های تحریک آمیز، در اصل این ارمنه بودند که بخاطر به واقعیت رساندن اوهم ارمنستان بزرگ راه خود را جدا کردند و از نقطه ای که این جدایی راه از طرف آنها اتفاق افتاد، این مردم مسلمان جغرافیای آناتولی و آذربایجان بودند که گرفتار مظالم ارمنی شدند، چرا که هیچ منطقی صلاحیت اقلیت بودن ارمنه در نقشه شوم ارمنستان بزرگ را قبول نمی کرد، پس باید مکان اکثریت مطلق مردم مسلمان برای اقلیت ارمنی خالی می شد.

چنانچه در سال 1828 سفیر روس (در ایران) ای. اس. گریبویڈوا (A. S. Griboyedova) در نامه فرستاده خود به امپراتوری روس اینگونه می نویسد: "علازم اینکه مردم ارمنی در اراضی آذربایجان سکونت داده می شوند ولی رفتارهای تحقیر آمیز و بد اخلاقی خاص ارمنی، موجب نارضایتی بین مردم آذربایجان شده است."

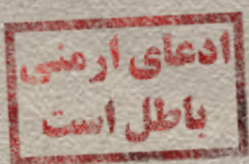
لیکن با بررسی حرکات ارمنه و عصیان های مسلحانه کمیته چپان غدار ارمنی در اواخر قرن 19 و کشتار مسلمانان قبل از جنگ جهانی که دولت عثمانی مجبور به مقابله در برابر آنها مانده بود، شاهد به تهجیر گرفته شدن حدود 1/3 از ارمنه 1.25 میلیونی عثمانی هستیم. ارمنه برای قبول شدن دروغ ها و افتراء های خود مبنی بر کشته شدن 1.5 میلیون ارمنی (معصوم!) هر روز دروغ های جدیدی را برای کسانی که عقل و شعور آنها را به کرایه گرفته اند و یا گرفتار خصم و کینه بر علیه تورک ها شده اند طرح ریزی می کنند. تا جایی که امروز ادعاهای ارمنی با قرار گرفتن در مکانی بی اعتبار از نظر حقایق تاریخی دچار تناقض و بی ربطی کسالت داری شده است.

ادعای نسل کشی صوری ارمنی در 24 آوریل 1915 (1915.04.24) که فاقد اساس تاریخی بوده، بنابر حقایق تاریخی محصول خیالات می باشد. نشانند ادعای "نسل کشی" صوری توسط پروپاگاندای ارمنی به یک زمینه تاریخی هرگز نمی تواند اثبات شود.

آنگونه که برای پنهان کردن این افتضاح و "دروغ صورتی"، دولتی هایی همچون دولت فرانسه حتی قدمی غیر معقول و به ظن خود موثر برداشته و هر گونه بررسی و تحقیق تاریخی در رابطه با مسئله ارمنی و رد ادعای نسل کشی صوری ارمنی که باب جذلات بیان برای آنها شده را غیر قانونی کرده و حتی با کسانی که این دروغ امپریالیست را از نظر حقایق تاریخی به چالش بکشاند برخورد به اصطلاح قانونی می کنند. لیکن این تقلای مذبحخانه، که نشان دهنده عدم حضور عقل سلیم در کسانی است که این گونه قوانین تهی را تصویب می کنند آن هم در کشوری که ادعای آزادی بیان دارد، این اصول شبیه به یک پارادوکس کمدی مضحک شده است.

امروز لابی های ارمنی حتی علازم پول های کلانی که در بازارهای افتراء فکری خود و تجارت نفرتی که به راه انداخته اند کسب می کنند. چنان تورک های تورکیه و آذربایجان را بدهکار خود می دانند که اوزان سفاقت و احمقانه بودن آن را تنها می توان اینگونه سنجید که ارمنه، سرمایه نگذاشته پدران دره دار (فئودال) خود و حتی آن عاقبت نیک الهی که خداوند هم آن را برای ارمنه از طرف خویش نپسندیده و صلاح ندیده است را از تورک های آناتولی و آذربایجان می خواهند. آن هم با اضطهاد و قلدری.

در این قسمت سعی شده که به موضوع جنایات ارمنه در آذربایجان توجه شود، این نوشته مختصر حتی خلاصه ای کلی از اعمال جنایت کارانه ارمنه بر روی تورک های آذربایجان هم نمی شود، لیکن هدف از مطرح کردن آن فقط اشاره به این جنایت های ارمنی می باشد که ظاهرا ارمنه علاقه ای به رو برو شدن با آن ندارند و با دور شدن از حقایق خود، گویا در پی حق و حقوق می باشند.



1) Korkatyan, Ermenistan'ın Nüfusu 1831-1931, s. 137, Erivan, 1937.

2) H. Şahhatyun, Ecmizadin Vilayetin ve Ararat Baş Kazasının Tarihi, Cilt: 2, s. 766.

ظلم ارمنه بر ارمنه

ارمنه کمیته چی صرفا مقید بر قتل عام مردم تورک نبودند، در همان زمان کمیته چیان ارمنی بر روی ارمنه ای که از وضع آنها مشکوک شده و یا تصور طرفداری آنها از تورک ها را می کردند ظلم های مختلفی را انجام داده بودند.

بعد از تظاهرات کوم کاپی در ژوئیه 1890 کمیته هنجاک ارمنی، شروع به اجراء سوء قصدها بر علیه ارمنه ای که از وضع آنها دچار شک و شبهه و یا قبول کرده بود که آنها از حکومت طرفداری می کنند کرده بود. مشاور حقوقی هاچیک (Haçik)، از طرف یک ارمنی 15 ساله به اسم آرمناک (Armenak) کشته شده بود. کشیش کلیسای گندیک پاشا، داجات وارتابت (Dacad Vartabet)، تکه تکه شده بود. روحانی منتخب شده برای مجلس مامیره وارتابت (Mampre Vartabet)، به جهت وکالت کردن برای دولت در سوء قصد انجام گرفته بر علیه او زخمی شده بود.

از خبر دادن پلان های کمیته توسط پاتریک عاشقیان (Patrik Aşıkyan) شبهه شده بود، به همین جهت، از طرف کمیته یک جوان ارمنی دیاربکری به اسم آگوپ (Agop) که با قرعه انتخاب شده بود در روز 1894.03.25 یک سوء قصد در کلیسا بر علیه عاشقیان انجام داده بود. به دلیل خراب بودن تپانچه سوء قصد کننده، سلاح او شلیک نکرده بود و جوان ارمنی دستگیر شده بود.

در 1894.05.10 کمیته هنجاک ارمنی؛ توسط دو کمیته چی ارمنی به سیمون مقصود (Simon Maksut) که او را رفیق عاشقیان قبول کرده بودند، در گالاتا در مقابل خاویار خانه به سوء قصد گرفته شده بود. در مورد این سوء قصد ها سفیر فرانسه مسیو پی. کامبون (Mösyö P. Cambon)، در تاریخ 1894.03.27 این اطلاعات را به وزیر امور خارجه فرانسه داده بود:

"از کامبون به کاسیمیر پرییر (Casimir Perier) بی اوغلو - 1894.03.27

روز یکشنبه گذشته پاتریک عاشقیان، بعد از مراسم دینی به مورد بازگشت به پاتریک خانه در حال ترک کردن کلیسای کوم کاپی یک جوان ارمنی هیجده ساله، با نشانه گرفتن تپانچه بر روی او چندین بار شلیک کرده بود. به دلیل خراب بودن سلاح، هیچ گلوله ای به پاتریک اثبات نکرده بود. جوان ارمنی به کلاتتری برده شده بود و با به سوال کشیده شدن در مورد جنایت، اینگونه گفته بود که: عاشقیان دشمن ارمنه بود، او به صورت فشرده برای حکومت خبر می رساند و ملت ارمنه هم برای رها شدن از این انسان قسم خورده بود. بعلاوه مرتبط بودن خود و هم مذهبیان خویش به پادشاه را هم معین کرده بود.

پی. کامبون"

مسیو کامبون در پیغام فرستاده به تاریخ 1894.05.03 اینگونه می نویسد:

"از کامبون به وزیر امور خارجه هانوتوکس (Hanotaux) بی اوغلو - 1894.05.03

در چند روز اخیر در استانبول به یک شخص از جماعت ارمنی سوء قصدی انجام گرفته است. این شخص که امروز از خطر نجات یافته، دربان پاتریک خانه، سر مترجم، بانکدار ثروتمند و یکی از متحدان وزارت حریبه جناب سیمون مقصود می باشد. جناب مقصود که یکی از اعضای مردمی مجلس پاتریک خانه می باشد، از خیلی وقت پیش به گمان هم مذهبیان خود به تورک ها فروخته شده و با خان بودن بر ملت شناخته شده است.

سال گذشته، زمانی که مراسم جشن گرفتن قانون اساسی که از طرف سلطان عبدالمجید (Sultan Abdülmecid) به ارمنه داده شده بود، از طرف پادشاه ممنوع اعلام شده جناب مقصود، از حضور برای مبادرت در مورد فسخ این ممنوعیت امتناع کرده بود. از آن زمان به بعد شدیداً نفرت ارمنه تحریک کننده و مفسد را بر خود گرفته است.

حمالان ارمنی وان که اقدام به قتل او می کنند، کسانی هستند که در وان از مامورین کرد و تورک فشارهای زیادی را متحمل می شوند.

قرار گرفتن مان در مقابل یک جنایت سیاسی بی شبهه است. قاتلان، اسناد و نامه هایی که از طرف کمیته های ارمنی نوشته شده اند را منتقل می کنند. خود شان قبول کرده اند که در صورت داده شدن پول از طرف شخصی به اسم لوون (Levon) برای انجام دادن این کار گرفته شده اند. کمیته های ارمنی با دادن سلاح به اینها، بعد از انجام گرفتن سوء قصد، خواسته بودند که در وضعیت اخطار بر علیه کسانی باشد که منصوب در صنف های عالی ارمنی بوده، دوست تورک هستند و یا به دعوی ملی خیانت می کنند قرار گیرند.

کمیته ها در این حرکات خود، با فرو آوردن ضربات به حکومت مرکزی خواستار اعلام این بودند که دیگر در استان ها نیست و برای فعالیت های خود یک میدان وسیع تر تامین کنند و بر روی پادشاه انجام دادن یک تاثیر قوی را خواسته بودند.

بعد از این سوء قصد، پادشاه بسیار جدی شده است. در استانبول تعدا زیاد دستگیری های انجام گرفته از طرف پلیس تصدیق کننده این ادعا می باشد.

پی. کامبون"

بعد از تظاهرات کوم کاپی رئیس شعبه استانبول کمیته هنجاک با اسم مستعار مراد (هامپارسوم بویاجیان (Hamparsum Boyacıyan)) بود. از قفقاز هم یک نماینده هنجاک ارمنی با اسم وارت بادریکیان (Vart Badrikyan) آمده بود. بادریکیان یکی دو ماه بعد دستگیر می شود، اما به جهت این که تابعیت روس داشت از طرف سفارت روس گرفته شده بود. در عوض آن باز از قفقاز ارداوازت اوهانجانیان (Ardavazt Ohancanyan) فرستاده شده بود. سوء قصدها، در زمان این نمایندگان به میان آمده بودند.

ظلم ارمنه بر ارمنه تنها از سوء قصدها عبارت نبود. کمیته های ارمنی که برای عصیان مجبور به تلاش در تامین پول بودند، تعداد زیادی از اتباع ارمنی را لخت و غارت کرده بودند. همان طور که پانتیکیان (Pantikyan) مشهور که در متارکه نقش بزرگی بازی کرده بود در اطلاع بسیار قابل توجه داده شده به ام. صفر (M. Sifir) که اسم اصلی او رضی یالکین (Rezi Yalkin) بود. این گونه می نویسد:

"خصوصاً می خواهم این جهت را نشان دهم که، در آن قیل و قال در مناطق مختلف آناتولی در اطباق کردها و تورک ها به مورد مقابله با حرکات عصیان انجام گرفته، نسبت متعرض ماتدن ارمنه در خسارت های مادی، بنابر کل ثروتی که هنجاکیان در نتیجه غارت های انجام داده در استانبول به دست آورده اند، مطمئن باشید که، حتی به اندازه نگرفتن یک صدم آنها می باشد. کمیته چیان ارمنی، آن قدر ارمنه استانبول را لخت و غارت کرده اند که، تعداد بسیار زیادی از ثروتمندان را به وضعیت محتاج شدن بر چند سکه انداخته بودند.

نشان دادن این غارتگری با رقم، برای دادن درس عبرت به نسل جدید ارمنی، در آن زمان مقدار پول غصب شده با اسم صاحبان آنها که در خاطر من است را با ردیف کردن در این ستون ها را مفید دیدم:

یک هینت کمیته هنجاک ارمنی که در اطراف باکراکوی، یدی کوله و ساماتیا زیر ریاست یکی از مفسدان مشهور اهل وان کشیش مراد عراقلییان (papaz Murat Irakliyan) که غارتگری (لخت کردن) انجام می داد، تنها از اصناف فقیر ارمنی و صاحبان صنعت بیست و دو هزار سکه طلا، بعلاوه شش هزار سکه طلا از تاجر فرش کارنیک سمبلیان (Karnik Sümbülyan)، از بزازی به اسم نشان شاهپازیان (Nişan Şahpazyan) پنج هزار سکه و از ذخیره داران سیار سیزده هزار سکه طلا گرفته بود.

غارتگری اطراف ینی کاپی و کوم کاپی هم کمتر از اینها نبود. تمام هست و نیست اصناف کوچک و صنعت کاران گرفته شده بود، تقریباً کاسه های اشخاص مهم دارای مال و اموال خالی شده بود. اگر خاطره هایم مرا اغفال نکند، در این اطراف کل غارت شده ها هم سی هزار سکه طلا می شود.

آنهايي که گالاتا و بی اوغلو را به خراج گرفته بودند، بزرگترین رکورد غارتگری را شکسته اند. تنها از یک ارمنی به اسم استپان (istepan) که یکی از جواهرچی های مهم آن زمان بود، سی هزار سکه گرفته شده بود و در این سمت در کل غارتگری صد هزار سکه طلا را تاراج کرده بود. از میرلییان (izmirliyan) که پاتریک گری را هم به دست آورده بود، پنج ناظر مخفی کمیته، میغیر (Miğir)، کشیش مراد عراقلییان، موسدیچ کشیشیان (Musdiç Keşişyan) اهل حلب و رفیق آنها آن روز دارای مال و منال معظم شخصی شده بودند.

کمیته چیان آن زمان، گفته بودند که یک قسمت مهم از این پول ها را به اشخاص درون سرای داده اند. ولی، این حرف ها تماماً کذب است. چرا که، مراد عراقلییان، ده سال بعد از این غارتگری با فرار کردن و طی یافته شدن در صوفیه، کل حادثه را به طور واضح شخصاً برای پدرم تعریف کرده بود، صحبت کردن سوز و گداز دار او از سی هزار سکه طلا که به سهم او افتاده بود و آن زمان از طرف از میرلییان به دست گرفته شده بود را فراموش نکرده بود." (2)

عضو بخش آموزش تاریخ دانشگاه یوزونجو بیل، پروفسور دکتر حسن اکتای (Doç. Dr. Hasan Oktay)، در ارتباط با موضوع ظلم ارمنه بر ارمنه یک نمونه قابل توجه دیگر را اینگونه تعریف می کند:

"بعد از اتمسفر سیاسی ایجاد شده، بعد از اعلان مشروعیت دوم ریاست شهرداری وان و عضویت در مجلس اداری وان در اواسط سال 1909 به یک ارمنی با اسم بدروس کاپاماجیبیان (Bedros Kapamacıyan) تسلیم شده بود. با در نظر گرفتن شهر که صاحب اکثریت نفوس مسلمان بود کاپاماجیبیان بدون هیچ تمایزگری با بهره بردن از توجه هر کس، عضو انتخاب شده بود، به همین جهت رای مسلمانان را هم گرفته بود. در نتیجه انتخاب انجام گرفته از 10 عضو مجلس اداری 2 نفر از ارمنه انتخاب شده بودند.

کاپاماجیبیان که در طی مدیریت خود مردم را راضی نگه داشته و فقط دایماً در برابر کمیته های ارمنی داشناک و هنجاک از دولت عثمانیه در وضعیت جانبداری قرار می گرفت، در وان برای راحتی و رفاه مسلمانان و جمعیت ارمنی خدمت می کرد. کاپاماجیبیان رئیس شهرداری وان، در حالی که برای راحتی مردم و آینده شهر تلاش می کرد پاتریک ارمنی، برای زنده نگه داشتن مسئله ارمنی در بین دولت های اروپایی وقتی که با کمیته داشناک همکاری می کرد در وان و اطراف آن وارد بعضی ترتیبات و تحریکات شده بود.

در راستای این ترتیبات در وان در آوریل 1912 یک سری آتش سوزی اتفاق افتاده و در این آتش سوزی ها خانه بعضی از ارمنه هم سوخته بود. پاتریک ارمنی این آتش سوزی ها و مسئله تحریکات را از دهان رئیس شهرداری به سفیران اروپایی گزارش داده بود. یعنی اینکه مسلمانان حاضراند در هر زمان جان و مال ارمنه را از میان بردارند و خواسته بود معین کند که مسلمانان این حادثه را به میان آورده اند. اما رئیس شهرداری کاپاماجیبیان، گزارشی مبنی بر اعلام اینگونه نبودن مسئله و توضیح به وقوع پیوستن آتش سوزی ها توسط کمیته داشناک ارمنی فرستاده بود.

کاپاماجیبیان که اعمال ارمنه اختلال گرا که سال ها بود در مرکز وان درون یک سعی بزرگ تلاش می کردند، را به سختی انداخته بود دیگر زنده ماندن او برای کمیته به وضعیتی غیر قابل حزم در آمده بود و در مورد رئیس، قرار به قتل رسیدن گرفته شد. دسته های اختلال گرای ارمنی که تنوری های خود را بر روی نزاع ارمنی - تورک بنا کرده بودند، قبل تر هم با ترتیب دادن سوء قصدها بر علیه اشخاص برجسته ارمنی که با حمایت از دولت عثمانی حاکمیت کمیته ها بر روی مردم را غیر ممکن کرده بودند، بدین ترتیب با انداختن وحشت مخالفتی را که در برابر آنها ایجاد می شده را هم از میان بر می داشتند.

کاپاماجیبیان رئیس شهرداری وان که به صورت فشرده مورد تهدید قرار می گرفت در تاریخ 1912.12.10، در شکلی که از فشرده شدن صلیب سیاه بر روی اسم خود بی خبر بود، با افراد خانواده پر جمعیت خود زمانی که برای مهمانی رفتن به جشن نام گذاری یکی از اقوام با اسم مارجیدجیبیان (Marcidciyan) حاضر می شد، از خانه بیرون آمده و سوار سورتیه ای که مقابل در خانه منتظر مانده بود شد. در این موقع یک گروه داشناک چپ کمین کرده در اطراف خانه، بر روی ازدحام پخش شده و شروع به گشودن آتش کردند. رئیس شهرداری که در یک شکل غیر قابل انتظار و بی محافظت قرار گرفته بود با اثبات دو گلوله به سر، بر زمین پهن شده بود.

به دلیل قرار گرفتن خانه رئیس شهرداری در بین باغ ها، نزدیک ترین کلاتری در فاصله ده دقیقه ای قرار داشت. به همین جهت با رسیدن ژاندارما به محل حادثه قاتلان با استفاده کردن از تاریکی، موفق به فرار شده بودند. محل باغ ها که با یک اکثریت بزرگ مکان اسکان ارمنه بود یکی از قوی ترین نقطه های کمیته داشناک بود. به همین دلیل فرار و مخفی شدن قاتلان تا حد امکان بسیار آسان شده بود.

توضیحات شاهدان حادثه شروع به گرفته شدن کرد. اطلاعات در مورد قاتلان آرام آرام کامل می شد. خصوصاً بنابر توضیحات پسر رئیس شهرداری احتمال انجام دادن این جنایت از طرف کاراکین (Karakin) و رفقای او به میان می آمد. بدین طریق معین شدن تقریبی قاتلان مانع از یک هرج و مرج احتمالی در به میان آمدن آنها از بین مردم مسلمان و ارمنه شده بود و بلافاصله با انجام عملیات هایی کاراکین دستگیر شد، ولی رفیق او که اسم او هم تثبیت نشده بود موفق به فرار شده بود.

در داخل گروه عامل حادثه، پُتور (Potur) ارباب ران که قبلاً هم به دلیل انجام جرم حمل سلاح به داخل وان مورد تعقیب بود، همراه با ارباب خود، ساراپ اوسپ (Saraç Osep) و کاراکین (جواهرات چپ)، بعد از حادثه با فرار به روستای کاراگوندوز و شخصی با لقب ساهاف (Sahaf) که از برجستگان کمیته داشناک بود و نقشه قتل کاپاماجیبیان را کشیده بود، بعد از یک تعقیب فشرده دستگیر شده بودند. رفیق کاراکین قاتل که بعد از زمان حادثه غیب شده بود بعدها با دستگیر شدن به زندان فرستاده شده بود.

ویرامیان (Viramyán) از مقاله نویس های روزنامه آزادامارت که از طرف منصوبان کمیته داشناک ارمنی در وان منتشر می شد، آرام ماتوکیان (Aram Manukyan) مفتش مکتب های ارمنی و مسئول کمیته داشناک در وان و یک قسم از اعضای برجسته کمیته داشناک با خاطر نشان کردن جسورانه بودن کشتن رئیس شهرداری کاپاماجیبیان، قرار دستگیری آنها داده شد.

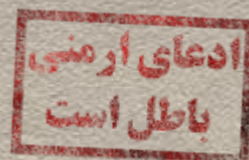
پرداختن در یک شکل سریع بر روی قتل کاپاماجیبیان که از طرف ارمنه تا حد امکان بسیار زیاد دوست داشته می شد، حتی اگر به قاتلان او جزای مستحقانه را نداده باشد هم حداقل دستگیری آنها، در بین اهالی با ممنونیت روبرو شد. لیکن ارمنی بودن قاتلان، در میان ارمنه یک تاسف عمیقی را به میان آورده بود. با گرفته شدن تدابیر لازم در اجراء مراسم جنازه کاپاماجیبیان برای غالب بودن آسایش دقت زیادی نشان داده شده بود.

به مراسم جنازه از میسیون های خارجی افراد مهمی مثل کنسول های انگلیس، روس و فرانسه هم ملحق شده بودند. در کنار آن همچون اشتراک نکردن ارشدان پارتیزان در این مراسم جنازه، موجود نبودن حتی یک نفر از کمیته داشناک هم معنی دار بود. کمیته داشناک ارمنی آشکارا با این وضعیت خود در یک حرکت مشخص کشتن رئیس شهرداری را برای دوستان و دشمنان خود تبدیل به یک بهانه تهدید کرده بود.

ارمنه اختلال گرای داشناک برای رسیدن به اعمال خود حتی بدون اغماض کردن انسان های خود را هم می توانست اند بقتل برسانند. کمیته چپان ارمنی برای اختلال، برای ایجاد کردن محیط مناسب با گرفتن هر نوع عملی مقابل چشم، با بستن فعالیت های خود به یک اصول، تلاش های انجام داده آنها همراه با حمایت روس ها نتیجه داده بود، آنها وان را موقتاً اشغال کرده بودند، در ماه اکتبر 1917 روس ها به جهت انقلاب بلشویک عقب نشینی کرده و شهر وان مجدداً به دست مسلمانان افتاد." (3)

اکتای، در مورد ظلم ارمنه بر ارمنه از آلتان دلی اورمان (Altan Deliorman) این سطرها را نقل می کند:

"ارمنه زمانی که در آناتولی فعالیت های خود را می رانند از یک طرف هم در استانبول هم کیشان خود که به آنها اهمیت نداده را بقتل می رسانند. مشاور حقوقی هاجیک (Haçik)، اسقف کلیسای گندیک پاشا داجاد وارتابت (Dacad Vartabet)، تاجر کاراگوزیان (Karagözyan)، قندیل چی اوننیک (Onnik)، آپیک اونجویان (Apik Uncuyan)، مامور پلیس مارکار (Markar)، عضو مجلس روحانی مامپره وارتابت (Mampre Vartabet)، حاجی دیکران (Hacı Dikran) و توتونجویان میگریدیچ (Tütüncüyan Mıgırdıç) تنها چند نفر از صدها ارمنی بقتل رسیده توسط پارتیزان های سفاک ارمنی می باشند." (4)



1) Uras, Esat-; Tarihte Ermeniler ve Ermeni Meselesi, Belge Yayınları, İstanbul 1987, s. 469-471.

2) Banoğlu, Niyazi Ahmet-; Gündüz Matbaası, Ankara 1976, s. 24-25.

3) Oktay, Doç. Dr. Hasan-; "www.ermenisorunu.gen.tr/makaleler"

4) Deliorman, Altan-; Türklere Karşı Ermeni Komiteleri, İstanbul 1975, s. 31.

نسل کشی ارمنه توسط دولت ارمنستان (الحاقی)

از تبتیر موضوعی که در مورد آن می خوانید تعجب نکنید، چرا که ما با منطق اصیل ارمنی به موضوع مهاجرت آنها نگاه خواهیم کرد. لیکن لازم است قبل از نگاه کردن به مسئله با منطق ارمنی خلاصه ای از حوادث که موجب مهاجرت کردن ارمنه به مناطق همسایه و دیگر مناطق و تهجیر دادن آنها شد را مرور کنیم، ارمنه زمانی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با دخالت روس ها و دول غربی در امور داخلی حکومت عثمانی و تشکیل کمیته های اختلال و اربابگر، هم خوابه وعده ارمنستان بزرگ از دریا (خزر) تا دریا (مدیترانه) شدند، قتل عام مردم مسلمان منطقه هم شروع شده بود، تا این که با اشغال آناتولی شرقی توسط روس ها و ارمنه، عصیان های مسلحانه ارمنه به روستاها و شهرها و حمله متفقین برای اشغال پایتخت خطر بزرگی برای موجودیت دولت و مردم تورک در آناتولی به وجود آورده بود. عثمانی ها که موفق به نگذاشتن اشغال پایتخت در همان روزها شدند برای به انکسار کشاندن سرطان عصیان ارمنی، ارمنه ای که احتمال عصیان عمومی آنها هم وجود داشت را به تهجیر گرفت اند. اختلاف آمار ارمنه به تهجیر گرفته شده (438.758) و آنهایی که به مناطق جدید اسکان صحیح و سالم رسیده اند (382.148) نشان دهنده عدم به میان آمدن هرگونه قتل عام از قبل ترتیب داده شده و یا بالعکس توسط دولت می باشد.

چرا که در اواخر سال 1918 نزدیک به 3 سال بعد از اتمام تهجیر، بوغوس نوبار پاشا (Boghos Nubar Paşa) رئیس هیئت نمایندگان ارمنی در گزارش فرستاده به مسیو گوت (Monsieur Gout) وزیر صلاحیت عالی وزارت امور خارجه فرانسه: خارج شدن 390.000 نفر از تورکیه را که 250.000 نفر در قفقاز، 40.000 در ایران، 80.000 در سوریه - فلسطین 20.000 در موصل - بغداد شامل آن بودند، در اصل تعداد جمعی کوچ گنندگان که به 600-700 هزار نفر میرسد و جدای از اینها در دشت ها پراکنده شده و شامل آنها نمی شوند را معین می کند. (1)

از ارقام داده بوغوس نوبار پاشا 290 هزار نفر (قفقاز و ایران) خارج از اجراء تغییر مکان که خاک های عثمانی را ترک کرده اند قابل فهم می باشد. به همین جهت اگر از تعداد جمعی 600-700 هزار نفری کوچ کنندگان 290 هزار نفر را تفریق کنیم، نفوس طبیعی گرفته شده به تهجیر را در که حدود 400 هزار نفر بودند را نشان می دهد که، این هم با ارقام داده رئیس هیئت نمایندگان ارمنی، بعد از به وقوع پیوستن تغییر مکان، یعنی بین اعداد داده مربوط در سال 1918، با ارقام حاصل شده از اسناد عثمانی تناسب بزرگی در میزان نمایان می کند. و بر عکس ادعای کذب ارمنه و به سبب وجود زنده و سالم آنها در مکان های اسکان، چگونگی بی اتکا بودن ادعاهای نسل کشی به میان می آید.

فرستاده شدن ارمنه به مناطق جدید اسکان در 1916.02.08 متوقف شده بود. به دنبال خاتمه جنگ جهانی اول از ارمنه تابع گرفته شده به تغییر مکان برای آنهایی که می خواستند به مکان سابق شان برگرداند یک قرارنامه طرح شده بود. در نوشته فرستاده وزیر امور داخله مصطفی پاشا (Mustafa Paşa) در 1919.01.04 به نخست وزیری، در موضوع نقل ارمنه متقاضی برگشت به مکان های سابق، داده شدن تعلیمات به مکان های مرتبط و گرفته شدن تدابیر لازم در یک شکل با جزئیات اعلام شده بود. (2)

در سال 1922 آمار تقدیم شده از طرف کمیته امداد خاور نزدیک (Near East Relief) به جامعه ملل شمار مهاجران ارمنی مهاجرت کرده از تورکیه به قفقاز را 350.000 نفر ذکر کرده و از طرف دیگر کل مهاجران ارمنی جدا شده از تورکیه را 817.873 نفر قید می کند. به غیره در اسناد، شمار ارمنه موجود در تورکیه 281.000 بوده و شامل 95.000 ارمنی که خود را مسلمان معرفی کرده بودند نمی باشد. (3) یعنی با این آمار تقدیم شده به جامعه ملل در سال 1922 شمار کل ارمنه عثمانی 1.193.873 ذکر شده است. این در حالی است که آمار رسمی سرشماری نفوس عثمانی در سال 1914 شمار ارمنه را زیر 1.3 میلیون (1.221.850) نفر نشان می دهد.

با این اعتبار، چگونه از کشته شدن 1.000.000 ارمنی در زمان های آغازین تهجیر می شود سخن گفت، آنگونه دیده می شود که ارقام ارمنی که به احوال "حقیقی" تغییر کرده اند بنابر منابع تغییر می کند و این ارقام ارمنی نباید مانند آیات کتاب مقدس دیده شوند. این وضعیت تحریف واضح ارقام و تغالی شمار قربانیان ارمنی را نشان می دهد. لیکن مرز زیاد نشان دادن نسبت مردگان از پف کردن ارقام نفوس برای اغراق آمیز نشان دادن شمار ارمنه می گذرد.

تا به اینجا نگاهی به ماهیت حقیقی منابع عثمانی، ارمنی و خارجی که ضمیمه اسناد سازمان های معتبر جهانی در آن دوران شده اند، کردیم. لیکن کشتار فیچ 2 میلیون مسلمان توسط سفاکان ارمنی در جغرافیای آناتولی و آذربایجان که ارمنستان بزرگ تصور شده بود هم نباید از حساب افتاده شود، حال زمانی که آرشیوها مورد بررسی قرار گیرند نتیجه چیزی جزء این نخواهد بود و دلیل اینکه مسئله ارمنی از صحنه اتکا به اسناد و مدارک قابل مشاهده تاریخی به صحنه تبلیغات سیاسی منتقل گشته، این است، این انتقال شامل خیمه شب بازی قبول شدن دروغ بزرگ نسل کشی با حمایت قانون توسط نمایندگان آینده پارلمان بعضی کشورها در کسب رای ارمنه می باشد، حال اینکه نباید فراموش کرد: ادعای نسل کشی ارمنی دروغ است، هیچ دروغی تحت حمایت قانون، وجه واقعی نخواهد داشت.

و اما اصل مطلب، در نگاه کردن مان به نتیجه ای که ارمنه از موضوع می گیرند لازم است که با منطق آنها به مسئله نگاه کنیم، ارمنه ادعاها می کنند مردم ارمنی قرن ها بود که زیر ظلم تورک ها قرار داشتند و عاقبت این ظلم ها با نسل کشی مردم معصوم و بی گناه ارمنی خاتمه یافت. با بررسی حقایق تاریخی در سطرهای فوق هم چیزی که ارمنه می گویند (کشتار 1.500.000 ارمنی (!)) در حد یک افتضاح شرم آور بی اعتبار جلوه می کند.

اگر هر مهاجرت ارمنی در نظر آنها نسل کشی حساب شود چرا از وجب به وجب اراضی ارمنستان که با نسل کشی واقعی تورک های آذربایجان حاصل شده حرفی نمی زنند اگر ارمنه به مهاجرت شان از عثمانی به کشورهای بی تحریر آنها عامل اصلی مهاجرت ارمنه

بود لعاب نسل کشی می دهند، پس اسکان آنها در اراضی تاریخی آذربایجان که امروز کل ارمنستان را شامل می شود چه باید نامیده شود، شاید آنها ندانند ولی اسم آن "نسل کشی ارمنه" (کشیدن، مثل: جوجه کشی) باید نامیده شود. لیکن اگر هدف ارمنستان بزرگ باشد آنها هر کاری می کنند. این "نسل کشی" در ارمنستان تا دوران نزدیک به فروپاشی شوروی ادامه یافت و جمعیت ارمنی موجود در ارمنستان در سال 1991 به 3,604 میلیون رسیده بود (4)، و از آن زمان به بعد کشور ارمنستان که ظاهراً مستقل شده بود شروع به حمله به همسایگان خود می کند و وارد پروسه طلب خاک از جمهوری آذربایجان، گرجستان و تورکیه می شود، این رفتار نانجیبانه دولت ارمنی موجب می شود تا این سه کشور مرزهای خود را بر روی این کشور بی اصالت و عامل اصلی بی ثباتی در منطقه ببنداند و ارمنستان را در تحریم اقتصادی قرار دهند این تحریم ارمنستان از طرف کشورهای همسایه که عکس العمل طبیعی حساب می شود از طرفی موجب شد تا ارمنستان در شرایط اقتضاح و فساد اقتصادی قرار گیرد و حکومت های به قدرت رسیده هم بر آتش این عکس العمل طبیعی همسایگان در برابر حرکت ارمنه هیزم بیشتر ریختند.

تا اینکه نشانه های فقر شدید در مردم ارمنستان برای آنها غیر قابل تحمل شد و مردم از آن دوران تا به امروز از ارمنستان مهاجرت می کنند، در حالی که آمار جمعیت ارمنستان در سال 1991 به 3,604 میلیون می رسید در سرشماری سال 2001 این تعداد به 3,214 میلیون و در 2011 به 3,018 میلیون رسیده بود و امروز بنابر منابع دیگر جمعیت ارمنستان حتی زیر 3 میلیون نفر (2,871,509) هم قید شده است. (5)

حقیقت امر این است که این ارقام را هر گونه حساب کنیم بیش از نیم میلیون ارمنی از سال 1991 تا 2013 از ارمنستان برای همیشه مهاجرت کرده اند. و تنها عامل مهاجرت آنها سیاست های دولت نانجیب ارمنی می باشد (با اینکه مشکل از خاصیت مردم ارمنی است). این شرایط مهاجرت ارمنه از سال 1991 تا به الان شباهت زیادی به اوضاع آنها در کشوری دارد که در جنگ جهانی اول یکی از طرفین جنگ بود و البته این که در آن جنگ مغلوب حساب شده بود. یعنی وضع ارمنه مهاجرت کرده از ارمنستان و ارمنه مهاجرت کرده در جنگ جهانی اول از عثمانی هیچ فرقی با هم ندارند، پس با این حساب دولت ارمنستان با سیاست های خود (همانند ایدولوژی کمیت های ارمنی در اوایل قرن بیستم) موجب نسل کشی ارمنه از سال 1991 تا به امروز حتی در شکلی ساده تر شده است و این نسل کشی همچنان هم ادامه دارد. و بنابر بعضی منابع در سال های آینده وخیم تر هم خواهد شد اگر شرایط فعلی ادامه داشته باشد.

اگر به ماجرای مهاجرت ارمنه از عثمانی با منطق آنها نگاه کنیم و نتیجه ای جز نسل کشی به دست نیاوریم پس با نگاه کردن به مهاجرت ارمنه با منطق آنها و با مقصر بودن دولت ارمنستان، این کار غیر از نسل کشی دولت ارمنی بر ارمنه معنی دیگری نمی دهد، اگر این نسل کشی نباشد آن هم نمی تواند نسل کشی باشد. یعنی نسل کشی نبودن تهجیر ارمنه در سال 1915 با تقلای آنها در انکار نسل کشی بودن مهاجرت ارمنه از سال 1991 تا به امروز از ارمنستان بیشتر ثابت خواهد شد.

مورخ آمریکایی دکتر جاستین مک کارتی (Dr. Justin McCarthy) در مورد مهاجرت بخشی از ارمنه به قفقاز اینگونه خلاصه می کند: "در سال 1915 روس ها آمدند وان و ولایت های زیادی را اشغال کردند، فقط از طرف عثمانی ها نسبتاً سریع تر به زیر کنترل گرفته شده و مغلوب گشتند، زمانی که روس ها به عقب نشینی مجبور شدند ارمنه ای که در ولایت های زیر اشغال بودند همراه آنها عقب کشیده و رفتند. ارمنه حمله مسلمانان را احساس کرده و اینگونه تصور کرده بودند، زیرا آنها هم به مسلمانان حمله کرده بودند، بنابراین فرار کرده و زمان فرار مستقیم به امپراتوری روس گرفتار وحشت شده بودند در کنار گرسنگی گرفتار بیمارهای مسری هم شده بودند به عبارت دیگر آنها هم همانند آنچه که بر سر بعضی از مسلمانان آمده بود، وقایع تلخ را تجربه کرده بودند."

خاتمه دادن به این موضوع "ولی فراموش نکردن آن" با جمله ای از جان لورنت (Jean Laurent) بسیار معنی دار خواهد بود:

قرن ها بود که ارمنه، در حال انبوه به امپراتوری روم کوچ می کردند. چرا که، ارمنه، با اعتبار مزاج، حامل هوس کشت کشتار دیار به دیار بودند... ماجراجویان ارمنی، به خدمت دولتی که به آنها پول فراوان داده و ثروت تامین می کرد در می آمدند. این دولت، تا زمانی که به خواسته های آنها مانند انجام غارت و ورود به قتل عام اجازه می داد می توانست به صداقت آنها اطمینان کند. به جهت این که مسیحی بودند، با انجام هر کار خیری، قتل عام و غارت هایشان را (مثلاً به خدا) می بخشاندند و وجدانشان آرامش می یافت.



1) Archives des Affaires Etrangères de France, Série Levant, 1918-1928, Sous Série Arménie, Vol. 2, folio 47^{den} naklen bkz. Bilal Şimşir, Les Départén de Melte et les Allégations Armeniennes, Ankara 1998, p. 49.

2) BA, BEO, nr. 341055. Dahiliye Nezareti'nin bu yazısı, Sadaret tarafından 26 Kânun-u evvel 1334 (8 Ocak 1919) tarihinde, ilgili olması sebebiyle Adliye ve Mezaheb Nezareti'ne de havale edilmiştir.

3) Dünyadaki Ermenilerin yaklaşık sayısı, Kasım 1922, NARA 867.4016/816

4) <http://news.am/rus/news/92282.html>

5) http://www.thirdpower.am/index.php?option=com_content&view=article&id=1348:2012-02-09-18-44-30&catid=36:2009-11-14-13-03-47&Itemid=1

- Wikipedia _ Demographics of Armenia

1915.04.24 (24 آوریل، عید دروغ صورتی) - (الحاقی)

امروز حوادث تاریخی، درون یک ارتباط سبب و نتیجه معین ارزیابی می شوند و به جای اینکه با انسجام درون خود به عنوان یک اصل به دست گرفته شوند، با انباری از اطلاعات بودن فقط استدلال هایی که به کار ارامنه می آیند از آن بیرون کشیده و استفاده می شود. به دلیل اینکه ادعاهای واهی ارامنه فاقد اطلاعات و اسناد قابل مشاهده (عینی) می باشد حادثه از اساس علمی و تاریخی به صحنه های سیاسی لیز خورده و در پارلمان بعضی کشورها قرار بی اعتبار شناختن "نسل کشی صوری ارمنی" گرفته شده است.

در نتیجه پروپاگاندای انجام گرفته امروز در دنیا به لحن ارامنه یک باد مصنوعی تاریخ در حال وزش می باشد. حال اینکه حکم داده شده در مورد موضوعات تاریخی باید با تکیه بر شاهدان بی صدای تاریخ یعنی آرشیوها به میان گذاشته شود. در غیر این صورت تقریبات غیر عینی (ذهنی) در صورت عدم اتکا به منابع عینی تاریخ جزء جان دادن به دشمنی خاکستر شده بین ملل به کار دیگری نخواهد آمد.

از طرف دیگر قرارهای دستگیری 24 آوریل، همین گونه سر خود، در یک شکل دلخواه گرفته نشده بود. قوای ائتلاف به تنگه چاناق قلعه حمله کرده بودند، از بیم افتادن پایتخت به دست دشمن تدارکات حمل حکومت عثمانی به اسکی شهر شروع شده بود.

لیکن در شرق کشور در وان با کمک روسیه، واحدهای داوطلب و دسته های سفاک ارمنی شهر را محاصره کرده بودند. مردم مسلمان شهر هم با یک قتل عام که در تاریخ دیده نشده به انصاف قلدور اراعبرگر آرام مانوکیان (Aram Manukyan) سپرده شده بودند. از سوی دیگر از رفقای نزدیک وزیر امور داخله طلعت پاشا (Talat Paşa) واهان پاپازیان (Vahan Papazyan) و کارکین پاستیرماجییان (Karekin Pastirmacıyan) هم بین شهرهای ارضروم و وان خرابکاری پشت خرابکاری بر سر راه اكمال نیروهای نظامی ترتیب می دهند و در روستاهای مسلمان نشین قتل عام بر روی قتل عام به واقعه می رسانند.

حکومت عثمانی، در برابر به میان آورده شدن عصیان ها و قتل عام های ارامنه، بزرگ دینی ارمنی، نمایندگان ارمنی مجلس و اشخاص برجسته مردم ارمنی را با اعلام این که در صورت ادامه بقتل رسیدن مسلمانان با خیانت توسط ارامنه، پیش گیری های لازم را خواهند دید، توجیه کرده بود. اما، با رفتن حوادث به جای متوقف شدن، حجیم شدن تعرض های متوجه بر زنان و کودکان بی دفاع تورک افزایش یافته و به سبب این که قوای نظامی در چندین جبهه در حال جنگ بودند احتیاج گرفتن پشت جبهه ها به امنیت احساس می شد.

به همین علت، در تاریخ 1915.04.24 با بسته شدن کمیته های ارمنی، تعداد 2345 نفر از گردانندگان آنها به جرم فعالیت های علیه دولت کشف و دستگیر شدند. دستگیر شدگان به زندان آنکارا و چانکیری فرستاده شدند. ارامنه خارج هر سال در روز استنکرات خرافه های خود با گفتن 24 آوریل "سالگرد نسل کشی ارامنه"، (عید دروغ صورتی) این تاریخ در حقیقت، تاریخ دستگیری 2345 کمیته چی بوده و با اجراء تغییر مکان (ارامنه) در هیچ شکلی ارتباط ندارد.

اریک فیگل (Eric Feigl) محقق و نویسنده اطریشی در کتاب خود با عنوان "میتومانیای (جنون دروغ گویی) ارمنی" (Armenian Mythomania) در مورد حوادث و دلایل دستگیری های 24 آوریل 1915 اینگونه می نویسد:

یک جفت پا وجود دارد که افسانه دایر بر کشتار ارامنه به آن متکی است: یکی تاریخ 24 آوریل 1915 و دیگری مهمترین اثر ادبی فرانس ورنرل (FRANZ WARFEL) یعنی چهل روز در کوه موسی می باشد. اما اینها بنیه های مستحکمی نبوده و چیزی جزء پاهای مصنوعی نیستند.

در این مورد نه در منابع تورک و البته نه در منابع ارمنی تماماً عدم وجود یک تز مبنی بر رخ دادن چه اتفاقی در 1915.04.23 تعجب آور می باشد. بنابر زاویه دید ایروان و بستون، این بسیار منطقی می باشد، چرا که نه جمهوری ارمنستان و نه دیاسپورای ارمنی با حقایق کار زیادی ندارند اما، در هر دو سوی اطلس، با تقدیس سالگرد شان و با تلاش برای دادن یک تصویر تاریخی به موضوعی که سوالات آن بی جواب مانده است، در جهد آفریدن یک "نسل کشی" فریب کارانه می باشند. قبل از هر چیز، ابتدا، برای موجودیت متجاوز بودن، نه تنها فقط ارامنه موجود در ارمنستان، بلکه اقلیت ارمنی موجود در تمام دنیا اسباب زنده نگه داشتن افسانه، مدام در حال به جا آورده شدن می باشد.

پای مصنوعی شماره 1: 24 آوریل 1915

در 1915.04.23-24 کلا چه شد؟ و چرا شد؟ در طی این ساعات دراماتیک، عده ای از (به اصطلاح) روشن فکران (یعنی کمیته چیان) جماعت ارمنی در استانبول گرفته شده، اکثر آنها بعدها بدون ماندن در معرض هر گونه خطری به چانکیری و آیواس در شمال آنکارا برده شدند و بر حقیقت آن هیچ شبهه ای وجود ندارد.

انجام یک عملیات بزرگ دستگیری در پایتخت توسط ماذون های عثمانی بسیار واضح می باشد؛ مانده که، این عملیات تا خارج شهر و یک بخش مرکزی آناتولی توسعه پیدا کند. طرح ریزی حداقل ده روز به طول کشید و این یک حقیقت است که، اکثر بهترین ماذون ها در یکی از چند جبهه جنگ مداوم در حال نبرد بودند و این هم معنی لزوم حرکت همراه با دقت بسیار در ماذون های عثمانی، برای دستگیری ارامنه ای که سال های قبل دفعات کثیری از آنها و بعضی از پارتیزان ها که بر اعمال شیطانی امضاء انداخته بودند را داشت.

مناطق مسکونی ارمنی و مراکز اداری، در سواحل دریای مارمارا، در ناحیه ای که امروز هم پاتریک خانه گریگوریان ارمنی موجود است در کوم کاپی متمرکز بودند. ارامنه ثروتمند، مانند رومی ها، در بخش جدیدی که با نام بی اوغلو شناخته می شود زندگی می کردند. شبه جزیره تاریخی (استانبول) در آوریل 1915 بین دندان مخالفان مسکون شده که در انتظار ساعت حرکت بودند قرار داشت.

در ماه های نخست سال 1915، مازون های عثمانی، با حقیقت قرار گرفتن زیر تحدید واحدهای انگلیس و فرانسه که هم در مقابل چاناق قلعه و هم در جبهه شرق بودند روبرو شدند. بعد از مغلوبیت 3 لشکر به فرماندهی انور پاشا (Enver Paşa) در قفقاز با در نظر گرفتن شرایط سخت اقلیمی در زمستان مقابل روس ها، آناتولی شرقی در شکلی بی دفاع در مقابل حملات روس تماما به تقدیر خود رها شده بود. از سه لشکر 95.000 نفری فقط چند هنگ سالم مانده بود. تلفات تقریباً در حدود 75.000 سرباز بود. بسیار واضح است که، دلیل این تلفات تجهیز نشدن ناکافی سرباز ها نبود، بلکه در همان زمان از خیانت انبوه ارامنه ای بود که در منطقه حاضر بوده و بنابر چیزی که گفته می شد امید خود را در شکل بی معنی به روس ها بسته بودند. نامه تشکر فرستاده شده در ماه فوریه از طرف انور پاشا به راهب گریگوریان قونیه، دلیل بسیار خوب پاشا در دانستن از اهمیت قوای ارمنی بود.

در مارس 1915، بعد از یک دوران دقیق تدارک، عصیان منفجر شده در زیتون، جبهه عثمانی را از پشت زد. ذهنیت عقبه این تهاجم، پلانی بود که ارامنه آن را بسیار خوب طرح ریزی کرده بودند و قرار بود اطراف اسکندرون که دارای سرباز کمتر بود اشغال شده و آناتولی دو پارچه شود. چند ماه بعد در ژوئیه 1915، این تهاجم با پشتیبانی فرانسه به کوه موسی هدایت شد اما با دفاع نیروهای محافظ به انکسار ابدی کشیده شد.

علازم این حقیقت که ارامنه در هیچ مکان اکثریت نبودند بنابر وعده روس ها، ارامنه بی پروا هدف بنای یک دولت مستقل را داشتند. و مازون های روس حاضر در سنت پترزبورگ، نه تزار نیکولاس دوم (Çar II. Nikolay) و نه "تزارهای سرخ" در تعقیب رویای استقلال ارامنه، یک حمله محتمل به استانبول و راه رسیدن به آبهای گرم را جذاب نیافته بودند.

تمام اینها، عصیان ارامنه در شرق و جنوب شرقی آناتولی و پیشروی قوای فرانسه و انگلیس از روی چاناق قلعه به استانبول و بعد هم به یک طریق خاص با کمک گروه های ارمنی استانبول و اطراف می توانست ممکن شود. مدل، وان بود.

تلاش های ورود به استانبول با پیشروی واحدهای انگلیس - فرانسه در مقابل چاناق قلعه و ترکیب شدن آن با یک عصیان دیگر ارامنه همانند عصیان به موفقیت رسیده ارامنه در وان

نبرد گالیپولی که هدف گرفتن چاناق قلعه از دست عثمانی و رها کردن دولت عثمانی به خارج از جنگ را داشت، بین آوریل و دسامبر 1915 اتفاق افتاد. 60.000 سرباز استرالیایی و 18.000 سرباز نیوزیلندی، قسمتی از قوای انگلیس را تشکیل می داد. در پایان نبرد به اندازه 26.000 استرالیایی و 7.500 نیوزیلندی زخمی شدند، 7594 استرالیایی و 2431 نیوزیلندی هم کشته شده بودند.

در نتیجه نبرد گالیپولی که هشت ماه به طول انجامید و هرگز به هدف خود نرسید، تقریباً 33.000 (جمعاً 45.000-50.000) سرباز متفق و 86.000 سرباز عثمانی (البته با در نظر گرفتن 21.000 زخمی شهید شده در بیمارستان ها و 11.000 مفقود جمعاً 88.000) زندگی خود را از دست دادند. تورک ها موفق به مقابله در برابر نیروهای متفق شدند. البته این، بزرگترین خطای وینستون چرچیل (Winston Churchill) و متفق های او بود. قابلیت های مصطفی کمال (Mustafa Kemal) و سربازان او را کوچک شمرده بودند.

واحدهای متفق در ورودی تنگه چاناق قلعه در تاریخ 1914.11.03 شروع به بمباران توپخانه های تورک کردند و بمباران با فاصله تا 12 مارس 1915 ادامه یافت. بعد از مغلوبیت ها در تعرضات قفقاز و سوبش اکنون عثمانی، با تعرضات قوای متفق رو در رو مانده بود. اعتبارا از راس سال 1915، بنابر اطلاعات گرفته شده نظامی نیروهای امپراتوری فرانسه و انگلیس، در جزایر مقابل چاناق قلعه خصوصاً در ایمرز تجمع کرده بودند.

حمله آنکلو - فرانس ها، از روی تنگه و دریای مارمارا به استانبول بسیار نزدیک بود، تاریخ: 24 آوریل

در استانبول احوال روحیه مردم تورک به پایین ترین حد خود رسیده بود. ابتدا مغلوبیت در جنگ های قفقاز و مصر، اکنون هم زیر تحدید بودن پایتخت عثمانی... در استانبول بعضی از مردم، در حالی نا امیدانه، از اشغال شهر صحبت می کردند. اکثر تورک ها، آن که می توانست و یا در آناتولی اقوامی داشت شهر را ترک کرده و به قسمت های داخلی آناتولی می رفتند.

حکومت، برای پادشاه و خدمه او دو قطار مخصوص حاضر کرده بود و برای حمل طلاهای بانک عثمانی به اسکی شهر اساساً حاضر بود. این روزهای پر خطر، دو نتیجه که یکی غیر عادی و دیگر عادی بود به وجود آورد.

به میان آمدن دوباره انور پاشا (Enver Paşa) بعد از دور ماندن از چشم مردم به سبب مغلوبیت در قفقاز یک حادثه اعجاب آور بود. ناگهان، داماد پادشاه، مانند یک شاهزاده نجیب شروع به حرکت کرد. او عدم موفقیت ممکن متفقین در چاناق قلعه را اعلام کرده بود، چرا که دشمن به اندازه ای که نمی تواند تحکیمات موجود در اینجا را اشغال کند قدرت دارد. در حرکت شان کلاً یک سکونت و حال از خود مطمئن بودن وجود داشت و در نهایت انور پاشا حق داشت.



گردان چهارم تیپ یکم استرالیا - تاریخ 1915.04.24 - ساعت 8.00

چیزی که در استانبول "عادی" بود، حرکات ارمنه بود. مردم رومی، زمانی که در خارج از حوادث بی صدا در شکل انتظار بودند، ارمنه حاضر به جنگ شانه به شانه همراه متفقین بودند.

آن روز ها نفوس پایتخت تقریباً یک میلیون بود؛ کمی بیشتر از 55% تورک، 150.000 روم، در همین تعداد هم ارمنی، 150.000 خارجی و مابقی یهودی بودند (این ارقام تخمینی می باشد چرا که در آن سال تعدا نفوس بنابر شمار خانه ها حساب شده بود). شمار تورک ها در مارس 1915 زمانی که در یک شکل معین کاهش می یافت، ارمنه خود را برای نزاع حاضر کرده و غالب شدن متفقین در چاناق قلعه را چهار چشمی انتظار می کشیدند.

ارمنه خارج از روسیه، فرانسه و بستون تماماً در استانبول تجمع کرده بودند. با کمک روس ها، همانند آنچه که در 17 مارس در وان اتفاق افتاد همه چیز برای اجرای یک کودتا حاضر بود. در 20 مارس، حکومت عثمانی، بخش شدن عصیان مسلحانه ارمنه در تمام ولایت های شرق را شنید. کلاً یک ماه بعد در 1915.04.20، والی، از ترتیب داده شدن تهاجمات ارمنی به محله های مسلمانان در وان خبر داد.

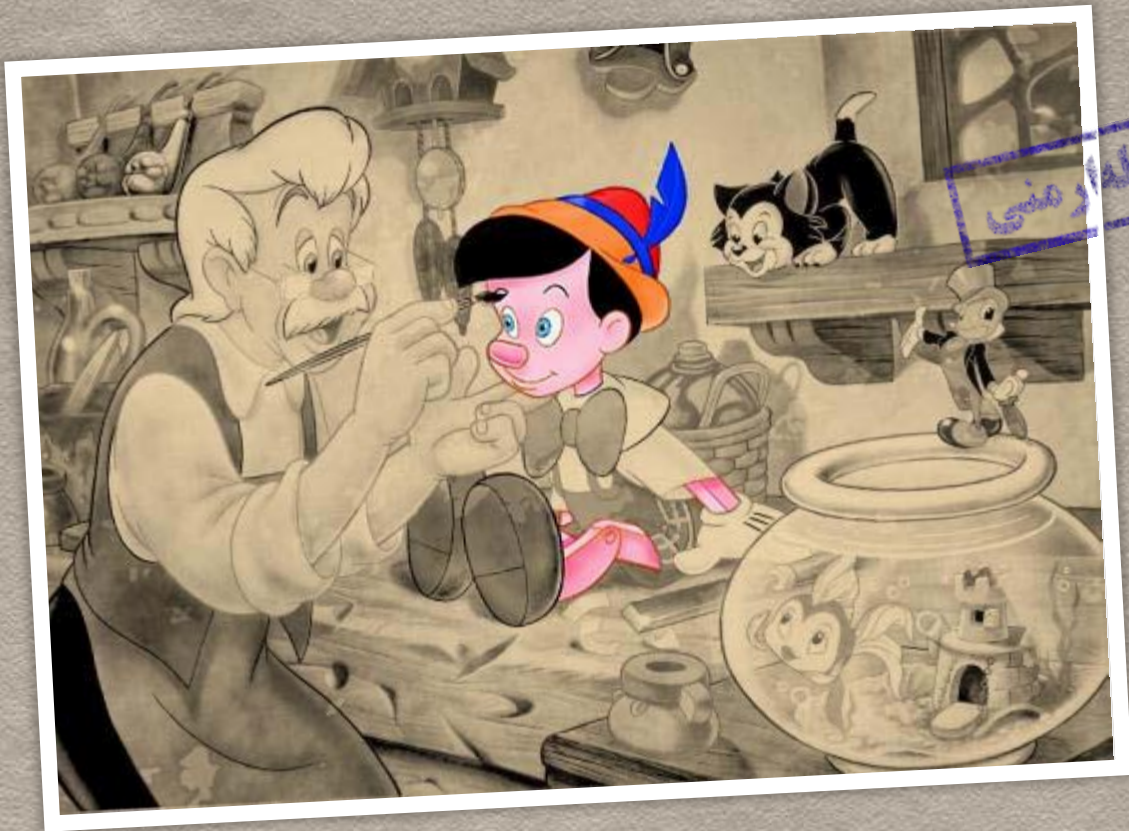
در زیر این شرایط، حکومت عثمانی در استانبول برای محافظت از خود جزء دستگیری لیبرهای (کمیته چی) ارمنی پایتخت و فرستادن آنها به یک مکان امن انتخاب دیگری نداشت.

در روز 24-25 آوریل استرالیایی ها به خلیج انزاک آمدند... هدفشان، استانبول بود. در همان روز، ماذون های عثمانی، در پایتخت 235 نفر از اسامی برجسته شبکه ترور ارمنی را دستگیر کردند. خیال ارمنه، همراه با کمک اشغال گران انگلو - فرانس به دست گرفتن حکومت بود. اما این خیال، به کابوس تبدیل شد. نبرد گالیپولی بر جان 33.000 استرالیایی، نیوزیلندی و 86.000 تورک مال شد. ارمنه هم نیت حاکم شدن بر استانبول را از دست دادند.

24 آوریل، عید دروغ صورتی

از دلایلی که موجب می شود روز 24 آوریل (ارمنه) را با عنوان روز "عید دروغ صورتی" نام گذاری کرد، این می باشد که این تاریخ هیچ ربطی به تاریخ تهجیر ارمنه ندارد و اکثر تهجیر داده شده گان (87+3.5%) سالم و زنده به مکان های اسکان جدید رسیده بودند، در اواخر سال 1918 حتی نزدیک به 3 سال بعد از اتمام تهجیر نامه رئیس هیئت ارمنی بوغوس نوبار پاشا (Boghos Nubar Paşa) به وزارت امور خارجه فرانسه (1) از زنده بودن ارمنه اسکان داده شده بعد از تهجیر تا آن زمان خبر می دهد. و نکته اصلی در این مورد تطابق بسیار زیاد آمار این گزارش با اسناد دولت عثمانی در مورد ارمنه به تهجیر گرفته شده می باشد.

گزارش کمیته امداد خاور نزدیک (Near East Relief) (2) در سال 1922 به جامعه ملل هم قابل توجه می باشد، در این گزارش ارامنه مهاجرت کرده از تورکیه 817.873 نفر ذکر شده اند، که هم اسناد بوغوس نوبار و هم اسناد آرشیو عثمانی را تصدیق می کند. و این دلیلی است بر عدم نسل کشی ارامنه که با ادعای 300.000 شروع، با 600.000 ادامه، با رسیدن به 1.000.000 تعجب آور شده و با تکیه دادن به 1.500.000 تبدیل به یک ادعای مضحک شد است. ادعایی همچون کشتار 1.5 میلیون ارمنی (معصوم!) دروغ بزرگی می باشد و سالگرد گرفتن (مانند یک عید ملی) برای آن هم بسیار خنده دار است، خنده دار مثل دروغی به رنگ صورتی...



همه ما با شخصیت داستانی و کارتون پینکیو آشنا هستیم، یک عروسک چوبی ساده لوح و دروغ گو اما فرق پینکیو با مدعیان نسل کشی صوری ارمنی و دروغ های آن این است که پینکیو با تمام ساده لوحی و دروغ گویی هایش نهایت آدم شد، ولی ارامنه با ساده لوحی و دروغ گویی های خود همچنان مانند اجزای چوبی یک عروسک خیمه شب بازی هیزم بودن (بر ذهنیت) را ترجیح داده اند.



یک اثر ایستاده در مرکز ایروان، عرضه ای از هابیک. این کیست؟ ابتدا هابیک یک خدای متعلق به بت پرستان بود. اما بعد ها با تأثیر مسیحیت ناگهان به وضعیت یکی از نواده های حضرت نوح در آمد، اما نبودن نام آن در انجیل هیچ مسئله ای به وجود نیاورد. هابیک ها (ارامنه) به اندازه ای که به کشورشان هابایستان (ارمنستان) بگویند پیش رفتند. در دنیا کشورهایی (کلمبیا، بولیوی، عربستان سعودی و...) که اسامی شان از شخصیت های تاریخی گرفته شده است وجود دارند. اما دادن نام شخصیت افسانه ای چه معنی ای دارد؟ این سوال در وحله اول بی لزوم و بی ربط می تواند باشد اما هابایستان اینگونه چیزی می باشد. از زاویه نشان دادن غیر عقلانی بودن موضوع تا چه اندازه از دوازه قدمی زده شده است. تصویری از مجسمه هابیک شاید به موضوع 24 آوریل هیچ ربطی نداشته باشد، ولی شباهت آن به پینکیو و پیر ژیتو اعجاب آور است. تنها جوابی که می توان به این داد این است: ارمنستان و دیاسپورا، برای سیاست های خود بهانه های منطقی پیدا کنند.



تغییر مکان (تهجیر)

رفتار ساکن و دور اندیشانه به میان گذاشته شده از طرف حکومت عثمانی، حتی در برابر عصیان و قتل عام های ارامنه که بر جان هزاران نفر از مردم تورک مال شده بود، با اسناد هم ثابت می باشد. هرچند حرکات دهشتناک که به نوعی متوقف نمی شد، حکومت را در اجبار انتقال ارامنه موجود در مناطق جنگی نواحی مختلف کشور به مراکز دور اسکان جدید گذاشته بود. تغییر مکان ارامنه مناطقی که در جبهه های قفقاز، ایران و سینا خصوصاً امنیتی تشکیل داده بودند، هدف محو کردن آنها را نه، بلکه تامین امنیت دولت و محافظت از آنها را تعقیب کرده بود و موفق آمیزترین تغییر مکان دنیا می باشد.

قبل از هر چیز، قرار تغییر مکان بر روی تمام ارامنه اجراء نشده بود، همراه با ارامنه ای که مذهب آنها کاتولیک و پروتستان بود، ارامنه خدمت کننده در صنف های نظامی در ارتش عثمانی و طب الی شعبات بانک عثمانی، در اداره جزء و ارامنه تلاش گر در بعضی کنسولگری ها با صادق ماندن به دولت در طی زمان تهجیر به کوچ گرفته نشدن آنها معین شده بود. از طرف دیگر، بیماران، عذرمدان، معلولین و سال خوردگان به همراه زنان بیوه و کودکان یتیم به تهجیر گرفته نشده بودند. با گرفته شدن به زیر حفاظت در یتیم خانه ها و روستاها از طرف دولت احتیاجات شان محیا شده بود. این تابلو، در موضوع تغییر مکان ارامنه توسط دولت عثمانی از نظر حسن نیت نشان داده بسیار مهم می باشد.

در چارچوب اجراء قانون تغییر مکان و امور گرفته شده متکی بر این قانون به تاریخ 1915.05.27؛ ارامنه خارج شده از ولایت های ارضروم، وان و بیتلیس، به قسمت جنوبی موصل سنجق رُز به اورفا؛ ارامنه خارج شده از اطراف آدانا، حلب، ماراش لیکن به قسمت شرقی سوریه الی در شرق و جنوب شرقی حلب سکونت داده شده بودند.

در این میان، در طول تغییر مکان همانند ادعای ارامنه که به صورت فشرده آن را به زبان می آورند. 1.5 میلیون ارمنی کشته نشده است. با اشاره به آمارهای متعلق به دولت عثمانی، منابع خارجی و ارامنه، در دوران جنگ جهانی اول حداکثر تعداد نفوس ارامنه موجود در اراضی عثمانی در حدود 1.250.000 می باشد. حتی شمار ارامنه به کوچ گرفته شده در چارچوب اجراء قانون تغییر مکان و صحیح و سالم رسیدن چه تعداد از ارامنه به کوچ گرفته شده هم با اسناد قابل ذکر می باشد. آخرین سرشماری نفوس دولت عثمانی در سال 1914 انجام گرفته بود. بنابر این سرشماری نفوس ارمنی 1.221.850 نفر می باشد. لیکن نفوس ارمنی ای که به تهجیر گرفته نشده بودند به مورد؛ 82.880 نفر از استانبول، 60.119 نفر از بورسا، 4.548 نفر از سنجق کوتاهیا و 20.237 نفر از ولایت آیدین جمعا 167.778 می باشند.

تغییر مکان ارامنه درون یک انضباط عظیم صورت گرفته بود. در بین تاریخ های 1915.06.09-1916.02.08 از آدانا، آنکارا، دورتیول، اسکی شهر، حلب، ازمیت، کاراحصار صاحب، قیصری، ماموره العزیز، سیواس، ترابزون، یوزگات، کوتاهیا و بیره جیک جمعا 390.105 (با اختصاص مکان های نام برده نشده 422.668) نفر به محل های جدید اسکان سوق داده شده بودند. که از این تعداد 356.084 نفر (بدون در نظر گرفتن 26.064 ارمنی حلب) به مناطق جدید اسکان زنده و سالم رسیده بودند.

در چارچوب به کارگیری تغییر مکان کلا 438.758 نفر سوق داده شده، لیکن از این تعداد 382.148 نفر در مناطق جدید اسکان زنده و سالم حاضر شده بودند. (1)

مثل آنچه که دیده می شود، بین کل کوچ داده شدگان و آن هایی که در مکان های جدید اسکان موجود و حاضر گشته اند یک فرق 56.610 نفره حاصل می شود. این فرق، بنابر اطلاعات بدست آمده از اسناد، بدین شکل به میان آمده است: 500 نفر بین ارضروم - ارزینجان؛ 2.000 نفر در مسکنه بین اورفا - حلب؛ 2.000 نفر در اطراف ماردین در نتیجه تهاجم راهزن ها و عشیره های عرب به قتل رسیده، بعلاوه در آن قدر، یعنی حدود 5.000 نفر هم و شاید هم کمی بیشتر در نتیجه تهاجمات انجام شده به قافله ها در ناحیه درسیم کشته شده اند. اما رقم قطعی در مورد کشته شدگان در ناحیه درسیم در آرشیوهای عثمانی وجود ندارد. به مقدار این مفقودات، دیگر در هیچ شکلی، عدم انجام قتل عام بر علیه ارامنه را نشان می دهد. (2)

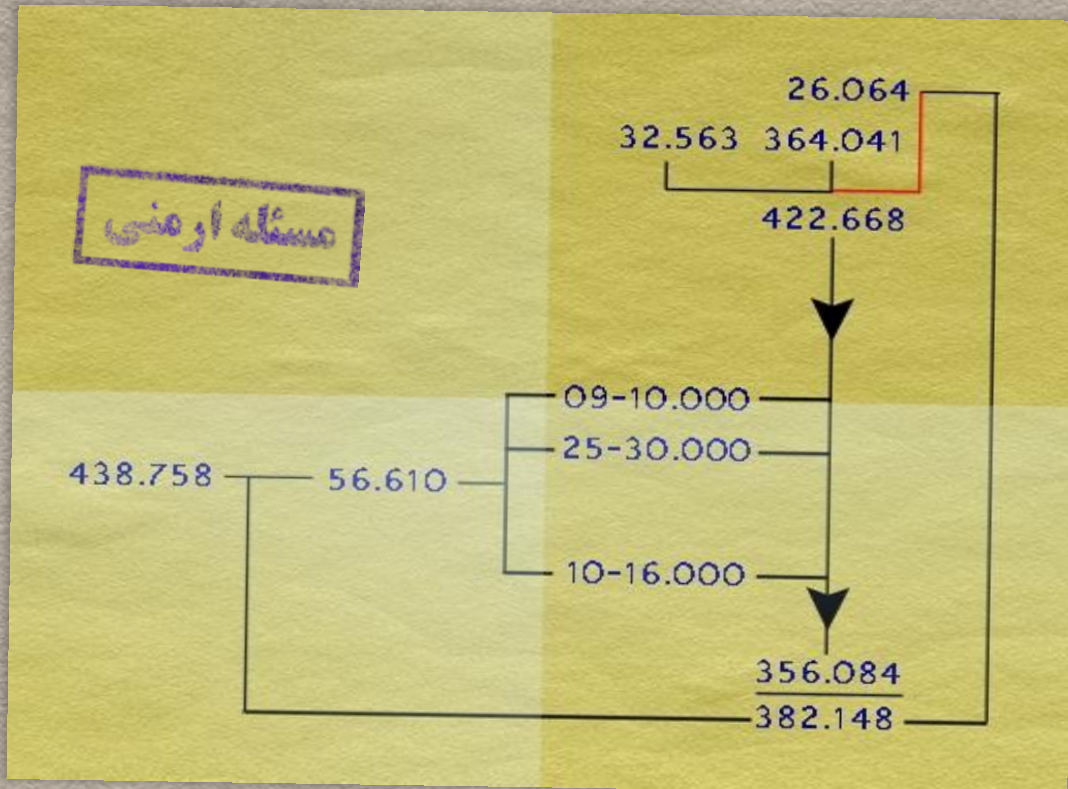
در تابع این اطلاعات واضح، جمعا بقتل رسیدن 9-10 هزار نفر در راستای کاربرد تغییر مکان تثبیت شده. بعلاوه در راه ها مرگ به دلیل گرسنگی هم در اسناد معلوم است. خارج از این، تقریباً مرگ حدود 25-30 هزار نفر هم به دلیل بیماری هایی مثل حصبه، دیسانتری (اسهال خونی) و شرایط اقلیمی تخمین زده می شود که، در این شکل نزدیک 40 هزار نفر در راه ها مفقود شده اند.

اما یک قسمت از باقی 10-16 هزار نفری، همراه با آورده شدن به راه، به سبب توقف تهجیر که هنوز در محل اسکان حاضر نبودند، در ولایت هایی که موجود بودند ترخیص شدند. مثلاً در 1916.04.26 در استان قونیه برای اسکان ارامنه در راه سوق درون استان، نوشته ای فرستاده شده بود. از طرفی تخمین زده می شود که قسمتی از ارامنه مشمول تغییر مکان به روسیه، کشورهای غربی و آمریکا فرار کرده اند. (3)

به غیره زمانی که تعداد ارامنه به تهجیر گرفته شده از مناطق مختلف آناتولی و روملی بدین شکل با ارامنه زنده و سالم رسیده به مناطق جدید اسکان مکمل کننده هم دیگر هستند. در طول تغییر مکان عدم اتفاق هرگونه قتل عام از پیش حاضر شده و یا عمدی بر علیه ارامنه را ثابت می کند. لیکن در جایی که قتل عام نبوده از نسل کشی هیچ حرفی زده نمی شود.

از طرف دیگر، دولت عثمانی در طول انتقال ارامنه تابع گرفته شده به اجراء تغییر مکان، علارغم شرایط سنگین جنگ، تلاش فوق العاده ای نشان داده بود، این تلاش، حتی از طرف دیپلمات های خارجی هم تثبیت شده است. حکومت، برای اعاشه و محافظت متوجه بر مهاجرین هزینه های حجیمی انجام داده بود. در اسناد متعلق به اجراء، در کدام استان و شهرستان بیمارستان بنا شده، برای کودکان ارمنی یتیم مانده تا کدام بنا اختصاص داده شده، با اطلاعات همراه جزئیات قابل استعلام است. مهاجرین تابع تغییر مکان، سوق، اسکان دادن و برای تامین معاش آنها در سال 1915 خرج شدن بیست و پنج میلیون، لیکن تا پایان سال 1916 دویست و سی میلیون غروش بنابر اسناد قابل ذکر می باشد. (4)

در کنار این، اگر دولت عثمانی از تبعه ارمنی رها شدن را می خواست؛ این را از راه آسمیلاسیون و یا با نشان دادن بایست جنگ آن را حل می کرد. عثمانی، با اجراء تغییر مکان زندگی صدها هزار ارمنی را که هر آن بنابر شرایط جنگی می توانستند با مرگ رو دررو شوند را نجات داده بود. همان گونه، در حالی که ارامنه مناطق جدید اسکان زندگی خود را ادامه می دادند، ارامنه ای که در صف های ارتش روس بر علیه تورک ها می جنگیدند، بنابر شرایط بایست جنگی کشته شده اند.



364.041	ارامنه به تهجير گرفته شده از ولايت ها و شهرهای آدانا، آنکارا، دورتیول، اسکی شهر، از میت، کاراحصار صاحب، قیصری، ماموره العزیز، سیواس، ترابزون، یوزگات، کوتاهیا و بیره جیک
32.563	ارامنه به تهجير گرفته شده از ولايت ها و شهرهای دیاربکر، ارضروم، قونیه، کسکین، کنر شهر، سونگورلو، نالی، هان، پرنشیه، گیره سون، سورمنه، کالاجیک، از میر، گوره له، آیدین، هایمانا، تیره بولو، اردو، اولو بی و ماراش
26.064	ارامنه حلب
422.668	ارامنه به تهجير گرفته شده از ولايت ها و شهرهای ذکر شده فوق (با اختصاص ارامنه حلب)
356.084	ارامنه ای که زنده و سالم به مناطق جدید اسکان رسیده بودند (بدون اختصاص ارامنه حلب)
382.148	ارامنه ای که زنده و سالم در مناطق جدید اسکان حاضر شدند با اختصاص ارامنه حلب
09-10.000	شمار تقریبی ارامنه کشته شده در اثر حمله عشیره ها و راه زن ها (و یا فرار کرده اند)
25-30.000	ارامنه تلف شده بر اثر بیماری های مسری، شرایط اقلیمی و یا گرسنگی (و یا فرار کرده اند)
10-16.000	ارامنه ای که با پایان تهجير در نزدیکترین نقطه اسکان ترخیص شده اند (و یا فرار کرده اند)
56.610	شمار ارامنه ای که از تفریق 438.758 بر 382.148 حاصل شده است، این تعداد کل فرق بین زمان قبل و بعد از تهجير بوده که شامل سه ردیف فوق می باشند.
438.758	تعداد کل ارامنه ای که در چارچوب اجراء تغییر مکان حاضر بودند.

ادعای ارمنی
باطل است

1) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 76

2) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 77

3) Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, a.g.e., s. 77

4) Dr. Hüsamettin Yıldırım, Ermeni İddiaları ve Gerçekler, Ankara, 2000, s. 35

تعریف و هدف تغییر مکان (تهجیر)

کلمه تهجیر که یک کلمه عربی می باشد، معنی، از جایی به جای دیگر کوچ دادن، تغییر مکان دادن، حجرت دادن، "immigration" و یا "emigration" را حمل می کند. در آن یک معنی "تبعید" و یا "deportation" موجود نمی باشد. همراه با این، قانونی که به آن نام قانون تهجیر گذاشته شده است هم در اصل "قانون موقت در مورد مانع شدن بر کسانی می باشد که زمان جنگ بر علیه دستور عمل حکومت قرار گرفته و از طرف ارکان نظامی اجراء خواهد شد" می باشد. تعبیر تثقیل (نقل دادن) استفاده شده، در توضیح اجراء تغییر مکان به واقعیت رسیده بنابر این قانون هم در زبان های غربی معادل اصطلاحاتی مثل "deportation"، "exile" و یا "proscription" که به معنی "تبعید" می باشند، نیست.

به مورد در راس بودن وان، عصیان ارمنی که در بسیاری از مکان های کشور شروع شده بود و با هدف پیش گیری قتل عام های آن، تغییر مکان شروع شده از طرف طلعت پاشا (Talat Paşa) و مناسب دین حکومت و مجلس، مستقیماً در مناطقی که امنیت جبهه ها را دچار آسیب می کرد انجام گرفته بود. یکی از اینها اطراف ارضروم، وان و بیتلیس که منطقه تشکیل دهنده پشت جبهه قفقاز و ایران بود؛ لیکن دومی، مرسین - اسکندرون که مناطق تشکیل دهنده پشت جبهه سینا بودند. ارامنه در هر دو منطقه هم با دشمن همکاری کرده و در فعالیت هایی که رسیدن به منافع را برای آنها راحت می کرد حاضر شده بودند.

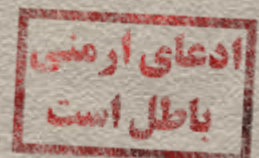
اجراء تغییر مکان بعدها در شکلی که ارامنه دیگر ولایت ها که عصیان کرده، با دشمن وارد همکاری شده و برای کمیتہ چپان ارمنی تخت پذیرش شده بودند را احاطه می کرد وسعت یافته بود. در ابتدا در حالی که ارامنه کاتولیک و پروتستان خارج از اجراء تهجیر بودند، بعد ها از بین اینان با دیده شدن اشخاصی که وارد فعالیت های مضررانه شده بودند هم به کوچ داده شدن آنها، گرفته شد.

در مورد به واقعیت رسیدن اجراء تغییر مکان از سال 1915 تا بدین روز چیزهای زیادی نوشته و کشیده شد. ارامنه، با اختفا و مخفی شدن در پشت اسناد ساختگی و تزویری، مدت طولانی موفق به فریب دادن افکار عمومی دنیا شده اند. در ابتدا از سیصد هزار شروع شده و تا به سه میلیون رسیدن ارقام حکایت های بیان شده قتل عام ارمنی، فاقد مسند قابل تکیه ای می باشند. حال اینکه در دوران اشغال استانبول، انگلیس و فرانسه به رغم بررسی دقیق و بقدر کفایت آرشیوهای عثمانی، به یک سند که بتواند نسل کشی را ایما کند برخورد نکرده بودند.

شاید اگر، دولت عثمانی هدفی مثل به نسل کشی گرفتن ارامنه را داشت؛ آیا نمی توانست این فکر خود را در نقطه ای که آنها موجود بودند به واقعیت برساند؟ برای این یک کار به اجراء گرفتن چیزی مثل "تغییر مکان" چه لزومی داشت؟ چه نیازی به تامین امنیت قافله ها و فداکاری های عظیم مادی برای سلامتی و فراهم کردن آب و غذا وجود داشت؟ از ماه مه 1915 تا ماه اکتبر 1916 تقریباً یک سال و نیم به طول انجامیدن کوچ دادن و در طول مسکون سازی، در چارچوب دستورات و با تدابیر گرفته شده در محل، به رغم شرایط سنگین جنگ در آن روزها، چه احتیاجی به زیر محافظت گرفته شدن جان و مال ارامنه بود؟ دقیقاً مثل باز شدن یک جبهه جدید چه نیازی در وارد نشدن به زیر بار اداری، نظامی و مالی وجود داشت؟

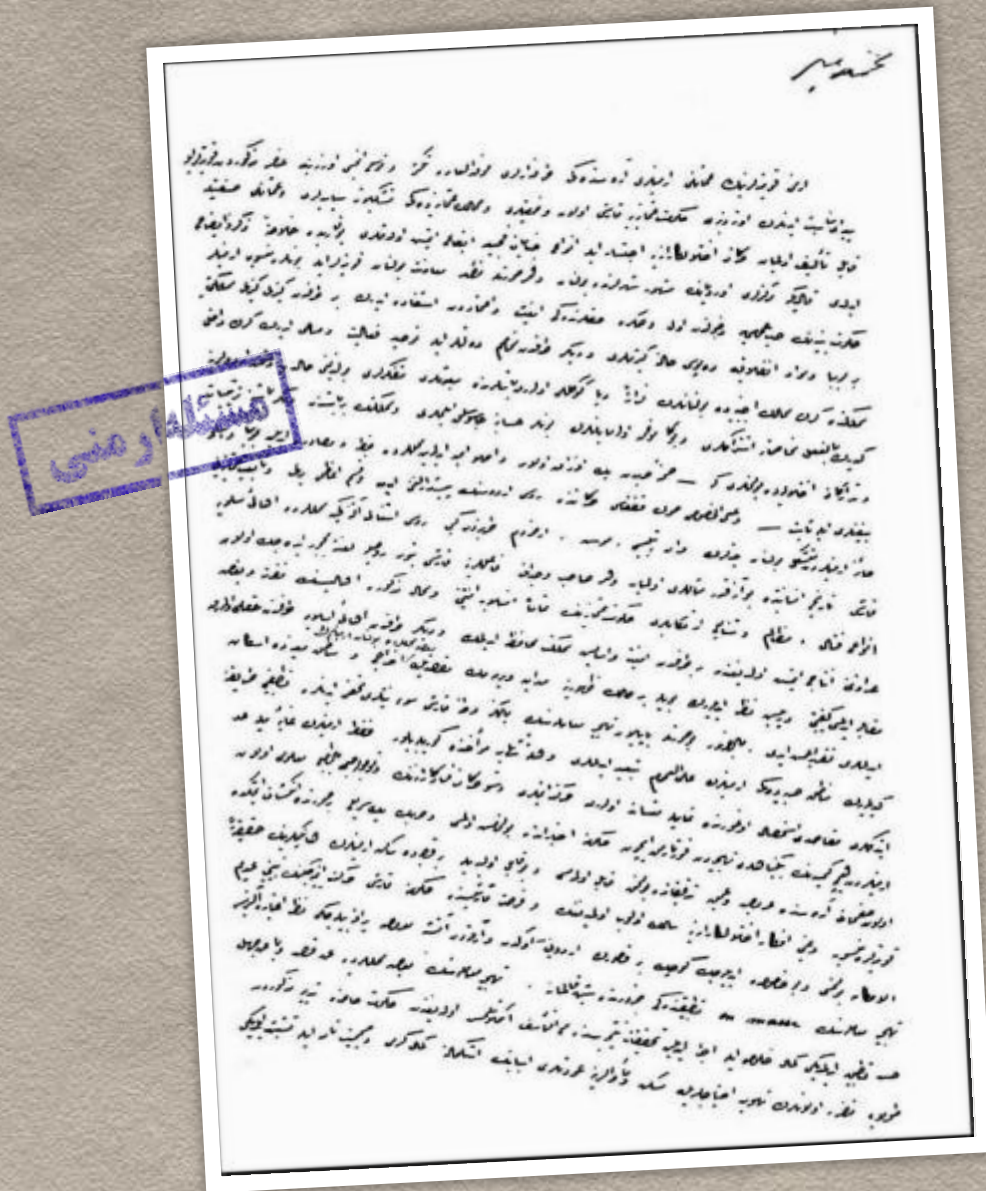
جواب تمام این سوالات، تنها در درک منطفانه و منطقانه نیت اصلی دولت عثمانی خلاصه می شود. تغییر ناگهانی رفتار در برابر مردمی که به سبب قرن ها وابستگی و دلبستگی به دولت با صفت "ملت صادقه" نام گذاری شده بودند هیچ توضیح منطقی ندارد. با این حال منقلب شدگان عثمانی ها نبودند، بلکه ارامنه بودند که با وعده های استقلال (سرپرستی) از طرف روسیه و دولت های ائتلاف قریب خورده و قانع شده بودند.

تغییر مکان که برای تامین امنیت دولت یک اجراء ضروری بود، موفق آمیز ترین حرکت سوق و اسکان دنیا می باشد و هرگز هدف امحای (نسل) ارامنه را تعقیب نکرده بود.



دلایل تغییر مکان و نخستین اجراءات

قرار تغییر مکان، با هدف مقابله کردن اجباری با توهم واهی بنای ارمنستان بزرگ توسط اقلیت ارمنی و زیان های حاصل شده از ارامنه ای که درون جنگ جهانی اول دولت خویش را از پشت زده بودند، گرفته شده بود. چگونگی فریب و تحریک ارامنه توسط روس ها و دولت های ائتلاف، با اسناد ثابت است. (1) ارامنه ای که توسط وعده های سپرده شدن هر مکانی که به دست خواهند آورد به آنها و شناختن استقلال آنها، قانع شده بودند، در بین خود جمعیت های اختلال زیادی بنا کرده بودند. (2) ارامنه، فعالیت های شروع کرده ترویج و ارباب قبل از تغییر مکان را در طول زمان کوچ هم ادامه داده بودند. حال در مناطق مرزی و یا در مناطق داخلی با دشمن همکاری کرده بودند و در برابر مردم مسلمان بی دفاع وارد قتل عام های بزرگ خونین شده بودند. (3)



گزارش مشاور حقوق خارجی محمد منیر بی (Mehmed Münir Bey) در مورد دلایل مسکون سازی ارامنه در مناطق دیگر، به تاریخ (1917) 1335.

صفحه 1

BOA. HR. HU, Kr. 173/5

Osmanlı Belgelerinde Ermeniler (1915-1920).

حکومت عثمانی که قرار جمع آوری اسناد توضیح دهنده مظلیم انجام گرفته توسط ارامنه و تبدیل آن به یک کتاب را گرفته بود، با فرستادن نوشته هایی به تمام ولایت ها؛ فرستاده شدن اسناد و تصاویر توضیح دهنده قتل عام های ارمنی خواسته شده بود. (4) در روشنایی اسناد و تصاویر جمع شده از "فعالیت ها و حرکات اختلال کمیته های ارمنی - قبل و بعد از اعلان مشروعیت" با همین نام یک کتاب منتشر شده بود. (5)

مطالبیم ارمنی بعد از جنگ جهانی اول هم ادامه داشته است، در سال 1920 در کمیته یک ارمنی به اسم هانوو (Hanov) یک واحد 1.200 نفری که به نخجوان می رفتند، یک نمونه قابل توجه از مطالبیم انجام داده ارامنه بر روی مسلمانان آنجا است. (6) به غیره در تاریخ های 1921.03.03-07 از تلگراف فرستاده شده توسط وکیل والی ولایت مامورت العزیر (انلازیغ) ممتاز بی (Mümtaz Bey)، موجود بودن ارامنه ای که در بستر حفاظت فرانسه خوابیده اند درون خیال آفریدن ارمنستان بزرگ از کیلیکیا تا آدانا قابل ذکر است. (7)

به مورد این توسعه ها، وکیل سرفرماندهی انور پاشا (Enver Paşa) با هدف یافتن یک راه چاره برای این وضع، در تاریخ 1915.05.02 این نوشته را به وزیر امور داخله طلعت پاشا (Talat Paşa) فرستاده بود:

"ارامنه موجود در اطراف دریایچه وان و مکان های معین ولایت وان، برای دوام عصیان های خود دائما در حال تجمع کرده و آماده باش هستند. در فکر بیرون آوردن ارامنه موجود در این مکان ها و ویران کردن لانه عصیان هستیم.

بنابر اطلاعات داده شده از طرف فرماندهی ارتش 3، روس ها در 1915.04.20 مسلمانان موجود درون مرزهای خود را در حالی مستمند و پریشان از مرزهای مان به داخل رانده اند. برای اینکه هم عوض این عمل باشد و هم برای تامین اهداف فوق، یا این ارامنه را همراه خانواده هایشان به درون مرزهای روس بفرستیم، و یا اینکه پراکنده کردن این ارامنه همراه خانواده هایشان در مکان های مختلف داخلی آتاتولی لازم است.

انتخاب و اجراء مناسب یکی از این دو شکل را تقاضا داریم. اگر مانعی وجود نداشته باشد خانواده عصیان گران و مردم منطقه عصیان را از درون مرزهای مان خارج کرده و به جای آنها مردم مسلمان آمده از خارج به درون مرزهایمان و مسکون سازی آنها در این مکان را ترجیح می دهیم." (8)

انور پاشا با این نوشته که می توانیم آن را اولین نشانه تغییر مکان حساب کنیم، خواستار پراکنده کردن ارامنه در شکلی که نتوانند عصیان کنند می باشد. بنابر موضوع بحث نوشته، اجراء آن تنها در مکان هایی که ارامنه عصیان و اضطراب به میان خواهند آورد انجام خواهد شد. حال اینکه آنگونه هم شده بود.

طلعت پاشا که با دلیل اهمیت و عاجلیت موضوع نمی خواست زمان از دست بدهد، زمانی که هنوز از مجلس قراری بیرون نیامده بود اجراء تغییر مکان را شروع کرده بود و از گرفتن این مسئولیت بسیار سنگین به تنهایی بر عهده خود امتناع نکرده بود. (9)

طلعت پاشا که موضوع بیرون کشیدن ابتدا ارامنه موجود در مناطق وان، بتلیس، و ارضروم از مناطق جنگی را در دست داشت، در تاریخ 1915.05.09 با فرستادن دستورات رمزی به والی ارضروم تحسین بی (Tahsin Bey)، والی وان جودت بی (Cevdet Bey) و والی بیتلیس مصطفی عبدالخالق بی (Mustafa Abdülhalık Bey) آنها را از موضوع مطلع کرده بود. در موضوع بحث نوشته های رمزی طلعت پاشا، به قرار گرفته شدن کوچ دادن ارامنه موجود در بعضی از مناطق که برای انجام عصیان و اختلال اجتماع کرده بودند، مستقیم به جنوب و برای انجام گرفتن اجراء بلا وقفه قرار، لزوم انجام گرفتن هر نوع کمک ممکن به والی ها را معین کرده بود.

طلعت پاشا که نوشته شدن اطلاع مرتبط با موضوع، به فرماندهی های ارتش 3 و 4 سر فرماندهی را قید کرده است، از مفید بودن نتایج اجراء این تغییر مکان بحث می کند، همراه با وان قسمت جنوبی ارضروم، شهرستان های مهم مرتبط با بیتلیس، خصوصاً موش، ساسون و به عالی شدن احتوای اطراف تألری هم دقت نشان داده و از والی ها انجام دادن همکاری با فرماندهان ارتش و شروع شدن بلافاصله اجراء قرار را خواسته بود. (10)

به غیره طلعت پاشا در 1905.05.23 یک نوشته رمزی به فرماندهی ارتش 4 فرستاده و مکان هایی که خالی شدن آنها را می خواهد را اینگونه معین می کند:

1. ولایت های ارضروم، وان و بیتلیس
2. به مورد خارج بودن مرکز شهر ماراش سنجق ماراش
3. به مورد خارج بودن شهرستان مرکزی ولایت حلب، اسکندرون، بیلان (بلن)، جیسر شوگور و همراه با قصبه و روستاهای موجود در داخل آنتاکیا
4. به مورد خارج بودن مراکز شهرهای آدانا، سیس (کوزان) و مرسین، آدانا، مرسین، کوزان و سنجق های جبل برکت

بنابراین؛ انتقال ارامنه بیرون آورده شده از ارضروم، وان و بیتلیس، به قسمت جنوبی موصل، سنجق زُر و به مورد خارج بودن از مرکز به سنجق اورفا؛ لیکن انتقال ارامنه بیرون آورده شده از اطراف آدانا، حلب و ماراش به قسمت شرقی ولایت سوریه، شرق و جنوب شرقی ولایت حلب به قرار گرفته شده بود. به مورد کنترل و اداره عملیات کوچ از مفتشان ملکیه، علی صیدی بی (Ali Seydi Bey) برای منطقه آدانا و حمید بی (Hamid Bey) نیز برای منطقه حلب و ماراش تعیین شده بودند.

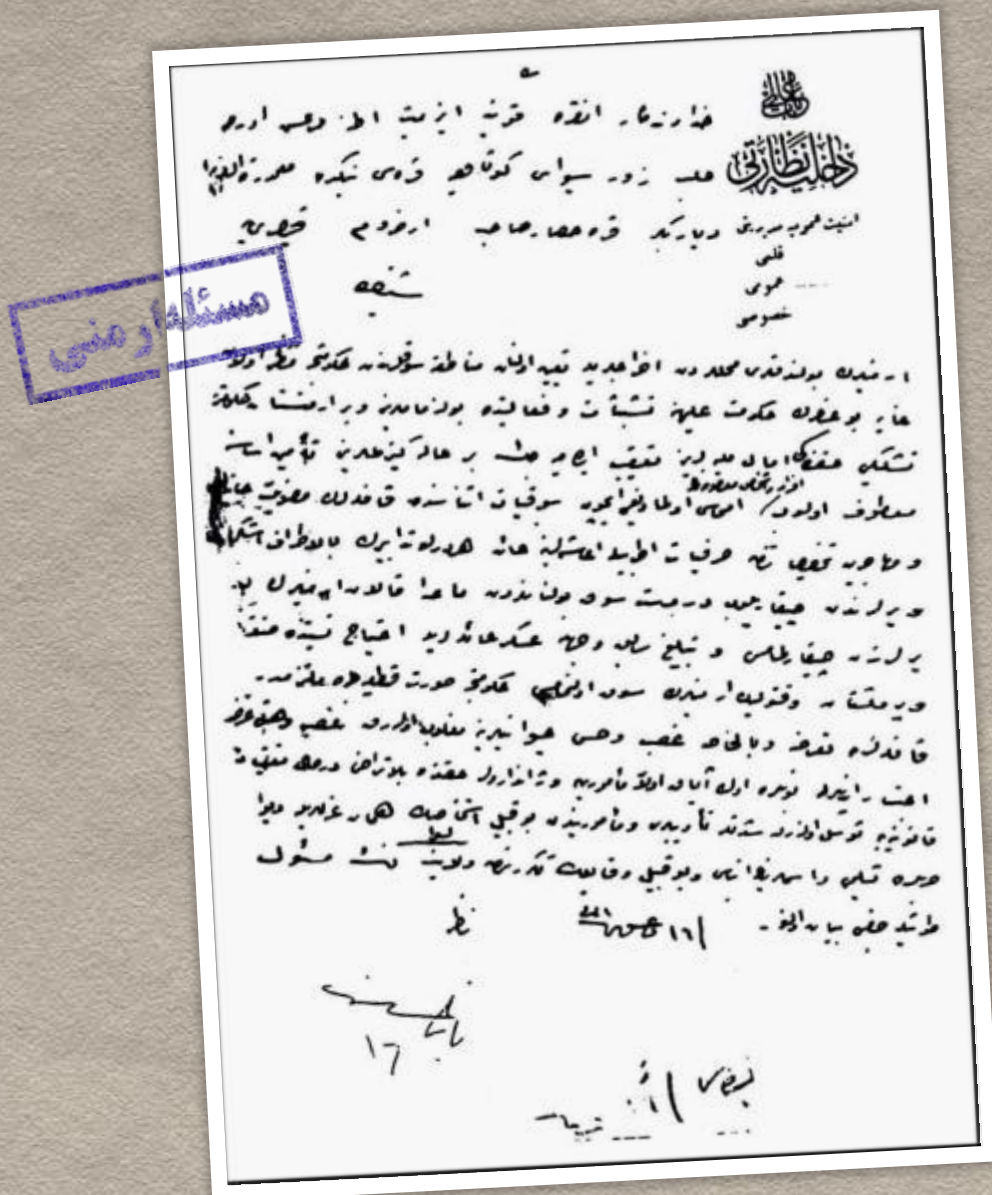
مسکون سازی ارامنه رسیده به مناطق جدید اسکان، بنابر وضعیت منطقه یا بنا کردن خانه های جدید در روستاها و قصبه های موجود و یا در روستاهای جدید که محل انشاء آنها از طرف حکومت معین خواهد شد و فاصله حداقل 25 کیلومتری روستاهای ارمنی از راه آهن بغداد به شرط گذاشته شده بود.

محافظت از جان و مال ارامنه گرفته شده به تغییر مکان، تامین آب، غذا و استراحت آنها به اداره کنندگان منطقه ای موجود در گذرگاه ها سپرده شده بود. در رابطه با موضوع برداشتن تمام اموال و اشیاء منقول که می توانند همه آنها را بردارند و اموال غیر منقول ارامنه ای که مکان آنها تغییر خواهد کرد هم با حاضر شدن نوشتن یک دستور با جزئیات رسیدن آنها به مناطق مربوط مقرر شده بود. (11)

سر فرماندهی، برای اینکه در محل ارامنه مشمول تغییر مکان باز لانه فساد و عصیان تشکیل ندهند، در تاریخ 1915.05.26 با فرستادن یک نوشته به وزارت امور داخله به دقت گرفته شدن موارد زیر را خواسته بود:

1. نفوس ارامنه فرستاده شده به نقاط مختلف از نسبت 10% شمار عشیره ها و مسلمانان آنجا نباید متجاوز باشد.
2. برای ارامنه ای که کوچ داده خواهند شد در هر کدام از روستاهایی که بنا خواهند شد نباید تعداد خانه ها از 50 تجاوز کند.
3. خانواده های مهاجر ارمنی حتی اگر در صورت سیاحت و نقل هم باشند نباید خانه های خود را تغییر دهند. (12)

در روزهایی که وزارت امور داخله تمام این پیشگیری ها را به اجرا گذاشته بود، در 1915.05.24 با انتشار تبلیغ مشترک حکومت های روسیه، فرانسه و انگلیس، از یک ماه قبل به سبب گذاشتن نام "ارمنستان" بر شرق و جنوب شرقی آناتولی کشته شدن ارامنه را پیش رانده بودند و از حوادث مسئول دستگیری ها را حکومت عثمانی نشان داده بودند. (13)



اشاره به اهداف و اساس های لازم در فرستادن ارامنه

برای پیش گیری فعالیت های ارامنه بر ضد حکومت، انتقال آنها، عدم انتقال خارج گرفته شدگان از معین شدگان، تامین مصرف آنها از تخصیص مهاجرین، گرفته شدن تدابیر لازم برای محافظت قافله ها، تلگراف های رمزی فرستاده شده از نظارت داخلیه (وزارت امور داخله) به ولایت های مختلف مبنی بر مجازات کردن شدید کسانی که به اینان حمله می کنند.

18 L. 1333 (29 Ağustos 1915)
BOA, DH. ŞFR, 55/292
Osmanlı Belgelerinde Ermeniler (1915-1920)

به مورد کسب یک بعد بین المللی موضوع در این شکل طلعت پاشا (Talat Paşa)، یک نوشته درباره به کارگیری تغییر مکان در روز 1915.05.26 حاضر و به رئیس الوزرا فرستاده بود. (14)

طلعت پاشا در نوشته خود بعد از توضیح دادن این که "متجاوزان استیلاگر که به اراضی عثمانی چشم دوخته اند برای به واقعیت رساندن اعمال خود در بین ارمنه که اتباع عثمانی هستند افتراق افکنده و به آنها کمک می کنند؛ انجام دادن هر نوع مانع برای سخت کردن حرکات ارتش تورک در جنگ مقابل دشمن توسط ارمنه عصیان گر؛ مانع شدن آنها از رسیدن مواد غذایی، سلاح و گلوله به سرباز؛ همکاری آنها با دشمن؛ الحاق یک قسم از آنها به صف های دشمن؛ حاضر شدن آنها در هجوم مسلحانه به واحد های نظامی و مردم معصوم؛ انجام دادن قتل عام و تاراج اموال توسط آنها در شهر و قصبه ها؛ تامین شدن مواد غذایی نیروهای دریایی دشمن توسط آنها و نشان داده شدن مناطق مهم نظامی از طریق آنها به دشمن" برای سلامتی دولت و مردم لزوم پیش گیری های اساسی احساس شده و برای این، قرار داده شده در رابطه با به کوچ داده شدن ارمنه ای که در مناطق جنگی حوادث خلق می کنند به مناطق دیگر را بیان کرده بود.

این نوشته وزارت امور داخله، همراه با یک نوشته دیگر که از طرف نخست وزیری به قلم گرفته شده بود بلافاصله به مجلس رسانده شده بود. در نوشته نخست وزیری بعد از تکرار شدن بیانات طلعت پاشا، برای سلامتی دولت در جا ماندن اجراء تغییر مکان که شروع آن اجراء شده و لزوم بسته شدن آن به یک اصول و قاعده را به زبان آورده بود. (15) مجلس هم در همان تاریخ یک قرار برای قبول شدن اجراء گرفته بود.

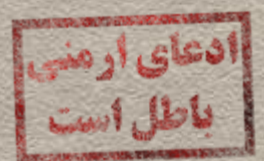
در قرارنامه مرتبط مجلس با این موضوع، مجادله انجام گرفته در راه تامین موجودیت و امنیت دولت، لزوم قطعیت قرار گرفتن با اصول موثر در مقابل اینگونه فعالیت های مضر که تاثیر محجف دارند و از طرف وزارت امور داخله در آخرین درجه صحیح و در جای خود بودن پیش گیری های گرفته شده در این موضوع معین شده بود. به غیره، با منتشر شدن یک اطلاعیه در رابطه با اموال غیر منقول ارمنه بیرن آورده شده از مکان هایشان، از طرف کمسیون هایی که معین خواهند شد انجام شدن تثبیت آنها و برای ارمنه فرستاده شده در مکان هایی که به آنجا خواهند رفت بنابر وضعیت آنها باز شدن میادین کار مناسب و انجام کمک به آنها از تخصیص مهاجرین که بعد از بیان گرفته شدن قرار آنها، در موضوع انجام گرفتن کوچ درون امنیت به مرتبطان نوشتن دستورات لازم تقاضا شده بود. (16)

در تاریخ 1915.05.30 نوشته فرستاده شده از طرف نخست وزیری به وزارت های امور داخله، جنگ و مالیات، چگونگی تطبیق پذیری در شکل جزئیات شرح داده و این گونه گفته شده است: (17)

- A. کوچ کنندگان، در تخصیص جان و مال خویش با تامین امنیت در یک شکل راحت نقل خواهند یافت.
- B. تا زمان اسکان در خانه های جدید معاش آنها از تخصیص مهاجرین تسویه خواهد شد.
- C. مطابق با وضعیت مالی سابق به آنها املاک و اراضی داده خواهد شد.
- D. باقی گذاری اموال منقول، به آنها خواهد رسید؛ اموال غیر منقول تثبیت خواهند شد و بعد از تعیین قیمت آنها، پول های آن به صاحبان پرداخت خواهد شد.
- E. در باقی غیر تخصصی مهاجران مثل باغهای زیتون، توت و پرتقال، به آنها دکان، مسافرخانه، کارخانه و مانند بازخانه مکانهای واردات آور با مزایده به آنها فروخته و یا کرایه داده خواهد شد.
- F. تمام این موارد توسط کمیسیون های خاص اجراء خواهد شد و در این خصوص یک آئین نامه با جزئیات حاضر خواهد شد.

Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

- 1) Şifre Kalemî., nr. 45/115 (23 Eylül 1916 tarihli telgrafla, Van, Bitlis, Mamuretülaziz (Elazığ), Adana, Diyarbakir ve Sivas eyâletlerine bu hususta bildiri göndermiştir).
- 2) DH. EUM. 2. Şube, Dosya 1, belge 45/2 (bk. belge 670).
- 3) Şifre Kalemî., nr. 61/50; nr. 62/24; nr. 63/175; nr. 64/92; nr. 64/163; nr. 64/194; nr. 66/51; nr. 46/56; nr. 66/192; BA, BEO, nr. 343464 (bk. belge 784).
- 4) Şifre Kalemî., nr. 62/57; nr. 62/58; nr. 63/241.
- 5) İstanbul 1916. Aynı eser Fransızca olarak 1917'de yine İstanbul'da yayınlandı. İsmet Parmaksızoğlu tarafından "Ermeni Komitelerinin İhtilâl Hareketleri ve Besledikleri Emeller" adıyla sadeleştirilerek yayınlandı (Ankara 1981).
- 6) 1 Şubat 1920'de İçişleri Bakanlığı'ndan Başbakanlığa gönderilen yazı (BA, BEO, nr. 341351).
- 7) Emniyet, Dosya 2 F/3; Emniyet, Dosya 2 F/5 bk. belge 799 ve 800).
- 8) ATBD, Aralık 1982, sayı 81, belge 1830.
- 9) Bayur, Aynı eser, III/3, 38.
- 10) G. K., nr. 52/200; nr. 52/281-282.
- 11) G. K., nr. 53/94.
- 12) Genelkurmay, nr. 1/1, KLS 44, Dosya 207, F. 2-3, nakleden, K. Gürün, Aynı eser, s. 213.
- 13) Bayur, Aynı eser, III/3, s. 37.
- 14) BA, BEO, nr. 326758.
- 15) Millet Meclisi Kararnamesi, Defter nr. 198, karar sıra nr. 163 (bk. belge 123); Bayur, Aynı eser, III/3, s.37-38; Gürün, Aynı eser, 213-214.
- 16) Bayur, Aynı eser, III/3, s. 40-42.
- 17) BA, BEO, nr. 326758



قانون تغییر مکان (تهجیر)

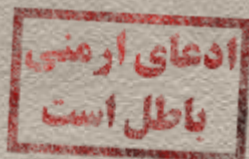
قانونی که با "قانون تهجیر" بودن شناخته می شود؛ تنها هدف پیش گیری عصیان و شورش های پشت جبهه در زمان موجود بودن ارتش تورک در میدان جنگ را داشته و "قانون موقت در مورد پیش گیری هایی که از طرف نظام برای کسانی که بر علیه کارایی حکومت در زمان جنگ قرار می گیرند است." و در تاریخ 1915.05.27 قبول شده. (1) قانون، در روز 1915.06.01 با منتشر شدن در روزنامه رسمی آن دوران "تقویم وقایع" به اجرا گذاشته شده است. (2)

نخستین ماده قانون موقت موضع بحث؛ به فرماندهان ارتش، لشکر و تقسیمات نظامی، سلاحیت، گرفتن بلافاصله پیش گیری مقابل کسانی که در طول جنگ در برابر دستورات حکومت، بر علیه دفاع کردن از کشور و حفاظت کردن از حضور قد علم کرده، در حمله مسلحانه و یا استقامت حاضر شده و نابود کردن عصیان گران در طول تجاوز و مقاومت، داده می شود. لیکن دومین ماده به فرماندهان ذکر شده، سلاحیت سوق و اسکان دادن تک تک و یا در حال جمعی مردم روستا و قصبه ای که جاسوسی و اهانت کردن آنها به وطن معلوم کشته، به مناطق دیگر داده می شود.

با منتشر شدن یک دستور نامه در تاریخ 1915.06.10. (3) هم، اموال ارامنه ای که تابع کوچ شده اند به زیر محافظت گرفته شده است. به مورد موجود بودن یک رئیس اداری و یک متخصص مالیه، "کمیسین اموال رها شده" که از دو عضو متشکل می شدند، بنا شده است. این کمیسین ها، اموال متعلق به ارامنه روستا و قصبه های خالی شده را تثبیت خواهند کرد و جزئیات را به دفتر خواهند گرفت. یکی از دفاتر در کلیساهای منطقه ای حفظ و نگهداری خواهد شد. اشیاء شکستنی (دارای قابلیت خراب شدن) با حیوانات در مزانه فروخته خواهند شد و پول آنها نگهداری خواهد شد. در مکان هایی که کمیسین فرستاده نشده، احکام اعلان را موظفان موجود در منطقه به جا خواهند آورد. مسئولیت محافظت از این اموال تا زمان تحویل دادن آن به ارامنه هم بر عهده کمیسین و هم مدیران منطقه خواهد بود.

در قانون تاریخ 1915.05.27 و دستور نامه های تاریخ 1915.06.10 همانند آنچه که معین خواهد بود، اجراء تغییر مکان که از طرف طلعت پاشا (Talat Paşa) شروع شده و مجلس هم آن را مناسب دیده بود "مستقیماً مناطقی که امنیت جبهه ها را به تزلزل خواهد کشاند"، را شامل شده بود. یکی از اینها اطراف مناطق ارضروم، وان و بیتلیس بود که پشت جبهه های قفقاز و ایران را تشکیل می داد. لیکن دومی مناطق مرسین - اسکندرون بود که پشت جبهه سینا را تشکیل می داد. چرا که ارامنه در این مناطق با دشمن همکاری و تبانی کرده و در فعالیت هایی که رسیدن دشمن به نفع را راحتتر خواهد کرد حاضر شده بودند.

همراه با این؛ قانونی که شامل "گرفتن پیش گیری ها از طرف واحد های نظامی بر علیه کسانی که در حال جنگ در برابر اداره حکومت قرار می گیرند"، تماماً یک قانون دولتی و سلاحیت متوجه بر محافظت از نظام قانونی است. لیکن یکی از خصوصیات مهم آن؛ وجود "ذکر نشدن و یا امحا نشدن هر کدام یک از گروه قومی و زمره خاص در متن قانون می باشد". مشمولان ورود به قانون، اتباع مسلمان، رومی (یونانیان مقیم کشورهای مسلمان) و ارمنی الاصل عثمانی از مکان های خود با سوق دادن به مکان های دیگر مسلماً به کوچ گرفته شده بودند. سعی در دین قانون با متوجه بودن آن به یک جمعیت خاص، یا نشانه نقصان آگاهی است و یا اینکه حاصل یک حرکت مقصد دار می باشد. (4)



Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Bayur, Aynı eser, III/3, s.40; Gürün, Aynı eser, 214.

2) Takvīm-i Vekāyi', 18 Receb 1333 / 19 Mayıs 1331, 7. sene, nr. 2189; Y. H. Bayur, Aynı eser, III/3, s. 40

3) ATBD, Aralık 1982, sayı 81, belge 1832.

4) Yıldırım. Dr. Hüsamettin. Ermeni İddiaları ve Gerçekler. Ankara. 2000. sh. 21

شروع اجراء تغییر مکان

بنابر قانون سوق و اسکان به مورخ 1915.05.27 و اعلانات متناسب با نحوه اجراء قانون؛ قافله های ارمنی، به مورد توزیع به مناطق جدید اسکان، بر روی تقاطع راه های معلوم شده در مراکزی مثل قونیه، دیاربکر، جیزره، بیره جیک و حلب جمع شده بودند.

گذرگاه های قافله های سوق دادن شده، به منظور رو در رو نشدن مهاجرین با مشکل و تا حد امکان برای امنیت آنها از نزدیک ترین راه انتخاب شده بود. بعلاوه در انتخاب گذرگاه ها، فکر تامین امنیت و حفاظت قافله ها هم نقش مهمی بازی کرده بود. چنانکه فرستاده شدگان از قیصری و سامسون به مالاتیای؛ فرستاده شدگان از سیواس، ماموراة العزیر (اٹلازیغ)، ارضروم و اطراف آن، لیکن از راه دیاربکر - جیزره به موصل فرستاده شده بودند. (1)

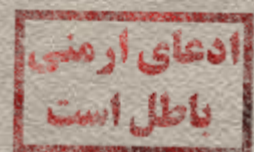
همراه با این، انحام زیاد راه ها، در اوضاعی که احتمال تخریب نظم در سنجق ها معین می شد، قافله ها خارج از این گذرگاه ها هم گرفته می شدند. (2) راهی شدگان از اورفا از طریق رسولین و نُسنبین، به مورد محافظت از حمله قبیله های عرب و دیگر عشیره ها از راه سیورک فرستاده شده بودند. (3)

اما قافله های فرستاده شده از آناتولی غربی، از کوتاهیا - کاراحصار - قونیه - کارامان - تارسوس از طریق ماراش - پازارجنک به زُر فرستاده شده بودند. (4) در انتخاب تمام این گذرگاه ها مکان هایی که راه های قطار و وسایل نقلیه آبی وجود داشتند ترجیح داده شده بود. در این راستا فکر امن ترین راه انتقال توسط قطار و وسایل نقلیه آبی نقش مهمی را ایفا کرده بود.

چنان که تمام فرستاده شدگان از آناتولی غربی به مناطق جدید اسکان با قطار نقل شده بودند. (5) فرستاده شدگان از راه جیزره هم با قطار و با قایق های رودی که نام آن "شاهتور" بود حمل شده بودند. (6) در مکان هایی که قطار و وسایل نقلیه آبی موجود نبوده قافله ها با چهارپایان و درشکه ها به مراکز معین جمع شده و از آنجا سوار قطار شده بودند.

دولت به رغم شرایط موجود در جنگ، در سیر شدن اجراء تغییر مکان تماماً درون یک نظم و در متضرر نشدن هر کدام از قافله ها کل امکانات موجود در دسترس را به کار گرفته بود. به رغم این، با ماندن در اجبار فرستادن سرباز و مواد غذایی به صورت مداوم به جبهه، از این جهت در زمان هایی برای حمل مهاجران توسط وسیله ای که آنها را حمل خواهد کرد با سختی های فراوانی مقابله می کرد. از این رو در ایستگاه ها تجمعات بزرگی به میان آمده بود. تضاول و کمبود وسیله نقلیه، مثل راه باز کردن بر تعلل و تعطل انتقال در مکان هایی (7)، همراه با هم زمان بودن با فصل برداشت محصول هم احتیاج احساس شده بر وجود چهارپا و درشکه به جهت حمل قافله ها باعث سخت شدن حرکت آنها شده بود. (8) به رغم تمام این شرایط سخت و کمبود امکانات، حکومت موفق به انتقال ارامنه ای که مکان آنها به مناطق جدید اسکان تغییر خواهند کرد، درون یک نظم عظیم شده بود.

همان گونه که ادوارد ناتان (Edward Natan) کنسول آمریکایی مرسین، در 1918.08.30 در گزارشی فرستاده به سفیر مورگنثاو (Morgenthau)، پر شدن تمام خط گذرگاه از تارسوس تا آدانا با ارامنه؛ از آن طرف به رغم بودن بعضی ها در فشار ازدحام، اداره شدن این کار توسط حکومت در یک شکل انتظامی در درجه آخر؛ جا ندادن به بی نظمی و شدت؛ برای مهاجرین به اندازه کافی تامین شدن بلیط؛ کمک رساندن به مهتاج شوندهگان را مشخص کرده بود. (9)



Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf, Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara, 2001.

1) Şifre Kalemî., nr. 54-A/157; nr. 56/280; nr. 56/387.

2) Şifre Kalemî., nr. 56/278; nr. 56/280; nr. 56/308.

3) Şifre Kalemî., nr. 57/277.

4) Şifre Kalemî., nr. 65/95.

5) DH. EUM. 2. Şube, 68/99; 2. Şube, 68/94; 2. Şube, 68/81; 2. Şube, 68/67; 2. Şube, 68/96.

6) DH. EUM. 2. Şube, 68/101.

7) Meselâ Şifre Kalemî., nr. 54-A/393.

8) Şifre Kalemî., nr. 54-A/59; nr. 54-A/96.

9) FİİM Dosya 2D/13 İhk. belge 6641.

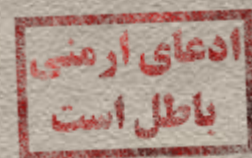
مناطق بیرون آوردن و مسکون ساختن ارامنه

طلعت پاشا (Talat Paşa) اطلاعات بیرون آورده شدن ارامنه از کدام مناطق و در کدام مناطق مسکون خواهند شد، را در پیام رمزی فرستاده به فرماندهی ارتش 4 معین ساخته بود. در پیام رمز مورد بحث طلعت پاشا، بعد از داده شدن اطلاعات در مورد برده شدن ارامنه به ولایت های دیگر، بیرون آورده شدن ارامنه و مناسب بودن انتقال آنها از ولایت های ارضروم، وان و بیتلیس، به قسمت جنوبی ولایت موصل، سنجق زُر و به مورد خارج بود مرکز، مسکون سازی آنها در سنجق اورفا؛ ارامنه بیرون آورده شده از اطراف آدانا، حلب، و ماراش لیکن به قسمت شرقی ولایت سوریه و قسمت شرقی و جنوب شرقی ولایت حلب را معلوم ساخته بود.

اما، به مورد ادامه عصیان و قتل عام های ارمنی؛ در تاریخ 1915.07.05 با فرستاده شدن دستور به ولایت های آدانا، ارضروم، بیتلیس، حلب، دیاربکر، سوریه، سیواس، ترابزون، ماموره العزیز (انلازیغ)؛ متصرفات (سنجق) زُر، ماراش، جانیق، قیصری و از میت همراه با مدیریت "کمسیون اموال رها شده آدانا"، وسعت داده شدن مناطق جدا شده برای مسکون سازی ارامنه به مورد لزوم دیده شده را آشکار ساخته بود.

بنابراین، مناطق مسکون سازی ارامنه فرستاده شده، در شکلی که در ناحیه از نسبت 10 درصدی نفوس مسلمان نگذرد اینگونه معین شده بود:

1. در صورت داخل بودن روستاها و قصبه های موجود سنجق کرکوک در فاصله 80 کیلومتری مرز ایران مناطق شرقی و جنوبی ولایت موصل؛
2. 25 کیلومتر در داخل ولایت دیاربکر، به مورد داخل بودن مناطق سکناي موجود در وادی نهرهای هابور و فرات، شرق و جنوب سنجق زُر؛
3. به مورد خارج بودن قسمت شمالی ولایت حلب، همراه با تمام روستاها و قصبه های موجود در شرق، جنوب و جنوب غربی به مورد داخل بودن سنجق های هاوران و گرک ولایت سوریه، روستاها و قصبه های خارج از 25 کیلومتری گذرگاه های راه آهن. (*)



نفوس ارمنی گرفته شده به تغییر مکان

در راستای تغییر مکان ارمنه که در راه های مختلف جدا شده و در مکان هایی که بودند مرتباً تعداد آنها کنترل می شده. از تاریخ 1915.06.09 تا 1916.02.08 چه مقدار بودن نفوس ارمنی که از قسمت های مختلف آناتولی به مکان های جدید اسکان حمل شده و در آنجا در جای خود ترخیص شدند، در اسناد مرتبط با تصنیفات آرشیو عثمانی بدین شکل جمع شده: (1)

نفوس ارمنه به تغییر مکان گرفته شده

منطقه	سوق داده شدگان	باقی ماندگان
آدانا (2)	Adana	14.000
آنکارا (مرکز) (3)	Ankara (Merkez)	21.236
آیدین (4)	Aydın	250
بیره جیک (5)	Birecik	1.200
دیاربکر (6)	Diyarbakır	20.000
دورتیول (7)	Dört Yol	9.000
ارضروم (8)	Erzurum	5.500
اسکی شهر (9)	Eskişehir	7.000
گیره سون (10)	Giresun	328
گوره له (11)	Görece	250
حلب (12)	Halep	26.064
هایمانا (13)	Haymana	60
ازمیر (14)	İzmir	256
ازمیت (15)	İzmit	58.000
کالاجیک (16)	Kalacık	257
کاراحصار صاحب (17)	Karahisarı sahib	5.769
قیصری (18)	Kayseri	45.036
کسکین (19)	Keskin	1.169
کنر شهر (20)	Kırşehir	747
قونیه (21)	Konya	1.900
کوتاهیا (22)	Kütahya	1.400
ماموره العزیز (23)	Mamuretülaziz	51.000
ماراش (24)	Maraş	-
ناللی هان (25)	Nallıhan	479
اردو (26)	Ordu	36
پر شنبه (27)	Perşembe	390
سیواس (28)	Sivas	136.084
سونگورلو (29)	Sungurlu	576
سورمه نه (30)	Sürmene	290
تیره بولو (31)	Tirebolu	45
ترابزون (32)	Trabzon	3.400
اولو بی (33)	Ulubey	30
یوزگات (34)	Yozgat	10.916
جمع کل	TOPLAM	422.668
		32.766

از سوی دیگر در تلگراف فرستاده شده به تاریخ 1915.10.18 از طرف مدیر مسکون سازی عشیره ها و مهاجران شگری بی (Şükrü Bey)، شمار تخمینی ارامنه سوق داده شده به حلب را که حدود 100.000 نفر بودند را اطلاع داده است. (26)

در این میان با اعتبار به تاریخ 1915.09.18 در دیاربکر 120.000 و با اعتبار به تاریخ 1915.09.28 در جیزره 136.084 از نفوس ارمنی جمع شده به مورد فرستاده شدن به اطراف موصل و رُر از اسناد ثبت شده قابل استعلام می باشد. (27) چنانچه در تلگراف رمزی فرستاده شده به تاریخ 1915.11.03 از نیزیپ توسط شگری بی، تداوم انتقال در یک شکل بسیار منظم بیان شده است. (28)

در لیست داده شده فوق نفوس باقی مانده آدانا در بین نفوس تغییر مکان داده شده جای گرفته ولی انتقال نشدن آنها معین شده بود و بعدها به مناطق جدید اسکان منتقل شده بودند. (29) بنابراین کل نفوس تغییر مکان داده شده همراه با حلب 438.758 بوده، لیکن کل نفوس رسیده موجود در مناطق اسکان 382.148 می باشد. (30)

Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf-; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Bu arada Kastamonu, Balıkesir, Antalya, İstanbul, Urfa Ermenileriyle, Protestan ve Katolik Ermenilerle, hastalar, öğretmenler, yetim çocuklar ve kimsesiz kadınlar sevk edilmemiştir.

2) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/77 (Ek-XXII).

3) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/77 (Ek-XXII).

4) DH. EUM. 2. Şube, nr.69/250.

5) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/101.

6) Belgelerde Diyarbakır'dan ne kadar Ermeni'nin naklolunduğu bildirilmemektedir. Bununla beraber başka illerden gelenlerle birlikte 120 bin Ermeni'nin sevk edildiği kayıtlarda yer almaktadır. Bu sebeple bu ilden 20.000 Ermeni'nin sevk edildiği varsayılmıştır.

7) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/89.

8) ŞFR. nr.54/162. Her iki belgede sevk olunan Ermenilerden 500 kişilik bir kafilenin Erzurum-Erzincan arasında Kürtler tarafından katledildiği, diğer belgede ise Dersim bölgesinden gönderilen kafilelerin Dersim eşkıyası tarafından yine tamamen katledildiği bildirilmektedir. Bu kafilelerde kaç kişinin bulunduğu bilinmediğinden tahmini olarak 5.000 kişi alınmıştır.

9) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/72.

10) Giresun, Perşembe, Ulubey, Sürmene, Tirebolu, Ordu ve Görele aynı vesikada verilmiştir (Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.68/41).

11) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/76.

12) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/66.

13) DH. EUM. 2. Şube, nr.69/260.

14) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/67 (Ek-XXIV)

15) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/79

16) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/73.

17) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/75 (Ek-XXV).

18) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/66.

19) DH. EUM. 2. Şube, nr.69/34.

20) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/93.

21) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/70 (Ek-XXVII).

22) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/41.

23) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/84 (Ek-XXVII).

24) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/41.

25) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/66.

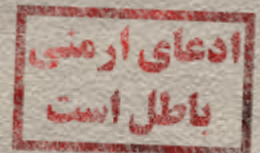
26) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/80 (Ek-XXVIII).

27) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/71 (Ek-XXIX); 2. Şube, nr.68/84.

28) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/101.

29) Haleb'e gelenlerin 100 bin civarında olduğu bildirilmesine karşılık (Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.68/80) buraya gelen nüfus 100.000 olarak alınmıştır.

30) Yer değiştirmeye tabi tutulan edilen ve yeni yerleşim bölgesine varan nüfus ile ilgili olarak belgelerde kesin rakamlar verilmekle beraber, bazı yerlerden net sayılar verilmemesi sebebiyle her ikisi için de artı-eksi % 10 oynama söz konusu olabilir.



مفقودات داده شده ارامنه در طی زمان تهجیر

در راستای اجراء تغییر مکان جمعا 438.758 نفر همراه با ارامنه حلب به مناطق جدید اسکان سوق داده شده اند، لیکن از این تعداد 382.148 نفر در مناطق جدید اسکان زنده و سالم حاضر شده بودند. (1) مثل آنچه که دیده می شود، بین این دو عدد یک فرق 56.610 نفره حاصل می شود.

این فرق 56.610 نفره، بین کوچ داده شدگان و آنهایی که در مناطق جدید اسکان حاضر شده اند، بنابر اطلاعات بدست آمده از اسناد، بدین شکل به میان آمده است: 500 نفر بین ارضروم - ارزینجان؛ 2.000 نفر در مسکنه بین اورفا - حلب؛ 2.000 نفر در اطراف ماردین در نتیجه تهاجم راهزن ها و عشیره های عرب به قتل رسیده، بعلاوه در آن قدر، یعنی حدود 5.000 نفر هم و شاید هم کمی بیشتر در نتیجه تهاجمات انجام شده به قافله ها در ناحیه درسیم کشته شده اند. (2)

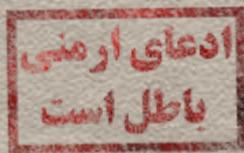
در تابع این اطلاعات واضح، جمعا بقتل رسیدن 9-10 هزار نفر در راستای اجراء تغییر مکان تثبیت شده. بعلاوه در راه ها مرگ به دلیل گرسنگی هم در اسناد معلوم است. (3) خارج از این، تقریبا مرگ حدود 25-30 هزار نفر هم به دلیل بیماری هایی مثل حصبه، دیسانتری (اسهال خونی) و شرایط اقلیمی تخمین زده می شود که، (4) در این شکل نزدیک 40 هزار نفر در راه ها مفقود شده اند.

اما یک قسمت از باقی 10-16 هزار نفری، همراه با آورده شدن به راه، به سبب توقف تهجیر که هنوز در محل اسکان حاضر نبودند، در ولایت هایی که موجود بودند ترخیص شدند. مثلا در 1916.04.26 در استان قونیه برای اسکان ارامنه در راه سوق درون استان، نوشته ای فرستاده شده بود. (5) از طرفی تخمین زده می شود که قسمتی از ارامنه مشمول تغییر مکان به روسیه، کشورهای غربی و آمریکا فرار کرده اند.

چنانچه در اسناد، 50.000 از ارامنه موجود زیر سلاح از ارتش عثمانی به ارتش روسیه ملحق شده، باز به مورد جنگیدن بر علیه تورک ها قید هایی همچون 50.000 ارمنی هم در ارتش آمریکا سه - چهار سال برای دیدن آموزش جای گرفته است. فی الواقع، در نامه یک ارمنی ساکن آمریکا به وکیل دعوی ائلازیغ مراد مرادیان (Murad Muradyan) اطلاعاتی این چنینی وجود دارند. (6)

در نامه، قسمتی از ارامنه گریخته به روسیه و آمریکا و حرکت کردن 50.000 از سربازان تعلیم یافته در آمریکا به سوی قفقاز به طور آشکار ابراز شده است. از تمام این اسناد مثل آنچه که می توان فهمید، اتباع ارمنی بسیار زیاد عثمانی، قبل از جنگ و درون جنگ با در راس بودن آمریکا و روسیه به کشورهای مختلفی پراکنده شده اند. مثلا یک ارمنی با نام آرتین هوتومیان (Artin Hotomyan) که با هدف تجارت در آمریکا بوده در 1915.01.19 در یک نامه فرستاده به مدیریت عمومی امنیت از هزاران ارمنی گریخته از طرق مختلف به آمریکا و از حال گرسنه آنها در یک زندگی پریشان نوشته بود. (7)

این اطلاعات، تعداد طبیعی ارامنه گرفته شده مناطق مختلف آناتولی و روملی به تغییر مکان را با تعداد آنهایی که به مراکز اسکان جدید رسیده اند را نشان میدهد و به این سبب در راستای تغییر مکان نبودن هر نوع حادثه قتل عام برنامه ریزی شده از سوی دولت را به میان می گذارد.



Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Yer değiştirmeye tabi tutulan edilen ve yeni yerleşim bölgesine varan nüfus ile ilgili olarak belgelerde kesin rakamlar verilmekle beraber, bazı yerlerden net sayılar verilmemesi sebebiyle her ikisi için de artı-eksi % 10 oynama sözü konusu olabilir.

2) Mesela Trabzon, Erzurum, Sivas, Diyarbakır, Elazığ, Bitlis illeriyle Maraş ve Canik mutasarrıflarına 26 Temmuz 1915 tarihli şifre telgrafta, savaş başlanıandan beri hastalık ve isyan sebebiyle ne kadar Ermeni'nin öldüğünün bildirilmesi istenmiştir (ŞFR., nr. 54-A/112). Ayrıca Ereğli ve Musul'da Ermeni göçmenler arasında tifüs, dizanteri, sıtma gibi bulaşıcı hastalıkların yaygın olarak görüldüğü anlaşılmaktadır (Konya iline 8 Temmuz 1915 tarihli telgraf, ŞFR., nr.57/337; Zor Mutasarrıf 21 Ağustos 3 Şubat 1916, ŞFR., nr.60/219).

3) ŞFR., nr.57/110.

4) Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.68/81; Ayr. Bkz. ŞFR., nr. 57/51.

5) ŞFR., nr. 63/119.

6) DH. EUM. 2. Şube, nr.2F/14.

7) Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.2F/94.

تهاجمات انجام گرفته بر قافله های ارمنی و تدابیر گرفته شده دولت در برابر آنها

در راستای انتقال ارمنه به مناطق اسکان جدید به بعضی از قافله ها، خصوصا بین حلب - زُر از عشیره های عرب تهاجماتی طرح ریزی و بعضی از ارمنه کشته شده بودند. بنابر مستفاد یک تلگراف در تاریخ 1916.01.08؛ از فاصله یک ساعت به حلب تا مسکنه در آن راه ها در نتیجه انجام تجاوزات راهزن های عرب با هدف غصب، کشته شدن ارمنه بسیار زیادی (1)؛ از دیاربکر تا زُر و از سوروچ با راه منبیج از ارمنه نقل شده به حلب به تعداد 2.000 باز در معرض تجاوزات عشیره های عرب مانده و لخت شدن شان قابل استنباط می باشد. (2)

در منطقه دیاربکر بدون تمایز کردن ارمنی - غیر مسلمان کشته شدن حدود 2.000 نفر توسط دسته ها و راهزنان معلوم شده بود، به مورد این، پیش گیری سریع اینگونه حوادث و تامین حضور قطعی بر روی راه های عبور قافله ها، در غیر این صورت از حرکات اشقیاء و دسته های راهزن آن ولایت مسئول گرفته خواهد شد با یک زبان سخت گیرانه و جدی معین شده بود. (3) بین ارضروم - ارزینجان هم کشته شدن 500 نفری یک قافله دیگر در نتیجه تجاوز بعضی از عشیره های کرد قابل ذکر است. به مورد این در تاریخ 1915.06.14 در یک تلگراف رمزی فرستاده شده به ولایت های دیاربکر، انلازیغ و بیتلیس: در طی استفاده از هر نوع اصولی بر علیه تهاجم عشیره ها و روستائیان موجود بر روی راه، مجازات شدید هوس کنندگان بر قتل و غصب امر شده بود. (4)

حکومت عثمانی، در حالی از یک طرف در جبهه ها در حال جنگیدن با دشمن و از طرفی برای تامین احتیاجات تغذیه ای و امنیت قافله ها تلاش فوق العاده ای صرف کرده بود. در برابر کشته شدن و یا لخت شدن ارمنه ای که مکان آنها تغییر می کرد مثل هر زمان حساسیت نشان داده و برای انجام گرفتن کوچ درون امنیت تلاش کرده بود. با نوشته شدن دستوراتی به مدیران ولایت های موجود بر روی راه کوچ مجازات شدن افراد هجوم برده به قافله های ارمنی تامین شده بود.

حکومت که در این موضوع تدابیر گرفته شده را تعقیب می کرد، در تاریخ 1915.09.05 با فرستادن یک تلگراف به ولایت های ارضروم، آدانا، حلب، خداوندگار (بورسا) دیاربکر، سیواس، ترابزون، قونیه و سنجق های اورفا، ازمیت، زُر، کاراسی، قیصری، کوتاهیا، ماراش و کاراحصار، از مجازات شدن چند نفر از افرادی که به قافله های ارمنی ضرر رسانده بودند، پرسیده بود. (5)

از طرف دیگر، در راستای به کوچ گرفته شدن قافله های ارمنی به مورد تثبیت کردن و نظارت بر احوال و سو استعمال موظفان در طی سوق قافله های ارمنی هیئت های بررسی بنا شده بود. یک کمیسیون تشکیل شده تحت ریاست رئیس اول محکمه پرس وجو عاصم بی (Asim Bey)، مفتش ملکیه ولایت آنکارا مختار بی (Muhtar Bey) و قائم مقام مفتش ژاندارمای منطقه ازمیر محیددین بی (Muhhiddin Bey) به مناطق آدانا، حلب، سوریه، اورفا، زُر و ماراش (6)؛ کمیسیون تحت ریاست رئیس محکمه استیناف خلوصی بی (Hulusi Bey) و اسماعیل حق بی (İsmail Hakkı Bey) از اعضای شورای دولت، به مناطق بورسا، آنکارا، ازمیت، بالیکه سیر (کاراسی)، کوتاهیا، اسکی شهر، قیصری، کاراحصار صاحب، و نیغده فرستاده شده بودند. (7)

لیکن کمیسیون سوم تشکیل شده با ریاست والی سابق بیتلیس مظهر بی (Mazhar Bey) داستان کل استانبول نهاد بی (Nihad Bey) و سرگرد ژاندارما علی نقی بی (Ali Naki Bey)، در مناطق سیواس، ترابزون، ارضروم، انلازیغ، دیاربکر، بیتلیس و جانیک موظف شده بودند. مظهر بی که رئیس این کمیسیون بوده و در سیواس حاضر بود. وی در تاریخ 1915.10.03 با کشیدن یک تلگراف با ثبت "محرمانه"، بعد از بررسی های لازم کمیسیون های حاضر در محل موجود، گزارش کردن مداوم نتایج به مرکز را تقاضا کرده بود. (8)

بنابر دستورات داده شده به کمیسیون ها: ژاندارما، پلیس، مامور و آمران، بنابر نتیجه تحقیقی که در مورد آنها انجام خواهد شد به دیوان حرب سوق داده خواهند شد. یک لیست از افرادی که به دیوان حرب فرستاده خواهند شد به وزارت امور داخله داده خواهد شد. نتایج بررسی هایی که در مورد والیان و متصرفان انجام خواهد شد ابتدا به وزارت امور داخله اطلاع داده خواهد شد و بنابر امری که داده خواهد شد عمل کرد آنها اجراء خواهد شد. اگر از رئیس دیوان حرب و یا اعضای آن و از ماموران نظامی هم سو استعمال کنندگان دیده و یافت شود، به فرماندهی ارتشی که به آن متعلق هستند اطلاع داده خواهد شد.

در پرتوی گزارشات داده شده از طرف کمیسیون های بررسی، موظفان بسیار زیادی که از وظیفه خود سوء استفاده کرده، (مثل: زدن پول و اشیاء از قافله ها، راه باز کردن بر تجاوز قافله ها به سبب انجام ندادن وظیفه حفاظت خود در شکل لازم، حرکت کردن بر علیه دستور سوق) از کار دست کشانده شده. یک قسم هم با محاکمه شدن در دیوان های حرب به مجازات سنگین محکوم شدند. (9)

Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Şifre Kalemi., nr. 59/244.

2) Şifre Kalemi., nr. 56/140; 55-A/144.

3) Şifre Kalemi., nr. 54/406; nr. 54-A/73; nr. 54-A/248.

4) Şifre Kalemi., nr. 54/9; nr. 54/162.

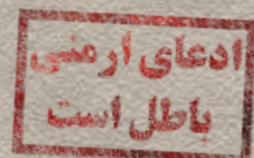
5) Şifre Kalemi., nr. 55-A/84.

6) Şifre Kalemi., nr. 56/186.

7) Şifre Kalemi., nr. 56/355; nr. 58/38.

8) Şifre Kalemi., nr. 56/267.

9) Şifre Kalemi., nr. 58/278; nr. 58/141; nr. 55-A/156; nr. 55-A/157; nr. 61/165; nr. 57/116; nr. 57/413; nr. 57/416; nr. 57/105; nr. 59/235; nr. 54-A/326; nr. 59/196.



نفوس ارمنی گرفته نشده به تغییر مکان

قرار تغییر مکان بر روی تمام ارامنه اجراء نشده بود. در ابتدا در بعضی از مناطق (در اورفا گرمیش و بیره جیک، ارضروم، آیدین، ترابزون، ادیرنه، جانیک، چاناق قلعه، آداپازار، حلب، بولو، کاستامونو، تکیرداغ، قونیه و کاراحصار صاحب) یک قسمت از ارامنه خارج از کوچ گرفته شده بودند. (1) فقط، بعد ها با دیده شدن مداخله آنان در حوادث شدید قسمت عظیمی از آنان به کوچ گرفته شده بودند. (2) همانند گرفته نشدن بیماران و نابینایان به تغییر مکان، آنهایی که از مذهب های کاتولیک و پروتستان بودند، سربازان و خانواده هایشان، ماموران، تجار و بعضی از کارگران و استادان هم به کوچ گرفته نشده بودند. چنانکه در تلگراف های فرستاده شده به ولایت ها، سوق داده نشدن بیماران، نابینایان، معلولین و افراد مسن به همراه مسکون سازی آنان در مرکز شهر خواسته شده بود. (3)

در تلگراف های فرستاده شده مرتبط با تاریخ های 1915.08.02 و 1915.08.15 کوچ داده نشدن ارامنه موجود در مذهب های کاتولیک و پروتستان همراه با مسکون سازی آنها در شهرهای موجود و اعلام شدن شمار نفوس آنها دستور داده شده بود. (4) همانند اینان از داخل ولایت به شهرها مسکون ساخته شده بودند. (5) لیکن آنهایی که به اشتباه کوچ داده شده بودند، با بررسی در آن طی در شهر موجود سکونت داده شده بودند. (6) فقط، آنهایی که خارج از کوچ گرفته شده بودند، آنهایی که اعمال زیان آور انجام داده؛ خواه کاتولیک، خواه پروتستان باشند به مناطق جدید اسکان سوق داده شده بودند. (7)

بنابر فرستاده شدن تلگراف رمزی در تاریخ 1915.08.15، ارامنه سرباز خدمت کننده در ارتش عثمانی و صنف های طبیبی همراه با خانواده هایشان در مکانی که ساکن هستند رها شده و کوچ داده خواهند شد. (8) همراه با این، ارامنه مشغول در شعبات بانک های موجود در مرکز شهر و یا بیرون شهر، اداره عملکرد امانی و بعضی کنسول گری ها تا زمانی که مقید ماندن بر حکومت و طبیعی دیده شدن احوالات آنها به تهجیر گرفته نشده بودند. (9)

به غیره، کودکان یتیم و زنان بیوه با کوچ داده نشدن، در یتیم خانه ها و روستاها تحت حفاظت قرار گرفته شده و به آنها کمک های مادی شده بود. (10) کودکان یتیم مانده در طول تغییر مکان هم با فرستاده شدن به سیواس در یتیم خانه های آنجا ساکن و نگهداری شده بودند. (11) در مورد خانواده های ارمنی محتاج به حفاظت در آوریل 1916 یک امر عمومی منتشر شده بود.

همراه با این، خانواده های بی سرپرست که مردان آنها کوچ داده شده و یا سرباز بودند، در روستاها و قصبه های ارمنی که غریب نیستند مسکون شده و احتیاجات تغذیه ای آنها از تخصیص مهاجرین بر طرف شده بود. کودکان تا 12 سالگی، در صورت عدم وجود مکان کافی در یتیم خانه های منطقه، با سپرده شدن آنها به خانواده های مسلمان ثروتمند، تربیت و تعلیم آنها تامین شده بود. به خانواده های مسلمانی هم که در نگه داری کودکان حال و وقت آنها به اندازه شایسته نبود، به منظور حل مشکل تغذیه ای کودکان 30 غروش پرداخت شده بود. به ازدواج زنان جوان و بیوه با رضایت شخصی خود، با مردان مسلمان اجازه داده شده بود. (12)

Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf-; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Şifre Kalemî., nr. 54-A/155; nr. 56/114; nr. 56/225; nr. 56/226; nr. 57/89; nr. 57/177; nr. 59/218.

2) Şifre Kalemî., nr. 54-A/271; nr. 54-A/272 (22 Temmuz 1331/4 Ağustos 1915).

3) Şifre Kalemî., nr. 56/27; nr. 67/186.

4) Şifre Kalemî., nr. 54-A/251; nr. 55/20.

5) Şifre Kalemî., nr. 56/112 (6 Eylül 1331/19 Eylül 1915, Konya vilayetine).

6) Bu hususta 13 Eylül 1331/26 Eylül 1915'de Sivas (Şifre Kalemî., nr. 56/176), Mamuretülaziz ve Diyarbekir vilayetlerine (Şifre Kalemî., nr. 56/172); 1 Teşrinisânî 1331/14 Kasım 1915'de Konya (Şifre Kalemî., nr. 58/2) ve Ankara vilayetlerine (Şifre Kalemî., nr. 58/159) telgrafla emirler gönderilmiştir.

7) Ağustos 1331/2 Eylül 1915 tarihinde Adana vilayetine bu yolda bir telgraf gönderilmiştir (Şifre Kalemî., nr. 55-A/23).

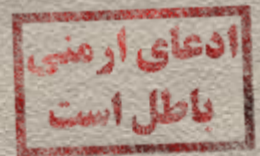
8) Şifre Kalemî., nr. 55/18.

9) Şifre Kalemî., nr. 56/36 (3 Eylül 1331/16 Eylül 1915); nr. 56/243 (17 Eylül 1331/30 Eylül 1915); nr. 56/360 (28 Eylül 1331/11 Ekim 1915).

10) Şifre Kalemî., nr. 54/411; nr. 54/450; nr. 54-A/325.

11) Şifre Kalemî., nr. 61/18-20.

12) Bu emir Adana, Erzurum, Edirne, Halep, Hüdavendigâr, Sivas, Diyarbekir, Mamuretülaziz, Konya, Kastamonu, Trabzon vilayetleriyle, İzmit, Canik, Eskişehir, Karahisar-ı sahib, Maraş, Urfa, Kayseri, Niğde mutasarrıflıklarına (Şifre Kalemî., nr. 63/147) ve 17 Mayıs 1332/30 Mayıs 1916'da da Ankara vilayetine (Şifre Kalemî., nr. 64/162) gönderilmiştir.



بر طرف کردن احتیاجات ارامنه تغییر مکان داده شده و مخارج انجام گرفته

حکومت، قبل از شروع شدن تهجیر با نوشتن نوشته هایی به تمام ولایت ها، برای بر طرف کردن تمام احتیاجات قافله هایی که از مناطق خواهند گذشت، گرفتن تدبیر و ذخیر غذا را خواسته بود. (1)

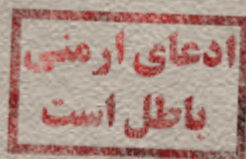
برای تامین تغذیه به مدیریت مسکون سازی مهاجرین و عشیره ها دستورات مختلفی داده بود. (2) برای معین شدن احتیاجات و تامین رفع نیاز شخصا مدیر مسکون سازی مهاجرین و عشیره ها شکری بی (Şükrü Bey) موظف شده بود. (3) در طول انتقال ارامنه به کوچ گرفته شده برای رفع احتیاجات قافله ها به مورد تخصیص داده شدن 400.000 غروش به قونیه، 150.000 به سنجق از میت، 200.000 به سنجق اسکی شهر، 300.000 به ولایت آدانا، 300.000 به ولایت حلب، 100.000 به ولایت سوریه، 300.000 به ولایت آنکارا (4) و به ولایت موصل هم 500.000، (5) جمعا تخصیص داده شدن 2.250.000 غروش با اسناد قابل ذکر می باشد. (6)

برای تامین سوق، مسکون سازی و گذران ارامنه گرفته شده به تغییر مکان در سال 1915 خرج شدن 25 میلیون غروش، لیکن تا پایان سال 1916 جمعا 230 میلیون غروش بنابر اسناد قابل ذکر می باشد. (7)

بعلاوه ولایت ها برحسب امکانات خود همانند حاضر بودن در امدادها، در هر زمان بنابر وضعیت احتیاج از مرکز، تخصیصات جدید پول انجام داده بودند. (8) در این میان به مورد داده شدن مقداری پول فرستاده شده به مهاجران ارمنی موجود در آمریکا، این پول از طرف میسیونرها و کنسول گری های آمریکا با داخل بودن اطلاع حکومت در بین ارامنه پخش شده بود. (9) خارج از این بعضی از ارامنه ای که در آمریکا زندگی می کردند، پول هایی را که در بین خود جمع کرده بودند را از راه های مخفی برای ارامنه به کوچ گرفته شده فرستاده بودند. (10)

حکومت عثمانی، در حالی که برای تغییر مکان این پول های کلان را خرج می کرد، از طرفی هم در بین ارامنه به کوچ گرفته شده قرض و بدهکاری آنان به دولت و اشخاص را یا به تاخیر انداخته بود و یا اینکه تماما آنها را از دفاتر پاک کرده بود. چنانکه، در تلگراف رمزی فرستاده شده از طرف طلعت پاشا (Talat Paşa) در تاریخ 1915.06.01 به متصرفات ماراش، گرفته نشدن قرض و بدهکاری ارامنه خواسته شده بود، (11) لیکن در دستور دیگری که در تاریخ 1915.08.04 به تمام ولایات فرستاده شده بود، قرض مالیاتی ارامنه به کوچ گرفته شده به تاخیر انداخته شده بود. (12)

از طرف دیگر برای تدای کردن قافله های در حال کوچ در وضعیت بیماری موصضان طبی و صحن تعیین شده بودند. (13) به غیره، تعقیبات در مورد متهمان مجرم موجود در بین ارامنه به تغییر مکان گرفته شده هم به تعلیق افتاده بود. (14)



Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Şifre Kalemi., nr. 55/291; nr. 55/341; nr. 57/345; nr. 57/351.

2) Şifre Kalemi., nr. 55/152; nr. 55/291; nr. 55/341; nr. 55-A/17; nr. 55-A/77; nr. 55-A/135; nr. 57/110.

3) Şifre Kalemi., nr. 55-A/16 (18 Ağustos 1331/31 Ağustos 1915 tarihli telgraf).

4) Şifre Kalemi., nr. 55-A/17.

5) Şifre Kalemi., nr. 53/305.

6) İskân-ı Aşâir ve Muhâcirîn Müdiriyeti'nin 1331 yılı bütçesi 78.000.000; 1332 bütçesi ise 200.000.000 kuruş idi ve bu meblağ, tehcire tâbi tutulan Ermeni, Rum ve Araplarla, düşman istilâsına uğrayan bölgelerden gelen müslüman muhacirlere sarfedilmekteydi (BA, BEO, nr. 334063).

7) Yıldırım, dr. Hüsamettin, Ermeni İddiaları ve Gerçekler, Ankara 2000, s. 35

8) Şifre Kalemi., nr. 53/305; nr. 55-A/118.

9) Şifre Kalemi., nr. 60/281.

10) Şifre Kalemi., nr. 60/178.

11) Şifre Kalemi., nr. 53/200.

12) Şifre Kalemi., nr. 54-A/268.

13) Şifre Kalemi., nr. 54-A/226.

14) Kânun-u evvel 1331/14 Aralık 1915 tarihinde Adliye ve Mezâhib Nezareti'nden Sadaret'e yazılan bir tezkire ile sevkedilenlerin mahkemelerinin gönderildikleri yerlerde, sevkedilmeyenlerin ise bulundukları yerlerde görülmesi kararı alındığı bildirilmektedir (BA, BEO, nr. 329176).

اموال ارامنه به تغییر مکان گرفته شده

همراه با انتشار یک دستور نامه در تاریخ 1915.08.10 اموال ارامنه به تغییر مکان گرفته شده به زیر حفاظت گرفته شده بود. بنابراین دستور نامه، اموال و حیوانات غرامت بردار و یا اموالی که استفاده از آنها ضروری خواهد بود از طرف کمیسیون های بنا شده امالات خانه ها با مزایده فروخته شده و قرار فرستاده شدن پول آنها به صاحبان اصلی گرفته شده بود.

در طول اجرای این امر اهمیت نشان داده شده به جزئیات و دقت زیاد در اجرای دقیق امور توسط حکومت عثمانی هم قابل ذکر می باشد. حکومت برای میدان داده نشدن به هر گونه سوء استعمال دقت قابل توجهی نشان داده بود. پول اموال فروخته شده با نام صاحبان خود از طریق مزایده به مورد ارزش آنها با دست کمیسیون های اموال رها شده به صاحبان شان پرداخت شده بود. (1)

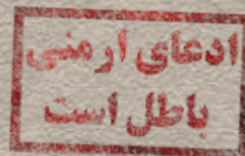
حکومت به مورد به میان آمدن مشتری شایعات در طول این فروش ها، در تاریخ 1915.08.03 با فرستادن تلگراف رمزی به متصرفات (سنجق ها)، ولایات و کمیسیون های اموال رها شده، خریده شدن اموالی که نام آنها ذکر شده از طرف مامورین دولت را که توجیه کننده به میان آمدن سوء استفاده های مختلف خواهد بود را ممنوع کرده بود. (2) هرچند بعد ها این قرار، برای بعضی ولایت ها از روی ارزش حقیقی و شرایط پیش پرداخت پول از میان برداشته شده بود. (3)

حکومت از گرفته شدن تدابیر پیش گیرانه برای هر نوع سوء استعمال عقب نشینی نکرده بود. چنانکه، در تاریخ 1915.08.11 در یک تلگراف رمزی فرستاده شده به ریاست کمیسیون اموال رها شده سیواس، گرفته شدن تدابیری که مانع از مخاطره و سوء استعمال خواهند شد را خواسته بود. (4) باز در همان تاریخ با فرستادن یک امر به تمام ولایت ها تدابیر و اجراءاتی که گرفته خواهد شد را به صورت ماده ها معین کرده بود. (5)

بنابر این دستور:

"وارد نشدن هیچ شخصی به مناطق خالی شده؛ اگر بعضی اشخاص مال ارزان خریده اند، بی اعتبار شمرده شدن فروش ها و با معین شدن ارزش حقیقی، میدان ندادن به تامین منافع از راه غیر قانونی؛ اجازه دادن به برداشته شدن اموال دلخواه ارامنه به تغییر مکان گرفته شده؛ از اشیاء غیر قابل منقول، آنهایی که با برداشته شدن غرامت بر خواهند داشت به اجبار فروخته خواهند شد، منتها از اشیائی که در وضعیت غرامت پراشته نشدن هستند با اسم صاحبان اصلی محافظ خواهد شد؛ کرایه اموال غیر منقول، سپردن آن به دیگران و به عدم نقض روابط معامله هایی همچون رهن با صاحبان دقت خواهد شد و اعتبارا از تاریخ شروع کوچ اگر متناقض با این حکم ها اجراءاتی انجام گرفته است بی اعتبار شمرده شده؛ میدان داده نشدن به اختلاف در مورد این اموال؛ اجازه دادن به فروخته شدن اموال ارامنه به کوچ گرفته شده خارج از بیگانگان (خارجی) به اشخاص دلخواه" به زیر قید گرفته شده است. (6)

همانند اجراء حکم های موجود در این دستور نامه با یک مشکل پسندی دقیق، موسسات صنعتی و تجاری متباقی از ارامنه به تغییر مکان گرفته شده هم با بنا شدن شرکت های اسکان، سپرده شدن آنها به مورد قیمت شان به این شرکت ها تامین شده بود. (7) هم ارز اموال فروخته شده، از طرف کمیسیون های اموال رها شده به صاحبان اصلی فرستاده شده بود. (8)



Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf-; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Şifre Kalemî., nr. 53/303.

2) Şifre Kalemî., nr. 54-A/259.

3) Şifre Kalemî., nr. 55/107.

4) Şifre Kalemî., nr. 54-A/385.

5) Yerleri değiştirilen Ermenilerin malları hakkında çıkarılan kanun metinleri için bk. "Âhar mahallere nakledilen eşhâsın emvâl ve düyûn ve matlûbât-ı metrûkesi hakkında kânûn-u muvakkat", Takvîm-i Vekâyî, 14 Eylül 1331 ve 18 Zilkade 1333, nr. 2303, 7. sene; ayrıca bk. Y. H. Bayur, Türk inkılâbî Tarihi, Ankara 1957, III/3, s. 45-46.

6) Şifre Kalemî., nr. 54-A/388.

7) Şifre Kalemî., nr. 61/31; nr. 60/275; nr. 60/277.

8) Şifre Kalemî., nr. 57/348; nr. 57/349; nr. 57/350.

بازگردانی ارامنه به تغییر مکان گرفته شده

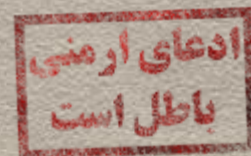
در طول تغییر مکان حال بنابر شرایط اقلیمی و یا از روی تجمعات هر زمان متوقف شدن کوچ اتفاق افتاده بود. اعتبارا از تاریخ 1915.11.25 با فرستاده شدن دستوراتی به ولایات، به جهت فصل زمستان کوچ به صورت موقت متوقف شده بود. (1) در 1916.02.12 این امر، در شکل پایان دادن تغییر مکان ارمنی به تمام ولایت ها فرستاده شده بود. هرچند، شامل نشدن اشخاص زیان آور و آنهایی که با کمپته های ارمنی رابطه دارند بلافاصله ضرورت فرستادن آنها به سنجق زر معین شده بود. (2)

حکومت عثمانی به مورد دیده شده احتیاج اداری و نظامی اعتبارا از تاریخ 1916.03.15 با امر عمومی فرستاده شده به ولایت ها و سنجق ها، توقف کوچ ارمنی و بعد از این به هیچ دلیل انجام نشدن تغییر مکان را ذکر کرده بود. (3) بعد از اتمام تغییر مکان، به سبب مسکون شدن اکثریت ارامنه در ولایت سوریه، پاتریک خانه ارمنی استانبول در تاریخ 1916.08.10 با بسته شده به قدس منتقل شده بود. کاتوگیکوس های سیس و آکدامار هم با ترکیب شدن به قدس برداشته شده بودند. (4) به پاتریک خانه جدید بنا شده هم کاتوگیکوس سیس، ساهاک افندی (Sahak Efendi) آورده شده بود. (5)

بعد از خاتمه یافتن جنگ جهانی اول حکومت عثمانی از ارامنه به تغییر مکان گرفته شده، برای اعاده مجدد آنهایی که خواستار بازگشت به مکان سابق شان هستند یک قرار نامه تنظیم کرده بود. در تاریخ 1919.01.04 وزارت امور داخله در نوشته فرستاده شده مصطفی پاشا (Mustafa Paşa) به نخست وزیری، در موضوع منتقل شدن ارامنه خواستار بازگشت به مکان های سابق و به مکان های مرتبط دستور داده و گرفته شدن تدابیر لازم قابل ذکر می باشد. (6) قرار نامه بازگشت حاضر شده از طرف حکومت به تاریخ 1918.12.31 بدین شکل می باشد:

1. فقط آنهایی که در آرزوی بازگشت هستند کوچ خواهند کرد، خارج از این به هیچ کس دست زده نخواهد شد.
2. برای ممانعت از عدم پریشانی در راه ها، فشار یافتن اقامتگاه و گذران آنهایی که به مکان های خود اعاده خواهند شد تدابیر لازم گرفته خواهد شد؛ با اداره کنندگان مناطقی که به آنجا خواهند رفت ارتباط بر قرار کرده بعد از تامین تدابیر در این موضوع عملیات کوچ و باز گردانی آنها شروع خواهد شد.
3. با داخل بودن این شرایط، خانه و اراضی آنهایی که باز خواهند گشت به آنها تسلیم خواهد شد.
4. خانه آنهایی که قبل تر در آنجا مهاجر مسکون شده تخلیه خواهد شد.
5. برای آواره نماندن اشخاص، چند خانواده می توانند به صورت موقت در یک جا مسکون شوند.
6. بناهای در آمد را مثل کلیسا و مدرسه به جماعتی که به آنها تعلق دارند باز گردانده خواهند شد.
7. کودکان یتیم، با معین شدن دقیق هویت در صورت دلخواه به والدین و یا به جماعت خود اعاده خواهند شد.
8. آنهایی که دین خود را تغییر داده اند اگر بخواهند به دین سابق خود می توانند باز گردانند.
9. زنان ارمنی تغییر دین داده که با مردان مسلمان ازدواج کرده اند در موضوع بازگشت به دین سابق خود آزاد خواهند بود. در صورت بازگشت به دین سابق، نکاح بین آنان و شوهران شان خود به خود فسخ خواهد شد. لیکن مسائل متعلق به کسانی که خواهان بازگشت به دین سابق بوده ولی راضی به جدا شدن از شوهران خود نیست اند در محکمه ها حل خواهد شد.
10. از اموال ارمنی، آنهایی که هنوز مورد استفاده کسی قرار نگرفته، به صاحبان شان تحویل داده خواهد شد؛ اعاده تحویل داده شدگان به خزانه هم، با تصدیق مامورین مسئول مقرر خواهد شد. در این باره ثبت های شرعی جداگانه حاضر خواهد شد.
11. املاک فروخته شده به مهاجرین با بازگشت صاحبان، گام به گام به آنها تسلیم خواهند شد. در این باره ماده 4 اجراء خواهد شد.
12. اگر مهاجرین دارای خانه و دکان هایی که متعلق به صاحبان سابق بوده و به آنها اعاده خواهند کرد، تعمیرات و علاوه هایی بر روی آنها انجام داده و یا اگر در اراضی و باغ های زیتون کشاورزی کرده باشند، حقوق هر دو طرف هم حفظ خواهد شد.
13. در بازگشت ارامنه محتاج مصارف کوچ و گذران آنها، از سوی تخصیص حربه بر طرف خواهد شد.
14. میزان ارسال محموله انجام گرفته تا به الان و بعد از این، مقدار آن در روزهای پانزدهم و آخر هر ماه به کجا اعلام خواهد شد.
15. ارامنه خواستار بازگشت که از مرزهای عثمانی خارج شده اند، تا زمان یک امر جدید قبول نخواهند شد.

حکم های توضیح داده شده در قرار نامه فوق، همراه با ارامنه در مورد مهاجرین رومی هم معتبر می باشد.



Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Şifre Kalemi., nr. 57/273; nr. 58/124; nr. 58/161; nr. 59/123; nr. 60/190.

2) Şifre Kalemi., nr. 61/72.

3) Şifre Kalemi., nr. 62/21.

4) Ermeni Patrikhanesi için 1916'da yapılan yeni nizamnâme hakkında bk. Y. H. Bayur, Türk İnkılâbı Tarihi, III/3, s. 57-59.

5) Şifre Kalemi., nr. 66/202; nr. 66/220; nr. 63/136.

6) BA, BEO, nr. 341055. Dahiliye Nezareti'nin bu yazısı, Sadaret tarafından 26 Kânun-u evvel 1334 (8 Ocak 1919) tarihinde, ilgili olması sebebiyle Adliye ve Mevazih Nezareti'ne de havale edilmistir.

انعکاس های اجراء تغییر مکان در خارج از کشور

ناظران خارجی موجود در مناطق انجام گرفتن تغییر مکان، در حالی که از اجراء این کار توسط حکومت عثمانی علارغم موجود بودن آن در جنگ با یک مشکل پسندی و در یک شکل عالی می نوشتند، مطبوعات غرب تحریف کردن حوادث را ترجیح داده بودند. چنانکه کنسول آمریکایی مرسین ادوارد ناتان (Edward Natan)، در حالی که انجام تغییر مکان را درون آخرین درجه از نظم را در گزارش خود ذکر می کند، (1) سفیر آمریکایی استانبول مورگنثاو (Morganthau) حوادث را کاملاً در شکلی معکوس به کشور اش مخابره کرده و مطبوعات آمریکا هم این شایعات را بر علیه تورک ها به استفاده گرفته بودند.

بنابر ادعاهای به میان آمده در روزنامه ها، مورگنثاو با دادن رشوه به حکومت عثمانی، تعدادی از ارامنه را خریده (آزاد) و به آمریکا فرستاده بود؛ به غیره او شهروندان انگلیسی، روس و فرانسوی موجود در استانبول را هم نجات داده بود. تمام این اخبار کذب و سهو بیرون آمده از روزنامه ها را یک شهروند تورک حاضر در آمریکا در تاریخ 1915.09.14 به حکومت عثمانی گزارش کرده بود. (2)

همراه با این در انتشار ادعای بقتل رسیدن ارامنه در اروپا در کنار مورگنثاو (3) لرد جیمس بریس (Lord James Bryce) (4) و کشیش پروتستان آلمان ژوهانس لپسیوس (Johannes Lepsius) هم که باز در قطر وسیعی اخبار را از مورگنثاو گرفته بودند، قرار داشتند. (5) به غیره عضو Wellington House آرنولد توینبی (Arnold Toynbee) (6) هم یکی از اشخاصی است که از اخبار حاضر شده توسط مورگنثاو بسیار بهره برده بود. کتاب به قلم گرفته شده توسط جیمس بریس اسکاتلندی الاصل که در بین سال های 1907-1913 در آمریکا سفیر انگلیس بوده، با هدایت دایره پروپاگاندای جنگ وزارت امور خارجه انگلیس به مورد استفاده در پروپاگاندایی که بر علیه تورکیه اجراء خواهد شد از طرف آرنولد توینبی منتشر شده بود. (7)

آثار این اشخاص، بعد ها برای آثار به قلم گرفته شده با موضوع ادعاهای نسل کشی ارمنی، هم منبع و هم الهام تشکیل داده بود. خصوصاً به قلم گرفته شدن گزارش های موجود نزد مورگنثاو از طرف ارامنه تورکیه ای با نام های آگوپ اس. آندونیان (Agop S. Andonian) کاتب وی و آرشاگ کی. شماوونیان (Arshag K. Schmavonian) مشاور حقوقی و مترجم او را می توان ذکر کرد. (8) نویسندگان کتابی شبیه هم باز آرشاگ کی. شماوونیان خصوصاً روزنامه نگار بورتون جی. هندریک (Burton J. Hendrick) و وزیر امور خارجه آمریکا روبرت لانسیگ (Robert Lansing) بودند. دلیل نوشته شدن این اثر بی تناسب با گزارش های مورگنثاو در کتاب نوشته شده از طرف هیث دبلیو. لوری (Heath W. Lowry) با نام "پشت پرده داستان سفیر مورگنثاو" در یک شکل وسیع و آشکار توضیح داده شده است. در اینجا منظور اصلی "هدف لزوم متقاعد کردن مردم آمریکا با به نتیجه رسیدن جنگ با پیروزی" را تاکید می کند. (9)

در چارچوب گزارشات کنسول های انگلیس موجود در ایران، ادعای کشته شدن 1.000.000 ارمنی در پارلمان انگلیس به مشاجره، قرار اعتراض و شکایت از حکومت تورک گرفته شده بود. جدای از آن، در انگلیس در مورد حوادث ارمنی دررون "کتاب آبی" نشر شده ادعاهایی مبنی بر اینکه یک سوم از جمعیت ارامنه 1.800.000 نفری موجود در کشور عثمانی به قتل رسیده اند، شده بود. (10)

در برابر این انتشارات دارای نیت خبیثانه و قبیحانه، بعضی اورگان های طبع و نشر غربی که هرچند تعدا آنها کم می باشند هم تحریف عمدی حوادث را می نویسند. چنانکه در یک روزنامه منتشر شده در استکهلم در مقاله چاپ شده با تیر "قتل در ولایت عثمانیه محل سکونت ارامنه"، مضحک بودن ادعاهای از این قبیل و دلایل آفریده شدن اخبار بی اصل این چنینی توضیح داده شده بود. (11)

حکومت عثمانی، در تاریخ 1917.01.04 با امضاء مستشار وزارت امور خارجه، ادعاهای انگلیس را تکذیب کرده بود. (12) در نوشته تکذیب، نگذشتن نفوس ارمنی موجود در کشور عثمانی حتی از یک میلیون و با بیان این که این رقم قبل از جنگ جهانی به سبب کوچ و مهاجرت ارامنه به کشورهای خارجی بسیار کمتر هم شده، ادعاها را تکذیب کرده بود. در همان سند، در یک خبر چاپ شده در روزنامه تایمز، مسئول بودن آلمان ها از بقتل رسیدن ارامنه هم خاطر نشان شده بود.

Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) Bk. belge 664.

2) Bk. belge 665.

3) Bkz. Heath W. Lowry, Büyükelçi Morgenthau'nun Öyküsü'nün Perde Arkası, İstanbul 1991.

4) Great Britain, The Treatment of Armenians in the Ottoman Empire: Documents Presented to Viscount Grey of Fallodon, Secretary of State for Foreign Affairs, London 1916.

5) Le rapport Secret du Dr. Johannes Lepsius sur les Massacres d'Arménie, Paris 1918.

6) Armenian Atrocities: Murder of Nation, London 1915 ve The Murderous Tyranny of the Turk, London 1917.

7) Justin McCarthy, "I. Dünya Savaşı'nda İngiliz Propagandası ve Bryce Raporu", Osmanlı, Yeni Türkiye, Ankara 1999, II, 140.

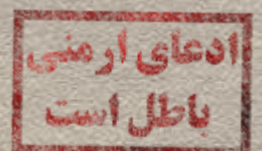
8) Bkz. Lowry, Aynı eser, s. 8-17.

9) Aynı eser, s. 6

10) DH. EUM. 2. Şube, Dosya 1, belge 23 (bk. belge 668).

11) DH. EUM. 2. Şube, Dosya 1, belge 76 (bk. belge 669).

12) DH. EUM. 2. Şube, Dosya 1, belge 23 (bk. belge 668).



بررسی های انجام گرفته توسط خارجیان در مورد ادعاهای ارمنی و نتایج به دست آمده

بلافاصله بعد از جنگ جهانی اول، در ادامه اشغال استانبول و دیگر مناطق از طرف ارتش های دول ائتلاف، صدها سیاسی، لیبر نظامی و روشن فکر عثمانی با ادعای "مجرم جنگی" بودن از طرف انگلیس با فرستاده شدن به جزیره مالتا حبس شده بودند. در مورد افراد گرفته شده موجود در مالتا برای یافته شدن دلایل جرم درون آرشیوهای عثمانی بررسی هایی با قطر وسیع انجام شده بود.

در نتیجه بررسی ها، هرگز هیچگونه دلیلی در توصیفی که بتواند اتهامات در مورد حکومت عثمانی و هم دستگیر شدگان مالتا را اثبات کند به محکمه تقدیم نشده بود. حکومت انگلیس درون بیچارگی هم در بین آرشیوهای خود و هم در مورد گزارش ها، آرشیو های حکومت آمریکا در واشینگتون نیز تحقیقاتی انجام داد، هرچند باز به هیچگونه نتیجه ای نرسیده بود.

چنانکه، در پیغام یافت شده در بین آرشیو گزارش های آمریکا که از سوی سفیر انگلیس در واشینگتون آر. اس. کریگی (R.C Craigie) به لرد کرزن (Lord Curzon) در تاریخ 1921.07.13 فرستاده شده بود اینگونه می گوید:

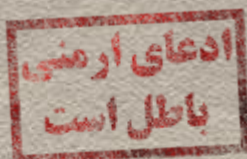
"از اینکه هیچ چیزی که به عنوان دلیل بتوان از آن بر علیه تورک های گرفته شده حاضر در مالتا استفاده کرد، موجود نیست احساس تاسف می کنم... هیچ مسئله وقت که بتواند به اندازه کافی دلیل تشکیل دهد موجود نیست. گزارشات موضوع بحث، با هیچگونه شدتی، در مورد تورک ها فعلا در دست حکومت اعلیحضرت که بتواند در تقویت اطلاعات مفید باشد و دلایل را احتوا کند دیده نمی شود." (1)

در تاریخ 1921.07.29 مشاوران حقوقی اعلیحضرت در لندن؛ به حمل کردن یک ماهیت نیمه سیاسی اتهامات متوجه بر علیه افراد موجود در لیست امور خارجه انگلیس و با این دلیل به مورد مجرم جنگی بودن از تورک های گرفته شده بر لزوم انجام شدن طرز عملی دیگر قرار داده بودند.

به غیره، "تا به الان از هیچ شهادی بیانی که صحت داشتن اتهامات انجام گرفته در مورد دستگیر شدگان را ثابت کند گرفته نشده است. اساسا، موجود بودن و یا نبودن هر گونه شهادی هم معلوم نیست؛ زیرا در کشور دوری مثل ارمنستان که رسیدن به آن سخت بوده و خصوصا بعد از سپری شدن یک زمان طولانی توضیح دادن در چه میزان سخت بودن یافت شدن شاهد غیر ضروری می باشد" (2) این بیانات هم متعلق به مشاوران حقوقی حکومت اعلیحضرت انگلیس در لندن می باشد.

بدین وسیله؛ دستگیر شدگان مالتا، بدون متوجه بودن هیچ اتهامی و انجام نگرفتن دادرسی در 1922 آزاد شدند.

اما در (جذلات) بیان تلاش ها در محکوم کردن تورک ها به نسل کشی ثابت نشده متوقف نگشته بود؛ در مالتا طی مراحل محاکمه مطبوعات انگلیسی حکومت عثمانی را در (جذلات) بیان به نسل کشی محکوم و در اثبات این موضوع بعضی اسناد ماجرا جویانه تزویری را نشر کرده بودند. در موضوع بحث ادعا می شد مدارک موجود در کمیته ژنرال آلنی (General Allenby) توسط نیروهای اشغال گر انگلیسی داخل سوریه در وزارت خانه های دولت عثمانی کشف شده. اما بعدها تحقیقانی که توسط وزارت امور خارجه انگلیس شد، مدارک داده شده به مطبوعات انگلیسی مدارکی نبوده اند که از طرف نیروی نظامی انگلیس بدست آمده بودند، بلکه معلوم گشته بود نوشته هایی بوده اند که توسط هیئت قوم پرستان ارمنی در پاریس برای هیئت های متفق فرستاده شده بوده.



1) Yıldırım, Dr. Hüsamettin-; Ermeni İddiaları ve Gerçekler, Ankara 2000, s. 38 (PRO.FO. 13 Temmuz 1921, 371 / 6504 / E.8519)
2) . Aynı eser, s. 38, Foreign Office, 29 Temmuz 1921. 371 / 6504 / E.8745

تلگراف (های) نسبت داده شده به طلعت پاشا

یکی از مهمترین ادعاهای ارمنی در مورد اجرای تغییر مکان هم تلگراف هایی می باشد که به طلعت پاشا نسب داده شده و در آن به قتل ارمنه دستور داده شده است. حال اینکه، قرار تغییر مکان و در راستای تغییر مکان؛ تدابیر گرفته شده درباره ارمنه هدف امحایه آنها را حمل نمی کرده و در هر فرصتی طلعت پاشا (Talat Paşa) آنها را به زبان آورده بود.

چنان که در یک تلگراف رمزی فرستاده شده در تاریخ 1915.08.29 به والی و متصرفان ولایت های مرتبط (خداوندگار، آنکارا، قونیه، ازمیت، آدانا، ماراش، اورفا، حلب، زُر، سیواس، کوتاهیا، کارسی، نیغده، ماموره العزیز، دیاربکر، کاراحصار صاحب، ارضروم و قیصری) هدف اجرای تغییر مکان در این شکل توضیح داده شده است: (1)

"تلاش حکومت در بیرون آوردن ارمنه از مکان های موجود در آنجا با سوق داد آنها به مناطق تعیین شده، تامین کردن وضعیتی است که آنها نتوانند در فعالیت های علیه دولت حضور داشته در مورد تشکیل یک حکومت ارمنی اعمال قومی انجام دهند. همانند نبودن امحای این افراد در موضوع بحث، در راستای تامین امنیت قافله ها و انجام صرفیات از تخصیصات مهاجرین در مورد معاش آنها هر نوع تدبیری دریافت شده است.

آنهايي که از مکان خود بیرون آورده شده، جدای از سوق داده شدگان، ارمنه باقی مانده در مکان های خود بعد از این از مکان های خود نباید بیرون کشیده شوند. مثل آنچه که قبل تر هم معین شده سوق داده نشدن خانواده سربازان و صنعت کاران به نسبت احتیاج، ارمنه پروتستان و کاتولیک با قطعی بودن به قرار گرفته نشده بودند.

آنهايي که در تهاجم به قافله های ارمنی حاضر و یا در مورد اینگونه تهاجمات ژاندارما و ماموران پا پیش گذاشته باشند توسط قانون به شدت گرفته و امثال آن درجا عزل شده و به دادگاه نظامی تسلیم شنی هستند."

در تاریخ 1915.05.27 در یک تلگراف رمزی فرستاده شده به آنکار؛ "تدابیر گرفته شده از طرف حکومت در مورد ارمنه، صرفا بر اجبار تامین و حفظ حضور و نظم مملکت متکی می باشد. نشانه تعقیب نکردن حکومت از یک سیاست متوجه بر نابودی در برابر عنصر ارمنی، دست نرزدن به ارمنه کاتولیک و پروتستان می باشد که در حال حاضر در یک وضعیت بی طرف دیده می شوند." ذکر شده است. (2)

از سوی دیگر در موضوع رانده شدن اشخاص شرور ارمنی و روسای کمیته ها، در بعضی جاها اشتباه متوجه شدن اطلاعیه منتشر شده از طرف حکومت دیده می شود. در رابطه با این در نقاط بسیار زیاد دسته های ارمنی دستگیر شده، به مکان هایی که فعالیت های خود را راحت تر بتوانند انجام دهند سوق داده شده بودند. به مورد این طلعت پاشا (Talat Paşa) در تاریخ 1915.06.01 با انتشار یک بخشنامه دیگر به تمام ولایت ها با گرفته شدن ارمنه این چنینی در محل موجود، مسکون سازی آنها در مکان هایی که نتوانند تضاد به میان بیاورند و اجراء شدن عمل تبعید را تنها بر روی ارمنه متخرب و سرکش را معین ساخته بود. (3)

به غیره، در تلگراف رمزی فرستاده شده به ولایت ماموره العزیز در تاریخ 1915.06.13، جدای از ارمنه داده شده به دیوان حرب، لزوم به کوچ گرفته شدن ارمنه با تناسب بر اطلاعیه خاص در این موضوع فعلا عدم ضروری بودن حاضر کردن ارمنه در نقاط مناسب ولایت و فرستاده شدن آنها به موصل اطلاع داده شده بود. (4)

لیکن در یک تلگراف رمزی فرستاده شده به ولایت های ارضروم، دیاربکر، ماموره العزیز و بیتلیس در تاریخ 1915.06.14، بعد از معین شدن حفظ جان ارمنه ای که تغییر مکان داده می شوند در راه ها؛ طبیعی بودن به راه آوردن هوس کنندگان بر فرار و آنهايي که در برابر اشخاصی که در محافظت آنها در طول کوچ مسئول می باشند در حمله و هجوم قرار بگیرند؛ هرچند، در این موضوع دخالت نکردن مردم در هیچ شکلی و مطلقا فرصت ندادن به میان آمدن حوادثی که بین ارمنه و مسلمانان به مقاتله (قتل هم دیگر) کشیده شود و در همان زمان عکس حوادث در شکلی بسیار قبیحانه به خارج، خواسته شده بود.

با آمدن به موضوع تلگراف هایی که در (جذلات) بیان مدعیان نسل کشی صوری ارمنی از آن حرف می زنند: (5)

یک ارمنی با اسم آرام آندونیان (Aram Andonian)، در سال 1920 در لندن با انتشار کتابی با عنوان "خاطرات نایم بی (Naim Bey): اسناد رسمی تورک در ارتباط با تهجیر و قتل عام ارمنه" با موضوع تماس پیدا کرده بود. کتاب موضوع بحث بعد ها در پاریس با اسم "اسناد رسمی مرتبط با قتل عام ارمنی" و در بستون هم با اسم "جرم بزرگ، آخرین قتل عام ارمنی و طلعت پاشا، تلگراف های رسمی با امضای اصل" منتشر شده بود.

در این کتاب تلگراف های جای گرفته و نسبت داده شده به طلعت پاشا (Talat Paşa); با هدف آفریدن یک مجرم به نسل کشی، اسنادی ساختگی و جعلی می باشند. در نتیجه بررسی های انجام شده توسط شناسی اُریل (Şinasi Orel) و ثریا یوجا (Süreyya Yuca) بر روی این اسناد؛

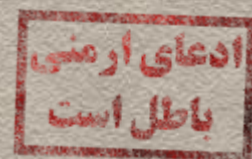


"سند امضا دار" آندونیان که دارای امضای ساختگی والی مصطفی خالق می باشد آن هم به تاریخی که او هنوز وظیفه خود در والی گری حلب را شروع نکرده است. در سمت راست داخل شکل هم تصویری از دست خط و امضای حقیقی مصطفی خالق نشان داده می شود.

Ermenilerce Talat Paşa'ya Atfedilen Telgrafların Gerçek Yüzü

"شخصی به اسم نائم بی (Naim Bey) که گفته می شود اسناد از او گرفته شده اند هرگز در دایره اسکان حلب مشغول به کار نبوده، هم جنس نبودن نوع کاغذ اسناد موثق استفاده شده با نوع کاغذهای استفاده شده در مکاتبه های دولت عثمانی، موجود نبودن نسخه اصلی بین اسناد وزارت امور داخله موجود در آرشیو نخست وزیری، با آدرس خروجی بودن شماره های ثبت جای گرفته بر روی اسناد ساختگی برخورد نکردن به اوراق دایره ثبت ها، انجام گرفتن سهو و خطای محض در تاریخ های هجری و میلادی، بی تناسبی واضح در امضاء شده با نمونه اصلی، جای دادن سرسرانه و غیر قابل برخورد به غلط های املائی در قواعد زبان (تورکی) عثمانی" و امثال آن به تعداد زیادی از دلایل مشخص برخورد شده است.

جدای از این، علارغم گفته شدن "وجود اصل اسناد استفاده شده در این کتاب در دفتر خانه ارمنی منچستر"، مفقود کردن عنیدانه از اطلاع و بررسی افکار عمومی جهان تا به امروز و اوضاعی مثل "متکی کردن صحت آن به گزارش واحد ارمنی حلب در دوران عثمانی" از زاویه نشان دادن غیر حقیقی بودن ادعاهای مقصد دار ارامنه در (جذلات) بیان از نسل کشی در چه مقیاسی، بسیار مهم و قابل توجه می باشند.



Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

1) DH. EUM. 2. Şube, 68/80.

2) DH. EUM. 2. Şube, 68/71; 2. Şube 68/84 (bk. belge 192, 200).

3) DH. EUM. 2. Şube, 68/101 (bk. belge 217).

4) Yer değiştirme uygulamasına tabi tutulan nüfus içerisinde yer alan Halep'deki 26.064 Ermeni nüfusu, göç ettirilenler içerisinde dahi edilmemiştir. Çünkü yeni yerleşim bölgesine varanlar, Anadolu'dan gönderilenlerden oluşmaktadır. Öte yandan Halep'e gelenlerin yüz bin civarında olduğu bildirilmesine karşılık (bk. DH. EUM. 2. Şube, 68/80) buraya gelen nüfus 100.000 olarak alınmıştır.

5) OREL, Şinasi, Yuca SÜREYYA, Ermenilerce Talat Paşa'ya Atfedilen Telgrafların Gerçek Yüzü, Türk Tarihi Kurumu Yayını, Ankara 1983

عکس العمل شخصیت های علمی در برابر ادعاهای نسل کشی

شخصیت های علمی که تاریخ را، در راستای اوزان و قواعد علم تاریخ درک می کنند، از سال 1925 تا به امروز در رابطه با موضوع به اطلاعات و اسناد اصلی دسترسی یافته، شاهدان زنده را شنیده و یا افرادی هستند که شخصا در مکان حادثه در مشاهده حاضر شده اند. آنهایی که از باز بودن آرشیو های عثمانی بر روی محققان خارجی از سال 1925 به بعد مطلع هستند و شخصا به اسناد دسترسی دارد شخصیت های علمی می باشند. چرا که تفسیر در مورد قناعت آنها و یا نظر علیه شان را، فقط کسانی که به اندازه آنها از عمق موضوع مطلع هستند انجام خواهند داد. به همیت جهت تقدیم کردن یک اطلاعیه در رابطه با موضوع از طرف 69 نفر از شخصیت های علمی آمریکا به اعضای مجلس نمایندگان این کشور در تاریخ 1985.05.19 در آخرین درجه اهمیت قرار دارد. در اطلاعیه موضع بحث اینگونه گفته شده است: (1)

"جالب توجه اعضای مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا

تورکیه، بر روی تحقیقات عثمانی و خاورمیانه تخصص یافته، اعضای آکادمی هایی که در ذیل امضاء آنها موجود می باشد، معتقداند قرار شماره 192 مجلس نمایندگان آمریکا در استفاده زبان از زاویه های متعدد در فکر فریفتن و اشتباه کردن هستند.

علازم حمایت نکردن کامل مان از مفهوم روز ملی یادبود رفتارهای غیر انسانی، در متن موضوع بحث قسمت قابل توجه ذیل را غیر قابل قبول می دانیم:

"... در تورکیه بین سال های 1915 و 1923 قربانیان نسل کشی اتفاق افتاده، 1.5 میلیون انسان ارمنی الاصل..."

احتیاط مان در موضوع کانون شدن استفاده لغت های تورکیه و نسل کشی در شکل ذیل خلاصه می شود:

از قرن 14 تا 1922، بدین روز تورکیه، درست تر، منطقه ای که جمهوری تورکیه نام گرفته، یک قسمتی از یک دولت امپراتوری چندین زبانه، چندین ملیتی عثمانی بوده. همان طور که امروز برابر شمردن امپراتوری هابسبورگ (Habsburg) با جمهوری اتریش اگر اشتباه است، یکی گرفتن امپراتوری عثمانی، با جمهوری تورکیه هم اشتباه است.

جمهوری تورکیه امروزی در نتیجه انقلاب تورک در سال 1923 تاسیس شده، با حذف امپراتوری عثمانی از صحنه تاریخ در 1922، اکنون جمهوری تورکیه تنها بخشی از خاک ها و ملیت های بنیه ای حافظ دولتی که بیش از 25 دولت امروزی در جنوب شرق اروپا، شمال آفریقا و خاور میانه شامل آن بودند را تشکیل میدهد. جمهوری تورکیه را، نمی توان از هیچ یک از وقایع به وقوع پیوسته در زمان عثمانی مسنول گرفت. هرچند نویسندگان قرار با استفاده از اسم 'تورکیه' در قرار خواسته بودند که بین سال های 1915 و 1923 مسئولیت نسل کشی به تورکیه نسبت داده شود.

راجع به مجرم کردن نسل کشی، هیچ یک از امضاء کنندگان این شرح، هدف کوچک شمردن تلخی های کشیده ارمنه را حمل نمی کنند. در همان شکل موضوع بحث در فکر ارزیابی کردن بر نشان دادن درد های کشیده مردم مسلمان منطقه در شکلی متفاوت هم نیستیم. تا به الان قیدهای به میان آمده، به جنگ داخلی بین جوامع، (بین گروه های مسیحی و مسلمان) بیماری های مسری و قحطی در طول جنگ جهانی اول، قتل عام هادر آناتولی و مناطق اطراف و با تلخی ها هم دیگر به یک حال پیچیده در آمدن را اشاره می کند.

فی الواقع هم در طول سال ها، در منطقه، یک وضعیت جنگی مداوم که بسیار زیاد هم از تراژدی های به میان آمده طی ده سال اخیر در لبنان متفاوت نیست حاکم بوده، هم بین نفوس مسلمانان و هم بین نفوس مسیحی رقم مفقودات بسیار زیاد می باشند. هرچند در تعیین کردن متجاوز و معصوم، برای معین کردن دلایل حوادثی که در نتیجه از دست رفتن حیات مردم آناتولی شرقی که در تعداد کثیری به اندازه مسیحیان، مسلمانان هم بوده که برای تقریب لازم مورخین اسناد و اکتشافات فراوان تر موجود است.

تاریخ را دولت مردان و سیاستمداران انجام داده، لیکن اشخاص علمی می نویسند. برای عمل این جریان برای اشخاص علمی، شانس دست رسی به قیدهای کتبی دولت مردان و سیاستمداران در گذشته باید داده شود، تا به الان در رابطه با موضوع قسمت بزرگی از آرشیوهای اتحاد شوروی، سوریه، بلغارستان و تورکیه بر روی مورخین بسته نگاه داشته شده است. تا رسیدن به این آرشیوها تاریخ کامل بین سال های 1915-1923 امپراتوری عثمانی که شامل قرار شماره 192 مجلس نمایندگان می باشد نا معلوم خواهد بود.

ما به ضرورت کنگره ایالات متحده آمریکا در این باره و موضوعات مرتبط با این در تشویق کردن به باز شدن کامل آرشیو های تاریخی و در مورد حوادث تاریخی، تا نائل نگشتن به روشنی کامل به عدم حضور آن در احتمالات معتقدایم. همانند با قرار اتهام شماره 192 از مجلس نمایندگان، در مورد ورود بی عدالتیه بر قضاوت درباره مردم تورک و شاید هم بر آغاز پیشرفت مورخین در قید کردن شرح این حوادث تراژیک راهی متضررانه باز خواهد شد.

مثل آنچه که تفسیرهای فوق هم نشان داد، تاریخ عثمانی - ارمنه بین مورخین موضوعی است که بکرات مورد بحث گرفته می شود و اکثر مورخین هم به بیانات موجود در قرار شماره 192 ملحق نمی شوند. اگر کنگره این قرار را قبول کند، در مسئله ای تاریخی با قرار دادن بر حقیقی بودن کدام طرف از راه قانون سعی کرده است. تاریخی بودن این قرار متکی بر فرضیات پر شبهه، فقط به بررسی حقیقت تاریخی ضرر خواهد رساند و در پروسه اعتماد کردن بر طرح قانون آمریکا صدمه خواهد رساند.

اسامی 69 نفر از اشخاص علمی امضاء کننده متن فوق

اسامی	اسامی
Prof. Dr. Rifaat Abou-El-Haj	Doç. Justin McCarthy
Doç. Sarah Moment Atis	Prof. Jon Mandaville
Doç. Darl Barbir	Prof. Michael Meeker
İlhan BAŞGÖZ	Doç. James Kelly
Prof. Daniel G. Hates	Yardımcı Prof. Kerim Bey
Prof. Ülkü Bates	Prof. Metin Kunt
Prof. Gustav Bayerle	Doç. William Ochsenwald
Prof. Andreas G. E. Bodroglifetti	Doç. Robert Olson
Doç. Kathleen Buril	Doç. William Peachy
Prof. Alan Fisher	Doç. Donald Quataert
Prof. Timothy Childs	Prof. Howard Reed
Prof. Shafiga Daulet	Prof. Dank Wart Rustow
Prof. Roderic Davison	Doç. Ezel Kural Shaw
Ord. Prof. Walter Denny	Prof. John Masson Simth, JR
Dr. Alan Duben	Dr. Svat Soucek
Doç. Ellen Ervin	Dr. Philip Soddard
Prof. Caesar Farah	Prof. Frank Tachau
Prof. Carter Findley	Robert Staab
Prof. Micfíael Finefrock	Prof. Rhoads Murphey
Doç. William Hickman	Doç. June Starr
E. Doç. Frederick Latimer	Prof. James Stewart-Robinson
Prof. John Hymes	Prof. Thomas Naff
Dr. Heath W. Lowry	Doç. John Woods
Prof. Halil İnalçık	Prof. Pierre Oberling
Doç. Ralph Jaeckel	Doç. Madeline Zılfi
Doç. Ronald Jennings	Prof. Metin Tamkoç
Doç. Cornell Fleischer	Prof. Stanford Shaw
Prof. Peter Golden	Dr. Elaine Simth
Prof. Tom Goodrich	Doç. David Thomas
Dr. Andrew Could	Doç. Grace M. Simth
Prof. William Griswold	Doç. Margaret L. Venzke
Prof. Tibor Halasi-Kuv	E. Prof. Donald Webster
Ord. Prof. J. C. Hurewitz	Prof. Walter Weiker
Prof. Avgdorlevy	Prof. Warren S. Walker
Prof. Bernard Lewis	

مسئله ارمنی

از طرف تورکیه در زمان های مختلف به مورد بحث درباره وضعیت صحت ادعاهای ارمنی تحت حمایت دول غربی اروپایی، روسیه و اسنادی که ارامنه آن را پیش می رانند دعوت هایی انجام شده بود. این دعوت ها واقعا هم برای شخصیت های علمی ارمنی و هم اینکه برای اشخاصی که پروپاگاندای ارمنی را بر عهده داشت اند انجام شده بود. هرچند قسمت مهمی از اینان که بدون نشان دادن لزوم ملحق شدن به گردهمایی قابل ذکر می باشند. یک نمونه دیگر این دعوت در سال 1990 در یازدهمین کنگره تاریخ تورک تحقق یافته بود.

در یازدهمین کنگره تاریخ تورک برای اولین بار یک "قسمت ارمنی" طرح ریزی شده بود و در حالی که برای بحث در این قسمت مورخان خارجی "مدافع دعوی ارمنی" هم دعوت شده بودند، هر کدام با اظهار معذرت های مختلف، از ملحق شدن به این بحث های علمی امتناع و تحاشی کرده بودند.

لیست شخصیت های علمی خارجی دعوت شده در رابطه با موضوع مسئله ارمنی به یازدهمین کنگره تاریخ تورک در آنکارا که بین تاریخ های 09-1990.09.05 ترتیب داده شده بود بدین شکل می باشد:

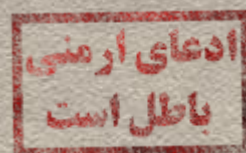
اسامی	عکس العمل
Prof. Dr. Heath LOWRY	ملحق شد
Garin ZEDLIAN	جواب نداد
Prof. Dr. Bernard LEWIS	ملحق نشد
Prof. Dr. Justin McCARTHY	ملحق شد
Prof. Dr. Stanford SHAW	ملحق شد
Prof. Dr. Anthony BRYER	جواب نداد
Dr. Andrew MANGO	ملحق شد
Prof. Dr. Salahi R. SONYEL	ملحق شد
Prof. Dr. M.MARMURA	جواب نداد
Prof. Dr. Allan CUNNIGHAM	جواب نداد
Prof. Dr. Robert ANCIAUX	ملحق شد
Prof. Dr. Aryeh SHMUELEVITZ	ملحق شد
Prof. Dr. Jak YAKAR	ملحق شد
Prof. Dr. Hans G. MAJER	ملحق نشد
Prof. Dr. Wolf Dietrich HUTTEROTH	جواب نداد
Prof. Dr. Klaus KREISER	ملحق نشد
Prof. Dr. Jean-Paul ROUX	جواب نداد
Prof. Dr. Paul DUMONT	ملحق شد
Prof. Dr. Robert MANTRAN	ملحق نشد
Prof. Dr. Richard HOVANNISIAN	جواب نداد
Dr. Gerard LIBARDIAN	جواب نداد
Dr. Levon MARASHLIAN	ملحق شد
Prof. Dr. Vahakn DADRIAN	جواب نداد
Christopher WALKER	ملحق نشد
Anahid Ter MIMASSIAN	ملحق نشد
Tessa HOFFMAN	جواب نداد

در سال های اخیر نخست وزیر کشور تورکیه رجب طیب اردوغان (Recep Tayyip Erdoğan) بنای یک کمیسیون مشترک برای باز شدن تمام آرشیوهای مرتبط با مسئله ارمنی را توصیه کرده و حتی نامه ای هم در رابطه با این موضوع به مقامات دولت ارمنستان فرستاده بود. اما تنها جواب ارامنه در این باره "ابتدا قبول کردن نسل کشی و بعد نشستن سر میز بررسی صحت وقایع تاریخی" بود.

حال با در نظر گرفتن تقرب این چینی ارامنه به مسئله ای مرتبط با خود آنها، بدون شک به این نتیجه می رسیم که ارامنه در اصل در ادعاهای خود سهمی از حقایق تاریخی ندارند که آن را ثابت کنند. آنها حتی بدون شرکت در انجام یک قضاوت بی طرفانه چنان خود را کذابا ذیحق می بینند که عدم نیاز خود به مشارکت در چنین اقدامی را که نتیجه آن بنابر رفتار ارامنه کاملاً مشخص می باشد را اعلام می کنند. در واقع این ذهنیت ارمنی کاملاً دنباله همان ذهنیت توده ای ارمنی ترمرد گرای غدار قرن بیستمی می باشد که قبل از جنگ جهانی خود را پیروز تهاجمی دیده بودند که بر علیه عثمانی انجام دادند و حتی جالب تر اینکه جشن پیروزی خود را هم گرفته بودند.

خلاصه، تا زمانی که ارامنه به مسئله خود اینگونه نزدیک شوند سالهای طولانی و حتی قرن ها می توانند خود را با داستان افتخارات زده نسل کشی صوری مشغول کنند. چرا که آنها و احبای آنان از این مشغولیت صد البته که تغذیه می کنند.

امروز جهت ادعای ارمنی نسبت به حقایق تاریخی، در همان مسیر کمیته چیان ارمنی قرن بیستم و توهم معوق ارمنستان بزرگ قرار گرفته است.



ادعاهای ارمنی از زاویه قطعهنامه نسل کشی مجمع ملل به تاریخ 1948

مفهوم "نسل کشی" با "قطعهنامه مجمع ملل در ارتباط با پیش گیری و مجازات جرم نسل کشی" در سال 1948 تعریف شده بود. بنابر ماده 2. قطعهنامه:

"نسل کشی مراجعت به هر کدام از اعمالی که شامل: با نیت نابود کردن تمام و یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، عرقی و یا دینی: کشتن اعضای گروه، صدمه زدن سنگین به شکل فیزیکی و یا به کمال عقل در اعضای گروه، گرفتن یک قسمت و یا تمام گروه درون شرایط زندگی ای که نتیجه نابود شدن موجودیت فیزیکی خواهد داد، گرفتن پیشگیری هایی که مانع زادولد درون گروه شود، تحویل کودکان یک گروه به گروه دیگر به اجبار، می شود را احاطه می کند. در نسل کشی اعمال دولت که به وضعیت سیاست طرح ریزی شده در آمده اند موضوع بحث می باشد."

در ارزیابی موضوع از زاویه قطعهنامه نسل کشی در صورت عدم تماس با بعضی از حوادث تاریخی نمی توان از آن گذشت.

مثلاً، نباید فراموش کرد که "ارمنه در جنگ جهانی اول خود را طرف محارب اعلام کرده بودند، طرف محارب بودن ارمنه، در نامه های نوشته شده رئیس موسسه رسمی ملی ارمنی بوغوس نوبار (Boghos Nubar) به وزارت امور خارجه فرانسه با مدح و سنا درج می شود، همچنین او در معاهده سور داده شدن وضعیت طرف محارب به ارمنه را شخصاً طلب می کند."

لیکن برای اعمال شدن یک جرم انسانی وخیم مثل نسل کشی اعتیاد کردن آن ملت به این جرم لازم می باشد. حال برای یک شخص اعتیاد کرده به جرم چه خصوصی وجود دارد، برای جوامع هم همان گونه می باشد. در بررسی تاریخ تورک به نسل کشی و آسیمیلسیون برخورد نمی شود.

در نگاهی به جغرافیایی که عثمانی در آن گسترده شده؛ همراه با بالکان ها تا حوالی وین یک قسمت از اروپا؛ تمام سواحل مدیترانه ای آفریقای شمالی؛ بخش عظیمی از خاورمیانه و شبه جزیره عرب را سال های طولانی زیر کنترل گرفته بود. این مدت حداقل بین 400-200 سال می باشد. در جغرافیای موضوع بحث، از نابود شدن کدام یک از خلق ها می توان سخن گفت.

در آناتولی در دوران حاکم بودن احکام شرع، در حالی که بنابر ادعاهای قدیمی ترین مذهب مسیحیت (سریان گری)، اعتقادهایی مثل طاووس و آتش پرستی بین ایزدگران موجود بودند. در سالهای 1800 علارغم مغایر بودن با احکام شرع در آناتولی کلیساها بنا شده بود. حتی یکی از دو برادر، سکولو محمد پاشا (Sokullu Mehmet Paşa) در حالی که صدراعظم عثمانی بود برادر دیگر ماکاریژه (Makarije) برای کلیسای صرب به عنوان پاتریک تعیین شده و مرم صرب را احیاء کرده بود.

در همان زمان با نگاه مان به دیگر مناطق دنیا؛ در اروپا دوران نسل کشی مذهب ها، در خاور دور مردم تغییر زبان یافته (هندوها - پشتوها)، آفریقای تغییر کامل دین و زیان داده و آمریکای جنوبی را می بینیم.

در طول جنگ جهانی دوم میلیون ها انسان از جمله یهودیان به دست آلمان های فاشیسم نازی کشته شدند. نازی ها حتی حدود 200.000 کُلی و 70.000 انسان عذرمند را هم کشته بودند، فقط برای اینکه به مفهوم مذخرف برتریت نژاد مجهول آریایی معتقد بودند. در عمل نسل کشی این است. بعلاوه اینها، به رغم درجهت پیشگیرانه بودن قطعهنامه مجمع ملل، در عصر مدرن هم حادثه نسل کشی در تعداد بی شماری دیده شده.

مثلاً، بنابر اعترافات منتشر شده شخصاً 2 ژنرال بازنشسته قهرمان فرانسوی حادثه در روزنامه له مونده (Le Monde)؛ فرانسویان بین سال های 1954-1962 حداقل در الجزایر 1 میلیون جزایری را بقل رساندند، در بین سال های 1975-1979 در کامبوج (Cambodia) کیمیرهای سرخ 1.7 میلیون کامبوجیایی را به قتل رساندند، در 1994 در رواندا 500.000 توتسی، از طرف هوتوها کشته شدند و نهایتاً بعد از 1991 در بوسنی - هرزگوین و کُرو به تعداد هزاران مسلمان در معرض توحش صربها قرار گرفتند.

جرم نسل کشی، در معنی حقیقی در این حوادث انجام گرفته است. بر عکس ادعاها و دورغ های ارمنی، در سال 1915 کاربرد به کوچ گرفتن ارمنه موجود در منطقه شرق آناتولی به اراضی مطمئن تر، حرکتی بود در جهت تامین امنیت ارمنه و جبهه ها و با نسل کشی هیچ ارتباطی ندارد. حکومت تورک در مناطق حاکم شده به زندگی کردن با دیگر مردمان دارای مدنیت ها و عرق های مختلف عادت داشت.

زیرا در بنیه اکثر امپراتوری هایی که توانسته اند به تنهایی زمانی قدرتمند ترین در جهان باشند اصول مسامحه و رواداری بر مردم تحت فرمان وجود داشت و این فرمول قدرت بعضی از امپراتوری ها در طول تاریخ بوده و دولت عثمانی هم با تامین کردن قرن ها زندگی کردن مسلمانان، مسیحیان و موسیان در کنار هم یک نمونه از آنها می باشد.

در رسم دولت تورک "عدالت" موجود بود. "امکان زندگی مدنیّت ها" وجود داشت؛ هرچند، "قتل عام" و یا "نسل کشی" وجود نداشت. این خصوص، توسط مورخ آمریکایی جاستین مک کارتی (Justin McCarthy) در کتاب او با نام "مرگ و تبعید" به صورت واضح به میان گذاشته شده است. در کتاب موضوع بحث، چگونگی پناه بردن مردم بالکان و قفقاز برای رها شدن از مرگ به دولت عثمانی توضیح داده شده است.

برای این منظور شمار نفوس مسلمانان قتل عام شده در بالکان، قفقاز و آناتولی و یا تبعید شده (به عثمانی) بنابر منابع این کتاب در جدول زیر نشان داده می شود: (1)

جدول مرتبط با قتل عام و تبعید مسلمانان

نام مکان و حادثه	مرگ ها	ملاجی ها (پناهندگان و تبعید شدگان)
اختلال یونان	25,000*	10,000*
جنگ های قفقاز (1827-1829)	نا مشخص	26,000
اخراج شدگان از کریمه (اوکراین)	75,000*	300,000
اخراج شدگان از قفقاز	400,000*	1,200,000
بلغارستان (1877-1878)	260,000	515,000
جنگ روس - عثمانی (1877-1878)	نا مشخص	70,000
جنگ های بالکان	1,450,000	410,000
قفقاز (1905)	نا مشخص	-
آناتولی شرقی (1914-1921)	1,190,000	900,000
قفقاز (1914-1921)	410,000	270,000
آناتولی غربی (1914-1921)	1,250,000	480,000** 1,200,000
جمع کل	5,060,000	5,381,000

* تخمین های تقریبی

** مبادله نفوس تورک - یونان

از آنهایی که حکومت عثمانی را با نسل کشی متهم می کنند باید پرسید: در سال 1469 موسویان و مسلمانان از اسپانیا و پرتغال، در سال 1680 تک الی ایمره (Tökeli İmre) و افراد او از مجارستان، در سال 1711 راکوچی فرنج (Rakoczi Ferenc) و افراد او، در سال 1849 لایوش کوسوت (Layoş Kosuth) و گروه 2.000 نفری مجار، کارل سوند شارل (Şarl) و گروه 1.500-2.000 نفری؛ در سالهای 1841 و 1856 پرنس لهستانی چارترسکی (Chartorsk)، فرمانده روس ورائگل (Vrangel) در اکتبر 1917 با ارتش 135 هزار و حتی تروچکی (Troçki)، برای رها شدن از مرگ و کشتار به کجا پناه برداند؟

تاریخ پاسخ تمام این سوالات را با "عثمانی" بودن جواب می دهد. آنهایی که اجرای تغییر مکان 1915 را در (جذلات) بیان با "نسل کشی ارمنی" بودن اعلان می کنند، آیا پناه بردن موسویان لهستانی و آلمانی الاصل را اعتبار در سال های 1930 به تورکیه را می دانند؟ در حالی که از نسل کشی صوری ارمنی هنوز یک مدت کوتاه مثل 20-25 سال گذشته بود، آنهایی که ادعای انجام دادن نسل کشی یک ملت را دارند و نجات بخش بودن آن را می ببینند، برای چه تورکیه ترجیح داده شده بود؟

جواب تمام این سوالات، در خصوصیت عادل، انسانی، روادار، واحد کننده، و احترام گذار به تعامل و اعتقادات در شخصیت دولت تورک محفوظ می باشد.

بعلاوه؛ 550 سال بعد از فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmet) پادشاه عثمانی که امکان حیات و زنده نگاه داشتن تمام ارزش های متعلق به انسان ها و انتقال آن به نسل های جدید را بر روی خاک هایی که بر آنها حکم می رانند را با فرمان خود به تاریخ 1478 که حاوی قواعد امروزی حقوق بشر می باشد را داده بود، باید نسل کشی ها و آسیمیلاسون های بالکان هم خاطر نشان شود.

ملل بالکان که با این فرمان زبان، دین، کلیسا، مدرسه و سایر موارد خود را به زیر ضمانت گرفته بودند؛ با اسم ایجاد جوامع متجانس در دورانی که وارد قرن 21. می شدیم، مسلمانان بوسنیایی و آلبانیایی الاصل، تورک های مقدونیه و بلغارستان را از وطن های شان جدا و انداخته بودند. آنهایی که امروز تورکیه را با نسل کشی متهم می کنند، با گذر از حس بینایی خود در مقابل قتل عام هایی که ماه ها به طول انجامید، گوش های شان را بر شنیدن فریاد های مظلومانه زنانی که افت آنها در هر سن و سالی جویده شده بود، لقم کرده بودند.

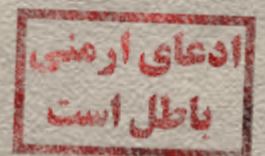
در دوران اخیر آنهایی که به تورکیه پناه آورده بودند تنها مردم بالکان نبودند؛ بلکه مردم عراق (کردها) هم که از دست رئیس دولت بعثی عراق، صدام حسین که با تامین کردن "گاز خردل" از تولید کنندگان غربی سلاح های شیمیایی، به نسل کشی برخاسته بود، رهایی را در تورکیه دیده بودند.

انسان تورک علاوه بر امکانات محدود خود در هر دوران از تاریخ تقسیم کردن نان در دست را دانسته و بر مردم مظلوم آغوش باز کرده است. انسان تورک، امپراتوری عثمانی و جمهوری تورکیه تا جایی که برای دیگر ملل و دول می توانند نمونه باشند دارای یک شناسنامه تمیز می باشند.

پرفسور جاستین مک کارتی هم با سخنرانی دفاع آگاهی سازی انجام داده در مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا، در مورد اینکه مردم تورک هم در جنگ جهانی اول متحمل دردهای بزرگی شدند هرچند ترجیح دادند که دردهایشان را در دل نگه دارند، را با این سخنان اینگونه بیان کرده بود:

"... در فکر کسانی که همه چیز خود را در جنگ از دست داده بودند حس انتقام جای گرفته بود. در وضعیت هدایت جمهوری تورکیه جدید توسط این احساسات حوادث مرگ بسیار زیادی می توانست اتفاق بیفتد. به همین جهت حکومت مصطفی کمال آتا تورک (Mustafa Kemal Atatürk) با نادیده گرفتن مفقودات گذشته، یک سیاست امضاء کننده صلح با دشمنان قدیمی را به میان گذاشته بود. حکومت تورک، در دعوی تورک انجام دادن فشار بر علیه ارامنه و دیگران را در جان دادن به تنفرت قدیمی و دعوتیه دادن به جنگ را حس کرده بود.

از این رو مردم تورک در ارتباط با دردهای خود هیچ چیز نگفته بودند. این، برای آن دوران صحیح ترین قراری بود که می شد گرفت. لیکن حرف نزدن کسی با اسم تورک ها این نتیجه منفی موجود در این نقطه را تشکیل داده است... به دلیل باور بر چیزی که انجام نداده اند، چه تصور کردن توسط تورک هایی که نا حقانه انتقاد می شوند لازم است..."



نتیجه

از تاریخ به وقوع پیوستن تا آمدن به دوران حال حاضر در موضوع تغییر مکان چیزهای زیادی نوشته و کشیده شده است. ارامنه، با اختفی در پشت اسناد جعلی و اختلاقی، مدت های مدیدی موفق به قریب افکار عمومی جهان شده بودند. تعبیرهای اظهار شده در حکایت های قتل عام ارمنی ابتدا از 300.000 شروع و تا رقم 3.000.000 رسیدن آن فاقد برهان و بنیه ای اساسی می باشد. چنانکه در دوران اشغال استانبول، انگلیسی ها و فرانسویان، آرشیوهای عثمانی را به اندازه کافی جستجو و بررسی کرده اند و اگر به یک مدرک غیر عادی که نسل کشی را ایما کند برخورد نکرده باشند هم، هیچ مدرک مشخصی که متعلق به نسل کشی ارامنه باشد را هم نتوانسته بودند تقدیم کنند.

از طرف دیگر در آرشیوهای خود، در آن زمان تصاویری از روزنامه نگاران تصویر بردار و تعقیب کننده اجرای تغییر مکان که به آناتولی آمده بودند باید موجود باشد. اگر با امر دولت یک نسل کشی این چنینی وجود داشت، این تصاویر هم تا اکنون از مدت های قبل به افکار عمومی جهان توضیح داده می شداند. به غیره، اگر در دست مدعیان نسل کشی اسناد صحیحی موجود بود؛ آیا توصیه دولت عثمانی در سال 1919 برای بنای بی طرف رسما یک "کمیسیون حقوقدان ها" بی جواب می ماند؟ برای چه این پیشنهاد رسمی عثمانی بی جواب مانده بود؟ یا شاید، از آشکار شدن نقش بعضی دول غربی از ترتیب دادن و تحریک کردن دسته های سفاک ارمنی و یا اینکه از معین شدن مکان تحویل سلاح هایی که غدارهای یام یام ارمنی به وسیله آنها هزاران نفر از مردم معصوم غیر نظامی را به شکلی وحشیانه کشته بودند، می ترسیداند.

وقتی نسل کشی گفته می شود، در طول جنگ جهانی دوم ورود آلمان های فاشیسم نازی به قتل عام جمعی میلیون ها انسان از جمله یهودیان و گروه های قومی مختلف و حتی معلولین و بی خانمان ها به فکر خطور می کند.

وقتی نسل کشی گفته می شود، کشته شدن ده ها میلیون انسان از اقوام مختلف که زیر اسارت روسیه کمونیسم و چین کمونیسم بودند به فکر خطور می کند.

وقتی نسل کشی گفته می شود، به قتل رسانده شدن حداقل 1 میلیون الجزایری بین سال های 1954-1962 توسط فرانسویان به فکر خطور می کند.

وقتی نسل کشی گفته می شود، (با تحریک بلژیکیان و فرانسویان) قتل عام جمعی نزدیک به 1.7 میلیون کامبوجیایی توسط کمبرهای سرخ در طول سال های 1975-1979 به فکر خطور می کند.

وقتی نسل کشی گفته می شود، کشته شدن 500.000 توتسی در رواندا از طرف هوتوها در سال 1994 به فکر خطور می کند.

و در نهایت وقتی نسل کشی گفته می شود، بعد از سال 1991 در بوسنی - هرزگوین و کُزوو به قتل رسیدن وحشیانه هزاران مسلمان توسط صربیان به فکر خطور می کند. جرم نسل کشی، در معنی حقیقی در این حوادث انجام گرفته است.

شاید اگر، دولت عثمانی هدفی مثل به "نسل کشی" گرفتن ارامنه را داشت؛ آیا نمی توانست این فکر خود را در نقطه ای که آنها موجود بودند به واقعیت برساند؟ در طول انجام تغییر مکان چه نیازی به صرف مخارج، تدبیر اداری و نظامی در این اندازه بود؟

تغییر مکان که برای تامین امنیت دولت یک اجراء ضروری بود، موفق آمیزترین حرکت سوق و اسکان دنیا می باشد و هرگز هدف امحای (نسل) ارامنه را تعقیب نکرده بود.



ترور ارمنی

انگلیس و روسیه که از اعمال متکی به هوس های مستولانه بر روی تورکیه تغذیه می کردند با بنای کمیته های ارمنی داشناک و هنجاک و در نتیجه تحریک این کمیته ها درون کشور عصیان و قتل عام های ارمنی در کنار هم به میان آمده، ارامنه، در سال 1905 با سوء قصد ییلدیز اولین نمونه متلوژی ترور مسلحانه را داده بودند. ارامنه که با همان اصول بسیاری از لیدرهای نظامی و سیاسی را شهید کرده بودند، بعد از یک مدت طولانی (قبل از ادعاهای امروزین نسل کشی صوری که منابع خلق آن اسناد تزویری، تبلیغاتی و داستان های خیالی می باشند) در سال 1965 از نو به متد ترور متوسل شده بودند. لیکن در سال های 1970 گروه تروریستی ASALA وارد صحنه شده و تا 1984 تعداد 42 نفر دیپلمات تورک را شهید کرده بودند.

در این دوران جدید تشویق کننده، توسعه بخش، محیا ساز، پخش کننده گان در میدان های وسیع تر و تامین کنندگان اهداف مختلف ترور؛ تشکیل دهندگان تیم و گروه ترور، پشتیبانان تشکلات جدید ترور، تدوین کنندگان تماس و ارتباط مشترک، تشکیلات های ترور داشناک و هنجاک بودند. در کنار اینها از اسم بیشترین استفهام کننده و استفاده کننده مترادف ترور ارمنی، ارتش سری ارمنی برای آزادی ارمنستان (I) در شکل اسم اختصاری، ASALA می باشد.

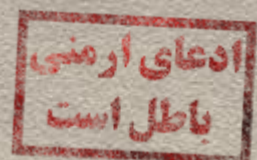
ASALA زیر نام مستقل، خود را با به کار بردن نمونه های بی رحمانه و غیر انسانی ترورها نشان داده بود، ASALA با حمایت معنوی و روحی، تماس و ارتباط مشترک از هنجاک وارد اعمال غیر انسانی ترور شده بود. ترور ارمنی، در شکل تهاجم مسلحانه متوجه به موظفان تورک خارج از کشور، نمایندگی ها و سازمان ها در زمان کوتاه با نشان دادن ارتقاع سریع وسعت یافته بود. در این دوران در اروپا و کشورهای شرق مثل سوریه و لبنان ارامنه اساس گرفته، با ورود به همکاری با رومی های قبرس و یونان اعمال خود را به وقوع رسانده بودند.

تشکلات ترور ارمنی، به مورد عکس العمل دنیای خارج در سال 1980 با تغییر تاکتیک، وارد همکاری با تشکیلات ترور PKK شده بودند. در سال 1984 تشکیلات تجزیه طلب ترور PKK به صحنه فرستاده شده و ASALA - ارمنی به پلان عقب کشیده شده بود. چنانکه، تشکیلات تجزیه طلب ترور PKK، بین تاریخ های 28-21.04.1980 با اعلام هفته سرخ و با به خاطر آوردن 24 آوریل روز نسل کشی صوری ارامنه شروع به انجام تجمعاتی کرده بودند. در تاریخ 08.04.1980 در شهر سیدون لبنان تشکلات ترور PKK و ASALA یک تجمع مطبوعاتی را طرح ریزی کرده بودند و در نتیجه تجمع یک اظهار نامه منتشر شده بود. اما به مورد کشیدن عکس العمل این حادثه ادامه ارتباط در میدانی نامشروع با مخفی بودن به قرار گرفته شده بود.

در نتیجه تجمع، در تاریخ 09.11.1980 با تهاجم طرح ریزی شده متوجه به سر کنسول تورک استرازبورگ، لیکن در تاریخ 19.11.1980 با تهاجم به دفترخانه راه هوایی تورکیه در روم، از طرف تشکیلات های ترور PKK و ASALA همکاری ارتقا پیدا کرده بود. تروریست تجزیه طلب عبدال... اعلان (Abdullah Öcalan)، از طرف اتحادیه نویسندگان ارمنی به سبب کمک در راه رسیدن به مطلب خولیای سقیم ارمنستان بزرگ به عنوان عضو مفتخر انتخاب شده بود. در بنیه حرکت مردم ارمنی، یک کمیته کردستان هم همانند مشابه یک تعداد کشور اروپایی تشکیل شده بود.

در تاریخ 04.06.1993، حزب هنجاک ارمنی، با ملحق شدن منصوبان تشکیلات ترور ASALA و PKK در غرب بیروت در مرکز موجود تشکل ترور PKK یک تجمع انجام داده بود. در تاریخ های 9-06.01.1993 در بیروت با طرح ریزی شدن دو تجمع جداگانه در کلیسا، اسقف اعظم ارتدکس ارمنی، در تجمعات که صلاحیت داران حزب ارمنی همراه با 150 جوان به آن ملحق شده بودند، با قصد مجادله انجام شده با تشکل ترور PKK (در تورکیه) ادامه داشتن جنگ داخلی، رسیدن اقتصاد تورک به نقطه صفر و عصیان کردن شهروندان به زبان آورده شده بود. در ارتباط با این، تجزیه شدن تورکیه و تاسیس یک دولت کرد، لزوم موضوعات ادامه ارتباط ارامنه با کردها در یک شکل عالی و حمایت از مجادله کرد به زبان آورده شده بود.

بطور خلاصه؛ هدف مشترک تشکیلات های ترور ارمنی؛ در استفاده از هر فرصت برای راندن بی ثباتی به تورکیه، در ادعای متخلخل رهایی اراضی ارمنی (I) و بنای "ارمنستان بزرگ مستقل" است. امروز ارامنه با بدست آوردن خصوصیت دولت دار بودن، در موضوع بحث، تقاضا های متغیر آنها مدام در زیر عناوین مختلف قابل مشاهده است.



ارمنستان و ترور

رفتار و خلق و خوی ارمنه که به طول 9-10 قرن آنها را همراه با تورک ها راحت و درون صلح و صفا به زندگی کردن گرفته بود و برای آنها در دولت عثمانی تا حد امکان یک طبقه ثروتمند ایجاد کرده بود؛ با مغلوب شدن عثمانی ها در جنگ عثمانی - روس در سال 1877-1878، با امضاء شدن معاهده سن استفانو در تاریخ 1878.03.03 و معاهده برلین در تاریخ 1878.07.13 رفتار ارمنه هم تغییر کرده بود. بعد از این معاهده ها ارمنه با تحریک روسیه و بعضی از دول اروپایی به سرعت تشکیلاتی شده و به سوی بنای یک دولت مستقل ارمنی توجه کرده بودند. روسیه، در قفقاز از دوران های قبل به لزوم سیاست ملی خود، با مسکون سازی یک دولت ارمنی که وظیفه یک مانع در روابط تورکیه و آذربایجان را داشت، سعی در برپیدن ارتباط اعزلی مردم تورک با یکدیگر را کرده بود. برای این هدف، لیدر بلشویک روسیه ولادیمیر لنین (Vladimir Lenin) در تاریخ 1917.12.18 با تعیین کردن استپان شالیمیان (Stepan Şalimyan) ارمنی الاصل به عنوان کمیسر قفقاز با قرار نامه تاریخ 1917.12.30، در آن طی صلاحیت بنای یک ارمنستان مشدود و مربوط با اتحاد شوروی در قفقاز شرقی و جنوبی که زیر اشغال روس قرار داشت، داده شده بود.

در تاریخ 1920.04.27 بعد از تأثیر حاکمیت بلشویک در قفقاز جنوبی و آذربایجان؛ جمهوری های سوسیالیست شوروی گرجستان، ارمنستان، آذربایجان همرا با ایالت مختار نخجوان و منطقه مختار قره باغ بنا شده بودند. ارمنه، با کشیده شدن مرزها روی کاغذ اینگونه صاحب یک دولت شده بودند. احساسات قوم پرستانه و استعمار طلبانه که در ارمنه بسیار عالی برجسته شده بود، بعد از شروع شدن فروپاشی اتحاد شوروی ارمنستان در تاریخ 1990.08.23 با اعلان استقلال خود و با غوطه ور شدن در خیال بنای ارمنستانی بزرگ تر شروع به حمله و تهاجم به همسایه گان خود کرد. در سال 1915؛ ارمنه که در طول جنگ جهانی اول تورک ها را از پشت زده و بر خیانت بزرگ مبادرت کرده بودند، با قانون تهجیر به کوچی اجباری تابع گرفته شده بودند. ارمنه در طول تهجیر کشته شدن 1.5 میلیون ارمنی را ادعا کرده بودند و بعد از آن روز زیر نام نسل کشی صوری ارمنی در فعالیت های علیه تورکیه حاضر شده اند. ارمنه ای که اسباب زنده ماندن خود را به تغذیه کردن واهی از پستان های خولیای سقیم ارمنستان بزرگ ترغیب کرده اند، با این نوع بهانه های بی ربط و خارج از قدرت اراده آنها از تورکیه تنظیمات، قبول نسل کشی و خاک طلب کرده بودند. برای این هدف غریب، در بین سال های 1937-1986 با فعالیت های ترتیب داده در حمله و تهاجم به نمایندگان و نمایندگی های خارج از کشور و موسسات داخلی حاضر شده و تحقق آرزوهای خود را خواسته بودند.

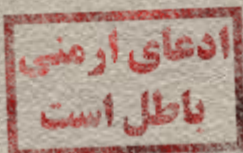
ارمنه که در سال های اخیر به تحقق نرسیدن آرزوهای خود با ترور را درک کرده اند، بعد از سال 1986 در عرصه سیاسی برای اجرای فشار به تورکیه و از دادن هر نوع پشتیبانی به گروه ترور PKK که با قصد به تجزیه تورکیه خیال نمایی بنای یک دولت کمونیسم در جغرافیای آناتولی را دارد، امتناع نکرده و به نیت تجزیه تورکیه کمک کرده و در این راه تحقق آرزوی خود یعنی به دست آوردن خاک را مقصد نهایی تعیین کرده است.

تامین پشتیبانی لجستیک و اربابگر توسط ارمنستان به گروه ترور PKK خصوصا در مناطق مسکونی نزدیک به مرز خود، بنای نقاط کمپ درون مرزهای خود و موجود بودن صاحب منصبان ارمنی الاصل در مراتب عالی درون گروه ترور PKK تثبیت شده است.

اربابگری و تروریسم ارمنی

در تاریخ 1973.01.27 یک ارمنی مسن با نام گورگن (کارکین) یانیکیان (Gurgen (Karekin) Yanikiyan) در شهر سانتا باربارا آمریکا، با قتل سر کنسول تورکیه محمد بایدار (Mehmet Baydar) و کنسول بهادر دمیر (Bahadır Demir) در لوس آنجلس با شروع این "ترور فردی ارمنی"، از 1975 اعتبارا همچون قبل از 1915 این ترورها تبدیل به "ترورهای تشکیلاتی ارمنی" شدند. تعرضات متوجه به موظفان تورک خارج از کشور، دیپلمات ها، وزیران و موسسه ها، در مدت زمان کوتاهی برای ارتقاع، حجم گسترده ای پیدا کرده بود. ترورهای ارمنی، در تورکیه آشفتگی داخل را در سال 1979 اعتبارا با یک دقت بیشتر به مرحله اوج رسانده بود. تروریست های ارمنی در 38 شهر 21 کشور، با 39 حمله مسلحانه، 70 بمب گذاری و یک حمله در شکل اشغال جمعا 110 حادثه ترور را به واقعیت رسانده بودند. در این حملات تروریستی 42 دیپلمات بعلاوه 4 خارجی زندگی خود را از دست دادند. 15 نفر تورک و 66 نفر از اتباع خارجی زخمی شدند. در بررسی تهاجمات با اعتبار سنوات؛ در ترور ارمنی اعتبارا از سال 1979 یک وسعت عظیم دیده می شود.

تشکیلات ترور ارمنی به اعمال ترور خود که به صورت متوالی فعال بودند بعد از سال 1986 پایان داداند و در موضوع ارمنی به عرصه بین المللی منتقل شدند. بعلاوه، در حال ادامه دادن به تامین حمایت و پشتیبانی لجستیک و اربابگر برای گروه ترور PKK که در آناتولی جنوب شرقی فعالیت نشان می دهد، می باشند.



همکاری ارمنی - PKK

تشکلات ترور ارمنی، به مورد عکس العمل دنیای خارج در سال 1980 با تغییر تاکتیک، وارد همکاری با تشکیلات ترور PKK شده بودند. در سال 1984 تشکیلات تجزیه طلب ترور PKK به صحنه فرستاده شده و ASALA - ارمنی به پلان عقب کشیده شده بود. بعضی از نمونه های مشخص ارتباط دهنده بین ارمنه و PKK این موارد می باشند:

- تشکیلات تجزیه طلب ترور PKK، بین تاریخ های 28-1980.04.21 با اعلام هفته سرخ و با به خاطر آوردن 24 آوریل روز نسل کشی صوری ارمنه شروع به انجام تجمعاتی همراه با ارمنه کرده بودند.
- در تاریخ 1980.04.08 در شهر سیدون لبنان تشکلات ترور PKK و ASALA تجمع مطبوعاتی طرح ریزی کرده بودند و در نتیجه تجمع یک اظهار نامه منتشر شده بود. اما به مورد کشیدن عکس العمل این حادثه ادامه ارتباط در میدانی نا مشروع با مخفی بودن به قرار گرفته شده بود. بعد از این توافق، در تاریخ 1980.11.9 با تهاجم طرح ریزی شده متوجه به سر کنسول تورک استرازبورگ، و در تاریخ 1980.11.19 با تهاجم به دفترخانه راه هوایی تورکیه در روم، از طرف تشکیلات های ترور PKK و ASALA همکاری ارتقا پیدا کرده بود.
- تروریست تجزیه طلب عبدا... اعلان (Abdullah Öcalan)، از طرف اتحادیه نویسندگان ارمنی به سبب کمک در راه رسیدن به مطلب خولیای سقیم ارمنستان بزرگ به عنوان عضو مفتخر انتخاب شده بود.
- در بنیه حرکت مردم ارمنی، یک کمیته کردستان هم همانند مشابه یک تعداد کشور اروپایی تشکیل شده بود.
- در تاریخ 1993.06.04، حزب هنجاک ارمنی، با ملحق شدن منصوبان تشکیلات ترور ASALA و PKK در غرب بیروت در مرکز موجود تشکل ترور PKK یک تجمع انجام داده بود.

یک نمونه قابل توجه دیگر مرتبط با ارتباط ارمنی - PKK لیکن، در تاریخ های 9-1993.01.06 در بیروت با طرح ریزی شدن دو تجمع جداگانه در کلیسا، اسقف اعظم ارتدکس ارمنی، از این تعبیر در ملحق شدن صلاحیت داران حزب ارمنی همراه با 150 جوان به تجمع استفاده کرده بود:

- اکنون باید بر علیه تورکیه رفتار ساکن نشان داده شود.
- اجتماع ارمنی به مرور در حال رشد است و از جهت اقتصادی در حال قدرت گرفتن است.
- در سایه فعالیت های توسعه داده شده پروپاگاندا، در تمام دنیا درک بهتر برای نسل کشی (صوری) آغاز شده.
- دولت ارمنستان تاسیس شده، با گذشت هر روز اراضی آن در حال گسترش است و انتقام پدران خود را کاملاً خواهند گرفت.
- به مورد در راس بودن ایالات متحده آمریکا، دیگر کشورهای غربی در جنگ رانده شده به قره باغ ارمنه را ذیحق دیده اند.
- ارزشمند شماری این فرصت لازم است... در قره باغ به محاربان جوان ارمنی اعضای جدید ملحق خواهد شد.
- در تورکیه - با قصد مجادله انجام شده با تشکل ترور PKK - جنگ داخلی ادامه خواهد یافت، اقتصاد تورک به نقطه صفر خواهد رسید و شهروندان عسبان خواهند کرد.
- تورکیه تجزیه خواهد شد و یک دولت کرد تاسیس خواهد شد.
- ارمنه ارتباط خود با کردها را در یک شکل عالی ادامه دادنی و مستلزم حمایت از مجادله های کرد هستند.
- امروز اراضی در دست تورکیه، فردا مال ارمنه خواهد شد.

ارگان های نشر تشکیلات ترور PKK در ارمنستان

در ارمنستان روزنامه هایی با اسامی ریا تازه و بوتاداکسیون زیر کنترل تشکیلات ترور PKK با الفبای کریل نوشته شده و انجام گرفتن تبلیغات سیاسی تشکیلات ترور PKK در آن قابل ذکر می باشد. این روزنامه ها از طرف منصوبان تشکیلات ترور PKK که از تورکیه و اروپا می آیند منتشر می شود.

ارتباط ASALA - PKK

تروریسم ارمنی در توصیف بین المللی، با به میان آمدن در سال 1973 متعاقب با حرکت صلح قیبرس در سال 1974، با حرکات ترور از نوع خرابکاری، سوء قصد و حمله متوجه به شهروندان تورک و نمایندگی های خارج از تورکیه شروع به نشان دادن خود کرد.

به مورد در راس بودن گروه ترور ASALA اعمال ترور تا سال 1984 ادامه داشته و در سال های 1970 حرکت پان کردیسم که حرکت خود را درون تشکلات مشروع سیاسی شروع کرده بود، به مورد کسب تعجل با گروه ترور PKK، جای خود را با رهبری عبدا... اعلان (Abdullah Öcalan) که بدون تفریق کرد - تورک قابلیت بقتل رساند داشت، به گروه ترور PKK که سعی می کرد با قتل عام ها اسم خود را به شنیده شدن مجبور کند سپرده بود.

لیکن قبل از این تاریخ هم، همکاری بین گروه های ترور PKK-ASALA، مشترکا انجام عملیات، منتشر شدن اعلامیه ها، آموزش منصوبان ASALA و دیگر گروه های ترور ارمنی در کمپ های گروه ترور PKK، انجام آموزش دادن از طرف مقام های فوق گروه ترور ASALA، خارج از این موارد موجود بودن گروه ترور PKK درون ارتباط با پارتی ارمنی داشناکسوتیون قابل ذکر می باشد.

هدف مشترک از همکاری گروه های ترور، در راستای ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بنای دولت کمونیسم در مناطق شرق و جنوب شرقی تورکیه می باشد. زمان بررسی شدن اسنادی که هر دو گروه آن را به هدف گرفته اند همپوشی اهداف را می بینیم. در این وضعیت فکر انجام گرفتن تاشرون و متعهد بودن یکی از دو گروه به دیگری در حال قدرت گرفتن می باشد.

در نتیجه مدارک به دست آمده در کمپ های بکا و زلی انجام آموزش دیدن مشترک اربابگران گروه ترور ارمنی ASALA همراه با اربابگران گروه ترور PKK به میان آمده بود.

قرارداد انجام گرفته شده بین PKK و ارامنه در سال 1987

در سال 1987 بین گروه ترور تجزیه طلب PKK و ارامنه یک قرارداد انجام گرفته بود. حکم های قرارداد موضوع بحث عبارتند از:

1. ارامنه درون گروه ترور PKK در فعالیت های آموزشی حاضر خواهند بود
2. برای هر شخص در گروه ترور PKK هر سال 5.000 دلار آمریکا پرداخت خواهد شد
3. ارامنه به فعالیت های دارای قطر کوچک و سبک ملحق خواهند شد

در نتیجه انجام گرفتن این قرارداد به مورد تفرد ارامنه درون گروه، در تجمع انجام گرفته به تاریخ 1990.04.18 همراه با فردی به اسم هرمز سامورویان (Hermez Samurouyan) مسئول روابط PKK-ASALA این قرارها گرفته شده بود:

1. گروه های ترور PKK و ASALA را دیگر اشتراک هدایت خواهد کرد
2. در تورکیه در عملیات متوجه به نیروهای امنیتی، جاسوسی و کسب اطلاعات را ارامنه انجام خواهند داد
3. احتمالا بعد از اختلال، اراضی به دست آمده از تجزیه تورکیه به صورت مساوی تقسیم خواهند شد
4. 75% مصارف کمپ را ارامنه بر طرف خواهند کرد
5. در شهرهای بزرگ و مهم تورکیه عملیات ها انجام خواهد شد

اعتبارا از ماه اکتبر 1992 در عملیات های برون مرزی به وقوع پیوسته بر علیه اساس گروه ترور PKK در شمال عراق به مورد صدمات شدید وارد شده و نابودی امکانات سکنا گروه با ورود یک قسم از منصوبان گروه به ایران و ارمنستان فعالیت های موثر گروه ترور PKK در ارمنستان شروع شده بود.

با رفتن یک گروه از نمایندگان اروپایی گروه ترور PKK به ارمنستان، برای انجام قرارداد در مورد داخل و خارج شدن راحت منصوبان گروه ترور PKK از منطقه کارس به ارمنستان، با فروپاشی روسیه شوروی و در نتیجه حاصل شدن استقلال ارمنستان گروه ترور PKK با کسب امکان سکنا در واحدهای مسکون سازی کرد در ارمنستان امکانات مادی - معنوی برای گروه و تداوم فعالیت ها تامین گشته و بعلاوه اینکه، در تاریخ های 1992.05.19-20 حرکت کردن یک گروه از منصوبان گروه ترور PKK برای جنگ کردن به همراه ارامنه بر علیه تورک های آذربایجان توسط 3 وسیله نقلیه از اورمیه به ارمنستان قابل ذکر می باشد.

لیست اسامی تعدادی از کریپتو (Crypto) ارمنی های فعالیت نشان داده درون تشکیلات ترور PKK (الحاقی)

توضیحات انجام گرفته از طرف پروفیسور دکتر یوسف هالاچ اوغلو (Prof. Dr. Yusuf Halaçoğlu) رئیس اسبق موسسه تاریخ تورک، مبنی بر "60 الی 80 درصد مقام های عالی PKK ارمنی می باشند" ارتباط ارمنی - PKK را از نو مورد توجه قرار داده بود.

تعداد کثیری (حدود هزار نفر) از سرکرده های جای گرفته در راس کادرهای عملیاتی PKK حال در کوه ها و یا در شهرها، که توسط واحدهای اطلاعاتی تک به تک تثبیت شده اند، در سال های 1990 ادعاهایی همچون "منصوبان بی ختنه گروه ترور PKK ارمنی و از دیگر ریشه های قومی می باشند" بی اتمام در دستور جلسات نبودند و در جزئیات بررسی های انجام گرفته تصدیق شده اند.

برای مثال نوریه کسبیر (Nuriye Kesbir) ظاهرا عضو مجلس هماهنگی دموکراتیک جمعیت کرد اروپا (CDK) تشکیلات جبهه "Kongra-Gel PKK" و تا حد معلوم صندوق پول عبدا... اجلان (Abdullah Öcalan) در اروپا یک ایزدی الاصل می باشد. نوریه کسبیر، در ماه سپتامبر 2001 در حالی که از راه غیر قانونی وارد هلند می شد، دستگیر شده و علارغم مراجعات تورکیه به این کشور اعاده نشده بود.

حال بعضی از اسامی دیگر قابل توجه موجود در آن لیست:

فلکناز اوجا (Feleknaz Uca): اوجا که عضو پارلمان اروپا می باشد، ایزدی الاصل می باشد. پدر فلکناز اوجا عبدا... اوجا (Abdullah Uca) هم رئیس اتحاد کردستان ایزدی است که تحت اداره تشکیلات ترور PKK می باشد.

سمرا باکیر (Semra Bakır): سمرا باکیر متولد 1959 در سیلوان، ظاهرا نماینده منتخب شده در تلاش های بنای "حکومت تبعیدی" PKK در خارج می باشد، یک مسیحی ارمنی است. لیکن برادر سمرا یعنی آرمناک باکیر (Armenak Bakır) با تغییر اسم خود به آرهان به گروه ترور TIKKO ملحق شده بود. آرهان باکیر که تا کمیته مرکزی گروه ارتقا یافته بود در درگیری رخ داده با نیروهای امنیتی به هلاکت رسیده بود.

مریم تاباش (Meryem Tabaş): مریم تاباش، ظاهرا نماینده منتخب شده در تلاش های بنای "حکومت تبعیدی" PKK در خارج می باشد، پدر بزرگ او هُکار و مادر بزرگ او هاپکانوش ارمنی الاصل می باشند.

عبدالعزیز اوزدمیر (Abdulaziz Özdemir): پدر بزرگ او یوسف و مادر بزرگ او کازو ارمنی الاصل می باشند. عبدالعزیز اوزدمیر اربابگر گروه ترور PKK که متولد 1953 در ایدیل می باشد. در تاریخ 1991.02.21 در نزدیکی روستای کویجه ایز شهرستان ایدیل استان شئرناک در حال خارج شدن از تورکیه به سوریه در درگیری مسلحانه رخ داده بین منصوبان گروه ترور PKK و نیروهای امنیتی، هلاک گشته و در معاینه های انجام گرفته بی ختنه بودن او تثبیت شده است.

لونت کایاداغ (Levent Kayadağ): پدر بزرگ او مقداد و مادر بزرگ او هاووش ارمنی الاصل می باشند. لونت کایاداغ اربابگر گروه ترور PKK که متولد 1972 در سیورک می باشد، در تاریخ 1993.10.16 در حوالی روستای چاتاکلی شهرستان آلاجاکایای استان انلازین در ورود به درگیری با محافظان روستا هلاک شده و در معاینه های انجام گرفته بی ختنه بودن او تثبیت شده است.

محمد اوزتونچ (Mehmet Öztunç): پدر بزرگ او موسی و مادر بزرگ او میراری ارمنی الاصل می باشند. در تاریخ 1993.09.08 در آنتالیا به دلیل منصوب بودن در گروه ترور PKK، کمک کردن به گروه و پذیرفتن آن دستگیر شده بود. محمد اوزتونچ که متولد 1954 در بی توششباپ می باشد در تاریخ 2000.08.19 عضو هیئت مدیره HADEP استان آنتالیا انتخاب شده بود.

منصوبان ارمنی الاصل گروه ترور PKK که با دریافت گزارش معافیت به خدمت سربازی نرفته و به گروه در کوه ها ملحق شده اند:

آرهان آلسن (Orhan Ölsen): پدر بزرگ او ایلینو و مادر بزرگ او ماری ارمنی الاصل می باشند. آرهان آلسن که متولد 1977 در سیلوان می باشد با دریافت گزارش معافیت به خدمت سربازی نرفته بود. آرهان آلسن عضو کادر کوهستان گروه ترور PKK می باشد.

ادریس سفیل (İdris Sefil): پدر بزرگ او آویت و مادر بزرگ او جواهر ارمنی الاصل می باشند. ادریس سفیل از منصوبان گروه ترور متولد 1977 در کارایازی می باشد. او در محکمه 1 No, DGM آدانا به دلیل بنا کردن غیر قانونی گروه مسلح و ملحق شدن به گروه ترور محاکمه شده و به جزای حبس محکوم شده بود. همچنین در سازماندهی درون گروه ترور PKK-YCK فعال بوده. ادریس سفیل که عضو کمیسیون جوانان تشکیلات HADEP استان قونیه می باشد، با گرفتن گزارش معافیت به خدمت سربازی نرفته بود. او از نزدیکان ارسین سفیل (Ersin Sefil) می باشد که در تاریخ 2006.04.25 بعد از درگیری مسلحانه در شمال عراق به هلاک رسیده بود.

حاجی ایچر (Hacı İçer): پدر بزرگ او علی و مادر بزرگ او گوله ارمنی الاصل می باشند. اربابگر گروه ترور PKK حاجی ایچر که متولد 1974 در هازرو می باشد و عضو هیئت مدیره تشکیلات HADEP شهرستان هازروی دیاربکر نیز می باشد. اربابگر گروه ترور PKK حاجی ایچر با دریافت گزارش معافیت به خدمت سربازی نرفته بود.

خدیجه آرات (Hatice Arat): بمب زنده خدیجه آرات در آدانا با کیف کودک و موهای پررنگ دستگیر شده بود و پدر بزرگ او حسو و مادر بزرگ او مریم ایزدی الاصل می باشند. در تاریخ 2007.04.12 در آدانا همراه با گذاشتن یک کیف در کافی نت که حاوی بمب دستی و 9 کیلو 750 گرم ماده منفجره پلاستیک A-4 در حال اقدام به بمب گذاری از طرف نیروهای امنیتی دستگیر شده بود.

سیدار شیمشک (Sidar Şimşek): پدر بزرگ او بدروس و مادر بزرگ او لوشین ارمنی الاصل می باشند. سیدار شیمشک که متولد 1978 در سیلوان می باشد، در فعالیت های تشکیلات DEHAP شهرستان سیلوان جای گرفته است. اربابگر گروه ترور PKK سیدار شیمشک از طرف تشکیلات DEHAP سیلوان، در تاریخ 2005.11.18 در ارتباط با "حوادث رخ داده در شمیدینلی و یوکسک اووا" به سخرانی مطبوعاتی انجام گرفته ملحق شده و با انداختن شعار غیر قانونی جمعیت را بر علیه نیروهای امنیتی تحریک کرده بود.

دلاور اؤنجو (Dilaver Öncü): دلاور اؤنجو متولد 1973 در پایلا یانی، در شهرستان کوناک استان ازمیر عضو هیئت مدیریت تشکیلات HADEP شده در ازمیر درون فعالیت های میسیونرگری حاضر شده بود. دلاور اؤنجو صاحب معلومات تا حد دادن موعظه و تعلیم در کلیسا می باشد.

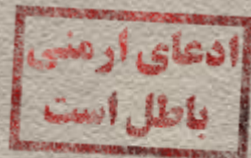
ادیب ییلدیز (Edip Yıldız): پدربزرگ او غاچو و مادر بزرگ او ریحان ارمنی الاصل می باشند. ادیب ییلدیز منصوب به گروه ترور PKK متولد 1965 در فیرکه، عضو مجلس پارتهی HADEP می باشد. ادیب ییلدیز وکالت منصوبان گروه ترور PKK را انجام می دهد. او وکالت نعمت جان (Nimet Can) اربابگر گروه ترور PKK که در تیپ E زندان نوشهر حبس شده بود را انجام داده است.

هاشم بَنک (Haşim Benek): پدر بزرگ او شیهو و مادر بزرگ او کیترو ارمنی الاصل می باشند. هاشم بَنک اربابگر گروه ترور PKK متولد 1964 در اولو دره می باشد. در تاریخ 1985.03.16 در حوالی روستای دره لر شهرستان شَرناک در موضع غارهای اشک در درگیری به میان آمده بین نیروهای امنیتی و تروریست ها زنده دستگیر شده بود و در محکمه سینت آسم دیاربکر به دلیل بنا کردن غیر قانونی گروه مسلح و ملحق شدن به گروه ترور محاکمه شده بود. هاشم بَنک کاندید انجمن DEP شهرداری مرکز آنتالیا مراد پاشا شده بود.

آیهان کایسی (Ayhan Kaysi): پدر بزرگ او گُورگیس و مادر بزرگ او شمونی ارمنی الاصل می باشند. آیهان کایسی اربابگر گروه ترور PKK متولد 1980 در سییرت بنابر مدت موجود بودن در فعالیت های انجام داده با نام تشکیلات دست به جرایم ذیل زده است:

در پاییز سال 1994 در پاسگاه های روستاهای آشوت و گمان مرکز استان حکاری درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی، در بهار سال 1995 درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی در عملیات چلیک به وقوع پیوسته در شمال عراق، تابستان 1995 فراری دادن 8 چوپان از روستای آشوت مرکز استان حکاری، در ماه مه 1996 تهاجم مسلحانه به روستای آشوت مرکز استان حکاری، بهار سال 1996 حمله مسلحانه به گردان صخره های سیاه در مرز شمال عراق، در ماه آگوست 1997 به تهاجم مسلحانه بر علیه نیروهای امنیتی در اراضی کشاورزی شهر هیزان استان بیتلیس ملحق شده بود.

آیهان کایسی در تاریخ 1997.08.11 به مدیریت امنیت سییرت تسلیم شده و در تاریخ 1999.06.29 در محکمه DGM وان به جهت جرایم انجام داده بر علیه تمامیت دولت با محاکمه شدن به 16 سال و 8 ماه جزای سنگین حبس محکوم شده بود. در حالی در تیپ E زندان بیتلیس مبحوس بود با اعتراف کردن در مورد PKK در تاریخ 1999.10.06 ترخیص شده بود.



کمیت‌های ارمنی و خصوصیات مشترک تشکلات ترور

دانشناک‌ها از سال 1890، با اعمالی مثل "تشکیل دادن دسته، با هدف بودن جمعیت، تخریب معنویات جامعه عثمانی، نابود کردن و کشتن تورک‌ها با استفاده از تمام امکانات موجود و محروم کردن آنها از حقوق حاکمیت مطلق، مسلح کردن جامعه اقلیت ارمنی، تدارکات برای اختلال، عصبان و ترور، تشکیل کمیت‌های اختلال، واحدها و گروه‌های قتل عام، تخریب کردن بناهای حکومت و غارت کردن آنها" برای ترور و توسعه ترور تلاش کرده‌اند، دانشناک‌ها بعد از انقلاب بلشویک، بین سال‌های 1918-1920 در منطقه "جمهوری ارمنستان شوروی" با به دست آوردن اقتدار "جمهوری ارمنستان" را بنا و شروع به مبادرت‌های سیاسی کردند. هرچند در این جریان، نتیجه عقب‌ایستادن دانشناک‌ها از فعالیت‌های ترور حاصل نشده بود، با بنای "کماندوهای عدالت نسل‌کشی ارمنی" (I) از طرف دانشناک در سال 1972 اعمال ترور متوجه به نمایندگان خارج تورکیه از نو شروع شده بود.

همانند آن، تشکیلات مارکسیسم هنجاک ارمنی، که بین سال‌های 1973-1985 در دوران جدید ترور ارمنی تنها در فکر بنا کردن و منبع معنوی مجری ترور، با در راس بودن ASALA که موجودیت محض آن متکی بر ترور بوده، نمانده بلکه این گروه را تشویق و پشتیبانی هم کرده بود.

مسئله ارمنی، موضوع ارمنی و یا دعوی ارمنی حال اگر با هر معنی که به دست گرفته می‌شود بشود، یا با هر دیدگاه توضیح داده می‌شود بشود، در تشکلات ارمنی این مفهوم با ترور هم معادل بوده، هدف و انتظارات آنها همیشه در شکل تورکیه و تورک ستیزی، بر روی ریختن خون و کینه افکنی بنا شده بود.

بنای تشکلات ترور ارمنی با یک کادر محدود محقق می‌شود، مدیریت مرکزی عموماً در کنترل این کادر قرار می‌گیرد و درون اعمال پیش‌بینی شده توسط مدیریت مرکزی در تعداد معین و در وظایف معین اجراء آن از طرف تیم‌های خاص بر عهده گرفته می‌شود. اسامی گروه‌های بسیار متفاوت در بین این تیم‌ها به افکار عمومی منعکس شده و در این صورت توسعه تصور تعداد فراوان بودن گروه‌های ترور ارمنی خواسته می‌شود.

در این تشکیلات‌ها، مدیریت‌های مرکزی و ارگانهای مرتبط با آنها مستلزم حضور در یک میدان فیزیکی معین و با همان جغرافیا نمی‌باشند. همچون حضور در کشورهای مختلف، در مکان‌های مختلف یک کشور هم می‌توانند حاضر باشند. این وضع، اگر هم در مورد ارگان‌های ترور ارمنی تأمین خصوصیت مرکزیت را در یک شکل دموکراتیک تر و وسیع‌تر را تعبیه می‌کند فی الواقع درون تمام ارگان‌های ترور ارمنی یک فرماندهی مرکزی بسیار فشرده و انضباطی به عنوان اساس قبول می‌شود.

حال ترکیب افشاء شده ارگان‌ها، یا رقابت‌ها و نزاع‌های موجود بین لیدرهای کادر، قسمت‌های فشرده و مختلف را در حال یک خصوصیت مشترک در آورده بود. از این وضعیت هم سود برده می‌شود، یک ارگان، با جدا شدن به رهبری بیش از یک نفر گویا تظاهری دیگر به ارگان ترور داده می‌شود.

در فعالیت‌های ارگان‌ها، عموماً در تمام ارگان‌های ترور اساس بودن سریت یک خصوصیت مشترک تشکیل می‌دهد. هرچند، در نوبه خود تداوم و محافظت پوشش مرکز و یا برای استفاده وسیع‌تر و موثر عملیات با وسیله تبلیغاتی بودن خصوصاً زیر گروه و یا تیم خاص در عملیات خود به افشاء می‌رود، عملیات اعلان می‌شود، بعد از به وقوع پیوستن هم بر عهده گرفته می‌شود. تمام اینها محدود به هدف پروپاگاندا و موازی با این اهداف می‌باشند.

در تمام تشکیلات‌های ترور ارمنی، ترور یک بخش از حرکت روحی، حتی یک مرحله از آن می‌باشد. همانند قابلیت اجراء ترور با هدف پروپاگاندا تنها برای تأمین کردن خلق ترور، هراس و هضم به عملیات ترور هم مراجعت می‌شود. دومی، بیشتر بر روی آنهایی که بر علیه ارمنه و تشکیلات بوده و یا بر روی آنهایی که با دستورات تشکیلات متناسب نباشند اجراء می‌شود.

این ارگان‌ها، در مورد تماس و ارتباط با مردم و در مورد استفاده از وسایل محقق‌کننده این موارد صاحب اطلاعات وسیع و تجربه می‌باشند: بعلاوه؛ اشخاص به جا آورنده این فعالیت‌ها، درون تماس و ارتباطات نزدیک با موسسه و نهادها می‌باشند. این فعالیت‌ها، برای ارگان‌ها معاش کافی و زمان توسعه را حاضر می‌کنند.

تشکلات ترور ارمنی همیشه به صورت آشکار و یا مخفی صاحب پشتیبانی و حمایت از یک و یا چند دولت می‌باشند. این دول همانند استفاده از این تشکلات همچون یک ابزار شخصی، برای پوشاندن نهادهای حرکات روانشناسی و ارگان‌های سری خود هم استفاده می‌کنند.

برای تمام تشکلات ترور ارمنی تورکیه و تورک ستیزی، در وضعیت عنصر معنوی بنیادها و تداوم آنها می‌باشد. بعلاوه، بر روی این دشمنی در حال بنای حقوق و منافع می‌باشند. تخاصمات و دشمنی‌های موجود در تصویر با کشورهای دارای ارتباط، رابطه و تماس با تورکیه موقتی می‌باشند. جهش ترور به این کشورها، یک یا بیش از یک حادثه بر علیه این کشورها و یا در صورت اجراء گرفته شدن شهروندان این کشور به هدف تماماً خصوصیت "تحدید" را حمل کرده و شامل عنصر دشمنی نمی‌باشد.

درون جریان تاریخی ترور و ارعابگری ارمنی سه مرحله را نشان می دهد:

اولی، ارامنه با ترور، جوامع ارمنی را جلب و یا به طرف خود می کشانند و در این صورت ارمنی گری را تامین می کنند.

دومی، تامین کردن قبول و دقت به "قدرت" و "ابعاد" برای افکار عمومی که ارمنی نیستند می باشد.

لیکن سومی، حاضر کردن "منابع تخاصمات و دشمنی ها" می باشد که در مورد تورکیه و تورک ها در توسعه های سیاسی و نزاع منافع بین المللی می توانند استفاده شوند.

در اواخر قرن 19. دسیسه "اقلیت راهی شده به اسارت، سفالت و محروم شده از حقوق"، مستقیم تا اواخر قرن 20. توطئه افتراء "خلق و ملت راهی شده به قتل عام ها و نسل کشی" تماما متوجه بر هدف تامین منابع در روابط بین المللی می باشد و در اولین فرصت، این منابع بدون هیچ بی قراری از طرف دول رقیب تورکیه حتی از طرف تشکیلات های بین المللی استفاده خواهد شد. کل آماج و اهداف مخفی مانده ارگان های ترور بهره بردن از فرصت های به وجود آمده از نزاع های بین المللی می باشد. لیکن این با متناسب بودن با جریان تاریخی حتی خارج از خودشان انتظار برای تحقق یک هدف هم عمل می باشد.

دوران جدید ترور (1973-1985)

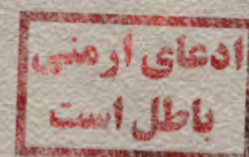
در دوران جدید تشویق کنندگان، توسعه دهندگان، محیا سازان، پخش کنندگان در میدان های وسیع تر و تامین کنندگان اهداف مختلف ترور؛ تشکیل دهندگان تیم و گروه ترور، پشتیبانان تشکلات جدید ترور، تدوین کنندگان تماس و ارتباط مشترک، تشکیلات های ترور داشناک و هنجاک بودند. در کنار اینها از اسم بیشترین استقهام کننده و استفاده کننده مترادف ترور ارمنی، ارتش سری ارمنی برای آزادی ارمنستان (!) در شکل اسم اختصاری، ASALA می باشد.

با بیرون آوردن تیم و گروه های ترور از داخل تشکلات عرفی ترور، لیکن ASALA با بیرحم ترین و غیر انسانی ترین اعمال ترور خود آفریننده دوران جدید ترور گشته بود. ASALA هم حمایت معنوی و روحی، تماس و ارتباط مشترک را از هنجاک های ارمنی می گرفت. در این تقرب می توان گفت که، در واقعیت ترور عرفی کاملا ادامه داشته، از محیط حاضر شده در سال های 1960 سود برده، با ارزیابی فرصت ها یک مدت دیگر به شکار تورک ها و انسانیت آمده بود.

یکی از دلایل اصلی تروریسم و ارعابگری ارمنی در تجسس میشل ام. گانتر (Michael M. GUNTER) با عنوان "Armenian National Liberation" بدین شکل توضیح داده شده است: "این نکته واضح است که، امروز یکی از اهداف اصلی تروریسم ارمنی، پشتیبانی آشکار تعداد زیادی دولت و شخص از این مجادله و لزوم پیش راندن دلایل هدایت کننده تروریست ها به این اعمال می باشد ..."

مدیر "انستیتیوی تحقیقات معاصر زُریان ارمنی" واقع در شهر کامبریج ایالت ماساچوستس آمریکا و مدیر تحریریه روزنامه "Armenian Review" جرارد جی. لیباریدیان (Gerard J. Libaridyan) لیکن دوران را با این جملات خلاصه می کند: "حتی بعد از شصت سال تلاش های صلح آمیز دولت تورک و دول بزرگ، بی میلی متوجه به قبول کردن احساسات ارامنه مسبب باز شدن یک دوران تروریسم شده بود."

لیکن لیدر ASALA آگوپ آگوپیان (Agop Agopyan) مدعی این است که: "بعد از ادراک ناموفقیت های سیاست رانده شده عرفی پارتی های ارمنی" حوادث خشونت آمیز ارمنی به میان آمده است. تمام این تقلاب های نشان دهنده مشروعیت ترور، برای معقول نشان دادن ترور ارمنی درون جریان تاریخی البته ناکافی بوده است.



ASALA (ارتش سری ارمنی برای رهایی ارمنستان) (!)

در دوران 1973-1985 تنها تشکیلات ترور ارمنی که از خود بیشترین موضوع برای بحث را فراهم کرده بود ASALA می باشد. اطلاعات قطعی در مورد بنای آن، مجموعه تشکیلات و تلاش های آن هنوز منتشر نشده است. در مورد ASALA و بعضی از اشخاص منابع و انتشارات مختلف ارمنی اطلاعاتی می دهند، دفعات کثیری نتایج به دست آمده از انتشارات تشکیلات و گروه ترور آشکار شده اند. لیکن این اطلاعات جزء، اطلاعاتی می باشند که گروه ترور یا خواسته است آنها را انتشار دهد و یا از آشکار کردن آنها ایرادی ندیده است.

همانند موجود بودن دیدگاه هایی همچون الهام گرفتن بنای ASALA از حوادث مرتبط با لبنان و با دیدن فعالیت تشکیلات های آزادی فلسطین در لبنان، چند ارمنی با به میان آمدن در یک نقطه بنای یک گروه ترور جدید اعلام شده و بعضی مطبوعات هم وجود دارند که در مورد این گروه ترور ارمنی اینگونه می نویسند که: در مدت زمان کوتاه قابل توجه ترین و فعال ترین حوادث ترور را به میان آورده است. کل آنها، تماما از فاش کردن بنای ASALA به دور می باشند. بدون معلوم شدن شرایط به میان آمدن یک گروه بودن ASALA و بدون آشکار کردن پر شدن خلا آنها به اندازه کافی تذبذب و بی قراری های موجود برای زمان طولانی تری ادامه خواهد داشت.

قبل از هر چیز در دوران جدید ترور ارمنی لزوم موجود بودن سیاست و اهداف تشکیلات ترور داشناک ارمنی معین می باشد. داشناکیان درون جریان تاریخی شان و دوران باز شده تماما طرفدار غرب بوده، اهداف تورک را اساس گرفته، یک سیاست اجرای اجباری ترور را تعقیب کرده و از دولت های غربی پشتیبانی و کمک دیده، حتی موجود بودن در همکاری با آنها هم با دلایل مختلف افشا شده است. اساسا بنا و توسعه تاریخی آنها برای موجود بودن در رفتار و حرکات غیره از این، مناسب نمی باشد.

در این محیط یک میدان تهی موجود می باشد. علاقه مند کننده نسل های جدید مارکسیسم اختلال گرا از نزدیک و خصوصا با تعبیر موجود در فرانسه همچون "تشکیلات مقاومت جدید ارمنی" مجذوب کننده خواهند آمد، میدان مرتبط با شوروی و کشورهای شرقی خالی فرض می شود. در حقیقت، این میدان از طرف هنجاکیان از تاریخ های بسیار قدیم پر شده می باشد. و اعتبارا از سال 1960 در هنجاکیان با دیدگاه های مختلف در تدارک دوران جدید ترور می باشند. هرچند، در این میان هنجاکیان دیده نمی شوند و در شکل ASALA، یک گروه ترور خواستار حساب شدن جدید با همه چیز خود در حال بیرون آمدن است.

در به دقت گرفته شدن تاثیرات آماده کننده ترور جدید ارمنی و خصوصا با گروه ترور بودن هنجاکیان در بررسی اهداف و سیاست های آن به این قناعت که ASALA یک گروه ترور هنجاکیان می باشد می رسیم. هرچند، شرایط لبنان، توسعه های جدید، این گروه را در مقابل افکار عمومی دنیا مانند یک ارگان جدید ترور ارمنی بیرون آورده بود و این ارگان با بر عهده گرفتن حوادث ترور شناخته شده بود. لیکن در حقیقت یک وضعیت تغییر یافته مهم وجود نداشت. در جریان تاریخی خود باز دو ارگان ترور ارمنی در صحنه می باشند. یکی، معین تر، با بنای گروه ها و تیم های ترور محرک می باشد. لیکن دیگر در حال دیده نشدن در کنار پشتیبانی تمام معنوی و روحی، زیر پوشش یک گروه ترور ارمنی با تخصیص هر نوع نیرو و تجربه انسان مانده است، این گروه با دیگر زیر گروه ها و تیم ها در حال به واقعیت رساندن ترور می باشند.

بنا و مجموعه ارگان

ASALA، در سال 1975 بنا شده است. درون بنا کنندگان متشکل از 6-7 عضو، آگوپ آگوپیان (Agop Agopyan) یکی از دو عضو بسیار محرک تشکیلات ترور، لیدر معین شده تشکیلات می باشد. لیکن دومی، شخصا محقق کننده اعمال جنایی، فاعل موجود حوادث ترور و در غیاب آگوپ آگوپیان برپا نگه داشتن تشکیلات را آگوپ تاراکچییان (Agop Tarakçıyan) تامین می کرد، او در سال 1981 مرده بود. لیکن آگوپیان خارج از زمان های مختلف زخمی شدن و مانند آن در دوران تداوی همچنان لیدر تشکیلات مانده بود. با عنصر تشکیلات آزادی فلسطین بودن شناخته شده و اسم "مجاهد" را هم حمل کرده بود.

مجموعه تشکیلات، بر مدل عرفی تشکلات ترور ارمنی متناسب است. کمیته مرکز لبنان، مدیریت فوق ارگان را بر عهده داشت. خصوصا، در سال 1980 این کمیته، در لبنان یک شکل مهم گرفته و بر وصف "بورو" قنடاق شده بود. با متصل ماندن بر کمیته مرکزی؛ همانند کمیته سیاسی، کمیته مالی، کمیته پروپاگاندا و نشر، کمیته اطلاعات و نظامی دارای زیر نهاد و ارگان ها می باشد. کمیته نظامی، در وصف یک ارگان که تیم های عمل هم به آن متصل هستند می باشد.

آماج و اهداف

ASALA، در اواخر سال 1981 با آشکار ساختن "برنامه سیاسی" خود آماج و اهداف خود را به افکار عمومی دنیا منتشر کرده بود. بنابراین هدف ASALA: "با رهبری یک حکومت دموکراتیک، سوسیالیست و اختلاگرا در پی بنا کردن یک ارمنستان متحد می باشد." در اینجا بر کجا (متکی) بودن حکومت تعیین شده هم بسیار واضح و قابل درک می باشد. خواسته شدن هر نوع کمک از اتحاد جماهیر شوروی و دولت های سوسیالیست و "برای جنگ مدید مردم ارمنستان شوروی با یک اساس بودن" قبول می شود.

دشمنان در برنامه سیاسی، در دو گروه جمع می شوند. به یکی از اینها "ارتجاعیون محلی" گفته می شود که، اینها، شامل ارامنه ای هستند که یا در برابر ASALA قرار می گیرند و یا در کنار آن قرار نمی گیرند. داشناک هم در این گروه جای می گیرد. لیکن دومین گروه دشمن با "امپریالیسم بین المللی حامی امپریالیسم تورک" بودن نشان داده می شود.

ASALA، برای رهایی "اراضی ارمنی" (I) اساس راه را در گذر از اعمال خشونت آمیز اختلال گر قبول و اعلان می کند. بنابر برنامه آن: ASALA، منکران تفوق صنف های برتر را پشتیبانی خواهد کرد و درون حرکت اختلال گر بین المللی اتحاد های موقت بنا کرده و برای قدرتمند شدن تلاش خواهد کرد. برای این خشونت و ترور از اصول غیر قابل گذشت می باشد.

در ASALA برای به واقعیت رسیدن اهداف در اجرای اعمال ترور خصوصا بر روی تورک ها و یا دوستان آنها، انتخاب اشخاص رسمی و یا خاص مهم نیست؛ "ترور یک حادثه است و چیزی که مهم است بعد حادثه می باشد." اهداف در پلان دوم می تواند قرار گیرد. به این قتل عام ها، کشتارهایی که انعکاس بزرگ خواهند داشت و بمب گذاری به پلان اول کشیده می شوند؛ کودک، زن، تورک و یا از ملت دیگر بودن و کشته شدن مهم حساب نمی شود. هرچند، در هر بار اولویت اجرای اعمال ترور بر تورک ها و تورکیه داده خواهد شد. دلایل تعرضات تروریستی به راه های هوایی آنکارا - پاریس، اقدام به حمله و قتل عام استانبول در کاپالی چارشی و تهاجم ارلی، تماما برای تاثیر زاده شده از قطر و انعکاس "حادثه" می باشد.

استراتژی ها، رفتار و حرکات

استراتژی اساسی ASALA، جمع کردن حرکات پیش روی ارمنی موجود در دنیا در یک نقطه (لبنان) و هدایت آن از یک مرکز می باشد. به طور خلاصه، ارامنه پیشرو زیر سقف ASALA متحد خواهند شد و "حرکت خلق ASALA" را شروع خواهند کرد. در این صورت، قوای پیش روی ارامنه، با یک دیگر وارد همکاری رسمی خواهند شد و قدرت خود را متحد خواهند کرد.

ASALA این قسمت از استراتژی خود را در تابستان 1981، با دعوت تمام ارامنه پیش روی دنیا به تجمع موجود در لبنان تلاش کرده بود که به اجراء بگذارد. اصطلاح "پیشرو" در مفهوم "سوسیالیست - مارکسیست" استفاده می شود.

دومین مرحله استراتژی هم، با کمک حکومت های سوسیالیست به این واحد قدرت توسعه ترور و شروع کردن دوران جنگ می باشد. ترور ارمنی، یک تکه از مجادله های آزادی موجود در خاورمیانه بوده و با هر حرکت متوجه بر تمامیت ارضی تورکیه می تواند کامل شود. در نتیجه این استراتژی همکاری ASALA-PKK برای خدمت به کمونیسم به میان آمده است.

توسعه سیاسی

توسعه سیاسی ASALA که بنای آن در سال 1975 قبول می شود در دو صفحه می تواند ارزیابی شود. ASALA، در سال 1979 در طول کنفرانس ارمنی در پاریس با تامین نیرهای جدید قدرتمند شده بود. این جریان در سال 1981 به میدان آمده بود، هرچند تشکیلات در سال 1983 دو پارچه شده بود.

اولین عملیات ASALA، توسط آگوپ تاراکچییان (Agop Tarakçıyan) در تاریخ 1976.02.16 اتفاق افتاده بود که در این حادثه سر محرر سفیر تورک در بیروت اکتای جریث (Oktay Cerit) به قتل رسیده بود. ASALA، که در سال 1979، به نزاع های موجود مابین فلسطینی ها ملحق شده لیدر آن آگوپ آگویان (Agop Agopyan) زخمی شده بود. در سال 1979 در طول کنفرانس ارمنی تجمع کرده در پاریس، با تروریست های ارمنی موجود در فرانسه ارتباط برقرار کرده بود؛ بدین ترتیب به تشکیلات ترور اعضای جدید ملحق شده بودند. در بین اینان مشهورترین، آکس ینی کومشبیان (Alex Yenikomsşıyan) و مونته ملکونیان (Monte Melkonyan) می باشند.

ASALA که در سال 1981 شروع به واقعیت رساندن تعداد کثیری حادثه ترور کرده بود، از یک طرف سوئیس، و از طرف دیگر تهدید فرانسه را، شروع کرده بود. گروه های "تشکیلات جدید مقاومت ارمنی" در فرانسه، "آزاد های" در کانادا و "گاپتزر" در انگلیس ملحق شدن خود به ASALA را اعلام کرده بودند. ادامه ترور در یک فعالیت و گستردگی وسیع در این سال ها شروع به اختلاف ها در کادر مرکزی کرده بود. عملیات ترور ASALA که متوجه بر انسان های معصوم هم شده بود، موقعیت تشکیلات در بین افکار عمومی جهان را از عمق لرزانده بود.

با اشغال لبنان توسط اسرائیل هدایت کنندگان ASALA، همراه با فلسطینی ها مجبور به ترک کردن لبنان کرده و در ماه ژوئیه 1983 دو پارچه شده بودند. از اینها گروه آگوپ آگویان، در یونان و خاور میانه ساکن شده؛ بدون تمایز زن و کودک به اعمال تروریستی خود ادامه داده بودند. در این دوران خونین ترین، قابل توجه ترین حادثه تروریستی اتفاق افتاده، قتل عام ارلی می باشد.

لیکن گروه موجود در اروپای غربی تشکیلات، اسم "حرکت اختلالی ASALA" را گرفته بود. این گروه که یک راه ملایم تر را تعقیب کرده بود، در اعمال ترور فقط بر اهداف تورک توجه نشان داده بود. یکی از لیدرهای نخستین این حرکت مونته ملکونیان، لیکن دومی آرا ترانیان (Ara Toranyan) بودند. ترانیان، لیدری یک گروه موجود در پاریس با اسم "حرکت ملی ارمنی" را انجام داده بود. این گروه تعرض ارلی را "تماما یک حمله فاشیستی" توصیف کرده بود.

لیکن ملکونیان هدف گرفتن ایجاد زمینه سیاسی مجادله ارمنی را آشکار کرده بود. بنابراین حرکت دو سو دارد: 1) وارد کردن ارامنه به حرکت، 2) موجود بودن در همکاری با نیروهای دیگر که وارد حرکت بر علیه تورکیه و تورک ها شده اند. ملکونیان که متولد ایران می باشد، در مرحله دوم استراتژی بنای "اتفاق ها" را پیش رانده بود.

در این میان هم آگویان تروریست به فعالیت های خونین خود ادامه داده بود.

پشتیبانی و روابط

لزوم اهداف و سیاست تعقب شده توسط ASALA، در سه وجه پشتیبانی یافته است. اینها به ترتیب می توانند اینگونه خلاصه شوند:

1. اتحاد جماهیر شوروی - بلوک شرق و کشورهای سوسیالیست،
2. کشورهایی مثل یونان و سوریه که از منظر انتظارات ژئوپولیتیک تهدید خارجی - داخلی و تنزل قدرت تورکیه را اساس سیاست های خود حساب کرده اند،
3. احزاب کمونیست، به طور غیر مستقیم تشکیلات ترور ارمنی هنجاک و سمپاتیزان هایشان (همدلان)، اگر در دیدگاه تضاد قرار گیرند حتی کیلیساهای ارمنی.

روابط ASALA با موازی بودن بر استراتژی اجراء شده، با اشخاصی که برای تورکیه تهدید ایجاد می کنند وارد تکتف شده بود. اینها درون فاز 1975-1980 تشکیلات آزادی فلسطین، گروه های عملیاتی احزاب کمونیست و بعضی ارگان های سری دولت ها می باشند. قرارداد عملیات مشترک انجام گرفته با PKK در ماه آوریل 1980 در سیدون لبنان به روابط ASALA توسعه داده بود. با این راه بین ASALA-PKK یگانگی دیدگاه و عملیات بنا شده بود.

لیکن در فاز شروع شده بعد از سال 1983 روابط ASALA در شکل متناسب بر روی استراتژی ملکونیان توسعه یافته، با دادن سنگینی به اجراء ترور درون تورکیه، با هر تشکیلات که امکان و قابلیت به عمل رساندن این استراتژی را به طور مستقیم و یا در شکل غیر مستقیم را داشته بنای روابط اساس گرفته شده بود. در راس اینها باز PKK و ارگان های مشابه مثل TKP و دیگر ارگان های کمونیست قرار می گیرند.

اسباب اشاعه و خبر رسانی

مهمترین و رسمی ترین ارگان نشر ASALA "هایاستان" می باشد. بعلاوه، مجله‌ها دارای نامهای "های - بایکار"، "آرمنیا" و "کایتزر" که در لندن منشتر گشته هم بین ارگانه های نشر در راس قرار می گیرند.

اولین پخش رادیویی ASALA در سال 1981 در بیروت شروع شده بود، زیر نام "صدای ارامنه لبنانی" در روز یک ساعت بخش می شده است. به غیر از اینها، مطبوعات خبر رسانی کشورهای دارای روابط هم برای ASALA از جهت پخش تامین پشتیبانی کرده بودند.

میدان های فعالیت حجیم

تشکیلات ترور ارمنی ASALA، تا بدین روز بیشترین عملیات تروریستی مسلحانه متوجه بر نمایندگان تورک را در فرانسه به واقعیت رسانده است. بعد از لبنان با اساس بودن بزرگترین حرکت استفاده از این کشور قابل مشاهده می باشد. پارتیزان های غدار ارمنی که در این کشور آزادی حرکت دارند، با گرفتن حمایت بزرگ از حکومت فرانسه و موسسه های مختلف ارمنی به راحتی در حال انجام عملیات بوده اند. بعلاوه، با دولت هایی مثل ایالات متحده آمریکا، کانادا، یونان، بخش رومی قبرس، سوریه و ایران هم فعالیت های خود را ادامه می دهند.

آخرین وضعیت تشکیلات و کمپ ها

از دست دادن 3 کمپ ASALA به دلیل اشغال لبنان توسط اسرائیل، تلاش بعضی مدیران فلسطینی که در ملاقات های موجود بین مقامات ایتالیایی برای زدن ASALA از پشت، خواسته شدن استفاده از ارامنه ارتجاعی با کرایه شدن بر ضد ASALA، از طرف لیبران ASALA آگوپ آگوپیان در متن گزارش پخش شده در رادیو که در قسمت غربی بیروت انجام داده بود ذکر شده بود.

گرفته شدن خبر تقسیم شدن مرکز ASALA به سه کانون جداگانه در بخش رومی لفکوشا (قبرس)، آتن و شام، تشکیلاتی شدن درون جمعیت ارمنی در تهران، از طرف وزارت امور خارجه سوئیس اعلام شده بود.

رئیس دایره سیاسی تشکیلات صاعقه فلسطین، شنیدن بعضی اخبار مبنی بر رفتن پارتیزان های تروریست ASALA به الجزایر، تونس، سودان و یمن شمالی را بیان کرده بود. در این میان، کمیته حمایت از محکومین سیاسی تابع ASALA که در سال 1980 در انگلیس بنا شده بود با انجام بخشش ها در بعضی کشورها لیکن در چهار قاعده کلی تلاش کرده بود.

اینها در شکل؛ کمک مادی و معنوی به محکومین، پروپاگاندا درون جماعت، پروپاگاندا خارج جماعت و کمک به حرکت رهایی ملی می باشند.

مونده ملکونیان که از طرف لیدر تشکیلات ترور ASALA آگوپ آگوپیان برای انجام عملیات در تورکیه موظف شده بود در تاریخ 1983 با به واقعه رساندن حادثه کاپالی چارشی استانیول، همراه با رفیق خود سوزی ماشارارژیان (Suzy Mashararjian) موفق به گریختن شده بود.

در تاریخ 1983.07.15 در نتیجه انفجار بمب جاسازی شده در یک چمدان در بخش کنترل اشیاء دفترخانه راه هوایی تورکیه فرودگاه آرلی همراه با خالد ییلماز (Halit Yılmaz) 8 نفر خارجی کشته و به مورد زخمی شدن سنگین 20 نفر جمعا 56 نفر زخمی شده بودند. منته ملکونیان که این حادثه را تلقین می کند، این حرکت ASALA را با تروریسم کور بودن ارزیابی می کند، در آگوست 1983 جدا شدن از ASALA و بنای یک تشکیلات با اسم حرکت اختلال گر ASALA را توضیح می دهد. آرا ثرانیان لیدر حرکت ملی ارمنی هم با تلقین حادثه خونین فرودگاه آرلی، از این به بعد کشین حمایت خود از ASALA را اظهار کرده بود.

بعد از به هلاکت رسیدن لیدر ASALA آگوپ آگوپیان در تاریخ 1988.12.28 در آتن، تشکیلات به سه گروه ASALA-MR (حرکت اختلال گر)، ASALA-PMLA (حرکت خلق) و SASSOON تقسیم شده بود، در تاریخ 1991.12.19 حمله تروریستی وارد شده بر علیه سفارت تورکیه در بوداپست را گروه SASSOON بر عهده گرفته بود.

داشتن یک اساس نظامی مخفی ASALA-PMLA در جزیره آگینای یونان و آموزش تروریست های PKK و آموزش دادن شخصا ژنرال ماتافاس (General Matafias) یونانی معین شده بود.

لیکن در لبنان معرفی شدن یک قرارگاه نظامی موجود در قصبه انجار با عنوان "انجمن ناظرین ارمنی"؛ باز، در بارالیا (میدان بکا) تعلیم نظامی پارتیزان های ASALA و JRA، موجود بودن حدود 60 تروریست ASALA در بخش رومی (یونانی) قبرس و زیر کنترل ارتش محلی در منطقه ایانایا موجود بودن یک کمپ و مسئول بودن هاروت آغباجیان (Harout Agbachyan) درون روابط عالی با PKK و DEV-SOL معین شده بود.

ASALA-MR

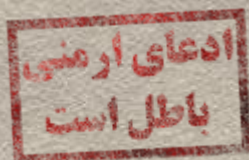
مونده ملکونیان با جدا شدن از ASALA و با ورود به فرانسه در ماه سپتامبر 1983 بنا کردن آپارات نظامی حرکت خلق ASALA یعنی حرکت اختلال گر ASALA (ASALA-MR) را آشکار کرده بود. تصحیح روابط تخریب شده با حکومت فرانسه یکی از مهمترین اهداف شده بود. در حالی که انجام گرفتن اعمال ترور در تورکیه فرض شده بود ASALA-MR بال آمریکای شمالی و اروپای غربی را تماما زیر کنترل گرفته بود و ستیزگران تروریست این مناطق را به صف خود کشانده بود. ملکونیان اراعبرگر، در سال 1993 در طول اشغال قره باغ آذربایجان توسط دولت ارمنستان، در حالی که با تورک های آذربایجان وارد نزاع شده بود به هلاکت می رسد.

JCAG

با رقیب بودن بر حزب ASALA و هنجاک از طرف حزب داشناک ارمنی و ضمیمه آمریکایی آن یعنی فدراسیون اختلال گر ارمنی در سال 1975 در بیرون بنا شده بود. این ارگان با آپارات نظامی حزب داشناک ارمنی بودن در فعالیت نشان دادن بوده، در وحله اول در تاریخ 1975.10.22 با حادثه کشته شدن دانش تونالنگیل (Danış Tunaligil) سفیر توکیه در وین نام خود را به افکار عمومی جهان شناسانده بود. هدف تشکیلات، بنای دولت ارمنستان بزرگ مستقل توضیح داده شده بود.

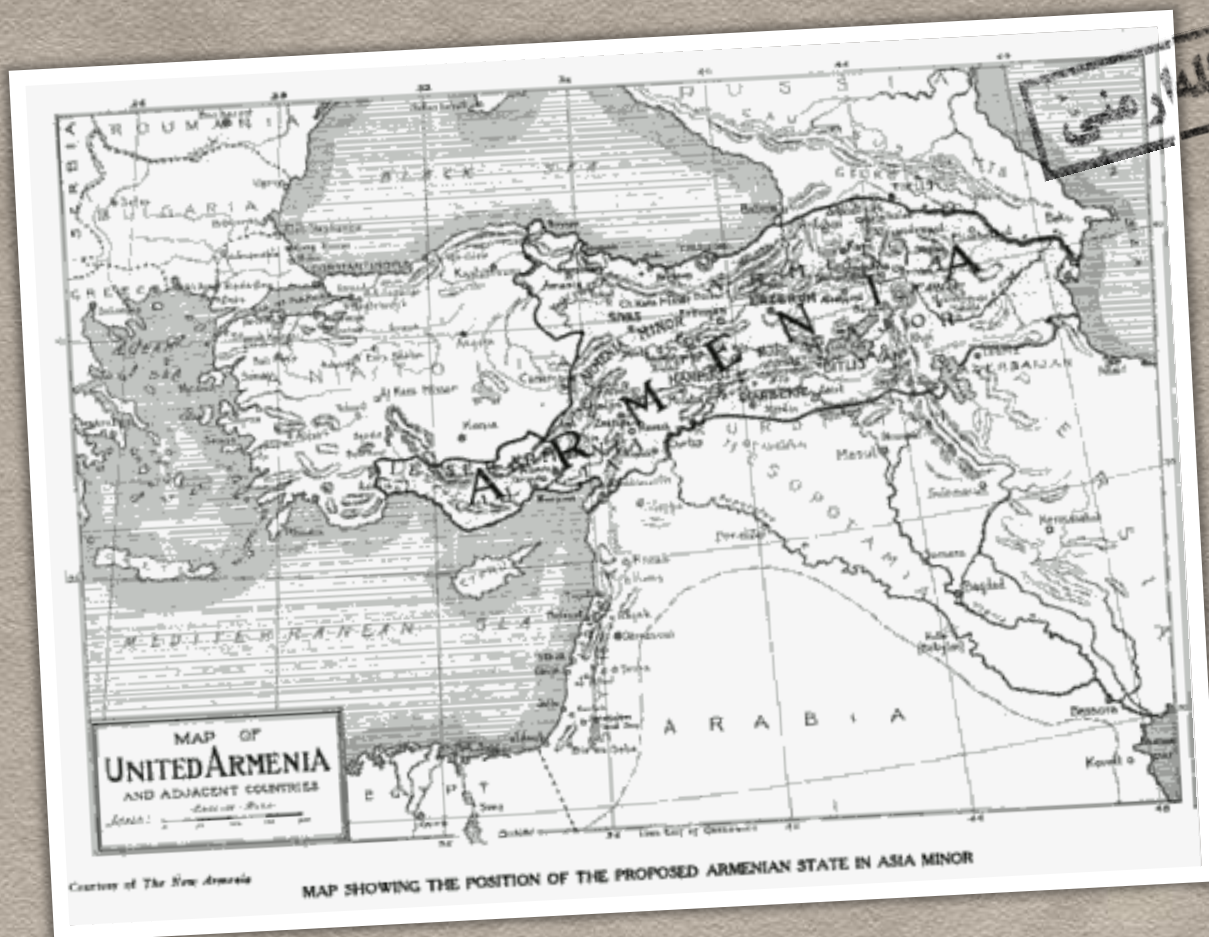
ARA

در فرانسه بنا شده است و در وحله اول در تاریخ 1983.07.14 حادثه کشته شدن آتاشه اداری سفارت تورکیه در بروکسل دورسون آکسی (Dursun Aksoy) را با بر عهده گرفتن همراه ASALA و JCAG اسم خود را شناسانده بود. دفاع ARA از راسیسم و تبعیض نژادی، مخالف بودن آن با کل متدها و افکار ASALA، پشتیبانی شدن آن از طرف حزب داشناک ارمنی - کماندوهای عدالت نسل کشی ارمنی (!) (JCAG)، موسسات ارمنی و تشکلات ترور ارمنی غیر از ASALA و حرکت کردن نظری و تطبیقی آن در موازات JCAG قابل ذکر می باشند.



خولیای سقیم ارمنستان بزرگ

ارمنستان بزرگ و یا ارمنستان متحد (!)، از سوی ارمنه از زاویه تاریخی و قومی مانند خاک ارمنه به قوه تخیل و پندار کشیده شده و ادعای یک سیاست ایردنتست (irredentist) که هدف متحد کردن ارمنستان را دارد می باشد. به غیره در اکثر این اراضی که امروز شرق تورکیه را تشکیل می دهد ادعای انجام گرفتن نسل کشی ارمنی (!) می شود. به علاوه اراضی جمهوری آذربایجان (شمالی)، آذربایجان جنوبی و گرجستان هم شامل ادعای معوق ارمنستان بزرگ می شود.



نقشه پیشنهادی ارمنستان بزرگ به کنفرانس صلح پاریس در 1918.12.04

قبل از جنگ جهانی اول اکثر ارمنه عثمانی در شرق آناتولی ساکن بودند آنها در این منطقه حدود 15% نفوس را تشکیل می دادند، لیکن در مرزهایی که با نام ارمنستان بزرگ بر روی کاغذ کشیده شده است، در جنوب غربی ترین منطقه آن یعنی منطقه ای که امروز نیمی از استان آناتولیای تورکیه شامل آن می باشد، نفوس ارمنی در سنجق آناتولیا بنابر آمار سرشماری رسمی دولت عثمانی در سال 1914 چیزی در حدود 630 نفر بود، نکته ای که نشان دهنده دور بودن ارمنه از درک واقعیت های اجتماعی ساده می باشد، واقعیت هایی که هرگز بر روی هلوسات ارمنی بنا نشده بودند تا زمان تغییر مزاج ارمنه فرو بریزاند.

ارمنستان بزرگ تاریخی: تصور مرزهای ارمنستان بزرگ شامل متصرفات فنودال های ارمنی در زمان دیکران دوم (II. Dikran) می باشد. این تصرفات ارمنی از دریای خزر تا مدیترانه امتداد داشته. در دوران عثمانی نقشه توصیه شده "ارمنستان متحد" از طرف نمایندگی جمهوری دموکراتیک ارمنستان به کنفرانس صلح پاریس 1918 با اعتبار اساسی، "ارمنستان بزرگ تاریخی" را به دست می گیرد.

ارمنستان بزرگ قومی: این ارمنستان شامل اراضی می باشد که ارمنه در زمان امپراتوری عثمانی و روس در آن با اقلیت بودن زندگی می کردند. فقط در نتیجه مواجه شدن یک دولت اقلیمی بدون داشتن مرز آبی با مسائل اقتصادی و بین المللی با علاوه شدن اطراف (سواحل) ترابزون به نقشه این ارمنستان، ارمنستان قومی وسعت داده می شود. این توسعه طلبی در ارمنستان ویلسون هم موجود می باشد. تعبیر مدرن ارمنستان بزرگ، از توسعه داده شده به ارمنستان قومی آمده است.

ارمنستان بزرگ امروزی: امروز اصطلاح استفاده شده "ارمنستان بزرگ" از طرف فدراسیون اختلال گرای ارمنی (داشناک) شامل مناطق فعلی ارمنستان، آناتولی شرقی (یک قسم)، دریای سیاه شرقی، قره باغ (آذربایجان)، نخجوان و سامتسخه-جاواختی (اخیسکای گرجستان) می شود.

هویت ارمنه و خرافه ارمنستان بزرگ (بنابر منابع روس و ارمنی - بخش الحاقی)

در این بخش از زاویه حفظ ارزش معقول و عینی، عموماً به منابع روس و ارمنی استناد شده است. تا چگونگی تقرب آنها به موضوع بیشتر آشکار شود. تا دیده شود که این مورخان (تالیف کننده این منابع) در موضوع تاریخ واقعی ارمنی و هویت آنها دارای چه نظراتی هستند؟ از این نظر در این بخش با اسم علم از زاویه متفاوت هدف دیدن پیموده شده است. در حقیقت تاریخ ارمنی بنابر اظهار مورخین ارمنی در تاریکی مانده است. به همین علت هم ارمنه از زاویه علمی به سهو افتاده و به تاریخ از زاویه خودشان نگاه کرده اند. عموماً، ارمنه تاریخ خود را مثل آنچه که دیده می شود (البته اگر مجهولات تاریخ آنها اجازه دهد) نه، بلکه همانند چیزی که سلیقه و مزاج جامعه امروزی ارمنی می خواهد ببیند، نوشته اند. که این تقرب با اسم علم حقایق را منعکس نخواهد کرد. در این بخش هویت ارمنی، مهاجرت آنها از طرف روس ها به قفقاز جنوبی و در مورد نخستین بنای دولت در تاریخ آنها اطلاعاتی جای گرفته است. (*)

اگر اشخاص علمی ارمنی بخواهند تاریخ ارمنی را به دوران قدیم تر هم ببرند در حقیقت در مورد تاریخ کهن جامعه ارمنی کلاً یک اتفاق نظر وجود ندارد و در ابهام مانده است. آگوپ ملک آگویان (Agop Melik Agopyan) از عالمان ارمنی، در اثر خود با نام "سامول (Samvel)" که با نام دیگر خود آن را نوشته است در مورد تاریخ جامعه ارمنی اینها را معین می کند: "... در تاریخ ما مردم تماماً فراموش شده اند. ما طرز زندگی ارمنی روستایی را نمی دانیم. "با اربابان خود" در چه ارتباطی بوده، چه می خورده، چه می آشامیده و چه نوع لباسی می پوشیده را نمی دانیم. ما مشغولیت صنعت کاران ارمنی به چه چیز و حتی روابط تجاری بازرگانان ارمنی با کدام کشورها را هم نمی دانیم. تاریخ ما در مورد تمام این موارد ساکت مانده است... در تاریخ ما، حتی در مورد زن هایمان که با عزم ترین قدرت مردم مان هستند هیچ معلوماتی موجود نیست..." (1)

و بعد او با ذکر این که، "بدین گونه، تاریخ خشک ما به مورخ خیلی کم معلومات می دهد. ادبیات قدیم ما از نوشته های کلیسا (2) به آن سوتر نرفته است... در ادبیات کهن ما طرزهای زندگی، عادات، رسوم، تصویر روابط خانوادگی و اجتماعی موجود نیست..." (3) ادامه می دهد.

او و یا مورخین دیگر هم مثل: خورنلی مُیس (Khorenli Moise)، ثما آردزرونی (Toma Ardzrouni) و غیره، ما بین خودشان در مورد تاریخ کهن و ریشه ارمنه درون اتفاق نظر نیستند. این هم باعث مورد بحث قرار گرفتن موضوع کجا بودن وطن مادری آنها می شود.

بعضی مورخین، تاریخ ارمنی را به سال 2350 ق.م با تکیه دادن به طوفان نوح، اگر با ادعاهای نواده نواده نوح یعنی "های" و "هایک" هم شروع کنند این ادعا با نام علم حقایق را بازتاب نمی کند. در همان زمان دیدگاه های مشابه دیگر هم ارمنه را به اورارتو ها، به نسل تراک - فریک، به نژاد قفقاز جنوبی، به نژاد توران، به هیتی ها و سایر موارد تلاش به ربط دادن می کنند که به هیچ کدام با دلیل برخورد نمی کند. (4)

بنابر دقت کشیده شده توسط پاول هنزه (Paul Henze) به تناقض موجود در تاریخ ارمنی، بررسی تاریخ ارمنی آسان نیست. این تاریخ طولانی، درهم، قسماً تاریک و عموماً دارای مناقشه است. تاریخی ارمنی هرچه باشد تماماً از طرف ارمنه نوشته شده است. چرا که شخصی که تاریخ خود را می نویسد در تمایل به تجلیل و تمدح آن سعی می کند نکات عینی قابل بحث را در یک شکل از بررسی دور نگه دارد. در ارمنه خصوصاً این وضعیت دیده می شود و اعتباراً از اواسط قرن بیستم خیلی خوب به میان آمده است. (5)

ارمنه تاریخ خود را مثل آنچه که دیده می شود نه، بلکه مثل چیزی که می خواهند ببینند نوشته اند و پروپاگاندای آن را هم انجام داده اند. با برداشتن تاریخ خود به زمان های باز قدیم تر ظهور مدنیت دنیا، خط، تنجم و کشف فلزاتی مثل آهن و مس توسط آنها در معدن کاری و ادعاهایی مثل شروع حیات بشری در دنیا از سواحل دریاچه گوکچه (سوان) (6-7) به غیره با ادعایی چون اولین جامعه ای که مسیحیت را قبول کرده اند سرگرم به تمدح از خود شده اند. (8) زُری بالایان* (Zori Balayan) که از ایدئولوژیست های هایاتاهت (Hai-Tahd) (9) بوده و با دیدگاه های افراطی قوم پرستانه خود مشهور است، ادعا می کند ایروان پایتخت ارمنستان 2729 سال قبل (10) بنا شده است. به نظر او ایروان به اندازه رم و بابل یک شهر آنتیک می باشد. او با سعی در توضیح مکان نامی ایروان همچنین ادعایی را پیش رانده است: "... بنابر افسانه، حضرت نوح بعد از طوفان اولین تکه خشکی که دیده فریاد زده "ایروومه" یعنی "دیده می شود" و بدین ترتیب این تکه خشکی با نام ایروان وارد تاریخ می شود..." بالایان در همان زمان در بین سطر از ارمنی بودن حضرت نوح هم سخن گفته است. (11)

* زری بالایان که در اشغال نظامی قره باغ آذربایجان توسط جمهوری ارمنستان خاطره و به ظن خود تاریخ نویسی می کرده (خاطرات زری بالایان - کتاب جان گرفتن روح مان) همراه با جلادان سفاک ارمنی که در آذربایجان حوادث کودک کشی فراوانی را به واقعه رسانده بودند به نحوی سعی کرده اند خود را هم قسمتی از تاریخ، خصوصاً تاریخ آذربایجان که یاد آن با لعنت آنها همراه خواهد بود، کنند. چرا که کودکان آذربایجانی افتاده به دست آنها ابتدا پوست و گوشت قسمت های مختلف بدن آنها کنده و بریده می شده و بعد از جان دادن، یا سوزانده می شدند و یا تکه تکه شده و غذای حیوانات می شدند. ذکر یاد این کودکان به عنوان کودکان ابدی آذربایجان نشانه ای از مظلومیت مردم آذربایجان در روزهای توحش غدارهای ارمنی می باشد.

دکتر هانریش پودر (Hanrich Pudor)، همراه با مسیحی بودن ارامنه از نژاد سامی بودن آنها، از توصیفات قابل توجه ظاهری آنها بینی برآمده، کلفت و ثقیل؛ ال سوfer (L. Sufer)، هم آمدن ارامنه و یهودیان همراه هم از هیتی ها؛ دیلیو. اس مونرو (W. S. Monroe) از نظر نژادی قوم و خیش بودن ارامنه با ایرانی ها، بلوچ ها و کلی ها، متفاوت بودن رنگ پوست آنها از سفید به رنگ زیتونی، ریش های دارای رنگ کتانی و یا رنگ شاه بلوطی، چشم های درشت سیاه و آبی، در بینی آنها همانند بینی یهودیان موجود بودن یک برآمدگی و به همین دلایل به آنها یهودیان مسیحی گفتن را به پیش رانده بودند. (12) هویت ارامنه و تشکل یافتن آنها در کجا را عالم ارمنی مانوک آبکیان (Manuk Abekyan) در این شکل ذکر می کند: "... منشاء مردم ارمنی چه است، چگونه و چه زمان، از کجا و از کدام راهها به اینجاها (13) آمده اند، قبل از این که ارمنی باشند و بعد با کدام جوامع در روابط حاضر بودند، به زبان و ریشه قومی آنها چه کسانی چگونه تاثیر گذاشته اند؟ در دست ما معلوماتی که اینها را واضح و قطعی اثبات کنند وجود ندارند..." (14)

عالم روس وی. ال. ولیچکو (V. L. Veličko)، معلومات بسیار مهمی در مورد تاریخ و منشاء ارامنه داده است: "... ارامنه چه کسانی هستند؟ موضوع منشاء اصلی آنها بسیار کم بررسی شده است. تاریخ اسارت آنها در دوران بابل و بعد از فروپاشی قدس (اورشلیم) مخلوط شدن آنها با توده بزرگی از یهودیان را اثبات می کند. از منظر انسان شناسی اکثریت قریب به اتفاق آنها کله کوتاه (brachycephalic) هستند. یعنی عرض سرشان از طول آن بیشتر می باشد، کله کوتاه ها همانند چیزگی که در بررسی ها، شانتر (Shantr)، ارکرت (Erkert)، پانتیوگو (Pantyukov) و دیگر اشخاص علمی ذکر کرده اند، از این جهت به یهودیان کوه، حتی به سیروگیلانی ها (آسورها) بیشتر شبیه هستند.

پروفسور دکتر دی. ان. آنوچین (Prof. Dr. D. N. Anuçin)، از قبیله آریایی نبودن ارامنه، بلکه قطعا از نظر زبانی به یک قبیله آریایی شدن آنها دقت می کشاند. تمام آنهایی که همراه هم فکر می کنند ارمنی اند، اکثر آنها هیچ هم خاص ریشه اصیل ارمنی نیستند. مجله ارمنی "مورچ"، با بحث کردن در مورد موفقیت های آسیمیله کردن مردمان دیگر در اواخر سال های 1890 در بین ارامنه تشکل اکثریت، توسط کلی هایی که آسیمیله شده اند را نشان می داد.

انسان شناس قفقاز دکتر آی. آی. پانتیوگو (Dr. İ. İ. Pantyukov)، در مورد گروه های بزرگ ارمنی به یک نتیجه قابل توجه تر رسیده بود. او، زمان آمدن مهاجرین نیم وحشی از تورکیه به تقلیس با سود بردن از فرصت زمان، بعضی از مقیاس های انسان شناسی ارامنه تورکیه را گرفته بود. با اعتبار نتیجه، قسمت بزرگی از آنها بنابر توصیفات جسمی، از اقوام کرد اصیل بودند..." (15)

بعضی مورخین هم، در آذربایجان تبدیل تورک ها به یک ملت را، با آمدن سلجوقیان به آذربایجان ربط می دهند و تورک ها را در این دوران به عنوان تبدیل شده بر عنصر اتنیک حاکم تلقی می کنند. (16) بعضی از مورخین هم تاریخ تورک های آذربایجان را به دوران های بسیار قدیم تر می برند. حال به اسنادی که منابع آنها را می دهند استناد کنیم؛

بنابر بعضی از نوشته های میخی، در شمال بین النهرین، در حدود آذربایجان و آناتولی رد بعضی اقوام تورک دیده می شود. یکی از اینها، در سطر 15 متن "شامتامحاری (شارتامحاری)" می باشد. (18) در سطر، جنگ فرمانروای "17 شمال" با نارامسین فرمانروای آکاد (اکد) در سال های 2200 ق.م ذکر شده است. باستان شناس مشهور پروفسور لوپس دلاپرت (Louis Delaperte)، در سال 1936 اسم یکی از آنها را در شکل "Tourki krali illoushoumail" لیکن پروفسور آلمانی ان. جی. گوتنبوک (Prof. N. G. Gutenbock) در سال 1938 آن را در شکل "Turki krali İlşu Nail" خوانده بودند. یکی از محققان معاصر، به سوال هویت این "فرمان روای تورکی" جواب ذیقانه را اینگونه داده بود که: "... تا زمان این که عکس آن اثبات نشود اینها تورک ها هستند..." (18)

منابع گرجی، در قرن چهارم ق.م حدودا 2400 سال پیش در قفقاز از موجودیت اقوام دارای اصالت تورک بحث می کنند. در سال نامه ذکر می شود که: "... بونتورک ها به عبارت دیگر، تورانی ها فرمانروای پارس کیخسرو را از حدود خود رانده و برای دور کردن آنها از دریای خزر تا نهر کورا با گرفتن راه تا فوق به متشتا با 28.000 خانواده آمدند. بونتورک ها در تعهد مبنی بر کمک به متشتا ماماشلی و تمام کارتول ها یعنی گرجی ها با اذن آنها برای مجادله در برابر پارس ها در مناطق غربی متشتا ساکن شدند..." (19) کارتلیس تشو ربا، "مکتسوی کارتلیسا" و در دیگر منابع هم در مورد بونتورک ها معلومات داده اند، در این منابع در دوران قبل از سفر اسکندر مقدونی و حتی قبل از فروپاشی اورشلیم فرمانروای بابل نُخودنُزُر، یعنی در سال 586 ق.م از حضور و زندگی کردن بونتورک ها در کارتلی ذکر شده است.

در کارتلیس تشو ربا، زمان آمدن اسکندر مقدونی به سوی شرق، برخورد آنها با بونتورک ها و جنگیدن با آنها جای می گیرد. بنابر عقیده عالم گرجی لونتلی مِرولی (Leonti Mroveli)، بونتورک ها در نزدیکی های متشتا با انتخاب یک مکان آنجا را انشاء کردند، در اطراف آن سد هایی کشیدند و این مکان را سرکیبه نام گذاشتند. ناشر این منبع، اس. وای. تاکایشویلی (S.Y. Takayşvili) هم از بونتورک ها به عنوان یکی از ساکنان قدیمی قفقاز سخن می گوید. او، از یک نسل بودن بونتورک ها و تورک ها، یعنی به عبارت دیگر

تورانی بودن آنها می نویسد. بونتورک از ترکیب دو کلمه تشکیل می شود: بونی و تورک. بونی یک لغت قدیم تورکی بوده و به معنی "اصیل" می باشد، و بونتورک ها معنی تورک های اصیل را می دهد. (20)

همانند این، در مورد اقوام مختلف تورک مثل کنگرها، چنک ها، آبلان ها، ساوارها و دیگر اقوام که در دوران قدیم در آذربایجان زندگی می کردند به اندازه کافی منابع وجود دارد. برای نمونه مثلاً: باستان شناسان در آذربایجان در قبور متعلق به هزاره دوم و اول ق.م تصاویری از لاک پشت کشف کرده بودند. شباهت تصاویر این سنگ های مزار موجود در آذربایجان با تصاویر لاک پشت موجود بر روی کتیبه کولتیکین (731-732 ب.م) یکی از دلایل اساسی موجود بودن مردمان تورک در آذربایجان از دوران ق.م می باشد.

با رجوع به منابع زبان عربی: ابو محمد/ عبدالملک بن هشام (21) (Ebu Muhammed/ Abdü'l-melik İbn Hişam)، در اثر خود با نام "کتاب التجان فی ملوک حمیر" (22) (Kitabü'l-Tican fî Mülük Himyer)، عبید بن شریة الجرهمی (Übeyd İbn Şeiryye el-Curimi) که هم عصر با خلیفه اعراب معاویه اول (661-680) بوده در مورد آذربایجان معلومات قابل توجهی را می دهد. الجرهمی، همانند ابو محمد بن هشام، مورخ با اعتبار از نسل مشاوران طایفه حمیر بوده. زمان انتخاب به سبب هوش و علم خود از یمن به مکه دعوت شده بود و به عنوان مشاور خلیفه اعراب معاویه اول شروع به خدمت کرده بود.

کتاب مذکور ابن هشام در اصل از مصاحبات انجام گرفته بین معاویه اول و الجرهمی شکل گرفته است. در کتاب زمان اولین سفر اعراب در مورد رو در رو شدن سپاه آنها با تورک ها در آذربایجان اطلاعاتی جای گرفته است: "... در زمان فرمانروای یمن رایش فرمانده سپاه او شمر بن (ذی الجوشن) فرط ضیایی کلایی (Şimr İbn el-Kaddaf İbn el Müntab) بعد از بدست آوردن غالبیت با سپاه 100 هزار نفری خود در برابر تورک ها وارد آذربایجان شد. در جنگ تورک ها مغلوب شدند. شمر بن ذی الجوشن جنگ انجام گرفته بین تورک ها و مغلوبیت آنها را روی دو سنگ به نوشته شدن داد...". نوشته های ابن هشام را محمد بن جریر بن الطبری (Ebu Cafer Muhammed İbn Cafer et-Taberi) هم تصدیق کرده و در کتاب خود از آنها بحث می کند. در کتاب ابن هشام، صحبت های موجود بین شریة الجرهمی و معاویه هم نقل شده است. الجرهمی به سوال معاویه اول که "معلومات، نگرانی و تذکرات شما در مورد آذربایجان چه هست؟" جواب: "... آنجا از زمان بسیار قدیم وطن تورک ها می باشد. آنها با آمده به یک میان متحد و آمیخته شده اند..." (23) را داده بود.

به مورد آنچه که در منابع ذکر شد، تشکیل ملت در آذربایجان تا دوران قدیم تر می رود. بدون رجوع به این منابع تاریخی، محققانی که تشکیل ملت در آذربایجان را با ورود سلجوقیان به آذربایجان در قرن 11-12 ربط می دهند از نظر علمی به اشتباه افتادن آنها در هر حال واضح می باشد. حال اینکه تاریخ با اسناد نوشته می شود و به اسنادی چند که حضور مردم تورک در آذربایجان از دوران قبل از میلاد و قبل از اسلام را اثبات می کنند رجوع شد. به عقیده بعضی مورخین، تا قبل از آمدن سلجوقیان منشاء نفوس آذربایجان فارس بوده و با آمدن سلجوقیان مردم آذربایجان تورک شده اند، ولی همان سلجوقیان چرا مردمان ایران و کشورهای همسایه آذربایجان را تحت تاثیر قرار نداده اند؟ لیکن اگر طبق عقیده محدود و سطحی این اشخاص به موضوع نگاه کنیم اگر سلجوقیان همچنین سیاستی داشتند آن زمان حضور ارامنه تا به این روز ادعای آنها را دچار تناقض می کند. حال فرض کنیم که مردم آن زمان فارس بوده اند با این حال باز همان مردمانی هستند که ارامنه ادعا می کنند خاک های آنها (خاک هایی که ارمنستان تصور شده)، توسط این مردمان که فارس بودند اشغال شده است. در اصل سلجوقیان برای تغییر این محیط تلاش نکرده اند، بلکه در امور دولتی و در کاخ و سرا از زبان تورکی نه، بلکه از زبان فارسی استفاده کرده اند. لیکن باز هم در ادعاهای ذکر شده آنها تناقض حاصل می شود. چرا که اگر بحث در این باره ادامه پیدا کند مدعیان خواهند گفت که سلجوقیان بنابر تحت تاثیر قرار گرفتن از زبان فارسی و مدنیت ایران این گونه شیفتگی از خود نشان می دادند و با تناقضات خود جواب ادعاهای پریشان خود را اینگونه خواهند داد، در واقع آن زمان این ادعاهای سطحی متزلزل منشاء گرفته از کور منطقی و یا اختصام را از هوا به زمین و از زمین به زمین کوبانده اند.

با مراجعه و توجه به مفهوم هایی چون "نسل های آمده" و یا "مردمان بومی" ندیدن این نکات هم غیر ممکن می باشد. یعنی این یک حقیقت می باشد که، هیچ خلقی، هیچ ملتی از زمان تشکیل شدن آنها در دنیا در همان خاک ها زندگی نکرده و موجودیت مطلق خود را نمی تواند اثبات کند. خلق ها از دوران های بسیار قدیم به دلایل مختلف در خاک هایی که در آن موجود بودند ریشه انداخته اند و به وضعیت امروزی خود رسیده اند. کسانی که به عکس این معتقد هستند زمانی که با اسم تاریخ حرف می زنند در اصل از تاریخ بی خبر هستند. در اینجا تنها مسئله نسبت می تواند باشد. یعنی تاریخ آن جغرافیا از تاریخ مردمانی که بر روی آن زندگی می کنند قدیمی تر می تواند باشد. در واقع، نا تناسبی تاریخ منطقه و تاریخ مردمانی که در آنجا زندگی می کنند اکثر مواقع یک حقیقت می باشد. اگر این یک حقیقت انکار نشدنی می باشد آیا به ملتی می شود اینگونه گفت که "اینجا مال تو نیست" اگر گفتن این ممکن باشد، در آن زمان لازم است که مردمان اروپایی ساکن قاره آمریکا و ملل موجود در بالکان و تورک های آناتولی وطن خود را ترک کنند. به طور خلاصه، این نکته باید دانسته شود که در هر کدام از صفحه های تاریخ حکم راندن و یا زندگی کردن بر روی تکه ای خاک در طول تاریخ ادعای صاحب بودن بر آن خاک را معتبر نمی کند. چرا که دول مستقل قبول کننده حقوق بین المللی جوامع و دولت ها، آن مللی نیستند که برای اولین بار به آن خاک ها آمده و زندگی کرده اند.

همانند آنچه که دیده شد، در حالی که زیر این خصوص ها خط کشیده می شود، "با تکیه به وثیقه های اصول شناسی علمی قبول شده از طرف تاریخ کتبی اثبات شدن" یک "دولت ارمنستان بزرگ (بنابر هلوسات امروزی ارمنه)" موجود نبوده. چنانچه به مورد ادعای ارمنه بین اراضی قزل ایرماق، دریای سیاه، گرجستان، ایران، دریای خزر و عراق (24) دولتی که دارای سپاه، شهرهای مهم، جنگ ها، غالبیت ها و مغلوبیت ها بوده وجود نداشته.

در مقابل این منظره، در طول تاریخ نه ارمنستان مستقل و نه موجودیت مردم ارمنی در ارمنستان متحد می تواند موضوع بحث شده و به عنوان یک حقیقت تاریخی دیده شود. در این وضعیت حرف زدن از یک دولت ارمنی بسیار سخت خواهد بود.

هر چقدر هم تاریخ خود را به دوران کهن تر و قدیم تر بردارند از زاویه تاریخ آذربایجان مهم و حقیقت این است که، ارمنه به قفقاز جنوبی، خصوصا به آذربایجان و منطقه ارمنستان امروزی، به موجب ماده 15 عهد نامه تورکمن چای بسته شده بین ایران و روسیه در سال 1828 که مسبب مسئله قره باغ تا به امروز می باشد، از طرف روس ها به کوچ گرفته شده اند. در اصل در رابطه با این موضوع، عالم نویسنده سنت پترزبورگی نیکولای شاورو (Nikolay Shavrov) که در آن دوران در تهران نماینده صلاحیت دار کامل روسیه بوده در اثر خود حقایق را تصدیق می کند: "... ما کلونی سازی (مهاجر نشینی) در زاققازیا (25) را از روس ها نه بلکه با مسکون سازی دیگران شروع کردیم. بعد از جنگ های 1826-1828، در بین سال های 1828-1830 در دو سال بیش از 40.000 ارمنی از ایران و 84.000 ارمنی از تورکیه را در ولایت های گنجه، ایروان مناطق بورچالی، آلهالتسیخه و آخالکالاکی ولایت گرجستان در خاک هایی که بهترین اراضی مردم بودند مسکون ساختیم. برای مسکون شدن آنها 200.000 دسیات اراضی دولت جدا شده بود و به اندازه 2 میلیون روبله اراضی شخصی از مسلمانان خریده شد. ارمنه در قسمت کوهستانی گنجه و گوکچه گول (دریاچه سوان) سکونت داده شدند. باید قبول کرد که، غیر از 124.000 ارمنی مسکون شده رسمی همراه سکونت داده شدگان این تعداد از 200.000 گذشته است. در راس این قرن از 1.3 میلیون ارمنی موجود در زاققازیا بیش از یک میلیون ارمنی در راستای منابع معین شده، مردم بومی منطقه نبوده و از طرف ما مسکون سازی شده اند..." (26)

مورخ ارمنی ام. جی. نرسیان (M. G. Neresyan)، بعد از معاهده تورکمن چای با تصدیق مهاجرت دادن ارمنه از ایران و تورکیه به ایروان و منطقه قره باغ اینگونه می نویسد: "... در بیست سال آخر قرن نوزدهم به این مناطق (27) بیش از 40.000 ارمنی از ایران و 90.000 ارمنی از تورکیه مهاجرت داده شده بودند..." (28)

پی لیپراندی (P. Liprandi) هم در اثر خود بعدها از آمدن ارمنه به منطقه سخن می گوید، (29) مهاجرت دادن آنها به قفقاز را لیکن قسمتی از سیاست امپریالیسم روسیه در این منطقه ارزیابی کرده بود. (30) اطلاعات مرتبط با مهاجرت دادن ارمنه در آثار ای. کا. ینیکولوپو (İ. K. Yenikolopov) (31)، اس. وی. شوستاکوویچ (S. V. Shostakoviç) (32)، مورخان ارمنی از جمله چ. پی. آگایان (Ç. P. Agayan) (33)، جی. ای. گالیان (G. A. Galoyan) (34) وی. ای. پارسامژیان (V. A. Parsamjyan) (35) و در ماتریال های آرشیو (36) هم جای گرفته است.

در طول جنگ جهانی اول، یک مورخ، در گزارش تقدیم کرده خود به مقامات رسمی اینگونه نوشته بود: "... ارمنه ای که ترانس قفقازیا و آذربایجان را از تورک های پیش آسیا جدا می کنند، میان جوامع تورک مانند یک تامپون (هر کهنه جا گرفته بین شکاف) جا گرفته اند. ما به نابود شدن این تامپون و به جای آن آمدن یک توده مسلمان که دشمن ما هستند اجازه نمی دهیم..." (37)

همانند آنچه که دیده شد، ساکنان قدیمی و بومی قفقاز نبودن اکثر ارمنه ارمنستان و آمدن آنها بعد ها به این مناطق، خصوصا مهاجرت داده شدن آنها (برای وظیفه ای که ارمنه از طرف روس ها مشرف به انجام آن شده بودند) بعد از معاهده تورکمن چای در سال 1828 بین روسیه و ایران در آثار مورخان روس و ارمنی موجود می باشد. همانند نوشته های تصدیق کننده این واقعیت توسط دیگر عالمان، هرچه باشد ارمنه مهاجرت داده شدن شان از طرف روس ها به قفقاز را فراموش می کنند.

بطور کلی، در رابطه با دولت نداشتن ارمنه در قفقاز یک عالم خارجی دیگر در اثر خود به موضوع اینگونه رجوع می کند. عالم فرانسوی ژوری د مولویل (Jorj de Molevil)، در رابطه با عدم موجودیت ارمنه در قالب یک دولت مستقل اینها را ذکر می کند: "...جمهوری ارمنی که با اراده انگلیس به مورد اخبار امپراتوری تزار روس بنا شده بود عمر کوتاهی داشت (1918-1920)، در طول تاریخ ارمنی تنها دولت مستقل ارمنی بود که موجودیت خود را قید کرد..." (38)

بعضی از اشخاص علمی بسیار جدی مخالفت ادعای ارمنه در مورد قفقاز خاک قدیمی ارمنستان و قدیمی ترین ساکنان آن یعنی ارمنه هستند. و این حرکت خود را در آثار خود به صورت آشکار معین کرده اند.

اعتبارا از اواخر قرن نوزدهم با حمایت میسیون های اروپایی محتوا و هدف اصلی پروپاگاندای ایدئولوژی حاضر و هدایت شده بر علیه دیگر خلق های قفقاز از طرف ارامنه را عالم روس وی. ال. لپچکو، در کتاب خود اینگونه توضیح می دهد: "... در مدارس محلی ارمنی دانش آموزان نقشه ارمنستان بزرگ را که اراضی آن تا وُرُنژ می رسد و پایتخت آن تفلیس می باشد را یاد می گیرند..." (39)

طبیعی است که، این ذهنیت ارامنه از طرف تمام قفقازی ها، از آن نظر تورک های آذربایجان و گرجی ها مثبت تلقی نمی شود. یکی از عالمان گرجی که در قرن گذشته زندگی می کرده با نام ایلیا چاوچاوازه (İlya Çavçavadze)، تفکرات خود درباره ذهنیت پلوتوکراسی و الیت (منتخب) ارمنی را اینگونه توضیح می دهد: "... مگر کتاب هایی که حقوق گرجی ها در خاک های اصیل گرجی را انکار می کردند، آیا کتاب های یریتشو، هوداباشو (Hudabaşev) نبودند؟ مگر الیت ارمنی نبود که، در عصر گذشته به وسیله سنکوسکی (Senkovski) در گرجستان موجود نبودن گرجی ها و وجود ارامنه و دیگر خلق ها در اینجا را در شکل اخبار ساختگی و دروغ منتشر می کرد و خودشان اینگونه می گفتند: یک قسمت از گرجستان همراه با شامل بودن تفلیس به آن از دوران بسیار قدیم متعلق به ارامنه بوده..." (40)

ایلیا چاوچاوازه، نمونه کلاسیک کسانی که برای ارامنه تلاش می کردند و به دام آنها افتاده بودند را در این شکل می دهد: "... زمان آخرین جنگ در سال 1877 روزنامه "Temps" فرانسوی به مملکت ما یک روزنامه نگار با اسم کوتولو (Kutulu) فرستاده بود... دقت کنید، روزنامه نگار در حال رسیدن به دست ما در مورد اینکه به دست چه کسانی افتاد بود چه می نویسد؟ در حوالی ایستگاه قطار بالتا در شکلی از قبل طرح ریزی شده یک سرباز ارمنی شوشایی از او پیش نوازی می کند. او، روزنامه نگار فرانسوی را با وسیله خود به تفلیس می برد و در حال طی راه تلاش به اثبات متعلق بودن تمام سنن، رسوم، شهرها و عید ها به ارامنه می کند. روزنامه نگار فرانسوی که بسیار استادانه به دام افتاده بود چه کار می توانست انجام دهد؟ همه چیز مال ارامنه شده بود: پارلمان مال ارامنه، فیلسوفان مال ارامنه، غذاها، ضیافت ها و عید ها مال ارامنه و تفلیس هم شهر ارامنه بود. شخص خارجی که استادانه فریب خورده بود آیا می توانست نتیجه دیگری هم به دست آورد؟ روزنامه نگار فرانسوی کوتولو که حیران مسافر پروری ارامنه گشته بود، قبل از این که از تفلیس جدا شود این جمله را به زبان می آورد: "شاید، حضرت آدم هم ارمنی (ارمنستانی) است؟" (!) بدین ترتیب، روزنامه نگار اروپایی اینگونه به باور کردن دیکته شده بود که، خبر متعلق بودن گرجستان همراه تفلیس به ارامنه توسط روزنامه "Temps" که خوانندگان زیادی داشت به تمام دنیا مخابره شده بود..." (41)

همانند آنچه که درک شد، این رفتار الیت ارمنی تنها منحصر به آذربایجان و تورک های آذربایجان نیست، در همان زمان به گرجستان و گرجی ها هم هدایت شده است. رفتار و آرزوهای ارمنی هدایت شده به آذربایجان، گرجستان و تورکیه همچنان هم ادامه دارد.

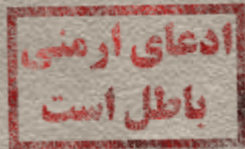
در تاریخ 1987.07.15 از لیدرهای داشناک، ای. پاپازیان (A. Papazyan)، در روزنامه "Gamk" پارتی داشناک اینها را نوشته بود: "... ارامنه اراضی تاریخی دارند. ملت ارمنی در مرزهای قفقاز اراضی تاریخی دارد... امروز طلب های مان در خاک را آشکارا معلوم کردیم". داشناک ها تماما هرگز دقیق "درون مرزهای قفقاز" اراضی که طالب آن هستند را معین نکرداند. در وضعیت انترناسیونالیسم نشان داده شده با پروپاگاندای کمونیست اتحاد شوروی باز در همان سال ای. آگانبکیان (A. Aganbekyan) آکادمیسین این تابو را فرو ریخته بود.

در سخنرانی ترتیب داده شده در پاریس بین انستیتوی ارمنی - فرانسه و اتحادیه تروریست های ارمنی، ای. آگانبکیان اینگونه گفته بود: "من ارمنی شدن خاک قره باغ را می خواهم. با این که یک اقتصاد دان هستم، فکر می کنم این منطقه بیشتر از آذربایجان با ارمنستان در ارتباط می باشد". (42) هرچه قدر هم که این آرزو مانند یک نظر اقتصادی بیان هم شده باشد این یک شروع می باشد. زیرا استتار اقتصادی فراموش نشده بود. نوشته های کمونیست های فرانسوی عموما اینگونه شروع می شود: "... قره باغ و نخجوان اراضی ارمنی (!) ملحق شده به جمهوری آذربایجان می باشند."

اینگونه به نظر می رسد که بعضی سیاسیون اروپایی موجود بودن قره باغ بر روی زانو و دامنه های آذربایجان را نمی فهمند. ناحیه از نظر اقتصادی به ارمنستان نزدیک است، اما با این کشور مرزی ندارد. از این زاویه در میان اراضی آذربایجان واقع است: این هم به آن معنی می باشد که، بین قره باغ و ارمنستان یک خاک متعلق به آذربایجان موجود می باشد و این گذرگاه نیمی از مساحت قره باغ را تشکیل می دهد. به همین جهت، الحاق قره باغ به ارمنستان و امتحان اصول دیگر یعنی با الحاق خاک های آذربایجان به ارمنستان هم معنی می باشد. ارمنستان هم خوب می داند که، موجودیت قره باغ برای ارمنستان امکان پذیر نیست. به همین دلیل، زیر نام حق اداره قره باغ توسط خود آنها که در اعمال ارمنستان برای کمک حاضر می شوند، به صورت آشکار در الحاق هم پشتیبان می باشند. اکنون هر کسی که صاحب پیش داوری نبوده می تواند آشکارا ببیند که در ریشه نزاع قره باغ تقلای "دفاع" مسلحانه منافع موجود ارمنستان در آذربایجان خوابیده است. با این هدف، ارمنستان در داخل مرزهای یک کشور دیگر جنگ شروع کرده است.

سیاست ارمنی سعی می کند که بر روی یک دسته از اهداف نشانده شود و در دو جهت در حال شکل گرفتن می باشد:

1. برای رسیدن به ایدال ارمنستان بزرگ درون زمان اشغال تمام آذربایجان. بنابر حوادث به میان آمده در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نفرت ژنتیکی ارمنه به تورک ها را خاطر نشان کنیم، امروز ارمنستان بنابر عناصر معین، به دلیل درک صحیح نبودن اجراء حملات مستقیم بر علیه تورکیه (به سبب ضعیف ماند در برابر تورکیه) و حتی خطرناک بودن آن از روی نفرت و کینه جمع شده حمله به دولت بی دفاع آذربایجان را ترجیح داده است. اهداف اصلی تلاش، از تفرقه‌های (عدالت تاریخی) قوم پرستان ارمنی تشکیل شده است. چون امکان تحقق قبول ادعای نسل کشی (!)، طلب خاک و تضمینات از طرف تورکیه غیر ممکن دیده می شود با کمک مسکو و همسایه دیگر به دست گرفتن بعضی اراضی آذربایجان تماماً واقعی دیده می شود.
2. این اشغال با موازی بودن بر ادعای انجام گرفتن نسل کشی صوری ارمنی از طرف عثمانی ها تلاش به شناساندن آن به دنیا، تقاضای تنظیمات، حاضر بودن در طلب خاک و اگر این ها هم به واقعیت برسد آناتولی شرقی را به مرزهای خود ملحق کردن می باشد.



*) Azerbaijan Milli İlimler Akademisi, Nahçıvan Bölmesi Kafkasya Tarihi Bölümü Başkanı (Doktora: Ankara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü)

1) Raffi, Samvel, s. 16.

2) Kilise yazılarının diğer adı Evangelıya'dır.

3) Raffi, Samvel, s. 15.

4) Ermeni tarihçilerinin çelişen görüşleri için bkz; Kamuran Gürün, Ermeni Dosyası, s. 12, 16; Esat Uras, Tarihte Ermeniler ve Ermeni Meselesi, S. 22, 100, 101; A. Alper Gazigiray, Osmanlı'dan Günümüze Kadar Vesikalarla Ermeni Terörünün Kaynakları, s. 12; Halil matin, Türkiye'nin Siyasi Tarihinde Ermeniler, Ermeni Olayları.

5) Paul Henze, "Ermeni Şiddetinin Kökenleri", s. 173-174.

6) Tarihi adı "Gökçe Gölü" olan bu göl, Ermenilerce "Sevan Gölü" olarak değiştirilmiştir.

7) Bu konuda daha geniş bilgi için bkz: "Kolıbel Çeloveçesstva na Teritorii İstotorigeskoj Armenii: <http://www.azg.am/RU/20020108/2002010817.shtm>.

8) M. Şaghiyan, Vajnoye Sobıtiye İstori, Literaturnaya Gazeta, 13 Eylül 1978.

9) "Ermenilerin Davası" veya "Ermeni Ulusal Çıkarları" anlamına gelir.

10) Zori Balayan, 1984 tarihinde yayınlanan "Oçag" adlı kitabında, Erivan'ın güya 2702 yıl önce inşa edildiğini iddia etmektedir. Kitabına göre, günümüz açısından değerlendirildiğinde, Erivan'ın inşası 2721 yıl öncesine dayanır. Gerçekte ise Erivan'ın asıl ismi İrevan olup, 1509-1510 yıllarında Şah İsmail Hatayi, veziri Revan gulu Han'a bu topraklarda kale inşa etmeyi emr etmişti. 7 yıl içerisinde Zengi nehrinin kıyısında inşa edilen kale "Revan" olarak adlandırılmıştı. Azerbaycan Türkçesinde halk dilinde "R" harfi ile başlayan adların önünde "İ" harfi kullanıldığı için Revan kalesinin ismi de sonralar İrevan olarak değişime uğramıştır.

11) Zori Balayan, Oçag, Erivan, Sovetekan Grog Yayınevi, 1984, s. 30, akt: Hatem Cabbarlı, Türkiye'nin Ermenistan'daki İmajı, Ermeni Araştırmaları Dergisi, s. 145.

12) Sadi Kocaş, Tarih Boyunca Ermeniler ve Türk-Ermeni İlişkiler, s. 42-43.

13) Yazar, "buraları" derken Kafkasya'yı kastediyor.

14) Manuk Abekyan, İstoriya Armyanskogo Literatura, s. 11.

15) Vasili Lvoviç Veliçko, KAVKAZ. Russkoye Delo i Mejduplemennıye Voprosı, s. 65.

16) Azerbaycan'ın Türk Yurduna dönüşmesi için bkz; Cevat Heyet, Azerbaycan'ın Türkleşmesi ve Azerbaycan Türkçe sinin Teşekkülü, s. 5-20; Faruk Sümer, Azerbaycan'ın Türkleşmesi Tarihine Umumi Bir Bakış, s. 429-447.

17) Şamtamhari metni, Irak'ta, Babil'de, Mısırda Tel-el-Amarna'da ve Türkiye'de-Boğazköy'de bulunmaktadır.

18) Süleyman Aliyarlı, Azerbaycan Tarihi, s. 164.

19) Leonti Mroveli, Kartlis Tshovreba, s. 35.

20) Kaynak için bkz; Leonti Mroveli, Kartlis Tshovreba, s. 34, 36; Süleyman Aliyarlı, Azerbaycan Tarihi, s. 168; Mahmud İsmayilo v, Senin UlunBaban, s. 287.

21) 828-929 yılında ölmüştür.

22) "Himyer Hükümdarları Hakkında Tağlar Kitabı"

23) Bkz; Ziya Bunyatov, Obzor İstoçnikov po İstori Azerbaydjana, İstoçniki Arabskiye, s. 5; Ziya Bunyatov, Azerbaydjan v VII-IXw., s. 183; Aliyarov S., Mahmudov, F., Azerbaycan Tarihi Üzre Gaynaglar, s. 56; Süleyman Aliyarov, Ob Etnogeneze Azerbaydjanskogo Naroda, s. 19.

24) Camal Anadol, Ermeni Dosyası, s. 19.

25) Zakafkasya: Rusya'nın adlandırdığı bölge ona göre, Kafkas dağlarının arkasında bulunan Azerbaycan, Gürcistan ve Ermenistan'ı içine almaktadır. Bu bölge, Türkiye'de Güney Kafkasya ve Batıda Transkafkasya olarak bilinmektedir.

26) Nikolay Shavrov, Novaya Ugroza Russkomu Deluv Zakavkazye: Predstavşaya Rasporyadka Mugani İnarodtsam, s. 63.

27) Onun fikrinde, Doğu Ermenistan'a

28) M. G. Nersesyan, İz İstori Russko-Armyanski Otnoşeniy, s. 227.

29) A.P. Liprandi, Kavkaz i Rossiya, s. 46.

30) A.P. Liprandi, a.g.e., s. 133.

31) İ.K. Yenikolopov, Griboyedov i Vostok, s. 137.

32) S. V. Shostakoviç, Diplomatiçeskaya Deyatelnost A. S. Griboyedova, s. 154.

33) Ç.P. Agayn, Rol Rossii v İstoriçeskih Sudbah Armyanskogo Naroda, (k 150 letiyu prisoyedineniya Vostoçnoy Armeniik Rossii), s. 220.

34) G.A. Galoyan, Rossii Narodi Zakavkazya (oçerki politiçeskoj istorii ih vzaimootnoşeniy s drevnih vremen do pobedi Velikoy Oktyabrskoy Sotsialiçeskoj Revolyutsii), s. 176, 178.

35) V.A. Parsamyan, Kolonialnaya Politika Çarizma v Armenii.

36) Azerbaycan Respublikası Devlet Tarih Arşivi, f: 524, 1:1, iş: 57, v:3.

37) J. Kirokasyan, Zapadnaya Armeniyavo Vremya I. Mirovogo Voyna, s. 411.

38) Jorj de Molevil, Armyanskaya Tragediya 1915 goda, s. 15.

39) Vasili Veliçko, KAVKAZ. Russkomu Delui Mejduplemennıye Voprosı, s. 107.

40) İlya G. Çavçavadze, Armyanskiye Uçeniye i Vopiyuşıye Kamni, s. 15-16.

41) İlya Çavçavadze, a.g.e., s. 39-40.

42) Hümanite Gazetesi, 18 Kasım 1987; Bahtiyar Vahapzade, Vatan, Millet, Anadil, s. 149.

کنگره پاریس 1979

اولین کنگره تشکلات ارمنی دنیا، در تاریخ 1979.09.03-06 در پاریس تجمع کرده بود. به این کنگره ASALA با یک قدرت قابل توجهی ملحق شده بود و در کنگره نقش موثری بازی کرده بود. کنگره، بر روی قوای اختلال گر ارمنی موجود در پاریس موثر واقع شده بود، خصوصا بر روی تشکلات ترور تامین اشتراک کرده بود. هدف کنگره در شکل: "تجمع ارامنه موجود در دنیا اطراف یک فکر، زیر یک پرچم و با ارگانیزه شدن آنها، با ارزیابی کردن محیط سیاسی هدایت آن به طلب کردن خاک" می تواند خلاصه شود.

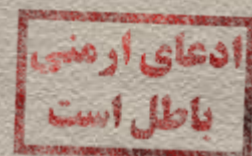
بعضی توصیه های مهم ارائه شده در کنگره عبارتند از:

3. برای خاتمه دادن به نزاع های پارتی و مذهب باید یک "کمیته مرکزی" بنا شود.
4. تدابیر خاتمه دهنده به آسیمیلسیون ارامنه دیاسپورا
5. تنورسین و استراتژیست های نظامی احتیاج شده در عملیات و اجراءات باید تامین شوند.

لیکن قرارهای گرفته شده در کنگره عبارتند از:

- A. حرکت پان ارمنیزم سرعت خواهد یافت، مفهوم ارمنی گری در چارچوب دیاسپورا سیاست دهی خواهد شد و در دنیا یک "قدرت ارمنی" خلق خواهد شد.
- B. امکان مفید واقع شدن ارامنه موجود در اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی، به مسائل ارمنی بررسی خواهد شد و برای تامین اشتراکات مورد نیاز به تلاش گرفته خواهد شد.
- C. آرزوی خاک و طلبها، مستقیما از تورکیه انجام خواهد گرفت.
- D. کلیسای ارمنی به کاراکتر ملی خواهد پیوست.
- E. تلاش های بنای یک باتک ارمنی باید شروع شود.
- F. دایره های مرکز، امکانات نشر و مخابره باید بنا و توسعه داده شوند.

در پایان کنگره پاریس، عملیات خشونت و حوادث ترور افزایش یافته، ASALA با تامین کردن خون تازه باز قوی تر شده بود. دوران موثری در تلاش های واحد شدن شروع شده و فعالیت های تعلیم مسلحانه در مراکز و مکان های مختلف افزایش یافته بود.



کنگره لوزان 1983

کنگره لوزان در حالی ترور ارمنی ابعاد بزرگ تر یافته و رفته رفته تروریست ها و ارامنه نزد افکار عمومی جهان به حال ملامت شدن در آمده بودند در چنین وضعیتی تجمع کرده بود. کنگره هدف "متحد کردن دیدگاه های سیاسی ارمنی و تامین حرکت آنها در یک راستا" را حمل می کرد. در این کنگره که ASALA به آن ملحق نشده بود طرفداران خشونت در اقلیت مانده بودند. در پایان کنگره، هم در دانشناک ها و هم در ASALA تفرقه های جدایی دیده شد. تیم و گروه های زیر ترور گاهگاهی در شکل ارگان های جدید کله خراب وارد حرکت شدند. قسمت بزرگی تصویه، دستگیر و محکوم شدند.

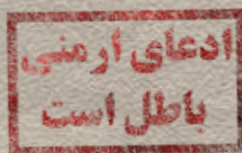
توصیه ها و موضوعات مهم آمده به دستور جلسه کنگره عبارتند از:

- A. یک هیئت بنیانگذار مستلزم تشکیل شدن می باشد، سیاست های اصلی باید تثبیت گشته، دیدگاه های مرتبط با اساس مطالبات خاک باید معین گشته و این خواسته (آرزو) باید ضمیمه به یک اساس شود.
- B. "یک حرکت رهایی ملی که مالک ذهنیت ملی گرا و دموکراتیک است مستلزم تشکیل یافتن می باشد."
- C. این کنگره ها، همانند کنگره های یهودی جهان و در قدرت آن، مستلزم رسیدن به یک کیفیت طرفدار حکومت پارلمانی دموکراتیک می باشند.

در کنگره لوزان این قرارها گرفته شد:

- A. برای رسیدن کنگره ها به یک کیفیت دموکراتیک و طرفدار حکومت پارلمانی تدارکات لازم انجام خواهد گرفت و یک "قانون اساسی" حاضر خواهد شد.
- B. هیئت بنیانگذار، هم تدارکات حاضر کردن قانون اساسی را انجام خواهد داد و هم فعالیت های ترکیب دیدگاه های مختلف سیاسی که ایجاد خواهد کرد را به این متن علاوه خواهد کرد.
- C. فعالیت های کنگره، با یک اعلامیه به افکار عمومی دنیا توضیح داده خواهد شد.

کنگره لوزان، با بحث های مختلف محصور گشته و یک کشمکش بزرگ دیده شده بود. اگر هم اعتدالیون بر کنگره حاکم شده بودند، پیشرف های مهمی را نتوانسته بود تامین کند. بعد از کنگره نزاع ها ادامه داشته و تفرقه های جدایی شروع شده بود.



کنگره سور 1985

در تاریخ 1985.07.07-13 کنگره ای در سور با نام "سومین کنگره تشکلات ارمنی دنیا" تجمع کرده و هدف اصلی آن، قبول کردن "قانون اساسی ارمنی" بود. در این صورت، سعی برای تشکیل شدن "اتحاد" تمثیل کننده ارامنه در قطر جهانی خواهد شد. ملحق نشدن ASALA، به کنگره ای که رسماً تشکلات ترور ارمنی را معرفی می کرد، توصیفات نمایندگی داشناک ها سبب بحث های طولانی شد.

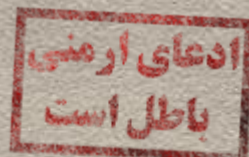
بعضی توصیه ها و قرارهای گرفته آورده شده به کنگره عبارتند از:

- A. "تک ارمنی گری، تک هدف، تک مجادله، تک صدا" به صورت یک شعار توصیه و قبول شد
- B. معتبر بودن سور و بی اعتبار بودن لوزان پیش رانده شد.
- C. توصیه عدم پشتیبانی ASALA قبول شد.
- D. ادامه داشتن جنگ مداوم بر علیه تورکیه توصیه و قبول شد.
- E. بر علیه سیاست امپریالیست تورکیه حمایت از جنگ یونان و بخش رومی قبرس توصیه و قبول شد.
- F. توصیه حمل یک کیفیت شبیه به "شورای ملی فلسطین در تبعید" برای کنگره، در صورت تعقیب شدن توسعه های لازم قبول شد.

لیکن قرارهای گرفته شده در کنگره سور عبارتند از:

- A. کنگره، متن حاضر شده که توصیف یک قانون اساسی را داشت، به عنوان "قانون اساسی ارمنی" قبول کرد.
- B. کنگره، برای رسیدن به اهداف، گذاشته شدن یک استراتژی متنوع و چند سو را هم قبول کرد. بنابر این:
 1. "برای مبارزه با استعمار گری تورک، بین ارامنه و دیگر خلق ها تا حد امکان، بین حرکت رهایی ملی ارمنی با حرکت تصاعدی - اختلال گر موجود در تورکیه هم بنای اتفاق ها" و به دانسته شدن "اجتناب ناپذیر بودن مجادله خلق ارمنی در ارتباط با دعوی سایر خلق های زیر فشار" قرار داده شد.
 2. کنگره ارمنی دنیا، در حالی که موجود نبودن خود در ارتباط با یک دولت و یا یک قدرت خارجی را اعلان می کرد، قبول شدن کمک های حمایت گرانی که به مجادله خلق ارمنی احترام می گذارند" را هم به قرار گرفته بود.
- C. کنگره، با مراجعه به دولی که امضاء آنها در معاهده لوزان موجود بود، به مجمع ملل، به اتحاد شوروی، به جمهوری ارمنستان شوروی، به ایالات متحده آمریکا، به اتحادیه اروپا و به حرکت بی طرفین، به دانسته شدن اینکه "خلق ارمنی تنها خلقی می باشد که از برداشته شدن استعمارگری سود نبرده" قرار داد و این قرار اجراء شد.
- D. کنگره برای قبول شدن نسل کشی (!) 1915 از طرف تورکیه به زیر فشار قرار گرفته شدن و در صورت قبول این چینی با باور کردن (ساده لوحانه) به باز شدن راه آرزوی به دست آوردن خاک، به استفاده از این نیت خود قرار داد و به مکان های لازم اطلاعیه توزیع و مراجعه کرد.
- E. کنگره، یک قرار که در آن از اتحاد شوروی به محافظت از عادات و رسوم قومی ارمنی در ارمنستان شوروی کمک کرده بود، تشکرات لازم را در یک قرار قبول کرد.

در کنگره قبول شدن نسل کشی صوری از طرف اتحاد جماهیر شوروی در حالی که منتشر شدن یک مقاله در این خصوص از طرف زرتیسان در سال 1985 در پراودا با مدح و سنا ذکر می شد، برای عدم تأمین شدن مرور پلان قبول نسل کشی صوری از کنگره، حکومت آمریکا به انتقاد کشیده می شود.



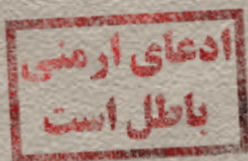
قانون اساسی ارمنی

راهب جیمز کارنوزییان (Rahip James Karnuziyan) رئیس کنگره ای که به "سومین کنگره ارمنی دنیا" هم معروف بود زمان انجام دادن سخنرانی تقدیم قانون اساسی قبول شده در کنگره سور 1985، با توضیح دادن این که از تقسیم شدن ارمنه فشار بزرگی می کشد، برای رفع این فشارها و به واقعیت رسیدن تامین اتحاد چاره ای جزء یافت نشدن "یک گروه متحد" و هدف متنی که به آن قانون اساسی گفته می شود متوجه به احتوا کردن تمام دیگاه ها را توضیح داده بود.

ناظرین بی طرف، در صورت اجراء قانون اساسی، "هر نوع موسسه و تشکلات که برای دعوی ارمنی مجادله می دهند، تجمع کردن آنها زیر چتر کنگره ارمنی" را توضیح داده بود.

در قانون اساسی اهداف عمومی "کنگره ارمنی" اینگونه ذکر شده بود:

- A. متحد کردن ارمنه موجود در حالی پراکنده و ایجاد یک ساختار.
- B. تامین شناساندن کنگره به دنیا.
- C. برای رها کردن خاک های ارمنی (!) زیر اشغال تورک ها استفاده از تمام راه های سیاسی و دیپلماتیک.
- D. تشکیلاتی کردن برگشت ارمنه به وطن شان و برای این مورد انجام تدارکات.
- E. مرکز کنگره در سوئس حاضر خواهد بود.
- F. موسسه هایی مثل شورای ملی ارمنی، مجلس عوام و شورای مدیریت تشکیل خواهند شد.



اهداف کنگره های ارمنی

درون پروسه تاریخی مسئله ارمنی، با تشویق ها، طلب ها و یا دعوت های مختلف تشکلات ترور ارمنی، کلیساها و بعضی دولت ها در شکل غیر مستقیم تجمع کنگره های ارمنی قابل ذکر می باشد. قسمت بزرگی از اینها کنگره هایی هستند که تشکلات ترور ارمنی داشناک و هنجاک به منصفه ظهور رسانده اند.

این تجمعات که بدون تعهد به زمان معینی، لزوماً اعضای خودی، یا اگر لازم شد ارامنه مرتبط با موضوع، نمایندگان کلیسا را به یک میان می آورد بنابر شرایط، اوضاع و امکانات تشکیلات در آن روزها، بر روی فعالیت ها دیدارهایی که توصیف یک فورم (میدان) را داشته اند انجام می گیرد. دفعات کثیری و بلافاصله قرارهایی که باعث جدایی و نزاع تقسیم شدن ها می باشند گرفته می شوند. بین سالهای 1973-1985 در دوران جدید ترور ارمنی هم زیر نام "کنگره های ارمنی دنیا" و یا "کنگره های تشکلات ارمنی دنیا" در شهرهای پاریس (1979)، لوزان (1983) و سبور (1985) تجمعاتی انجام گرفت و به افکار عمومی دنیا، جوامع ارمنی و به منصوبان تشکیلات های ترور ارمنی سعی به رساندن پیام های مختلف شد. در تجمع کنگره انجام گرفته در سال 1985 به ریاست راهب جیمز کاتوزیان (Rahip James Karnuziyan) هم متنی که تیتیر "قانون اساسی ارمنی" را حمل می کرد قبول شد.

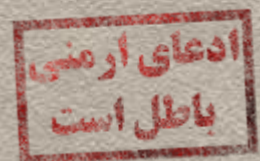
اهداف اصلی تجمع کنگره های انجام گرفته در دوران معین شده در شکل "تامین اتحاد و برابری بین ارامنه"، "انجام گرفتن آرزوها و طلب های سیاسی از طرف یک مرکز" و "تجمع قوای ترور ارمنی زیر یک سقف و اتحاد قدرت" به میان گذاشته شد. منعکس شدن این فعالیت های متوجه به اجرای یک پروپاگاندای (تبلیغات سیاسی) بزرگ و حرکت روحی روانی بر افکار عمومی جهان به پلان نخست کشیده شد. از فعالیت های انجام گرفته تأثیر پذیرفتن ارامنه و برای تأمین شدن بنای ارتباط با ترور و دیگر اجراءات تلاش شد.

یک هدف تعقیب شده دیگر در این کنگره ها هم، به واقعیت رساندن تناسب و توسعه ها در استراتژی ارگانهای ترور ارمنی حتی اگر جدا از هم باشند بود. در این صورت ترور و اجراءات به شکل خواسته مشترک جامعه ارمنی دنیا می تواند آورده شود. اتحاد قدرت و در صورت لزوم اتحاد جبهه هم تأمین خواهد شد.

خصوصیات مشترک در این کنگره ها عبارتند از:

- A. در تمام کنگره ها بحث های مجادله مسلحانه به پلان نخست کشیده شده بود. نزاع های سلیقه ای بین آنهایی که این مجادله را مناسب یا غیر مناسب می یافتند در طول زمان سبب تجزیه تشکیلات های ترور ارمنی شده بود. ASALA، بعد از کنگره پاریس 1979 به دیگر کنگره ها یا ملحق نشده و یا راه داده نشده بود.
- B. فرستاده شدن قرارهای گرفته شده در تمام کنگره ها به موسسات بین المللی و این قرارها در صحنه های مختلف در فورم های بین المللی به دست گرفته شده بحث دربارہ آن به قرار گرفته شده و این امکان جستجو شده است.
- C. تجمع ارامنه زیر یک سقف و یکی از موضوعات تمثیلی مهم شده بود، هرچند در خصوص چگونگی به واقعیت رسیدن این به یک دیدگاه مشترک رسیده نشده بود، در متنی که به آن قانون اساسی گفته می شد یک دوران تدارک پیش دیده شده بود.
- D. در کنگره ها رفته رفته تعداد اعضا تنزل می یافتند.

در کنگره ها دیدگاه های جدا ملاحظه گشته، اما تدابیر مشخص به اجراء گذار گرفته نشده بود.



تقاضاها و پروپاگاندای ارمنی

اولین اهداف ارامنه برای رسیدن به "ارمنستان بزرگ"، در طول تاریخ مدام عصیان ها و اعمال تروریستی را یک وسیله تبلیغاتی برای نشان دادن ادعاهای نسل کشی صوری بین افکار عمومی جهان را می توان به شکل "پلان 4 ت" نام گذاری کرد. پلان 4 ت، به این چهار مفهوم متکی می باشد: تعریف، تَبَقُّع، تضمینات و تَرَب ... یعنی در (جذلات) بیان مسئله ارمنی به تمام دنیا توسط ترور "تعریف" خواهد شد، این ادعاهای صوری توسط افکار عمومی جهان و تورکیه "تَبَقُّع" و قبول خواهد شد، بدین واسطه با قبول ادعای صوری ارمنی از تورکیه "تضمینات" گرفته خواهد شد و برای به واقعیت رساندن خولیای سقیم "ارمنستان بزرگ" از تورکیه "ترب" و خاک لازم جدا خواهد شد.

با تکیه به پلان "4 ت" نحوه ایجاد ادعاهای ارمنی این گونه می باشد:

1. تورک ها، با اشغال ارمنستان خاک ارامنه را از دست آنها گرفته اند.
2. تورک ها، اعتبارا از جنگ 1877-78 ارامنه را به صورت سیستماتیک به قتل عام گرفته اند.
3. تورک ها، اعتبارا از سال 1915 ارامنه را در یک شکل پلان دار بدیهی است که به نسل کشی گرفته اند.
4. مسلما در موضوع گرفته شدن طلعت پاشا (Talat Paşa) برای نسل کشی ارامنه دستورات سری وجود دارد.
5. تعداد ارامنه ای که در نسل کشی زندگی خود را از دست دادند 1,5 میلیون نفر است.

لیکن تمام این ادعاها در برابر یک بررسی مشخص و علمی در وضعیتی بی مسند قرار می گیرند. اینگونه که:

زمان در آمدن آناتولی به زیر حاکمیت تورک ها موجود نبودن یک دولت ارمنستان مستقل در آن زمان و مکان و به همین جهت هم واضح بودن وضعیتی مثل گرفته شدن خاک ارامنه از دست آنها نمی تواند موضوع بحث باشد. لیکن در بررسی وقایع تاریخی تورک ها با مغلوب کردن بیزانس ها و بستن معاهده با آنها در آن زمان این جغرافیا شامل فتوحات تورک ها شده و وضعیت ارامنه در آن زمان چیزی جز تبعه صنف چندی در امپراتوری بیزانس نبوده، در واقع آرزوی گرفتن خاک تحت هر شرایطی از فاتحان جغرافیایی که ارامنه در آن اقلیتی از رعیت های تابع اربابان دره دار آن زمان بودند و حتی به دست این فاتحان از اسارت بیزانس خلاص شده اند بسیار مضحک می باشد.

بعد از جنگ 1977-78 روس - عثمانی به عصیان ها و ورود به قتل عام ها هم در فوق جای داده شده است. پسندیده شدن این رفتار ارامنه با هدف تدارک دیدن یک زمینه تبلیغاتی در دنیای غرب هم دیگر بسیار واضح و روشن شده است.

حوادث سال 1915 در برابر ارامنه ای که حکومت عثمانی را از پشت زده بودند و به اجراء گذاشته شدن عملکرد یک تهجیر ذبح در برابر جموع ارامنه، موضوعی است که قبلا هم به آن اشاره شده است. چه رسد به مفهوم "نسل کشی" بنابر تعریف مجمع ملل در این خصوص، برای تشکیل جرم نسل کشی در جهت برداشته شدن یک عرق و نژاد از میان توسط یک حکومت شرط موجود بودن یک نیت به وجود داشتن لازم می باشد. حال اینکه، عدم وجود ادله ای که بتواند نشان دهد حکومت عثمانی نیتی مثل برداشتن عرق ارمنی از میان را داشته به یک طرف، تماما برعکس با متوجه بودن تامین امنیت و رفاه ارامنه تابع تهجیر به وجود دستورات حکومت در فوق هم اشاره شده است. از طرف دیگر، قسمت مهمی از آرشیوهای عثمانی برای بررسی مورخین در حال باز بودن می باشد و با انجام گرفتن طبقه بندی پی در پی به باز شدن بیشتر ادامه می دهد. در بررسی این اسناد هم بی اصل بودن ادعاهای ارامنه به میان گذاشته خواهد شد.

در ارتباط با دستورات مخفی طلعت پاشا (Talat Paşa) در مورد به کشتار گرفتن صوری ارامنه، برای اولین بار این ادعا از طرف یک ارمنی جاعل به اسم آرام آندونیان (Aram Andonyan) پیش رانده شده بود و سال های طولانی اساس اعتبار داری ادعاهای ارمنی را به عنوان "سند" که تماما حاصل جعلیات می باشند را تامین کرده، چنانکه که در نتیجه بررسی های انجام گرفته توسط دو مورخ تورک در شکلی که جای هیچ شبهه و تردد نخواهد ماند جعلی بودن اسناد آندونیان ثابت شده اند.

این تلگراف ها قبل تر در سال 1919 در روزنامه Daily Telegraph انگلیس منتشر شده بودند. به مورد اشغال حلب و اطراف آن در مدت زمان کوتاه تر از موعد پیش بینی شده توسط نیروهای ژنرال آلنبی (General Allenby) به ادعای امحا نشدن تمام اسناد توسط عثمانی ها و افتادن این اسناد به دست آلنبی باور شده، وزیر امور خارجه انگلیس به مورد این ادعا وضعیت را از فرماندهی اشغال پرسیده بود و در نهایت این اسناد توسط نیروهای آلنبی به میان گذاشته نشده و در پاریس از طرف یک گروه ارمنی به پیش رانده شدن آن دانسته شده بود. سند مبنی بر این در آرشیوهای دولت انگلیس موجود می باشد.

در طول محاکمه قاتل طلعت پاشا، تهلیریان (Tehlirian) در برلین هم این تلگراف ها به میان گذاشته شده و از طرف هیئت خبره 5 نسخه از آنها به عنوان حقیقی قبول شده و در محاکمه معامله شده بود. حال اینکه، شکل سهو و به قلم گرفته شدن تلگراف ها، کاغذهای نوشته شده و عدم هم جنس بودن آنها با نوع کاغذهای مکاتبات مابین عثمانی ها نشان داده شده و به مورد معین شدن در فوق هم حاصل جعلیات بودن آن در وضعیتی اثبات شده می باشد.

ادعای 1.5 میلیون ارمنی کشته شده هم به هیچ اساس معتبری متکی نمی باشد. اینگونه که، در اکثر مآخذ خارجی تصدیق کننده ارقام نفوس عثمانی شمار کل ارمنه موجود در امپراتوری عثمانی حدود 1.3 میلیون می باشد. حال کشته شدن 1.5 میلیون از کل جمعیتی که نهایت آن 1.3 میلیون می باشد غیر ممکن می باشد.

یک سند یا یک اصول که بتواند محاسبه شماره قطعی ارمنه مرده را تامین کند موجود نمی باشد. مثلاً رئیس هیئت ارمنی ملحق شده به کنفرانس صلح لوزان بوغوس نوبار (Bogos Nubar) در آن تاریخ موجود بودن جمعا 280.000 ارمنی در ترکیه، لیکن مهاجرت 700.000 ارمنی به دیگر کشورها را گزارش کرده بود. اگر این ارقام واقعی باشند بنابر 1.3 میلیون بودن نفوس ارمنی، مفقودات ارمنی در حدود 300.000 می ماند. به این رقم هلاک شده گان در حرکات دسته های پارتیزان و یا ملحق شده گان به صف قوای روس هم داخل می باشند. بعلاوه حدود 2 میلیون مسلمان که چند برابر کل مفقودات ارمنی بوده در همان دوران توسط ارمنه به کشتار گرفته شده و نباید فراموش شوند.

در چاپ 1918، دایرة المعارف بریتانیکا (Encyclopedia Britannica)، شماره تلفات ارمنی را 600.000 ثبت کرده، لیکن همان دایرة المعارف در چاپ 1968 این رقم را به 1.5 میلیون رسانده. به گونه ای که شمار مردگان بر روی کاغذ افزایش می یابد.

بعد از جنگ، در استانبول دادگاه نظامی نمرود مصطفی پاشا (Nemrut Mustafa Paşa) که گویا با مصطفی پاشا بودن معین گشته بنا می شود. انور پاشا (Enver Paşa)، طلعت پاشا (Talat Paşa)، جمال پاشا (Cemal Paşa) و دکتر ناظم (Dr. Nazım) به جهت فرار کردن، باقی اعضا دستگیر شده بودند. لیست کسانی که دستگیری آنها توسط انگلیس خواسته شده بود، شامل چهار گروه بودند:

1. آنهایی که در جنگ در برابر ارمنه و رومیان در تطبیقات غیر انسانی حاضر شده اند،
2. آنهایی که قواعد جنگ را رعایت نکرده اند،
3. آنهایی که شروط متارکه را رعایت نکرده اند،
4. آنهایی که با دستورات قوای متفقین موجود در قفقاز تناسب نداشتند (اینها شامل تورک های آنراییجان می باشند).

محاکمه دستگیر شدگان ابتدا در استانبول خواسته شده بود. هرچند قوای اشغالگر چیز خواسته را نتوانسته بودند بیابند، دستگیر شدگان به مالطا برده شده بودند. اکثر آنها منحصر از نسل کشی ارمنی (!) محاکمه خواهند شد. انگلیسی ها وارد بررسی دلایل شده و این کار بیش از یک سال به طول انجامیده بود. دستگیری ها به مورد اخبار به واقعیت رسیده بود؛ نامه های اخبار هم با اسناد موجود می باشند.

حکومت انگلیس از دادستانی پادشاهی انگلیس در مورد باز شدن و یا نشدن دعوی برای این افراد پرسیده بود؛ دادستانی جواب "دلایلی که محکوم کردن آنها را ممکن خواهد کرد موجود نمی باشند" را داده بود. انگلیسی ها به این هم کفایت نکرده و از سفارت خود در واشینگتن جستجوی دلیل در آرشیوهای آمریکا را خواسته بودند. سفارت پیدا نکردن حتی یک سند را با تلگراف گزارش داده بود

تلگراف های موجود در کتاب آندونیان که امروز به عنوان اسناد اثبات نسل کشی به پیش رانده می شوند در آن زمان در دست انگلیسی ها بود. اگر اینها واقعی بودند انگلیسی ها حتما از این تلگراف ها استفاده کرده، دستگیر شدگان را محاکمه و محکوم می کردند. همانند حکومت ضد تورکیه ای لیود جورج (Lloyd George) که هر عمل ممکن بر آمده از دست را بر علیه تورکیه انجام می داد، لیکن حکومتی این چنینی اگر استفاده از این تلگراف ها را انجام نداده برای اثبات نشدن هیچ خصوصی می باشد که این را انجام نداده است.

در تهجیر، به تلاش موسسه ای با نام Armenian Relief Society، برای کمک رساندن به ارمنه و توزیع کمک های آمده از آمریکا اجازه داده شده بود. یعنی از طرفی حکومت عثمانی قرار امحای ارمنه را گرفته، از طرف دیگر هم با دعوت خارجیان، آیا گفته بود که "شما هم بیاید و قتل عام را تماشا کنید؟" در واقع قبول تناقضاتی که طرفداران افتراء فانتزی ارمنی با منخرفات خود به وجود آورده اند در برابر حقایق این چنینی و البته تاریخی جایی برای منطق در آنها نگذاشته است.

به همین جهت موضوع بحث عدم منطقی بودن پذیرش یک "نسل کشی" اثبات نشده، بسیار واضح و روشن می باشد. شاید هم قبول شمار مرگان ارمنی که بر روی کاغذ به مزایده گرفته شدند نیازی به منطق نداشته باشد.



دیپلمات های شهید

انگلیس و روسیه که از اعمال متکی به هوس های مستولانه بر روی تورکیه تغذیه می کردند با بنای کمیته های ارمنی داشناک و هنجاک و در نتیجه تحریک این کمیته ها درون کشور عسبان و قتل عام های ارمنی به میان آمده بود.

از زاویه دید تورکیه یکی از بعدهای مهم مسئله ارمنی، شروع کردن ارامنه به استفاده از متلوزی (اصول شناسی) ترور مسلحانه بر علیه تورک ها است. این تهاجمات متوجه به شخصیت های سیاسی تورکیه، نخستین بار در سال 1905 با تهاجم بمب گذاری انجام شده بر علیه سلطان عبدالحمید دوم (Sultan II. Abdülhamit) شروع شده بود. در بیرون از آناتولی بنا شدن گروه های هنجاک، داشناک، رامگاوا، کمیته اختلال هنجاک، جمعیت مسلحان، جمعیت بسوی ارمنستان، جمعیت ارمنستان جوان، جمعیت اتحاد و خلاص و مانند جمعیت صلیب سیاه تشکلاتی این چینی برای سوق دادن مردم به عسبان های مسلحانه به میان آمده بودند. در نتیجه تمام اینها حرکت های عسبان که بر حیات هزاران تورک و ارمنی مال شده بود در هر چهار سوی کشور پخش شده بود.

از تاسیس جمهوری تورکیه تا سال 1965 بعد از سپردن یک دوران ساکت، با حمایت لابی ارمنی حرکات ترور به صورت ناگهانی برای کشتن دیپلمات های تورک تکرار به میان آورده شده بود. تا پایان سال 1972 در کشورهای مختلف تقریباً 20 بنای یادبود قائم شده، از طریق نشر و انتشار، فعالیت های سیاه کاری (افتراء ارمنی) با برنامه به کار گرفته شد بود.

در تاریخ 1973.01.27 یک ارمنی مسن با نام گورگن (کارکین) یانیکیان (Gurgen (Karekin) Yanikiyan) در شهر سانتا باربارا آمریکا، با قتل سر کنسول تورکیه محمد بایدار (Mehmet Baydar) و کنسول بهادر دمیر (Bahadır Demir) در لوس آنجلس با شروع این "ترور فردی ارمنی"، از 1975 اعتباراً همچون قبل از 1915 این ترورها تبدیل به "ترورهای تشکیلاتی ارمنی" شدند. تعرضات متوجه به موظفان تورک خارج از کشور، دیپلمات ها، وزیران و موسسه ها، در مدت زمان کوتاهی برای ارتقاع، حجم گسترده ای پیدا کرده بود.

ترورهای ارمنی، در تورکیه آشفتگی داخل را در سال 1979 اعتباراً با یک دقت بیشتر به مرحله اوج رسانده بود. تروریست های ارمنی در 38 شهر 21 کشور، با 39 حمله مسلحانه، 70 بمب گذاری و یک حمله در شکل اشغال جمعا 110 حادثه ترور را به واقعیت رسانده بودند. در این حملات تروریستی 42 دیپلمات بعلاوه 4 خارجی زندگی خود را از دست دادند. 15 نفر تورک و 66 نفر از اتباع خارجی زخمی شدند.

در این دوران جدید، تشویق کننده، توسعه بخش، محیا ساز، پخش کننده گان در میدان های وسیع تر و تامین کنندگان اهداف مختلف ترور؛ تشکیل دهندگان تیم و گروه ترور، پشتیبانان تشکلات جدید ترور، تدوین کنندگان تماس و ارتباط مشترک، تشکیلات های ترور داشناک و هنجاک بودند. در کنار اینها از اسم بیشترین استفهام کننده و استفاده کننده مترادف ترور ارمنی، ارتش سری ارمنی برای آزادی ارمنستان (!) در شکل اسم اختصاری، ASALA می باشد.

ASALA زیر نام مستقل، خود را با به کار بردن بی رحمانه و غیر انسانی ترورها نشان داده بود، ASALA با حمایت معنوی و روحی، تماس و ارتباط مشترک از هنجاک وارد اعمال غیر انسانی ترور شده بود. ترور ارمنی، در شکل تهاجم مسلحانه متوجه به موظفان تورک خارج از کشور، نمایندگی ها و سازمان ها در زمان کوتاه با نشان دادن ارتقاع سریع وسعت یافته بود. در این دوران در اروپا و کشورهای شرق مثل سوریه و لبنان ارامنه اساس گرفته، با ورود به همکاری با رومی های قبرس و یونان اعمال خود را به وقوع رسانده بودند.

بطور خلاصه؛ هدف مشترک تشکیلات های ترور ارمنی؛ در استفاده از هر فرصت برای راندن بی ثباتی به تورکیه، در ادعای متخلخل رهایی اراضی ارمنی (!) و بنای "ارمنستان بزرگ مستقل" است. امروز ارامنه با بدست آوردن خصوصیت دولت دار بودن، در موضوع بحث، تقاضا های متغییر آنها مدام در زیر عناوین مختلف قابل مشاهده است.



اسامی دیپلمات ها و موظفان شهید شده دولت جمهوری تورکیه توسط تروریست های ارمنی

شهر	وظیفه	نام و نام خانوادگی	تاریخ
سانتا باربارا	سرکنسول	محمد بایدار	1973.01.27
	کنسول	بهادر دمیر	Bahadır DEMİR *
وین	سفیر	دانش تونالیگیل	Daniş TUNALIGİL *
پاریس	سفیر	اسماعیل ارز	İsmail EREZ *
	راننده	طالب ینر	Talip YENER *
بیروت	سرکاتب	اکتار جیریت	Oktar CİRİT *
شهر واتیکان	سفیر	طاها جاریم	Taha CARIM *
مادرید	سفیر	نجلا کونرالپ	Necla KUNERALP *
	سفیر باز نشته	بشیر بالچی اوغلو	Beşir BALCIOĞLU *
لاحه	پسر سفیر	احمد بنلر	Ahmet BENLER *
پاریس	مشاور تورسیم	یئلماز چلپان	Yılmaz ÇOLPAN *
آتن	اتاشه اداری	غالب اوزمن	Galip ÖZMEN *
	دختر اتاشه اداری	نسلیهان اوزمن	Neslihan ÖZMEN *
سیدنی	سرکنسول	شاریک آریاک	Şarık ARIYAK *
	اتاشه امنیت	انگین سور	Engin SEVER *
پاریس	اتاشه اداری	رشاد مرالی	Reşat MORALI *
	موظف دینی	تجلی آری	Tecelli ARI *
ژنور	منشی قراردادی	م. ساواش یرگوز	M. Savaş YERGÜZ *
پاریس	اتاشه امنیت	جمال اوزن	Cemal ÖZEN *
لوس انجلس	سرکنسول	کمال آریکان	Kemal ARIKAN *
اوتاوا	مشاور تجاری	کانی گونگور	Kani GÜNGÖR *
بستون	سرکنسول افتخاری	اورهان گوندوز	Orhan GÜNDÜZ *
لیسیون	اتاشه اداری	ارکوت اکبای	Erkut AKBAY *
اوتاوا	سر هنگ اتاشه نظامی	آتیلالتیکات	Atilla ALTİKAT *
بورگاز	اتاشه اداری	برا سولکان	Bora SÜELKAN *
لیسیون	همسر اتاشه اداری	نادیده اکبای	Nadide AKBAY *
بلگراد	سفیر	غالب بالکار	Galip BALKAR *
بروکسل	اشاته اداری	دورسون آکسی	Dursun AKSOY *
لیسیون	مستشار سفیر	جاهده میخچی اوغلو	Cahide MIHÇIOĞLU *
تهران	منشی قراردادی	ائشیک یندر	Işık YÖNDER *
وین	اتاشه اداری	اردوغان اوزن	Erdoğan ÖZEN *
وین	مامور بین المللی	انور ارگون	Evner ERGUN *
آتن	اتاشه مطبوعات	چتین گرگو	Çetin GÖRGÜ *
بغداد	اتاشه اداری	چاغلار یوجل	Çağlar YÜCEL *
آتن	مستشار	هالوک سپاهی اوغلو	Haluk SİPAHİOĞLU *



نحوه ترور شدن بعضی از اسامی فوق توسط اربابگران ارمنی

محمد بایدار و بهادر دمیر: حملات ارمنی متوجه به شهروندان تورک، در سال 1973 شروع شد. سرکنسول تورکیه در لوس آنجلس محمد بایدار و کنسول بهادر دمیر از طرف گورگن (کارکین) یانیکیان (Gurgen (Karekin) Yanikiyan) 78 ساله ارمنی و دارای تابعیت آمریکا شهید می شود.

یانیکیان با ابراز این که می خواسته تابلویی از سلطان عبدالحمید را به تورکیه ارمنان کند، بایدار و دمیر را به هتل Baltimore سانتا باربارا دعوت می کند، هر دو دیپلمات با کشودن آتش سلاح کشته می شوند. یانیکیان که بعد از جنایت دستگیر شده و به حبس ابد محکوم شده بود، در تاریخ 1984.12.31 با عفو آزاد شد. یانیکیان، مدت کوتاهی بعد از آزادی مرد.

این حادثه که به عنوان اولین حمله متوجه به دیپلمات های تورک توصیف شده، بعدها زنجیری از جنایات را شروع کرد و برای ترور تشکیلاتی ارمنی نمونه تشکیل داده بود.

دانش تونالیگیل: سفیر تورکیه در وین، از طرف 3 تروریست ارمنی که سفارت را مورد حمله قرار داده بودند شهید می شود.

در تاریخ 1975.02.20 در بیروت دفتر راه هوایی تورکیه بمب گذاری شد، حادثه را گروه ارتش سری ارمنی، اسیر یانیکیان بر عهده گرفت. درون نامه گذاشته شده در محل حادثه، "مجادله کردن دعوی ذیق ارمنی در برابر امپریالیست، هدف گرفته شدن تورکیه، ایران و ایالات متحده آمریکا و هم اینکه شروع بودن این عملیات بمب گذاری" معین شده بود.

در تاریخ 1975.10.22، 3 نفر که دارای سلاح اتوماتیک بودند، با ورود به سفارت تورکیه در وین بعد از بی تاثیر کردن اشخاص مقابل در به اتاق مقام سفارت وارد شدند. در اینجا مهاجمان گویا با پرسیدن اینکه "آیا شما سفیر هستید؟" به زبان تورکی و گرفتن جواب "بله"، تونالیگیل را با سلاح های اتوماتیک در مقابل اثابت گلوله های فروان قرار دادند. تونالیگیل در محل حادثه جان داد. 3 تروریست ارمنی، با خروج سریع از ساختمان، با یک اتوموبیل از محل حادثه دور شدند.

اسماعیل ارز و طالب ینر: سفیر تورکیه در پاریس و راننده مقام طالب ینر، در نزدیکی های سفارت به قتل رسیدند. وسیله مقام سفیر ارز، حوالی ساعت 13:30 زمان عبور از یک پل موجود بر روی رودخانه Seine که در نزدیکی های سفارت بود به دام می افتد. اسماعیل ارز و راننده مقام طالب ینر، با قرار گرفتن در مقابل شکلیک سلاح های اتوماتیک کشته شدند. این حمله را گروهی با اسم "کماندوهای عدالت نسل کشی ارمنی" (!) بر عهده گرفت.

اوکتار جیریت: سرکاتب سفارت تورکیه در بیروت، زمانی که در یک سالن نشسته بود، قربانی اربابگری ارمنی شد. حمله را ASALA بر عهده گرفت. ASALA برای اولین بار با این جنایت اسم خود را به میان گذاشت.

طاها جاریم: سفیر تورکیه در واتیکان، در مقابل اقامتگاه سفارت در نتیجه گشودن آتش سلاح از طرف دو تروریست ارمنی کشته شد. حمله را این بار گروه "کماندوهای عدالت نسل کشی ارمنی" بر عهده گرفتند.

نجلا کونرالیپ و بشیر بالچی اوغلو: از طرف 3 اربابگر ارمنی به اتومبیل مقام سفیر تورکیه در مادرید زکی کونرالیپ آتش کشوده شد. در اتومبیل که همراه همسر سفیر نجلا کونرالیپ سفیر باز نشسته بشیر بالچی اوغلو هم موجود بود، زندگی خود را از دست دادند. در این حادثه، برای اولین بار یک خارجی هم در طول حملات متوجه تروریست های ارمنی به تورک ها کشته شد. راننده اسپانیایی مقام آنتونیو تورس (Atonio TORRES) هم از طرف اربابگران ارمنی هدف گلوله ها شد.

احمد بنلر: پسر اوزدمیر بنلر (Özdemir BENLER) سفیر تورکیه در هلند احمد بنلر، در نتیجه حمله مسلحانه کشته شد. این بار حادثه را هم "کماندوهای عدالت نسل کشی ارمنی" و هم ASALA جداگانه بر عهده گرفتند.

ینلماز چُلپان: مشاور تورسم تورکیه در پاریس، در نتیجه حمله یک تروریست ارمنی به قتل رسید. این حادثه، دومین حمله تروریسم ارمنی در پاریس بود. بعد از حادثه شخصی با تلفن زدن به آژانس های خبری، با معین ساختن مسئول بودن گروهی با اسم "کماندوهای عدالت نسل کشی ارمنی" در حادثه، "دیپلمات های تورک موجود در اروپا را برای این که حکومت تورک حق ارمنه را نمی شناسد می کشیم" گفته بود.

غالب اوزمن و نسلیهان اوزمن: اتاشه اداری سفارت تورکیه در آتن همراه دختر 14 ساله خود نسلیهان، در نتیجه حمله یک تروریست ارمنی به قتل رسیدند. همسر غالب اوزمن، سویل اوزمن (Sevil ÖZMEN) و پسرشان کآن اوزمن (Kaan ÖZMEN) هم با وجود این که زخمی شده بودند از حادثه نجات یافتند. حمله را این بار ASALA بر عهده گرفت.

شاریک آریاک و انگین سور: سرکنسول تورکیه در استرالیا همراه مسئول حفاظتی انگین سور، قربانی تروریسم ارمنی شدند. به غیره در سال 1980:

- در 6 ماه فوریه دوغان تورکمن (Doğan Türkmen) سفیر تورکیه در سوئیس، در برن بدون مجروح شدن از حمله تروریستی نجات یافته بود.
- در 17 ماه آوریل به اتومبیل مقام سفیر تورکیه در واتیکان وجدی تورل (Vecdi Türel) آتش گشوده شد. تورل و مسئول حفاظتی او تحسین گوونچ (Tahsin Güvenç) با زخمی شدن از حادثه نجات یافتند.
- در 26 سپتامبر مشاور مطبوعاتی سفارت تورکیه در پاریس سلجوق باککال باشی (Selçuk BAKKALBAŞI) در حمله مسلحانه زخمی شد.

رشد مرالی و تجلی آری: اتاشه اداری سفارت تورکیه در پاریس رشاد مرالی همراه موظف دینی تجلی آری در طول خارج شدن از محل اتاشه اداری و سوار شدن بر اتومبیل توسط 2 اربابگر ارمنی مورد حمله قرار گرفت اند. در حالی که مرالی در طول حادثه زندگی خود را از دست داد موظف دینی آری، با توجه به این که شدید زخمی شده بود در بیمارستان بستری شده جان خود را از دست داد. حمله را ASALA بر عهده گرفت. با این حادثه تروریسم ارمنی مسبب سومین قتل عام در پاریس شد. تورکیه، به فرانسه در مورد محافظت نکردن موثر از دیپلمات های تورک نوت اعتراضی داده بود.

م. ساواش یرگوز: منشی قراردادی سرکنسول گری تورکیه در ژنور محمد ساواش، در حالی که به خانه خود می رفت همین که از کنسول گری جدا شده بود در نتیجه حمله مسلحانه زندگی خود را از دست داد. حمله را ASALA بر عهده گرفت. بعد از حادثه تروریست ارمنی ماردیرس جانگزیان (Mardiros Camgozyan) تابعه لبنان، به 15 سال جزای سنگین حبس محکوم شد.

جمال اوزن: 4 تروریست ارمنی ساختمانی که سرکنسول گری تورکیه در پاریس و اتاشه فرهنگی در آن موجود بود را اشغال کرده بودند. 56 نفر موظف و شهروند تورک را گروگان گرفتند. ترورست های ارمنی، جمال اوزن موظف امنیتی را که می خواست به آنها مداخله کند را کشتند و سرکنسول کایا اینال (Kaya İNAL) را زخمی کردند. تروریست های ارمنی، آورده شدن 12 زندانی سیاسی در تورکیه به پاریس را خواسته بودند. تروریست ها که فهمیده بودند خواسته هایشان قبول نخواهد شد 15 ساعت بعد تسلیم پلیس شدند. در حالی که تورکیه یک بار دیگر به فرانسه هشدار می داد، فرانسه هم از این حمله انتقاد کرد. حادثه را ASALA بر عهده گرفت. 4 تروریست ارمنی، واسکن ساکوسسلیان (Vasken Sakosesliyan)، کورک آبراهام گوزلیان (Kevork Abraham Gözliyan)، آرام آودیس باسماجیان (Aram Avedis Basmacıyan) و آگوپ آبراهام تورفانیان (Agop Abraham Turfanyan) که حادثه را به وقوع رسانده بودند، در تاریخ 1984.01.31 در فرانسه هر کدام به جزای 7 سال حبس محکوم شدند. نتیجه محکمه با عکس العمل شدید تورکیه روبرو شد. به غیره در سال 1981:

- در 2 ماه آوریل اتاشه اداری تورکیه در کوپنهاگ، جاوید دمیر (Cavit Demir)، در آسانسور آپارتمان سکونت کرده از طرف تروریست های ارمنی مورد حمله قرار می گیرد ولی با مجروح شدن نجات می یابد.
- در 25 ماه اکتبر دومین کاتب سفارت تورکیه در رم کوکبرک ارگنکن (Gökberk Ergenekon)، در طول طی پیاده مسیری مورد حمله قرار می گیرد، ارگنکن از حادثه با برداشتن مجروحیتی خفیف از مرگ نجات می یابد.

کمال آریکان: سرکنسول تورکیه در لوس آنجلس توسط پارتیزان داشناک ارمنی هامپیگ ساسونیان (Hampig Sasunyan) کشته شد. ساسونیان به حبس ابد محکوم شد.

اورهان گوندوز: کنسول فخری تورکیه در بستون هم قربانی تروریسم ارمنی شد.

ارکوت اکبای و نادیده اکبای: اتاشه اداری سفارت تورکیه در لیسبون در نتیجه حمله مسلحانه به اتومبیل او کشته شد. همسر او نادیده اکبای که در اتومبیل بود، ضمن این که زخمی شده بود بعد از مدتی در بیمارستان محل بستری زندگی خود را از دست داد.

آتیا آلتیکات: اتاشه نظامی سفارت تورکیه در اتاوا در نتیجه حمله مسلحانه تروریسم ارمنی کشته شد.

پرا سولکان: اتاشه اداری سرکنسول گری تورکیه در بورگاز قربانی تروریسم ارمنی شد. به غیره در سال 1982:

- در 8 ماه آوریل مشاور تجاری سفارت تورکیه در اتاوا، کانی گونگر (Kani GÜNGÖR) در حمله مسلحانه به او زخمی شد.
- در 21 ماه ژوئیه به سرکنسول تورکیه در روتردام کمال دمیرار (Kemal Demirer)، مقابل محل سکونت یک حمله مسلحانه ترتیب داده شد. دمیرار در حالی که از حادثه بدون زخمی شدن نجات یافته بود، متهاجم ارمنی با زخمی شدن دستگیر می شود.

- در 7 ماه آگوست 2 تروریست ارمنی مرتبط به ASALA در هجوم ناگهانی ترتیب داده به فرودگاه اسنبو غای آنکارا مسبب کشته شدن 9 و زخمی شدن 82 نفر شدند.

غالب بالکار: سفیر تورکیه در بلغراد در حمله ترتیب داده شده توسط 2 تروریست ارمنی در 9 مارس در وضعیت سنگینی زخمی شده و در 11 مارس زندگی خود را از دست داد. یک دانشجوی یوگوسلاو هم کشته شد. کیرکر لونینیان (Kirkor Levonian) و رافی الکساندره البکیان (Raffi Aleksandre Elbekian)، عاملان حادثه یک سال بعد هر کدام به 20 سال جزای سنگین حبس محوم شدند.

دورسون آکسی: اتاشه اداری سفارت تورکیه در بروکسل، توسط تروریست های ارمنی به قتل رسید.

جاهده میخچی اوغلو: سفارت تورکیه در لیسبون از طرف 5 تروریست ارمنی مورد تهاجم قرار گرفت و اشخاص درون ساختمان به گروگان گرفته شدند. در طول تهاجم همسر مستشار سفارت یورتسیو میخچی اوغلو (Yurtsev MIHÇIOĞLU) جاهده میخچی اوغلو جان خود را از دست داد. پلیس پرتغال با ترتیب عملیات گروگان ها را نجات داد و 5 تروریست ارمنی هم به هلاکت رسیدند. این حمله را گروه "ارتش اختلال گر ارمنی" بر عهده گرفت و به دلیل هلاک شدن تروریستان ارمنی نخست وزیر پرتغال ماریو سوارز (Mario Soarez) به مرگ تحدید شد. به غیره در سال 1983:

- در 16 ماه ژوئن در کاپالی چارشی استانبول از طرف یک ارمنی (گرفتار جنون) بر روی مردم آتش گشوده شد. در حادثه 2 نفر کشته و 21 نفر هم زخمی شدند. متهاجم ارمنی در مکان حادثه به هلاکت رسید.

- در 15 ماه ژوئیه مقابل دفتر راه هوایی تورکیه در فرودگاه ارلی پاریس انفجار بمب رخ داد. در حادثه 2 تورک، 4 فرانسوی، 1 آمرکایی و 1 سویدی جمعا 8 نفر کشته شدند و 63 نفر که 28 نفر از آنها هم تورک بودند زخمی شدند. این حادثه با نام "قتل عام ارلی" وارد تاریخ شد.

انشیک یندر: همسر منشی سفارت تورکیه در تهران و تاجری که بین ایران و تورکیه تجارت انجام می داد از طرف یک پارتیزان ASALA کشته می شود.

اردوغان اوزن: اتاشه اداری سفارت تورکیه در وین، در نتیجه انفجار بمب جاسازی شده در اتومبیل وی کشته می شود. حادثه را گروه "ارتش اختلال گر ارمنی" بر عهده می گیرد.

انور ارگون: موظف به نمایندگی تورکیه در مجمع ملل، در نتیجه انفجار بمب در اتومبیل او کشته می شود. این حادثه را هم گروه "ارتش اختلال گر ارمنی" بر عهده می گیرد. به غیره در سال 1984:

- در 27 ماه مارس یک تروریست ارمنی که سعی در جاسازی بمب درون اتومبیل دستیار مشاور تجاری سفارت تورکیه در تهران را داشت، در نتیجه انفجار بمب به هلاکت می رسد.

- در 28 ماه مارس باز در تهران سرکاتب سفارت تورکیه حسن ثروت اکتین (Hasan Servet ÖKTEM) و دستیار اتاشه سفارت اسماعیل پاموکچو (İsmail PAMUKÇU)، مقابل خانه شان مورد حمله قرار گرفته و زخمی می شوند.



کرونولوژی (وقایع نامه)

1022: به مورد الحاق تصرفات فئودال (دره داری) ارمنی از طرف امپراتور بازیلوس دوم (II. Basileios) به خاک های بیزانس 40 هزار ارمنی به داخل آنطولی تبعید شدند.

1046: خاندان های ارمنی با به قتل رسیدن از طرف امپراتور بیزانس کونستانتین نهم (IX. Konstantin) نابود شدند.

1054: در دوران سلطان طغرل بی (Sultan Tuğrul Bey) به ارمنه الحاق شده به سلجوقیان مختاریت داده شد.

1098: ارمنه با صلیبیون همکاری کردند.

1461: فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmed)، با آوردن اسقف اعظم ارمنی هُواکیم (Hovakim) به استانبول به او عنوان پاتریک داد و برای ارمنه حقوق زیادی شناخت.

1567: 160 سال قبل از بنای چاپخانه به زبان تورکی یک کشیش ارمنی با نام آپکار (Apkar) سیواسی که در ونیس آموزش چاپخانه داری دیده بود، اجازه داده می شود که در استانبول یک چاپخانه ارمنی باز کند.

1711: یک کشیش ارمنی اهل آذربایجان با نام ایسرل اوری (İsrel Ori) بعد از 13 سال به طول انجامیدن سفرهای صلیبی خود به فرانسه، انگلیس، آلمان و روسیه برای اقدام به رها کردن مسیحیان از زیر حاکمیت مسلمانان، نهایت موفق می شود که نظر روسیه در مورد قفقاز و جنوب را جلب کند.

1790: اولین مدرسه رسمی ارمنی، از طرف آمیرا میریجانیان (Amira Miricanyan) و شنورک میگیردیچ (Şnork Miğirdiç) در کوم کاپی استانبول بنا شد.

1823: یک ارمنی با اسم آرتین بزجیان (Artin Bezciyan)، در کوم کاپی مدرسه بزجیان را بنا کرد.

1824: پاتریک کارابت (Patrik Karabet)، مدرسه کوم کاپی که گرامر ارمنی در آن خوانده می شد را زیر حمایت پاتریک خانه ارمنی گرفت.

1828: در نتیجه جنگ روس - ایران که کاتوگیکوس نرسس آراتاراکس (Nerses Aratarakes) با سرکردگی بر 60 هزار ارمنی به صف روس ها ملحق شده بود، جغرافیای تاریخی آذربایجان با مرز شدن رود ارس بین روسیه و ایران به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد.

1853: کمیسیون تعلیم و تربیت ارمنی بنا شد.

1876: به مجلس بنا شده نمایندگان ارمنی هم ملحق شدند.

1877: مجلس ملی ارمنی، قرار ثبت نام مردم ارمنی به جنگ را گرفت.

1878: پاتریک ارمنی استانبول نرسس (Nerses)، با فرستان نامه ای غیر رسمی به وزیر امور خارجه انگلیس لرد سالیسبوری (Lord Salisbury)، نخواستن زندگی کردن ارمنه در کنار تورک ها را معین می کند.

عهدنامه برلین امضاء شد. به این عهدنامه، در رابطه با ارمنه عثمانی ماده 61. علاوه شد.

وزیر امور خارجه انگلیس سالیسبوری، در تعلیمات فرستاده به سفیر انگلیس در استانبول، لزوم شروع کردن اصلاحات در شرق توسط عثمانی را اعلام کرد.

1890: عصیان ارضروم، تظاهرات کوم کاپی، اولین عصیان ساسون

1892-1893: عصیان های مرزیفون، قیصری و یوزگات

1895: حادثه باب عالی، تشبث ارمنه به عصیان در ماراش

1896: اقدام ارمنه در استانبول، اولین عصیان وان، حادثه بانک عثمانی

1902: اچ. آجاریان (H. Acaryan) از زبان شناسان ارمنی، یک کتاب در مورد "تاثیر زبان تورکی بر زبان ارمنی و کلمات گرفته ارمنه از زبان تورکی" می نویسد.

1904: دومین عصیان ساسون

1905: مبادرت ارمنه به سوء قصد در مقابل مسجد ییلدیز، به پادشاه عثمانی عبدالحمید دوم (II. Abdülhamid).

1908: روزنامه ژاماناک ارمنه شروع به انتشار کرد.

مجلس دوم باز شد و بعضی از کمیته چیان ارمنی به عنوان نماینده وارد مجلس ملت شدند.

1909: عصیان ارمنه در آدانا

1915: دومین عصیان وان

کمیته های ارمنی که بر علیه دولت عثمانی فعالیت نشان می داداند بسته شده و 2345 نفر از سرکردگان و اعضای آن دستگیر شدند.

ارمنه در وان وارد قتل عام بزرگی بر علیه مسلمانان شدند.

قانون تغییر مکان (تهجیر) وضع و اجراء شد.

1919: بوغوس نوبار پاشا (Bogos Nubar Paşa) که در بروکراسی عثمانی در عالی ترین مرتبه انجام وظیفه می کرد همراه شریف پاشا (Şerif Paşa) سند استقلال ارمنی - کرد را امضاء کردند.

1920: عهدنامه گومرو امضاء شد.

1921: طلعت پاشا (Talat Paşa) در برلین از طرف ارمنه به قتل رسید.

ساعد پاشا (Sait Paşa) در رم توسط ارمنه به قتل رسید.

عهدنامه مسکو امضاء شد.

میثاق تُرلاکیان (Misak Torlakyan) ارمنی، مقابل هتل Pera Palas در تپه باشی، وزیر امور داخله آذربایجان جوانشیر خان (Cevanşir Han) را بقتل می رساند.

عهدنامه کارس امضاء شد.

1922: جمال پاشا (Cemal Paşa)، در تقلیس از سوی ارمنه بقتل می رسد.

1923: مونیب بویا (Münib Boya) ی ارمنی الاصل به عنوان نماینده وان وارد مجلس (تورکیه) شد.

عهدنامه لوزان امضاء شد.

1934: رمان فرانس وئرفل (Franz Werfel) با نام "چهل روز در کوه موسی"، در ایالات متحده آمریکا به زبان انگلیسی منتشر شد.

1935: یک گروه ارمنی با تجمع در کلیسای پانگالتی ارمنی، رمان فرانس وئرفل "چهل روز در کوه موسی" را به جهت پر بودن از افتراء هادر مورد ملت تورک را به آتش کشانداند.

1936: انتشار رمان فرانس وئرفل "چهل روز در کوه موسی" در فرانسه، عکس العمل مطبوعات تورکیه را جلب کرد.

1937: جواد رفات آتیلهان (Cevat Rifat Atilhan)، با نوشتن کتابی با اسم "کوه موسی" عدم انعکاس حقایق در اثر فرانس وئرفل را اعلام کرد.

ممنوعیت فیلم شدن اثر فرانس وئرفل، از طرف وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا به دستور جلسه گرفته شد.

1943: برچ تورکر کرسجی (Berç Türker Keresteci) ارمنی الاصل، نماینده آفیون کاراحصار در مجلس شد.

1957: میگردیچ شلفیان (Miğirdiç Şellefyan) در انتخابات، از لیست پارتی دمکرات نماینده استانبول انتخاب شد.

1964: وزیر امور خارجه قبرس کپریانو (Kipriyanu) با به میان آوردن "مسئله ارمنی" در شورای امنیت مجمع ملل برای گرفتن قرار بر علیه تورکیه تلاش کرد.

1965: در شهر ساپالوی برزیل، از طرف ارمنه بر علیه تورکیه تظاهرات ترتیب داده شد.

1969: در 24 آوریل در لندن، مقابل سفارت تورکیه از طرف ارمنه تظاهرات راهپیمایی ترتیب داده شد.

1973: سرکنسول تورکیه در لوس آنجلس محمد بایدار (Mehmet Baydar) و دستیار او بهادر دمیر (Bahadır Demir)، از طرف یک ارمنی با اسم گورگن یاتیکیان (Gurgen Yanıkyan) به قتل می رسند و دوران ترور دیپلمات های تورک از سوی تروریست های ارمنی شروع می شود.

1975: تشکیلات ASALA (ارتش سری ارمنی برای رهایی ارمنستان) بنا می شود.

1979: حکومت یونان، در میدان Nea Simirna آتن، به علم شدن "بنای یادبود انتقام ارمنی" اجازه می دهد.

1981: "اتحادیه دانشجویان ارمنی" و "دایره دانشجویان کرد" حاضر در اروپا، در شهر لندن اطلاعیه مشترک منتشر کردند.

1983: اربابگران منسوب به ASALA، در فرودگاه ارلی پاریس به دفتر راه هوایی تورکیه یک حمله بمب گذاری ترتیب دادند. در این حادثه که قتل عام ارلی نام گذاشته شد انسان های زیادی کشته و زخمی شدند.

1991: در قره باغ، بین ارمنه اشغال گر و تورک های آذربایجانی درگیری شد. مناطق مسکونی تورک های آذربایجان از طرف ارمنه اشغال گر به آتش توپ گرفته شدند.

1922: در 26 فوریه، واقعه کشتار تورک های آذربایجان با شکنجه شدن توسط نظامیان سفاک ارمنی در خوجالی رخ داد.



سوالات مهم و جواب ها

○ اصطلاح نسل کشی دارای چه معنی ای می باشد؟

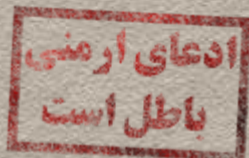
اصطلاح نسل کشی برای اولین بار، با قرار شورای عمومی مجمع ملل در تاریخ 1948.12.09 تصدیق شده و در قطعنامه بین المللی با نام "قطعنامه مرتبط با پیش گیری و مجازات نسل کشی" در 1951.01.01 به اجراء در آمده و استفاده شده است.

بنابر این قطعنامه که از طرف تورکیه هم تصدیق شده؛ برای تعریف جرم نسل کشی تحقق این سه عنصر لازم می باشد:

1. قبل از هر چیز موجود بودن یک گروه ملی، قومی، عرقی و یا دینی لازم است.
2. این گروه، از عمل "کشته شدن منصوبان گروه" حساب شده در قطعنامه تا "کودکان یک گروه را به زور به گروه دیگر منتقل کردن" و عملی که "تابع شدن گروه به شرایطی از زندگی که به موجودیت فیزیکی آن خاتمه دهد" را شامل شده و به بعضی از معاملات باید تابع شود.
3. "قصد نابود سازی قسمتی و یا تمام" گروه موضوع بحث باید موجود باشد.

این عبارت کلیدی؛ نسل کشی را از دیگر "آدم کشی ها" که در نتیجه اهداف جنگ ها، عصیان ها و سایر موارد مرتبط می باشد متمایز می کند، فعل آدم کشی زمانی که اعضای یک گروه ملی، قومی، عرقی و یا دینی را صرفاً به جهت منصوب بودن به این گروه و یا در شکلی پوشانده شده برای نابود سازی هدف بگیرد به نسل کشی تغییر می کند.

بزرگی اعداد، تنها زمانی که به عنوان معین کننده یک قصد این چنینی متوجه به یک گروه اگر به دست گرفته شود معنی دار خواهد بود. به همین دلیل است که، به سبب دادگاه روسل (Rusel) که با جنگ ویتنام در ارتباط بود، همانند سخن گفتن سارتر (Sartre) از نسل کشی، اگر همچنین قصدی موجود است علارغم مخفی بودن آن برای ثابت کردن موجودیت آن بررسی حوادث قابل مشاهده لازم و ضروری می باشد.



○ آیا 24 آوریل 1915 روز نسل کشی ارمنی (!) می باشد؟

بعد از 1890 و شروع شدن ده ها عصیان از طرف ارامنه و بلافاصله قتل عام های ارمنی در ادامه آن حکومت عثمانی، پاتریک ارمنی، نمایندگان ارمنی، کمیته ها و اشخاص برجسته جمعیت ارمنی را در برابر به میان آمدن وضعیت آشوب های جدید، "با هدف تامین کردن دفاع از کشور در اجبار گرفتن تدابیر سخت خواهد بود" توجیه کرده بود. این تلاش های حکومت عثمانی با اسناد هم ثابت می باشد.

به رغم تمام اخطار های خوش نیتانه، قبل از شروع جنگ ارامنه که به تدارک هر گونه عصیانی وارد شده بودند، با شروع شدن و نشدن جنگ به یک عصیان جمعی هدایت نشده بودند. در حالی که ارتش عثمانی در جبهه ها جنگ می کرد، اعمال ارامنه، "برای استقلال ارمنی، با تلاش برای خدمت به دعوی متفق" متناسب با پلان حاضر شده اجراء شده بود. هرچند، فعالیت های موجود پشت جبهه توسط دسته های ارمنی، بنابر حقوق دول از حقیقت خیانت حساب شدن آن چشم پوشی شده بود.

عصیان های ارمنی خصوصا با شروع شدن از شرق آناتولی شروع و به دیگر مناطق منتقل شده بود. در ارضروم و اطراف آن با توسعه اشغال روس، ارامنه "خون مردم مسلمان را برای خود مباح دیده بودند." و به تعبیر آلمان ها، "در این منطقه پاک سازی مردم مسلمانان شروع شده بود."

در حالی که ظلم و اعمال این چنینی دسته های سفاک ارمنی ادامه داشت، در جستجوهای انجام گرفته از طرف قوای امنیتی در مناطقی که ارامنه در آنجا زندگی می کردند، شمار کثیری سلاح و مهمات به دست آمده بود. دیگر این وضع که موجودیت دولت را در یک شکل سنگین زخمی کرده بود، در برابر مقداری مسامحه از طرف دولت، هدایت آن به نتایجی که تلافی آن غیر ممکن بود دیده می شد.

قبل و بعد از ورود دولت عثمانی به جنگ و خصوصا مغلوبیت در جبهه قفقاز، حملات ارامنه بر علیه مردم مسلمان، فرار آنها از سربازی، هجوم آنها به سرباز و ژاندارما، دستگیری آنها با سلاح و مهمات، توسعه هایی مانند به دست آمدن اسناد سری و رمزی به زبان فرانسوی، روسی و ارمنی، دلایل بسیار مهمی در نشان دادن یک آشوب که در شعاع کشور انجام خواهد شد گشته بود. انور پاشا (Enver Paşa) به سبب این وضعیت حساس در تاریخ 1915.02.25 هوشیار بودن واحدهای مرتبط را معین کرده بود.

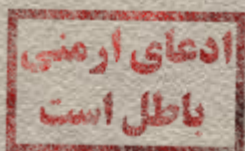
هرچند حادثه ای که با اجرای آن در منطقه ای محدود فکر عمومیت دادن به آن را تقویت می کرد، عصیان ارامنه وان شده بود. ارامنه موجود در اطراف آن منطقه، در روزهای ورود دولت عثمانی به جنگ، تجمع آنها در وان، مسلح شدن و در انتظار بسیار نزدیک شدن روس ها به اسناد رسمی هم منعکس شده است. عصیان شروع شده در تاریخ 1915.04.17 تمام ولایت را پوشانده بود و در 20 آوریل هم ارامنه شهر وان و روستاهای آن به همراه نسطوریان چوله مریک عصیان کرده بودند. گاتوگیکوس ارمنی وای. کورک (V.Kevork)، ملحق شدن 10.000 پارتیزان مسلح به این عصیان را اطلاع داده بود.

به سبب این کمیته های ارمنی با بسته شدن در تاریخ 1915.04.24، از گردانندگان آنها 2345 نفر به جرم حضور در فعالیت های علیه دولت دستگیر شدند. ارامنه ارمنستان و خارج هر سال با یاد 24 آوریل "سالگرد نسل کشی ارمنی (!)"، در واقع این تاریخ روز دستگیری 2345 کمیته چی ارمنی بوده و با تهجیر ارامنه ارتباطی ندارد. هرچند، کمیته های ارمنی که حوادث بی اصل را با مبالغه به ابزاری برای پروپاگاندا تبدیل می کردند و می کنند، برای این که دستگیر شدگان مورد بحث را هم موضوع تبلیغات سیاسی کنند بلافاصله وارد حرکت شده بودند. چنانکه، کاتوگیکوس کلیسای اچمیازین ایروان اسقف اعظم کورک، در تلگراف فرستاده به رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا در رابطه با موضوع اینگونه می گوید:

"رئیس محترم، به واسطه آخرین اخبار گرفته از ارمنستان تورک، در آنجا قتل عام و ترور تشکیلاتی شروع و موجودیت مردم ارمنی را به خطر انداخته. در این زمان خطرناک به عالی جنابان و حس های اصیل ملت بزرگ آمریکا خطاب می کنم، با نام پاور انسانیت و مسیحیت، با مداخله فوری به واسطه نمایندگان دیپلماتیک جمهوری بزرگتان، محافظت مردم ام را که در تورکیه به شدت تعصب تورک رها شدند را تمنا می کنم.

کورک، اسقف اعظم و کاتوگیکوس تمام ارامنه جهان"

تلگراف اسقف اعظم کورک، در روسیه توسط سفیر واشینگتن به ام. آمریکا پیگیری شد. بدین گونه روز 24 آوریل که روز بسته شدن کمیته هایی ارمنی که اعمال غیر قانونی و جنایات انجام می دادند، به عنوان روزی که تورک ها ارامنه را به نسل کشی گرفته اند به افکار عمومی دنیا پروپاگاندا می شود.



- وضعیت نفوس ارمنی، قبل و بعد از تهجیر چگونه است؟
- آیا شمار ارامنه ای که زندگی خود را از دست داده اند، 1.5 میلیون نفر می باشد؟

امروزه موضوعی که از طرف کمیته چیان ارمنی و حامیان امروزی آنها بهره برداری شده و بدان شعاع داده می شود. جمعیت ارمنی قبل از کوچ و بعد از کوچ است. بنابر فیدهای گرفته شده در دوران جنگ، ارقام رسمی، تدوینات کلیسا، اطلاعات جای گرفته نفوس در گزارش میسیونرهای خارجی و به رغم اسناد دیگر مداوم نفوس واقعی آن زمان با نشان دادن تعداد متعدد یک رقم آمیخته، ارقام در مقدارهای نامفهوم در حال تغالی و در جستجوی تکیه بر ادعاهای نسل کشی صوری هستند. بعضی از ارقام داده شده، امروز در کل دنیا از جمعیت نفوس ارامنه که زندگی می کنند به طوری در چندین طبقه آن سوتر قرار می گیرند. به همین جهت، با مقایسه منابع ای که اطلاعات جدی می دهند در ماده های متعاقب ارزیابی شده اند.

نفوس ارمنی قبل از تهجیر:

در رابطه با نفوس ارمنی موجود در دولت عثمانی ادعاهای بسیار متفاوتی وجود دارد. این ارقام به ترتیب در ذیل آورده شده اند:

نفوس ارمنی در دولت عثمانی بنابر منابع ارمنی و خارجی:

- بنابر سالنامه 1917 انگلیس: **1.056.000** (1)
- بنابر پاتریک اورمانیان (Patrik Ormanyan): **1.579.000** (2)
- بنابر کتاب "ارمنستان و ارامنه" کورک اصلان (Kevork Aslan) 920.000 در آناتولی، 180.000 کیلیکیا (مناطق آدانا، سیس، ماراش)، 700.000 به مورد موجود بودن در دیگر مناطق عثمانی جمعا: **1.800.000** (3)
- بنابر کشیش آلمانی ژوهانس لپسیوس (Johannes Lepsius): **1.600.000** (4)
- بنابر کوینت (Cuinet): **1.045.018** (5)
- بنابر کتاب زرد فرانسه: **1.475.011** (6)
- بنابر باسماجیان (Basmacıyan): **2.280.000** (7)
- بنابر پاتریک نرسس وارژابedian (Patrik Nerses Varjabedian): **1.150.000** (8)

نفوس ارمنی بنابر اسناد رسمی دولت عثمانی:

ارامنه و خارجیان سعی می کنند از مکفوفیت و ندیدن اسناد عثمانی وارد موضوع شوند. هرچند، در رابطه با این موضوع موجود بودن مطمئن ترین ارقام در اسناد عثمانی قطعی می باشد. همانند آنچه که اخیرا دیده شده تلاش های فارغ از منطقی در رساندن آن به 4 و 5 برابر می شود. مثلا: در کنگره برلین در سال 1878، ارامنه خواستار ارمنستان مستقل، مدعی موجود بودن 3.000.000 ارمنی در شرق آناتولی شده بودند. هرچند در معاهده برلین، حکم بسته شدن مسیحیان به دادن مالیات، این رقم را به زیر رقم معین شده از طرف عثمانی تنزل داده شده بود. (9)

در دولت عثمانی مدیریت عام آمار، در سال 1892 تاسیس شد. وظیفه مدیریت عمومی را در سال 1892 نوری بی (Nuri Bey)، در بین سال های 1892-1897 یک موسوی با نام فتحی فرانکو (Fethi Franco)، در بین سالهای 1897-1903 یک ارمنی با نام میگردیچ شینابیان (Migirdiç Şınabyan)، در بین سالهای 1903-1908 یک آمریکایی با نام روبرت (Robert) و در بین سالهای 1908-1914 محمد بهیچ بی (Mehmet Behiç Bey) انجام داده بودند.

مثل آنچه که دیده می شود در دوران جریان حادثه های مهم حامل مسئله ارمنی به میدان های سیاسی، اطلاعات نفوس عثمانی زیر کنترل خارجیان بوده. از اینجا با حرکت، تا به امروز بنابر نبودن دلیل و یک سند نقیض، اعتبار کردن به اطلاعات نفوس عثمانی لازم و منطقی تر می باشد.

- در سال 1893 بنابر سرشماری نفوس: **1.001.465**
- در سال 1906 بنابر سرشماری نفوس: **1.120.748**
- در سال 1914 بنابر سرشماری نفوس: **1.221.850** (10)

در ارزیابی آمار هر سه گروه مربوط به عثمانی ها، خارجیان و یا ارامنه، در دوران جنگ جهانی اول بیشترین حد نفوس ارامنه ساکن در اراضی عثمانی با فرض بر 1.250.000 بودن قابل ذکر است.

در راستای تغییر مکان ارمنه که در راه های مختلف جدا شده و در مکان هایی که بودند مرتباً تعداد آنها کنترل می شده. از تاریخ 1915.06.09 تا 1916.02.08 چه مقدار بودن نفوس ارمنی که از قسمت های مختلف آناتولی به مکان های جدید اسکان حمل شده و در آنجا در جای خود ترخیص شده اند، در اسناد مرتبط با تصنیفات آرشیو عثمانی بدین شکل جمع شده: (11)

نفوس ارمنه به تغییر مکان گرفته شده

باقی ماندگان	سوق داده شدگان	منطقه	
15-16.000	14.000	Adana (12)	آدانا
733	21.236	Ankara (Merkez) (13)	آنکارا (مرکز)
-	250	Aydın (14)	آیدین
-	1.200	Birecik (15)	بیره جیک
-	20.000	Diyarbakır (16)	دیاربکر
-	9.000	Dört Yol (17)	دورتیول
-	5.500	Erzurum (18)	ارضروم
-	7.000	Eskişehir (19)	اسکی شهر
-	328	Giresun (20)	گیره سون
-	250	Görece (21)	گوره له
-	26.064	Halep (22)	حلب
-	60	Haymana (23)	هایمانا
-	256	İzmir (24)	ازمیر
-	58.000	İzmit (25)	ازمیت
-	257	Kalacak (26)	کالاجیک
2.222	5.769	Karahisarı sahib (27)	کاراحصار صاحب
4.911	45.036	Kayseri (28)	قیصری
-	1.169	Keskin (29)	کسکین
-	747	Kırşehir (30)	کنر شهر
-	1.900	Konya (31)	قونیه
-	1.400	Kütahya (32)	کوتاهیا
4.000	51.000	Mamuretülaziz (33)	ماموره العزیز
8.845	-	Maraş (34)	ماراش
-	479	Nallıhan (35)	ناللی هان
-	36	Ordu (36)	اردو
-	390	Perşembe (37)	پر شنبه
6.055	136.084	Sivas (38)	سیواس
-	576	Sungurlu (39)	سونگورلو
-	290	Sürmene (40)	سورمه نه
-	45	Tirebolu (41)	تیره بولو
-	3.400	Trabzon (42)	ترابزون
-	30	Ulubey (43)	اولو بی
-	10.916	Yozgat (44)	یوزگات
32.766	422.668	TOPLAM	جمع کل

از سوی دیگر در تلگراف فرستاده شده به تاریخ 1915.10.18 از طرف مدیر مسکون سازی عشیره ها و مهاجران شکری بی (Şükrü Bey)، شمار تخمینی ارمنه سوق داده شده به حلب را که حدود 100.000 نفر بودند را اطلاع داده است. (36) در این میان با اعتبار به تاریخ 1915.09.18 در دیاربکر 120.000 و با اعتبار به تاریخ 1915.09.28 در جیزره 136.084 از نفوس ارمنی جمع شده به مورد فرستاده شدن به اطراف موصل و زُر از اسناد ثبت شده قابل استعلام می باشد. (37) چنانچه در تلگراف رمزی فرستاده شده به تاریخ 1915.11.03 از نیزبپ توسط شکری بی، تداوم انتقال در یک شکل بسیار منظم بیان شده است. (38) در لیست داده شده فوق نفوس باقی مانده آدانا در بین نفوس تغییر مکان داده شده جای گرفته ولی انتقال نشدن آنها معین شده بود و بعدها به مناطق جدید اسکان

منتقل شده بودند. (39) بنابراین کل نفوس تغییر مکان داده شده همراه با نفوس ارمنه حلب 438.758 بوده، لیکن کل نفوس رسیده موجود در مناطق اسکان 382.148 می باشد. (40) همانند آنچه دیده می شود بین این دو رقم یک فرق 56.610 نفره دیده می شود.

این فرق 56.610 نفره، بین کوچ داده شدگان و آنهایی که در مناطق جدید اسکان حاضر شده اند، بنابر اطلاعات بدست آمده از اسناد، بدین شکل به میان آمده است: 500 نفر بین ارضروم - ارزینجان؛ 2.000 نفر در مسکنه بین اورفا - حلب؛ 2.000 نفر در اطراف ماردین در نتیجه تهاجم راهزن ها و عشیره های عرب به قتل رسیده، بعلاوه در آن قدر، یعنی حدود 5.000 نفر هم و شاید هم کمی بیشتر در نتیجه تهاجمات انجام شده به قافله ها در ناحیه درسم کشته شده اند. (41) در تابع این اطلاعات واضح، جمعا بقتل رسیدن 9-10 هزار نفر در راستای اجراء تغییر مکان تثبیت شده. بعلاوه در راه ها مرگ به دلیل گرسنگی هم در اسناد معلوم است. (42) خارج از این، تقریبا مرگ حدود 25-30 هزار نفر هم به دلیل بیماری هایی مثل حصبه، دیسانتری (اسهال خونی) و شرایط اقلیمی تخمین زده می شود که، (43) در این شکل نزدیک 40 هزار نفر در راه ها مفقود شده اند. اما یک قسمت از باقی 10-16 هزار نفری، همراه با آورده شدن به راه، به سبب توقف تهجیر که هنوز در محل اسکان حاضر نبودند، در ولایت هایی که موجود بودند ترخیص شده اند. مثلا در تاریخ 1916.04.26 در استان قونیه برای اسکان ارمنه در راه سوق درون استان، نوشته ای فرستاده شده بود. (44) از طرفی تخمین زده می شود که قسمتی از ارمنه مشمول تغییر مکان به روسیه، کشورهای غربی و آمریکا فرار کرده اند.

چنانچه در اسناد، 50.000 از ارمنه موجود زیر سلاح از ارتش عثمانی به ارتش روسیه ملحق شده، باز به مورد جنگیدن بر علیه تورک ها قید هایی همچون 50.000 ارمنی هم در ارتش آمریکا سه - چهار سال برای دیدن آموزش جای گرفته است. فی الواقع، در نامه یک ارمنی ساکن آمریکا به وکیل دعوی ائلازیغ مراد مرادیان (Murad Muradyan) اطلاعاتی این چنینی وجود دارند. (45) در نامه، قسمتی از ارمنه گریخته به روسیه و آمریکا و حرکت کردن 50.000 از سربازان تعلیم یافته در آمریکا به سوی قفقاز به طور آشکار ابراز شده است. از تمام این اسناد مثل آنچه که می توان فهمید، اتباع ارمنی بسیار زیاد عثمانی، قبل از جنگ و درون جنگ با در راس بودن آمریکا و روسیه به کشورهای مختلفی پراکنده شده اند. مثلا یک ارمنی با نام آرتین هوتومیان (Artin Hotomyan) که با هدف تجارت در آمریکا بوده در 1915.01.19 در یک نامه فرستاده به مدیریت عمومی امنیت از هزاران ارمنی گریخته از طرق مختلف به آمریکا و از حال گرسنه آنها در یک زندگی پریشان نوشته بود. (46) این اطلاعات، تعداد طبیعی ارمنه گرفته شده مناطق مختلف آناتولی و روملی به تغییر مکان را با تعداد آنهایی که به مراکز اسکان جدید رسیده اند را نشان میدهد و به این سبب در راستای تغییر مکان نبودن هر نوع حادثه قتل عام برنامه ریزی شده از سوی دولت را به میان می گذارد.

از طرف دیگر ارمنه تابع گرفته شده به تغییر مکان بنابر آنچه که شمار آنها را در حدود 500.000 معین می کند، همراه ارمنه کاتولیک و پروتستان تابع گرفته نشده به سوق و اسکان، ارمنه استانبول و بعضی مناطق دیگر و همچنین ارمنه موجود در استان های وان و کارس که زیر اشغال روس بودند همراه هم شمار نفوس ارمنی موجود در عثمانی را که بین 600.000 الی 800.000 بودند را به میان می گذارد.

چنانچه در اواخر سال 1918، بوغوس نوبار پاشا (Boghoss Nubar Paşa) رئیس هیئت نمایندگان ارمنی در گزارش فرستاده به مسیو گوت (Monsieur Gout) وزیر صلاحیت عالی وزارت امور خارجه فرانسه: خارج شدن 390.000 نفر از تورکیه را که 250.000 نفر در قفقاز، 40.000 در ایران، 80.000 در سوریه - فلسطین 20.000 در موصل - بغداد شامل آن بودند، در اصل تعداد جمعی کوچ کنندگان که به 600-700 هزار نفر میرسد و جدای از اینها در دشت ها پراکنده شده و شامل آنها نمی شوند را معین می کند. (47) از ارقام داده بوغوس نوبار پاشا 290 هزار نفر (قفقاز و ایران) خارج از اجراء تغییر مکان که خاک های عثمانی را ترک کرده اند قابل فهم می باشد. به همین جهت اگر از تعداد جمعی 600-700 هزار نفری کوچ کنندگان 290 هزار نفر را تفریق کنیم، نفوس طبیعی گرفته شده به تهجیر را در که حدود 400 هزار نفر بودند را نشان می دهد که، این هم با ارقام داده رئیس هیئت نمایندگان ارمنی، بعد از به وقوع پیوستن تغییر مکان، یعنی بین اعداد داده مربوط در سال 1918، با ارقام حاصل شده از اسناد عثمانی تناسب بزرگی در میزان نمایان می کند. و بر عکس ادعای کذب ارمنه و به سبب وجود زنده و سالم آنها در مکان های اسکان، چگونگی بی اتکا بودن ادعاهای نسل کشی به میان می آید.

در همان دوران سفیر ایالات متحده آمریکا در استانبول مورگنثاو (Morgenthau) هم در خاطرات روزانه خود، زمان ملاقات با وکیل ارمنه پروتستان زنوب بزجیان (Zenop Bezciyan) از بیانات بزجیان به حیرت افتادن خود را آشکار می کند. (48) در رابطه با این ملاقات مورگنثاو اینگونه می نویسد:

وکیل ارمنه پروتستان زنوب بزجیان آمد، اشمائونیان (Schmavonian) خودش را به من معرفی کرد. رفیق دوران مدرسه بودند. در مورد شرایط (داخل) چیز های زیادی را به من توضیح داد. از حرف زدن او در ممنون بودن تا حد امکان از وضع ارمنه موجود در زُر تعجب کردم حتی کارشان را بنا و حتی برای دخل زندگی هم شروع به کار شده بودند؛ اینها شبیه آنهایی هستند که جزء اولین فرستاده شدگان می باشند و بدون این که به قتل برسند به آنجا آمده بودند. به من یک لیست از موجود بودن کمپ های مختلف در کدام نقطه ها داد و از فرض بر این که نیم میلیون نفر به آنجا منتقل شده اند حرف زد. قبل از آمدن زمستان در خصوص لزوم کمک کردن به آنها دارای اصرار بود.

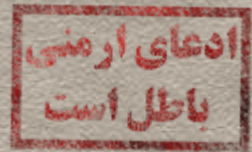
این جملات، چگونگی به تعجب افتادن سفیر ایالات متحده آمریکا مورگنثاو (یکی از عاملان ظهور افسانه نسل کشی ارمنی) در برابر ممنون بودن یک ارمنی از وضع ارمنه بعد از تهجیر را نشان می دهد.

از قضا در سال 1917 اسون هدین (Sven Hedin) سوئدی که به کلیسای (صومعه) زُر آمده بود همراه مترجم خود که از ارمنه استانبول بود، در کنار رود فرات موجود بودن صدها چادر در هر جا را دیده و درون آنها موجود بودن زن و کودکان ارمنی آمده از جبهه قفقاز و یا حلب را ذکر می کند. (49) در رابطه با این موضوع، یک حقیقت دیگر که کسی نمی خواهد آن را ببیند وجود دارد: و آن شمار کشته شدگان تورک می باشد. جاستین مک کارتی (Justin McCarthy) مورخ آمریکایی در این مورد اینگونه می نویسد:

زمانی که شمار مرده های ارمنی را به دست می گیریم باید شمار مردگان مسلمان را هم مقابل چشم قرار دهیم. آمار، کشته شدن 2 میلیون مسلمان که اکثر آنها تورک بودند را می گوید. در 6 ولایت که ارمنه در آن زندگی می کردند بیش از 1 میلیون مسلمان کشته شده بود... استان سیواس درون مرزهای جنگ نبود. ارتش روس هم هرگز این قدر به داخل وارد نشده بود. فقط در سیواس 180 هزار مسلمان کشته شد. همین نکته در مورد تمام آناتولی معتبر می باشد. (50)

Halaçoğlu, Prof. Dr. Yusuf; Ermeni Tehcirine Dair Gerçekler (1915), TTK Yayını, Ankara 2001.

- 1) 1917 Britannica Yıllığı
- 2) Uras, Esat, Tarihte Ermeniler ve Ermeni Meselesi, İstanbul 1987
- 3) Aslan, Kevork, Ermenistan ve Ermeniler, İstanbul 1914.
- 4) Uras, Esat, a.g.e.
- 5) Uras, Esat, a.g.e.
- 6) 1893-1897 Ermeni İşleri, Paris, 1897 nakleden Uras, Esat, a.g.e.
- 7) Uras, Esat, a.g.e.
- 8) Uras, Esat, a.g.e.
- 9) Mazıcı, Nürşen, Belgelerle Uluslar arası Rekabette Ermeni Sorunu, İstanbul 1987.
- 10) Daha geniş bilgi için bkz. Karpaz, Kemal, H. Ottoman Population 1830-1914 Demographic and Social Charsetistic, The University Of Winsconcin Press, 1985 London.
- 11) Bu arada Kastamonu, Balıkesir, Antalya, İstanbul, Urfa Ermenileriyle, Protestan ve Katolik Ermenilerle, hastalar, öğretmenler, yetim çocuklar ve kimsesiz kadınlar sevk edilmemiştir.
- 12) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/77 (Ek-XXII).
- 13) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/77 (Ek-XXII).
- 14) DH. EUM. 2. Şube, nr.69/250.
- 15) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/101.
- 16) Belgelerde Diyarbakır'dan ne kadar Ermeni'nin naklolunduğu bildirilmemektedir. Bununla beraber başka illerden gelenlerle birlikte 120 bin Ermeni'nin sevk edildiği kayıtlarda yer almaktadır. Bu sebeple bu ilden 20.000 Ermeni'nin sevk edildiği varsayılmıştır.
- 17) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/89.
- 18) ŞFR. nr.54/162. Her iki belgede sevk olunan Ermenilerden 500 kişilik bir kafilenin Erzurum -Erzincan arasında Kürtler tarafından katledildiği, diğer belgede ise Dersim bölgesinden gönderilen kafilelerin Dersim eşkıyası tarafından yine tamamen katledildiği bildirilmektedir. Bu kafilelerde kaç kişinin bulunduğu bilinmediğinden tahmini olarak 5.000 kişi alınmıştır.
- 19) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/72.
- 20) Giresun, Perşembe, Ulubey, Sürmene, Tirebolu, Ordu ve Görele aynı vesikada verilmiştir (Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.68/41).
- 21) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/76.
- 22) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/66.
- 23) DH. EUM. 2. Şube, nr.69/260.
- 24) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/67 (Ek-XXIV)
- 25) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/79
- 26) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/73.
- 27) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/75 (Ek-XXV).
- 28) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/66.
- 29) DH. EUM. 2. Şube, nr.69/34.
- 30) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/93.
- 31) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/70 (Ek-XXVII).
- 32) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/41.
- 33) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/84 (Ek-XXVII).
- 34) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/41.
- 35) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/66.
- 36) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/80 (Ek-XXVIII).
- 37) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/71 (Ek-XXIX); 2. Şube, nr.68/84.
- 38) DH. EUM. 2. Şube, nr.68/101.
- 39) Halep'e gelenlerin 100 bin civarında olduğu bildirilmesine karşılık (Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.68/80) buraya gelen nüfus 100.000 ol arak alınmıştır.
- 40) Yer değiştirmeye tabi tutulan edilen ve yeni yerleşim bölgesine varan nüfus ile ilgili olarak belgelerde kesin rakamlar verilmekle beraber, bazı yerlerden net sayılar verilmemesi sebebiyle her ikisi için de artı-eksi % 10 oynama söz konusu olabilir.
- 41) Mesela Trabzon, Erzurum, Sivas, Diyarbakır, Elazığ, Bitlis illeriyle Maraş ve Canik mutasarrıflarına 26 Temmuz 1915 tarihli şifre telgrafta, savaş başlanıandan beri hastalık ve isyan sebebiyle ne kadar Ermeni'nin öldüğünün bildirilmesi istenmiştir (ŞFR., nr. 54-A/112). Ayrıca Ereğli ve Musul'da Ermeni göçmenler arasında tifüs, dizanteri, sıtma gibi bulaşıcı hastalıkların yaygın olarak görüldüğü anlaşılmaktadır (Konya iline 8 Temmuz 1915 tarihli telgraf, ŞFR., nr.57/337; Zor Mutasarrıflığına 3 Şubat 1916, ŞFR., nr.60/219).
- 42) ŞFR., nr.57/110.
- 43) Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.68/81; Ayr. Bkz. ŞFR., nr. 57/51.
- 44) ŞFR., nr. 63/119.
- 45) DH. EUM. 2. Şube, nr.2F/14.
- 46) Bkz. DH. EUM. 2. Şube, nr.2F/94.
- 47) Archives des Affaires Etrangères de France, Série Levant, 1918-1928, Sous Série Arménie, Vol. 2, folio 47'den naklen bkz. Bilal 'im'ir, Les Departén de Melte et les Allégations Armeniennes, Ankara 1998, p. 49.
- 48) Bkz. Heath W. Lowry, Büyükelçi Morgenthau'nun Öyküsü'nün Perde Arkası, İstanbul 1991, s. 47-48.
- 49) Sven Hedin, Bağdad, Babylon, Ninive, Leipzig 1918, s. 60-63'ten naklen N. Göyünç, s. 13.
- 50) McCarthy, Justin: "The Anatolian Armmenians 1912-1922". Armenians in the Ottoman Empire and Modern Turkey (1912-1926), Boğaziçi Üniversitesi, İstanbul 1984, s.23-25



○ آیا حکومت عثمانی از تحقیق و بررسی ادعاها شانه خالی کرده است؟

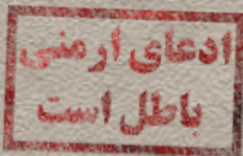
دولت عثمانی، در تاریخ 1919.03.26، با نوت های فرستاده به کشورهای اسپانیا، سوئیس، دانمارک، سوئد و نروژ که در جنگ جهانی اول طرف نبودند، از هر کدام از آنها فرستاده شدن دوگانه حقوق دان ها را خواسته بود. این ورود، به مورد مداخله انگلیسی ها بی نتیجه مانده بود و در بنای کمیسیون و به جهت آن بررسی موضوع مانع ایجاد شده بود. (1)

این موضوع، در اعمال اجراء شده توسط دولت عثمانی در چهارچوب حقوق بین المللی موجود نبودن هیچ اشتباهی را نشان می دهد و یک اشاره مهم از اعتماد به خود می باشد. گویا، به میان آورده شدن فاعلان حقیقی و تصورات خواسته نشده بود. اگر این کمیسیون بنا می شد، امروز اتهامات بی اصل متوجه به ملت تورک مخاطب حقیقی خود را می یافت، بعلاوه این ادعاهای نااصل متوجه به جمهوری تورکیه هم در اعماق تاریخ آن روز دفن می شد.

اقدامات دولت عثمانی تنها با این موارد خاتمه نمی یابد و حکومت عثمانی در تاریخ 1920.03.07 با تلگراف (2) فرستاده به دولت های ائتلاف و آدميرال بریستول (Admiral Bristol) از آنها بررسی موضوع و با تثبیت شدن حقایق روشن ساختن افکار عمومی جهان و تورک را طلب کرده بود. در این مراجعت " ... با ایجاد یک کمیسیون بین المللی در مورد مسئله قتل ساختگی ارمنی بررسی کردن در جا و سریع آن و با روشن شدن تبلیغات سیاسی که محصول تقلا و حرص می باشند، برای برانست ملت تورک از هر بدی و تهمت عادی... " کمک خواسته شده بود.

در همان تاریخ ها، در تمام روزنامه ها این طلب به شکل اعلان واضح منتشر شده بود. بعلاوه، مستقیم تا اواخر جنگ جهانی دوم یک گروه روزنامه نگار با ریاست احمد رفیق (Ahmet Refik) به مورد تحقیقات در محل به شرق آناتولی فرستاده شده بودند. (3)

دولتی که یک جرم خارج از حقوق و انسانیت انجام داده، حاضر بودن آن در اقدامات این چنینی آیا می تواند تصور شود؟ زمانی که این نمونه و ده ها نمونه دیگر قابل بحث به دست گرفته می شود، پیش روی ناحقی انجام گرفته بر علیه ملت تورک و تاریخ آن آشکارا به اندازه ای که اوضاع آن با نام انسانیت می تواند مایع شرم باشد جلوه می کند.



1) Başbakanlık Osmanlı Arşivi HR. MİJ. 43/17

2) ATASE Arşivi dolap no. 169. göz no. 3 kls. 23 dos. no. 1336/13-1 fih. 32-1.2.3

3) Daha geniş bilgi için bkz. Ahmet Refik, Kafkas yollarında, Öncü Kitap, Ankara 1992.

○ آیا تلگراف های سری که طلعت پاشا در آنها به نسل کشی دستور داده وجود دارند؟

پروپاگاندای ارمنی که در هوس بستن ادعای نسل کشی به یک سیاست عثمانی می باشد، در رابطه با این موضوع در اجبار اثبات کردن قرار گرفته شده در این جهت می باشد. و برای این هم یک فرمول یافته و تعدادی نمونه های تلگراف که به طلعت پاشا (Talat Paşa) نسبت داده می شوند و ادعا می شود که توسط قوای فرماندهی ژنرال آلنبی (General Allenby) در حلب به دست آمده به میان گذاشته می شوند. ادعا می شود که این تلگراف ها از یک مامور عثمانی با نام نائم بی (Naim Bey) گرفته شده و به سبب تحقق پیش از موعد اشغال انگلیس این "اسناد" از طرف عثمانی ها امحاء نشده است.

یک نویسنده ارمنی با نام آرام آندونیان (Aram Andonian) نمونه این تلگراف ها را در سال 1920 منتشر کرده بود، (1) بعلاوه به دادگاه محاکمه تهلیریان (Tehirian) قاتل طلعت پاشا هم داده شده بود. محکمه پنج نسخه از این "اسناد" را موضوع بحث کرده بود، هرچند مانند قبول نکردن آن به عنوان دلیل، در مورد موثق بودن و یا نبودن آنها هم به هیچ قراری بسته نشده بود.

همانند دیگر ادعاهای ارمنی، این ادعا هم با حقیقت رابطه ای ندارد. اینگونه که:

A. این تلگراف ها در سال 1922 توسط روزنامه Daily Telegraph انگلیس منتشر شده بودند. (2) وزارت امور خارجه انگلیس به مورد این، وضعیت را از فرماندهی اشغال پرسیده بود و در نهایت عدم کشف این اسناد توسط قوای آلنبی، بلکه نوشته (خلق) شدن آن از طرف یک گروه (قوم پرست) ارمنی در پاریس ذکر شده بود.

B. شکل به قلم گرفته شدن تلگراف ها و کاغذهای نوشته شده عدم تعلق گرفتن این "اسناد" به عثمانی را آشکارا نشان می دهند.

C. انگلیسی ها و فرانسویان بعد از اشغال استانبول با هدف مجازات مسئولین اقدام کرده به قتل عام ارامنه (!) وارد دستگیری هایی شده بودند، حکومت آزادی و ائتلاف عثمانی به جهت دشمنی با رهبران حزب اتحاد و ترقی به قوای اشغالگر در این خصوص هر گونه کمک آمده از دست را انجام داده بود، یک قسم از دستگیر شده گان در استانبول محاکمه شده و قسم دیگر برای محاکمه به مالطا برده شده بودند.

محکمه موجود در استانبول 4 نفر از اداره کنندگان فراری اتحاد و ترقی را در غیاب آنها به اعدام محکوم کرد بود، بعلاوه 3 نفر را هم به جزای اعدام محکوم کرده بودند. بعد ها حکم داده شده به اعدام های آخر با تکیه داده شدن آن بر اظهارات شاهدان دروغین افشاء شده بود.

انگلیس بر علیه تبعید شدگان مالطا در هر جا وارد جست و جوی شاهد و سند شده بود، به رغم کمک های حکومت آزادی و ائتلاف عثمانی به هیچ نتیجه ای نرسیده بود. به مورد این به آرشیوهای ایالات متحده آمریکا مراجعت کرده بود. در این آرشیو ها هم اسنادی که ادعاهای قتل عام را ثابت کند یافت نشده بودند.

سفارت انگلیس در واشینگتن در مورد این موضوع این جواب را به وزارت امور خارجه انگلیس فرستاده بود:

از این که معین می کنم هیچ سندی وجود ندارد تا بتوان از آن بر علیه تورک های دستگیر شده در مالطا استفاده کرد احساس تاسف می کنم. هیچ واقعه عینی که بتواند یک دلیل کافی تشکیل دهد وجود ندارد. گزارشات مورد بحث، در هیچ صورتی، که بتواند به حکومت اعلیحضرت در مورد تورک ها، فعلا حتی دلایلی که در تقویت اطلاعات موجود می توانند مفید بوده و آن را احتوا کنند دیده نمی شوند. (3)

وزارت خارجه انگلیس لزوم انجام چه تصمیمی در برابر این جواب را از دادستانی سلطنت انگلیس پرسیده بود. جواب دادستانی اینگونه بود:

تا به الان از هیچ شاهی که بتواند در راستای ثابت کردن اتهامات انجام گرفته در مورد دستگیر شدگان اظهاری بدهد گرفته نشده. اساسا وجود داشتن و یا نداشتن یک شاهد هم معلوم نیست... (4)

در نتیجه، دستگیر شدگان مالطا، بدون هدایت شدن هیچ جرم غیر عادی بر آنها و بدون انجام دادرسی در اواخر سال 1921 آزاد شده بودند.

زمانی که انگلیسی ها به یافتن اسناد مشغول بودند اسنادی که از آندونیان ماخذ شده اند در اطلاع می باشند. رغب نشان ندانن انگلیسی ها به این اسناد از اطلاع داشتن آنها به جعلی بودن این تلگراف ها حکم می دهد.

D. دلایل دایر بر جعلی بودن "اسناد" آندونیان در دلایل زیر می توانند ریف شوند:

1. آندونیان، برای اثبات حقیقی بودن جعل انجام گرفته توسط خود به عنوان اسناد عثمانی، تنها به امضاء والی حلب مصطفی عبدالخالق بی (Mustafa Abdülhalik Bey) بر روی اسناد مورد بحث بسنده کرده بود. هرچند، در حال حاضر زمان بررسی اسناد آرشیو که دارای امضاء مصطفی عبدالخالق می باشند، جعلی بودن امضاء موجود بر روی اسناد آندونیان به میان می آید.
2. در یکی از اسناد جعلی آندونیان که امضاء مصطفی عبدالخالق را حمل می کند یک تاریخ جای گرفته است. هرچند زمان بررسی اسناد اصلی مکاتبات مرتبط با وزارت امور داخله و والی گری حلب در آن دوران و در تاریخ مورد بحث والی حلب مصطفی عبدالخالق نبوده بلکه باکر سامی بی (Bekir Sami Bey) می باشد.
3. به همین جهت، اسناد تزویری آندونیان این را اثبات می کند که، آندونیان از فرق بین تقویم رومی مسلمانان و تقویم مسیحیان کاملاً بی خبر بوده و یا اینکه زمان حاضر کردن اسناد از اهمیت دادن به این تفاوت چشم پوشی کرده است. در نتیجه بی دقتی و خطاهای انجام گرفته در شماره های رجوع در مورد جعلی بودن اسناد جایی به شبهه می دهد.
4. زمان بررسی جزئیات قیدهای سری فرستاده شده از وزارت امور داخله آن دوران وجود هیچ شباهتی بین سیستم تاریخ و شماره گذاری قیدهای سری وزارت با تاریخ و شماره گذارها در اسناد آندونیان و عدم وجود ارتباط بین تلگراف های رمزی آندونیان در ادعا با تلگراف های رمزی حقیقی فرستاده شده به حلب از طرف وزارت امور داخله وقت به میان می آید.
5. در مقایسه شدن اصول زبان تورکی (عثمانی) استفاده شده موجود بر روی تلگراف های رمزی آندونیان با پیام های رمزی عثمانی در آن دوران، دیده می شود که، بین سیستم های استفاده شده هیچ ارتباطی وجود ندارد. آندونیان برای اینکه اسناد خود را واقعی نشان دهد از یک متد رمزنگاری جدید که نه استفاده شده و نه وجود داشته استفاده کرده است. از تاریخ های موجود بر روی اسناد جعلی آندونیان استفاده عثمانی ها از همان سیستم رمزنگاری در مدت 6 ماه حاصل می شود که، این غیر ممکن بوده. زیرا در یک بخشنامه منتشر شده در آن دوران تغییر اجباری اصول رمزنگاری استفاده شده در سال های جنگ هر 2 ماه یک بار را به همراه داشته و در اجراء بودن آن ثابت شده است.
6. شکل ناشیانه و غلط بسم ا... های درج شده بر روی دو سند جعلی آندونیان زمان بررسی با اسناد حقیقی به تزویری بودن اسناد آندونیان دلالت می کنند. این شکل املای ناشیانه، در بین عثمانی ها آنهایی که مسلمان نیستند، حتی اگر زبان عثمانی هم بدانند از اینکه در نوشته هایشان هرگز از آن استفاده نمی کردند می تواند منشاء گرفته باشد.
7. ساختار جمله ها و خطاهای گرامری موجود در بسیاری از سند های جعلی آندونیان قبول کردن به قلم گرفته شدن آن توسط یک موظف عثمانی را بسیار سخت می کند. در همان شکل، تعداد زیادی اصطلاح و بیان که ادعا می شود از طرف موظفان مهم عثمانی استفاده شده استفاده کردن از آن حتی از طرف یک تورک عثمانی را هم غیر ممکن می کند. آندونیان که در تقلای ثابت کردن اعتراف تورک ها از جرم انجام با زبان خودشان بوده به دین این خصوص اهمیتی نداده.
8. اسناد جعلی، به غیر از دو نسخه، همگی فاقد سمبرل های رسمی استفاده شده در بوروکراسی عثمانی بوده و بر روی کاغذ سفید و صاف نوشته شده اند. نوشته شدن یکی از اسناد جعلی بر روی کاغذ خط دار حتی در مکاتبات خاص عثمانی هم از آن استفاده نمی شده و دو سند دیگر هم که از فرم های خالی تلگرافی می باشند که از هر پستخانه عثمانی در آن زمان می شد آن را گرفت، نوشته شده اند.
9. در دورانی که انگلیسی ها تلاش حجیمی را صرف یافتن اسناد بر علیه موظفان عثمانی که آنها را به جهت مسئول بودن از حوادث ارمنی گرفته بودند، به رغم یافتن نشدن ویرایش به زبان انگلیسی عدم استفاده آنها از اسناد آندونیان قبول این که حکومت انگلیس از جعلی بودن اسناد خبر داشت را نشان می دهد.
10. اسناد خلق شده از طرف آندونیان اگر واقعا وجود داشتند، به جهت حمل عبارت خیلی محرمانه از راه تلگراف نه، بلکه توسط پیک سیاسی فرستاده می شدند و اسناد هم به جای اینکه 3 سال حفظ شوند با خوانده و خوانده نشدن آن در اجبار نابود شدن قرار می گرفتند.

11. در بین نسخه های چاپ شده به زبان انگلیسی و فرانسوی کتاب آندونیان، به اندازه تفاوت های بسیار مهمی که از چاپ و ترجمه نمی تواند منشاء گرفته باشد وجود دارد.

12. در آخر، حتی بعضی از نویسندگان موجود در ارتباط با محیط های نزدیک به ارمنی که با سخنگو بودن بر ارمنه حرکت می کنند هم، شبهه های خود بر روی حقیقی بودن اسناد آندونیان را به زبان آورده اند. خلاصه، تلگراف های مشهور طلعت پاشا غیر از یک فریبکاری ساختگی از سوی آندونیان و اطراف او چیز دیگری نیست اند.

E. یک تلگراف سری هم در همان تاریخ ها که ادعا می شود طلعت پاشا به قتل ارمنه دستور داده وجود دارد. این تلگراف به مجازات موظفانی که در طول تهجیر جرم انجام خواهند داد ارتباط دارد. از طرفی در حالی که قتل ارمنه خواسته می شود، از طرف دیگر دادن تعلیمات به مجازات موظفانی که این قتل را انجام خواهند داد هیچ توضیحی ندارد.

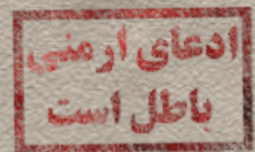
F. از طرف حکومت به یک موسسه امداد آمریکایی با نام Neareast Relief Society در طول تهجیر به مورد امداد رسانی برای ارمنه در آناتولی اجازه به انجام وظیفه داده شده بود. ایالات متحده آمریکا با اینکه در صف دولت های ائتلاف که بر علیه عثمانی جنگ می کردند قرار داشت به حضور این موسسه در آناتولی مساعده شده بود. این خصوص در گزارش سفیر ایالات متحده آمریکا الکوس (Elkus) هم تشکیل موضوع کرده بود.

در این وضعیت، اگر دستور قتل عام داده شده باشد، به فعالیت نشان دادن موسسه آمریکایی و شاهد شدن آن بر قتل عام چگونه اجازه داده شده؟ یعنی، ما ارمنه را به قتل می رسانیم، شما هم بیاید تماشای کنید، گفته شده است؟ در هر حال هیچ امکان توضیح منطقی برای این مورد وجود ندارد.

ارمنه موجود در استانبول، آناتولی غربی و تراکیا خارج از تهجیر گرفته شده بودند. حتی از آناتولی مرکزی هم بعضی از ارمنه در مناطق خود باقی مانده بودند، بنابراین زمانی که حتی یک تهجیر کلی نمی تواند موضوع بحث باشد، هرگز نباید ادعای یک قتل عام جمعی را هم کرد.

نهایت، اگر حکومت نیت امحاء کردن کلی ارمنه را داشت، در هر صورت این را از راه یک تهجیر که ماه ها به طول انجامید و دقت تمام دولت های خارجی را به خود جلب کرد نه، بلکه می توانست آنرا بر روی ارمنه در محلی که بودند و خصوصا در مناطق نزدیک به جبهه ها در یک شکل بسیار راحت تر انجام دهد.

همانند آنچه که دیده شد، ادعای نسل کشی که ارمنه به آن بسیار اصرار ورزانه چسبیده اند، چیزی غیر از یک دروغ بزرگ نیست و یک نسل کشی هرگز نمی تواند موضوع بحث باشد.



1) Andonian, Aram; Documents officiels concernant les Massacres Armeniens, Paris 1920. Imprimerie Turabian

2) Daily Telegraph, 29 mayıs 1922.

3) Washington'daki İngiliz Büyükelçiliği, R.C. Craigie'den Lord Jurzona 13 Temmuz 1921; İngiliz Dışişleri Arşivi, 371/6504/85 19.

4) 29 Temmuz 1921, İngiliz Dışişleri Arşivi, 371/6504/E8745

○ آیا آرشیوهای عثمانی بسته و اسناد مخفی می شوند؟

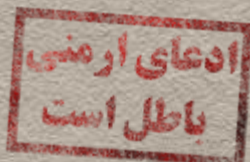
در رابطه با تهجیر در هر موضوعی شانس دسترسی به اسناد اصلی وجود دارد. این اسناد که در آرشیوهای عثمانی موجود هستند اعتبارا از سال 1925 برای بررسی تمام محققان باز بوده اند.

از سال 1925 تا کنون از ایالات متحده آمریکا 605، از ژاپن 203، از آلمان 168، از فرانسه 150، از عربستان سعودی 98، از ایران 84، از انگلستان 74، از اسرائیل 70، از لیبی 63، از مجارستان 58، از آرژانتین 52، از بلغارستان 47، از مصر 47، از هلند 39، از رومانی 36، از الجزایر 35، از تونس 35، و از کانادا 28 محقق در مجموع کلا 3.817 شخصیت علمی متعلق به کشورهای مختلف آرشیوهای عثمانی را در رابطه با مسئله ارمنی بررسی کرده اند.

بعلاوه 190 محقق ارمنی که 180 نفر از آنها شهروند ارمنی الاصل جمهوری تورکیه بودند، خصوصا در رابطه با ارامنه به این آرشیوها وارد و تحقیقات انجام داده اند.

در کنار تحقیقاتی که هزاران خارجی شخصا با دسترسی به اسناد انجام داده اند، این اسناد در زبان های تورکی و انگلیسی هم منتشر شده اند و برای استفاده محققین تقدیم شده اند. در کنار اینها، اسناد موجود در وزارت ستاد ارتش از طرف وزارت ATASE، زیر نام مجله اسناد تاریخ نظامی و به زبان تورکی در حال انتشار و فروش می باشد.

لیکن در رابطه با این موضوع یک نشریه دیگر، با استفاده از آرشیوهای یئلدیز (ستاره) نخست وزیری به زبان تورکی (عثمانی و امروزی) و انگلیسی در 3 جلد منتشر شده اند. علارغم تمام این حقایق، حال یا از نا آگاهی می تواند باشد و یا اینکه از روی قصد بعضی از اشخاص و موسسات محلی و خارجی دیده می شوند که جمهوری تورکیه را در شکل بی مبنا با عنوان "قرار از باز کردن آرشیوها برای بررسی" متهم می کنند.



○ آیا معاهده سور در حال حاضر معتبر می باشد؟

پروپاگاندای ارمنی معاهده سور را از زاویه آنها هم اکنون هم دارای اعتبار و در اجراء بودن آن را ادعا می کند و مدعی ضرورت اعاده شدن "خاک های ارمنی (!)" که بنابر سور پیش دیده شده بودند می باشد.

در مواجهه با این که دولت های امضاء کننده این معاهده قبل از به اجراء در آمدن آن، معاهده را از میان برداشته و به جای آن با امضاء های خود معاهده لوزان را تصدیق کرده اند، ادعایی با این درجه از مضحک بودن خود چگونه می تواند شنیده شود، نا معلوم است. هرچند، معاهده هایی که ارامنه با دولت بودن خود هم امضاء کرده اند وجود دارند. در راس آنها معاهده باتوم قرار گرفته. دانشناک های ارمنی در تاریخ 1918.05.28 در ایروان بنا شدن یک جمهوری ارمنی را اعلام کرده بودند، دولت عثمانی با معاهده باتوم که در 1918.06.04 با ارامنه آن را امضاء کرد این جمهوری ارمنی را شناخته بود. وزیر امور خارجه جمهوری ارمنی هادیسیان (Hadisyan) بعد از موافقت این جملات را اظهار می کند:

"ارامنه تورکیه دیگر در فکر جدا شدن از امپراتوری عثمانی نیستند. مسائل مرتبط با ارامنه موجود در تورکیه نمی تواند حتی موضوع دیدار عثمانی ها با جمهوری ارمنی باشد. روابط مابین امپراتوری عثمانی و جمهوری ارمنی مکمل بوده و در آینده هم باید اینگونه باشد. تمام حزب های سیاسی ارمنی در این مورد اتفاق نظر دارند. تداوم این روابط عالی همسایگی توسط حکومت ارمنی که وزیر امور خارجه آن شده ام یکی از نکات اصلی برنامه هایی است که تعقیب خواهد شد." (1)

ارگان نشر دانشناک هایرنیک (Hairenik) در نسخه خود به تاریخ 1918.06.28 اینگونه می نویسد:

"سیاست دشمنانه تعقیب شده از طرف روسیه بر علیه تورکیه به ارامنه قفقاز هم جسارت داده بود. مسبب نزاع های مابین دو عنصر دوست، ارامنه قفقاز بودند. بسیار شکر که، این وضعیت مدت طولانی نداشت. بعد از انقلاب روس ارامنه قفقاز سلامت خود را تنها با در تورکیه بودن متوجه شدند و دست خود را به سوی تورکیه دراز کردند. تورکیه هم اتفاقات گذشته را خواست که فراموش کند و دست دراز شده را با روح سلحشور خود فشار داد. دیگر حل شدن مسئله ارمنی و ماندن آن در تاریخ را قبول می کنیم. احساسات بی اعتمادی و دشمنی دو جاذبه اثر ماجرا پرستی بعضی از آژان های خارجیانی می باشد و باید از میان برداشته شود." (2)

از این اظهارات قابل توجه به دست آوردن این نتایج ممکن است:

- A. مسئله ارمنی بسته شده است.
- B. از حوادث تورک ها نه، بلکه روس ها و ارامنه مسئول می باشند.
- C. اگر یک ناحقی وجود داشته باشد، تورک ها گرفتار آن شده اند.

همانند آنچه که دیده شد، حقیقتی که ما از آن حرف می زنیم نزدیک به یک قرن پیش در سال 1918 از طرف دانشناک های ارمنی بدان اعتراف شده است. هرچند علارغم این اعتراف های آشکار مسئله از نظر ارامنه حاتمه یافته حساب نخواهد شد و محیط های ارمنی در اولین فرصت اعترافات خود را فراموش کرده و به دنبال خیالات متخلخل خود خواهند رفت. چنانچه، علارغم معاهده باتوم دسته های ارمنی به حرکات خود ادامه داده بودند. مغلوبیت دولت عثمانی در جنگ جهانی اول و امضاء شدن متارکه مودرس در تاریخ 1918.10.30 ارامنه را از نو وارد حرکت کرده بود.

در تاریخ 1919.05.28 اولین سالگرد بنای جمهوری ارامنه قفقاز زیر کنترل دانشناک که در پی اوهم بزرگ بود "اعلام الحاق ارمنستان تورکیه (به جمهوری ارمنی قفقاز)" را توضیح داده بود. این توضیحات، با داخل بودن دول ائتلاف، از طرف هیچ کس به جدیت گرفته نشده بود.

کنفرانس صلح پاریس که با دیکته سور به نتیجه رسیده بود در مورد مرزهای ارمنی به داوری رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) سپرده شده بود، ویلسون هم هیئت آمریکایی را با ریاست ژنرال جیمز جی. هاربرد (General James G. Harbord) به مورد حاضر بودن برای تحقیقات در پائیز 1919 به تورکیه فرستاده بود. در ماه های سپتامبر و اکتبر 1919 که هیئت هاربرد در تورکیه تحقیقات انجام داده بود نتایج به دست آمده را در شکل یک گزارش به کنگره ایالت متحده آمریکا تقدیم کرده بود

در این گزارش که حقایق را منعکس کرده بود: "زندگی کردن تورک ها با ارامنه به طول قرن ها کنار هم درون صلح، تلخی کشیدن تورک ها به اندازه ارامنه در طول تهجیر که شامل سوختن روستاهای تورک نشین و برگشتن حداکثر 20% از روستائیان تورک رفته به جنگ، در دوران مقدمات شروع جنگ جهانی اول به منطقه ای که به آن ارمنستان تورکیه گفته می شود موجود نبودن هرگز ارامنه در اکثریت که در صورت برگشتن ارامنه تهجیر شده در یک مرکز سکونت هم نمی توانند اکثریت تشکیل دهند، موجود نبودن ارامنه برگشته درون خطر و تثبیت صحیح نبودن ادعاهای وحشتناک و تراژیک." (3) ذکر شده بود.

کنگره ایالات متحده آمریکا به مورد این گزارش در آوریل 1920 قبول دولت قیم شدن بر ارمنستان را رد کرده بود.

در تاریخ 1920.08.10 امضاء معاهده سور یک بار دیگر امید های واهی ارمنه را سرگرم کرده بود. معاهده، به حکم شناخته شدن ارمنستان (تورکیه) به عنوان یک دولت آزاد و مستقل بسته شده بود، لیکن تثبیت مرز به داوری ویلسون سپرده شده بود.

همانند آنچه که دانسته می شود زمان امضاء شدن معاهده سور، در تورکیه دو حکومت وجود داشت، یکی حکومت عثمانی در استانبول و دیگری حکومت مجلس در آنکارا، امضاء کننده معاهده سور حکومت عثمانی بود و حکومت مصطفی کمال (Mustafa Kemal) در آنکارا "مسئله ارمنی" را با اصول خود حل خواهد کرد.

بعد از متارکه مودرس فرانسویان ولایت آدانا و انگلیسی ها هم ولایت های اورفا، ماراش و آنتپ را اشغال کرده بودند. بعد ها انگلیسی ها مناطق اشغالی خود را به فرانسویان سپرده بودند و ارمنه ای که همراه فرانسه آمده و اونفورم فرانسوی پوشیده بودند شروع به هجوم بر تورک ها کردند. این ظلم با عکس العمل تورک ها روبرو شده و بر علیه اشغال فرانسه - ارمنی مقاومت مردم تورک تشکیل شده بود. به مورد این باز هم پروپاگاندای مضحک قتل ارمنه توسط تورک ها شروع شده، هرچند با در راس بودن فرماندهی فرانسه این بار هیچ کسی دروغ های ارمنه را باور نکرده بود.

بعد از این که کنگره ایالات متحده آمریکا دولت قیم شدن بر ارمنستان را قبول نکرده بود، واحد های منتظم و دسته ها پارتیزان مربوط به جمهوری ارمنی قفقاز در ماه ژوئن 1920 وارد حمله بر علیه تورکیه شده بودند و این بار حکومت آنکارا دستور تعرض عکس داده بود و قوای تورک، مغلوبیت سنگینی را بر ارمنه وارد کردند و با داخل بودن کارس تمام اراضی تورک را آزاد کردند. در برابر این مغلوبیت به مورد تقاضای صلح از طرف حکومت ارمنی، در تاریخ 1920.12.03 معاهده گومرو (Alexandropol) امضا شده بود. ارمنه با این معاهده بی اعتبار بودن سور را قبول کرده بودند و رسماً از طلب خاک متوجه به تورکیه منصرف شده بودند.

هرچند قبل از تصدیق این معاهده ارتش سرخ وارد ایروان شده بود و حکومت ارمنستان شوروی را بنا کرده بود. کنترل ایروان در تاریخ 1921.02.18 با ورود وراتزیان (Vratzian) با یک قیام مجدداً به دست داشناک های ارمنی افتاده بود. حکومت وراتزیان در 18 مارس با فرستادن یک هیئت به حکومت آنکارا بر علیه بلشویک ها خواستار کمک شده بود. جلوه غریب تاریخ است که، 2 سال قبل حکومت داشناک که در اعلان الحاق خاک های آناتولی شرقی بود این بار برای ادامه حیات (فلاکت آور خود حداقل برای ارمنه) خواستار کمک از حکومت آنکارا شده بود. این حکومت داشناک عمر زیادی نداشت و شوروی ها در ایروان اقتدار را از نو به دست گرفته بودند.

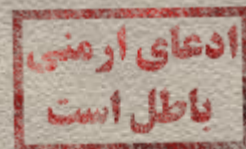
تورکیه در تاریخ 1921.03.16 با اتحاد شوروی معاهده مسکو را امضاء کرده بود و مرزهای تورک - شوروی کشیده شده بودند. با هدف پایان این معاهده این بار در تاریخ 1921.10.13 با ارمنستان شوروی معاهده کارس امضاء شده بود. در هر دو عهدنامه حکم هایی مبنی بر شناختن و بی اعتبار بودن سور جای گرفته بود. بدین ترتیب، بعد از حکومت داشناک، حکومت ارمنی شوروی با انصراف از هر گونه طلب، بی اعتباری سور یک بار دیگر هم اثبات می شود.

کمیسر عدالت و کارگر ارمنستان شوروی شاهوردوف (Şahverdof) در سخنرانی انجام داده در مراسم امضاء عهدنامه کارس، "از این به بعد ممکن نبودن حملات این دو ملت به یک دیگر در راه منافع دیگران" را بیان کرده بود.

بعد از تصویب جبهه شرق در این شکل، جبهه جنوب هم در تاریخ 1921.10.20 با امضاء عهدنامه آنکارا تصویب کرد و قوای فرانسه، لژیون و کمیته چیان محلی ارمنی آورده در کنار خود را گرفته و کشیده شده بودند، قسمت بزرگی از مردم محلی ارمنی را هم گویا برابر با اجبار همراه خود برداشته و در لبنان مسکون کرده بودند. همان حادثه در الحاق ختای به وطن اصلی هم مشاهده خواهد شد.

در تاریخ 1923.07.24 معاهده امضاء شده لوزان که جای سور را گرفته بود لیکن در مورد ارمنه هیچ حکمی را احتوا نمی کرد.

بدین گونه مسئله تماماً در لوزان فیصله یافته بود. امروز حاضر شدن ارمنه در بعضی از ادعاها با تکیه بر سور هم هیچ معنی ای جزء خصومت و ماجراجویی حمل نمی کند. در حالی که به موضوع خاتمه داده می شود، خاطر نشان کردن اینکه معاهده سور از طرف کشورهای طرف هم، تصدیق نشده بود به جا خواهد بود.



1) SCHEMSI, Kara-; op. cit., p. 31.
2) SCHEMSI, Kara-; op. cit., pp. 31-32.
3) URAS, Esat-; a.g.e. sayfa 682 683

○ آیا تورک ها هر زمان در طول تاریخ، ارامنه را زیر ظلم و ستم قرار داده بودند؟

پروپاگاندای ارمنی، با هدف خواباندن ادعای "نسل کشی صووری" به یک زمینه تاریخی، مدعی معامله بد تورک ها در هر زمان از تاریخ با غیر مسلمین و ارامنه می باشد. زیرا، با حاضر نبودن در این ادعا در قناعت نتوانستن جواب دادن به سوال می باشد که، "تورک ها قرن ها همراه با ارامنه زندگی کردند، ناگهان، چگونه شد که در یک روز قرار امحاء ارامنه را دادند." یکی از فاکتورهای هدایت کننده ارامنه در چسبیدن به این ادعا با تحریف مسئله تبدیل آن به یک "مجادله مسیحی - مسلمان" بوده و بدین ترتیب در آرزوی بدست آوردن پشتیبانی دنیای مسیحی می باشد.

به دلیل قرار گرفتن ارامنه در زیر ظلم بیزانس، به دست گرفتن آناتولی توسط تورک ها را مورخین ارمنی با آمدن یک هوای عید می نویسند. چنانچه، سلجوقیان شروع به حمایت از کلیسای ارمنی که سعی در له و نابود کردن بیزانس داشت کرده و با برداشتن مالیات های سنگین گذاشته شده از طرف بیزانس بر کلیسای ارمنی، صومعه ها و راحبان آنها را از دادن مالیات معاف گرفته بودند، به امور داخلی آنها مداخله نکرده و ارامنه را هرگز برای اینکه مسلمان شوند زیر فشار قرار نداده بودند. راحب لیدر ارمنی در مقابل این رفتار سلجوقیان با زیارت سلطان ملک شاه، شکران خود را اعلام کرده بود. خلاصه، ارامنه در این دوران موجودیت خود را حال با جمعیت و یا دین و کلیسا در سایه تورک ها توانسته بودند که حفظ کنند.

این واقعه، شخصا از طرف مورخین ارمنی هم با اعتراف به زبان آورده شده است. مورخ ارمنی ماتوس (Mateos) اورفایی در شماره 129 وقایع نامه خود از سلطان سلجوقی ملک شاه اینگونه سخن گفته است:

"قلب ملک شاه برای مسیحیان سرشار از شفقت و خوبی بود. با اولادهای عیسی بسیار خوب رفتار کرد. برای مردم ارمنی رفاه، صلح و خوشبختی آورد." (1)

ماتوس، لیکن بعد از مرگ سلطان کیلیچ اصلان (Sultan Kılıç Aslan) اینها را می نویسد:

"مرگ کیلیچ اصلان مسیحیان را به ماتم نشاند. زیرا این سلطان شخصیت عالی و یک انسان واقف بود."

میزان رفتار نیک سلجوقیان با ارامنه از قبول مسلمان شدن بعضی از آقاهای ارمنی مانند عایله تاشیرک با خواست خود و نزاع آنها همراه تورک ها بر عیله بیزانس هم معین می باشد.

بیان معامله نیک تورک ها با غیر مسلمین در فلسفه اسلام - تورک موجود می باشد. این فلسفه را می توان در این شکل خلاصه کرد: تورک ها، زمان الحاق خاک های اقوام غیر مسلمان به کشورشان با مردم موجود در این مناطق عهدنامه هایی با نام زمه می بست اند. حق و حقوق مردم غیر مسلمان به زیر ضمانت گرفته شده و به این مردم زمی گفته می شد. بدین ترتیب به انسان هایی که از دین های دیگر بودند با مسامحه ای که تا آن زمان مشاهده نشده بود رفتار می شد.

در این دوران فلسفه متکی به انسانیت و رواداری در آثار عالمان بزرگی همچون یونس امره (Yunus Emre) و مولانا جلال الدین که در آثارشان: "نگاه کردن به هفتاد و دو ملت با یک چشم" و "هر چه هستی باش، باز بیا" بیان شده هم می تواند در این چارچوب ارزیابی شود. زمان گرفتن غوغاهای مذهب بین مسیحیان و خصوصا به زیر ظلم قرار داده شدن ارامنه توسط بیزانس مقابل چشم تا چه اندازه انسانی بودن تقریبی این چنینی واضح است.

بنای دولت عثمانی، توسعه و خصوصا با فتح استانبول و فروپاشی بیزانس برای ارامنه یک دوران جدید که در طول تاریخ شان هرگز آن را تجربه نکرده بودند باز شده بود و هرگونه فشار دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدنی از روی آنها برداشته شده و دوران صلح، امنیت و رفاه شروع شده بود.

همانند آنچه که دانسته می شود، دولت عثمانی، دارای ریشه تورک، صاحب بنیه اسلامی و یک دولت کثیرالملت بود. درون این بنیه کثیرالملت به اندازه مسلمانان برای ملل دیگر هم جا وجود داشت. چنانچه، اولین پادشاه عثمانی، عثمان غازی (Osman Gazi) برای محافظت ارامنه از ظلم بیزانس برای متشکل شدن آنها در آناتولی به عنوان یک جمعیت دیگر اجازه داده بود و در آناتولی غربی اولین مرکز دینی ارمنی را در کوتاهیا بنا کرد. به مورد فتح بورسا و پایتخت شدن آن این مرکز دینی از کوتاهیا به بورسا منتقل شده و بعد از فتح استانبول توسط فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmet)، رهبر دینی ارمنی هواکیم (Hovakim) در سال 1461 وارد استانبول شده و با فرمان فاتح در استانبول پاتریک خانه ارمنی تاسیس شده بود. (2)

در نتیجه، کوچ ارامنه از قفقاز، شرق و مرکز آناتولی، بالکان ها و از کریمه شروع شده بود و امپراتوری عثمانی برای ارامنه به حالت یک مرکز جذب در آمده بود. همانند آنچه که دیده می شود، جامعه و کلیسای ارمنی با موازی بودن بر دولت عثمانی توسعه یافته بود.

امپراتوری عثمانی ارمنه گریگوریان را زیر نام "ملت" تشکیل داده و انتخاب رهبر دینی را به خود آنها سپرده بود. فاتح سلطان محمد در فرمان خود برای بنا کردن پاتریک خانه ارمنی، موجود بودن پاتریک به عنوان رهبر روحانی و جسمانی بر تمام ارمنه موجود در امپراتوری عثمانی را به حکم بسته بود.

ارمنه همانند منفعت بردن از هر گونه حقی که به مسلمانان داده شده بود، صاحب بعضی امتیازات هم بودند، مثلاً: سرباز گرفته نمی شدند. لیکن سرباز گرفته نشدن آنها موجب تداوم عایله های ارمنی و رسیدن آنها به رفاه را تامین کرده بود.

از مسلمانان و غیر مسلمین مالیات خراج و جزیه گرفته شده، علارغم این از مالیات زکات و عشر که مسلمانان به آن تابع بودند معاف گرفته شده بودند. تثبیت چگونگی پخش مالیات خراج و جزیه به جمعیت ارمنی هم به رهبر دینی آنها سپرده شده بود.

برای اینکه ارمنه بتوانند به امور دینی، مدنی، تعلیمی و خیری خود عمل کنند در مواقعی که قدرت مالی آنها نا توان بود حکومت عثمانی در کمک به آنها حاضر بوده، ناتوانی های پاتریک خانه را بسته و حمایت مالی از موسسات ارمنی را تامین کرده بود. این نظام وقف امروز هم محافظت می شود.

در اینجا اشاره کردن به این نکته هم ضروری می باشد که: به جهت این که رومیان ارتودکس (در عثمانی) قبل از ارمنه متشکل شده بودند، غیر از رومیان ارتودکس تمام عناصر اقلیت مسیحی دیگر ارمنی حساب شده بودند. در بین این عناصر موجود در آناتولی پاولاکی ها (Paulicien)، یعقوبی ها و بوگومیل ها موجود در بالکان هم جای گرفته بودند. این حادثه خصوصاً در مورد بحث های مرتبط با نفوس ارمنی موجود در امپراتوری عثمانی هم ضرورت توجه کردن را دارد.

جمعیت ارمنی با استفاده موفقیت آمیز از حق و امتیازهای تعریف شده برای آنها به سرعت ترقی کرده و به رفاه رسیده بود، بعلاوه با ترجیح دادن مدنیت تورک - عثمانی، طرز زندگی و شکل هدایت در زمان کوتاهی به اعتماد عثمانی ها لایق شده بودند و عنوان "ملت صادق" را کسب کرده بودند. ارمنه عثمانی در زیر سایه این عنوان در حیات امور همانند آنچه که بود در خدمات عمومی هم به مقام های مهمی رسیده بودند.

تاریخ عثمانی از ارمنه 29 پاشا، 22 وزیر، 33 نماینده مجلس، 7 سفیر، 11 سرکنسول و کنسول، 11 عضو تعلیم دانشگاه و 41 مامور دارای رتبه های عالی را قید می کند. در بین وزرای ارمنی، همانند وزیران امور خارجه، مالیه، تجارت و پست موجود بودن آنها در مقام های کلیدی این چینی و در آخرین درجه از اهمیت هم قابل ذکر می باشد. (3)

ارمنه در صنعت، مدنیت و موسیقی عثمانی - تورک خدمات مهمی انجام دادند و صنعت کاران مشهوری را رساندند. این صنعت کاران امروز هم برای ارمنه تورکیه و تورک های طرفدار آنها مایه افتخار می باشند.

در اینجا خاطر نشان کردن اینکه اولین چاپخانه ارمنه دنیا در قرن شانزدهم در استانبول بنا شد به جا خواهد بود.

بدین ترتیب، مردم ارمنی، با در راس بودن تورک ها، با تمام عناصر امپراتوری تا اواخر قرن نوزدهم درون صلح و امنیت زندگی کرده بودند و در رابطه با حکومت عثمانی هیچ شکایت و مسئله ای (که با تحریک غربیان عامل اصلی حوادث جنگ جهانی اول شد) نداشتند.

همراه با این، ارمنه هر از گاهی در بین خود گرفتار نزاع های داخلی شده بودند. قبل از فتح استانبول و بلافاصله بعد از آن ارمنه آمده از آناتولی و کریمه به استانبول و ارمنه ای که به آنها "محلی" گفته می شده همراه ارمنه آمده از ایران و قفقاز که به آنها "شرقی" یا "روستایی" گفته می شد به جهت انتخاب شدن برای پاتریک بودن وارد مجادله شده بودند، همدیگر را به عثمانی شکایت کرده و تلاش به تامین مداخله حکومت به لحن خود کرده بودند.

لیکن عثمانی ها در مقابل گروه های ارمنی و مسایل داخلی آنها با اسرار بی طرف مانده بودند. به مورد موفق شدن "شرقی ها" در این مجادله آورده شدن اشخاصی که حتی روحانی هم نبودند به پاتریک گری شروع شده بود. نزاع بر سر عنوان و مقام در بعضی از مواقع به غوغاهای مذهبی تبدیل می شد و عثمانی ها در این مرحله وارد مداخله بر وضعیت شده و بر کشتار ارمنه توسط یکدیگر مانع می شدند. غوغاهای مذهب یکی از فاکتورهای به جان هم افتادن ارمنه شده بود.

خصوصاً در نتیجه مداخله خارجیان و انتشار مذاهب کاتولیک و پروتستان بین ارمنه گریگوریان مسبب تحریکات و انفعالات بزرگی شده بودند و ارمنه گریگوریان با مراجعه به حکومت عثمانی پیش گیری این وضعیت را خواسته بودند. با مداخله نکردن حکومت عثمانی به این اتفاقات که مسئله داخلی ارمنه حساب می شد باز غوغاهای خونین دیده شده بود و ارمنه ای که پروتستان بودن را قبول کرده اند از طرف پاتریک هایی به اسم چوهاجییان (Çuhacıyan) و تخته چییان (Tahtacıyan) طرد شده بودند. (4)

بعدها بین ارمنه کاتولیک شده در مورد مرتبط بودن و یا نبودن به واتیکان نزاع هایی به میان آمده بود، پاپ کاتولیک ارمنه کاتولیک مرتبط نبوده به واتیکان را طرد می کند، حکومت عثمانی با مداخله بر وضعیت در سال 1888 این دو گروه کاتولیک را آشتی داده بود.

نشان دادن این مسامحه وسیع از طرف عثمانی ها به غیر مسلمین، امپراتوری را تا سالهای فروپاشی، به وضعیت کشوری که تمام انسان های فرار کرده از ظلم دینی به آن پناه می برداند در آورده بود. یک مذهب مسیحی قرار گرفته در ظلم مذهب مسیحی دیگر و موسویانی که در معرض شکنجه های سنگین کاتولیک ها قرار گرفته بودند، راه نجات را در پناه بردن به عثمانی ها یافته بودند. نمونه مشخص آن، حال در اواخر قرن 15 اشغال دوباره اسپانیا متعاقبا توسط کاتولیک ها و یا در قرن های بعدی با فشار مسیحیان فرانسه، اروپای مرکزی و روسیه فرار کردن و پناه بردن موسویان به امپراتوری عثمانی می باشد.

حال که حقایق اینگونه می باشند، برای پیش راندن ادعاهایی همچون معامله بد تورک ها با غیر مسلمین و ارامنه، انجام ستم و له کردن آنها در هر حال ضرورت محروم بودن این مدعیان از منطق، وجدان، حسن نیت، حقیقت و علم تاریخ و یا گرفتار شدن آنها به امر از غرض آلود را دارد، چرا که توضیح دیگری وجود ندارد. ادعای تاریخ در تکذیب اینگونه ادعاهای بی پایه در آثار تعداد کثیری از مورخین و نویسندگان خارجی هم تصدیق شده است.

از آسوغیک (Asoghik) و ماتوس، تا ولتایر (Voltaire)، لامارتین (Lamartine)، کلاذ فریر (Claide Farrere)، پیر لتی (Pierre Loti)، نگورس (Nogueres)، ایلون سنتی (Ilone Caetani)، فیلیپ مارشال براون (Philip Marchall Brown)، میشلت (Michelet)، سر کلیارلس ویلسون (Sir Charles Wilson)، پولیتیس (Politis)، جی. دبلیو. آرنولد (J.W. Arnold)، برونستارت (Bronsart)، روکس (Roux)، گروس ست (Grousset)، ادگار گرانویل (Edgar Granville)، گارنیر (Garnier)، تونیبی (Toynbee)، لویس (Lewis)، پریس (Price)، بمباجی (Bombaci) و شاو (Shaw) که به بعضی از آنها حتی می توانیم نشان بی طرف نبودن بر تورک ها و حتی دشمن بودن هم بزنیم، مورخین و نویسندگان زیادی حق تورک ها در این مورد را تسلیم کرده اند. نمونه بعضی از آنها اینگونه می باشد:

ولتایر: "تورک های کبیر بر 20 ملت از دین های مختلف درون صلح رهبری می کنند، تورک ها به مسیحیان در جنگ اعتدال و در پیروزی ملایم بودن را آموخته بودند"

فیلیپ مارشال براون: "تورک ها علاوه بر کسب پیروزی های بزرگ به مردم سرزمین هایی که فتح کردند، حق هدایت آنها را تا جایی که قوانین و رسوم آنها به خودشان هوشیاری می داد را جوانمردانه بخشیده بودند."

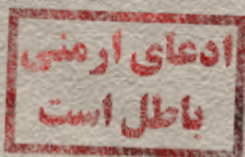
وزیر امور خارجه حکومت ونیزلوس، پولیتیس: "منافع رومیان توریکیه، غیر از تورک ها از طرف هیچ قدرت به این اندازه عالی حفظ نشده بود."

جی. دبلیو. آرنولد: "مداخله نکردن ارتش های تورک به دین و مدنیت سرزمین هایی که فتح کردند، حقیقت غیر قابل انکار تاریخ است."

ژنرال آلمانی برونستارت: "تورک ها؛ در صورت عدم برخورد با آنها، در برابر کسانی که از ادیان دیگر هستند روادارترین انسان های دنیا می باشند."

در آخر این نمونه را هم بدهیم که: ناپلئون بناپارت (Napolyon Bonapart)، به مورد مغلوبیت در آککا عصیان دادن ارامنه کاتولیک امپراتوری عثمانی بر علیه حکومت و به گونه ای گرفتن یک انتقام را فکر می کند. ممکن بودن و یا نبودن آن را از سباستینی (Sebastiani) سفیر خود در استانبول می پرسد. جواب سفیر بسیار واضح و قطعی می باشد:

"ارامنه به اندازه از زندگی خود ممنون می باشند که، امکانی برای این وجود ندارد."



1) URFALI MATEOS, (Mathieu d'Edesse); Chronicles. No. 129.

2) URAS, Esat-; Tarihte Ermeniler ve Ermeni Meselesi, 2. Baskı, İstanbul 1976, sayfa. 149.

3) Türk Ermenilerinden Gerçekler, Jamanak Yayını. İstanbul, 1980, sayfa 4 ve KOÇAŞ, Sadi; Tarih Boyunca Ermeniler ve Türk - Ermeni İlişkileri. Ankara, 1967. sayfa 92 - 115.

4) SCHEMSI, Kara-; Turcs et Armeniens devant l'Histoire, Genere. Imprimerie Nationale, 1919, sayfa 19.

○ آیا تورک ها اعتبارا از 1890، وارد بقتل رساندن ارامنه شده اند؟

در نیمه دوم قرن 19 "بحث شدن از مسئله ارمنی را می بینیم." هرچند، اگر برای "مسئله ارمنی" یک نقطه شروع لازم باشد، آن را در فرمان اصلاحات سال 1856 یا جنگ روس - عثمانی در سال 1877-1878 و معاهده سن استفانو (یشنل کوی) تعقیب کننده آن و کنفرانس برلین می توان یافت. هرچند، کمی به عقب رفتن از نظر درک بهتر مسئله مفید خواهد بود.

بعد از مغلوبیت عثمانی در سال 1683 بعضی شخصیت های دنیای مسیحی خارج و داخل عثمانی فرصت تحقق امید ها و بعضی فکرها برای خاتمه دادن به حاکمیت مسلمانان با در راس بودن تورک ها بر بسیاری از امور منطقه را کرده بودند. مثلا یک شخص دینی ارمنی با نام ایسرل اوری (İsrel Ori) اهل آذربایجان بین سالهای 1698-1711 یک سفر صلیبی برای رها کردن مسیحیان ارمنی از حاکمیت جامعه مسلمانان به فرانسه، انگلیس، آلمان و روسیه شروع کرد بود. این شخص ارمنی علارغم تمام مبادرات های خود در این سالها موفق نشده بود که نیت خود را برای دول اروپایی معتبر جلوه دهد تا اینکه او با دادن اطلاعاتی که در مورد دو جامعه مسیحی یعنی ارامنه و گرجی ها به تزار روس پترو (Rus Çarı Petro)، علاقه امپراتوری روس در مورد قفقاز را جلب می کند.

تزارگری روسیه در این دوران در توازن قدرت دنیا رفته رفته با یک دولت مهم شدن وارد عرصه می شد. این قدرت امپریالیست خاک های همسایه خود یعنی دولت عثمانی را به گونه ای به عنوان میدان طبیعی توسعه خود تصور می کند و در خیال باز شدن به جنوب و جنوب غربی از پشت عثمانی می باشد. چنانچه، جدا شدن یونان از عثمانی و مستقل شدن آن در مقیاس بزرگی نتیجه این سیاست روسیه می باشد. یکی از عناصر در راس این سیاست هم، بنابر روسیه، حامی شدن بر مسیحیان عثمانی می باشد. لیکن این، روس ها را بر توجه دادن همراه رومیان ارتدکس بر ارامنه گریگوریان هم سوق می دهد.

در حالی که روسیه در غرب در تقلا نفوذ به بلکان ها است، در شرق هم در حال نفوذ به قفقاز می باشد. این حوادث در قفقاز شروع به قرار دادن کلیسای ارمنی اچمیازین (واگرسایات: در غرب ایروان) زیر تاثیر روس می کند. لیکن اچمیازین یک مرکز دینی در مرتبط بودن اکثریت بزرگی از ارامنه گریگوریان می باشد.

کلیسای اچمیازین ایروان در مدت کوتاهی زیر نفوذ روس ها قرار می گیرد، حتی کاتوگیکوس ارمنی نرسس آراتاراکس (Nerses Aratarakes) در راس یک نیروی 60 هزار نفری ارمنی در جنگ 1827-28 روس - ایران (جنگی که عاقبت آن تجزیه جغرافیای تاریخی آذربایجان به دو قسمت با مرز شدن رود ارس شد) به صف روس ها ملحق شده بود.

سعی روس ها در نفوذ به ارامنه عثمانی هم به وسیله کلیسای اچمیازین اتفاق می افتاد و اعتبارا از سال 1844 در آئین های پاتریک خانه ارمنی استانبول هم یاد نام کاتوگیکوس کلیسای اچمیازین شروع شده بود.

تنها روسیه در نیت حامی شدن بر مسیحیان عثمانی نیست. انگلیس و فرانسه هم در تلاش برای بهره بردن از ارامنه برای پروتستان گری و کاتولیک گری می باشند. با موفقیت آنها در این مورد در سال 1830 در استانبول کلیسای کاتولیک ارمنی، در 1847 هم کلیسای پروتستان بنا شده بود. هرچند، نه در حالی که این حوادث اتفاق و اتمام می یافت و نه در سال 1856 زمانی که فرمان اصلاحات اعلان می شد، یک "مسئله ارمنی" موضوع بحث می باشد.

فرمان اصلاحات که به معنی از نو تشکیل دادن نظام اجتماعی با مدل غرب بود، مسلمانان و غیر مسلمانان را به وضعیتی مشابه در می آورد و به همین جهت به امتیازات تعریف شده برای غیر مسلمانان و معافیت های روحانی خاتمه می داد. به مورد این فرمان نظام نامه ملت ارمنی که از طرف پاتریک خانه ارمنی حاضر شده بود، تقدیم حکومت عثمانی شد و با تصدیق شدن در تاریخ 1862.03.29 وارد اجراء شد. به مورد مذاکره امور داخلی جمعیت ارمنی با نظام نامه یک مجلس با 140 عضو بنا شد، انتخاب 20 عضو آن از منصوبان کلیسای ارمنی استانبول، 80 عضو آن از جماعت کلیساهای استانبول و 40 عضو هم از "شرقی ها" پیش بینی شده بود.

فرمان اصلاحات همراه با روسیه، انگلیس و فرانسه را هم به توجه دادن بیشتر به ارامنه سوق داده بود، لیکن این روسیه را به حجیم کردن روابط با ارامنه هدایت کرده بود.

در زیر توجه این دولت ها به ارامنه احساسات حیران بودن وجود نداشت و البته که منافع امپریالیستی آنها خوابیده بود. برای دیدن علت چگونگی اینگونه بودن آن نگاه کردن به روابط قدرت موجود و مجادله نفوذ در آن دوران در دنیا لازم می باشد.

یکی از میدان های مهم این نفوذ و مجادله منافع هم دولت عثمانی بود. از سنگ های پایه سیاست تعقیب شده لیکن عناصر مسیحی موجود در دولت عثمانی و خصوصا استفاده از ارامنه بر علیه عثمانی ها بود و به ارامنه، تحقق نیافتن آن علارغم این که از طرف خودشان هم دانسته می شود وعده یک ارمنستان خیالی در آناتولی شرقی داده شده بود.

جنگ 1877-78 روس - عثمانی و مغلوبیت عثمانی ها در این جنگ از دلایل معین به میان آمدن "مسئله ارمنی" در نتیجه این حوادث می باشد.

در حالی که جنگ خاتمه یافته بود، پاتریک ارمنی استانبول نرسس وارژابدیان (Nerses Varjabedyan) به واسطه کاتوگیکوس اچمیازین از تزار روس پس ندادن خاک های آناتولی شرقی که از طرف روسیه اشغال شده بود به عثمانی را خواسته بود، با کفایت نکردن به این هم با رفتن به قرارگاه روس در سن استفانو با گراندوک نیکولا (Grandük Nikola) ملاقات کرده بود و الحاق آناتولی شرقی از طرف روس ها و اگر ممکن نبود به منطقه مانند بلغارستان دادن مختاریت، این هم اگر ممکن نبود در منطقه به لحن ارامنه انجام اصلاحات و تا تمام نشدن این اصلاحات عقب نشینی نکردن قوای روس را طلب کرده بود. آخرین طلب پاتریک از طرف روس ها قبول شده بود و به عنوان ماده 16. به معاهده سن استفانو الحاق شده بود. (1) تصور می کنیم نیازی به خاطر نشان کردن اینکه پاتریک وارژابدیان تبعه عثمانی بود نیست.

اشغال روس در آناتولی شرقی امکان تاثیر روسیه بر ارامنه عثمانی را تامین کرده و سربازان ارمنی موجود در ارتش روس برای تحریک ارامنه عثمانی بر علیه دولت تلاش کرده و به ارامنه "مانند مسیحیان موجود در بالکان ها با جدا شدن از عثمانی ها توانستن بنای دولت مختار خود" را تلقین کرده بودند.

انگلیسی ها که نیت روس ها را احساس کرده بودند بر علیه معاهده سن استفانو قرار گرفته بودند. زیرا، بنای یک ارمنستان زیر حمایت روسیه در آناتولی شرقی امنیت انگلیس در سواحل بصره و راه هندوستان را به خطر می انداخت. به مورد این انگلستان، با قبول و جدا کردن قبرس از عثمانی ها در برابر این، تغییر یافتن معاهده سن استفانو را تامین کرده بود و در کنفرانس برلین از روسیه بلافاصله عقب نشینی کردن از اراضی اشغال کرده خارج از کارس، آرداهان و باتوم، و قرار انجام اصلاحات ارمنی بعد از انجام آن گرفته شده بود، به غیره اجراء اصلاحات زیر کنترل پنج دولت بزرگ پیش بینی شده بود. اعتبارا از این تاریخ انگلستان "اصلاحات ارمنی" را مسئله خود خواهد دید.

به کنفرانس برلین از پاتریک خانه ارمنی استانبول هم یک هیئت ملحق شده بود و این هیئت که خواسته های خود را نتوانسته بود به قبول شدن بگیرد به استانبول با قضاوت "تا زمانی که وارد یک مجادله و عصیان نشود هیچ چیز به دست نخواهد آورد" برگشته بود. (2)

روسیه در حالی که فرصت بزرگ به دست آورده با معاهده سن استفانو را در کنفرانس برلین از دست داده و بعلاوه در غرب هم در اجبار ترک کردن یونان و بلغارستان به زیر نفوس انگلیس بود، شروع به تعقیب کردن یک سیاست که هدف الحاق مستقیم آناتولی شرقی به روسیه را داشت کرده و در این سیاست خود استفاده مجدد ارامنه را امتحان می کند.

مجادله انگلستان و روسیه بر روی ارامنه، با این سخنان نویسنده فرانسوی رنه پینون (Rene Pinon) که با تورک ستیزی خود مشهور می باشد واضح دیده می شود: "نفوذ روسیه و انگلیس در پشت ارامنه تصادم کرده بود. ارمنستان در دست انگلیس یک پیش قراول بر علیه استعمار طلبی روس شده بود."

در انگلستان با اقتدار شدن حکومت گلدستون (Gladstone) در سال 1880 این مجادله حجیم تر هم شده بود. انگلیس دیگر سیاست حفاظت از تمامیت ارضی دولت عثمانی در برابر روسیه را ترک کرده و سیاست بنای دولت های کوچک دوست با تکه تکه کردن امپراتوری عثمانی و استفاده از آنها به عنوان یک تامپون در برابر روسیه را پسندیده بود. برای انگلیس یکی از این دولتک های تامپون هم ارمنستان خواهد شد.

اولین نتایج این سیاست جدید در مطبوعات انگلیس با گفتن ارمنستان به آناتولی شرقی از آن سخن رانده می شود، حتی در مناطق دور دست آناتولی شرقی هم کنسول گری های انگلیس باز می شود، افزایش شمار میسیونرهای پروتستان موجود در منطقه و در لندن بنای یک کمیته انگلیس - ارمنی دیده شده بود. چگونگی آلت شدن ارامنه در دست روسیه و انگلستان در دفعات کثیری از طرف منابع ارمنی و خارجی هم مستند شده بود.

پاتریک ارمنی هُرن عاشقیان (Horen Aşıkyan) در اثر خود با نام "تاریخ ارمنی" اینها را می نویسد:

"تعداد زیادی از میسیونرهای پروتستان که در مناطق مختلف تورکیه پخش شده اند به لحن انگلیس در حال انجام پروپاگاندا هستند و به مختاریت رسیدن ارامنه زیر سایه انگلیس را پیش می رانند. مدارس بنا کرده آنها لانه های مخفی است."

بنابر عالم دینی ارمنی هرانت وارتابد (Hrant Vartabed) هم "بنای جمعیت های پروتستان در کشور عثمانی و حمایت شدن آنها از طرف انگلیس و ایالات متحده آمریکا چگونگی مکیده شدن حتی احساسات دینی که مقدس ترین حس ها می باشند از طرف قدرت های غربی که ادعای مدنیت می کنند را نشان می دهد." وارتابد، کاتوگیکوس کلیسای اچمیازین وی. کورک (V. Kevork) را هم با آلت شدن به تزار روس و خیانت کردن او به ارامنه آناتولی متهم کرده بود. (3)

تشخیص دیگر متعلق به پاول کامبون (Paul Cambon) سفیر فرانسه در استانبول می باشد. کامبون در گزارشی فرستاده به فرانسه در سال 1894 اینگونه می گوید:

"گلدستون ارمنه نا ممنون را تشکیلاتی کرده، آنها را زیر انضباط گرفته و در وعده حمایت از آنها حاضر شده است. بعد از این کمیته پروپاگاندا در لندن که الهام خود را از آنجا می گیرد مسکون شده است."

جان - پاول گانییر (Jean-Paul Ganier) اینها را می گوید:

"ارمنه که گویا ملت صادقه نام گذاشته شده اند، از طرف روس ها و میسیونرهای پروتستان تحریک شده و به کنفرانس برلین مثلا مانند یک مردم ظلم دیده مراجعت کرده بودند."

ادگار گرانویل (Edgar Granville)، "عدم وجود هیچ حرکت ارمنی در کشور عثمانی قبل از تحریک روس؛ کشیدن تلخی از سوی انسان های معصوم به جهت خیالاتی مانند یک ارمنستان تحت حمایت تزار روس" را قید کرده و "جانی بزرگ اصلی را تزارهای روس" و "الحاق آناتولی شرقی به روسیه با حرکات ارمنه" را ذکر می کند.

نویسنده ارمنی کاپریلیان (Kaprielian) در کتاب خود با نام بحران ارمنی و تولد از نو "منت دار بودن ارمنه از تلقین های روس در وعده اختلال" را با افتخار معین می سازد.

ارگان نشر دانشناک هایرنیک (Hairenik)، در شمار خود به تاریخ 1918.06.08 در این اعترافات حاضر می شود:

"بیدار شدن روح اختلال بین ارمنه تورکیه نتیجه تحریکات روس بود. روسیه (...) مردم موجود در کنار مرز را به هر نوع میل مرکز گریز تشویق کرده بود."

در مقابل این حقایق، سخن گفتن از اینکه در پشت مسئله ارمنی سیاست امپریالیسم برای تکه تکه کردن و سهم بردن از امپراتوری عثمانی خوابیده بود، نمی تواند سخت باشد.

در چارچوب این سیاست اعتبارا از سال 1880 در آناتولی شرقی بعضی کمیته های ارمنی شروع به بنا شدن کردند، کمیته هایی با اسامی "صلب سیاه" و "آرمناکار" در وان و "محافظان وطن (!)" در ارضروم تشکیل شده بودند. این کمیته ها در سطح محلی باقی مانده بودند و به علت عدم رغبت اکثریت بزرگ مردم ارمنی در این فعالیت ها که از حکومت عثمانی شکایت نداشته و درون صلح و رفاه به زندگی خود ادامه می دادند، نتوانسته بودند موثر باشند و با گذشت زمان موجودیت شان هم خاتمه یافته بود.

زمانی که به حرکت در آوردن ارمنه عثمانی از طریق بنای کمیته ها ممکن نشد، این بار یک راه دیگر امتحان کرده بودند و برای ارمنه روس خارج از خاک های عثمانی کمیته ها بنا شده بودند. بنابر این در سال 1887 در ژنور کمیته هنجاک و در سال 1890 در تقلیس کمیته دانشناک بنا شدند. برای این کمیته ها خاک های آناتولی شرقی هدف و "نجات دادن" ارمنه عثمانی آماج نشان داده شده بود.

لوئیس نعلبندیان (Louise Nalbandian)، از پیش روهای پروپاگاندا ی ارمنی در مورد کمیته هنجاک اینگونه می گوید:

"برای به حرکت در آوردن احساسات مردم (ارمنی) به تحریک و ترور نیاز است. مردم، از فعالیت هایی که بر علیه دشمن خواهد گرفت تحریک خواهند شد و از فعالیت های متقابل همان دشمن هم بهره خواهند برد. ترور، برای تامین محافظت از مردم و نشان امنیت دادن به برنامه های هنجاک مانند یک اصول استفاده خواهد شد. پارتی (کمیته)، حکومت عثمانی را به ترور کردن هدف گرفته بود. در این صورت اعتبار عثمانی کم خواهد شد و در معنی کلی برای فروپاشی آن سعی خرج خواهد شد. تک نقطه کانونی تاکتیک های تروریستی حکومت نخواهد شد. هنجاکیان، در آن طی می خواهند که خطرناک ترین ارمنه و تورک هایی که به حساب حکومت تلاش می کنند را بکشد و برای نابود کردن تمام جاسوسان و مخبرین تلاش می کردند. پارتی (کمیته)، به مورد حضور در تمام این فعالیت های تروریستی برای خود یک بنای خاص به میدان خواهد آورد." (4)

لیکن کی. اس. پاپازیان (K.S. Papazian) در مورد کمیته دانشناک اینها را می نویسد:

"برنامه کمیته از طریق عصیان تامین آزادی سیاسی و اقتصادی برای ارمنستان تورکیه می باشد... در مجمع عمومی انجام گرفته کمیته در سال 1892 متد 8. برنامه به قرار گرفته شده، ترور کردن مدیران دولت و خائنین می باشد، لیکن متد 11. هم تخریب کردن موسسات حکومت و غارت و تاراج آنها می باشد." (5)

دکتر جان لوریس - ملکوف (Dr. Jean-Louis Melikoff) از بنیان گزاران و ایدئولوگ های دانشناک، "پیش بودن منافع کمیته را از منافع جامعه ارمنی و در راه تحقق اهدافشان جمع کردن پول از ارمنه ثروتمند از طریق ترور" را قبول می کند. (6)

باز از ایدئولوگ های دانشناک وارانیدیان (Varandian)، در کتاب خود با نام "Histoy of the Dahnagizoutune" (پاریس، 1932) در همان اعترافات قرار می گیرد.

همانند قید کردن واضح نویسندگان ارمنی هدف به میان آوردن عصیان، لیکن اصول ترور است. کمیته های ارمنی برای اجرای این برنامه ها زمانی از دست نداده بودند و در ورود به عصیان های مختلف حاضر شده بودند.

اقدامات بر عصیان ابتدا از طرف هنجاکیان آمده بود، بعدها دانشناکیان هم این راه را تعقیب کرده بودند. خصوصیت مشترک تمام ورود های بر عصیان، طرح ریزی و تحقق آنها با کمیته چپان آمده از خارج به کشور عثمانی می باشد.

اولین عصیان، عصیان ارضروم در سال 1890 بود. آن را باز در همان سال تظاهرات کوم کاپی، در 93-1892 حوادث قیصری، یوزگات، چوروم و مرزیفون، در 1894 عصیان ساسون، در 1895 تظاهرات باب عالی و عصیان زیتون، در 1896 عصیان وان و اشغال بانک عثمانی، در 1903 دومین عصیان ساسون، در 1905 مبادرت به سوء قصد بر جان پادشاه عبدالحمید (Padişah Abdülhamid) و در 1909 عصیان آدانا تعقیب کرده اند.

تمام این عصیان ها و حوادث از طرف ارامنه کمیته چی با عنوان "قتل ارامنه توسط تورک ها" شناسانده شده و به کشورهای غربی و افکار عمومی مسیحی در این شکل با منعکس شدن همه بزرگی به وجود آورده بود. با این هدف از هیچ دروغی سرباز نزده و حقایق حوادث تحریف شده بودند. میسیونرهای مسیحی که تا مناطق دور دست هم پخش شده بودند همراه کنسول گری های دول بزرگ و سفرای موجود در استانبول در انتقال این پروپاگاندا به افکار عمومی غرب و مورد پسند قرار گرفتن آن نقش مهمی بازی کرده بودند.

در این راه با علاوه شدن نشریات غرب، افکار عمومی مسیحی پیام های ارمنی نا مرتبط با حقایق را شروع به پسندیدن کرده بودند. اساسا، سیاست های دول آنها هم پسندیدن این پیام ها را ضروری می کرد. گذشته از این، برای غرب این "یک نزاع بین مسلمانان و مسیحیان بود و مسلمانان وحشی مسیحیان معصوم را بقتل می رساندند." در این حال، کاری که باید انجام شود پشتیبانی و حمایت کردن از مسیحیان ارمنی بر علیه مسلمانان بود. در واقع این کار را هم انجام داده بودند.

هرچند اینگونه نبودن اصل مسئله و زیر پروپاگاندای کمیته چپان ارمنی هدف مداخله مسلحانه دولت های بزرگ بر علیه دولت عثمانی خوابیده بود و با اسناد هم ثابت می باشد.

پاتریک ارمنی استانبول قبل تر در تاریخ 1876 به الیوت (Elliot) سفیر انگلیس: "اگر برای کشتاد توجه مداخله اروپا به این کار اختلال عصیان کردن لازم باشد، انجام دادن آن هیچ هم سخت نخواهد بود." گفته بود. (7)

سفیر انگلیس در استانبول کری (Currie) این گزارش را در تاریخ 1894.03.28 به وزارت امور خارجه انگلیس فرستاده بود:

"هدف اختلال گران موجود در ارضروم با به میان آوردن آشوب تامین مقابله عکس عثمانی ها بوده و بدین ترتیب تامین کردن مداخله کشورهای خارجی می باشد." (8)

گراوس (Graves) کنسول انگلیس در ارضروم در پیام فرستاده به سفارت انگلیس در استانبول به تاریخ 1895.01.28، "اهداف کمیته ها با آفریدن یک نا ممنونیت عمومی، حکومت و مردم تورک را به دردهای واهی شان، کشتادن و به همین جهت لزوم ترتیب دادن وضعیت می باشد." را خبر می دهد. (9) باز گراوس به سوال "اگر به این مملکت هیچ کمیته چی ارمنی نمی آمد و ارامنه را به عصیان تحریک نمی کردند، این نزاع ها اتفاق می افتاد؟" سیدنی ویتمن (Sydney Whitman) مخابر نیویورک هرال د این جواب را داده بود:

"طبیعی که خیر، تصور می کنم حتی یک ارمنی هم کشته نمی شد." (10)

معاون کنسول انگلیس در وان ویلیامز (Williams) در نوشته خود به تاریخ 1896.03.04، "ترور کردن ارامنه توسط دانشناک و هنجاک ها، با افراط گرایی و جنون گرایی تحریک مردم مسلمان، فلج کردن تمام تلاش ها در ورود اصلاحات به اجراء و مسنول بودن کمیته چپان ارمنی از تمام حوادث اتفاق افتاده و تمام شده در آناتولی" را معین ساخته بود. (11)

داگتی والی (Doughty Wily) کنسول انگلیس در آدانا در گزارش خود در سال 1909، "تلاش ارامنه در تامین مداخله خارجیان" را نوشته بود. (12) ژنرال مایوسکی (General Mayewski) که در بتلیس سرکنسول گری روس را انجام می داد در گزارشی به سال 1912 اینها را قید کرده بود:

"در سال های 1895 و 1896 کمیته های ارمنی بین ارامنه و مردم محلی چنان شبهه ای پخش کردند که، در این مناطق اجراء هر گونه اصلاحات به وضعیتی نا ممکن در آمده بود. اشخاص دینی ارمنی هر چه باشد درون تلاش برای میل دینی نیستند. در برابر این،

برای انتشار افکار ناسیونالیسمی بسیار تلاش کردند. این نوع افکار بین دیوارهای، صومعه های اسرار انگیز توسعه یافت و جای وظایف دینی را تخصم و دشمنی مسیحیان نسبت به مسلمانان گرفت. در سال های 1895 و 1896 مسبب به میان آمدن عصیان های فراوان در بسیاری از ولایت های تورکیه آسیا نه سفالت بزرگ ارمنه دهاتی بود و نه فرونشانی که زیر آن بودند. زیرا این روستائیان از همسایگان مسلمان خود ثروتمند تر و آسوده تر بودند.

عصیان های ارمنی به دلیل این سه هدف اتفاق می افتاد:

1. در موضوعات سیاسی تکامل دانسته شده آنها،
2. توسعه دادن افکار عمومی ارمنی به ملاحظات ناسیونالیسمی، آزادی و استقلال،
3. پشتیبانی این ملاحظات از طرف حکومت های غربی و انتشار آن با تلقین و تقلاب های اشخاص دینی ارمنی. " (3)

مایوسکی، در یک گزارش دیگر به تاریخ همان سال، "تلاش کمیته داشناک با انداختن ارمنه و مسلمانان به جان یکدیگر و با در هم ریختن وضعیت حاضر کردن زمینه مداخله روس بوده." را ذکر می کند. (14) نهایت، وارانیدیان ایدئولوگ داشناک "خواست تامین مداخله اروپا" را اعتراف می کند، (15) پاپازیان هم "هدف عصیان ها را تامین مداخله دولت های اروپایی در امور داخلی دولت عثمانی" را می نویسد. (16)

کمیته های ارمنی، بلافاصله بعد از هر عصیان با پروپاگاندای وارد شدن اروپائیان در مداخله حاضر می شدند. این پروپاگانداها را بعضی از کمیته چیان ارمنی هم باور کرده بودند، در طول حادثه اشغال بانک عثمانی، کمیته چی آرمن آکونمی (Armen Aknemi) که ساعت ها در انتظار آمدن ناوگان انگلیس بود با قهر از تقدیر خود دست به انتحار می زد.

به مورد دیده شدن واضح حال نویسندگان و کمیته چیان ارمنی و یا از اظهارات دیپلمات های انگلیس و روس که از ارمنه پشتیبانی می کردند، دلیل عصیان های ارمنی نه سفالت، نه اصلاحات و نه ادعاهای تابع گرفته شدن به ستم بود. دلایل عصیان ها در وضعیت همکاری غرب و روسیه با کمیته ها و کلیساهای ارمنی خواست آنها در فروپاشی امپراتوری عثمانی خلاصه می شود.

لیکن عثمانی ها در مقابل این عصیان ها، کاری که هر دولتی آن را در آن شرایط انجام خواهد داد، انجام داده بودند و برای پوشاندن عصیان گران بر روی آنها نیرو فرستاده بودند. عصیان ها، به جهت نپسندیدن فعالیت کمیته های ارمنی از طرف مردم ارمنی در مدت زمان کوتاهی پوشانده شده بودند. هرچند، همانند آنچه که در فوق هم به آن اشاره شد، فرونشانی هر عصیان با عنوان یک "قتل عام" جدید تقدیم شده بود. اراعبران کمیته چی دست گیر شده باز با کمک دولت های بزرگ آزاد می شدند.

سرکردگان عصیان زیتون، اشغال بانک عثمانی و سوء قصد انجام دهندگان بر پادشاه عبدالحمید با مداخله دولت های بزرگ توانسته بودند از خاک های عثمانی آزادانه با دست و پای آویزان خارج شوند، گذشته از این با ترتیب دادن پاسپورت های جعلی به مورد انجام جنایات جدید تکرار را توانسته بودند برگرداند. هرچند، یک حقیقت اصلی که نه کمیته های ارمنی و نه دولت های بزرگ می خواستند آن را ببینند وجود داشت، آن هم زندگی ارمنه، بر روی خاک هایی که با نام ارمنه خواسته شده بود به عنوان یک اقلیت کوچک بود.

6 ولایت شرقی که برای ارمنه می خواستند با آنها یک ارمنستان مختار بنا کنند: ارضروم، بیتلیس، وان، ائلازیغ، دیاربکر و سیواس بودند. طلب خاک ارمنه با گذشت زمان وسعت خواهد یافت و آدانا، حلب (آلیو) و ترابزون را هم شامل خواهد شد. حال، با اساس بودن کتاب زرد فرانسه که دورن منابع غربی بیشترین نفوس ارمنی موجود در این ولایت ها را نشان داده، نسبت نفوس ارمنی به نفوس کل را ببینیم:

نفوس ارمنی در 9 ولایت شرقی بنابر کتاب زرد فرانسه

ولایت	نفوس کل	کل نفوس ارمنی	در صد ارمنه گریگوریان
ارضروم Erzurum	645,702	134,967	20.90
بیتلیس Bitlis	398,625	131,390	32.96
وان Van	430,000	80,798	18.79
العزیز Elaziz	578,814	69,718	12.04
دیاربکر Diyarbakir	471,462	79,129	16.78
سیواس Sivas	1,086,015	170,433	15.68
آدانا Adana	403,539	97,450	24.14
آلیو Aleppo	995,758	37,999	3.81
ترابزون Trabzon	1,047,700	47,200	4.50

از این رو، دیدن چگونگی معامله کردن روس ها با ارمنه کشور خود زمانی که ارمنه آناتولی را با وعده های یک ارمنستان خیالی بر علیه دولت عثمانی تحریک می کردند و معین کردن خلاصه چه بودن اصل نیات آنان مفید خواهد بود.

زمان آمدن روس ها به قفقاز آنها شروع به تعقیب یک سیاست از پیش دیده برای روس سازی و ارتدکس سازی ارمنه کردند. برای این هدف قانون پولیژنیا را در سال 1836 وضع کردند، صلاحیت های کاتوگیکوس گری کلیسای اچمیازین را محدود کردند، تعیین کاتوگیکوس وارد میدان وظایف تزار روس شده بود. در سال 1882 مدارس و روزنامه های ارمنی بسته شدند، لیکن در سال 1903 این بار بر دارایی کلیسا ها، موسسات و مدارس ارمنی دست گذاشته شده بود. خلاصه، بنابر اصطلاح مشهور وزیر امور خارجه روس لیونوف روستووسکی (Lebonof Rostowski) هدف "ارمنستان بی ارمنی" گرفته شده بود. این اصطلاح، در سال های اخیر، دیده شده که از طرف بعضی نویسندگان ارمنی تلاش می شود که به حکومت عثمانی نسبت داده شود. این خصوص هم می تواند در مورد کاراکتر پروپاگاندای ارمنی یک عقیده آشکار بدهد.

ظلم و ستم روس ها بر روی ارمنه حال در آثار نویسندگان ارمنی و یا خارجی با جزئیات توضیح داده شده است. دادن دو نمونه از آنها کافی خواهد بود:

مورخ ارمنی وارتانیان (Vartanyan) در کتاب خود با نام "تاریخ حرکت ارمنی" اینها را می نویسد:

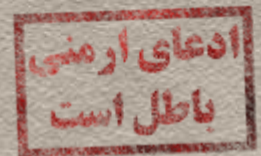
"ارمنی عثمانی به نسبت ارمنی روسیه تزار با اعتبار رسوم، دین، ادبیات و زبان کاملاً در آزادی است."

ادگار گرانویل هم "دولت عثمانی را تنها پناه ارمنه در مقابل مظالم روس" قید می کند.

هدف اصلی روسیه در آناتولی شرقی تامین بنا کردن یک دولت ارمنی نیست، بلکه الحاق این خاک ها (به روسیه) می باشد. طی جنگ جهانی اول در عهدنامه های تکه تکه کردن امپراتوری عثمانی خاکی که ارمنه بر روی آن بنای یک ارمنستان مختار را خیال کرده بودند، بین روسیه و فرانسه تقسیم شده بود. تزار روس هم با گفتن "عدم وجود یک مسئله ارمنی در روسیه" به کاتوگیکوس اچمیازین نیت آشکار روس را به زبان آورده بود.

نویسنده ارمنی بوریان (Boryan) این خصوص را با هدف قرار دادن توسط سخنان خود تشخیص داده بود:

"تزارگری روس هرگز تامین مختاریت ارمنی را نخواست. به همین جهت ارمنه در تقلاً، برای مختاریت ارمنی در اصل برای بدست آوردن آناتولی شرقی توسط روسیه با آزان بودن برای آنها فعالیت نشان داده بودند."



- 1) URAS, Esat-; a.g.e., sayfa 212-215
- 2) URAS, Esat-; a.g.e., sayfa 250 251
- 3) SCHEMSI, Kara-; a.g.e. pp. 20 21
- 4) NALBANDIAN, Luase-; Armenian Revolutionary Movement University of California Press, 1963, sayfa 110 111
- 5) PAPA ZIAN K.S., Patriotism Perverted, Boston, Baikar Press 1934; sayfa 14 15
- 6) Loris-Melikoff, Dr. Jean; La Revolution Russe et les Nouvelles Repobliques Transcaucasiennes, Paris 1920, sayfa 81
- 7) İngiliz Dışişleri Arşivi, F.O. 424/46, sayfa 205-206, No.336
- 8) İngiliz Mavi Kitabı, No.6(1894), sayfa 57.
- 9) İngiliz Mavi Kitabı, No.6(1894), sayfa.222-223
- 10) URAS, Esat-; a.g.e., sayfa 426
- 11) İngiliz Mavi Kitabı, No.8 (1896), sayfa 108.
- 12) SCHEMSI, Kara-; a.g.e., sayfa 11.
- 13) General MAYEWSKI-; Statistique des Provinces de Van et de Bitlis. sayfa 11-13
- 14) SCHEMSI, Kara-; a.g.e. sayfa 11
- 15) VARANDIAN, Mikayel-; History of the Dashnagtzoutune, Paris 1932 sayfa 302 Papazian, K.S. age. Sayfa 19.
- 16) PAPA ZIAN, K.S.-; a.g.e., sayfa 19.

○ آیا تورک ها در 1915 ارمنه را به یک نسل کشی با برنامه و سیستماتیک تابع گرفته بودند؟

شروع جنگ جهانی اول و ورود دولت عثمانی در کنار آلمان به جنگ بر علیه دول ائتلاف در تاریخ 1914.11.01 به نظر ارمنه بزرگ ترین فرصت دیده شده بود. همانند اظهار لويس نعلبندیان (Louse Nalbandian)، "برای کمیته های ارمنی مناسب ترین زمان شروع یک عصیان کلی در به واقعیت رساندن اهداف عاجل وضعیت موجود بودن عثمانی ها در جنگ است." (1)

حکومت عثمانی که از ورود کمیته های ارمنی به فعالیت در جنگ مشکوک شده بود، قبل از جنگ در آگوست 1914 با سرکردگان داشناک در ارضروم یک تجمع انجام داده بود. داشناکیان در این تجمع با وعده اتباع صادق ماندن به دولت عثمانی و آوردن وظیفه شان در صف قوای عثمانی در صورت ورود به جنگ حاضر شده بودند. ولی هرگز این وعده های خود را انجام نداد اند. زیرا قبل از این تجمع در ماه ژوئن باز در ارضروم در کنگره ترتیب داده شده داشناک، قرار مجادله آنها بر علیه دولت عثمانی گرفته شده بود. (2)

ارمنه روسیه هم شروع به تدارکات هجوم بر علیه دولت عثمانی همراه با قوای روس کرده بودند، بین کاتوگیکوس اچمیازین و والی عمومی قفقاز ورنانزف - داشکف (Vranzof-Daşkof) در مورد "انجام به اجراء در آمدن اصلاحات برای ارمنه از طرف روسیه به دولت عثمانی و حمایت بی قید و شرط ارمنه از روسیه" به مطابقت رسیده بود. (3)

کاتوگیکوس بعد ها در تفلیس از طرف تزار روس قبول شده بود و به تزار "تنها راه ممکن آزادی ارمنه آناتولی جدا شدن آنها از حاکمیت تورک با تشکیل یک ارمنستان مختار و قرار گرفتن این ارمنستان زیر حمایت روسیه" را معین کرده بود. (4) لیکن نیت روسیه الحاق آناتولی (به روسیه) با استفاده از ارمنه است.

به مورد اعلان جنگ روسیه به عثمانی ها، ارگان نشر کمیته داشناک هوریزون (Horizon) هم این اطلاعیه را منتشر کرده بود:

"ارمنه بدون نشان دادن کوچکترین تردد در کنار دول ائتلاف قرار گرفته بودند، تمام قدرت شان را به امر روسیه داده بودند؛ بعلاوه هنگ های داوطلب هم تشکیل داده بودند." (5)

به تشکیلات کمیته داشناک هم این تعلیمات داده شده بود:

"زمان گذشتن روس ها از مرز و شروع عقب نشینی قوای عثمانی در هر جا باید عصیان شود، قوای عثمانی در این صورت بین دو آتش خواهند ماند. لیکن در صورت پیشروی قوای عثمانی سربازان ارمنی همراه سلاح هایشان مناطق خود را ترک، دسته ها تشکیل داده و با روس ها متحد خواهند شد." (6)

کمیته هچاک هم در تعلیمات فرستاده به تشکیلات خود، "ملحق شدن کمیته با تمام قدرت به مجادله در صفت متفق دول ائتلاف و خصوصاً روسیه، برای تامین پیروزی در کیلیکیا، قفقاز و آذربایجان با هر نوع واسطه ای به دول ائتلاف کمک خواهد کرد." را معین می کند. (7)

لیکن پاپازیان (Papazyan) که در مجلس عثمانی نمایندگی انجام می داد با انتشار یک اعلامیه، "حاضر گردانیدن هنگ های داوطلب ارمنی در قفقاز، به دست آوردن نقاط کلیدی در مناطقی که ارمنه زندگی می کنند با راهنما بودن آنها به قوای روس و بلافاصله متحد شدن آنها با هنگ های ارمنی در خاک هایی که از آنها پیشروی خواهند کرد" را خواسته بود. (8)

تمام این دستورات بیش از حد به جا آورده شده بودند، همراه ورود قوای روس با راهنمایی هنگ های داوطلب بنا شده از ارمنه روس و عثمانی از کوه به اراضی عثمانی، ارمنه موجود در ارتش های عثمانی (در اینجا خاطر نشان کنیم که با وضع قانونی در دوران مشروطیت دوم سرباز گرفتن ارمنه هم قبول شده بود) با فرار همراه سلاح های خود به قوای روس ملحق شده و یا دسته ها تشکیل داده بودند، سلاح هایی که سال ها در مدارس میسیونری و کلیساها مخفی نگه داشته شده بودند به میان گذاشته شده و با اشغال شعبات نظامی سلاح های جدید تامین شده بود.

این دسته های مسلح شده به مورد تعلیمات کمیته ها با شعار "اگر آزادی می خواهی اول همسایه ات را بکش" به دلیل این که مردان (تورک) در جبهه ها بودند با حمله به شهرها، قصبه ها و روستاهای بی دفاع مانده تورک وارد قتل عام و کشتار شده بودند، قوای عثمانی را از پشت زده بودند، مانع حرکت واحد های عثمانی شده بودند، قافله های زخمیان را به تله انداخته بودند، پل ها و راه ها را امحاء کرده بودند، با عصیان در شهرها اشغال روس را آسان تر کرده بودند.

مطالب انجام گرفته توسط هنگ های داوطلب ارمنی موجود در صفوف قوای روس آن چنان سنگین شده بود که، فرماندهی روس با دور کردن بعضی واحد های ارمنی از جبهه اجبار سوق دادن آنها به خطوط عقب را احساس کرده بود. بعضی خاطرات سربازان روس که در آن دوران در ارتش روس انجام وظیفه می کردند بر این ظلم ارمنه کاملاً آشکارا گواهی می دهد. (9)

قتل عام های ارمنی تنها مسلمانان با در راس بودن تورک ها را هدف نگرفته بود، در اطراف ترابزون رومیان (یونانیان مقیم آناتولی) و در اطراف حکاری (استانی که امروز با شهرستان اورمیه هم مرز است) موسویان هم توسط دسته های سفاک ارمنی بقتل رسیده بودند. (10) هدف کمیته های ارمنی نابود سازی و یا مجبور کردن به مهاجرت دادن تمام عناصر غیر ارمنی که بر روی این خاک ها زندگی می کردند بود و بدین ترتیب تامین کردن در اکثریت بودن ارمنه، درون دولت ارمنی که بنای آن خیال می شد. اینگونه گرفته شده بود.

در راس واحد های ارمنی که همراه قوای روس در گذشتن از مرز مقدم بودند نماینده اسبق مجلس عثمانی کاراکین پاسترماجیان (Karekin Pastirmacıyan) که با لقب آرمن گارو (Armen Garo) شناخته می شد قرار گرفته بود. باز از نمایندگان اسبق هامپارسوم بویاجیان (Hamparsum Boyacıyan) که با لقب مراد شناخته می شد در عقبه جبهه در راس دسته های سفاک ارمنی به حمله بر قصبه و روستاهای تورک مشغول بود و "حتی کشتن کودکان تورک که گویا برای ملت ارمنی خطر تشکیل می دادند" را هم دستور داده بود. یک نماینده اسبق دیگر پایازیان همراه دسته های خود اطراف موش، بیتلیس و وان را در حال فشردن و بریان کردن بود.

به مورد به حرکت در آمدن قوای روس در ماه مارس 1915 این بار به طرف وان در 21 آوریل، در وان یک عصیان بسیار وسیع شروع شده بود. تزار روس نیکولای دوم (Rus Çarı II. Nikola) با فرستادن یک تلگراف به کمیته های ارمنی موجود در وان، "به جهت خدمات انجام گرفته به روسیه از آنها تشکر کرده بود." روزنامه گوچناک (Goçnak) ارمنی که در ایالات متحده آمریکا منتشر می شد، در شماره خود به تاریخ 1915.05.24 "تنها ماندن 1.500 تورک در وان" را با افتخار اعلام کرده می کند.

نماینده داشناک در فوریه 1915 در سخنرانی انجام داده در کنگره ملی ارمنی با سخن گفتن از اینکه، "روسیه برای مسلح کردن ارمنه عثمانی، تامین کردن تدارکات و عصیان کردن آنها قبل از جنگ، 142.900 روبل داده بود" (11)، در وصفی که می تواند اتفاق روس - ارمنی و چگونگی در تدارک بودن کمیته های ارمنی قبل از جنگ را کاملاً واضح نشان دهد، قرار می گیرد.

ارمنه امروز در تعود و اعتیاد بر این هستند که، آن عصیان ها و فعالیت ها را به عنوان یک دفاع مشروع به مورد گرفتن قرار تهجیر تقدیم کنند. حال اینکه در این میان قرار تهجیری که گرفته شود وجود نداشت و عصیان ها نتیجه تهجیر نه، بلکه تهجیر نتیجه عصیان ها بود.

در حالی که تمام این حوادث اتفاق و اتمام می یافت ناوگان های انگلیس و فرانسه تنگه چاناق قلعه را زیر فشار قرار داده اند، ارتش های عثمانی از گالیچیا تا آناتولی شرقی و تا عراق در جبهه های مختلف در حال مبارزه در برابر قوای دشمن هستند.

حکومت عثمانی، در مقابل این وضعیت، ابتدا پارتیک ارمنی، نمایندگان ارمنی مجلس و اشخاص برجسته مردم ارمنی را با کفایت بر اعلام اینکه: در صورت ادامه بقتل رسیدن مسلمانان با خیانت توسط ارمنه، پیش گیری های لازم را خواهند دید، توجیه کرده بود. با نتیجه ندادن آن، در تاریخ 1915.04.24 کمیته های ارمنی بسته و تعداد 235 نفر از سرکردگان کمیته چی ارمنی (در پایتخت) را به جرم موجود بودن آنها در فعالیت های علیه دولت دستگیر کرده بود.

ارمنه خارج هر سال در روز استنکرات خرافه های خود با گفتن 24 آوریل "سالگرد نسل کشی ارمنه"، این تاریخ در حقیقت، تاریخ دستگیری 235 کمیته چی بوده و با اجراء تغییر مکان (ارمنه) در هیچ شکلی ارتباط ندارد.

دولت عثمانی به دلیل در معرض ماندن بر خطرات داخلی و خارجی به یک تدبیر که هر دولت در زمان مقابله با آن خطر بدون تردد آن را انجام خواهد داد مراجعت کرده بود، ارمنه موجود در نقاط نزدیک به مناطق جنگی را به خاک های جنوبی تر عثمانی یعنی سوریه تهجیر داده بود. تاریخ قانون موقت 1915.05.27 می باشد.

همانند چیزی که مورخ ارمنی لو (Leo) معین می کند، حکومت عثمانی "حق محافظت از موجودیت خود را در برابر کمیته های ارمنی که محصور تحریکات روس شده و با اعتماد کردن به صلاح های روس آشوب و عصیان ها به میان آورده بودند، استفاده کرده بود."

گذشته از این تهجیر یک عمل جزائی نیست، به جهت دلایل امنیتی مجبور کردن یک گروه مشخص برای اقامت در یک مکان مشخص می باشد. زمانی که در یک جنگ تبانی آنها با دشمن اثبات می باشد و بعلاوه، جمعیت هایی که این همکاری را مایه افتخار دیده بودند، از نظر پیش گیری فعالیت های مضر آنها تابع گرفته شدن شان به اقامت اجباری در مناطق مشخص، نکند یک خصوص ضرورت اعتراض کردن به آن را هم دارد. این تدابیر حتی در جنگ جهانی دوم هم از طرف تمام دولت ها انجام شده بود.

چه برسد به آن که، حکومت عثمانی در طول تهجیر ارمنه برای پیش گیری از ضرر کردن آنها یک تلاش عینی هم نشان داده بود. دستورات منتشر شده در این مورد دلیل مشخصی می باشند:

حرکت دادن ارمنه مسکون در قصبه و روستاهای مورد بحث که انتقال آنها به مناطق جدید اسکان لازم می باشد و در طول مسافرت آسایش آنها باید تامین شود، جان و مال آنها باید حفظ شود؛ با رسیدن به وطن جدید اسکان تا مسکون شدن تمامی آنها اعاشه آنها از

تخصیصات مهاجرین باید بر طرف شود: به آنها بنابر وضعیت مالی قبل و احتیاجات حال حاضر باید مال و خاک پخش شود؛ برای صاحبان احتیاج دولت باید خانه بسازد، باید برای صاحبان مزرعه و زراعت کاران تخم، آلت و تجهیزات تامین شود." (12)

"به جهت اینکه این دستور تماما یک پیش گیری در مقابل توسعه عصیان گران کمیته ها می باشد، در صورت راه با شدن بر مقاتله (قتل هم دیگر) گروه های مسلمان و ارمنی از به جا آوردن آن باید خود داری شود."

"به مورد رفاقت کردن با گروه های ارمنی مسکون شده در مناطق جدید موظفان مخصوص برای تامین آن ترتیبات انجام خواهند داد، غذا و سایر احتیاجات آنها تامین خواهد شد، با این هدف مخارج ضروری از تخصیصات حکومت که برای مهاجرین جدا کرده بر طرف خواهند شد." (13)

اعاشه لازم مهاجرین در طول مسافرت به مناطق جدید اسکان باید تامین شود. برای اینکه مهاجرین مستمند مسکون شوند به آنها باید اعتبار داده شود. کمپ هایی که برای افراد در حال مسافرت بنا می شوند باید منظم مراقبت شوند؛ برای رفاه این افراد باید تدابیر لازم گرفته شود، بعلاوه آسایش و امنیت آنها باید تامین شود. به مهاجرین فقیر باید غذای کافی داده شود و وضعیت سلامت آنها هر روز از طرف دکترا باید کنترل شود...

زنان و کودکان بیمار با قطار، لیکن دیگران بنابر استقامت شان با قاطر، درون وسیله نقلیه و یا پیاده باید فرستاده شوند. هر قافله را یک دسته محافظ باید همراهی کند، وسایل خوراک هر قافله تا مکان اسکان باید محافظت شوند... اگر در کمپ ها و یا در طول مسافرت بر علیه مهاجرین یک حمله به وقوع برسد، این حمله بلافاصله باید پراکنده شود." (14)

اینکه ارامنه در نزاع های آناتولی شرقی و در طول تهجیر مفقودات داده اند واقعیت دارد، اساسا کسی هم منکر آن نمی باشد. یک جنگ جهانی، یک آشوب و عصیان و در نتیجه آن یک تهجیر موضوع بحث می باشد. محیط عمومی نا امنی زاده شده از جنگ و احساسات شخصی، کینه و انتقام باعث مورد حمله قرار گرفتن تعدادی از قافله های تهجیر قرار گرفته شده بود. حکومت برای پیش گیری این وضعیت تا حد امکان تلاش کرده بود و اشخاصی که مسئول دیده می شدند را مجازات کرده بود. از طرف دیگر، به دلیل شرایط سخت روزهای جنگ، ناکافی بودن امکاناتی مانند: وسیله، سوخت، غذا و دارو، شرایط سنگین اقلیمی و بیماری های مسری مانند تیفوس، زایعات آن را هم باید مقابل چشم گرفت. نباید فراموش کرد که یک لشکر 90 هزاره عثمانی در جبهه شرق به جهت سرمای هوا و بیماری از بین رفته بود. در مناطق دور از جبهه، حتی در استانبول، پایتخت هم فشارهای فجیعی کشیده می شد، این شرایط و فشارها تنها برای ارامنه نبود، برای تمام مردم عثمانی در شکل مساوی سپری شد و دردهای رسیده برای همه، دردهای مشترک شده بودند.

اصل حادثه ای که امروز کانون های پروپاگاندا و ترور ارمنی با گفتن "اولین نسل کشی قرن بیستم" آن را اعلام می کنند، در عمل شامل این حوادث می باشند. ادعای نسل کشی ای که ارامنه شروع آن را تاریخ 24 آوریل 1915 (1915.04.24) می دانند. این در حالی است که صرفا با اعتبار کردن به یک منبع خارجی ارامنه حتی قبل از شروع جنگ جهانی اول کشتار مسلمانان را شروع کرده بودند.

در دایرة المعارف جنگ جهانی اول که توسط استفان پوپ (Stephen Pope) و الیزابت - آن ویل (Elizabeth-Anne Wheal) در سال 2003 نوشته و در انگلیس منتشر شده اینگونه می نویسد: "تورک ها هنوز درون مقدمات تجهیز قوا بودند که، ارامنه با خونریزی در آناتولی شرقی کشتار فجیح 120.000 نفر که ارمنی نبوده اند را شروع کرده بودند." در کتاب تعریف کلمه کشتار فجیع (slaughter) بسیار قابل توجه می باشد.

بدون در نظر گرفتن کشتار و تبعید مسلمان عثمانی در بالکان، شمار مسلمانان نسل کشی شده تا پایان جنگ جهانی اول و بعد از آن به دست ارامنه در جغرافیای آناتولی و آذربایجان به 2 میلیون نفر که اکثر آنها مردم تورک بودند می رسد. با این اعتبار ادعای فانتزی ارامنه چقدر هم اولین نسل کشی قرن بیستم جلوه می کند.

1) NALBANDIAN, Louise; a.g.e., sayfa 111.

2) Ermeni Komitelerinin Amâl ve Harekât-i İhtilâliyesi, İstanbul 1917, sayfa 144-146.

3) TCHALKOUCHIAN, Gr.; Le Livre Rouge, Paris, 1919, sayfa 12.

4) TCHALKOUCHIAN, Gr.; a.g.e.

5) URAS, Esat; a.g.e., sayfa 594.

6) HOCAOĞLU, Mehmet; Tarihte Ermeni Mezalimi ve Ermeniler, İstanbul, 1976. Sayfa 570-571.

7) Ermeni Komitelerinin Amâl ve Harekât-i İhtilâliyesi, sayfa 151-153

8) URAS, Esat; a.g.e., sayfa 596-600

9) Örneğin Journal de Guerre du Deuxieme Regiment d'Artilerie de Forteresse Russe d'Erzoroum, 1919.

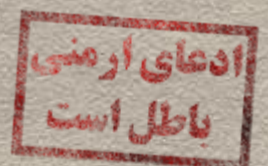
10) SCHEMSI, Kara; a.g.e., sayfa 41-49

11) URAS, Esat; a.g.e., sayfa 604.

12) 1915 Mayıs Tarihli Bakanlar Kurulu Talimatı, Başbakanlık Arşivi, İstanbul Meclis-i Vükelâ Mazbataları, Cilt 198. Karar No. 1331/163.

13) İngiliz Dışişleri Arşivi, 371/9158/E 5523.

14) İngiliz Dışişleri Arşivi, 371/9158/E 5523.



○ آیا آناتولی شرقی (فقط) وطن ارامنه می باشد؟

دادن جواب به این سوال تنها در بررسی تاریخ آناتولی ممکن است. حتی مورخان ارمنی هم در مورد ریشه ارامنه درون هم فکری نیستند. این هم موجب بحث برانگیز شدن کجا بودن وطن مادری ارامنه شده است. در این مورد نظرات در حال نزاع و تناقض مورخان ارمنی می تواند اینگونه ردیف شوند:

A. نظریه ای که ارامنه را به حضرت نوح نسبت می دهد: بنابر این نظریه ارامنه از نسل نواده نوح "هایک" هستند. کشتی نوح بعد از طوفان با نشستن بر روی کوه آغری وطن ارامنه آناتولی شرقی می باشد. گذشته از این هایک 400 سال زندگی کرده و به وطن خود تا بابل وسعت داده است. لیکن این نظریه بر افسانه ها تکیه کرده که در این صورت با علمی بودن هیچ ارتباطی ندارد و نمی تواند هرگز مستند معتبری باشد. مورخ آگوسته کارییر (Auguste Carriere) هم این خصوص را ذکر می کند و "غفلت بودن اعتماد کردن به اطلاعات داده شده از طرف مورخان قدیمی ارمنی به دلیل ساختگی بودن اکثر این اطلاعات داده شده" را قید می کند.

B. نظریه ای که ارامنه را به اورارتو ها نسبت می دهد: اورارتو ها که یکی از اقوام قدیم آناتولی شرقی بودند، تا 3 هزار سال قبل از میلاد تداوم دارند و در قرن های 7-6 قبل از میلاد ابتدا از طرف اسکیت ها و بعد توسط مادها مورد حمله قرار گرفته و از میان برداشته می شوند، منطقه زندگی آنها به صحنه مجادله لیدیایی ها و مادها تبدیل می شود و در آخر زیر نفوذ مادها قرار گرفتن شان دانسته می شود. در این دوران همانند تصادف نکردن به نام ارمنی در هیچ شکلی، زبان اورارتویی و زبان ارمنی هم هیچ شباهتی به هم ندارند. زبان اورارتویی یک زبان آسیایی بوده و با زبان های جغرافیای اورال - آلتای قرابت نشان می دهد. در بین مدنیت اورارتو و مدنیت اورال - آلتای هم همان شباهت ها وجود دارد. آخرین کشفیات آرکولوژی انجام گرفته در اطراف ارضروم هم این را آشکارا به میان می گذارد. قرار گرفتن زبان ارمنی در گروه ساتم زبان های هند - اروپایی قبول می شود. در این حال امکانی هم برای پیش راندن یک عینیت بین اورارتو ها و ارامنه وجود ندارد. هیچ کشف قابل مشاهده که بتواند عینیت اورارتو ها و ارامنه را تصدیق کند موجود نیست.

C. نظریه ای که ارامنه را به نسل تراک - فریک که منطقه اورارتو ها را اشغال کردند نسبت می دهد: بنابر این تئوری که بین مورخان ارمنی بیسترین نظریه مورد پسند می باشد، ارامنه دارای ریشه بالکانی می باشند و از نسل تراک - فریک می باشند. آنها با فشار ایلیریایی ها (آلبانیایی ها) در قرن 6 ق.م با کوچ به آناتولی شرقی در آنجا مسکون شده اند. به نام ارمنی برای اولین بار در سال 521 ق.م امپراتور ماد (پرس) داریوش تصادف می شود و گفتن داریوش در اینکه "ارامنه را مغلوب کردم" برای تصدیق این ادعا پیش رانده می شود. این دیدگاه، تئوری های نوح و اورارتو را هم خود به خود مضمحل می کند.

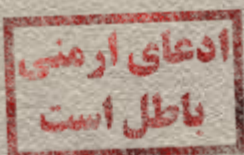
D. نظریه ای که ارامنه را به عنوان یک نژاد قفقازی قبول می کند: بنابر این نظریه، وطن مادری ارامنه قفقاز جنوبی می باشد. برای همین نزدیکی آنها به طایفه های قفقازی و خویشاوندی مدنی آنها برای این تئوری دلیل نشان داده می شود. یک دلیل دیگر هم، داریوش که برای اولین بار زمانی که از ارامنه با جمله "ارامنه را مغلوب کردم" سخن گفته مکان را قفقاز قصد می کند. هر چه باشد بین ارامنه و دیگر نژادهای قفقاز هیچ ارتباطی وجود ندارد.

E. نظریه ای که ارامنه را یک نژاد تورانی قبول می کند: لیکن این تئوری به خویشاوندی مدنی و فرهنگی و شباهت های موجود بین زبان ارامنه و بعضی از طایفه های تورک تکیه داده می شود.

همانند آنچه که دیده می شود، چه و کجا بودن ریشه و وطن مادری ارامنه حتی بین آنها هم مورد بحث می باشد. در مقابل نظریه های متناقض این چینی هرگز نمی توان در هر حالی از موجود بودن ارامنه در آناتولی شرقی از 4-3 هزار سال پیش حرف زد.

زیر این ادعاها که موجودیت ارامنه در آناتولی شرقی را تا حد ممکن به زمان های بسیار قدیم بر می دارند، برای صاحب شدن آنها به آناتولی شرقی به عنوان وطن مادری و گذشته از این تقدیم کردن آن به عنوان یک موجودیت مدنی، هوس محیط های خاص ارمنی خوابیده است.

ادا در آوردن ارامنه در صاحب بودن آنها به تنهایی بر آناتولی شرقی نابجا می باشد. با اعتبار تاریخ، ارامنه اهالی محلی آناتولی شرقی نبوده و از خارج به این مکان آمده اند و موجودیت آنها در این منطقه تنها تا سال 521 ق.م قبول می شود. حال اینکه حداقل 15 هزار سال مسکونی بودن آناتولی دانسته می شود. لیکن آناتولی که 15 هزار سال است مسکونی می باشد، برای اقوام مقیم و مهاجر بسیار مختلف و مدنیت های بسیار باشکوهی وطن شده است. ارامنه که یکی از اقوام آمده از مکانی دیگر و نسبتاً جدید آمده می باشند، صاحب شدن آنها به تنهایی بر آناتولی شرقی نمی تواند حتی موضوع بحث هم باشد تا چه برسد به قبول آن.



○ آیا تورک ها با شروع از سلجوقیان، خاک های ارمنی را به زور از آنها گرفته و اشغال کرده اند؟

منطقه ای که ارمنه در طول تاریخ به صورت جمعی در آن اقامت داشته اند از سال 521 ق.م تا 344 ق.م یک ولایت متعلق به امپراتوری پارس، از 344 ق.م تا 215 ق.م تکه ای از امپراتوری مقدونیه، از 215 ق.م تا 190 ق.م یک ولایت تابع سلفکیت ها، از 190 ق.م تا سال 220 تبدیل شدن آن به یک میدان مجادله بین امپراتوری روم و پارت ها به صورت تعویض مکرر، از سالهای 220 تا قرن پنجم میلادی یک ولایت متعلق به ساسانی ها، از قرن پنجم تا قرن هفتم میلادی یک ولایت متعلق به بیزانس ها، با شروع شدن از قرن هفتم این بار یک تکه خاک زیر حاکمیت اعراب، در قرن دهم میلادی باز یک ولایت متعلق به بیزانس شده و در قرن یازدهم میلادی منطقه زیر حاکمیت تورک ها قرار گرفته است. ارمنه که تا به این اندازه زیر حاکمیت های مختلف زندگی کرده اند، به غیر از دره داری (ملوک الطایفی، فتودال) یعنی سیستم صاحب شدن عایله های معین به مناطق معین که نظام اجتماعی و سیاسی آن دوران بود، هرگز صاحب یک دولت مستقل، متحد و متداوم نشده اند.

میرهای ارمنی که مورخان ارمنی آنها را شاه های ارمنی توصیف می کنند در اصل همیشه با رعیت (Vassal) بودن وابسته به یک ارباب (Suzerain) زندگی کرده و بین دولت های خارجی مناطق تامپون ایجاد کرده اند. اکثر میرها و یا پرنس های ارمنی توسط دول امپراتور که بر منطقه حاکم شده اند بنا شده و دولت های حاکم یا برای کشاندن ارمنه به صف خود و یا استفاده از آنها در مقابل یک قدرت دیگر ارمنه نزدیک شده به خود را بر سر این میری ها و شاهزادگی ها آورده اند. مثلاً: از عایله باگرات، آشوت (Ashot) و از عایله آردروزونی، هاچیک گایک (Haçik Gaik) را خلفای عرب پرنس کرده بودند. معین کردن اینکه بعضی از عایله های ارمنی که به آنها عنوان پرنس و یا میر داده شده بود از نسل ارمنی نه، بلکه پرنس بودند هم ضروری می باشد.

این خصوص را مورخ ارمنی کورک اصلان (Kevork Aslan) با این سخنان خود تصدیق می کند:

"ارمنه به صورت دره دارها زندگی می کنند. به یک دیگر با حس وطن مرتبط نیستند. بین آنها روابط سیاسی وجود ندارد. فقط به دره دارهایی که با آنها زندگی می کنند وابسته هستند. به همین دلیل وطن پرستی آنها منطقه ای می باشد. وابستگی مابین آنها را روابط سیاسی نه، بلکه زبان ها و دین هایشان ایجاد می کند." (1)

به طول تاریخ خود در زیر نفوذ امپراتوری ها و دولت های بزرگ مختلف زندگی کرده و در این میان در میدان مجادله، تیول گران ارمنی (دره داران و متصرفان به شرط خدمت) با هدف تامین یک تعداد نفع اضافی در بین این قدرت ها به طور فشرده ای طرف عوض کرده و برای مطیع ماندن مردم ارمنی در بزرگترین دردها راه باز کرده اند. مارکوس تیتس (Marcus Tacitus) مورخ رومی، در اثر خود با نام "Annalium Liber" این گونه می نویسد: "ارمنه در برابر امپراتوری های روم و پارس با تغییر رفتار گاه همراه با رومی ها و گاه همراه با پارس ها به اتفاق حرکت می کنند" و به همین جهت مردم ارمنی را یک "ملت مذهبل" توصیف کرده.

مثلاً: پرنس واسپوراکان، سنکریم (Vasporakan Prensi Senekerim) در سال 1021 و پرنس آنی، گایک - هاچیک دوم (II. Gaik-Haçik) هم در سال 1045 اراضی تحت تصرف خود را به امپراتور کونستانتین موناماک (Konstantin Monamak) هدیه می کنند.

حال با این رفتار و یا تابع شدن آنها به امپراتوری های بزرگ، دلیلی شده بود که ارمنه مکرر به تهجیر و مهاجرت اختیاری وارد شوند.

ارمنه از پارس ها فرار کرده و در آناتولی داخلی در اطراف قیصری مسکون شده اند، توسط ساسانیان به داخل ایران، از طرف اعراب به سوریه و عربستان، از سوی بیزانس ها به آناتولی داخلی، استانبول، تراکیا، مقدونیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان، ترانسیلوانیا و کریمه، در طول جنگ های صلیبی به قبرس، گرییت و ایتالیا، در استیلای مغول به کازان و آستاراخان و توسط روس ها از کریمه و قفقاز به داخل روسیه تهجیر داده شده اند. پراکندگی ارمنه از جزیره سیسیلی (ایتالیا) تا هندوستان، از شبه جزیره کریمه (اوکراین) تا عربستان در مناطق مختلف نتیجه این تهجیرها می باشد.

این هم نشان می دهد که، در سال 1915 تهجیر ارمنه توسط عثمانی ها همانند نبودن اولین تهجیر آنها، واقعه ای به اسم دیاسپورای ارمنی (ارمنه پراکنده دنیا) هم در نتیجه تهجیر 1915 به میان نیامده است. خصوصاً آورده شدن آنها به اطراف سیواس مدت کوتاهی قبل از در آمدن آناتولی به زیر حاکمیت سلجوقیان اتفاق افتاده بود.

بعد از این که مسیحیت را قبول کردند در سال 451 میلادی با جدا قرار گرفته شدن آنها از کلیسای بیزانس تا آمدن سلجوقیان به آناتولی، موجب نزاع بین بیزانسیان و ارمنه، له شدن و حل کردن ارمنه از طرف بیزانسیان و اساساً به نابود شدن دره دارهای ارمنی تابع بیزانس راه باز کرده بود. رانده شدن ارمنه توسط بیزانس به جاهای مختلف و استفاده از آنها به عنوان گرو مقابل قدرت های دیگر از اینجا منشاء می گیرد. این ظلم بیزانسیان با تمام جزئیات توسط مورخان ارمنی آن زمان به زبان آورده شده است.

در واقع تورک های سلجوقی در این چنین محیطی در نیمه دوم قرن یازدهم شروع به آمدن در شکل جمعی به آناتولی کرده بودند. در خاک های آناتولی که سلجوقیان به دست گرفتن آنها را شروع کرده بودند، یک پرنس گری ارمنی در وضعیت تابع به یک دولت دیگر وجود نداشت و قدرت مقابل سلجوقیان، بیزانس بود.

هاکان سلجوقی آلپ ارسلان اراضی پرنس قدیمی ارمنی، آنی را در سال 1064 به دست گرفته بود، اما به موجودیت این شاهزادگی در سال 1045 یعنی 19 سال قبل از آمدن تورک های سلجوقی از طرف بیزانسیان خاتمه داده شده بود. به همین جهت، در خاک هایی که سلجوقیان در آنها پیشروی می کردند، خاک های بیزانس که در کنار دیگر قوم ها ارامنه هم زندگی می کردند بود. به همین دلیل به تصدیق شدن هرگونه ادعایی مبنی بر اشغال و استیلا دولت و یا پرنس گری ارمنی توسط سلجوقیان در مقابل تاریخ از لحاظ مادی هیچ امکانی وجود ندارد.

گذشته از این، تاریخ عکس این را ثابت می کند و با هدف پایان دادن به قرن ها ظلم بیزانس کمک کردن ارامنه به سلجوقیان در به دست گرفتن خاک های آناتولی را نشان می دهد.

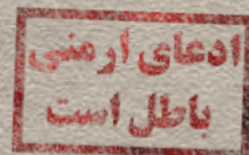
حرف های مورخ ارمنی آسغیک (Asoghik) در اینکه "ارامنه به دلیل خصومت به بیزانس از آمدن تورک ها به آناتولی خوشحال شده، حتی به تورک ها کمک هم کرده بودند." این واقعه را مستند می کند. فتح اورفا توسط تورک ها در شهر موجب برگزاری یک هوای عید از طرف ارامنه را باز مورخ ارمنی ماتوس (Mateos) اورفایی قید کرده است.

در اینجا، لازم است که از یک پرنس گری ارمنی در همان زمان هم حرف زد. این پرنس گری، پرنس گری ارمنی کیلیکیا می باشد. لیکن موجودیت ارمنی در کیلیکیا در نتیجه انجام گرفتن تهجیر ارامنه توسط بیزانس به میان آمده بود. به مورد فروپاشی تنها پرنس گری ارمنی توسط بیزانس به کیلیکیا یک کوچ ارمنی دیگر شده بود و این آخرین کوچ در سال 1080 به بنای پرنس گری ارمنی کیلیکیا وسیله شده بود.

این پرنس گری که به دلیل خدمت به صلیبیان در طول جنگ های صلیبی و رفته رفته ضعیف شدن بیزانس موجودیت خود را حفظ کرده بود. هرچند باز در وضعیت وابسته بودن به بیزانس و بعدها صلیبیان، مغول ها و کاتولیک ها بود با تورک ها هم درون روابط خوبی قرار داشت و در آخر زیر حاکمیت عایله کاتولیک لوسیگنان (Lusignan) که در قبرس مسکون شده بودند قرار می گیرند. این وضعیت ارامنه گریگوریان را ممنون نخواهد کرد و این نا ممنونیت در افتادن این پرنس گری به دست مملوکیان در سال 1375 نقش مهمی بازی خواهد کرد.

معین کردن اینکه آخرین کوچ ارمنی به کیلیکیا در اینجا باعث بنای یک کلیسای جدا از اچمیازین می شود و این جدایی تا به امروز هم مداوم می باشد مفید خواهد بود. لیکن در زمان عثمانیان وضعیت روشن تر می باشد، آناتولی شرقی در زمان فاتح سلطان محمد (Fatih Sultan Mehmet) و یاوز سلطان سلیم (Yavuz Sultan Selim) از آق قویونلو ها و صفویان، لیکن آناتولی جنوبی هم در زمان یاوز سلطان سلیم از مملوکیان مصر گرفته شده بود.

حال که حقیقت این است، هرگونه ادعایی در مورد اشغال و استیلا خاک های متعلق به یک دولت و یا پرنس گری ارمنی هم در مقابل تاریخ مغلوب می باشد.



○ آیا تورک ها امروز هم ارامنه حاضر در تورکیه را زیر فشار قرار می دهند؟

ادعاهایی مانند زیر فشار بودن ارامنه حاضر در تورکیه هر از گاهی به روز می شوند. محیط های پروپاگاندای ارمنی این ادعاها را برای این اهداف به پیش می رانند:

- A. با "تصور ظلم کردن تورک به ارمنی" قطعی بودن آن در طول تاریخ و رسیدن آن تا به امروز،
- B. نشان دادن یک هدف که توده های جوان ارمنی در راه آن مجادله خواهند کرد،
- C. بهره برداری از یک وصف به روز برای پروپاگاندا،
- D. تأمین کردن مداخله کشورهای خارجی در امور داخلی تورکیه. البته این ادعا هم مانند سایر ادعاهای مشابه، به هیچ اساسی متکی نمی باشد.

در تورکیه حدود 40-50 هزار شهروند ارمنی (با این حساب که خود را ارمنی معرفی می کنند) امروز بدون تابع شدن بر هیچ تبعیضی، با سود بردن از هر حق و آزادی که تمام شهروندان کشور تورکیه صاحب آن می باشند درون امنیت، صلح و رفاه زندگی می کنند.

ارامنه تورکیه در کلیساهای خود آزادانه می توانند عبادت کنند، در مدارس خود به زبان خودشان آموزش می بینند، به زبان خودشان ارگان های نشر دارند، در دایره های خود فعالیت های اجتماعی و فرهنگی خود را ادامه می دهند. جمعیت ارامنه تورکیه صاحب 30 مدرسه، 17 دایره خیریه و فرهنگ، 2 روزنامه با نام های ژاماناک و مارمارا بعلاوه بعضی مجلات، دو کلوپ ورزشی با اسامی شیشلی و تقسیم و موسسات وقف و سلامتی می باشند.

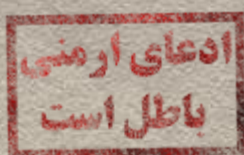
اکثر ارامنه تورکیه گریگوریان می باشند. رهبر دینی آنها عنوان پاتریک ارامنه تورکیه را حمل می کند. در کنار این اکثریت گریگوریان، ارامنه کاتولیک و پروتستان هم وجود دارند، آنها هم صاحب کلیساهای خود می باشند.

اکثریت بزرگ شهروندان ارمنی در استانبول مسکون می باشند. به همین جهت اکثر موسسات متعلق به ارامنه هم در استانبول می باشند.

شهروندان ارمنی که عدم قرار داشتن در معرض هیچ فشاری، احساس ممنونیت بزرگ داشتن از زندگی در تورکیه و افتخار کردن به اینکه شهروند تورکیه ای هستند را به هر وسیله ای به زبان می آورند، با هدف شدن دیپلمات های تورک خارج از کشور توسط ارگان های ترور ارمنی به مورد در راس بودن پاتریک ارمنی در هر فرصتی این ترورها را شدیداً ملامت کرده و با دردهای باز شده در نتیجه این ترورها همراه با تورک ها شریک همان احساسات شده و به کانون های پروپاگاندا و ترور ارمنی موثرترین جواب را شخصاً داده بودند.

در تاریخ 1981.11.01، مراسم دینی که برای یاد دیپلمات های شهید شده تورک، در پاتریک خانه ارمنی استانبول و از طرف پاتریک رهبری می شد، در حرکت مقرر ارامنه تورکیه بر علیه ترور ارمنی یک نمونه واضح تشکیل داده بود.

به مورد قرار مجلس اروپا در راه انجام گرفتن فشار بر اقلیت ها در تورکیه، در توضیحات انجام گرفته شده توسط پاتریک ارمنی در فوریه 1982، "تک تک ارامنه تورکیه با شهروند تورکیه ای بودن خود درون صلح زندگی می کنند و با بهره بردن از هر آزادی اعتقادی آیین های خود را آزادانه انجام می دهند" را ذکر می کند، به مورد شهید شدن سرکنسول تورکیه در لوس آنجلس، کمال آریکان (Kemal Arıkan) در تاریخ 1982.01.28 پاتریک در بیانیه داده، با استفاده از اظهارات "سازش با این جنایت توسط ارامنه تورکیه مانند هر شهروند تورک با یک تاسف بزرگ" "ایستادگی ارامنه خارج در مقابل هر گونه اعمال غیر قانونی و جنایی" را دعوت کرده بود. بدین ترتیب، این ادعای پروپاگاندای ارمنی جواب لایق را از ارامنه تورکیه گرفته بود.



○ جواب های داده شده به محتوای لایحه قانون ارمنی و ادعاها

این مقاله، ارزیابی لایحه "نسل کشی ارمنی" تقدیم شده به مجلس نمایندگان آمریکا و ماده به ماده توجه کردن به خطاهای مادی موجود در لایحه را به هدف گرفته است. نویسنده، در این مقاله، بسیار مهم بودن اشتباهات داده ها و تاریخ پایه جای گرفته در این لایحه را با به میان گذاشتن معین می کند. چرا که معلومات افکار عمومی آمریکا (و دیگر کشورها) در مورد جزئیات مسئله ارمنی در سطح بسیار کمی قرار دارند و عموماً بنابر اخبار تدارک دیده شده در جهت پروپاگانداهای ارمنی است که بر روی تورکیه و انسان های آن قضاوت می کند. از طرف دیگر لایحه مورد بحث تقدیم شده به نمایندگان فرعی کمیته، آلوده به خطاهای مادی و غیر جدی از زاویه تاریخی می باشند، این لایحه به حقایق بی توجهی کرده و با منطق "هر چه به این سناتور ها بدهیم قبول می کنند" حاضر شده است. به همین دلیل، این مقاله سعی در نشان دادن معلومات دادن ناقص به افکار عمومی آمریکا و محیط های اداری آن از سوی لابی های ارمنی را دارد.

1. نسل کشی ارمنی در بین سال های 1915-1923 از طرف امپراتوری عثمانی برنامه ریزی و اجراء شد و با اخراج 2 میلیون ارمنی که 1.5 میلیون آنها (مرد، زن و کودک) کشته شده و با رانده شدن 500 هزار نفر نجات یافته از خانه هایشان، در نتیجه با تصویب کردن موجودیت 2500 ساله ارمنی از وطن مادری سرانجام یافته.

در این ماده به واقعیت رسیدن نسل کشی صوری از طرف امپراتوری عثمانی بین سال های 1915-1923، با به تبعید فرستادن 2 میلیون ارمنی، علت کشته شدن 1.5 مرد، زن و کودک ارمنی پیش رانده می شود. بعلاوه با بیرون آوردن 500.000 ارمنی در قید حیات از خانه هایشان ادعای خاتمه دادن به موجودیت 2500 ساله آنها در آناتولی پیش رانده می شود. حال اینکه در سال 1923 دولت عثمانی دیگر در صحنه تاریخ وجود ندارد. لیکن این مورد اینگونه دانسته می شود که تعداد کثیری از محققان ارمنی با در راس بودن وی. دادریان (V. Dadrian) هم در سال های 1915-1916 کشته شدن 1.5 میلیون ارمنی و تحقق نسل کشی صوری ارمنی را ادعا کرده اند. با این حال سوال چرا تا سال 1923 امتداد داشته به فکر خطور می کند. بدون شک لابی های ارمنی با گرفتن تاریخ در این فاصله زمانی، در تلاش برای مقابله با بی مجازات ماندن رد تورکیه در راه میراث را طرح ریزی کرده اند و در حال سیاه کاری دولت جمهوری تورکیه با افتراء می باشند. از طرف دیگر ارقام جای گرفته در مورد شمار ارامنه کشته شده و در قید حیات درون این لایحه بسیار گزاف و اشتباه می باشند. بنابر تخمین های سال 1914 از سوی بسیاری از محققان مستقل جمعیت ارمنی عثمانی بین 1.400.000-1.700.000 به میان گذاشته شده است. دکتر ژوهانس لپسیوس (Dr. Johannes Lepsius) که یک کشیش پرو ارمنی و محقق می باشد با کشیدن ارقام داده شده پاتریک خانه رقم 1.845.450 را نوشته بود. (1) لیکن رقم 2 میلیون نفوس در هیچ منبعی ذکر نشده (2) کشته شدن 1.5 میلیون ارمنی هم چیزی جزء یک افسانه نیست. این افسانه در تاریخ 1915.07.24 (یعنی روز 44. تهجیر) با گزارش کنسول آمریکایی هارپوت، لسلای داویس (Leslie Davis) با اظهار او در این باره در شکل "سخن گفتن از تعداد ارامنه گشته شده ممکن نیست، فقط کم نبودن آن از یک میلیون تخمین زده می شود" شروع شده بود. (3) چه برسد به اینکه نظریه پرداز ارامنه دادریان حتی از زنده بودن 1 میلیون ارمنی بحث می کند و تعداد مفقودات ارمنی را با 1.1 میلیون بودن در بسیاری از مطبوعات خود بیان می کند. در سال 1919 در طی دیدارهای پاریس، بوغوس نوبار پاشا (Bogos Nubar Paşa) مهاجرت حدوداً 600-700 هزار ارمنی را معین می کند. بعلاوه پاتریک خانه در پایان جنگ شمار کلی ارامنه موجود در آناتولی را در شکل حداقل 644.000 نفر داده است. جامعه ملل در سال 1922 شمار ارامنه عثمانی موجود در دنیا را 817.873 نفر ذکر می کند. از طرف دیگر بنابر همان سند 281.000 ارمنی موجود در تورکیه و 95.000 ارمنی که خود را مسلمان معرفی کرده اند، شامل این ارقام (مهاجرت) نمی باشند. (4) در آن حال چگونه 1.5 میلیون ارمنی می تواند کشته شده باشد. حال اینکه در یک تذکاریه فرستاده شده از طرف پاتریک خانه ارمنی به سفارت های انگلیس و فرانسه در پایان جنگ بین سال های 1914-1918 "کشته شدن 200.000 ارمنی با دفن شدن زنده زنده و یا خفه شدن در دریاچه وان، رود فرات و دریای سیاه" ادعا شده است. این تذکاریه، قبل از دیدارهای صلح پاریس در یک گزارش (5) داده شده به هیئت نمایندگی آمریکا در همان شکل منعکس شده بود. یعنی اینکه در سال 1919 پاتریک خانه ارمنی هم شمار مفقودات ارمنی را با 200 هزار بودن تخمین زده است.

2. قوای متفق در 1915.05.24 (24 مه 1915); انگلیس، فرانسه و روسیه برای اولین بار یک بیانییه مشترک که صراحتاً یک حکومت دیگر را در اعمال "جرم بر علیه بشریت" متهم می کرد منتشر کردند.

در ماده 2. لایحه با جای دادن به بیانییه قوای متفق گویا علارغم اخطار دادن به دولت عثمانی انجام پاک سازی اتنیک پیش رانده می شود و در این شکل در تلاش برای به بیدار کردن تصور امحای ارامنه با یک عملیات سیستماتیک و با برنامه از طرف دولت می باشد. البته این بیانییه منتشر شده بود اما منتشر کنندگان آن دولت هایی هستند که در آن تاریخ برای تکه تکه کردن عثمانی قرار دادهای سری انجام داده بودند. بعلاوه یکی از منتشر کنندگان بیانییه یعنی روسیه در آن تاریخ ها در کشور خود در حال انجام قتل عام بر روی یهودیان بود. لیکن انگلیس هم در حال اخراج کردن شهروندان عسبان گر آلمانی الاصل از کشور و یا فرستادن آنها به کمپ های تجمع بود. از سوی دیگر باید خاطر نشان شود که، ادعاهای بحث شده در بیانییه بر نظریات پارتی های سیاسی ارمنی متکی می باشد و تاریخ 1915.05.20

دورانی می باشد که شهر وان تماما از طرف روس ها اشغال شده و مسلمانان از طرف ارمنه به کشتار گرفته شده اند. در ثانی دولت عثمانی حتی قبل از دستگیری های 24 آوریل، رهبر دینی ارمنه، نمایندگان ارمنی مجلس و شخصیت های برجسته ارمنی را با گرفتن تدبیر در مقابل عصیان های مسلحانه ارمنه و کشتار مسلمان و همچنین تبانی آن با قوای دشمن و تخریب راه های اكمال قوای نظامی در پشت جبهه اخطار داده بود، و این اخطار و تذکر نشان دهنده عدم وجود یک پلان و برنامه مخفی می باشد، لیکن در اینجا حمله قوای متفق از شرق و غرب به عثمانی برای اشغال و تکه تکه کردن آن و تبانی ارمنه با آنها و گرفتن تدابیر دولت در این مورد مسلما هرگز نمی تواند "جرم بر علیه بشریت" تلقی شود، بلکه برعکس باید به اعمال انجام گرفته شده از طرف ارمنه که دولت عثمانی را به دادن اخطار در مورد گرفتن تدبیر مجبور کرده بود، معطوف شد.

3. در این بیانیه مشترک، "قوای متفق، آشکارا مسئول گرفته شدن تمام اعضای دولت عثمانی و در کنار آن همکاری کنندگانی که شخصا به این قتل عام ها ملحق شده اند را به باب عالی بیان می کنند" گفته شده.

همان گونه که در فوق هم معین شد این مورد یک فعالیت پروپاگاندایی متفقین می باشد. چنانکه دولت عثمانی در جواب داده، بر روی خاک های عثمانی انجام گرفتن قتل عام بر علیه ارمنه قطعاً دروغ است، گفته بود. در جواب دولت عثمانی یک نکته جزئی قابل توجه وجود دارد: منبع این اعتراف ها کنسول های موجود انگلیس و روسیه در رومانی و بلغارستان می باشند. واقعا هم دایره های پروپاگاندای سیاسی دانشکسوتیون هم در پایتخت این دو کشور بودند و تعداد زیادی از اخبار مرتبط با گزارشات قتل عام در کتاب آبی هم از این دایره ها بیرون آمده بود.

4. بعد از جنگ جهانی اول، حکومت تورک در "ارگاتیزه و اجراء" کردن نسل کشی ارمنی و اداره کنندگان درجه عالی جای گرفته در "قتل عام و امحاء ارمنه" متهم شدند.

ماده 4. لایحه بعد از جنگ قبول شدن جرم عثمانی در محکمه ها و محکوم شدن مظنونین دستگیر شده نسل کشی را ادعا می کند. مورخ مشهور آمریکایی جاستین مک کارتی (Justin McCarthy) این محکمه ها را با "محکمه های کانگورو" بودن شان ارزیابی می کند و بنا شدن محکمه ها از طرف حکومت دست نشاندۀ متفقین اشغالگرا را خاطر نشان می کند. کمیسر عالی انگلیس اس. ای. جی کالترف (S.A.G. Caltorpe) در یک گزارش نوشته به مقصد لندن، به مسخره بازی تبدیل شدن محاکمه ها و تخریب اعتبار حکومت تورک و انگلیس را معین کرده بود. (6) بنابر اظهارات موجود در اثر تهیه شده از طرف یک مورخ با نام دکتر فریدون آتا (Dr. Ferudun Ata) با اسم "محاکمه های تهجیر در اشغال استانبول، آنکارا 2005" حکومت آن دوران، برای به دست آوردن شرایط مناسب تر در کنفرانس صلح پاریس و برای انتقام گرفتن از مخالفان خود یعنی نمایندگان مجلس پارته اتحاد و ترقی این محکمه ها را بنا کرده بود. در این محکمه ها هم بازرسی ها انجام گرفته ساختگی بودند. شاهدین دروغگو، به شهادت دادن بر علیه مظنونین مجبور شده بودند. مثلاً: شخصی با مشخصات آرتولوس (Artoles) چکمه دوز در برابر مبلغ نقدی گرفته برای شهادت دادن بر علیه فرمانده ژاندارما سرگرد توفیق (Tevfik) که از دعوی تهجیر یوزگات مظنون دیده شده بود به استانبول آورده شده بود، بعد ها همان شخص بنابر تثبیت های فریدون آتا مسلمان شده و با اسم رفعت (Rifat) به کمیسیون اظهارات داده است. اثر دکتر آتا اظهارات شاهدان دروغ گوی این چینی را فاش می کند. هیچ شخصی که به لحن شاهدان بیانی بدهد به محکمه آورده نشده بود. روسای محکمه بعضاً علارغم به میان آمدن شاهدان دروغین اصلاً به روند جزائی مراجعت نکرده بودند. دکتر آتا در اثر خود تعلیمات دیدن شاهدان در "شعبه ارمنی - روم" که در کمیسرگری عالی انگلیس تشکیل شده و به محکمه فرستاده شده اند را ثابت می کند. در دوران حکومت توفیق پاشا (Tevfik Paşa) اکثریت کثیر دعوی های باز شده برای فرجام قرار محکمه هم مختل شده بود. بین آنهایی که نتیجه قرار فرجام آنها مختل شده بود متأسفانه دعوی نصرت بی (Nusret Bey) اعدام شده هم موجود بود. از طرف دیگر کمیسر انگلیسی آدمیرال کالترف شرم آور بودن این محکمه ها برای قوای متحد را گزارش کرده بود. (7) در تاریخ 1919.04.04 کمیسر عالی ایالات متحده آمریکا لوپس هک (Lewis Heck) "در شکل وسیعی، اکثر محاکمه ها را به سبب انتقام شخصی و یا انجام گرفتن آن با تحریک مسئولین دول ائتلاف خصوصاً انگلیسی ها را باور داشته" و گزارش داده بود. (8) حال بماند که با محاکمه های غیر عادلانه انگلیس که به گرفته شدن این قرار کمک کرده بود، 144 نفر از متهمان برجسته اتحادگر را با اتهامات مشابه به مالتا برده بودند، اما به دلیل عدم وجود دلیل عینی در مورد آنها نتوانسته بود آنها را به محکمه بکشاند.

5. مسئولین رژیم ژون تورک (پارته اتحاد و ترقی)، در محکمه های حکومت نظامی بنا شده، با متهم شدن به ارگاتیزه و اجراء قتل عام ها بر علیه مردم ارمنی با محاکمه شدن شان محکوم شدند.

به غیر از تثبیت های دکتر فریدون آتا که در فوق هم به آن اشاره شد، شخصیت ها و مورخانی همچون جاستین مک کارتی و گانتر لووی (Gunter Lewy) هم غیر قابل اعتماد بودن این محکمه ها، انجام نگرستن بازرسی اشخاصی که بر علیه مظنونین گواهی انجام داده اند در یک زمینه حقوقی، به دقت گرفته نشدن دفاع ها، حرکت روسای دادگاه مانند یک وکیل و داده نشدن حق دفاع به مظنون در شکل مناسب را معین کرده بودند. همانند چیزی که آقای لووی هم معین می کند در طول محاکمه ها، دادگاه هیچ شاهد (حقیقی) را نشنیده

و حکم ها تماما با نگرفته شدن جواب مدافع و با تکیه بر اظهارات شاهدان دروغین داده شده بود. کمیسر عالی ایالات متحده آمریکا لويس هک تصدیق نشدن محاکمه متهمان دادگاه یوزگات با تکیه بر "قید های محکمه لا اداری" را اظهار کرده بود. (9) بعلاوه اکثریت بزرگ به دادگاه کشیده شدگان به دلیل جرایمی همچون سوء استعمال از وظیفه خود و نافرمانی از دستورات نظامی محکوم شده بودند.

6. وزیر جنگ انور پاشا، وزیر امور داخلی طلعت پاشا و وزیر بحریه جمال پاشا که از سازمان دهندگان در راس نسل کشی ارمنی هستند به جهت اعمال جرایم به اعدام محکوم شدند، هرچند قرار محکمه ها اجرا نشد.

در محکمه های فوق العاده اشغال استانبول انور پاشا (Enver Paşa)، طلعت پاشا (Talat Paşa) و جمال پاشا (Cemal Paşa) به جهت غیبت محاکمه شده و به اعدام محکوم شده بودند. اما همانند آنچه که در متن لایحه ایما شده این سه شخص، از "سازماندهی و اجراء کردن قتل عام ها بر علیه مردم ارمنی" نه، بلکه به جهت یک جرم سیاسی مانند وارد کردن کشور به یک جنگ وحشتناک محکوم شده بودند. بعلاوه باید قید شود که، محکمه این سه شخص که از موثرترین اعضای پارتی اتحاد و ترقی در جنگ جهانی اول بودند به دلیل فراری بودن آنها غیبا انجام گرفته بود، در محکمه ها بدون نشان دادن یک دلیل عینی قرار محکومیت داده شده بود. به همین جهت لغو نشدن جزای داده شده به این مظنونین هیچ ارتباطی به بی قید ماندن بر جرم افعال و یا اعمال شده ندارد. از طرف دیگر جمال پاشا به دلیل انجام کمک ها به ارامنه تهجیر شده به سوریه حتی تقدیر ارامنه را هم کسب کرده بود، حتی لپسیوس هم از کمک های او تقدیر کرده بود. در نتیجه، این سه شخصیت تاریخی در کشور هایی که به آن فرار کرده بودند از طرف ماشه کشان یک تشکیلات مخفی ترور ارمنی با نام نمسیس (Nemesis) کشته شده بودند. از طرف دیگر این تشکیلات تروریستی ارمنی، موظفان دولت و اشخاصی همچون ساعد حلیم پاشا (Sait Halim Paşa)، بهالدین شاکر (Bahaeddin Şakir)، جمال عظمی (Cemal Azmi) را با تابع گرفتن بر عدم اجرای دادرسی کشته بود.

7. نسل کشی ارمنی و این ناموفقیت های قضایی، با دلایل پر قدرت جای گرفته در آرشیوهای ملی اطریش، فرانسه، آلمان، بریتانیای کبیر، روسیه، ایالات متحده آمریکا، واتیکان و کشورهای زیاد دیگر مستند شده است. دلایل بی شمار موجود در این اسناد، این حقایق، این حوادث و این نتایج را تصدیق می کنند.

در ماده 7. لایحه ادعا می شود که به اندازه کافی سند آرشیو در آرشیوهای اطریش، آلمان، فرانسه، انگلیس، روسیه و ایالات متحده آمریکا برای اثبات نسل کشی وجود دارد. هرچند ماتریال های موجود در آرشیوهای آمریکا بررسی شده اند و علارغم مو به مو بررسی دقیق آنها، بسیار کم بود شمار اسناد عینی در وصفی که بتوان از آنها در مورد اشخاص استفاده کرد تثبیت شده است. شمار اسنادی که محتوی اظهارات کسانی می باشند که مستقیم بر مرگ و یا قتل عام ها شاهد و گواهی داده اند بسیار کم می باشد. موارد بحث شده در گزارشات شاهدان و کنسول گری ها تمام اطلاعات قتل عام بلافاصله بر احساسات تکیه داده شده است. یک قسمت مهم از اسناد هم عبارت است از بیانیه های پاتریک خانه و دایره های پروپاگاندای سیاسی دانشناک، چنانکه درباره 144 تورک دستگیر شده حاضر در مالتا، در نتیجه بررسی های انجام گرفته در آرشیوهای آمریکا به هیچ داده عینی دسترسی نیافته بود و در نوشته ار. جی. کریگی (R.G. Craigie) به لرد جورج کرزن (Lord George Curzon) به تاریخ 1921.07.13، عدم دسترسی به یک دلیل عینی که بتواند تشکیل دلیل دهد را معین کرده بود. به همین جهت است که پیشنهاد بنای یک کمیسیون مشترک تاریخ رسما از طرف حکومت تورک به جمهوری ارمنستان و تکلیف قبول شدن نتایج بررسی رد شده است.

8. آرشیوهای ملی ایالات متحده آمریکا، در رابطه با نسل کشی ارمنی اسناد بسیار جامع و حقیقی در بنیه خود جای داده است. خصوصا در وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا اسناد دارای نمره 867.00 و 867.40 موجود در زیر گروه ثبت 59، برای استفاده افکار عمومی و موسسات مربوطه در اوزان وسیعی باز می باشند.

اسناد موجود در آرشیوهای آمریکا زیر تصنیفات مختلف جمع شده است. کلکسیونی که ارامنه عموما برای ادعاهای خود از آن به عنوان تکیه گاه استفاده کرده اند "اسناد وزارت امور خارجه" و خصوصا هم "امور داخلی تورکیه" می باشد. اکثریت کثیر این اسناد با تفاسیر دو مترجم ارمنی زیر دست سفیر هنری مورگنثاو (Henry Morgenthau) چیده شده است. اظهارات شاهدان ساختگی تدارک دیده شده از طرف دایره های پروپاگاندای سیاسی ارمنی به گزارشات مورد بحث وارد شده است. در کنار این خصوصا با پشت چشم انداختن سطرهای مرتبط با احساسات موجود در گزارشات زمان خوانده شدن این اسناد دیده خواهد شد که در مورد طرف های مثبت عملیات تهجیر حاوی اطلاعات بسیار ارزشمند می باشند. مثلا: در گزارش سرکنسول آمریکایی حلب جی جکسون (J. Jackson) رسیدن شمار ارامنه رسیده به حلب به 500.000، مسکون سازی آنها در خانه های درون و بیرون شهر، روستاها و کمپ ها، کمک های خوراک انجام گرفته از طرف جمال پاشا، اداره کمپ ها و انجام گرفتن صنف بندی آمده ها بنابر دین، مذهب و انواع وسیله انتقال دیده خواهد شد.

9. هنری مورگنثاو که بین سال های 1913-1916 سفیر ایالات متحده آمریکا در نزد امپراتوری عثمانی بود، پروتست هایی در رابطه با نسل کشی ارمنی که در بین آنها موظفان رسمی کشورهای مختلف و متفقان امپراتوری عثمانی هم حاضر بودند را سازماندهی و اداره کرد.

در ماده های 9 و 10، استفاده از کتاب تبلیغاتی مورگنثاو برای پشتیبانی ادعاهای نسل کشی در وضعیتی که از زاویه علمی انتقاد و عیب جویی خواهد شد قرار دارد. مورخ آمریکایی هیت لوری (Heath Lowry) در کتابی از خود که به آن اسم "داستان مورگنثاو" داده است، چگونگی تحریف گزارشات توسط دو مترجم ارمنی سفیر را با دلایل نشان می دهد. حال بماند که به جای اثر مورگنثاو استفاده از گزارشات فرستاده او به وزارت امور خارجه یک تقرب صحیح تر و بر اصول علمی مناسب خواهد بود. از طرف دیگر مورگنثاو حتی به آناتولی پا نگذاشته (یعنی از استانبول خارج نشده) است و شخصی می باشد که بیش از حد خود را برای دعوی ارمنی نامزد کرده. آدмирال بریستول (Amiral Bristol) که بعد از او در استانبول انجام وظیفه می کند در گزارشات خود، مورگنثاو را به طرفدار بودن و اعلام اغراق آمیز بودن اخبار قتل عام متهم کرده بود. این قناعت که اثر نوشته شده از طرف مورگنثاو برای پروپاگاندا بوده و به مورد پشتیبانی از طلب های بنای یک دولت از طرف هیئت نمایندگان ارمنی در کنفرانس صلح پاریس 1918 نوشته شده، بر محیط های علم حاکم می باشد.

10. سفیر مورگنثاو، سیاست حکومت امپراتوری عثمانی را به وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا با "صحنه نبرد امحای یک نژاد" بودن توضیح می دهد و به او از طرف وزیر امور خارجه روبرت لانسینگ (Robert Lansing) در 1915.07.16 یک تعلیمات در شکل "وزارت، برای متوقف کردن نسل کشی ارمنی... رویه شما را قبول می کند." داده شد.

این اظهارات قرار گرفته در گزارشات مورگنثاو، به چه اندازه تحت تاثیر قرار گرفتن او از مترجم و منشی خود آرشاگ شماوونیان (Arshag Schmavonian) و هاگوپ آندونیان (Hagop Andonian) را نشان می دهد. در روزهایی که مورگنثاو این تثبیت ها را انجام می داده هنوز در اکثر ایالت ها فعالیت سوق و اسکان یا شروع نشده بود و یا از چند هفته قبل شروع شده بود. نباید فراموش شود که غیر از ارضروم در بسیاری از ولایت های شرقی سوق بعد از 1915.07.01 شروع شده بود. در هارپوت سوق دادن ها در 4 ماه ژوئیه، در الازغ و تراپزون 1 ماه ژوئیه و در یوزگات سوق در 18 ماه ژوئیه شروع شده بود. یعنی، ماه ژوئیه که مورگنثاو گزارش خود را به قلم گرفته است، هنوز برای حوادثی که با "صحنه نبرد امحای یک نژاد (بیشتر منتخب)" وصف شده اند بسیار زود می باشد. این گزارش، نهایت از نظر درک میزان پیش داوری سفیر می تواند مناسب باشد. تعلیمات موضوع بحث وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا بدون شک در راستای گزارشات داده سفیر به وزارت می باشد. هنوز در یک تاریخ عنقریب دادن یک تعلیمات با آمدن قناعت وزارت ایالات متحده آمریکا بر امحای یک نژاد بودن اوزان گزارشات اغراق آمیز قتل عام هادر اصل (بدون او) ممکن نبوده.

11. در تاریخ 1916.02.09، در قرار شماره 12 قبول شده کنگره، هم در مجلس سنا و هم در مجلس نمایندگان، از رئیس ایالات متحده آمریکا توصیه شدن، "با در کمک حاضر شدن شهروندان این کشور در جمع شدن وجوه برای رفاه ارامنه گلاویز با گرسنگی، بیماری و تلخی های غیر قابل تعریف در آن تاریخ ها، جدا کردن یک روز برای بیان سمپاتی به آنها" به قرار گرفته شده بود.

این طرح پشنهای روبرت لانسینگ هم نتیجه یک فعالیت متوجه بر موجود بودن آمریکا در فعالیت کمک برای ملتجی های ارمنی حاضر در کمپ ها می باشد. به همین جهت حاضر نشدن طرح پشنهادی لانسینگ با هدف آنچه که ارامنه ادعا می کنند واضح می باشد. در واقع در نوشته فرستاده شده از سوی وزیر امور خارجه، لانسینگ به رئیس وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) در تاریخ 1916.11.21 در اصل انجام گرفتن تهجیر ارمنی به دلیل خیانت آنها ادعا شده بود. بعلاوه یک نکته دیگر که باید زیر آن خط کشید هم این است که، در آن تاریخ ها روستائی مسلمان هم از همان شرایط در اضطراب است. همانند آنچه که در کتاب "مرگ و تبعید"، جاستین مک کارتی معین کرده مفقودات مسلمانان هم نزدیک به 2.5 میلیون می باشد (صفحه 182) و اکثر آنها بر اثر گرسنگی و بیماری مسری می باشد. در کتاب "مرگ ها بر اثر بیماری های مسری 1914-1918" حکمت اوزدمیر (Hikmet Özdemir)، بنابر قیدهای بیمارستان ها حتی شمار مفقودات ارتش از بیماری های مسری 401.859 نفر می باشد.

12. رئیس جمهور وودرو، با یک قرار کنگره، در فونداسیون کمک به نجات یافتگان از نسل کشی ارمنی با داخل بودن 132.000 یتیم و بی سرپرست ارمنی که اولاد مردم آمریکا حساب می شوند. بین سال های 1915-1930 تشکیل انجمن امداد شرق نزدیک برای تامین کمک 116.000.000 دلاری را تصدیق و تشویق کرد.

مقدمتا بنای ابتدایی این انجمن در شکل "کمیته امداد به ارامنه و سریانی ها" بود و در بنای آن سفیر ایالات متحده آمریکا هنری مورگنثاو وظیفه و مسوولیت مهمی را بر عهده گرفته بود. اعضای این کمیته امداد در مناطق دور دست میسیونرها و خصوصا فقط کنسول ها بودند. مثلا هماهنگ کننده حلب کنسول جی. جکسون بود. این کمیته در سال 1919 با به زیر یک سقف گرفتن دیگر (دارایی) امدادهایی که برای همین هدف بنا شده بودند، اسم NER (امداد خاور نزدیک) را به خود گرفته بود. در این لایحه خصوص تایید نشده، کمک، تشویق و اجازه حکومت عثمانی به این موسسات امداد برای انجام کمک به ارامنه و دیگر اتباع عثمانی می باشد. در دوران شروع جنگ دولت عثمانی در کمک رسانی موسسات خارجی بر ارامنه به دلیل "امکان جسارت گرفتن آنها در مقاومت بر تهجیر" و لزوم بر طرف شدن هر نوع احتیاجات ملتجین از سوی دولت ممانعت کرده بود. اما به مورد ناکافی شدن امکانات مادی دولت با داخل

بودن این انجمن به موسسات امداد خارجی امکان تلاش بدون محدودیت داده شده بود. حتی باز شدن کمپ ها در این شکل در اصل به اندازه خود دلیل عدم اجرای سیاست امحای یک نژاد بر روی ارامنه می باشد.

13. طرح پیشنهادی شماره 359 مجلس سنا به تاریخ 1920.05.11، "گواهی های گرفته شده شاهدین به صورت بارز حقیقی بودن گزارش قتل عام ها و سائر ظلم های وارد شده بر مردم ارمنی در نشست به اجراء گذاشته شده از طرف کمیته فرعی کمیسیون روابط خارجه مجلس سنا" را اظهار می کرد.

متأسفانه در آن دوران و اکنون هم سیاست مداران آمریکایی به حوادث هر از گاهی صرفاً با چشم رای دهندگان ارمنی نگاه کردن را به حال یک عادت در آورده اند. مثل پروپاگاندای ارمنی در شکل، بقتل رسیدن ارامنه معصوم (!) توسط تورک های بربر را به قبول شدن توسط نمایندگان خود را به تلاش گرفته اند. حال بماند که حتی اگر سهمی از حقیقت در بخشی از اظهارات این شاهدین وجود دارد، یک کشور بی طرف، مراجعت کردن بر اظهارات شاهد تورک را هم باید وظیفه بداند. چنانکه ارامنه هم در آناتولی شرقی بین سال های 1914-1920 صدها هزار مسلمان تورک و کرد را به کشتار گرفته بودند. آدمیرال بریستول در طول انجام وظیفه در تورکیه به چه اندازه محصول خیالات بودن پروپاگاندای ارمنی را دیده بود. هنگام نوشتن "در حال خلاصه کردن وقایع گذشته" به تاریخ 1926.03.12 اینگونه می نویسد: "زمان پیش روی روس ها به منطقه آناتولی شرقی ارامنه و سریانی ها به صف روس ها ملحق شده بودند. در طول نخستین و دومین حرکت پیش روی روس ها، ارامنه و سریانی ها در مناطق اشغال شده از فرصت انتقام بر علیه نفوس مسلمان استفاده کرده بودند. روس ها خصوصاً بقتل رسیدن قسمت بزرگی از محله های مسلمان شهر ارضروم و اطراف آن را در طی جریان هجوم ارامنه گزارش می دهند. شاید هیچ وقت ابعاد بزرگی این جریان های هجوم اتفاق افتاده دانسته نشوند. فقط در مناطق مستقیم به جنوب که قوای ارمنی و سریانی با ارتش روس متحد شده بودند، بنابر گزارش های گرفته ام از آمریکایی ها، مسیحیان تمام نفوس مسلمان را امحا کرده بودند، آنقدر شدید که، در منطقه حتی یک سگ، گربه و مرغ زنده هم باقی نمانده بود." (10) حال چه هست که این قسمت گزارش ها از طرف نویسندگان ارمنی با دقت و در ابعادی غیر اخلاقی مخفی می شوند.

14. طرح پیشنهادی، بعد از گزارش میسیون نظامی آمریکا در نزد ارمنستان که از طرف ژنرال جیمز هاربرد (General James Harbord) اداره می شد و در آن به تاریخ 1920.04.13، "تجاوز، تخریب، شکنجه و مرگ در صدها وادی زیبای ارمنی خاطرات غیر قابل فراموش رها کرده و سیاحان آن ناحیه نمی توانند از دلایل این جرم معظم تا آن دوران خود را دور نگه دارند." نوشته و به مجلس سنا فرستاده شده بود، آمد.

ژنرال هاربرد به ضرورت وظیفه خود برای آموزاندن حقایق علارغم اینکه زمان رفتن به آناتولی شرقی یک فرد بنفع ارمنی بود هنگام دین و شنیدن مظالم انجام گرفته بر روی مسلمانان روستایی از طرف آندرانیک (Andranik) بسیار تحت تاثیر قرار گرفته بود و در گزارش خود اینها را هم نوشته بود. در کنار این مورخان ارمنی سعی می کنند از سطرهایی که از مظالم ارمنی بحث می کند طفره ببرند. چنانکه ژنرال هاربرد علارغم تمام پروپاگاندهایی که انجام گرفته بود با حاضر کردن گزارش خود به شکل "دولتی که قیومیت ارمنستان را بر عهده بگیرد، در همان زمان باید قیومیت آناتولی، روملی (بخش اروپایی امپراتوری عثمانی)، استانبول و قفقاز را هم بر روی خود بگیرد" در تغییر دیدگاه کنگره به جهت گرفتن قیومیت ارمنستان مطلق نقش مهمی بازی کرده بود.

15. همانند آنچه که نشان داده شد در موزه یادبود هولوکاست در ایالات متحده آمریکا، آدولف هیتلر، زمان دادن دستور حمله به لهستان در سال 1939 به فرماندهان خود، انتقاد متوجه بر خود را با گفتن "امروز چه کسی نسل کشی ارمنی را به خاطر دارد" بر طرف کرده بود و بر نسل کشی یهودی اقدام کرده بود.

اختفا دادن (ماده 15). لایحه با اعتبار بر حرف بی مستند نسبت داده شده به آدولف هیتلر (Adolf Hitler) کاملاً یک فریب کاری می باشد. سه شخصیت علمی ارمنی، آمریکایی و تورک، دکتر روبرت جان (Dr. ROBERT JOHN)، هیت لوری و تورک کایا آتاؤو (Türkaya Ataöv) اقتباس جاعلانه این حرف را ثابت کرده اند. در متن سخنرانی نسبت داده شده به هیتلر در نورمبرگ این اقتباس یافت نشده بود. محکمه در بین قیدهای نظامی آلمان دو نسخه پرونده سخنرانی انجام گرفته هیتلر در روز 1939.08.22 را گرفته بود. اینها شماره US-29/786 PS و US-30/1014 PS را حمل می کنند. در هر دو سند هم از ارامنه حرفی زده نشده است. متأسفانه بسیاری از اشخاص علمی علارغم ثابت کردن دروغ های مشابه ارمنی آنها را به زبان نمی آورند و از آن انتقاد نمی کنند. زیرا فاناتیک های دیاسپورای ارمنی سر دبیر مجله The Armenian Review که از یک مصاحبه کذب نسبت داده شده به آتا تورک انتقاد کرده بود را از کار اخراج کرده بودند.

16. رافائل لمکین (Raphael Lemkin) اولین کسی می باشد که در سال 1944 از کلمه نسل کشی استفاده کرده و از اولین مدافعان قطع نامه پیشگیری و مجازات نسل کشی مجمع ملل می باشد. لمکین مسئله ارمنی را یک نمونه قطعی نسل کشی متعلق به قرن 20. تعریف می کرد.

زمانی که رافائل لمکین جرم این نسل کشی را تعریف می کرد استفاده او از عبارت "امحای سیستماتیک تمام گروه های ملی، قومی و یا دینی... همانند آنچه که هیتلر بر یهودیان و تورک ها بر ارامنه انجام داداند" امروز هیچ چیزی را تجلی نمی کند. چرا که لمکین یک مورخ بی طرف برای داشتن حق قضاوت نه، بلکه حتی یک مورخ هم نبوده و تعریف حقوقی مسئله ارمنی را در راستای صاحب بودن بر اطلاعات محدود خود داده است. موجود بودن اطلاعات در دست او در راستای دیدگاه ارمنی واضح می باشد. بعلاوه تلاش های انجام گرفته از آن روز به بعد عدم تناسب عناصر جای گرفته در تعریف عملیات سوق و اسکان انجام گرفته بر ارامنه با تعریف نسل کشی را به میان می گذارد. در دورانی که لمکین تعریف خود را انجام می داد معلومات و اسناد بسیار کمی در مورد تهجیر ارمنی وجود داشته و تلاش های علمی در آخرین درجه محدودیت قرار داشتند. همچنین تعریف لمکین از نسل کشی زیر سایه حقوق توسعه یافته، رفته رفته محدود شده است. بنابر این "هر گروه نه"، بلکه فعل هایی که فقط با هدف نابودی فیزیکی و بیولوژیکی "بعضی از گروه ها" اعمال شده اند شروع به توصیف نسل کشی کرده اند. لیکن در قطعنامه نسل کشی مجمع ملل که برای اولین بار در تاریخ 1948.12.09 قبول می شود. بنابر قطعنامه به اجراء گرفته شده در سال 1951، تحقق یک تعداد از دستورالعمل های انجام عملی که با "قصد" نابود کردن قسما و یا تماما یک گروه ملی، قومی، عرقی، و یا دینی با گروه بودن آن باشند نسل کشی حساب می شود.

17. اولین قرار مرتبط با نسل کشی از طرف سازمان ملل به مورد توصیه لمکین در تاریخ 1946.12.11 قبول شد. قرار (96) مجمع عمومی سازمان ملل و قطع نامه پیشگیری و مجازات نسل کشی سازمان ملل، با قانونی سازی احکام موجود سازمان ملل با هدف پیش گیری و مجازات جرایم مشابه نسل کشی ارمنی را به عنوان یک جرم تعریف کرد.

این ادعا که ارامنه در هر لایحه بلافاصله به آن جای می دهند در کنار موثر بودن، کاملاً بی اصل می باشد. ادعای صوری "نسل کشی ارمنی" اصلاً از طرف سازمان ملل قبول نشده است. برعکس عدم فرآیند معکوس قطعنامه 1948 هم در قطعنامه و هم در انتقادهای انجام گرفته در برابر گزارش های طرفدار ارمنی که برای تقدیم شدن به سازمان ملل حاضر شده اند به زبان آورده شده است. نشست کمیته فرعی در سال 1985 قبول گزارش نسل کشی را زیر پرتوی دلایل به میان گذاشته شده بر علیه ادعای نسل کشی را رد کرده بود و به "نوت" گرفتن کفایت نشان داده بود.

18. در سال 1948 کمیسیون جنایات جنگی سازمان ملل در مورد نسل کشی ارمنی با تعریف "یکی از فعل های بر طرف کننده قطعی عبارت جنایات ضد بشریت" برای محکمه های نورمبرگ با فرض منطقی بودن استفاده کرد.

این ماده لایحه که از طرف ارامنه به صورت فشرده استفاده می شود هم بر یک تفسیر اشتباه استوار می باشد. ابتدا باید اظهار کرد که مظنونین در محکمه های نورمبرگ از جرایم انجام داده بر ضد بشریت جزا گرفته بودند. اصلاً عکس آن هم ممکن نیست چرا که تاریخ قبول قطع نامه سال 1951 می باشد. چنانکه موسسه اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون فرعی پیشگیری تبیض و حفاظت اقلیت ها در سال 1985 حوادث 1915 منطقه آناتولی شرقی امپراتوری عثمانی را بعنوان یک نسل کشی شناخته بود.

19. کمیسیون احتوای، "موجود بودن تناسب احکام ماده 230. عهدنامه صلح سور، با بیانیه دول اتفاق در سال 1915... انجام جنایت بر علیه شهروندان تورک ارمنی و رومی الاصل در خاک های تورک" را معین می کرد. به همین دلیل، این ماده، بنابر ماده های 6c و 5c قطعنامه نورمبرگ و توکیو برای یکی از زمره های "جنایات علیه بشریت" نمونه تشکیل می دهد.

همانند ماده قبلی که روشن شد محکمه های نورمبرگ، به مورد مجازات جرایم انجام گرفته در طول جنگ جهانی دوم توسط حکومت های مغلوب از طرف دول متفق بنا شده بود. دعوی این محکمه ها "دعوی نسل کشی" نیست. به همین دلیل ماده های 6c و 5c قطعنامه نورمبرگ و توکیو نمی تواند از زاویه تزه های ارمنی امثال تشکیل دهند.

20. با قبول قرار (148) مجلس نمایندگان در تاریخ 1975.04.08 "24 آوریل امسال روز ملی بیاد آوردن رفتار غیر انسانی انسان ها بر انسان ها ترتیب داده شده بود. رئیس ایالات متحده آمریکا تمام قربانیان امروز نسل کشی، خصوصاً برای بیاد آوردن ارامنه، در دعوت شهروندان آمریکا مسئول گرفته و حضور ایشان در این دعوت خواسته شده است" گفته شده بود.

مایه تاسف است که با تحت تاثیر قرار گرفتن از پروپاگاندهای ارمنی بنابر لزوم گرفته شدن این قرار روسای ایالات متحده آمریکا در ترجیح دادن اتباع عثمانی از نظر دین و قومیت که در جنگ جهانی اول به دلایل مختلفی زندگی خود را از دست داده اند می باشند و فقط برای مردگان ارمنی در روز یادبود سخنرانی انجام می دهند. موضوع سیاست کردن مردگان به سبب ریشه دینی و قومی اگر برازنده انسان ها و کشورهای متمدن نباشد واقعاً هم لازم و ضروری است. چه بماند به اینکه روسای جمهور آمریکا تا به امروز از کمله نسل کشی در سخنرانی های خود استفاده نکرده اند. این یک طرز تقرب به جا افتاده می باشد. زیرا در اثری که با نام "کوچ اجباری ارامنه 1915-1917" تحقق حادثه ها در چه شرایطی را به موضوع گرفته، در شکل واضحی عدم اجرای یک طرح نابود سازی سیستماتیک و با برنامه (منظم) بودن سوق و اسکان اثبات شده است. این اثر خصوصاً بر گزارشات کنسول و میسیونر های خارجی استناد می کند.

21. رئیس جمهور رونالد ریگان (Ronald Reagan) قسما در بیانات شماره 4838 بر افکار عمومی در تاریخ 1981.04.22 لزوم فراموش نکردن درس های گرفته شده از نسل کش ارمنی، نسل کشی کامبوج و نسل کشی یهودی را معین می کند.

این مورد که ارامنه در ایالات متحده آمریکا دارای یک فعالیت قدرتمند لابی گری هستند معلوم می باشد. بعلاوه زندگی کردن شمار زیادی ارمنی در ایالات های بستون، ماساچوستز و کالیفرنیا سناتورهای موجود در اینجا را به نگاه گرم داشتن بر تزه های ارمنی سوق می دهد. رئیس جمهوران هم از سیاستمداران بی تفاوت نیستند و نمی توانند تقاضای توده های رای دهنده را پشت چشم قرار دهند. از طرف دیگر نویسنده سخرانی رونالد ریگان یک شهروند ایالات متحده آمریکایی ارمنی الاصل می باشد. از این رو اعلام کردن رونالد ریگان در باور بر ادعای نسل کشی بنابر نظر شخصی وی هیچ شگفتی ایجاد نمی کند.

22. با قبول قرار (247) مجلس نمایندگان در تاریخ 1974.09.10 "24 آوریل امسال روز ملی بیاد آوردن رفتار غیر انسانی انسان ها بر انسان ها ترتیب داده شده بود. رئیس ایالات متحده آمریکا تمام قربانیان امروز نسل کشی، خصوصا برای بیاد آوردن 1.5 میلیون ارمنی، در دعوت شهروندان آمریکا مسئول گرفته و حضور ایشان در این دعوت خواسته شده است" گفته شده بود.

حتی اگر همچنین قراری گرفته شده باشد هم رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در راستای این طلب قبول کردن و بخاطر آوردن 24 آوریل "روز نسل کشی ارمنی" را رد کرده بود. قرار مجلس نمایندگان البته قراری در وصف قرار سیاسی می باشد و صحیح بودن و نبودن آن صاحبان امضاء بسیار کمی را علاقه مند می کند.

23. در ماه آگوست 1985، کمیسیون فرعی پیشگیری تبعیض و حفاظت اقلیت های سازمان ملل با رای 14/1، گزارش یک تلاش با نام "مسئله پیشگیری جرم نسل کشی و مجازات آن" را قبول کرد. در این گزارش انحراف گرایی نازی تنها نسل کشی قرن 20. نیست. در بین نمونه های دیگر "قتل عام ارامنه امپراتوری عثمانی در 1915-1916" می تواند بین نمونه های نشان داده شده وارد شود، گفته شده بود.

لیکن جدی ترین دروغ لایحه گزارش قبول یک گزارش از طرف کمیته حقوق بشر سازمان ملل مبنی بر بقتل رسیدن ارامنه عثمانی در بین سالهای 1915-1916 می باشد. این گزارش که با عنوان گزارش آقای ویتکر (Mr. Whitaker) حاضر شده در کمیته فرعی قبول نشده است. کاملا بر عکس کمیته با پاک کردن کلمه "گرفته شد" (11) از طرح گزارش تسلیم شده آن را رد کرده، بجای آن در شکل "نوت گرفته شد" به گزارش خاص (12) منعکس کرده بود. متاسفانه این دروغ دمدار حتی در جلسات علمی هم خود را نشان می دهد. بعلاوه طرح با 10 رای موافق، 6 رای مخالف و 6 رای غیر صریح به کمیته حقوق بشر تقدیم نشده بود. زمان سیر دیپلماتیک و حقوقی گزارش آقای ویتکر قبول نشده بلکه "نوت" شده و انتقال آن به تشکیلات قرار عالی تر رد شده بود.

24. در این گزارش "بنابر اظهار تعدادی شاهد و صلاحیت دار مستقل احتمالا بیش از 1 میلیون نفر که نیمی از نفوس ارمنی را تشکیل می داده کشته شده و یا در شرایط مرگ آور تهجیر شده اند" گفته شده. این وضعیت را، گزارشات موجود در آرشیوهای ایالات متحده آمریکا، آلمان، انگلیس و با داخل بودن دیپلمات های آلمان متفق امپراتوری عثمانی در آن دوران هم تصدیق می کنند.

بسیار واضح است که آقای ویتکر گزارش خود را در راستای دیدگاه مورخان ارمنی حاضر کرده است. چنانکه در نشست کمیته فرعی حتی نماینده ایالات متحده آمریکا آقای کری (Mr. Carey) "مورد توجه قرار نگرفتن تمام منابع موجود و بررسی نشدن این مسئله در یک شکل دقیق تا عمق... مسئله نسل کشی به اندازه کافی با دقت به دست گرفته نشده است." گفته و در همان نشست کمیته نماینده فرانسه آقای ژوینت (Mr. Joinet) هم "بحث موجود در مورد گزارش آقای ویتکر در اصل یک بحث در مورد تاریخ است." گفته بود. چنانکه در توضیح ماده 1. هم عبارت بودن رقم 1 میلیون از یک شایعه و در روزهای اول تهجیر و قرار گرفتن آن در راس اخبار کذب، معین شده است.

25. شورای یادبود نسل کشی ایالات متحده آمریکا (تشکل یک فدرال مستقل) با هم رای در تاریخ 1981.04.30 جا دادن به نسل کشی ارمنی در موزه خود را به قرار گذاشتند و از آن روز به بعد هم جای داده اند.

گرفته شدن این قرار از طرف مسئولین موزه زیر فشار و با پروپاگاندای ارمنی نمی تواند به عنوان یک قرار اعاده دهند و یا تغییر دهنده "افسانه نسل کشی" به حقیقت ارزیابی شود.

26. بنابر دیوان تمیز منطقه کلمبیای ایالات متحده آمریکا در سال 1993 اسناد به میان گذاشته شده موجود در رابطه با نسل کشی ارمنی با ادعای مرتبط با مبهم بودن آن به دلیل عدم تناسب با سیاست بلند مدت ایالات متحده آمریکا برگشت داده شد.

این قرار هم مانند هر قرار گرفته شده با عدم گرفته شدن دیدگاه طرف تورک درباره حوادث تاریخی فاقد تابع گری می باشد. این قرار ها و موارد مشابه در پرتوی داده های تک طرفانه به میان گذاشته شده از سوی مورخان ارمنی گرفته می شوند.

27. در تاریخ 1996.06.05 مجلس نمایندگان در رابطه با کمک و تجارت بین المللی خارج با انجام تغییر در قانون 3540، به اندازه ای که حکومت تورکیه نسل کشی ارمنی را بشناسد و قربانیان آن را عذمتند کند قرار قطع یک سهم 3 میلیون دلاری در کمک های انجام گرفته به تورکیه گرفته شد.

باز این قرار هم، زیر سایه فعالیت های پروپاگاندای لابی موثر ارمنی در مجلس نمایندگان گرفته شده است. متأسفانه سیاستمداران علاقه ای به حقیقت ندارند، حتی در موضوعاتی که صاحب آگاهی بسیار محدودی هستند هم با نگرانی رای در حال انجام حرکت های طرفدارانه می باشند. در واقع تورکیه هم به اندازه ای که هیچ کمک آمده با شرط قبول یک ادعای نسل کشی ثابت نشده دارای یک سیاست قطعی (نفی اقتراء) می باشد.

28. رئیس جمهور ویلیام جفرسون کلینتون (William Jefferson Clinton) در تاریخ 1998.04.24، "امسال هم همانند آنچه که در گذشته بود یکی از مغموم ترین قسمت های تاریخ ارمنه آمریکا را بخاطر خواهیم آورد. این بخاطر آوری، برای 1.5 میلیون ارمنی می باشد که بین سال های 1915-1923 از وطن خود اخراج و قتل عام شده اند انجام خواهد گرفت" گفته بود.

همانند آنچه که دیده شد رئیس جمهور کلینتون هم از قتل عام و تهجیر حرف می زند اما تراژدی تحقق یافته را به عنوان یک "نسل کشی" تعریف نمی کند. نسل کشی یک جرم که در چارچوب حقوقی کشیده شده است می باشد و شرایط آن با قطعنامه 1948 سازمان ملل به میان گذاشته شده است. رئیس جمهور کلینتون با دانستن عدم وجود هر قراری که از نظر حقوقی تحقق وقایع ارمنی را به عنوان نسل کشی بشناسد از کلمه "نسل کشی" استفاده نمی کند. چه بماند به اینکه قتل عام و نسل کشی از نظر حقوقی دو کلمه بسیار متفاوت می باشند. قتل عام حادثه ای می باشد که در هر زمان و در هر مکان در هر جامعه می تواند دیده شود.

29. لیکن رئیس جمهور جورج دبلیو بوش (George W. Bush) در تاریخ 2004.04.24، "امروز به یکی از تراژدگی های وحشتناک رخ داده در قرن 20. میان خواهیم داد. با هدف بیاد آوردن 1.5 میلیون ارمنی که با کوچ اجباری بقتل رسیده اند در حالت احترام قرار داریم" گفت.

باز هم وقایع اتفاق افتاده در ایجا به عنوان یک تراژدی توصیف شده اند. در حالت احترام قرار گرفتن بر قربانیان جنگ وظیفه انسانی هر انسانی می باشد. لیکن ادعای لایحه ارمنی از ابتدا تا به اینجا تلاش می کند حوادث را به عنوان توصیف نسل کشی نشان دهد. حتی از نظر حقوقی عدم تعریف روسای دولت ایالات متحده آمریکا از حوادث به عنوان "نسل کشی" در اصل متناقض بودن این لایحه از اول تا آخر را به میان می گذارد.

30. به رغم شناخت و قبول نسل کشی ارمنی در میدان های بین المللی عدم موفقیت قدرت های بومی و بین المللی در مجازات نسل کشی دلیلی بر احتمال نسل کشی های مشابه و امکان آن در آینده می باشد و شناخت نسل کش ارمنی برای پیشگیری نسل کشی های آینده تنها راه حل می باشد.

متأسفانه آنهایی این حرف ها را می زنند و گویا تلاش می کنند آرزوهای ذیفع قومی خود را آرمانی برای دنیا کنند، در تاریخ 1992.02.26 در خوجالی یک کشتار انجام داده، 180.000 تورک آذربایجانی از قره باغ مهاجرت کرده و با اشغال 20% از خاک های آذربایجان بیش از یک میلیون انسان را در وضعیت کوچ اجباری قرار داده اند. این انسان ها هنوز هم با گفتن "حتی وطنی برای مردن نداریم" در شرایطی سفیل درون خانه های غیر بهداشتی تخصیص داده شده از طرف حکومت زندگی می کنند. آذربایجانی ها معامله انجام شده بر روی خود را به عنوان یک نسل کشی توصیف می کنند. یعنی آنهایی که انجام نسل کشی بر روی خود را ادعا می کنند در حال انجام دادن نسل کشی می باشند. با این حال عدم مانع شدن لایحه، بر مطالبیم ارمنی و کشتار خوجالی انسان را به فکر فرو می برد.

1) Der Todesgang des Armenischen Volkes, Potsdam 1919, s. 308

2) Bkz. H. Özdemir ve diğ. Ermeniler: Sürgün ve Göç, Ankara, 2004, s. 49-50

3) NARA 867.4016/269

4) NARA 867.4016/816

5) Report Presented to the Preliminary Peace Conference by the Commission

on the Responsibility of the Authors of the war and on the Enforcement of Penalties, March 29, 1919

6) FO 371/4174/118377

7) FO 371/4173/61185'den naklen Gunther Lewy

8) NARA 867.00/868; M353, roll 7, fr. 448

9) NARA 867.00/81'den naklen Gunther Lewy

10) NARA 767.90g15

11) Dosya E/CN.4/1986/5-E/CN.4/Sub.2/1985/57; Para.57

12) E/CN.4/1986/5 E/CN.4/Sub.2/1985/57 savfa 99. para 1



مقالات و بعضی موضوعات مرتبط

○ ماهیت ادعای نسل کشی صوری ارمنی

"...لیکن چگونه که خشخاش ماده خام اعتیاد به مواد مخدر است، تاریخ هم ماده خام حرکات رادیکال، ملی گرایی قومی و ایدئولوژی ها می باشد... اگر برای هدف یک گذشته مناسب وجود ندارد، این مورد هر زمان می تواند ایجاد شود. ماضی مشروع سازی می شود و برای زمان حال که چیز زیادی برای تمدح ندارد یک پس زمینه افتخار آمیز تقدیم می کند..." اریک هابسباوم (Eric Hobsbawm)

"تحریف تاریخ اولین شرط ملت شدن است." ارنست رنان (Ernest Renan) (1)

با آمدن به مسئله ارمنی؛ پروپاگاندای ارمنی تلاش می کند با اسنادی از نوع، "اسناد آندونیان" حقایق را مخفی نگه دارد، با ادعای ماندن ارامنه در معرض قتل عام درون اذهان ابرهای استقهام (?) تشکیل می شوند.

در حقیقت تمام تقلابهای ارمنی برای فراموش کردن "قتل عام تورک ها" توسط پارتیزان های خونخوار ارمنی می باشد. امروز در شرق و جنوب شرقی آناتولی مزارهای دست جمعی متعلق به مسلمانان که از طرف ارامنه به قتل رسیده اند، در مقابل چشمان افکار عمومی جهان به نمایش گذاشته شده است. معلوم نیست چه تعداد از آنها یافته و نمایش داده شدن در موزه های نسل کشی را انتظار می کشند.

هر چقدر هم روزهای سپاه به فراموشی گرفته شود باز هم در ذهن ها پاک نمی شوند. در کنار کمیته های ارمنی مجرم اصلی دولت های امپریالسمیت که ارامنه را تحریک و قریب داده اند می باشند. امروز اجراء شدن جنگ ها در جبهه ها نه، بلکه در پشت جبهه ها یک حقیقت است. جبهه ای که روس ها در آناتولی شرقی باز کرده بودند هم چنین جبهه ای بود. (2)

قدرت امپراتوری روس در جنگ روس - عثمانی 1877-1878 با مغلوب کردن کامل عثمانی ها یکی از فاکتورهای تغذیه کننده جدا گرایی ارمنی شده بود. هر چه باشد انتظار می رفت که روس ها تورک ها را مغلوب کرده و تمام شرق آناتولی را ضبط کنند. بعد از بنای یک حکومت مسیحی در شرق (آناتولی) به حل شدن مسئله بنای یک ارمنستان مستقل اعتقاد پیدا شده بود.

در بین ارامنه، خصوصا نسل جوان، شهری ها و پایا (کشیش) های ارمنی احساسات قومی شروع به رشد مشهودی کرده بود. این احساسات در اکثر مواقع به صورت تعجب آوری در شکل واضح اظهار می شد.

خود پاتریک ارمنی استانبول، بسیار آشکار، "تجزیه عثمانی و تشکیل یک ارمنستان" را پشتیبانی می کرد. (3)

در دوران شروع مقدمات جنگ جهانی اول حکومت روس به ارامنه با وعده بنای یک ارمنستان مستقل بعد از جنگ جسارت داده بود. (4) کنگره ملی ارمنی که در فوریه 1915 در تقیلس ترتیب داده شده بود و تمام ارامنه را شامل می شد، بنابر توضیحات آن، تشکیلات داشناک، با هدف مسلح کردن ارامنه تورکیه و عصیان کردن آنها در زمان مناسب از حکومت روس 200 هزار روبل کمک گرفته بود. (5) در چنین وضعیتی روس ها، در صورت وارد شدن به جنگ با دولت عثمانی از گرفتن حمایت ارامنه مطمئن هستند. همان وضعیت در کنار روسیه در مورد سایر دولت های ائتلاف هم معتبر می باشد. زیرا، خصوصا، بعضی از ارامنه در آناتولی شرقی قبل تر دفعات کثیری با تحریکات آنها عصیان ها کرده بودند.

همراه با شروع جنگ جهانی اول، خصوصا، تشکیلات های ارمنی خارج از تورکیه، ارامنه را بر علیه دولت عثمانی به جنگ در کنار دولت های ائتلاف دعوت کردند. ارامنه با موافقت کردن بر این دعوت ها هم به ارتش های ائتلاف ملحق شدند و هم در آناتولی شرقی که از دفاع شدن محروم مانده بود با به میان آوردن عصیان ها وارد قتل عام مسلمانان شده بودند.

حکومت عثمانی ابتدا پوشاندن عصیان ها با تدابیر منطقه ای و ماندن در دفاع را ترجیح داده بود. در این میان پاتریک ارمنی استانبول را برای تامین آسایش در طول جنگ و کمبود ژاندارما در تعداد ضروری و به همین دلایل در صورت به میان آمدن اختشاش توسط ارامنه، "با هدف تامین کردن دفاع از کشور در اجبار گرفتن تدابیر سخت خواهد بود"، توجیح کرده بود. نمایندگان ارمنی موجود در مجلس عثمانی هم در همان شکل از جانب توسعه عصیان های مسلحانه و کشتار مردم مسلمان اخطار گرفته بودند. (6)

دولت خود را در نشان دادن تحمل به این اندازه ذیحق می دید. زیرا، ارامنه را در بین تبعه مسیحی صادق ترین اتباع قبول کرده بود. هر چه باشد، این تفکر دارای حسن نیت و به رغم انجام گرفتن تمام این اخطارها، کمیته چی ها در ادامه دادن فعالیت های خود در شکلی نادیده مقرر بودند. (7)

اگر ارتش یک دولت در حال جنگ در جبهه است و اتباع همان دولت با انجام تبانی با کشورهای طرف جنگ وارد فعالیت ها شده اند بنابر حقوق دولت ها این یک "خیانت" حساب می شود.

در چنین وضعیتی با هدف ممانعت از رسیدن تخریب بیشتر به پشت جبهه ارتش تورک، در آن منطقه برای بیرون آوردن عناصر مخرب از میدان های حرکت و از مناطق خطرناک داخل کشور با قانون تهجیر در شرق و جنوب شرقی آناتولی مردمی که بر علیه دولت وارد حرکت شده بودند، از منطقه دور شدند. با این قانون همانند چیزی که ارامنه ادعا می کنند بقتل رساندن آنها نه، بلکه مسکون سازی آنها در جایی دیگر بدور از تحریک و تبانی با دشمن هدف گرفته شده بود. (8)

اما مراجعت اجباری حکومت عثمانی به تدبیر تغییر مکان (تهجیر) در مناطق نظامی بعد از عصیان عمومی ارامنه (خصوصا در مناطق اشغالی) هر زمان سعی شده که به افکار عمومی جهان با منظره قتل عام نشان داده شود. (9)

در بسیاری از کتاب های تاریخ، فقط از بیرون آوردن ارامنه به کوچ اجباری توسط عثمانی حرف زده می شود. حوادث تاریخی، زمانی که با جدا شدن از گذشته خود به دست گرفته می شوند، قرار بیرون آوردن ارامنه به کوچ اجباری مغایر عقل شده و تنها مانند یک قرار گرفته شده بنابر نفرت حس شده از یک اقلیت دیده می شود.

در اصل، از تاریخچه وقایع بالکان ها و قفقاز، عثمانی ها، در آناتولی شرقی از عصیان شبه ناسیونالیسم (یک اقلیت قریب خورده) و از استیلا روس در اجبار منتظر ماندن بر چه چیزها را تجربه کرده بودند. در بلغارستان، در یونان و در مقدونیه، همان دوران با کشتار و تبعید تورک ها و مسلمانان به سرانجام رسیده بود.

آیا عثمانی ها می توانستند بر تحقق ارمنستان از خزر تا مدیترانه که به روسیه الحاق خواهد شد و در این صورت پاک سازی مسلمانان منطقه را به همراه خواهد داشت چشم بسته و در انتظار آن باشند؟ از 100 سال قبل روس ها به زور با جدا و دور ساختن مسلمانان از وطن هایشان روسیه به جنوب وسعت یافته و ایستاده بود.

تورک های کریمه (اوکراین)، چین ها و چرکس های قفقاز شمالی به زور کوچ داده شده بودند. در قفقاز جنوبی تورک های آذربایجان از وطن شان دور ساخته شده و ارامنه توسط روس ها سکونت داده می شدند. در سال 1915 روس ها یک بار دیگر هم مستقیم وارد توسعه طلبی به جنوب (مدیترانه) شده بودند.

توده های آشوب گر ارمنی در آن زمان حرکت عصیان را در کل (مناطق اشغالی) آناتولی شرقی شروع کرده و روستاهای مسلمانان به کشتار گرفته شده بودند و حتی شهر وان هم به دست ارامنه افتاده بود. مسلمانان شرق، در وضعیت استیلا روس، آیا می توانستند در انتظار آمدن چه مصیبتی بر سرشان باشند؟ مصیبت هایی که بر سر تورک های بلغارستان، یونان و مقدونیه آمد.

حکومت عثمانی، نمی توانست بر درس های داده شده تاریخ عثمانی بی تکلیف بماند. درون تمام وقایع تاریخی، کوچ اجباری ارامنه عثمانی بر عقل مناسب دیده می شد. گفتن این، نمی تواند بیرون آوردن ها به کوچ اجباری را از زاویه اخلاقی مناسب جلوه دهد؛ در جنگ جهانی اول اعمال تمام طرف ها چنان خصوصیات غیر انسانی نشان می دهد که، هیچ کدام از آنها، در وضعیت انداختن سنگ اول نیستند. هر چه باشد، زمان بررسی تاریخچه کوچ های اجباری و تلفات مرگ آور تورک ها و سایر مسلمانان، با بودن یک قسمت از مرحله تاریخی می توانیم توضیح کوچ دادن اجباری ارامنه را پیدا کنیم. (10)

بسیار خوب، آیا نمونه های سوق و اسکان اجباری در دیگر کشورها وجود ندارند؟

نمونه های زیادی که نشان دهنده مراجعت بسیاری از دولت های بزرگ به کوچ اجباری می باشد وجود دارد و بعضی دولت ها در مقابل محاصره شرایط جنگی قسمتی از شهروندان خود را به کوچ اجباری تابع کرده اند. به بعضی از این نمونه ها نگاهی کنیم:

اعتبارا از سال 301 به مورد قبول مسیحیت از طرف ارامنه، ساسانیان برای محافظت از زرتشتی گری و رومیان هم برای اینکه ارامنه مسیحیت را پسندیده بودند به آنها فشارهای بزرگی وارد کرده بودند و شاپور دوم بعد از تخریب و به آتش زدن شهرهای زیادی حدود 70.000 هزار ارمنی را به پارت تبعید کرده بود.

در آخرین ربع قرن پنجم، در نتیجه حجیم شدن جنگ های دینی ایران بر روی ارامنه، منطقه برای تمیز شدن از ارامنه به دور کردن عایله های دره دار و رؤسای ارمنی دست زده بود و به جای آنها ماموران بیزانس مسکون گشته و ارامنه به تراکیا رانده شده و به جای آنها دیگران آورده شده بودند.

تا اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی امپراتور بیزانس موریس (Maurice) به این فعالیت های تبعیدی ادامه داده بود.

با مغلوبیت امپراتوری ساسانی در بین سال های 639-640 و پیش روی اعراب تا حدود نخجوان، آنها دوین را در 642 به دست گرفته و 35.000 ارمنی را تبعید کرده بودند.

اعتبار از اوایل قرن هشتم میلادی که اعراب حاکم شده بودند و منطقه از سوی والی های عرب اداره می شد، غوغاهای مابین بیزانس خاتمه یافته بود. (11)

امپراتور بیزانس بازیلوس دوم (II. Basileios)، از حرکات عصیان گرانه پرنس های ارمنی در منطقه آناتولی شرقی که جبهه مهمی را در مجادله های امپراتوری با دولت های مسلمان تشکیل می داد، استقبال مثبتی نکرده بود. به همین دلیل، بازیلوس با هدف الحاق مستقیم تصرفات ارمنی موضوع بحث به امپراتوری بیزانس با یک ارتش قوی و انبوه وارد حرکت شده و به آناتولی شرقی آمده، بعد از اعلام الحاق شدن وان، 40.000 ارمنی ساکن منطقه را تبعید می کند. (12)

در طول استیلا مغول تعداد زیادی ارمنی در حالی که به کازان و آستاراخان برده می شدند، هلاک و خان یک قسم از ارامنه را به حلب، حمص، حماة و شام برای اشتراک در جنگ در سال 1250 به سوریه برده بود.

در حالی که دولت عثمانی به صحنه مدنیت وارد می شد، در اروپا و یا در جایی که اروپایی ها به آنجا می رفتند، بین قرن های 13-16 با جنگ های دین و مذهب و یا قتل عام مشغول می شدند؛ صلیبیون در طول اشغال فلسطین زمانی که مسلمانان را از زیر شمشیر می گذرانند، در اسپانیا زمانی که دهشت تحقیقات وابسته به دادگاه تفتیش عقاید (inquisitional) و کشتار اعراب ادامه داشت، در فرانسه هم با فرمان پادشاه، پروتستان ها به قتل می رسیدند، موسویان اسپانیا و ایتالیا، از ظلم و دهشت اروپا به دولت عثمانی که محل زندگی ادیان با آزادی بود پناه آورده بودند و در اطراف استانبول، سلانیک و دریاچه تیسیریا مسکون شده بودند (سال 1492).

در طول جنگ مابین ایران و عثمانی در سال 1746، ایرانی ها، با هدف خالی کردن پیش روی ارتش، 24.000 ارمنی را به داخل ایران رانده بودند و قسمتی از آنها در راه ها تلف شده بودند. در حالی که جنگ ادامه داشت یک قسم از آنها به کریمه، لهستان و شمال دریای خزر مهاجرت کرده بودند. در سال 1778 حدود 75.000 عایله ارمنی ساکن کریمه به استپ ها تبعید شده و اکثر آنها از سرما تلف شده بودند.

ارامنه و حامیان غربی آنها که ادعای بقتل رسیدن 1.5 میلیون ارمنی (I) توسط دولت عثمانی در جنگ جهانی اول و به زور مسلمان کردن 1 میلیون ارمنی را پیش می رانند، ندیدن کشتار واقعی بیش از 1 میلیون مسلمان (جداگانه) در جغرافیای آناتولی (13) و آذربایجان (14) و در همان تعداد مهاجرت اجباری تورک ها را ترجیح می دهند.

انگلیسی ها که یکی از حامیان ارامنه بودند، زمان اشغال سودان، از محو کردن ریشه هر کسی که دست به سلاح برده بود، در بین سال های 1849-1851 در ایرلند با خارج کردن مواد غذایی از مرگ 400.000 انسان در نتیجه گرسنگی و در بین سالهای 1841-1911 در همان ایرلند زمانی که شمار نفوس از 8.196.597 به 4.381.951 تنزل یافته بود، بین سال های 1846-1848 از ترک کردن 3 میلیون ایرلندی به گرسنگی کشیدن و در اشغال 100 ساله هندوستان توسط مسیحیان از به قتل رساندن صدها هزار هندی نتوانسته بودند خود را ننگه دارند.

باز فرانسه که وظیفه محاظت از ارامنه را بر عهده داشت، در آفریقای شمالی زمان مجادله های استقلال الجزایر و تونس از قتل عام بیش از 1 میلیون مسلمان عقب نماده بود. در همان شکل پشتیبان، تحریک کننده و به پیش ران ارامنه یعنی روسیه، لیکن در 1878 و جنگ جهانی دوم صدها هزار تورک کریمه را به سیبری تبعید کرده بود، در طول جنگ جهانی اول هم صدها هزار مسلمان را به جنوب رانده و بعد از انقلاب هم 3 میلیون انسان را تبعید و فدای رژیم جهان خوار کمونیسم کرده بود. (15)

یک نمونه دیگر؛ حکومت رادیکال سوسیالیست فرانسه، با بیرون آوردن مردم آلساز که آلمانی صحبت کرده و در مرز فرانسه آلمان زندگی می کردند در زمستان 1939-1940 از خط شرق ماژینو گرفته و به جنوب غربی فرانسه، خصوصا به دوردوگن نقل کرده بود. در همان شکل حکومت آمریکا هم بعد از ترتیب داده شدن حمله Pearl Harbour شهروندان آمریکایی ژاپنی الاصل را از مناطق آرام به وادی می سی سی پی کوچ داده و تا اواخر جنگ جهانی دوم آنها را در کمپ های جمعی نگه داشته بود. (16)

رساندن نمونه ها به صدها ممکن است. در حالی که هر کدام از این دهشت ها ضرورت تحقیق صدها صفحه ای را دارند و گویا فراموش شده اند، آنهایی که از افسانه خیالی "نسل کشی ارمنی" حرف می زنند و ترجیح می دهند که کشتار بیش از 1 میلیون مسلمان توسط ارامنه در آناتولی را نبینند این رفتار آنها بر روی تورکیه با توضیح اعمال امپریالیستی یک نتیجه به جا خواهد بود.

بنابر گزارش فرستاده شده توسط وزیر خارجه اسبق عثمانی گابریل نوراندوکیان (Gabriel Norandukyan) ارمنی به کمیسیون ثانوی کنفرانس لوزان به لحن ارامنه در طول تهجیر از ارامنه آناتولی به مورد مهاجرت 345 هزار نفر به قفقاز، 140 هزار نفر به سوریه، 120 هزار نفر به یونان و جزایر اژه، 40 هزار نفر به بلغارستان، و 50 هزار نفر به ایران، جمعا 695 هزار ارمنی از آناتولی مهاجرت کرده بودند.

یک ارمنی دیگر با اسم پروفسور دکتر ریچارد هووانیسیان (Prof. Dr. Richard Hovannisian) لیکن غیر از سوریه در کشورهای عربی مهاجرت 50 هزار ارمنی به لبنان، 10 هزار به اردن، 40 هزار به مصر، 25 هزار به عراق و 35 هزار ارمنی را هم به فرانسه و آمریکا قید می کند.

با این وضعیت در طول اجراء تهجیر کلا 855 هزار ارمنی بر مهاجرت تابع شده بودند. با تفریق کردن عدد 855 هزار از شمار نفوس ارمنه عثمانی که از سرشمار رسمی سال 1914 حاصل می شود و رقم آن 1.221.855 می باشد، باقی مانده 367 هزار نفر می شود.

نفوس ارمنی تابع گرفته نشده به تغییر مکان در استانبول 82.880، در بورسا 60.119، در سنجق کوتاهیا 4.548 و در ولایت آیدین هم 20.237 نفر، جمعا 167 هزار ارمنی می باشد. باز با تفریق کردن عدد 167 هزار از 367 هزار باقی مانده چیزی در حدود 200 هزار نفر می شود که این رقم هم میزان اغراق آمیز بودن ادعای کشتار 1.5 میلیون ارمنی از طرف لابی های ارمنی را نشان می دهد.

زمان نگاه کردن به موضوع از زاویه مفقودات نظامی دولت عثمانی، در دورانی که شامل سال های 1915-1918 می باشد در جبهه ها و پشت جبهه ها این تابلو بیرون می آید: 400 هزار زخمی، 240 هزار شهید به دلیل بیماری، 35 هزار شهید و زخمی به دلیل ناکافی بودن تامین رسیدگی و 50 هزار شهید در میدان جنگ (17)

امروز، هر شخص بی طرف و فاقد ذهنیت مسموم شده با پیش داوری می داند که، در مکان هایی که جنگ جهانی اول جریان داشت، ارمنه (در ادعا قربانیان) جلا دمسلمانان شده بودند. کشتار واقعی توسط این دسته های داوطلب پارتیزان ارمنی که زیر امر روس ها و فرانسویان بودند انجام یافته، شهرها و روستاهای آباد مانده از قدیم، از طرف این دسته های غارتگر، واندال و سفاک ارمنی در نتیجه حملات به خرابه ها تبدیل شده و پلان نابود سازی مردم مسلمان در شکلی بی رحمانه پیش رانده شده بود.

این جنایات تنها در ولایت های تورک نشین استیلا شده اعمال نشده بودند، طوفان تخریب و به آتش کشاندن تا به امروز هم در آذربایجان ادامه دارد. به غیر از آناتولی شرقی که زیر فشار دشمن ظالم له می شد، تا آخرین حوادث مناطقی مانند: کل باتوم، آرتوین، آجارا، هزور، مارادیت، ماچاخل و اطراف آنها، زیر نگاه های بی قید ماذون های رسمی روس بر اعمال جنایت کارانه وحشتناک و غیر قابل تصور ارمنه صحنه شده بود. (18)

همانند چیزی که دیده می شود بر این حوادث اهتمام نشده و جنایات ارمنی برای مال شدن بر ملت تورک به پرده گرفتن و اختفا شدن آن تلاش شده. خصوصا، متعاقب جنگ جهانی اول، در دوران اشغال استانبول از طرف دولت های ائتلاف هم ادعای "قتل عام ارمنی" ثابت نشده بود، آرشیوهای آمریکا را که آن را با آخرین امید هایشان بغل کرده بودند هم در این موضوع به آنها هیچ نتیجه ای نداده بود، بدین ترتیب از زاویه حقوقی، ادعای "قتل عام ارمنی" در آن تاریخ ها (1920) فرو ریخته بود. (19) در رابطه با این موضوع به بعضی از نمونه ها نگاه کنیم:

اولین سفیر ایالات متحده آمریکا در تورکیه آمرال مارک لامبرد بریستول (Amiral Mark Lambert Bristol) در سال 1921 به وزارت امور خارجه آمریکا در ارتباط با ارمنه یک نامه تاریخی پر از اعترافات می فرستد... این نامه در آرشیوهای کتابخانه کنگره می باشد، در نامه تاریخی نوشته شده به وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا جیمز بارتون (James Barton) در تاریخ 1921.03.28، سفیر بریستول، در حقیقت از کشته شدن تورک ها و کردها توسط ارمنه که ادعای کشته شدن آنها پیش رانده می شود بحث می کند.

بریستول که بعد از 1919 تا سال 1927 در تورکیه مانده است، یکی از اشخاصی می باشد که، از نزدیک شاهد بودن آن بر تاریخ جمهوری تورکیه قبول می شود. در سال 1921 بریستول، در نامه نوشته به بارتون، اشتباه بودن تمام گزارش های نوشته شده در رابطه با قتل عام جمعی ارمنه، منحرف شدن آخرین حکایت های دیده شده در مطبوعات اروپا درباره کشتار ارمنه به هدف فریب کاری و پروپاگاندا بودن آنها برای تامین پشتیبانی پلان های خود خواهانه دولت های ائتلاف را معین می کند. (20)

یک نمونه دیگر؛ در تاریخ 2000.07.13 بارونس استال (Barones Asthal) وزیر انگلیسی، در کابین لردها به یک سوال اینگونه جواب داده بود، "زمانی که یک دلیل قطعی که نشان دهد حکومت عثمانی به هدف نابود سازی ارمنه قرار گرفته وجود ندارد، حکومت های انگلیس (اکثریت) حوادث 1915-1916 را به عنوان یک نسل کشی نمی شناسند." (21)

همانند چیزی که دیده می شود این نمونه ها تهی بودن تقلاهای مذبوحانه و صورت حساب کردن ادعای "نسل کشی ارمنی" بر ملت تورک را نشان می دهد. در واقع امروز ارمنه بدل چگونه باور کردن دروغ های پدران شان و اربابان آنها را از تورک ها می خواهند که این هم در حقیقت نشان دهند دوباره بازیچه شدن ارمنه از طرف اربابان آنها می باشد.

واقعیت دارد، کشتار اتفاق افتاده، اما به کشتار گرفته شدن کدام ملت در کتاب هایی تاریخی که با اسناد عینی (نه با خاطرات خانوادگی) نوشته شده اند درج شده اند.

بعلاوه مزارهای جمعی مسلمانان قتل شده توسط ارمنه پارتیران و نظامی هم در استان های شرقی تورکیه فراوان موجود است با این حال کشتار صدها هزار تورک توسط ده ها هزار ارمنی را می دانیم. اما این مسئله معلومی است که، ارمنه زمان شروع کردن تعرض به تورک ها از طرف مقابل نصیب شان را گرفته بودند.

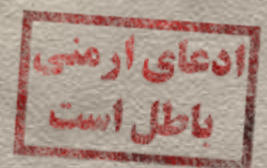
در آرشیوهای دولتی آذربایجان هم شمار فراوانی سند به زبان روسی وجود دارد که، چگونه انجام گرفتن کشتار تورک های آذربایجان از طرف مردم غیر نظامی ارمنی را ثابت می کند.

در دوران رژیم کمونیست کشته شدن 30 هزار تورک در باکو یک حقیقت است. به دلیل اشغال 20 درصد یعنی 7 منطقه جمهوری آذربایجان (شمالی) توسط دولت نانجیب ارمنی بین 1 میلیون تورک آذربایجانی از سال 1992 بی خانه و کاشانه مجبور به زندگی در چادرها و دیگر مناطق شده اند.

در سال 1992 در قصبه خوجالی بیش از 10 هزار تورک آذربایجانی از طرف ارمنه مورد هجوم قرار می گیرند و سرنوشتی مشابه حوادث مارس 1918 در دو سوی ارس، برای آنها از طرف ارمنه رقم می خورد. اما دیده نشدن این نسل کشی و جنایات تاریخ نزدیک از طرف ارمنه ترجیح داده می شود و همان گونه که گفته شد آنها سرگرم پرسیدن حساب چگونه باور کردن دروغ های 100 سال قبل پدران شان از تورک ها می باشند.

امروز آنگونه که از حرکات بی اصل و بی معنی ارمنه و احبای شان خوانده می شود، آنها نباید اینگونه تصور کنند که چون تنها تورک ها در آن زمان اعمال جنایت کارانه ارمنه را تشویق نکرده اند، آنها موفق به تحقق خولیای سقیم ارمنستان بزرگ نشده اند و علارغم اعمال جنایت های وحشتناک بر روی مردم مسلمان، خود را در ظاهر باید مغدور نشان دهند.

امروز نسل های جوان ارمنی برای اینکه در پی دعوی خون باشند درون محیطی هایی که از کینه بر تورک ها تغذیه می کنند، به قالب شدن بر ذهنیتی خاص (همان ذهنیت قرن بیستمی توده ای ارمنی که صاحب مزاج های ملیص بودند) تشویق می شوند. در محیط آزادی به سبک غربی این تقلاها بسیار آسان نتیجه می دهند. لیکن وظیفه ای که بر ما می افتد، با سنجیدن حقایق در ترازوی عدل یافتن حقیقی ترین آنها می باشد.



- 1) Hürriyet gazetesi, 24 Eylül 2000.
- 2) İlter, Erdal, Ermeni ve Rus Mezalimi, s.7.
- 3) Justin Mc Carthy, Ölüm ve Sürgün. s. 127-128.
- 4) Kent, Marian, Osmanlı İmparatorluğu'nun Sonu ve Büyük Güçler, s.114.
- 5) Salahi R. Sonyel, "Yeni Belgelerin Işığında Ermeni Tehcirleri", Belleten. cilt-XXXVI, Sayı: 141, Ocak 1972, s. 41; ve Bilal Eryılmaz, Osmanlı Devletinde Gayrimüslim Teb'anın Yönetimi. s.195.
- 6) Hürriyet gazetesi, 16 Ekim 2000
- 7) Kevorkyan, Dikran, Ermeni Meselesinde Telcire Amil Olan Sebepler, s.300.
- 8) İlter, Erdal, a.g.e., s. 8.
- 9) İlter, Erdal. a.g.e., s.21.
- 10) Justin McCarthy. Ölüm ve Sürgün, s. 368-369.
- 11) Süslü, Azmi, Ermeniler ve 1915 Telleir Olayı, s.100; ve kaynak için bkz. Urfalı Mateos vekayinamesi, s.33-39.
- 12) Kürkçüoğlu, Erol, Ortaçağ'da Bizans ve İran'ın Ermeni Siyaseti, s.43.
- 13) Süslü, Azmi, a.g.e., s. 100-101.
- 14) Kaynak için bkz. Cemil Hasanov, 1918 yılı ilkbahar Azerb.-da Ermeni..... s.527-540; Cemil Hasanov, Beyaz Lekelerin Siyah Gölgesi, s.17; Hüseyin Baykara, Azerb. istiklal Müc.Tarihi, s.227.
- 15) Süslü, Azmi, a.g.e., s.101- 102; Gürün, Kamuran, Ermeni Dosyası, s.209-210.
- 16) Hürriyet gazetesi, 16 Ekim 2000.
- 17) Hürriyet gazetesi, 16 Ekim 2000.
- 18) İlter, Erdal, a.g.e., s.21.
- 19) İlter, Erdal, a.g.e., s.8.
- 20) Hürriyet gazetesi, 9 Ekim 2000; ve bkz. Laurence Evans, United States Policy and the Partition of Turkey (1914-1924), s.262.
- 21) Radikal gazetesi, 27 Eylül 2000.

○ ارزیابی انتقادی یک منبع انگلیسی در رابطه با مسئله ارمنی

بوغوش نوبار پاشا (Boghos Nubar Paşa) در سال 1919 با مراجعت انجام داده به کنفرانس صلح پاریس با عنوان نماینده ارمنه، راهی شدن اتباع ارمنی عثمانی به یک کشتار بزرگ را ادعا می کند و برای ادعاهای خود نوشته های لرد بریس (Lord Bryce)، مورگنثاو (Morganthau)، ال. اینستین (L. Einstein)، دکتر. لپسیوس (Dr. Lepsius)، دکتر نیپیج (Dr. Niepage) و هری استارمر (Harry Sturmer) را به عنوان دلیل نشان می دهد. (1) منابع نشان داده بوغوش نوبار امروز هم انتشاراتی هستند که تشکیل خصوصیات اصلی ادعاهای ارمنی را ادامه می دهند.

برابر با این، زمان به دست گرفتن این آثار و نویسندگان و بررسی تک به تک آنها دیده می شود که نوشته شده ها حقایق را منعکس نمی کنند. کتاب The Treatment of Armenians in the Ottoman Empire, 1915-1916 که از طرف لرد بریس و آرنولد توینبی (Arnold Toynbee) به قلم گرفته شده و با نام "کتاب آبی" یاد می شود، (Gomidas Institue, Princeton, New Jersey:2000)، آخرین چاپ) با هدف پروپاگاندای جنگ از طرف وزارت امور خارجه انگلیس حاضر شده و خلق آن با اسناد غیر موثق دانسته می شود. (2) بعلاوه در اثر "Documents Officials Concernant Les Massacres Armeniens" نوشته شده از طرف آرام آندونیان (Aram Andonyan) ساختگی بودن تمام اسناد تقدیم شده و نسبت داده شده به طلعت پاشا (Talat Paşa) هم اثبات گشته است. (3) خصوصا در همان شکل درون نوشته های منتشر شده سفیر ایالات متحده آمریکا مورگنثاو در سال 1922 با عنوان خاطرات و گزارش هایی که قبلا زمان حضور در استانبول می فرستاد تناقض های بزرگ در نتیجه تلاش های مشکل پسندانه هیت لوری (Heath Lowry) به میان گذاشته شده است. (4)

یکی از تکیه گاه های اصلی ادعاهای ارمنی هم کتاب های "Turkey and its People" و "Forty Years in Constantinople" سر ادوین پیرز می باشند. هویت روزنامه نگاری و حقوق دانی او همراه با نوشته هایش در تمام اروپا موفق به بیدار کردن عکس العمل کرده بود. اخباری مثل بقتل رساندن مسیحیان توسط تورک ها و تبدیل کردن آناتولی به دریاچه ای از خون در اروپا به انفعالات بزرگ (تعصبات صلیبی) راه باز کرده بود. (5) خصوصا نخست وزیر انگلیس گلاستون (Gladstone) که از این انفالات صلیبی سود می برد، با استناد بر نوشته های پیرز موفق به شروع کردن یک مبارزه انتخاباتی بزرگ بر علیه تورک ها کرده بود. (6)

سر ادوین پیرز که در رابطه با مسئله ارمنی بعضی سیاسیون را هم تحت تاثیر قرار داده بود، کیست؟ و سهم حقیقت در حوادث اظهار شده در آثار او چقدر می باشد؟ برای یافتن جواب این سوالات ابتدا نگاه کردن به داستان زندگی او مفید خواهد بود.

سر ادوین پیرز در سال 1835 در شهر یورک انگلستان متولد شد. پدر او روبرت پیرز (Robert Pears) شخص ثروتمندی بود و تعلیم یافتن خاص ادوین را تامین کرد. بعد از تعلیم خاص ادوین پیرز در دانشگاه لندن آموزش حقوق دید. در طول آموزش با علاقه نشان دادن به حقوق رم در این زمینه شروع به تلاش کرد. یک فاکتور معین کننده شخصیت او هم در طول این تلاش به میان آمد. پیرز در کنار حقوق شروع به نشان دادن علاقه به علم تاریخ هم کرد. با تاثیر تعلیم خاص دین مرکزی که در دوران کودکی دیده بود این علاقه در زمینه تاریخ باعث شد تا آثاری که تعصب دینی (صلیبی) او را منعکس می کردند، بنویسد. (7)

در سال 1870 در لندن به کرسی Middle Temple که خصوصیت دینی حمل می کرد محلق می شود و در همان زمان در دوران اسقف اعظم بودن اکستر (Exter) در Fredrik Temple منشی گری خاص انجام داد. ادوین پیرز از سال 1868 تا سال 1872 در Social Science Association و اعتبارا از سال 1872 هم با انجام وظیفه منشی گری عمومی International Prison Congress قیدهای هر دو موسسه را هم گرفت.

در سال 1873 در استانبول با دانستن خالی بودن یک وظیفه حقوقی به صورت موقت آن را قبول کرد. با قید موقت که به استانبول آمده بود تا زمان دور شدن اجباری او چهل سال ماند. پیرز، در طول این وظیفه با وکیل بودن در کرسی حقوق انگلیس در استانبول با تاثیر وظیفه خود در زمان کوتاهی به حال یکی از اعضای مشهور مستعمره انگلیس در عثمانی در آمد. لیکن در سال 1881 به یک وظیفه که می تواند زمینه مسلک حرفه ای او حساب شود، یعنی به ریاست کرسی کنسول گری اروپا آورده شد. در این میان با ادامه مخابرگری روزنامه Daily News، به عناوین حقوق دان و مورخ به خود یک روزنامه نگاری هم علاوه کرد.

در طول مدت حضور او در عثمانی به حال یک دشمن بی رحم بر سلطان عبدالحمید دوم (II. Sultan Abdülhamit) در آمده بود. (8) افکار خود در مورد سلطان را در اثر خود با نام "زندگی عبدالحمید" به میان گذاشته بود. (9)

ادوین پیرز با حقوق دان، روزنامه نگار و مورخ بود به جهت انجام خدمت به "منافع انگلیس" شوالیه اعلام شد. بعلاوه به دلیل خدمات انجام داده به بلغارستان و یونان از هر دو کشور هم عنوان شرف و شوالیه گرفت. (10) لیکن در سال 1919 مجددا به استانبول برگشت و در همان سال در حوالی مالتا در اثر یک سانحه دریایی می میرد. (11)

بدون شک ادوین پیرز بین سال های 1873-1914 در مدت 40 سال، شاهد حوادث توسعه یافته در عثمانی می باشد. اما در نوشته های خود تنها با استفاده از الفاظ تحقیر آمیز در حملات خود بر علیه تورک ها، سوال در چه درجه بی طرف بودن این شاهد را همراه خود می آورد.

ادوین پیرز در آثار نوشته خود با نام های "Turkey and its People" و "Forty Years in Constantinople"، حوادث توضیح داده را بدون استناد دادن بر هیچ سندی ذکر می کند و ادعاهای بسیار حیاتی از دهان اشخاص نامعین نقل می شود. (12) بنابر اظهارات خود او؛ علت آن، زمان رانده شدن از استانبول جا گذاشتن تمام دفاتر خاطرات و نوت های وی می باشد. (13) البته که وضعیتی این چنینی برای سیاه کاری یک ملت نمی تواند بهانه تشکیل دهد. در این حال زمان توصیف کردن آثار پیرز این آثار ابتدا به مورد شروع کردن آموزش در سال های کودکی، تعصب صلیبی که وصله ای از شخصیت او بود همراه با حس تورک ستیزی ضرورت آن را دارد که تثبیت شود. بدون استناد به هیچ مدرکی نوشته های خود را با تکیه دادن به قوه تخیل نوشته است. خصوصا در اثر "Turkey and its people" ادوین پیرز که به تحلیل آن سعی خواهیم کرد، در شکل واضح چگونگی محصور کشتن او در تعصب نشان داده خواهد شد. این اثر؛ دارای ساختاری می باشد که در مورد تمام عناصر قومی درون دولت عثمانی افکار شخصی پیرز را شامل می شود. دلیل تقابل دوران زندگی نویسنده با دوران فروپاشی دولت عثمانی همراه با حوادث دوران از دید یک روزنامه نگار غربی توضیح داده شده است. قسمتی که موضوع مورد بحث را احتوا می کند بخش دوازدهم که با عنوان "The Armenians" تقدیم شده می باشد. پیرز، زمان تعریف ارمنه اولین جمله این بخش را با مدح و سنای آنها شروع می کند.

"ارمنه از بعضی زاویه ها در آسیای صغیر انسان هایی هستند که بیشترین توجه را جلب می کنند. آنها از نظر ساختار فیزیکی یک نژاد زیبا می باشند."

علت این تمدح را هم در جملات تعقیب شده اینگونه به میان می گذارد:

"آنها هم مانند ما از منسوبان نژاد هند و اروپایی می باشند." (14)

نویسنده هنوز در راس موضوع قرار دارد که نگاه کردن از چه زاویه به حوادث و واقعا معلومات دادن خود در مورد تاریخ یک نژاد اروپایی را اظهار می کند. پیرز بعد از این که ارتباط نژادی ارمنه با اروپاییان را معین می کند، موقت آنها در دین مسیحی گری و خدمات آنها را هم توضیح می دهد. برای او، ارمنه به دلیل این که از یک نژاد جسور و قهرمان می باشند صدها سال در مجادله با ایرانی ها، اعراب، تورک ها و کردها در هر منطقه ای که جنگ کرده اند جسارت شان را هم نشان داده اند و در برابر قرن ها نسل کشی زیر حاکمیت مسلمانان قیام کرده اند. با این خصوصیات ارمنه در طول صدها سال نمایندگی مسیحیت را هم انجام داده اند. (15)

همان گونه که دیده می شود نویسنده، با به حرکت در آوردن احساسات دینی خوانندگان به وسیله اظهارات خود در تلاش برای توسعه انزجار بر علیه تورک ها و مسلمانان می باشد. حال اینکه نویسنده بدون توجه به اوضاع ارمنه خصوصا در دوران بیژانس از پرداختن به آن اجتناب کرده است. تمام حقایق تاریخی نشان می دهد که ارمنه بعد از ورود به زیر حاکمیت سلجوقیان در معنی کلی از ظلم رها شده اند. (16)

نویسنده بعد از اظهارات عمومی و هدایت کردن خواننده موضوع را گرم تر و در معنی کلی آن را به محیطی که با احساسات خصومت آمیز می تواند تحمیل کند انتقال می دهد و به نسل کشی گرفته شدن ارمنه و بین سال های 1894-1897 از بقتل رسیدن 250 هزار ارمنی حرف می زند. (17) حال اینکه در این دوران به سبب فرو نشاندن حوادث عصیان شمار ارمنه کشته شده در حدود 8.717 و شمار مسلمانان کشته شده هم 1.828 نفر می باشد. (18) و این رقم (250 هزار) داده شده کاملا متوجه بر بیدار کردن انفعالات (صلیبی) می باشد. نویسنده، نمونه های اغراق آمیز را بدون وقفه در هر صفحه از کتاب خود می دهد و در این شکل در تلاش برای افزایش ابعاد انفعال می باشد. برای او، ارمنه در حکومت تورک آن چنان راهی اذیت های بزرگ شده اند که حتی حرف زدن به زبان ارمنی هم ممنوع شده است، مجازات صحبت کردن به این زبان، بریدن آن زبان شده بود. (19)

حال اینکه، اسناد آرشیو کاملا عکس منظره توضیح داده شده را ثابت می کنند. در سراسر خاک های عثمانی برای آموزش، ارمنه به زبان خود موسسه های زیادی باز کرده بودند. بنابر آمار 1897 در خاک های عثمانی تعداد مدارس ارمنه ارتودوکس، پروتستان و کاتولیک 922 می باشد. (20) چنانکه، موجودیت وظایف وابسته به امور اداری مناطق دور دست ارمنه تعلیم یافته خصوصا در دوران سلطان عبدالحمید دوم در شکلی چشم گیر ارتقاع یافته بود. (21) نویسنده که با دادن نمونه های قابل توجه در حال دم دستی زدن به احساسات خصمانه می باشد در بعضی جاها با توضیحات خود هم دچار تناقض شده است.

در جایی زمانی که از ممنوع بودن آموزش بحث می کند از طرف دیگر هم شلاق خوردن احساسات استقلال جامعه ارمنی "آموزش" دیده و روشن شده را توضیح می دهد. (22)

نویسنده در قسمتی از موضوع ارامنه را در این شکل توضیح می دهد:

"...هنوز این نژاد در هیچ شکلی متهاجم نشده و زیر اداره تورک تنها خواستار حفاظت از زندگی و دارایی خود و یک گذران نیکو با همسایگان مسلمان می باشد. فقط در حکومت عبدالحمید نابود شدن هر چیز متعلق به آنها خواسته شد." (23) در اینجا هم باز خواستن ارامنه در یک گذران نیکو با همسایگان مسلمان کاملاً در تناقض با احساسات استقلال طلبانه جامعه ارمنی "آموزش" دیده می باشد.

در این وضعیت بنابر اظهارات پیرز اعمال انجام گرفته توسط ارامنه تنها برای حفاظت از زندگی و اموال شان بود که سلاح به آغوش می گرفتند، در آنها هیچ اندیشه و دلواپسی سیاسی وجود نداشت. واقعاً جمله ای این چنینی که فقط می تواند از دهان پیرز زده شود تماماً با حقایق تاریخی متضاد می باشد. چرا که، بعد از کنفرانس برلین ارامنه که نتوانستند به خواسته های آرزو مانند خود تحقق دهند با ریختن خون در عثمانی قرار رسیدن به آزادی را گرفته بودند که این قرار از طرف نویسندگان ارمنی هم به زبان آورده شده است. (24) به همین دلیل علم کردن یک سناریو بر روی معصومیت ارامنه در تضاد با تمام داده های علم تاریخ می باشد. در کنار این حقایقی که نویسنده هم نمی تواند آنها را مخفی کند وجود دارد. ارامنه زیر اداره تورک ثروتمند گشته و یک حیات شکوفا سپرده بودند. در یک تابلوی به این اندازه بدبینانه توضیح دادن تحقق یک شرط این چنینی بسیار سخت می باشد. فقط بیشتر از این که واردات (تجاری) ارمنی را به یک ساختار اداری ربط دهد؛ نشان دادن آن به عنوان یک خصوصیت نژادی را ترجیح داده است. (25) اما زمان مقایسه وضعیت ارامنه روسیه با ارامنه عثمانی ارزیابی داده های به میان آمد به یک حال نا ممکن در خواهد آمد. ثروتمند شدن ارامنه که در نتیجه خصوصیت نژادی آنها می باشد، برای چه در روسیه (و یا ارمنستان امروزی) هم همان ثروتمندی به دست نیامده است و توضیح این مورد فقط زیر روشنایی داده های تاریخی باز امکان پذیر می باشد.

زمانی که حقوق تعلیم و تعلم ارامنه ای که در روسیه زندگی می کردند از دست شان گرفته می شد در عثمانی صاحب بودن آنها به این آزادی اظهار مشترک تمام آمار و سیاحتان آمده به آناتولی قبل از 1878 می باشد. حقوقی که می توانستند تجارت انجام داده و پول را کنترل کنند وجود داشت که این وضعیت خود را در اظهارات سیاحتانی مانند جورج پروت (George Perrot)، مک کینیر (Mc Kinneir)، همیلتون (Hamilton)، ویتال کوینت (Vital Cuinet) و فرد بارنابی (Fred Burnaby) نشان می دهد. پروت، زمان آمدن به شهر یوزگات ابعاد ثروتمندی یک ارمنی با نام حاجی او هانس (Hacı Ohannes) را با مدح کردن هم نمی تواند تمام کند و ثروتمندی او را به تجارت پول ربط می دهد. (26) باز در بررسی انجام گرفته بر روی دفاتر کسب همان شهر صاحب بودن ارامنه به املاک در مقدارهای بسیار بزرگ و کسب پول توسط آنها از طریق مشغول بودن شان به کارهایی چون جواهر گری، تجارت پارچه و پوست را نشان می دهد. (27) در این حال آزادی تامین کسب پول برای خود، کنترل کردن پول و بدست آوردن ملک، تنها با خصوصیات نژادی یک ملت نمی تواند توضیح داده شود. عثمانی و تورک ها، برای تبعه ارمنی محیط هایی که می توانستند از آن با آزادی استفاده کنند را حاضر کرده بودند.

پیرز که در هر سطر نوشته، سیاه کردن و تحقیر کردن تورک ها را هدف گرفته، ثروتمند شدن ارامنه را به نقطه شروع حوادث ارمنی می آورند. برای او، تمام مسئله غصب کردن ثروت های ارامنه شده بود. خصوصاً، در اثر خود بعد از سال 1894 برای اموال و زنان ارامنه در یک شکل با برنامه کشته شدن آنها را توضیح داده است. فقط اظهارات استفاده شده زمان تعریف حوادث بعد سال های طولانی از انعکاس حقایق واقعی عبارت است از توضیح افسانه های خیالپردازی شده از یک زیان غیر حقیقی. (28) لیکن برای اثبات حکایت خود دعوت شدن راهب کلیسای مشایخی پروتستان ایالات متحده آمریکا جورج اچ. هپورث (George H. Hepworth) از طرف سلطان عبدالحمید دوم برای بررسی ادعاهای نسل کشی به عثمانی را به عنوان شاهد نشان می دهد. پیرز، هپورث را که به عنوان یک ناظر بی طرف به عثمانی آمده بود را با پشتیبانی کردن او از افکار خود معین می کند و در اعماق قلب تورک ها همیشه متنفّر بودن از ارامنه را علت فرصت دانستن عصیان های ارمنی برای نسل کشی آنها می داند. لیکن در رابطه با نفرت تورک ها قناعت خود را در این شکل اظهار می کند: "تورک ها اینگونه نبودن آن را قسم خواهند خورد فقط من به حقیقت محض بودن قناعت اظهار کرده ام ایمان دارم." (29)

با آمدن به موضوع اچ. هپورث که از طرف ادوین پیرز در رابطه با حوادث 1894 شاهد نشان داده شده؛ این ناظر آمریکایی تا حد امکان با یک دید بی طرف حوادث را بررسی کرده بود. در گزارش نوشته در سال 1897 تعلق مسئولیت حوادث قتل به ارامنه و لزوم مجازات آنها، در دنیا فقط تنها نبودن تورک ها در آدم کشی و از یک نظر با گفتن صحیح نبودن اینکه تورک ها از دیگر ملت ها گناه کارتر هستند، موضوع را با این اظهارات خاتمه می دهد:

"قناعت افکار عمومی آمریکا که، من هم قبل تر این قناعت را به اشتراک می گذاشتم، در شکل حرکت کردن تورک ها بدون دلیل و در حالی که تحریک موضوع بحث نمی باشد بود. اکنون، باور کرده ام که، تورک ها اگر در این شکل حرکت می کردند بر روی زمین حتی یک ارمنی هم نمی ماند." (30)

هپورث یک سال بعد در سال 1898 در کتاب نوشته که نظارت های او از عثمانی را شرح می داد، قسمت نقل شده گزارش فوق را هم تصدیق می کند. بنابر اظهارات او شروع کنندگان مسئله ارمنی آژان های آمده از روسیه بودند. (31) ارامنه با محصور کشتن بر

تحریکات این آژان ها در حقیقت با افتادن در پی خیالی که هرگز در تحقق آن موفق نخواهند شد شروع به سازماندهی مسلحانه و عصیان کرده بودند. اگر در این شکل یک ارگانیزاسیون وجود نداشت انجام گرفتن هیچ حرکت متوجه بر ارامنه نمی توانست موضوع بحث باشد. ارامنه در مقابل وارد شدن بر این حرکات به مجازات محکوم شده بودند. (32) در اثر "Turkey and its People" ادوین پیرز تعداد کل صفحات اختصاص داده شده برای ارامنه 25 می باشد. اما در تمام این بیست و پنج صفحه بدون واسطه همانند آنچه که در فوق هم به آن اشاره شد تنها به معلومات بی مسند و الفاظ حقارت آمیز (به تورک ها) جای داده شده است. جدای از تعلیمات ادوین پیرز، در بنیه دید طرفدارانه او به حوادث توضیح داده در ارتباط با مسیحیان موجود در عثمانی تقرب انگلستان به "مسئله شرق" اساس شده بود.

انگلستان از اواسط قرن 18، برای جلوگیری از توسعه طلبی مستقیم روسیه به جنوب و تهدید شدن آن بر راهی که به هندوستان می رفت، سیاست حفاظت از تمامیت ارضی امپراتوری عثمانی را تعقیب کرده بود. این سیاست عرفی انگلیس که تقریباً صد سال به طول انجامید بعد از جنگ روس عثمانی در سال 1877-1878 تغییر کرد. انگلیس، به جای سیاست قبلی خود در محافظت از خاک های عثمانی، شروع به تعقیب سیاست تکه تکه کردن عثمانی به دولت های کوچک قومی که جلوی روسیه را خواهند گرفت کرد. در دوران نخست وزیری ویلیام ادوارد گلدستون (William Edward Gladstone) که با تورک ستیزی خود مشهور می باشد در مفاد سیاست مشخص شده انگلیس حرکات اختلال گرایان ارمنی که بنای یک دولت ارمنی را در آناتولی شرقی به وضعیت یک هدف در آورده بودند از طرف سیاست مداران و نویسندگان انگلیسی پشتیبانی شد. بدین گونه در وضعیتی این چنینی سر ادوین پیرز هم کتاب های خصمانه خود بر علیه تورک ها را به قلم گرفت.

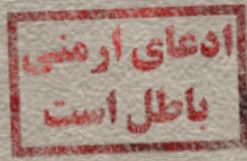
در نتیجه این مبارزه سیستماتیک شروع شده بر علیه تورک ها گلدستون، همراه با دولت های امضاء کننده عهدنامه برلین موفق به دادن یک نوت در تاریخ 1880.07.11 به دوات عثمانی که موضوع انجام گرفتن اصلاحات مرتبط با ارامنه را احتوا می کرد شد. (34) چنانکه، این فعالیت شروع شده گلدستون در سال 1880 در مدت کوتاهی به ارامنه جسارت و برای وعده های استقلال به آنها فرصت سازمان یافتگی مسلحانه را می دهد. در سال 1885 پارتی آرمنکان که یک تشکل اختلال گرای سیاسی بود بنا می شود. لیکن موثرترین آنها پارتی های هنجاک و داشناکوتیون بودند که اولی در سال 1887 و دومی هم در سال 1890 بنا شده بودند.

در سال 1885 الحاق روملی شرقی به بلغارستان، ارامنه را تماماً وارد حرکت کرد و برای تحقق آرزوهای استقلال با عصیان های مسلحانه فعالیت نشان دادند. در واقع در این نقطه آرزوهای ارمنی با هدف منتشر شدن به تمام دنیا یک مبارزه پروپاگاندایی بزرگ شروع کرد. در این مبارزه مهمترین گردوی (بازی) انگلستان سر ادوین پیرز که با تعصب صلیبی شدید که همیشه یک تورک ستیز بود می باشد. پیرز، با بر عهده گرفتن مخابرگری روزنامه Daily News از نشان دادن تمام حوادث موجود در عثمانی با وحشت تورک ها و افعال غیر انسانی اجتناب نکرده بود. چنانکه، نخست وزیر آن دوران گلدستون با استناد بر نوشته های پیرز، موفق به نوشتن یک مقاله با نام "درس های قتل عام" برای پر کردن افکار عمومی اروپا با کینه بر علیه تورک ها شده بود. علارغم تمام اینها بعضی اشخاص صاحب افکار مستقل برای دیدن افتراهای تقدیم شده به آنها در شکل "نشانند مسیحیان بر سر نیزه ها، آویزان کردن ارامنه با قرار دادن آنها مانند کرم خاکی به قلاب ها و یا اجرای آدم سوزی یک روز در هفته توسط محکمه ها فقط برای کیف خوشی مسلمان" (35) به فکر مشاهده آنها با چشمان خود می افتند. چنانکه، یکی از این اشخاص هم فرد بارنابی بود. شواهد بارنابی در حقیقت مبارزه افتزایی انگلیس و تمام منابع دیگر که به عنوان یک اصل در موضوع مسئله ارمنی شرح داده شده اند، چگونگی ساقه یک عنصر پروپاگاندا را به نمایش می گذارد. تمام حوادث قید شده در اثر بارنابی به شکل رفتار دوستانه و محافظانه تورک ها در برابر ارامنه و مسیحیان ثبت شده است. چنانکه، بعد از نظارت های خود با نوشتن این سطرها در مقدمه کتاب خود "پروژه نابود سازی تورک ها" که اروپا آن را به عنوان "مسئله شرق" می بیند و با تمام بی رحمی به صحنه گرفته شده را آشکارا توضیح می دهد.

"...آقای. گلدستون که، در مقاله خود با عنوان درسهای قتل عام، با زبان لزج استفاده کرده بر علیه انسان تورک در اذهان مردمان در حال زدن ردوبرق غضب می باشد، اکنون درباره جنایت های وحشتناکی که هیئت رودوف (Rodop) به میان گذاشته یک کلمه که بتواند بگوید ندارد. جنایات انجام داده نرون (Neron)، قتل عام St. Bartholomew، حقارت ها، غدارگری ها، کراهت گری ها و کشتارهای جمعی انجام شده توسط روس ها و بلغارها، در کنار عذاب جهنم در چپ صفر می ماند. زنانی که هنوز جنین آنها متولد نشده بود فلج شده و تکه تکه می شدند؛ دردهای کشیده شده از طرف کودکان به سر نیزه کشیده شد برای مسیحیان بلغار منبع حظ و مسرت شده بود. فقط آقای گلدستون احساساتی بی صدا مانده، آقای لوو (Mr. Lowe) استاد سخنرانی زیبا و آقای برایت (Mr. Bright) انسان دوست، زبان شان را رام کرده اند. بسیاری از شهروندان مان در مورد رفتار این سه سیاست مدار پیش از این حکم داده اند: باقیمانده کار را مورخان آینده خواهند نوشت." (36)

در یک طرف فرد بارنابی که برای دیدن حقایق حوادث را ارزیابی کرده، لیکن در طرف دیگر نماینده میسیون سیاست شرق انگلیس در عثمانی سر ادوین پیرز قرار دارد. بارنابی که گفته بود: "آنهايي که خود را مسیحی قبول می کنند باید خیلی چیز از تورک ها یاد بگیرند" زمان کشته شدن با سرنیزه در سودان، ادوین پیرز هم به جهت موفقیت در تلاش برای سبز کردن فقط تخم های کینه در قلب جوامع مشرف به گرفتن عناوین اصالت از انگلیس، بلغارستان و یونان شده بود.

حقایق تاریخ تورک ها، در راه تلاش های سیاسی اروپا با تحریف شدن به افکار عمومی دنیا تقدیم شده بود. ایفاء کنندگان این وظیفه در دورانی که زندگی می کردند، اجر موفقیت در نقش های عهده دار شده را گرفته بودند. اما امروز برای تمیز شدن تخم های کینه که آنها در قلب ملت ها کاشته اند، احتیاج کوشش فراوان مورخان صاحب "وجدان و افکار آزاد" احساس می شود.



- 1) National Archive, 184.02/94
- 2) Eserin hangi amaçlarla yayımlandığı konusunda bkz. Esat Uras, Ermeni Dosyası, Türk Tarih Kurumu Yayını, Ankara 1985, s.47-53.
- 3) fiinasi Orel-Süreyya Yuca, Ermenilerce Talat Paşa'ya Atfedilen Telgraşarın Gerçek Yüzü, Türk Tarih Kurumu Yayını, Ankara 1983. Ayrıca bkz. Türkaya Ataöv, Talat Paşa'ya Atfedilen Andonian Belgeleri Sahtedir, Ankara Üniversitesi, Ankara 1985
- 4) Morenthau'nun Türk aleyhtarı kitap yazmasının amacı Amerika Başkanı Wilson'un savaş politikasına destek sağlamak iç indir. Bkz. Heath Lowry, Büyükelçi Morgenthau'nun Öyküsünün Perde Arkası, İsis Yayını, İstanbul 1990, s.4-6
- 5) Bu haberlerin etkisinde kalan Fred Bumaby adlı İngiliz subayı katliamları inceleyebilmek adına Türkiye'ye gelmiş ve gerçekte kendilerine anlatılanların büyük bir yalandan ibaret olduğunu, "kendilerini Hristiyan addeden yazarların pek çok konuda Anadolu'daki Türklere ders al maları gerektiğini" yazmıştır. Bkz. Fred Barnaby, At Sirtında Anadolu (Çeviren: Fatma Taşkent), İletişim Yayınları, İstanbul 1999, s.115
- 6) Dictionary of National Biography Twentieth Century 1912-1921, Sir Edwin Pears, Edited by, H.W.C. Davis and J.R.H. Weaver, Oxford University Press, London 1927, s.428
- 7) Pears yazdığı eserlerde iki farklı medeniyetin çatışmasını dini bir taassup içinde anlatmaktadır. Bu konudaki iki eseri "The Fall of Constantinople, Being the Story of the Fourth Crusade, New York, Cooper Square Publishers, 1975." ve "The Destruction of Greek Empire and the Story of the Capture of Constantinople by Turks, New York, Greenwood Press, 1968" dir.
- 8) Fransız tarihçi Michel De Grece, Pears'ı "Abdülhamit mutlak yetkililiğinin iharı" olarak tanımlar ve Sultan Abdülhamit'e karşı verdiği mücadeleyi hikaye havasında anlatır. Bkz. II. Abdülhamit Yıldız Sarayı'nda 30 Yıl, Milliyet Yayınları, İstanbul 1995, s.114, 158-159
- 9) Edwin Pears, The Life of Abdülhamit, London, Constable & Company Ltd. 1917
- 10) Sir Edwin Pears'in unvanları şunlardır: Knight Bachelor, Commander of The Bulgarian Order of Merit, Knight of The Greek Order of The Saviour.
- 11) Edwin Pears'in tam biyografisi için bkz. Dictionary of National Biography, s.427-428
- 12) Pears'in verdiği örnek etkileyici ve okunduğunda nefret uyandıracak bir özellikte yazılmıştır. Fakat anlatılan olaylar ta mamen belirsiz kişiler üzerine bina edilmiştir. Olayın temelini teşkil eden Müslüman bir kadının ecnebi olan bir doktorla konuşması da dönemin kültürel yapısı içinde ayrıca eleştirilecek diğer bir konudur. Benzerleri bir çok yerde tekrar edilen bu anlatıma verilebilecek örnek şudur: "Yayın lamayı unuttuğum bir katliamı anlatmama müsaade edin. Boğaz'da Bebek'de oturan Müslüman bir aileye doktor olan bir arkadaşım ziyarette bulundu. Evin reisi yüksek ateşten hasta yat ıyordu. Arkadaşım, iki çocuğunu daha önce kaybetmiş zavallı bir halde bulunan evin kadını tarafından karşılandı. Kadın doktora teşekkür etti ve şu ifadeleri ekledi: "Doktor sen burada iyi bir şey yapamazsın, çünkü olan her şey Allah'ın işidir. Bunu nasıl bildiğimi sana anlatacağım. Biz Bulgaristan' da iken kapı komşumuz Hristiyan idi. İki evin çocukları da birlikte oynardı ve ben herhangi bir şey istediğime beni minnettar bırakmaya hazırlardı. Bir gün kocam geldi ve Hristiyanları öldürmemiz için bize emir geldi, bu yüzden komşularımızı öldürmek zorundayım, dedi. Kadının duyguları isyan etti. Onların her zaman nazik olduklarını, kendilerine hiç zarar vermediklerini, emri verenin kim olduğuna önem vermediğini, bu emirlere uymak zorunda olmadıklarını açıkladı. Kocası, Padişah'ın emirlerini yerine getirmek zorunda olduğu cevabını verdi. Kadın bu durumda Allah seni cezalandıracaktır dedi. Doktor, kocam komşularımızın hepsini öldürdü ve çocuklarımızın oyun arkadaşlarının yerde yatan vücutlarını gördüm. Evet, bu Allah'ın işi. Allah iki çocuğumu aldı ve kocamı da alacak. Beni öldürmeyecek. Kocamın ölmemesi için ne sen ne de kocam hiçbir şey yapamazsınız." Bkz. Edwin Pears, Forty Years in Constantinople the Recollections of Edwin Pears 1873-1915, London 1916, s.15-16.
- 13) Pears, kitabının ön sözünde olayları anlatmakta yalnızca hafızasına bağlı kalmak zorunda kaldığını ifade ediyor. Bkz. Pears, Forty Years, s.v
- 14) Edwin Pears, Turkey and Its People, London 1911s.270.
- 15) Pears, Turkey, s.270.
- 16) Ermeniler üzerindeki Bizans zulmü ve katliamları o kadar şiddetli idi ki eserlerinde açıkça Türk düşmanlığı yapan Nalbandian dahi bu durumu belirtmek zorunda kalmıştır. Bkz. Louise Nalbandian, The Armenian Revolutionary Movement, The Development of Armenian Political Parties through the Nineteenth Century, University of California Press, 1963, s.14. İlk dönem Türk Ermeni ilişkileri ve Bizans'ın durumu için ayrıca bkz. Ali Sevim, Genel Çizgileriyle Selçuklu Ermeni ilişkileri, Türk Tarih Kurumu Yayını, Ankara 1983.
- 17) Pears, Turkey, s.270-271
- 18) Gürün, Ermeni Dosyası, s.157
- 19) Pears, Turkey, s.271.
- 20) İstatistik-i Umumi İdaresi, Devlet-i Aliye-i Osmaniye'nin 1313 Senesine Mahsus İstatistik-i Umumiyesi, Alim Matbaası, İstanbul 1316, s.82. İstatistikler için ayrıca bkz. Tanzimattan Cumhuriyete Modernleşme Sürecinde Eğitim İstatistikleri, 1839-124 Haz. Mehmet Ö. Aklan, Başbakanlık Devlet İstatistik Enstitüsü Ankara 2000. Pears'in anlattıklarına tezat fikirler ifade eden ve Ermenilerin eğitim, basın-yayın faaliyetlerini anlatan diğer bir çalışma için bkz. Nalbandian, Revolutionary Movement, s.48-58. 21) İlber Ortaylı, II. Abdülhamit Devrinde Taşra Bürokrasisinde Gayri Müslimler, Sultan II. Abdülhamit ve Devri Semineri, İstanbul Üniversitesi Tarih Araştırma Merkezi, İstanbul 1994 s.163-171; Ermenilerin Osmanlı Devleti'ndeki mevcut durumlarının II. Abdülhamit tarafından değerlendirilmesi için bkz. Baha Gürfirat, "II. Abdülhamit'in Ermeniler Hakkındaki Düşünceleri", Belgelerle Türk Tarihi Dergisi, Mayıs 1968, (8) s.32-33. Ermenilerin Osmanlı Devleti'ndeki hizmetleri için ayrıca bkz. Rh. Y.G. Çark, Türk Devleti Hizmetinde Ermeniler 453-1953, Yeni Matbaa, İstanbul 1953.
- 22) Pears, Turkey, s.276-277
- 23) Pears, Turkey, s.276-77
- 24) Nalbandian, Revolutionary Movement, s.166-169.
- 25) Pears Ermenileri çalışkan ve artistik bir millet olarak tanımlar. Bkz. Pears, Turkey, s.274-275
- 26) George Perrot, Souvenirs D'un Voyage En Asie Mineure, Paris 1864, s.391-393
- 27) Ahmet Akgündüz-Sait Öztürk, Yozgat Temettuat Defterleri, I-IV, Yimpaş Yayınları, 2000.
- 28) Pears, Turkey, s.279-280
- 29) Pears, Turkey, 280.
- 30) Bayram Kodaman, "Bir Amerikalı Gazeteci Gözüyle Ermeni Macerası 1897", Belleten, XLIX/195, s.569-578.
- 31) Burnaby bu konuda şunları yazmaktadır: "Erivan ile Ardahan'dan gelen ajanlar, Kürtlerle Ermeniler arasında düşmanlık çıkarmaya çalışacaklardır sürekli. Ermeni kızlarının Babalı'nın uyruğundaki Kürt aşiret reisleri tarafından kaçırdıklarını işitebilir, Ermeni katliamlarının yapıldığını okuyabiliriz belki; çünkü Slav ajanları, Anadolu'daki Hristiyanlara sırf Türklere karşı silahlanmaları şartı ile istedikleri her şeyi vermeyi vaat edeceklerdir". Bkz. Burnaby, At Sirtında, s.20
- 32) George Huges Hepworth, Trough Armenia on Horseback, New York E.P. Dutton & Company 1898, s.149-173 (Another View of the Massacres).
- 33) Tiflis'ten gelen bazı ajanların tutuklanma kararları Dahiliye Nazırı Rıfat Paşa tarafından ilgili vilayetlere bildirilmiştir. Bkz. Osmanlı Belgelerinde Ermeniler, Cilt:20, Başbakanlık Osmanlı Arşivi Yayını, Belge No:57
- 34) Fahir Armaoğlu, 19. Yüzyıl Siyasi Tarihi (1789-1914), Türk Tarih Kurumu, Ankara 1997, s.565-566
- 35) Burnaby, At Sirtında, s.32.
- 36) Burnaby, At Sirtında, s.26-27.

○ کتاب آبی انگلیسی ها، تبلیغاتی برای جنگ، نقد ها و اعتراف ها

کتاب آبی از طرف آرنولد توینبی (Arnold Toynbee) یکی از خبره گان کادر دایره تبلیغات جنگ (War Propaganda Bureau) انگلیس در جنگ جهانی اول ویرایش شده است. کتاب، در چارچوب ادعای برنامه ریزی شدن "یک پلان امحای انتیک" از طرف حکومت عثمانی، شامل 150 سند و گزارش حاضر شده، از طرف گویا شاهدان عینی اجرای "وحشت و قتل عام" بر علیه ارمنه می باشد. توینبی این اسناد را مرتب، گرد آوری و برای انتشار حاضر کرده است. در راس اهداف نشان گرفته حکومت انگلیس با حاضر کردن این کتاب برای WPB، با مکیدن احساسات رحم و شفقت افکار عمومی آمریکا برای ارمنه، تا حد امکان تامین وارد شدن سریع واشینگتن به جنگ قرار دارد. چنانکه، یکی از فاکتور های در راس برای ملحق شدن ایالات متحده آمریکا به جنگ با قرار گرفته شده توسط رئیس جمهور ویلسون (Wilson) این کتاب بوده و از طرف وزرای حکومت انگلیس هم اظهار شده است. (1)

در اوایل سال های 1900 یک اسم بزرگ دیگر که در مورد مسئله ارمنی در اروپا مشهور شده بود، جیمس بریس (James Bryce) انگلیسی می باشد. درون فعالیت های پشتیبانی از ارمنه و سیستم پروپاگاندا از آرنولد توینبی که بعد ها یک پروفیسور مشهور تاریخ خواهد شد هم کمک گرفته بود. همانند کشیش آلمانی لپسیوس (Lepsius)، حتی امروز هم در مورد مسئله ارمنی او شخصی است که نویسندگان و مورخان مطلقا به او مراجعه می کنند.

جیمس بریس یک سیاست مدار، دیپلمات و مورخ انگلیسی بود که در بین سال های 1838-1922 زندگی کرده است. او بین سال های 1880-1907 یک عضو لیبرال کابینه عوام (Lower Chamber) بود. مستشارگری وزارت امور خارجه (1886)، سر منصب قضات قلمروی دوک منچستر (1892) و وزارت تجارت (1894-95) را انجام داده بود. در بین سال های 1907-1913 سفير ایالات متحده آمریکا شد. در طول جنگ جهانی اول رئیس کمیته ای که حرکات شدت به اجرا گذاشته شده از سوی آلمان بر بلژیک و فرانسه را بررسی خواهد کرد شد. (2)

بریس از سنین جوانی توانسته بود که با ارمنه تماس برقرار کند و فردی می باشد که شیفته دعوی ارمنی شده بود. در یک مطلب منتشر شده در روزنامه صاباح از طرف هداوندگار اونور (Hüdavendigar Onur) و فیگن اونال شن (Figen Ünal Şen)، در ارتباط با کوه آغری "جیمس بریس ابتدا یک فعالیت وسیع کتابخانه ای انجام می دهد و بعد در طول بالا رفتن و صعود به کوه آغری در جایی نزدیک به قله (با کنایه بر کشتی حضرت نوح) کشف یک وسیله چوبی ساخت دست انسان" را معین می کند. (3)

جیمس بریس از دوران نوشتن و انتشار کتاب خود در سال 1877 با نام "ماورای قفقاز و آرات" کاملاً یک فرد حیران ارمنی و البته تورک ستیز بود. در این کتاب بریس در آن زمان ها با گفتن "چرا ارمنه این سختی ها را تحمل می کنند؟، چرا مثل کاری که پدران آنها در برابر ایرانی ها و سلجوقی ها انجام دادند عصیان نمی کنند؟" می پرسد و اجتماع ارمنی را تحریک می کند. چنانکه در آگوست 1889 در منطقه بشری (باتمان) آناتولی شرقی با کشته شدن 7 ارمنی و سوختن حدود 50 خانه، بریس بلافاصله عشایر مسلمان را متهم می کند، هرچند توماس بویاجییان (Thomas Boyacıyan) که خود او هم ارمنی و هم یک المان کنسول گری انگلیس در منطقه بود، در گزارش فرستاده با آشکار ساختن موضوع، مسبب انجام حادثه را یکی از دو لیدر ارمنی روستا که به مذهب کاتولیک گرویده و طرف دیگر آن را تحمل نکرده بود توضیح می دهد و ادعای بریس را ناکام گذاشته بود. (4) بریس فردی می باشد که در سال 1894، با تشویق و پشتیبانی نخست وزیر انگلیس گلدستون (Gladstone) که با معماری بر یک مکتب سیاسی تورک ستیزی را انتخاب کرده بود، در انگلیس "جمعیت ارمنی" را بنا می کند و در راس گروهی که برای اولین بار ارمنه را به وضعیت یک قدرت سیاسی در آورد قرار گرفته بود. (5)

در فعالیت های انجام گرفته مرتبط با "طرح ماندلستام" که در دوران بعد از جنگ بالکان عیناً مانند آرزوهای کشیش آلمانی لپسیوس که هدف آفریدن یک وطن مخصوص ارمنی را داشت، در صحنه بود. در طول جنگ بالکان رفتار تنها رها کردن تورک ها از سوی وزارت امور خارجه انگلیس، از طرف جوانان هندی که "جمعیت اسلامی" را بنا کرده بودند پروتست شده بود. انگلیسی های زیادی که با سیاست شرق لور بکونسفیلد (Lord Beaconsfield) ارتباط داشتند هم برای شنیده شدن صدایشان در پارلمان و مطبوعات تلاش های فراوانی انجام می دادند. وایکانت بریس در تاریخ 1913.03.08 در طول یک دیدار درباره "مسئله شرق" در کابینه عوام خطری که از مداخله روس به میان خواهد آمد را قبول می کند و متقاضی دیده می شود:

"در ارمنه شاخص هایی که نشان دهنده خواست جدی آنها در مداخله روس می باشد وجود دارد. حتی اگر حامی خواستن ارمنه را قبول کنیم و اگر روسیه برای تحقق انقلاب های خود، در هر گونه طلبی حاضر شود چه کار باید بکنیم، آیا این مورد را رد خواهیم کرد؟"

در این سخنان که با دقت اظهار شده اند نگرانی به میان آمدن اغتشاش در شش ولایت شرقی (ارضروم، ببئلیس، وان، انلازیغ، دیاربکر و سیواس) محفوظ می باشد. کنسول های روس در ارضروم و وان (با المان های یک پلان حاضر شده) موجود بودن یک احتمال این چینی را به وزارت خارجه روس گزارش می دهند و با استناد بر این مورد متفقین خود را خبر دار می کنند. بعلاوه در طول جنگ های

بالکان آفریده شدن یک وضع نگران کننده از مسکون شدن مسلمانان روملی در آناتولی اظهار شده است. بریس و رفقای او به اندازه ذره ای با مسایل صدها هزار تورک و مسلمان که خاک ها، وطن و خانه هایشان را از دست داده و به وضعیتی پریشان افتاده اند علاقه نشان نمی دهد، فقط از فرستاده شدن این انسان ها به آناتولی شرقی، به خاک هایی که اکثر ارمنه (عثمانی) در آنجا زندگی می کنند، به دلیل تخریب شدن تلاش های انجام گرفته در توازن ایجاد شده به لحن ارمنه نگران می باشند. دستیار مستشار وزارت امور خارجه آقای آلکند (Mr. Acland) زمانی که در نشست کابینه عوام در تاریخ 1913.03.08 از بی خطر بودن این مهاجرین آمده از بالکان حرف می زند، بریس و رفقای او آهی کشیده و خیال شان راحت می شود. (6)

در اوایل ماه مارس 1915 بریس با برقرار کردن ارتباط با وزارت امور خارجه ابتدا در مورد حاضر بودن روسیه برای بنای یک ارمنستان مختار، توصیه انجام یک توافق نامه با روسیه را می کند. بریس به خوشحال شدن ارمنه از بیاننامه ای این چینی و کمک بودن به متفقین در طول جنگ با تورکیه معتقد بود. در ماه آوریل هم در منطقه کیلیکیا ارمنه را به یک عصیان بر علیه تورک ها تشویق کرد.

در تاریخ 1915.10.02 لرد کرامر (Lord Cramer) در وزارت امور خارجه با فرستادن یک نامه به لرد کریو (Lord Crewe) با جزئیات از شروع شدن و نشدن یک مبارزه تبلیغاتی توسط حکومت انگلیس در آمریکا، با استفاده از حوادث تورک - ارمنی را پرسید. در حقیقت چهار روز بعد از سخنرانی او لرد بریس درباره ارمنه با استناد بر اطلاعات گرفته شده از منابع و میسیونر های ارمنی یک تابلوی وحشتناک رسم کرد. لرد کرامر هم بدون اینکه خبری داشته باشد و یا از روی قصد عصیان نبودن، عصیان به میان آمده از طرف ارمنه در آناتولی را اظهار کرد.

در روزهای ابتدایی اکتبر در مطبوعات، داده شدن یک نوت شدید پروتست، با نام بشریت از حکومت ایالات متحده آمریکا به واسطه سفیر خود در استانبول به حکومت عثمانی، اعلام می شد. مدتی قبل سفیر آلمان، با استناد به اطلاعات گرفته شده از کنسول گری خود در ترابزون ذیحق بودن تدابیر گرفته شده حکومت تورک در برابر تحریک و جموح ارمنی را به حکومت آمریکا اعلام کرده بود. اما انگلیس با هدف پروپاگاندا خواستار وسعت دادن به حوادث ارمنی موجود در تورکیه بود. با این هدف در آمریکا سفیر انگلیس سیسل اسپرینگ - رایس (Cecil Spring - Rice)، شروع به دادن اخبار ساختگی در رابطه با "نسل کشی ارمنی" به مطبوعات کرد. انگلیسی ها با برداشتن کار به جلوتر به شکار عکس برداری که به ادعای کوچ ارمنی و نسل کشی کمک خواهد کرد دست زداند. لیکن با افتادن به ملالت در بدست آوردن تصاویر مد نظر، در رابطه با این موضوع به لرد بریس که در وعده کمک کردن حاضر شده بود مراجعت کردند. هرچند او هم به رغم کمک رفقای ارمنی خود هیچ سندی که حوادث موجود در تورکیه را با نسل کشی بودن به تصویر بکشد را نیافته بودند. (7) زیرا "کشتار های جمعی" خیال کرده شان به غیر از یک یا دو حادثه شخصی و یا گروهی هرگز وقوع نیافته بود.

در 16 اکتبر نماینده انگلستان در واتیکان ام. گریگوری (M. Gregory) فرستاده شدن یک نامه مخصوص از سوی پاپ به پادشاه را اعلام می کند. در فوریه 1916 دولت عثمانی با اعلان انجام شدن تحریکات توسط آژان های انگلیس، روسیه، فرانسه و با تثبیت تامین سلاح توسط آنها، انگلیسی ها با فرستادن یک اعلامیه به کشورهای بی طرف و ایالات متحده آمریکا ادعای تحریکات انجام داده آنها بر روی ارمنه را انکار کردند.

در همان روزها با اعلام شدن پروتست کردن رسمی ایالات متحده آمریکا به سیاست کوچ دوات عثمانی از طرف سفیر انگلیس در آمریکا، انگلیسی ها برای بهره برداری از افکار عمومی آمریکا و ملحق شدن آن به جنگ از "حوادث ارمنی" به عنوان تکنیک پروپاگاندا، فایده بردن از این فرصت به فکرشان خطور می کند. اشخاص غیر نظامی و مشاوران نظامی همچون لرد بریس، آرنولد توینبی و آنورن ویلیامز (Aneuren Williams) که طرفدار ارمنی و دشمن تورک بودند و در سرویس های اطلاعات و خبرگیری برای انگلیسی ها تلاش می کردند، از لزوم انتشار "نسل کشی ارمنی" توسط حکومت انگلیس حرف می زداند. یک تبلیغات این چینی در داخل کشور به متفقین مانند ارمنه پشتبانی خواهد داد و حس نفرت بر ضد تورک ها را افزایش خواهد داد. در دنیای خارج هم توجه بین المللی منفی ای که در موضوع ظلم انجام شده از سوی روسیه متفق انگلستان به یهودیان بیدار شده بر روی تورک ها منعکس خواهد شد، بعلاوه حمایت کشورهای بی طرف، ایالات متحده آمریکا، یونان و اعراب هاشمی از دول ائتلاف تامین خواهد شد. (8)

وظیفه جمع کردن اطلاعات از منابع ارمنی و گزارشات میسیونری به وایکانت بریس و آرنولد توینبی از سمپاتیزان های ارمنی داده شد. این اطلاعات بعدها زیر نام "انجام گرفته ها بر ارمنه در امپراتوری عثمانی 1915-16" منتشر خواهد شد. بریس در تاریخ 1916.07.01 به وزیر امور خارجه، گری (Grey) مناسب دیدن انتخاب و جمع کردن حکایت های عمومی که بیشتر از واقعیت تاریخی دارای تاثیر گذاری می باشند را اطلاع می دهد. به اطلاعات فرستاده شده از طرف موسسات ارمنی با اعتبار ارزیابی تاریخی مشکوک است اما در آن روزها در مورد کمک گرفتن برای گرد آوری حوادث متقاعد کننده، پشتیبانی آرنولد توینبی یکی از اعضای سابق آموزش کالج بالیول آکسفورد را تامین کرد. (9)

وایکانت گری در جواب داده در 23 آگوست از بسیار آشکار و واضح بودن گزارش، در صورت انتشار متاثر کردن شنودگان مرتبط با موضوع از ته قلب و خطاب کردن به احساسات انسانی آنها را ذکر می کند. بعلاوه فقط در آن روزها به دلیل رفتار دولت عثمانی با ارامنه به تحت فشار قرار دادن آن اکتفا نکرده، در آینده هم برای مورخان خزانه ای خواهد بود را علاوه می کند. در واقع کتاب تبلیغاتی که به عنوان "کتاب آبی" شهرت کسب خواهد کرد با همکاری حکومت انگلیس و تشکیلات ارمنی حاضر شد. (10)

با آمدن به بزرگترین کمک رسان بریس، آرنولد توینی (1889-1975) (مورخ انگلیسی در بین سال های 1934-1961 با نوشتن کتاب 12 جلدی "یک بررسی بر روی تاریخ / A study of History" مشهور خواهد شد). در سال 1911 در آکسفورد بعد از مازون شدن از کالج بالیول به جهت رابطه و سمپاتی ای که نسبت به یونانی ها داشت مدتی کوتاهی به آکادمی انگلیس در آتن ادامه داد، بعد در کالجی که خود نیز در آن تعلیم یافته بود عضو آموزش "تاریخ دوران باستان" شد. در سال 1915 در دایره خبرگیری وزارت امور خارجه شروع به فعالیت کرد. در بین سال های 1921-1922، در طول نبرد آزادی تورکیه مخابرگری روزنامه منچستر گاردین را انجام داد. در طول این وظیفه خود با سود بردن از تجربیات کسب کرده در سال 1922 یک کتاب با نام "مسئله غرب در یونان و تورکیه / The Western Question in Greece and Turkey" منتشر کرد. در سال 1925 در مرکز آموزشی اقتصادی لندن، پروفیسور بررسی های تاریخ بین المللی شد و شروع به نوشتن آثاری کرد که بر شهرت او افزودند. آثار او با نام های "مدنیت محاکمه می شود" (1948) و "تورکیه، تولد دوباره یک دولت" (1974) آثار شناخته شده او در تورکیه می باشند. (11)

توینی که در زندگی خود به تورکیه و تورک ها مکان وسیعی داده؛ در طول دوران 11 (1911-1922) سال جنگ داده مرگ و زندگی تورک ها تماما یک متعصب دینی (فاناتیک صلیبی) می باشد. او ابتدا یک سمپاتیان (جانبدار حیران) یونان و بعد ارمنی است. در یک کتاب با اسم "National and International Politics in The Middle East" نویسنده ای با نام گوردن مارتل (Gordon Martel)، از توینی به عنوان یک "متخصص پروپاگاندا" بحث می کند. بنابر این منبع در اوایل ماه ژوئن 1912 در نامه ای فرستاده به مادر خود او اینگونه می نویسد: "برای اینکه انداخته شدن تورک ها از اروپا را ببینم بی صبری می کنم. چرا که آنها تنها خشن و مهاجم نیستند در همان زمان احمق و تنبل هم می باشند. به مورد گرفتن قرار ملحق شدن تورکیه به جنگ، این قرار هم کار را راحت خواهد کرد. زمانی که از پای سفره بلند شویم از تورکیه حتی تکه ای هم باقی نخواهد ماند" و در ادامه مطلب توینی را "موثر و خشن" توصیف می کند. (12) مورخ مشهور در آن روزها کاملاً زیر تاثیر رفقای یونانی خود قرار دارد. البته به این مورد نمی شود اعتراض کرد، حس نفرت و علاقه نسبت به یک ملت حق طبیعی بعضی افراد می باشد، اما در رابطه با بعضی از ادعاهای موضعی و توضیحات انجام داده او اعتراض داریم، همانند ملحق نشدن مان به دیدگاه های تک طرفانه وی، مدعی هستیم که او به دروغ و اخبار ساختگی بیش از حد التفات کرده است. این حقیقت را شخصا از قلم او با این جملات خواهیم دانست:

"صاحب فرصت هایی که ابتدا روابط تورک و یونان را در دست مطالعه خواهد کرد بودام. از نوامبر 1911 تا آگوست 1912، بلافاصله نه ماه قبل ام از جنگ بالکان را در مناطق تاریخی یونان، شبه جزیره گیریت و آتوس با قدم به قدم گشتن طی کردم، جغرافیای فیزیکی کشور مهمترین صحنه علاقه ام شد. در رابطه با زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه مدرن چیزهای زیادی یاد گرفتم. در طول جنگ اروپا همراه با لرد بریس، از طرف حکومت انگلیس در سال 1915 "معامله انجام گرفته بر ارامنه در امپراتوری عثمانی / Treatment of Armenians in the Ottoman" و در سال 1916 "انتشارات متفرقه / Miscellaneous No.31" را زیر نام اسامی ذکر شده "کتاب آبی" منتشر شده مشهور را حاضر کردم. بدین وسیله درباره بی اعتمادی موجود در اداره تورک ها و دیگر مردمان هر چیز که دانسته شدن آن لازم بود را آموختم. بعد از این دایما در سرویس های اطلاعات و خبرگیری در میدان های مرتبط با تورک ها فعالیت نشان دادم (از ماه مه 1917 تا ماه مه 1918). بعدتر در ماه های مه و دسامبر سال 1918 در بخش اطلاعات سیاسی وزارت امور خارجه و در بین تاریخ های دسامبر 1918 تا آوریل 1919 باز با نماینده وزارت خارجه بودن در کنفرانس صلح پاریس فعالیت کردم. بین 1919-1920 هم در بخش بیژانس دانشگاه لندن به شرف آموزش تاریخ و ادبیات زبان یونانی مدرن نائل شدم." (13)

این حرف ها اظهار یک اعتراف آشکار در یک شکل بسیار واضح می باشند. نویسنده که خود را منبع درجه یک، اظهار و ایماء می کند؛ تا آن زمان فقط یونان را دیده، تمام اطلاعات را از آلمان های یک کشور مسیحی دشمن تورکیه گرفته بود. پیش داوری ها و اعتقادات او از شناختن انسان تورک نیست، بلکه برعکس اصلاً از نشناختن آن ریشه گرفته است. خارج از موجود بودن در پیش داوری بر ضد تورک ها با احساسات نفرت هم پر می باشد. جای گرفتن انسانی این چنینی در سیستم پرواگاندای دولت بزرگی همچون انگلستان برای ارامنه و رومی ها هر چقدر که خوش شانسی محض می باشد، از زاویه تورک ها و حقیقت ها هم به همان اندازه یک بد شانسی بزرگ می باشد.

"در تاریخ 1920.10.20 اجازه گرفتم، در 1921.01.05 به آتن رفتم. با گشتن آتن، ازمیر، مانيسا، بورس، یالوا، ازمیت، ازمیر، آتن، سلانیک و استانبول در 15 ماه سپتامبر به لندن برگشتم." (14) بنابر این اظهارات توینی تورکیه و تورک ها را هم دیده و منظره شناختن می دهد. هرچند از 1920 تا 1921.09.15 تمام مناطقی که در آنها سیاحت کرده "منطقه زیر اشغال یونان"، استانبول و قسمت تنگه ها هم توسط کشور او انگلیس و متفق های او منطقه زیر اشغال می باشند. توینی نه به تلاش برای شناخت تورک ها و نه تورکیه وارد شده

بود. تمام دقت خود را به ارمنه و یونانی ها، یعنی به آخرین جامعه مسیحیانی که زیر اداره عثمانی مانده بودند داده بود. بعلاوه توینبی که به عنوان یک متخصص تاریخ وارد کادر شده است، بدون اینکه بداند حکومت عثمانی در منطقه خود بیش از 600 سال در بنیه خود انسان هایی از ملت های مختلف با دین، مذهب و زبان ها بسیار متفاوت را در یک میان توانسته بود راضی نگه دارد، توهین او به اداره تورک هیچ طرفی که معذور دیده شود نخواهد داشت.

دیدگاه های او در رابطه با ارمنه به طرز غیر قابل باوری محصول طرفداری می باشند.

"در ایالت های شمال شرقی تورکیه از سال 1895 انجام نسل کشی بر روی ارمنه از طرف مسلمانان بحال وسیعی رسیده بود." (15)

"ارمنه با هدف تامین کمک رسان بودن کشورهای خارجی در انجام کارهایی بر آنها، خود را توسط تورک ها بقتل رسانده بودند." (16)

توینبی در دوران جنگ تنها بر علیه تورکیه نه، بلکه در مبارزه تبلیغاتی فعالیت نشان داده شده بر علیه آلمان هم نقش گرفته بود. در مدت نزدیک به دو سال گرفتن انجام وظیفه درون سیستم انتشاراتی مانند "ترور آلمان در بلژیک"، "ترور آلمان در فرانسه، قتل عام ارمنی، مرگ پرستار کاول (Cavell)" را حاضر کرد و مورخ انگلیسی منتخب "یک متخصص پروپاگاندای ظلم ساختگی" شده بود. (17)

در واقع "کتاب آبی" مشهور حتی بدون کنترل شدن صحت داشتن و نداشتن اطلاعات درون، کاملاً با استفاده از منابع ارمنی حاضر شده و شخص توینبی هم با سخنان خود "احمقانه بودن انتشار و پخش آن به عنوان یک کتاب پروپاگاندای جنگ" (18) را توصیف می کند.

در سال 1916 "The New York America" به تمام آمریکایی ها در توصیه حمایت از مجادله انگلستان مسیحی و فرانسه مسیحی در برابر دشمنان وحشی قرار گرفته بود. نخست وزیر سابق هربرت هنری آسکویت (Herbert Henry Asquith) و استنلی بادوین (Stanley Baldwin)، هر دوی آنها همراه با نخست وزیر رامسای مک دونالد (Ramsay MacDonald) در یک سخنرانی انجام داده در سال 1924، استفاده از کتاب آبی در بین سال های 1916-1917 به عنوان یک ابزار پروپاگاندای متفقین در یک شکل وسیع و به تحت تاثیر کشاندن قرار نهایی درباره ملحق شدن مردم آمریکا و رئیس جمهور ویلسون به جنگ را اظهار کرده بودند. (19) ایالات متحده آمریکای بی طرف که نتوانسته بود بیش از این بر فشار تبلیغاتی و افکار عمومی تحمل کند، در نتیجه عصیان بلشویک در ماه مارس سال 1917 و به دلیل میل عقب کشیدن روسیه از جنگ، در ماه آوریل همان سال، یعنی بلافاصله بعد از انقلاب روسیه به جنگ در کنار انگلیس و فرانسه ملحق شد.

متمرکز کردن تنفر انگلیسی ها بر روی تورک ها برای جنگجویان حائز اهمیت حیاتی می باشد، حتی این سربازان هم به ادعای نسل کشی بی امثال انجام گرفته بر روی یک جمعیت مسیحی معصوم و یا حکایت های ساختگی پر از شدت نمی توانستند تحمل کنند. هرچند دقیقاً همانند کشیش آلمانی لپسیوس، لرد انگلیسی بریس، متخصص تاریخ توینبی و محیط های ارمنی از منظر ابزار تبلیغاتی به ملالت افتاداند. آنها هم همانند کارهایی که لپسیوس انجام داده بود به سفیر آمریکا هنری مورگنثاو (Henry Morgenthau) که مانند نماینده یک کشور بی طرف دیده می شد اما با هر حال خود مثل یک فرد کشورهای ائتلاف فعالیت می کرد مراجعت کردند و از او کمک خواستند.

بریس با فرستادن یک نامه به سفیر ایالات متحده آمریکا مورگنثاو که در طول بازدید از فلسطین در سال 1914 با او آشنا شده بود، اینگونه می نویسد: "اگر از میسیونر های آمریکای که در آناتولی به صورت وسیعی موجود می باشند، زمانی که یک استخبار توضیح دهنده وضعیت می رسد، بعضاً باید اجازه دیدن آنها را بدهید." مورگنثاو بنابر این خواسته گزارش های فرستاده شده از طرف میسیونر ها، کنسول گری ها و سیاحان را می فرستد. مثلاً یک گزارش فرستاده شده از طرف جی. بی. جکسون (J.B. Jackson) کنسول آمریکا در حلب، در کتاب آبی منتشر شد. مورگنثاو در مجله Red Cross منتشر شده در ماه مارس سال 1919 این کمک را با این سخنان اعتراف می کند. "اکثر اطلاعاتی که من صاحب آنها هستم در اصل در اثر مستند مکمل حاضر شده وایکانت بریس یعنی کتاب آبی منتشر شده بود." (20)

معرفی کامل هنری مورگنثاو سفیر ایالات متحده آمریکا در استانبول و دو دستیار مترجم ارمنی او در اینجا موضوع بحث ما نمی باشد. هرچند آشکار ساختن این مورد مفید خواهد بود که این سفیر یهودی الاصل متخصص مالی و صهیونیست های پشت او در آن روزها نقشه های بزرگی دارند و برای تحقق این نقشه ها مغلوبیت دولت عثمانی و متفق های او در این جنگ لازم بود. یعنی ورود ایالات متحده آمریکا به جنگ برای به واقعیت رسیدن خیالات این اشخاص شرطی می باشد.

با هدف کسب کردن افکار عمومی آمریکا، انگلیسی ها در طول شروع مبارزه تبلیغاتی غول آسا، برای نوشته شدن به مطبوعات آمریکا هم قسمت های مهم گزارش بریس را پخش می کنند. روزنامه هایی مانند The New York Times، Philadelphia Public Ledger و Chicago Herald شروع به جا دادن بیش از حد، به این افسانه های وحشت ارمنی کرده بودند. در مجله ماهانه Current History که از طرف New York Times منتشر می شد، قسمت ورود طولانی گزارش بریس مستقیم داده می شد و مقاله های ضد تورک خلاصه

شده از وحشتناک ترین قسمت های مرتبط با قساوت تورک در گزارش به عنوان سری صفحات میانی داده می شد. روزنامه نیویورک تایمز سه صفحه خود را به انتقال گزارش بریس اختصاص داده بود. New Republic از بریس به جهت انتخاب منابع و دلایل خود ستایش کرده بود، هرچند از تخلص بودن (دارای نام مستعار و ناشناخته) اکثر منابع هیچ بحثی نکرده بود. برعکس آن خلاصه گزارش داده شده و تورک ها انتقاد شده بودند. روزنامه ها و مجله های دیگر هم همان کار را انجام داده بودند، یا خلاصه گزارش و یا اقتباس هایی از گزارش را منتشر کرده بودند. (21)

مهمترین خصوصی که در اینجا می خواهیم به دقت گرفته شود: حاضر شدن اطلاعات جای گرفته از طرف نماینده یک کشور بی طرف، سفیر ایالات متحده آمریکا برای حکومت انگلیس به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای تبلیغات جنگ متوجه به تورکیه می باشد و حکومت انگلیس، برای وارد کردن مردم ایالات متحده آمریکا بر جنگ علیه دولت عثمانی و متفق او آلمان از آنها استفاده کرده است. در شکلی که دیده می شود دقیقاً همانند کاری که نویسندگان سمپاتیزان ارمنی انجام داده اند، مهمترین منبع در حاضر شدن کتاب آبی انگلیس هم سفیر آمریکا در استانبول هنری مورگنتاو و رفقای ارمنی او می باشند.

کتاب آبی مشهور چیزی جزء یک کتاب تبلیغاتی حاضر شده در دوران جنگ که حاوی محتوای گفته و شنیده شده از دهان و گوش دوم می باشد و پر از نوشته های تحریف شده بر سر میز که اکثر آنها غیر واقعی بوده و یا حکایت های مبالغه شده می باشند، نیست.

چنانکه، آرنولد توینبی در صفحه 50 اثر خود با نام "The Western Question in Greece and Turkey" کتابی برای "تبلیغات جنگ" بودن کتاب آبی را اعتراف می کند. اظهارات درون کتاب دقیقاً اینگونه می باشد: "کتاب آبی در صورت لزوم به عنوان یک تبلیغات جنگ منتشر و توزیع شد." (Blue Book which was duly published and distributed as a war propaganda). توینبی نهایت در صفحات 149 و 152 اثری دیگر با نام "Acquaintances" از ناشی شدن کدام دلایل در ورود به تبلیغات بر ضد دولت عثمانی و حس پشیمانی که ملحق شدن به این اقدامات در او آفریده را توضیح می دهد و بر ابزار پروپاگاندای متقابل بودن کتاب آبی تاکید می کند.

کتاب آبی حاضر شده از طرف متخصص دایره تبلیغات جنگ انگلیس آرنولد توینبی با اعتبار اساسی قسمتی از پروژه "بیرون انداختن تورک ها از آناتولی" از سوی نخست وزیر انگلیس داوید لوید جورج (David Lloyd George) همانند نخست وزیر گلاستون (Gladstone) می باشد. علارغم فاش شدن محتوای این کتاب به عنوان یک محصول مبارزه افتراء و تحقیر، کشف دلایل توصیف کننده ساختگی و تحریفی بودن محتوای اسناد و گزارش های این کتاب و قبول شدن آن به عنوان یک ابزار تبلیغات جنگ از سوی ناشر، ادعا کردن عده ای در منعکس کردن حقایق، هم اکنون هم توسط کتاب آبی، هیچ ارتباط ممکن با شعور، منطق و عقل سلیم ندارند.

با این حال کتاب آبی در سال 2000 با بررسی مجدد با پیش گفتاری از مورخ ارمنی آرا سارافیان (Ara Sarafyan) از نو منتشر می شود. با اینکه ناشر اصلی کتاب از آن به عنوان یک ابزار تبلیغاتی جنگ سخن می گوید، اشخاصی همچون سارافیان ادعای قابل اعتماد بودن "کتاب آبی" در مفهوم "علمی" را دارند. اگر حقایق آشکار و پذیرفته شده از سوی ناشر اصلی کتاب را ملاک قرار دهیم اعمالی که امثال سارافیان انجام می دهند چه معنی ای می دهند؟ و آن را واقعا باید چه نامید؟

1) Mosa Anderson, Noel Buxton, A Life, London, 1952, s.8

2) Ana Britannica Cilt -6, s.402.

3) Figen Ünal Şen, Sabah Gazetesi 5 Ocak 1998, Ağrı Dağı Efsanesi, Nuh'un Gemisi nerede? Hüdavendigâr Onur illeti Sadıkadan Haykırı Çocuklarına s.15 (İstanbul-1999)

4) Salahi R. Sonyel: The Great War And The Tragedy of Anatolia, Turks And Armenians in The Maelstrom of Major Powers, s.145 (TTK-2000)

5) Georges de Maleville, 1915 Osmanlı -Rus - Ermeni Trajedisi s.87 (Çev. Necdet Bakkaloğlu, Toplumsal Dönüşüm Yayınları, İstanbul -1998).

6) E.Granville, a.g.e, s.62-63.

7) S.Sonyel, The Great War, s.140.

8) Aynı Eser, s.141-143.

9) Aynı Eser, s.144.

10) Aynı Eser, s.144.

11) Ana Britannica C.30, s.171, 172.

12) Edward Ingram (editing). National and International Politics in The Middle East, P.71 (London -1986).

13) Arnold Toynbee, The Western Question in Greece and Turkey, s.VIII (London -1992).

14) Aynı Eser, s.VIII.

15) Aynı Eser, s.17.

16) Aynı Eser, s.35.

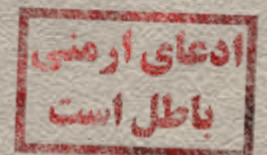
17) S.Sonyel, The Great War, s.140.

18) A.Toynbee, a.g.e, s.50.

19) Salahi R. Sonyel, The Great War, s.148 (TTK, Ankara-1987)

20) S.Sonyel a.g.e., s.147-148.

21) Justin Mc Carthy: Birinci Dünya Savaşında İngiliz Propagandası ve Brice Raporu, Osmanlıdan günümüze Ermeni Sorunu, s.32 (Yeni Türkiye Yayınları, Ankara-2001)



○ گزارش تیمسار بل هویتینو

تیمسار لونید مینترفانوویچ بل هویتینو (Leonid Mitrofanoviç Bolhovitinov) که عمر او در جبهه ها و میدان های جنگ سپری شده بین سال های 1906-1901 در خاور دور فرمانده وظایف مختلف هدایت در جنگ های علیه چین و ژاپن می باشد. لیکن در مورد مسئله ارمنی مهمترین نکته، تعیین بل هویتینو به عنوان ریاست ستاد قرارگاه ارتش قفقاز در سال 1914 و در طول جنگ ساریکامیش در 1914.12.24 می باشد.

اهمیت تاریخی گزارش بل هویتینو: تیمسار بل هویتینو گزارش خود را در طول انجام وظیفه نوشته بود. بل هویتینو که منحرف شدن واحدهای ارمنی از قواعد و دستورات و مخابره اطلاعات اشتباه توسط آنها به حکومت تزار روس را دیده بود، با هدف تصحیح این تحریفات گزارش خود را به قلم می گیرد.

بل هویتینو از زاویه تاریخی دارای دو اهمیت می باشد. اولین اهمیت زمان جریان حوادث مرتبط با مسئله ارمنی مهمترین تمثیل کننده تزارگری روس می باشد که با عثمانی جنگ می کرد. او در راس فرماندهان سوق و اداره کننده جنگ قرار داشت. در این معنی تقرب او به مسئله مهم می باشد. لیکن دومین اهمیت با دور بودن او از طرفداری عینی فرض شده، در مورد صحت نوشته های او، منبع عطف کنندگی وی در نزد اشخاص علمی جدی که با مسئله در ارتباط هستند می باشد.

خطوط اصلی گزارش بل هویتینو: مسئله ارمنی از طرف قدرت های جهان خوار درون یک پروسه برنامه ریزی شده معنی پیدا کرده بود. خصوصاً با پشتیبانی و تلاش های حکومت انگلیس بنای یک "ارمنستان بزرگ" وابسته به آنها و در همان زمان وظیفه یک (دولت) تامپون بین تورکیه و روسیه به آن بار خواهد شد. چرا که هر گونه اتحاد محتمل تورک - روس از زاویه منافع انگلیس در منطقه در وصف یک ضربه می باشد.

با این هدف او هام افلیج ارمنستان بزرگ و مستقل، با رفتن ارامنه روشن فکر غیر عثمانی به اروپا و با مسکون شدن آنها قسمت کار بر روی اعمال کردن افکار عمومی در اروپا شروع به تلاش کرده بود.

لیدرهای ارمنی با تحت تاثیر قرار گرفتن از رویای "ارمنستان بزرگ" که تحقق آن غیر ممکن بود، برای دیپلماسی دول امپریالیست اروپایی مردم ارمنی را به عنوان یک قربانی تقدیم کرده بودند. لیکن دسته های غدار ارمنی با تحریک عصیان های ساختگی برای تحقق اهداف تصور شده، با راندن فعالیت های حجیم تبلیغاتی و با اجراء هر گونه تجاوز بر روی نفوس مسلمان فیتله این کشتار متقابل را آتش زده بودند.

در طول جنگ جهانی اول توسط واحدهای داوطلب ارمنی بنا شده به مورد جنگیدن در کنار ارتش روس هدف کسب مختاریت برای ارامنه گرفته شده بود. در صورت تامین شدن این هدف لیکن از طرف دانشاکیان به ارامنه دستور جنگ بر علیه روس ها و تورک های آذربایجان داده شده بود.

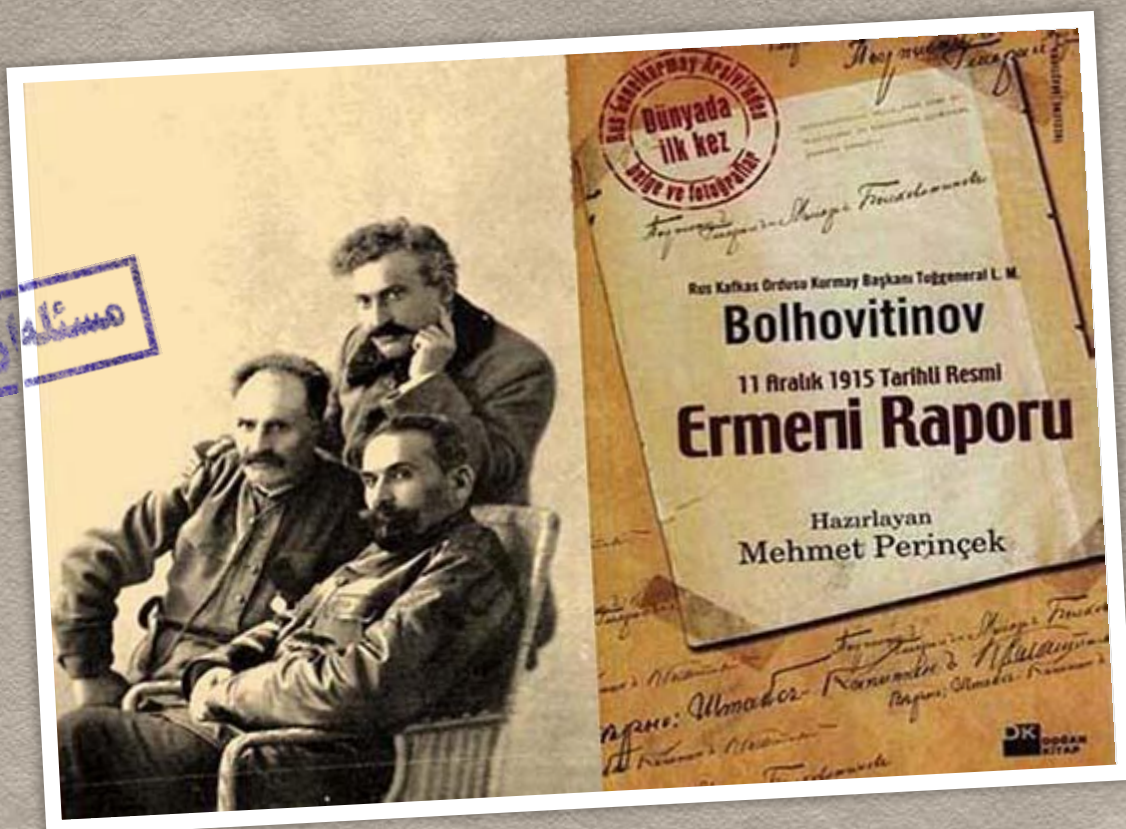
در بین واحدهای داوطلب ارمنی به دلیل تفرقه های حزبی تناقضات و بحران های جدی بسیاری به میان آمده بود. این تناقضات به اتهامات سنگین حتی تا جنایت ها هم رسیده بود. در این معنی حرکت داوطلبان بعد از یک مدت کوتاه با گم کردن خصوصیت "ملی" به حال یک آلت غوغای سیاسی تنگ در آمده بود.

حرکت داوطلبان ارمنی در طول جنگ جهانی اول در مناطق اشغال شده از طرف واحدهای روس بر علیه مردم مسلمان و به طور کلی غیر ارمنی، وارد یک حرکت تهاجم آمیز نژادپرستانه نابوسازی و به تاراج بردن اموال آنها شده بود. لیکن این اجراءات که در آخرین درجه برنامه ریزی قرار داشت قبل از قرار تهجیر شروع شده بود.

اسناد دولت تزار روس از گزارش بل هویتینو پشتیبانی می کنند: حال تقریب های رئیس ستاد ارتش روس قفقاز تیمسار ال. ام. بل هویتینو بر علیه بعضی از منسوبان حرکات داوطلبان ارمنی را با چند نمونه باز کنیم:

"...دادگاه دسته وابسته به واحدهای آذربایجان - وان، در روز 1916.09.10، با تجمع هیئت لازمه، متهمانی از داوطلبان ارمنی وابسته به واحدهای داوطلب ارمنی 3 و 4؛ اکنون دعوی مرتبط با مجرمانی چون سنو آروتونیان (Seno Arutunyan)، های و ایک اوهانیان (Hay ve Ayk Ohanyan) و متهمان دیگر که جمعا هشت نفر می باشند را ببینیم: با مجرم دیدن آنها در تجاوز به زنان و دختران کُرد، شکنجه مقصد دار و زخمی کردن مرگبار 26 نفر زن و کودک، به اعدام تمام متهمانی که ذکر شداند و گرفتن امتیازات آنها قرار داده شد..." (1)

اس. ورامیان (S. Vramyan) یکی از صلاحیت داران بعضی از کمیته های ارمنی و کمیته اداره واحدهای ارمنی که از تشکیلات های موثر حرکات ارمنی بودند در نامه خود به اچ. دارپینیان (H. Darpinian) در بستون، کاتوگیکوس رهبر روحانی ارمنی را اینگونه ارزیابی می کند:



وارتان (Vartan)، کری (Kerri) و آمازاسپ (Amazasp) از سرکردگان واحدهای داوطلب ارمنی
گزارش رسمی ارمنی به تاریخ 1915.12.11 توسط رئیس ستاد ارتش روس قفقاز تیمسار ال. ام. بل هویتینو - تهیه کننده و مولف محمد پرینچک

"...همان گونه که می دانید کاتوگیکوس، یک آدم ضعیف است. لزومی به نوشتن اداره کردن این شخص توسط اشخاصی که در اطراف او هستند وجود ندارد. برای شما قبلا هم در مورد او نوشته بودم: از ازمیرلییان (İzmirliyan)، هیریمیان (Hirimyan) و یا اورمانیان (Ormanyan) کاملا متفاوت است. یک پیر خرفت بی شخصیت، ضعیف و بی مزه...

عقلان را گم کردیم، تعدادی خطا انجام می دهیم، از چپ و راست بر روی مان کثافت سرایت می کند، امکان توسعه افق تلاش هایمان را گم کرده ایم. شما، باید به ما در این مورد کمک کنید، باید از طریق مطبوعات این هوا را تمیز کنید. تمام ابزارهایمان به پروپاگاندا و روشن کردن ما هدایت شود. چرا که اشخاص زیادی شروع به گرفتن رفتار بر علیه ما کرده و ما را از سوی داوطلبان (ارامنه جانی که دسته های پارتیزان را تشکیل می دادند) مقصر می دانند..." (2)

در واقع علاوه بر گزارشات اشخاصی چون آد میرال مارک لامبرد بریستول (Amiral Mark Lambert Bristol) و ژنرال جیمز جی. هاربرد (General James G. Harbord) که با نوشتن حقایق، هم اسطوره اختلاقی کشتار جمعی ارامنه و هم مبادرت ها برای تحقق خولیای سقیم ارمنستان بزرگ را به انکسار کشانده اند، زیر سایه گزارشات مرتب و با برنامه تیمسار بل هویتینو در مدت انجام وظیفه، امروز به ادعاهای وقیحانه و صورتی رنگ نسل کشی ارمنی که زیر آن خالی و بی مسند می باشند یک جواب ثابت با وقایع و علمی داده می شود. علم یک قاعده ساده و بسیار واضح دارد: "صداقت بر حقایق" زمانی که این قاعده اصلی را راهنما قرار دهیم، فقط محدود بر تصدیق دیروز نمی ماند، می تواند امروز را درک کند و برای فردا تصورات خلاقانه و واقع بینانه تشکیل دهد.

ادعای ارمنی
باطل است

1) Bolhovitinov, L. M., 11 Aralık 1915 Tarihli Resmi Ermeni Raporu, Haz.: Mehmet Perinçek, sayfa, 23, Doğan Kitap, Mart 2009, İstanbul
2) Age, sayfa 28

○ تحریفات انجام گرفته در کتاب های نوشته شده از طرف مورخان ارمنی

خلاصه: در این مقاله سال 1991، از زاویه تاریخ ارمنی و اسنادی که موضوع تاریخ ارمنی را به دست می گیرند به عنوان یکی از نقاط مهم گسیختگی قبول می شود. چرا که، اشخاص سیاسی و روشنفکران ارمنی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای ارمنستان که شانس یک کشور مستقل و دولت بودن را داشته نیاز به یک تاریخ جدید را احساس کرده اند. این نیاز فراموش کردن اسناد موجود در کتاب های نوشته شده در دوران شوروی و نابود کردن اسناد را شامل می شود.

در سال 1918-1920 درون مرزهای ارمنستان امروزی یک دولت مستقل و کوچک ارمنی موجودیت نشان داد. در دوران ذکر شده، پارتی داشناک در راس امور قرار دارد. لیکن در کتاب های نوشته شده تاریخی و درسی در دوران اتحاد شوروی ناموفقیت های پارتی داشناک در آن دوران نوشته شده است. در نتیجه این ناموفقیت ها استقلال ارامنه را به روسیه شوروی تسلیم کرده بودند.

برای ارامنه، از سال 1991 به بعد زمانی که یک تاریخ جدید نوشته می شود، خصوصاً موتیف و نقش و نگار کار شده بر روی "نسل کشی صوری ارمنی" هم بسیار جلب توجه می کند. این موتیف در کنار بیدار کردن شعور ملی در ارامنه و زنده نگه داشتن این شعور، برای هدف گرد آوردن سمپاتی (دلسوزی و هم حیرانی) افکار عمومی دنیا هم استفاده می شود.

در این مورد هم باز تناقضات خلق شده از طرف اشخاص سیاسی و روشنفکران ارمنی از سوی مورخان ارمنی به قید ها وارد می شوند. مثلاً: در دوران قبل از 1991 بعضی از "بنای های یادبود قهرمانی" علم شده در ارمنستان امروز به افکار عمومی دنیا به گونه ای که گویا "بنای یادبود نسل کشی" بودند شناسانده می شوند.

در دوران قبل و بعد از 1991 تحریفات انجام گرفته در کتاب های نوشته شده از طرف مورخان ارمنی (1): بعد از سال 1991، در پروسه تعقیب کننده فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مانند اتحاد ایجاد کننده بعضی از خلق ها، ارامنه هم شانس یک دولت مستقل را به دست آوردند. در نتیجه این حادثه، آرایش هایی جدید که روابط خارجه تورکیه را از نزدیک به خود علاقه مند می کراند به میان آمدند. در مرزهای شمال شرقی تورکیه دولت هایی که ارمنستان هم در بین آنها وجود داشت نمایان می شوند.

روابط همسایگی تورکیه با ارمنستان مسئله دار شروع شد. یکی از دلایل مهم آن هم، تقلاهای مصرانه ارامنه می باشند که برای قبول شدن "نسل کشی صوری ارمنی" از سوی تورکیه در افکار عمومی ارمنی و دنیا به مدت ده ها سال آن را رانده اند. درون این تقلاها تنها متون کتبی و تصویری وجود ندارند، اعمال تروریستی که تشکیلات هایی مانند ASALA به واقعیت رساندند هم وجود دارند. (2)

اعضای ASALA که به این اعمال ملحق شده اند از طرف حکومت فعلی ارمنستان به عنوان قهرمانان ملی معرفی شده (3) و علم شدن بنای یاد بود آنها، به مورد داخل بودن ترور انجام گرفته بر علیه تورکیه، داده ای می باشد که نشان دهنده مورد پسند قرار گرفتن تمام این حرکات در سطح دولتی می باشد. آخرین نمونه آن هم علم کردن یاد بودی برای قاتل طلعت پاشا (Talat Paşa)، تهلریان (Tehleryan) در سال 2006 در ایروان می باشد. (4)

ادعای "نسل کشی" یکی از ماتریال های اصلی جنگ روانی رانده شده بر علیه تورکیه می باشد و موضوعی برای استفاده های چند سویانه می باشد. حصول مادی قبول کردن ادعاهای ارمنی از طرف تورکیه برای ارامنه خاک و تضمینات طلب شده از تورکیه خواهد بود. این طلب ها، فعالیت های رانده شده بر علیه تورکیه و تورک ها (ی منطقه) تنها متعلق به صاحبان پروژه (ارمنستان بزرگ) نیست، برای تامین پشتیبانی و کمک هر شخص با ریشه قومی ارمنی یک پاداش مهم می باشد.

لیکن حصول معنوی موفقیتی این چنینی حل مسئله هویت ارامنه را تضمین خواهد کرد. در این مفاد، ادعاهای "نسل کشی"، مردم ارمنی را در یک میان جمع خواهد کرد و برای خلق خولیای یک دشمن در تقدیم شدن ماتریال های مناسب هم کمک می کند. لیکن در ادامه، قید شدن یک افسانه "مظفرانه" درباره امپراتوری عثمانی که زمانی ابر قدرت جهان بود را در تاریخ ارمنی خواهد داشت.

حتی در کتاب ها و دایرة المعارف های نوشته شده امروز هم داده هایی که نقش و نگار اعمال شده را مستند می کنند وجود دارد. برای این مورد از دایرة المعارفی با نام "Voskeporik" که به زبان ارمنی برای کودکان حاضر شده یک نمونه عینی بدهیم.

در منبع این مراجعت آندرانیک اوزانیان (Andranik Ozanyan) (برای شناختن آندرانیک لازم نیست به موضوعی دور مراجعت کرد همین که این کاراکتر سفاک ارمنی برای تحقق یک ارمنستان بزرگ در مناطقی از غرب آذربایجان جنوبی مانند اورمیه، سلماس و خوی هم وارد کشتار و نابود سازی مسلمانان و مسکون سازی اقلیت های مسیحی کرده تا ارمنستانی بنا و آن را به ارمنستان قفقاز الحاق کند کافی می باشد). در حالی که تبعه عثمانی می باشد به ارتش های بلغار و روس برای جنگ انجام گرفته بر علیه عثمانی ها ملحق شده، عصیان های ارمنی شرق آناتولی را تحریک و بر این عصیان ها سرکردگی کرده اینگونه معرفی می شود:

"از آندرانیک در مورد، خوش بخت ترین روز زندگی تان چه روزی است؟ می پرسند. او هم در جواب، نزاع انجام گرفته یک گروه کوچک متشکل از مردان و زنان ارمنی با اصول خودشان در برابر حمله های بسیار برتر تورک از نظر تعداد در نزدیکی هایی روستای گومر ارمنستان غربی (آناتولی شرقی) را خاطر نشان می کند." (5)

نتایج تحقیق، یکی از شروط اصلی حراست حافظه اجتماعی را با تقویت فعل بخاطر آوردن به میان می گذارد. لیکن برای بخاطر آوردن مطمئن ترین ابزار مراجعت، از خزانه های مدنی مانند متون تاریخ و صنعت، نقشه ها، یادبودها، رسوم و آئین تشکیل می شود. در این مفاد، روشی که استفاده خواهیم کرد را با متناسب بودن بر نوع طلب های متعلق به صنعت و ادبیات مورد بررسی مان معین خواهیم کرد: این متون با اشخاصی که در تاریخ ارمنی ذکر شده و اطلاعات مرتبط با حوادث و اسنادی که تحریف انجام گرفته یا نگرفته بر روی این اطلاعات را نشان خواهد داد می باشند. لیکن اسناد بترتیب وقایع نبوده و با متناسب بودن محتوای آنها بنابر اصول مقایسه تقدیم خواهند شد.

موضوع مورد بررسی مان، تاریخ مردمی است که اصطلاح دولت مستقل بودن آنها محدود به دوران بعد از 1991 می باشد. سیر تکامل آن این می باشد: بشریت با اختراع خط نوشتاری وارد "تاریخ کتبی" شد. حقیقت تاریخ معاصر، با امکانات تقدیم شده از سوی تکنولوژی تصدیق شده و با تکیه دادن بر اسناد تایید شده با اصول مقایسه نوشته می شود.

علازم این مردمانی که عرف دولتی نمی توانند تشکیل دهند هنوز هم رسم تاریخ کلامی و متمرکز به داستان زندگی اشخاص را با ذاتی کردن آن به نسل های بعدی در حال انتقال دادن می باشند. از این نظر تاریخ ارمنی یکی از نمونه های قابل توجه می باشد. چرا که، در تاریخ گری ارمنی تاریخ کلامی تنها برای تداوم عرف خود نیست بلکه برای معین کنندگی هم مقاومت نشان داده می شود. مورخان معاصر تاریخ کلامی را انکار نمی کنند، اما گواهی اشخاص و تاریخ به قلم گرفته شده با خاطرات را هم به عنوان تاریخ تناوبی (یدکی و چاره ای) نمی بینند.

در جوامعی که عرف تاریخ کلامی را می رانند اسطوره ها و افسانه ها با یک حجم قابل توجه پرورش می یابند. در این نقطه عامل هایی مانند دید جهانی، سطح آموزشی، ساختار روانی و هدف های که می خواهد برسد در فرد تفسیر کننده تاریخ اهمیت کسب می کند. چون که، آدرس انتخاب شده از طرف مفسر حافظه اجتماعی قشر وسیع مردم می باشد که در مقیاس مهمی با اطلاعات منتقل شده از اسطوره های مورد بحث و با تخیلات خلق شده در افسانه ها بنا می شود. این وضعیت تاریخ را از یک کیفیت خاص بهرمند می کند. این را با داده عینی نمایش دهنده خصوصیت تناقضی موجود در تفکر "آزادی" روشنفکران ارمنی مثال بزنیم. در کتاب درسی حاضر شده از طرف ای. اس و سی. اس غریبیان (A.S.Garibyan ve C.A Garibyan) برای اشخاصی که می خواهند زبان ارمنی آموزش ببینند متنی متعلق به نویسنده ارمنی خاچاتور آبویان (Haçatur Abovyan) (1809-1848) جای گرفته است:

"بعد از روز پنجم محاصره، پرس هایی که دیگر امیدی به نجات نداشتند چند نفر از بین خود را انتخاب کردند. آنها در آخرین لحظه با بیرون آمدن کلید قلعه را تسلیم کردند. ایروان منظره ای این چنینی را ندیده بود. تا زمانی که جان ارامنه سالم و زبان شان زنده است آن لحظه مقدس ورود ارتش روس به قلعه برای تبریک رهایی ارامنه فراموش نخواهد شد. مردان و زنان پیر، کودکان و دختران جوان از نجات دهندگان استقبال کردند، آنها را تقدس و گردن سربازان را بغل کردند. فرماندهان و سربازان روس پر از وجد و سرور بودند. زندگی آنها به ارمنی تقدس یافته بود." (6)

در این متن آبویان، بیشتر از شرح یک افسانه رهایی، سوگند صداقت بر ارباب جدید را می خورد. علاوه این، جا دادن به این متن در کتاب هایی با موضوع درس از طرف متخصصان زبان شناس غریبیان که در عالم علوم ارمنی صاحب شهرت می باشند، یک نمونه بارز مستند کننده مورد پسند قرار گرفتن تفکر "آزادی" آبویان بدون انتقاد در بین روشنفکران معاصر ارمنی می باشد.

استقلال مردم ارمنی با اعتبار عمومی در نتیجه تصادفات که از خلاء سیاسی متقابل با ضعف دولت های حاکم بر آنها و یا همسایه کسب شده است. این تفکر را در نمونه هایی از گذشته می توانیم ببینیم. جمهوری مستقل ارمنی بنا شده در سال 1918 در ادامه فروپاشی امپراتوری های عثمانی و روس و بنا شدن جمهوری ارمنستان بعد از فروپاشی شوروی در سال 1991 در وصف پشتیبانی از این تز می باشد. علاوه بر اینها، می دانیم که، بر روی خاک های آناتولی در مدت زمان شش قرن حاکمیت امپراتوری عثمانی هیچ دولت ارمنی بنا نشد، در زمان ملحق شدن به دولت عثمانی هم ارامنه هیچ دولتی نداشتند. (7) در جغرافیای (اطراف سوغود/ سوپود) بنا شدن دولت عثمانی ارامنه فاقد موجودیتی که بتوان آن را به عنوان سیاسی قبول کرد بودند. اگر کمی به عقب برویم، در دوران تورک های سلجوقی هم می توانیم از عدم وجود هویت دولت ارمنی سخن گفت. (8)

در گذشته دور، یعنی زمان امپراتوری های پرس و روم هم موجودیت یک دولت ارمنی قید نشده است. (9) به این دلایل هست که، در کتاب های تاریخی ارمنی دولت های ارمنی نه، بلکه عصیان های ارمنی اند که شرح داده می شوند. لیکن در انعکاس تاریخ ارمنی به متون، افسانه ها و اسطوره ها در پلان مقدم قرار دارند. بدین گونه سهولت توضیح تاریخ ارمنی به قشرهای وسیع انجام می گیرد. در این مورد هیچ شبهه ای از اجراء یک تلاش موفق تا حد امکان وجود ندارد. چرا که متون متعلق به نویسندگان ارمنی بحث شده علاوه حمل

تناقضات جدی، حتی عبور نکردن این معلومات از فیلتر انتقادی صاحبان حرفه نشان دهنده قدرت افسانه ها و اسطوره ها بر روی اشخاص و حافظه اجتماعی می باشد. مثلاً، در یک اثر مردم ارمنی قربانیان بدبختی هستند که مداوم راهی نسل کشی می شوند، لیکن در دیگری یک مظفر که ابر قدرت های جهان را به زانو در می آورد توصیف می شود. اما نه افکار عمومی دنیا و نه ارمنی این پارادکس را نمی بینند. برای تایید این، بررسی سمبل هایی که تابلوی یاد بوهای علم شده در مناطق مختلف ارمنستان را تشکیل می دهند کافی خواهد بود. از نظر مادو یادبود در تصدیق این تز جلب توجه می کنند.

در منطقه اچمیازین یادبودی که شرح دهنده سال 1915 بود و اسم آن "یادبود قهرمانی ساکنان کوه موسی" (10) می باشد وجود دارد. بنابر اطلاعات داده شده در کتاب های منتشر شده قبل از 1991، این اثر تصور نمایردازی شده "ظفری" می باشد که ارتش عثمانی را راهی شکست کرده. حال اینکه، نسخه همان یادبود موجود در لبنان و سوریه، مردمی قربان شده را نمایردازی می کند. (11)

"نسل کشی" یکی از نقش و نگار های اصلی استفاده شده در تاریخ ارمنی می باشد. در حالی که این موتیف اعمال می شود اطلاع به نسل کشی گرفته شدن دوره ای ارامنه از طرف ملل دیگر داده می شود. در این اطلاعات انجام گرفتن نسل کشی از طرف پرس ها و بیژانس ها هم به زبان آورده می شود. نویسنده ارمنی استپان زریان (Stepan Zoryan) (1889-1967) قسمت مرتبط با پرس ها و بیژانس ها در تاریخ ارمنی را اینگونه شرح می دهد:

"در قرن هفتم ارمنستان دو پارچه شد. یک قسمت آن زیر حاکمیت پرس ها و قسمت دیگر در امپراتوری بیژانس قرار داشت. بیژانسی ها هم مانند پرس ها، ابتدا برای تضعیف نیروی نظامی این کشور و نابود کردن آن به هر چاره ای مراجعت می کردند. برای این هدف امپراتور یونانی ها مُریک (Morik) مردان ارمنی را جمع کرد و آنها را همراه با پرس های ارمنی در راس برای جنگ بر علیه دشمنان یونانی ها فرستاد. این روش را تنها او اجراء نکرد، شاه پرس ها انجام همان کار، فرستادن ارامنه به مورد جنگ بر علیه دشمنان پرس ها، بدین صورت ضعیف کردن ارامنه و نابودی آنها را توصیه کرد." (12)

هرچند، یک مورخ ارمنی دیگر، زاکار کاناکرتسی (Zakar Kanakertsi) اطلاع ارمنی بودن امپراتور بیژانس ملوریکوس (Maurikios) (582-602) که در فوق سخن از انجام نسل کشی بر روی ارامنه از طرف او زده می شود را می دهد. (13) (مانند: سلطان عبدالحمید دوم (Sultan II. Abdülhamit) که مادر او هم یک ارمنی با نام ویرژین (Virjin)/ تیریموژگان (Tirimüjgan) بود) منابع دیگری که این ادعا را پشتیبانی می کنند وجود دارد. (14) در اینجا علت پارادوکس و تناقض به میان آمده نوشتن تاریخ ارمنی بدون رخ دادن آن است. در این نقطه دقتمان را بر روی تثبیت های یک مورخ ارمنی دیگر، ترسیسیان (Nersisyan) حجتیم خواهیم کرد. مورخ ذکر شده در کتاب خود با نام "تاریخ مردم ارمنی" همان دوران را با حقایق بسیار متفاوت توضیح می دهد:

در قرن هفتم و هشتم، اوضاع ارمنستان غربی حاضر در زیر حاکمیت امپراتوری بیژانس بسیار سنگین می باشد. در اواخر قرن هفتم اجتماع روستایی مستقل در ارمنستان به طور کامل نابود شده، روستائیان به حالی وابسته بر فئودال ها در آمده بودند." (15)

نرسیسیان در همان باریکه زمانی روابط مردم ارمنی با مسلمانان را هم اینگونه توضیح می دهد:

در پاییز سال 640 ارتش های خلیفه گری برای اولین بار به ارمنستان حمله کردند. بدون رو درو شدن با یک مقاومت جدی در پستی های آغری (آارات) مناطق بسیاری را تخریب و به آتش زداند، در نتیجه مدت محاصره کوتاه، شهر دوین را بدست گرفتند و با غنیمت ها و هزاران برده برگشتند... ناحارار های (هدایت کننده گان) ملت گرای ارمنی برای رها کردن کشور از فروپاشی با تلاش برای سود بردن از رقابت مابین بیژانس و خلیفه گری دیدارها انجام داداند." (16)

همان گونه که دیده شد، تصور یک ارمنی مبارز کشیده شد از طرف استپان زریان، در کتاب نرسیسیان با تصور دیپلمات ارمنی گریزان از جنگ تغییر مکان می دهد. در این مورد هر دو نویسنده هم دلایل معتبر متناسب بر اهداف خود را دارند. زریان موتیف نسل کشی را اعمال می کند؛ به همین دلیل با مشروع سازی دیدگاه انجام گرفتن نسل کشی بر روی مردم ارمنی توسط خویش، تخوف قید شده در حافظه مردم ارمنی با راهی شدن به "نسل کشی" را مداوم سازی می کند، بدین ترتیب برای مانع شدن بر فراموش شدن آن تلاش می کند. چرا که این موتیف، در بین مردم ارمنی یک عنصر ارتباطی می باشد. لیکن نرسیسیان با ذکر موفقیت ارامنه در جنگ نه، بلکه در میدان دیپلماسی از طرف خود در برابر ناموفقیت که فکر می کند دلیل امکان تاثیر منفی خواهد داشت مقاومت نشان می دهد. چرا که، توانایی افتخار کردن جامعه بر عناصر تاریخی خود و فراموش نکردن آن هم از زاویه تداوم حافظه اجتماعی مهم می باشد.

یک عنصر قابل توجه دیگر در اقتباس های فوق، در متون حاضر شده برای مردم ارامنی تکرار هراس کردن مداوم از نابود شدن توسط قدرت هایی که ارمنی نیستند می باشد. برابر با این یک موتیف دیگر که به صورت فشرده اعمال می شود عصیان های فشرده می باشد. موتیف هراس برای عصیان کردن مردم ارمنی در دعوت هایی که برای حرکت واحد آنها انجام می گیرد مانند تامین کننده یک قدرت متصل کننده دیده می شود. هرچند در این نقطه یک مسئله جدی که سیاست مداران و مورخان ارمنی در اجبار حل آن می باشند وجود دارد؛ زیرا تحقیقات انجام گرفته بر روی تاریخ ارمنی، این عصیان ها را بیشتر از این که با موفقیت به سرانجام رسیده اند نشان دهند،

ناموفقیت آنها را نشان می دهد. به همین دلیل باید بر ناموفقیت عصیان ها ماسک یا نقاب کشاند. علارغم ناموفقیت در مورد هدایت حافظه اجتماعی تامین تداوم در تاریخ ارمنی در اوصاف اصیل قابل مشاهده می باشد. در دایرة المعارف "Voskeporik" که به آن اشاره شد، اولین موفقیت ارامنه که در تاریخ آنها قید شده سطر هایی می باشند که عصیان ارامنه بر علیه پرس ها و وارتان مامیکونیان (Vartan Mamikonyan) که بر عصیان ارامنه سرکردگی می کرده یکی از نمونه هایی بارز مستند کننده این رفتار می باشد:

وارتان مامیکونیان، با تخریب و با متلاشی کردن واحد های سواره منتخب پرس ها در خط مقدم پیشروی می کرد. مورخ ارمنی یغیشه (Yeğişe) که از شاهدان و ملحق شدگان این جنگ بوده و در قرن پنجم میلادی زندگی می کرد در کتاب خود با نام "در مورد وارتان و نبرد ارمنی" اینگونه شرح می دهد: صدای همهمه و فریاد طرف ها مانند انفجار ابرهای سیاه شنیده می شد. از شدت اصوات سنگ های غار می لرزیداند... این همهمه که از صداهای وحشتناک بود، شکاشاک سپرهایی که بر یک دیگر می خورداند و صدای وز تیرهای کمان را چه کسی می تواند شرح دهد؟ وارتان مامیکونیان با سربازهای خود جسورانه مبارزه می کرد، اما با زخمی شدن توسط نیزه های دشمن می افتد. در نبرد 1036 ارمنی و 3544 پرس جان دادند. مرگ سپارازم (Sparazm) (فرمانده قوای ارمنی) و فرماندهانی بسیاری همچون او سربازان ارمنی را به اجبار عقب نشینی رها کرد، اگر راهی ناموفقیت هم نشده باشند در قلعه ها و پناه گاه ها تجدید قوا کردند. هازکرت دوم (II. Hazkert) که استقرار ثابت مردم ارمنی را می بیند، در اجبار گذشتن از نیت پرس سازی ارامنه می ماند." (17)

طرز استفاده شده در این متن امکانی به تشخیص طرف پیروز و مغلوب نمی دهد. لیکن بنابر متن، وارتان مامیکونیان از طرف سربازان پرس گشته شده است، عصیان گران ارمنی در اجبار پناه گرفتن در غارها مانده بودند، اما طرف مغلوب قوای ارتش امپراتوری پرس می باشد. امروز مسجمله وارتان مامیکونیان که در پارک اوغاکادزو ایروان قرار دارد هم اشاره ای کوچک از این مغلوبیت بر دوش ندارد، کاملاً برعکس آن تصور یک فرمانده غالب را نمایردازی می کند. در رابطه با ابعاد روانی این میل عمومی دیده شده در مردمانی که فاقد عرف دولت داشتن می باشند ای. بی. لوید (A.B.Lloyd) مصرشناس، اینگونه تثبیتی انجام می دهد: "گذشته، از زاویه دید مغلوبان با شکلی کاملاً متفاوت پوشانده می شود: ...مغلوبان امروز تنها مظفران حقیقی گذشته دیده می شوند." (18) بعلاوه لوید، با این منطق به فرآورده دهندگان امروز که ظفرشان را با پیکرهای سفیل می کشند هم اشاره می کند.

یک خصوصیت دیگر قابل توجه در متن هایی که از طرف ارامنه به قلم گرفته شده فقدان ارتباط منطقی دیده شده در تاریخ های قید شده می باشد. در سال 1964 در یک فیلم کشیده شده با نام "داوید بک" که از طرف یریوانسکایا کینوستودیا به کارگردانی ای. مارتیروسیان (A.Martirosyan) و وی. دوکوو (Y. Dukov)، در رابطه با ارامنه تنها اقتباس قبلی نه، بلکه اطلاعات نامناسب با شرحیات جای گرفته در فوق داده شده است. در فیلم، برای اینکه ارامنه می خواستند بر علیه شاه ایران قیام کنند، در سال 1713 زمانی که برای کمک گرفتن از پتروی اول (I. Petro) یک قاصد می فرستند، پند و نصیحت دادن پتروی اول (1672-1725) به ارامنه در تشکیل ارتش خودی برای جنگ خودشان منعکس می شود. بعلاوه در فیلم تا زمان رو برو شدن پرنس های ارمنی با پتروی اول، بر قبول کردن تحقیر آمیز بودن پوشانده شدن آنها در هویتی نظامی تاکید می شود. (19)

در کتاب "حافظه فرهنگی" ژان اسمان (Jan Assmann) به یک اظهار دقیق متعلق به جی. وانسیا (J. Vansina) جا داده می شود. این اظهار اینگونه می باشد: "برای نزدیک ترین گذشته به اندازه کافی اطلاعات وجود دارد، اما با رفتن مستقیم به گذشته این اطلاعات کم می شوند." (20) لیکن در ادامه این تفکر، فشرده شدن آگاهی تاریخی بر روی ریشه و یا امروز اجتماع و فرد تاکید می شود. انعکاس این تثبیت بر تفکر موجود در تاریخ ارمنی، در شکل احساس شده به تاریخ تا حد امکان گذشته خود را نشان می دهد در نتیجه آن هم اسناد مرتبط با شرحیات در حال کاستن می باشند. با محدود شدن اسناد، قدرت هایی که می تواند ادعاهای مورخ را به بحث بگیرند در حد نیست بودن کم می شوند.

آشکار کردن منطق این تقرب اینگونه ممکن می باشد: اگر اشتباه و یا دروغ بودن اطلاعات را نمی توانید مستند کنید، صحیح بودن آنها قبول می شود. برای این، توضیحات مرتبط با دوران زندگی موسس هرناتسی (Movses Horenatsi) که به عنوان "پدر تاریخ ارمنی" نام گذاری می شود می تواند یک نمونه نشان دهد. در مقابل بی ربطی منطقی شرح داده شده در رابطه با هرناتسی، مورخ ادبیات ارمنی آبگیان (Abegyan) این عکس العمل را نشان می دهد:

"یک محقق زندگی کردن او در قرن هفتم، دیگری در راس قرن هشتم و یا نهم، لیکن سومی از راس نیمه دوم قرن نهم سخن می گوید. همه آنها هم با اینکه نویسنده کتاب "تاریخ ارمنستان" هستند تلاش می کنند این و یا آن شخص را ببینند. مثلاً، یکی از محققان (21) یک پرنس که در قرن هفتم زندگی می کرد و اسم او وراز ساعاک باگراتونی (Varaz Saak Bagratuni) و یک اسقف با نام موسس کرتج (Movses Kertoh) را پیدا کرده بدون در دست داشتن هیچ استنادی امکان یکی بودن آنها را با موسس هرناتسی و ساعاک باگراتونی که حامی گری او را انجام می داد را فرض کرده." (22)

به این موارد تلاش های انجام گرفته متوجه بر روی افکار عمومی دنیا که به صورت فشرده در شکل افسانه "اولین مردمانی که دین مسیحیت را در سطح دولتی قبول کردند ارامنه بودند." تکرار می شود را هم اضافه کنیم. مورخ ادبیات وی. اس. نعلبندیان (V. S. Nalbandyan) در کتاب "ادبیات ارمنی" اطلاعاتی که این ادعا را تکذیب خواهند کرد تقدیم می کند:

"فئودال های ارمنی، همانند آنچه که قبل تر هم گفتیم، در سال 301 زمانی که مسیحیت را دین دولتی کردند بر مسیحی گری امید بزرگی بسته بودند. پادشاه کبیر تیریدات (Tiridat) برای اینکه اقتدار سیاسی خود را تقویت کند تلاش به استفاده از مسیحی گری می کرد، در همان زمان هم بهره بردن از یک متفق قدرتمند مثل امپراتوری رم که با آنها همان دین را به اشتراک می گذاشتند در برابر ستمگری پرس را به حساب گذاشته بود. فقط حوادث قرن چهارم و پنجم تهی بودن این امید را به میان گذاشتند." (23)

در این نقطه ارامنه که برای بنا کردن یک اتفاق با یک متفق مسیحی قدرتمند، مسیحیت را قبول کرده بودند، چگونه ممکن است "اولین مردمانی که مسیحیت را در سطح دولتی قبول کردند" باشند و با تشکیل دادن این تصور سوال چرا از افکار عمومی دنیا انتقاد نمی گیرند بی جواب می ماند. این حقیقت، یک بار دیگر هدایت شدن حافظه اجتماعی با شرط گذاری ها را مستند می کند.

اقتباس های انجام گرفته در فوق به رفتار مورخان ارمنی در مقابل اسناد، اشاره کردن به یک خصوصیت دیگر را هم ضروری می کند. این رفتار، با اسناد نشان داده نشده در شکل خلق افسانه می تواند تعریف شود.

در رابطه با این، یک نمونه به روز و مشخص را انتخاب خواهیم کرد. کورک بارداکچییان (Kevork Bardakçıyan) از ارامنه دیاسپورا در رابطه با "نسل کشی صوری ارمنی" برای حاضر کردن یک بولتن خبری خاص در حالی که بررسی های آرشیوی انجام می داد خاتمه دادن به این بولتن با سخنان ادعایی خود مبنی بر اینکه "هیتلر با هدف دفاع کردن از خود برای نسل کشی یهودیان، تورکیه را خاطر نشان کرده بود" را هدف قرار می دهد، هرچند به منبع این ادعا دسترسی پیدا نکرده بود. در نتیجه مشغولیت های طولانی منبع به دست گرفته به بارداکچییان این معلومات را می داد:

"در طول حمله به لهستان هیتلر، در سخنرانی 2-3 ساعته که در آن نوت گرفتن ممنوع بود به تمام کادر ژنرال ها انجام کشتار بی رحمانه را دستور می دهد، سخن مشهور خود در رابطه با نسل کشی ارمنی را هم در واقع در این زمان (یعنی ساعات ممنوع بودن نوت گرفتن) اظهار می کند." (24)

این مورد به تنهایی نشان دهنده قابلیت ارتجاعی بودن مفهوم نسل کشی صوری ارمنی در خلق ادعاهای دروغ و بی اصل دیگر می باشد. با این حال از ابراز هر نوع دروغی نه تنها شرم، بلکه هیچ ترس و هراسی هم احساس نخواهد شد. همان گونه که این ادعای دروغین فاقد سند و مدرک عینی می باشد در واقع نشان دهنده نیاز ادعای دروغین نسل کشی ارمنی به تقویتی این چنین تهی برای خود است.

یعنی تقلا برای ثابت کردن حقیقی بودن یک دروغ بزرگ، با دروغی ساده تر، با این مثال می توان مسیر ادعای ارمنی که سعی در اعتبار گرفتن از ادعای مجهول این چنینی برای افسانه ای ژرف شدن را دارد، مشاهده کرد. زمانی که بحث به هیتلر و الهام گرفتن صوری او بنابر ادعای مجهول ارامنه می رسد، لازم است برای اینکه یک بار دیگر تناقضات مهلک بین ادعاها و رفتارهای ارمنی را ثابت کنیم، اشاره ای مختصر به همکاری ارامنه دانشناک و آلمان های نازی در جنگ جهانی دوم داشته باشیم:

"نژادپرستی در مطبوعات دانشناک: در دوران همکاری با نازی ها ارگان های نشر دانشناک هم کاملاً زیر تاثیر ایدئولوژی فاشیست قرار گرفته بودند. آنها به اندازه ای که در مجله هفتگی "Hayrenik" به تاریخ 1936.08.19-21 این سطرها را بنویسند پیش رفته بودند:

"نیاز پاکسازی یهودیان"

"یهودیان ریاکاران متعصب ناسیونالیسم و راسیسم هستند؛ در جایی که حاضر می شوند، برای تامین دوام عرقشان، شهروند جهانی و جهان گرا بریده می شوند... دقیقاً مانند استفاده انگلیسی ها از کشتی های جنگی شان در اشغال یک کشور، یهودیان هم با سلاح بودن از اینترناسیونالیسم و کمونیسم استفاده می کنند... این عناصر مسموم، مانند مرض های کله شق زمانی که ریشه می اندازند تمیز کردن شان بعضاً سخت می شود. و هنگام تولد احتیاج پاکسازی آنها از میان با برداشته شدن آنها... خیزهای این چنینی می توانند با انقلابی بودن شان توصیف شوند. روان شدن خود در طول یک عملیات جراحی طبیعی می باشد... در شرایطی این چنینی دیکتاتورگری ها، نقش نجات دهند را بازی می کنند." (25)

مدح و سناها بر هیتلر: تبنای دانشناک ها با نازی ها قبل از شروع جنگ در مطبوعات دانشناک خود را نشان داده بود. مورخ ارمنی، ای. ای. لالایان (A. A. Lalayan)، در ارگان نشر موسسه ملی تحقیقات علمی و بررسی مسائل مستعمره "Revolutsionniy Vostok" (شرق انقلابی) منتشر شده به تاریخ 1936، تاکتیک دانشناکیان را در شکل "یک حرکت تشکیلاتی ضد انقلابی بر علیه روسیه شوروی و هدف بنا کردن مجدد حاکمیت در خاک های ارمنستان بعد از مغلوبیت کشور شوروی، با سیاست های استیلاگرایی، حاضر شدن در هر

نوع حرکت پشتیبانی به فاشیست های آلمان، میلیتاریست های ژاپن و دیگر امپریالیست ها" تعریف می کند و از ارگان نشر "Uysaber" داشناک در مصر به تاریخ 1936.06.26 این مطالب را منتقل می کند:

"در آینده به یک جنگ مسلحانه بزرگ زاده شده بین ملل هرکس یا مستقیم و یا غیر مستقیم ملحق خواهد شد. ما از گروه ملت های اول خواهیم بود. بدون هیچ شبهه ای در وضعیت نزدیک شدن این طوفان، انعکاس های اجتناب ناپذیر آن در کشور ما هم احساس خواهد شد و مستقیماً تقدیرمان را تحت تاثیر قرار خواهد داد... حوادث تاریخی، تقدیرمان را در آینده با کشوری (روسیه شوروی) که محور نبرد بزرگ خواهد بود بسته است... تصور راحت گذاشتن روسیه توسط کشورهای که جنگ خواهند کرد حماقت است... بر عکس، مجادله بر روی این قسمت تشکیل شده از یک ششم خاک های جهان سر نشان خواهد داد."

بعد روزنامه با یک طرز شور و شوق دار، با به عرش بردن اظهارات هیتلر در مورد ثروتمندی شرق و مداخله گری معلوم بر روی استیلاء روسیه یک بار دیگر، بر قابلیت صاحب بودن داشناکسوتیون در ملحق شدن موثر به یک جنگ بر علیه روسیه شوروی تاکید می کند.

ارگان نشر داشناک با طرزی کاملاً واضح و گستاخانه با دفاع از هیتلر و "مسیحون تاریخی" او در رابطه با روسیه شوروی، در هفتمین کنگره کومین ترن بر علیه جنگ فاشیسم و انترناسیونالیسم یک رفتار ضد قرار تک جبهه ای به نمایش می گذارد.

ایدئولوگ های ضد انقلابی داشناکسوتیون بسیار خوب معنی جنگ بودن فاشیسم را می دانند. از این رو سمپاتی خاصی نسبت به فاشیسم هیتلر که بر اقتدار آمده احساس می کنند. داشناکسوتیون، با محیط های استبدادی امپریالیسم انگلیس و فرانسه همراه با محافظت از روابط آنتی شوروی، در صفحه های مطبوعات پست خود رفته رفته از پروژه استیلاء شرق توسط فاشیسم های آلمان در یک شکل پرتکاپو دفاع می کند.

(...) در واقع بنابر نظر ژنرال های بی ارتش داشناک، "نسخه چگونه حل شدن قطی مسئله ارمنی برای افراد که تا به امروز حل نشده است. (!)" (26)

از طرف دیگر وزارت پروپاگاندای گوبلس (Göbels)، تا سال 1944 برای داوطلبان ارمنی هفته نامه "هایاستان" را منتشر کرده بود. در راس مجله منتشر شده به زبان ارمنی و آلمانی یک ارمنی داشناک با نام ویگن شانت (Vigen Şant) قرار داشت. در وزارت پروپاگاندای گوبلس تعداد زیادی ارمنی که به زبان های آلمانی، فرانسوی، روسی و ارمنی گویندگی رادیویی انجام می دادند هم وجود داشتند. (27)

در نسخه دوم هفته نامه هایاستان به تاریخ فوریه 1945 در زیر تصویر هیتلر دعوت ژنرال درو به زبان ارمنی منتشر شده بود، درو از نزدیک بودن ظفر و پیروزی سخن گفته بود و در گوشه بالایی هفته نامه آرم ارمنی (داشناک) به صلیب شکسته آلمان های نازی تشبیه شده بود. (28)

درو کانایان (Dro Kanayan) لیدر داشناک ارمنی که در مکاتبات سری آلمان های نازی به ژنرال درو معروف است وظیفه پرورش جاسوس برای آلمان های نازی را هم داشته، همچنین گزارش های فراوان متعلق به آرشیوهای روسیه شوروی در جنگ جهانی دوم وجود دارند که مشارکت ارامنه داشناک در کشتارهای پشت جبهه اشغال آلمان بر علیه دسته های پارتیزان را اثبات می کند.

در اینجا استاندارد دوگانه رفتار و گفتار مدعیان ارمنی بنابر یک ادعای بی مستند که سعی می کند این پیام را بدهد که هیتلر هم جرم نسل کشی را بنابر چیزی که ارامنه استدلال (!) می کنند از تورک ها آموخته و این چیز بسیار بدی است. ولی در طرف دیگر ژنرال دروی ارمنی که در خدمت هیتلری بوده که ارامنه ادعا می کنند نسل کشی یهودیان را با الهام گرفتن از "نسل کشی صوری ارامنه" توجیه کرده برای داشناک ها همیشه یک قهرمان بوده و می باشد.

در واقع مسئله دیگری که می تواند به درک تناقض مابین رفتار و گفتار ارامنه مدعی کمک کند این است، همان گونه که ادعای دروغین نسل کشی ارمنی سعی در اعتبار جستن از یک ادعای بی مستندتر از اصل خود دارد، استفاده شدن و یا خدمت داوطلبانه داشناک های ارمنی در صف آدم کشی آلمان های نازی به عنوان یک ماشین انسان کشی برای آنها همیشه مانند کشتار مردم مسلمان جغرافیای آذربایجان و آناتولی افتخار آمیز بود و می باشد.

چون داشناک های ارمنی در مطبوعات آن زمان خود اجازه تحقیر کردن یهودیان را داشتند، پس آن زمان پناه دادن جمهوری تورکیه به مردم یهودی و بعضی از دانشمندان یهودی در جنگ جهانی دوم هم می تواند از نظر آنها اشکال داشته باشد. زیرا در اینجا نیک و بد بودن نیات و اعمال بنابر احوالات آنها و جبهه گرفته شان سنجیده می شود.

امروز زیر سایه مفهوم نسل کشی یهودیان محیط های ارمنی سعی می کنند تهجیر 1/3 از ارمنه عثمانی در سال 1915، که استفاده یک دولت از حق طبیعی خود در گرفتن تدابیر مشروع بر علیه دامن زدن بر هرج و مرج نظام اجتماعی خود بوده را منقوش به نقش و نگار یک نسل کشی کنند. لیکن هیچ وقت، اما هیچ وقت از قتل عام یهودیان و موسویان در آناتولی شرقی (حکاری)، آذربایجان شمالی (قبا) و همکاری با آلمان های نازی شرم نخواهند کرد. چرا که کشتار یهودیان آناتولی و آذربایجان هم مانند کشتار مسلمانان هدفی جز خدمت کردن به دعوی تحقق خولیای سقیم ارمنستان بزرگ نداشته و صد البته که به آن حتی می توانند افتخار کنند.

قرار گرفتن داشناک های ارمنی در صف تبانی با آلمان های نازی برای استیلای شرق و تعقیب هدف آزاد کردن ارمنستان از دست روس ها که بانیان اصلی و غیر قابل انکار تکه تکه شدن جغرافیای تاریخی آذربایجان و به میان آمدن کشوری به اسم ارمنستان و مسئله قره باغ هستند هم نمونه خوبی برای درک تداوم سیر تاریخی فنودالیسم و دره داری ارمنی در بین جامعه ارمنی تا به امروز می باشد.

در تشکیل خصوصیات این نمونه های بارز مشاهده شده در تاریخ ارمنی، زندگی کردن ارمنه زیر حاکمیت کدام دولت، روابط موجود این دولت با همسایگان خود و میل سیاسی لیدرهای ارمنی مهم می باشد. دقیقاً همانند چیزی که امروز وجود دارد، در بین سال های 1918-1920 هم ارمنه امتحان دولت بودن را داده بودند. آن روزها هم مانند امروز (2006) داشناک ها بر سر اقتدار قرار داشتند. این امتحان را با عدم موفقیت به نتیجه رساندند و مردم ارمنی بجای زندگی مستقل وارد شدن به زیر حاکمیت اتحاد شوروی را ترجیح دادند.

درون کتاب های نوشته شده در دوران اتحاد شوروی چگونگی اداره ارمنستان از طرف پارتی داشناک، با خطاب کردن به یک نسل که شاهد حوادث به واقعیت رسیده بودند شرح داده می شد. در طول این مدت افراد جامعه ارمنی به مطالب نوشته شده در دوران اتحاد شوروی اعتراضی نکردند. از طرف دیگر این تاریخ را خودشان و به زبان مادری شان نوشتند. یکی از این مورخان هم نرسیسان که در فوق هم به آن اشاره شد می باشد. این مورخ ارمنی در کتاب خود با اسم "تاریخ مردم ارمنی" اتفاق افتادن چه حوادثی در ارمنستان آن دوران را اینگونه توضیح می دهد:

"کشور که بیش از دو سال زیر اداره پارتی داشناک قرار داشت به مرز فلاکت رسیده بود، توده های مردم در زیر تحدید نابودی قرار داشتند. سیاست های ضد مردمی داشناکیان رفته رفته با مقاومت بزرگ شده امور داخلی رو برو می شد." (29)

امروز، ضرورت پاک کردن این تصور منفی مرتبط با پارتی داشناک در نخستین ربع قرن بیستم که در حافظه مردم ارمنی جای گرفته است احساس می شود. این اعمال در مقابل چشمان افکار عمومی دنیا با هیچ شمردن شواهد و قرارهای اداره کنندگان آن دوران انجام می گیرد.

بعد از سال 1991 درون تمام کتاب های به قلم گرفته شده و منتشر شده از طرف همان موسسات علمی در رابطه با موضوع، داده های کثیری می تواند گرد آوری شود. کتاب درسی تاریخ حاضر شده برای مقطع دبیرستان با سردبیری بارهوداریان (Barhudaryan) در سال 2001 هم یکی از این موارد می باشد. در این کتاب در بخش نوشته شده از طرف اچ. ای. اوتیسیان (H. A. Avetisyan) تمام اطلاعات فوق انکار شده است:

"حکومت بلافاصله تدابیر را گرفت. یک هیئت که حکومت نخست وزیری اوانس کاپازنونی (Ovanes Kaçaznuni) را تمثیل می کرد به ایالات متحده آمریکا فرستاده شد. در رابطه با خرید گندم یک قرارداد امضاء شد..." (30)

در این کتاب برای گواهی بر موفقیت های ردیف شده پارتی داشناک، کاپازنونی که در سال 1924 کتاب او با عنوان "دیگر چیزی نیست داشناکسوتیون انجام دهد" که در ایروان هم منتشر شده بود نشان داده شده است.

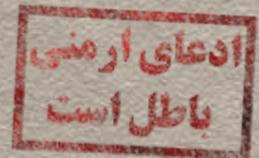
اوانس کاپازنونی در بین سال های 1918-1919 به عنوان اولین نخست وزیر دولت ارمنی انتخاب شده بود و در کتاب ذکر شده فوق دلایل عدم موفقیت پارتی داشناک را خوابیدن آن بر روی ضعف و بی قدرتی خود معین کرده است. (31)

اطلاعات جای گرفته در این کتاب در وصف اسناد نشان دهند تقدیم شدن مغرضانه و یا مطلع سازی اشتباه از طرف بارهوداریان و گروه او در حال ارزیابی حوادث تاریخ غیر عینی می باشند. اما این مورد تنها یک تحریف ساده مرتبط با افکار عمومی ارمنی نیست، یک قسمت از تلاش های متوجه شده بر افکار عمومی دنیا می باشد. لیکن هدفی که می خواهند به آن برسند، ایجاد مجدد حافظه اجتماعی می باشد.

برای خلق حافظه تاریخی یک مکان مشترک، یک تاریخ مشترک، لیکن برای تامین تداوم، عناصر وابسته کننده مانند خیالات، رسوم و آئین صاحب یک اهمیت تابعی می باشند. تدارک دیدگان پروژه "نسل کشی صوری ارمنی" مکان را آناتولی و تاریخ را 1915.04.24 (24 آوریل 1915) نشان می دهند، لیکن از یادبودهای به اصطلاح نسل کشی هم برای بخاطر آوردن "نسل کشی صوری" استفاده می کنند.

در تاریخ 2006.04.11 یک خبر با تیتر "درد ارمنه آرزوی خاک از تورکیه" در روزنامه ملیت (تورکیه) جای گرفت. بنابر این خبر، در یک نظر سنجی انجام گرفته در ارمنستان، اکثر قریب به اتفاق جوانان ارمنی خواستار عدم انصراف از طلب خاک و نود درصد آنها مطلقاً شناختن ادعای "نسل کشی" از سوی تورکیه بودند. (28)

بالتجیه، محیط های که ادعای دروغین "نسل کشی ارمنی" را به دستور جلسات می گیرند، سنگینی خود را به جنگ روانی داده اند و برای رسیدن به اهداف خود به صورت مقصد دار مانع از آگاهی افکار عمومی از تمام این اطلاعات با جزئیات می شوند. با این هدف در حال تحریف اطلاعات و آگاه سازی ناقص افکار عمومی می باشند. این مورد هم باعث خلق تصورات اشتباه هم در مورد ارمنه و هم در مورد تورک ها شده است. از این زاویه مجادله ارمنه با ادعاهای "نسل کشی ارمنی" در کنار تورک ها هم لازم می باشد. هرچند امکان دسترسی مردم ارمنی در رابطه با این موضوع به اطلاعات صحیح وجود ندارد و مردم ارمنی عدم وجود میلی این چینی را نشان می دهند. لیکن دلیل آن تغذیه کانال های تشکیل دهنده حافظه ارمنه فقط از طرف خالقان و صاحبان پروژه "نسل کشی صوری ارمنی" می باشد.



- 1) 11 Mayıs 2006 tarihli konferans metni (KHO).
- 2) ASALA'nın gerçekleştirdiği terörist eylemlerle ilgili olarak bkz. Bilal N.Şimşir, Şehit Diplomatlarımız Cilt.1—2, Ankara: Bilgi Yayınevi, 2000.
- 3) Ayrıntılı bilgi için bkz. Mikael Danielyan, 'İdeoloji Olan Terörizm', Çev. Birsan Karaca, Ermeni Araştırmaları, Sayı:14—15, Ankara, 2004, ss. 165—166.
- 4) Bkz. Milliyet, 17 Mart 2006; Agos 24 Mart 2006.
- 5) Andranik, Voskeporik, Erivan: 1993, Cilt 1 s. 62.
- 6) A.S.Garibyan ve C.A. Garibyan, Kratkiy Kurs Armyanskogo Yazıka, Erivan: 1970, s. 90.
- 7) Konuyla ilgili ayrıntılı bilgi bu makalenin yazarı tarafından kaleme alınan ve yayın aşamasında olan "Sözde Ermeni Soykırımı Projesi, Toplumsal Bellek ve Sinema" adlı kitapta sunuluyor.
- 8) M.G.Nersisyan "Ermeni Halkının Tarihi"nde Ermenilerin Selçuklularla kanlaştıkları dönemde Bizans İmparatorluğu'nun egemenliği altında olduklarını söyler. Bkz. M.G.Nersisyan, İstoriya Armyanskogo Naroda, Erivan: 1980, s. 139.
- 9) Bkz. M.G.Nersisyan, İstoriya Armyanskogo..., s.50. Ayrıca, Ermenilerin yaşadıkları bölgenin Pers ve Roma İmparatorluklarının savaş alanı olduğu, bu nedenle bu iki büyük devletin yöneticileri arasında çözüm bekleyen bir sorun olarak hep gündemde kaldıkları elinizdeki makalenin yazarı tarafından değişik vesilelerle dile getirildi ve belgeler sunuldu. Ermenice ve Rusça kaleme alınmış kitapların Ermeni "devletini"nin, hatta "İmparatorluğu" nun varlığından bahseden sayfalarında anlatılanların somut belgelerden yoksun olduğu da ilerde münferit bir çalışmayla kamuoyuna sunulacaktır.
- 10) Musa Leran Herosamant, Voskeporik, Cilt 2, Erivan: 1996, s.349.
- 11) URL: www.armenian-genocide.org/; www.musaler.com/photo-album/; <http://images.google.com.tr/imgres?imgurl=http://www.mousaler.com/photoalbum/images/zmonumnt.jpg&imgrefurl=http://www.mousaler.com/photoalbum/&h=488&w=329&sz=44&tbnid=NirJchqrjWVrIM:&tbnh=127&tbnw=85&hl=tr&start=1&prev=/images%3Fq%3DThe%2BMonument%2Bin%2BMusa%2BDagh%26svnum%3D10%26hl%3Dtr%26lr%3D%26sa%3Dg> adresinden alınmıştır
- 12) A.S.Garibyan ve C.A. Garibyan, Kratkiy Kurs Armyanskogo..., s.177.
- 13) Zakar Kanakertsi, Hronika, URL: <http://www.vostlit.info/Texts/rus7/Kanakerci/text21.htm>
- 14) Ayrıca Ermeni kaynaklarına göre Bizans İmparatoru sıfatını almış yirmi Ermeni vardır. Bkz. <http://www.armico.com/hayknet/ellib/znaete.htm>. Bu ilginç sava, Yunanlı tarihçilerin vereceği tepki de bir o kadar ilginç olacaktır.
- 15) M.G.Nersisyan, İstoriya Arniyanskogo..., s. 111
- 16) M.G. Nersisyan, İstoriya Armiyanskogo..., s.109.
- 17) Vardan Mamikonyan, Voskeporik, Cilt 3, Erivan: 1999, s. 155.
- 18) Alıntı için bkz. Jan Assmann, Kültürel Bellek, Çev. Ayşe Tekin, İstanbul: Ayrıntı, 2001, s.86
- 19) A.Martirosyan ve Y. Dukov, Davit Bek, Pro-vo Armyanskoy Kinostudii, Moskova: 1943
- 20) Jan Assmann, Kültürel Bellek..., s.52.
- 21) Yazar, eleştirisini yaptığı araştırmacının adını dip notla veriyor. Zaminyan, Hay Grakan Patmutyun, Nor Nahçevan: 1914.
- 22) Manuk Abegyan, İstoriya Drevnearmyanskoy Literaturi, Erivan: 1975, s.142.
- 23) V.S.Nalbandyan, Armyanskaya Literatura, Moskova: 1976, s. 9.
- 24) Kevork Bardakçıyan, "Türklere Rehin Olan Özgürlüğümüz Bağımsızlıktan Sonraki İdealimiz Olacaktır", Azg, 11 Hunusi (Haziran) 2005
- 25) Bkz. Şükrü Server Aya, Soykırım Tacirleri ve Gerçekler, Derin Yayınları, İstanbul, 2009, s.250.
- 26) A. A. Lalayan, Taşnak Partisi'nin Karşıdevrimci Rolü (1914-1923), 3. Basım, Kaynak Yayınları, İstanbul, Mart 2006, s.23, 26 vd.
- 27) Eduard Abramyan, Kavkaztsı v Abwehre, s.33
- 28) Bkz. Şükrü Server Aya, age, s.252.
- 29) M.G.Nersisyan, İstoriya Arniyanskogo..., s.284.
- 30) Hrnt Aleksani Avetisyan, Hayastani Hanrapetutyuni (1918 t. Mayıs—1920 t. Noyember), Erivan: 2001, s. 193.
- 31) Ovannes Kaçaznuni, Taşnak Partisi'nin Yapacağı Bir Şey Yok, çev. Arif Acaloğlu, İstanbul: Kaynak Yayınları, 2005, s.63.
- 32) Milliyet, 11 Nisan 2006.

○ انتقال ارمنه به سوریه: آیا کوچ اجباری می باشد یا نسل کشی؟

قرار و اجرای قرار تهجیر ارمنه از سوی دولت عثمانی، باید از نظر تناسب داشتن و یا نداشتن بر تعریف "نسل کشی" ارزیابی شود. دولت عثمانی، بر علیه ادعاهای کشورهای غربی مبنی بر اینکه ارمنه بصورت جمعی بقتل خواهند رسید در تاریخ 1915.05.27 یک شرح انجام داده بود: "تدابیر گرفته شده از طرف دولت در مورد ارمنه، صرفاً مستند بر مجبوری در تامین و محافظت آسایش و انطباق مملکت می باشد. هم اکنون عدم دست زدن به کاتولیک ها و پروتستان ها که در یک وضعیت بی طرف دیده می شوند، تعقیب نشدن یک سیاست امحا کارانه از سوی حکومت بر علیه عنصر ارمنی را نشان می دهد..."

اجراءات اسکان به میان آمده در سال 1915 و حوادث رخ داده در طول این اجراء، آیا می تواند بنابر تعریف "نسل کشی" به عنوان یک نسل کشی نام گذاری شود؟ برای دادن جواب به این سوال مقایسه حرکت امحای جمعی یهودیان در طول جنگ جهانی دوم توسط آلمان های نازی با اجرای تهجیر ارمنه توسط دولت عثمانی به ما نتیجه صحیح را خواهد داد. دولت عثمانی بر روی ارمنه تهجیر داده چگونه اجرایی انجام داده بود؟

1. دولت عثمانی، بر عکس نازی ها، قسمتی از ارمنه موجود در یک جغرافیای مشخص که در خاک های عثمانی زندگی می کردند را انتقال داده بود. نقل، شامل گروه های ارمنی و آنهایی که به این گروه ها پشتیبانی لوژستیک داده و بر علیه دولت عثمانی و مردم مسلمان به سلاح متوسل شده بودند می شد.
2. نقل شدگان باز به جغرافیایی که درون مرزهای عثمانی قرار داشت کوچ داده شده بودند، بر عکس نازی ها که به خانه ها هجوم برده و هر کسی که یقه او را می گرفتند به کمپ های تجمع سوق می دادند، برای اینکه ارمنه تدارک کوچ انجام دهند یک هفته تا 15 روز به آنها مهلت داده شده بود.
3. تمام احتیاجات (خوراک، بهداشت، تامین بلیط و ...) ارمنه مهاجر از طرف اداره "تخصیص مهاجرین" دولت بر طرف شده، تمام ارمنه ای که در یک شهر و قصبه زندگی می کردند به تهجیر گرفته نشده بودند، بیماران، یتیم ها، منصوبان مذهب کاتولیک و پروتستان، صاحبان صنعت و آنهایی که در ارتش انجام وظیفه می کردند خارج از حوزه تهجیر گرفته شده بودند.
4. آنهایی که به کوچ تابع گرفته شده بودند، بر عکس کمپ های اسکان جمعی نازی ها، در مکان هایی که به آنجا رفته بودند، از طرف دوات خانه ها ساخته شده، برای اینکه حیات آنها ادامه داشته باشد مناطقی که در آنجا سکونت داده می شدند برای اینکه مساعد زراعت باشد انتخاب شده و با معین شدن ولایت هایی که مهاجرین به آنجا خواهند آمد، بیرون کشیدن قیدهای نفوس به زیر قرار گرفته شده بود.
5. بر عکس کمپ های نازی، برای مهاجرین بیمار در کمپ ها بیمارستان ها بنا شده، در رابطه با مسائل بهداشتی مهاجرین به اکپ های بهداشتی کشورهای مختلف اجازه انجام وظیفه داده شده بود. بنابراین در گزارشات کنسول گری ها، بعضی از این منصوبان بهداشت خارجی به دلیل بیماری های مسری مرده بودند.
6. کودکان بی کس و یتیم، به یتیم خانه ها و در کنار بعضی خانواده های ثروتمند سپرده شده بودند، در سال 1919 با داده شدن اجازه بازگشت، این کودکان به قوم و خویش نزدیک تسلیم شده بودند.
7. به مورد محافظت از قافله ها در برابر حمله عشیره ها و مردم غیر نظامی ژاندارما موظف شده بود، موظفان و افرادی از مردم که در سوء استعمال قرار می گرفتند با محاکمه شدن مجازات می شدند.
8. آنهایی که برای رها شدن از کوچ اجباری مسلمان شدن را قبول کرده بودند و آن را اظهار می کردند هم کوچ داده شده بودند، فقط زن هایی که با یک مسلمان ازدواج کرده بودند از کوچ معاف شده بودند، به امثال این چینی، با یک قانون وضع شده بعد از جنگ، امکان بازگشت به دین سابق در صورت تمایل شناخته شده بود.
9. به دلیل جنگ، خشک سالی، استیلای ملخ و به زیر سلاح گرفتن سریع تمام مردانی که می توانستند کاری انجام دهند و به جهت کمبود خوراک که در نتیجه برداشتن محصولات موجود در مزارع به میان آمده بود، با در راس بودن آمریکا طلب کمک موسسات امداد دولت های مختلف قبول شده بود و از طرف آنها به ارمنه موجود در سوریه کمک شده بود.
10. همراه با خاتمه جنگ، با "قانون بازگشت" وضع شده از طرف دولت بازگشت مهاجرین به خانه هایشان تامین شده بود، بنابر تثبیت های پاتریک خانه ارمنی 644.000 نفر بر گشته بودند.

بله زمانی که گزارش سر کنسول آمریکا در حلب جی. بی جکسون (J. B. Jackson) را با دقت می خوانیم (قسمت: اسناد آرشیو، آلبوم عکس و منابع)، با اعتبار تاریخ 1916.02.03 که مدتی بود کوچ اجباری خاتمه یافته بود، در سوریه موجود بودن نزدیک به 500 هزار ارمنی را می بینیم. این رقم، در اصل همانند تکذیب کردن ادعای مرگ یک میلیون ارمنی در طول کوچ در تمام گزارش های کنسول گری، باز کردن در کمپ ها از سوی دولت عثمانی بر روی موسسات بین المللی برای کمک رسانی به مهاجرین محتاج، به همین دلیل در صورت اجازه دادن در کمک رسانی به 486 نفر فقط در سوریه، عدم موجود بودن دولت در تمایل به امحای ارمنه را ثابت می کند.

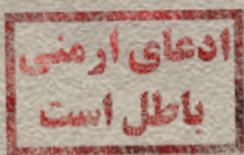
مطابق با این، شامل شدن بخش مشخصی از ارمنه موجود در مناطق کوچ به گرفته شدن بر کوچ اجباری و رها گذاشته شدن دیگر ارمنه در خانه هایشان، ادعاهای "پاک سازی اتنیک" و یا "نسل کشی" را تماما از میان بر می دارد. چنانکه خصوصا خارج از مناطق و شهر های انتقال مهمات جنگی کشور همانند استانبول، بوسا، کوتاهیا، ادیرنه، به غیر از منصوبان ترور، تابع شدن هیچ کسی به کوچ اجباری در اسناد خارجی و عثمانی جای گرفته است. بعلاوه عدم وجود یک نیت خبیثانه در امحای آنهایی که شامل کوچ اجباری شده بودند را، دادن یک مدت برای حاضر شدن آنهایی که کوچ خواهند کرد هم نشان می دهد. چه برسد به آن که تابع شدگان به کوچ، در مکان هایی که به آنجا می رفتند و یا در شهرهایی که به آنجا می آمدند برای معین شدن شمار آنها، ثبت نفوس آنها در دفاتر، دستور داده می شد، خواست مسکون سازی آنها برای اینکه به حیات خود ادامه دهند در مناطقی که برای زراعت مناسب بودند، با تمایل به امحا هیچ مطابقتی ندارد.

بین تمام این مواردی که ذکر شد و وقایع ای که از طرف آلمان های نازی بر یهودیان اعمال شده، هیچ شباهتی وجود ندارد. در این وضعیت تعریف کردن حوادث جریان یافته در سال 1915 به عنوان یک نسل کشی غیر ممکن می باشد. چنانکه مدعیان نسل کشی صوری، تا به امروز هیچ سندی که "نسل کشی" را ثابت کند ارایه نکرده اند. برای اینکه تزه های خود را بتوانند تقویت کنند، تلگراف های جعلی و ساختگی نسبت داده شده به طلعت پاشا (Talat Paşa) را به میان گذاشته اند.

یکی از مهمترین ایرادهای موجود در ادعاهای مدعیان نسل کشی صوری ارمنی هم، منزلت مداوم شمار ارمنه ای که ادعا می شود اعتبارا از سال 1915 کشته شده اند می باشد. این ارقام که از 600 هزار شروع شده اند، امروز تا 1.5 میلیون رسیده و چه معلوم شاید این رقم فردا به 2 میلیون و یا بیشتر هم برسد. حال اینکه، در آن تاریخ ها در ثبت های نفوس که از سوی خارجیان انجام می شد، نفوس کل ارمنه ای که در دولت عثمانی زندگی می کردند را 1.5 میلیون نفر نشان می دهد، حتی پاتریک خانه هم رقم 1.915.000 را داده بود. چنانکه پاتریک مالاچیا اورمانیان (Malachia Ormanian) هم نفوس ارمنی را 1.895.400 نفر داده است. در این وضعیت فقط زنده ماندن 400 هزار ارمنی عثمانی در قید حیات لازم است.

حال اینکه، با اعتبار سال 1922، شمار تمام ارمنه عثمانی موجود در دنیا بنابر آمار موسسه امداد آمریکایی خاور نزدیک 1.194.000 نفر می باشد. در این وضعیت این سوال می تواند از مدعیانی که ادعا می کنند 1.5 میلیون ارمنی کشته شده است بشود. مزارهای جمعی ارمنه کشته شده در کجا قرار دارند؟ چرا که اگر در هر گور دسته جمعی فقط 500 نفر موجود باشد، آن زمان باید 3.000 مزار جمعی وجود داشته باشد، آن هم این معنی را می دهد که در هر گوشه آناتولی شرقی با هر کندو کاوی باید مزار کشف شود.

بالنتیجه، با پایان جنگ و بعد از اشغال استانبول توسط دول ائتلاف، دولت عثمانی بر علیه ادعاهای قتل عام، با مراجعت رسمی به چهار کشور بی طرف برای بررسی موضوع از هر کشور دو حقوق دادن طلب کرده بود. این طلب که با حسن نیت انجام گرفته بود، با دخالت دولی که عامل اصلی به میان آمدن این مسئله بودند از طرف اسپانیا، هلند، دانمارک و سوئیس رد شده بود. در اصل این وضعیت، حتی در آن دوران هم سیاسی بودن مسئله و عدم تمایل در حل آن را به میان می گذارد.



○ یک تثبیت تقریبی دیگر برای بدست آوردن شمار مفقودات ارمنی

در طی سال های 1921-1922 گزارش کمیته امداد خاور نزدیک که با گزارشات سفارت های آمریکا و انگلیس حاضر شده و به جامعه ملل تقدیم شده است، شمار نفوس ارمنه عثمانی که مهاجرت (تهجیر داده شدگان و با در راس بودن قفقاز مهاجران کوچ کرده به مناطق مختلف) کرده اند را 817.873 نفر ثبت کرده است، بعلاوه نفوس ارمنه حاضر در تورکیه 281 هزار نفر قید شده که، 95 هزار ارمنی که خود را مسلمان معرفی کرده اند شامل آن نمی باشند.

با جمع این اعداد شمار نفوس ارمنه عثمانی در سال 1922 چیزی در حدود 1.194.000 می باشد.

این در حالی است که در سال 1914 شمار نفوس ارمنه عثمانی بنابر آمار سرشماری رسمی دولت 1.221.850 نفر قید شده است. مسلما در همین ابتدا اگر عدد 1.194.000 از 1.222.000 تفریق شود یک محاسبه اشتباه انجام گرفته است. چرا که یکی از موارد بسیار مهمی که در موضوع شمار نفوس ارمنه از آغاز جنگ جهانی اول (سال 1914) تا سال 1922 که با نیت امروزی ادعا می شود نسل کشی صوری ارمنی در این دوران اتفاق افتاده و اصلا به آن توجه نمی شود رشد جمعیت ارمنی علارغم مفقودات آن در دوران ذکر شده می باشد. اگر با هرگونه دیدگاهی به موضوع نگاه شود عدم رشد نفوس ارمنه عثمانی در بین دوران ذکر شده ادعای صحیی نمی تواند باشد.

برای درک بهتر موضوع و شفاف سازی بیشتر می شود اینگونه شروع کرد که شمار نفوس ارمنه عثمانی از سال 1893 تا 1914 در 3 دوره آمار گیری رسمی دولت عثمانی رشد داشته است، لیکن نفوس ارمنی بنابر اسناد رسمی دولت عثمانی اینگونه می باشد:

- در سال 1893 بنابر سرشماری نفوس: 1.001.465
- در سال 1906 بنابر سرشماری نفوس: 1.120.748
- در سال 1914 بنابر سرشماری نفوس: 1.221.850 (1)

از سال 1893 تا 1906 در طی 13 سال شمار نفوس ارمنی حدود 12% رشد داشته است.

لیکن از سال 1906 تا 1914 در طول 8 سال باز نفوس ارمنی چیزی در حدود 9% رشد داشته است.

چون آخرین سرشماری نفوس عثمانی در سال 1914 انجام گرفته است برای تخمین زدن شمار نفوس ارمنه عثمانی در سال 1922 به داده های گذشته نیاز است از سال 1906 تا 1914 با گذشتن 8 سال حدود 9% رشد وجود داشته، این شاخص تقریبا مناسبی برای 8 سال سپری شده از 1914 تا 1922 دیده می شود.

در اولین مقاله این بخش با عنوان "ماهیت ادعای نسل کشی صوری ارمنی" در قسمت مقایسه آمار و ارقام داده شده از سوی ارمنه ای همچون گابریل نوراندوکیان (Gabriel Norandukyan)، پروفیسور دکتر ریچارد هووانیسیان (Prof. Dr. Richard Hovannisian) با ارقام عثمانی، مفقودات ارمنی در حدود 200 هزار می باشد، برای اینکه نشان داده شود گزارش کمیته امداد خاور نزدیک هم تقریبا این نتایج را تایید می کند، یک مساحبه ساده دیگر لازم است.

چنانچه گفته شد در سال 1914 شمار نفوس ارمنه عثمانی 1.222.000 می باشد، حال اگر از این رقم 200 هزار کم شود نتیجه 1.022.000 خواهد بود، اما چرا در گزارش کمیته امداد خاور نزدیک شمار نفوس ارمنه عثمانی 1.194.000 نفر قید شده است. نکته ای که در اینجا باید خاطر نشان شود توجه کردن به رشد جمعیت ارمنی در طی این 8 سال می باشد.

بنابر در نظر گرفتن رشد 9% نفوس ارمنی از سال 1906 تا 1914، نفوس ارمنی هر چند علارغم مفقودات به دلایل مختلف باز هم رشد خود را داشته است، زمانی که شاخص این رشد در حدود 9% تخمین زده شود. به آمار سال 1914 هم 138 هزار (تخمین رشد طبیعی) اضافه خواهد شد. چون در کنار مفقودات ارمنی، رشد جمعیت هم بوده زمان اضافه کردن عدد 138 هزار به رقم بعد از مفقودات یعنی 1.022.000 نتیجه 1.160.000 خواهد بود که این رقم هم با در نظر گرفتن تخمینی بودن و حاصل شدن آن با مقایسه آمار عثمانی و کمیته امداد یک محاسبه تخمینی برای دین موضوع از این زاویه هم می تواند باشد.

شاید نتوان شمار دقیق مفقودات ارمنی را به دست آورد اما نزدیکی این ارقام با یکدیگر در مقایسه آمار عثمانی، ارمنی و خارجی به ما حداقل در درک بهتر مسئله کمک خواهد کرد و اطمینان کردن به آنها منطقی تر از دفاع کردن از آمار و ارقام تعالی داده شده می باشد، ارقامی که مقایسه آنها با یکدیگر واقعا حکایت یک جنگ دیگر می باشد.

مثلاً: مدعیانی که لایحه قانون ارمنی را طرح ریزی کرده اند در ماده 12 از تشکیل یافتن کمیته امداد خاور نزدیک برای کمک رسانی به ارامنه بین سال های 1915-1930 بحث می کنند. این در حالی است که آمار جای گرفته در گزارش این کمیته مبنی بر در قید حیات بودن 1.194.000 ارمنی عثمانی می باشد، از طرف دیگر در ماده اول این لایحه از 2 میلیون ارمنی بحث می شود که 1.5 میلیون در ادعا به نسل کشی گرفته شده اند و 500 هزار هم تهجیر داده شده اند، تناقض این ادعا که افسانه کشتار 1.5 میلیون ارمنی به آن تکیه کرده از **تهجیر ارامنه الهام گرفته است**، در اینجا 500 هزار ارمنی به تهجیر و در این مدت 1.5 میلیون ارمنی هم به کشتار گرفته شده اند، ولی در این لایحه هیچ صحبتی از مهاجرت حداقل 300 هزار ارمنی (بنابر منابع ارمنی) به قفقاز نشده است. لیکن در لایحه نفوس ارامنه عثمانی 2 میلیون ذکر شده نه 2.3 میلیون، اینگونه به نظر می رسد که مهاجرت ارامنه به قفقاز ربطی به ادعای نسل کشی نداشته که آن را حساب نکرده اند این در حالی است که ماهیت افسانه ای کشتار 1.5 میلیون ارمنی از تهجیر ارامنه الهام گرفته است، (مثلاً در روزهای ابتدایی تهجیر در ایران شایعه کشته شدن 1 میلیون ارمنی از طریق انگلیسی ها در روزنامه های آن زمان منتشر می شود) ولی در خود متن لایحه از 500 هزار ارمنی تهجیر داده شده که زنده می باشند بحث می شود، چون اگر آنها هم کشته می شدند شماره افسانه ای 1.5 نمی ماند بلکه باید 2 میلیون می شد، یا اینکه مهاجران کوچ کرده به قفقاز را هم مرده فرض کرده و جزئی از افسانه 1.5 میلیون ارمنی شده که در این صورت چگونگی ماهیت اسطوره ای کشتار 1.5 میلیون ارمنی بسیار واضح تر درک خواهد شد.

این مورد را طوری دیگر می توان توضیح داد خود اجرای تهجیر که مدعیان ارمنی کشتار 1.5 میلیون ارمنی را از آن اقتباس می کنند در مقابل این ادعاهای دروغین ارامنه قرار گرفته است، زیرا اگر قبل از تهجیر و یا در طول تهجیر 1.5 میلیون ارمنی کشته شده است که هرگز چنین چیزی رخ نداده آن زمان چه نیازی به تهجیر دادن ارامنه و قبول این مسوولیت بی معنی از طرف دولتی که زیر فشار جنگ بود احساس می شد، کسانی که ادعا می شود 1.5 میلیون را کشته اند چرا 500 هزار را نکشته و به تهجیر گرفته اند؟، در صورتی که بنابر ادعای میتومان های ارمنی در نحوه کشتار ارامنه، حکومت عثمانی می توانستند خیلی راحت آنها را بکشند. اگر بعد از تهجیر 1.5 میلیون ارمنی کشته شده است باز هم امکانی به این نبوده چرا که دولت عثمانی غیر از قرار گرفتن در زیر فشار جنگ به اندازه کافی در حال کشیدن اضطراب حاصل شده از فشار دولت های غربی در مورد تهجیر ارامنه می باشد که با این حال چگونه امکان دارد 1.5 میلیون ارمنی را بکشد. یعنی نمونه های زیادی از این استدلال ها وجود دارند که تفکر و اعتقاد هر شخصی را می تواند در برابر ادعاهای ارمنی به شک کردن مجبور کنند.

مثلاً یک نمونه دیگر از تناقضات الهام دهنده به افسانه کشتار 1.5 میلیون ارمنی اینگونه می باشد:

در سال 1917 یک پوستر تبلیغاتی برای کمک رسانی به ارامنه با اعلام روز 1917.06.13 به عنوان روز ارمنی منتشر می شود، منبع ای که این پوستر از آن اقتباس کرده کتاب آبی انگلیسی ها می باشد، در طرفی از این پوستر کشته شدن 600 هزار ارمنی مرد و زن و کودک نوشته شده است و در طرف دیگر تبعید و اخراج 1.200.000 ارمنی توسط تورک ها و گرد ها نوشته شده است. بدون در نظر گرفتن تبلیغاتی بودن خود کتاب آبی که منبع این پوستر می باشد، زمان مقایسه اطلاعات درج شده روی این پوستر با ادعاهای امروزی میتومان های ارمنی، وقتی که تا سال 1916 (تاریخ انتشار منبع پوستر یعنی کتاب آبی) اخراج شدن 1.200.000 ارمنی قید شده است، چگونه امکان دارد که حکومت عثمانی ارامنه به اصطلاح اخراج شده را تعقیب کرده و آنها را در جایی خارج از آناتولی به کشتار بگیرد، این در حالی است که زمان توجه کردن به پروپاگاندای کتاب آبی که در سال 1916 منتشر شده و تبلیغات کشته شدن 600 هزار ارمنی را می کند، امروز بدون هیچ اساس عینی مدعیان دروغگو از کشته شدن 1.5 میلیون ارمنی در سال 1915 حرف می زنند و یکی از منابع ای که این افسانه را به آن استناد می دهند همین کتاب آبی می باشد. زمانی که منابع به لحن ارمنی اینگونه یکدیگر را تکذیب کرده و به تناقض می کشانند چگونه می توان به آنها اطمینان کرد و به یک تعریف صحیح از حوادث اتفاق افتاده در تاریخ واقعی رسید؟ امروز کار ارامنه مدعی و احبای آنان این شده است که با تکیه دادن اسطوره کشتار 1.5 میلیون ارمنی به این منابع که یکدیگر را نقض می کنند تصویری از تاریخ غیر واقعی را به عنوان یک واقعیت غیر قابل انکار به افکار عمومی دنیا تزریق می کنند. به نظر می رسد در میدانی که ادعای نسل کشی صوری ارمنی در آن به گرد و خاک کردن مشغول می باشد از **ادبیات احمقانه ای که قاعده اصلی آن نهایت غیر منطقی بودن می باشد استفاده می شود که خلاهای آن را هم احساسات تورک ستیزانه پر می کنند**، در این میدان مدعیان مجبور هستند برای اینکه به خیلی از سوالات جواب ندهند همیشه **گرد و خاک مظلوم نمایی** به راه انداخته و به **تفریح تظاهر کردن** سرگرم شوند. زیرا نه تحمل کردن به عدم اثبات دروغین نبودن یک ادعا راحت است و نه بی اعتباری حاصل شده از یک دروغ بزرگ که در پشت پرده آن جنایات سنگین بشری رخ داده توسط ارامنه قابل تحمل خواهد بود.

امروز ارامنه برای رسیدن به اهداف تلقین شده به آنها اصول و روشی برای بدست آوردن نتیجه ای در حد غیر ممکن را انتخاب کرده اند، زیرا آنها برای نشان دادن **حقیقت بودن دروغ و دروغ بودن حقیقت** تقلا و اسرار می کنند، این در حالی است که در طرف دیگر وظیفه تورک ها بسیار آسان و راحت تر می باشد و آن هم در هر زمان و مکان تاکید کردن بر **حقیقت بودن حقیقت و دروغ بودن دروغ** می باشد.

ARMENIA'S DAY

Wednesday, JUNE 13TH, 1917.

IN AID OF THE

ARMENIAN REFUGEES (LORD MAYOR'S) FUND.

600,000
MEN.
WOMEN
AND
CHILDREN
MASSACRED.

*Government
Blue Book,
Decr 1916.*



1,200,000
DEPORTED
AND
THEIR HOMES
DESTROYED
BY THE
TURKS AND
KURDS

HELP US TO SAVE THE REMNANT OF THIS BRAVE AND PERSECUTED PEOPLE.

For further information about Flag Day apply to

THE HON. ORGANIZER, I. MADDOX STREET, REGENT STREET, W. 1.

Donations to

Armenian Refugees (Lord Mayor's) Fund, 96, Victoria Street, S.W.

دیاپورای ارمنی توسط این پوستر برای اثبات نیک بودن تترهای خود تلاش می کند. بنابر فرضیه آنها در تاریخ 1917.06.13 تشکیل یک فعالیت امداد توسط این پوستر دلیلی بر "نسل کشی" می باشد. در پوستر اخراج شدن یک میلیون و دویست هزار ارمنی از خانه و وطن شان توسط تورک ها و کردها و به نسل کشی، به تعبیر آن زمان به قتل عام گرفته شدن 600 هزار مرد، زن و کودک نشان داده می شود.

حال اینکه وقتی به پوستر با دقت نگاه می شود، این پوستر هم مانند بسیاری از اسناد ارایه شده مرجع را کتاب آبی مشهور انگلیسی ها که از طرف آرنولد توینبی (Arnold Toynbee) نوشته شده است نشان می دهد. آرنولد توینبی در آن دوران یک آژان موظف در سرویس مخفی انگلیس می باشد. زمانی که تاریخ های قید شده با سال های جنگ جهانی اول تقابل می کند و نوشته شدن کتاب آبی به عنوان یک ابزار تبلیغاتی در نظر گرفته می شود، به این تر دیاپورای ارمنی چقدر می توان حق داد.

ادعای ارمنی
باطل است

○ کدام محکمه تورکیه را از بابت نسل کشی محاکمه کرده است؟

یک سوال برای تازه کردن حافظه مان... آیا قرار یک محکمه کامل بین المللی که ادعاهای نسل کشی ارمنی را تصدیق کند، حتی اگر طرفدارانه هم باشد وجود دارد؟

عموما به این سوال می توانیم با گفتن "خیر، وجود ندارد" جواب دهیم. از این تاکید هم برای معین کردن عدم وجود اساس حقوقی ادعاهای نسل کشی و توجیه حقوقی آن استفاده می کنیم.

حال اینکه این صحیح نیست. در مورد ادعاهای ارمنی در گذشته یک جریان قضایی اعمال شده است. **جریانی که با عنوان "دادرسی مالتا" وارد قید های تاریخ شده است...** که هم بین المللی می باشد و هم کاملیت لازم را دارد.

جریان قضایی در نهایت یک قرار هم داده بود و آنهایی که می گویند "**نسل کشی وجود ندارد**" را تصدیق می کند و آنها را در گفتن "**نسل کشی وجود ندارد**" ذیحق کرده است. **قراری مقتدرانه که ادعاهای ارمنی را هم از نظر حقوقی و هم تاریخی، کاملاً باطل می کند.**

لزوم ارزیابی دادرسی مالتا به عنوان یک قرار محکمه کامل بین المللی را می توانیم با مقایسه کردن آن با دادرسی نورنبرگ در مورد نسل کشی یهودی به میان بگذاریم.

محکمه نورنبرگ سرخود بنا نشده بود. این محکمه از طرف دول غالب جنگ جهانی دوم در تاریخ 1915.08.08 با عهدنامه لندن بنا شده بود و صلاحیت قضاوت به آلمان قبول گذشته بود. از سوی دیگر، قاعده کلی معین شده در رابطه با مجرمین جنگی دادگاه نورنبرگ، از طرف سازمان ملل متحد، در یک جلسه در اواخر سال 1946 برای تعریف نسل کشی و به همین دلیل اساس قطع نامه نسل کشی در سال 1948 گرفته شده بود.

یعنی نورنبرگ، در مورد نسل کشی یهودی یک دادگاه کامل بین المللی می باشد. استندهای آن هم، بنا شدن آن با یک قطعنامه بین المللی و تعریف صلاحیت آن از طرف سازمان ملل متحد می باشد.

امروز دادگاه جزایی بین المللی موجود در شهر لاهه (هلند) که بر جنایات جنگی و ادعاهای نسل کشی قضاوت می کند هم از طرف سازمان ملل متحد صلاحیت دار شده است.

در زمینه کاملیت بین المللی، دادرسی مالتا هم این خصوصیات را حمل می کند. هر چند به این موضوع زیاد توجه نمی کنیم... در رابطه با مالتا فقط یک کتاب از محقق گرانقر بلال شمشیر (Bilal Şimşir) وجود دارد و البته در بعضی کتاب ها هم به موضوع پرداخته شده است. این آثار هم ابعاد محاکمه را احاطه نمی کنند و به حادثه (انتقال مظنونین به مالتا) مانند یک تبعید اتفاق افتاده در طول جنگ نزدیک می شوند.

هرچند حادثه رخ داده در مالتا یک تبعید نیست. بلکه یک محاکمه است. چنانکه، برای رهبران پارتی اتحاد و ترقی فرستاده شده به جزیره مالتا از طرف انگلیسی ها که استانبول را اشغال کرده بودند، در اسناد انگلیس هم تعریف انجام گرفته تبعید نیست. در اسناد انگلیس "**دستگیر شدن**" این افراد تاکید شده است.

درباره این دستگیر شدگان حاضر در مالتا، از طرف دادستانی پادشاهی انگلیس رسیدگی به عمل آمده بود، موضوع رسیدگی باز شده را هم اثبات سه جرم جداگانه احتوا می کرد:

1. بد رفتاری کردن با اسرای انگلیسی...
2. تناسب نداشتن به متارکه مودرس و به آتش بس...
3. ملحق شدن به قتل عام جمعی ارامنه...

امروز بخش عظیمی از اسناد موجود در آرشیوهای عثمانی مرتبط با مسئله ارمنی که ادبیات "باز نشدن و یا بسته بودن" آن توسط ارامنه مدعی به نمایش گذاشته می شود، شامل این رسیدگی انجام گرفته شده از طرف اشغال گران انگلیسی می باشد. به اصطلاح عمومی این اسناد درون گونی ها ریخته شده و به لندن فرستاده شده بود. دادستانی پادشاهی انگلیس هم تمام این گونی های پر از اسناد را بررسی کرده بود و برای یافتن اثبات جرم درباره تورک های دستگیر شده حاضر در مالتا به هیئت عالی انگلیس در استانبول، بارها نوشته هایی برای تامین صحت اظهارات شاهدان متهم کننده نوشته بود.

امروز اسنادی که به عنوان دلیل نسل کشی به آنها استناد می شود شامل چهار کتاب نوشته شده در آن دوران می باشند، این کتاب ها عبارتند از: 1. کتاب آبی - 1916، 2. حکایت سفیر مورگنثاو (Mogenthau) - 1918، 3. آلمان و ارمنستان - 1919، 4. خاطرات نائم بی (Naim Bey) - 1920، که از طرف دادستانی پادشاهی انگلیس در ظرف بررسی جداگانه ارزیابی شده بودند.

در نهایت در اواسط سال 1920 دادستانی پادشاهی انگلیس قرار دادی چینی داده بود: در موضوعات کشتار جمعی ارمنه و عدم تناسب با شرایط متارکه مودرس، بنابر وضعیت اسناد در دست نمی توان برای یک محاکمه حقوقی دعوی باز کرد. دلایل موجود فقط به موضوع بد رفتاری با اسرای انگلیسی ارتباط دارند، آن هم باز شدن دعوی برای 8 نفر را ممکن می کند.

در این میان باید خاطر نشان کرد که... دادستانی پادشاهی انگلیس چهار کتاب نام برده شده فوق را از نظر حقوقی به عنوان موجود بودن آن در ارزش دلیل، معتبر نشناخته بود. هرچند با الهام از این کتاب ها هنوز هم با بی شرمی خاصی کتاب ها و مطالب جدیدی که به ظن مولفان افسانه نسل کشی را مفصل تر خواهد کرد، به عنوان دلیل نسل کشی نشان داده می شوند.

حال با مشخص شدن این وضعیت شفاف، قرار نسل کشی بودن چیزی را یک دادگاه کامل بین المللی می دهد. قطعنامه نسل کشی سازمان ملل، **قرار محکمه کامل بین المللی برای جرم نسل کشی را اجباری حساب کرده است**. پارلمان و مجالس بعضی کشورها به نسل کشی بودن چیزی نمی توانند قرار بدهند و یا اینکه حتی یک کنفرانس هم در مورد نسل کشی نمی تواند قرار بدهد، قرار نسل کشی فقط از طرف یک دادگاه کامل بین المللی داده می شود و اگر یک پارلمان و یک کنفرانس به خود صلاحیت دادن این قرار را بدهد هم، این قرار هرگز قرار معتبر نخواهد بود و بیشتر یک قرار میلی می باشد که در بررسی آن، این قرار میلی هم یک جرم تلقی می شود زیرا قبول واقعیت داشتن ادعای یک نسل کشی صوری ثابت نشده و گریزان از بررسی به اندازه اقتضای سنگین زدن به دولتی که ربطی به حوادث آن دوران نداشته جرم حساب می شود. حتی کشوری مانند فرانسه قدمی نو برداشته و انکار این نسل کشی اثبات نشده و به تعبیر دیگر انکار افتراء نسل کشی را در فرانسه جرم تلقی کرده است. این نوع تقرب ها که پسمانده خرافه های صلیبی و تفتیش عقاید توسط کلیسای کاتولیک در قرون وسطی می باشند، نمونه کاملی از جهالت گرایی جدید در اروپا با رهبری فرانسه است و به همین دلیل استناد کردن از تعبیر **"قرون وسطی دوم"** برای این عمل جهالت گرایانه مناسب خواهد بود.

برای درک بیشتر این موضوع مثلاً ارمنه ادعا می کنند دستگیر شدگان مالتا صرفاً به جهت اعمال کشتار بر روی ارمنه دستگیر شده بودند (!)، در حالی که دادگاه به نتیجه عدم اعمال کشتار جمعی بر روی ارمنه رسیده بود و در طرف دیگر ارمنه مدعی دلیل دادن حکم اعدام بعضی از اعضای پارتنی اتحاد و ترقی را صرفاً به ادعای خود ربط می دهند، این در حالی است که حکم اعدام بعضی از اعضای اتحاد و ترقی به جهت فراری بودن و غایب بودن در دادگاه می باشد. زیرا این قرار قبل از شروع محاکمه داده شده بود و بهره برداری خاص ارمنه مدعی از این قرار ماهیت محاکمه که در ابتدا به آن اشاره شد و از نظر ارمنه صرفاً به مسئله ارمنی ربط داشته را به تناقض می کشاند. چرا که اگر حکم های داده شده اعدام فقط به جهت انجام جنایت بر روی ارمنه بود، آن زمان چه نیازی به محاکمه طولانی حاضرین بوده که در نهایت بی گناهی آنها ثابت شده و نتیجه دادگاه مغایر با هدفی که ادعا می شود برای آن بنا شده بود می گردد. در رابطه با این موضوع ارمنه هم از طرفی حکم اعدام غایبان قبل از شروع محاکمه را نشانه قرار دادگاه جلوه می دهند و هم از طرف دیگر از نتیجه دادگاه به عنوان یک ناموفقیت حقوقی ناراضی بوده و انتقاد می کنند.

لیکن ناراضی بودن ارمنه از نتیجه دادگاه در عدم رسیدن متهمان به مجازات نبوده، بلکه رای دادگاه در باطل بودن ادعای کشتار جمعی ارمنه می باشد، امروز ارمنه مدعی از رای دادگاه مالتا ناراضی هستند، در این باره باید خاطر نشان کرد که اگر امروز امکان تشکیل یک دادگاه دیگر وجود داشته باشد، لابی های ارمنی چرا برای کسب این فرصت تلاش نمی کنند؟ یعنی نتیجه دادن دادگاهی دیگر خیلی راحت از فشار کشیدن و فریبکاری آنها برای قبول شدن بی اعتبار ادعاهایشان در پارلمان بعضی کشورها در خلق افکار عمومی فریب خورده می باشد. یعنی اگر لابی های ارمنی فرصت و شانس برای انجام این کار داشتند غیر ممکن بود که آن را انجام ندهند. ولی چرا این کار را انجام نمی دهند؟ جواب بسیار ساده است، اگر امروز یک دادگاه بنابر شرایط تعریف شده نسل کشی بخواهد قضاوت کند ابتدا اقدام به بررسی تاریخی و اثبات آن خواهد کرد، اما امروز ارمنه از بررسی تاریخی پیشنهاد شده از سوی تورکیه شانه خالی می کنند و بیشتر به سر و صدا کردن بی فایده مشغول می باشند و در مقابل این پیشنهاد از تورکیه ابتدا قبول ادعای نسل کشی اثبات نشده را دارند، که بعد از قبول آن در ادعا قول نشستن سر میز بررسی تاریخی را می دهند، این رفتار ارمنه تأثیری در اصول پیشنهادی تورکیه نخواهد داشت لیکن ما را در این حلقه با شعور و ذکاوت معلول ارمنه مدعی و احبای آنان بسیار خوب آشنا می کند.

در این مورد مثلاً فرانسه برای اینکه در رابطه با مسئله ارمنی گناه های تاریخی خویش را خارج کند، با اظهار اینکه **"تورکیه باید با تاریخ خود رو برو شود (!)"** خود را در یک وضعیت یاهو گویی قرار می دهد، یا اینکه خود ارمنه مدعی بارها ادعا کرده اند که آرشیو های عثمانی بسته است و اجازه بررسی آنها داده نمی شود، حال این دو مورد مضحک زمانی که با پیشنهاد تورکیه مقایسه می شوند به نظر می رسد کار ارمنه و احبای آنان در کنار پیش دستی کردن، شبیه حکایت سنگ انداختن به شیشه و فرار کردن می باشد و بسیار واضح است که این اداهای ارمنی معنی لازم را داده اند و طرفی که واقعا قرار است با تاریخ خود رو برو شود تورکیه نیست.

ارمنه هم از نتیجه دادگاه مالتا در اثبات عدم وجود قتل عام و یا کشتار جمعی بر روی ارمنه ناراضی خواهند بود و هم اینکه پیشنهاد یک بررسی تاریخی را رد خواهند کرد و دلیل مشارکت نکردن خود را هم **"اثبات شدن نسل کشی و غیر قابل انکار بودن آن تلقی خواهند کرد (!)"**. بسیار خوب یعنی در اینجا امکانی به پرسیدن این سوال نخواهد بود که امروز کدام دادگاه صلاحیت دار در رابطه با این موضوع یک قرار نهایی داده است که ارمنه بنابر آن اقدام می کنند؟

در توضیح غیر قابل انکار بودن ادعایی که هم از نظر اسناد قابل مشاهده تاریخ و هم از نظر حقوقی اثبات نشده است شاید خود مدعیان ارمنی و احبای آنان هم دچار مشکل شده و متحمل سختی شوند، لیکن برای اینکه عمق فاجعه ایجاد شده با این خرافه ارامنه مشخص شود، یاد آوری یک واقعیت جاهلانه که میراث باقیمانده از قرون وسطی می باشد لازم است، همان گونه که در فوق هم به آن اشاره شد فرانسه برای اینکه خرافه نسل کشی ارمنی انکار نشود، قانونی مبنی بر مجازات انکار کنندگان وضع می کند و با این کار خود گویا رهبری این کار در اروپا را بر عهده می گیرد، اما این قانون یعنی مجازات منکران خرافه بسیار شبیه مجازات بعضی اشخاص توسط کلیساهای کاتولیک در قرون وسطی می باشد. در اروپای پانصد، ششصد سال گذشته شخصیت های زیادی با دفاع از نتیجه بررسی های علمی خود به دار آویخته می شدند، چنانکه انکار فرضیه باطل زمین مرکزی توسط گالیله (Galileo Galilei) با مخالفت کلیسای کاتولیک مواجه شده و بر مجازات او قرار گذاشته می شود، در واقع ادعای اثبات نشده ارمنی هم بسیار شبیه به خرافه زمین مرکزی می باشد لیکن قبول این خرافه برای کسانی قابل قبول است که علاقه زیادی به مشاهده این مسئله (مثل: عدم مرکزیت زمین بر عالم) از منطری علمی و یا مرتفع تر ندارند.



تصویری از دواو پرینچک بعد از موفقیت و ذبیق بودن او در دادگاه حقوق بشر اروپا، مردی که مبارزه او در برابر دروغ بین المللی ارامنه، اروپایی را از غرق شدن بر جهالتی که می توانست قرون وسطی دوم شود نجات می دهد.

مواردی این چنین ناعادلانه باعث می شوند که اشخاصی مانند دواو پرینچک (Doğu Perinçek)، که سالهای طولانی در آرشیوهای دولتی روسیه به بررسی مسئله ارمنی پرداخته و بارها بر ذبیق بودن غیر قابل تصور تورکیه در این دعوی تاکید کرده، به اروپا رفته و در جایی مثل سوئیس که مرکز بسیاری از امور در اروپا می باشد، دروغ بودن نسل کشی ارمنی را در میان خرافه گرایان مفتش اروپایی اظهار کند و صرفا به جهت انجام این کار (که در اصطلاح فرانسوی به آن جرم تحقیر کردن ارامنه گفته می شود) زندانی و محاکمه بشود، ولی نهایت، در "دادگاه حقوق بشر اروپا" موفق به دفاع از دعوی تورکیه در دسامبر 2013 می شود و به دنیا نشان می دهد که ادعای نسل کشی صوری ارمنی یک "دروغ بین المللی" می باشد و دروغ خیلی راحتتر از قبول آن می تواند انکار شود. چرا که انکار دروغ بین المللی ارمنی از طرف تورکیه نمی تواند به اندازه قبول آن شگفت انگیز و غیر طبیعی باشد.



اسناد آرشیو، آلبوم عکس و منابع

نفوس ارمنی بنابر سرشماری سال 1914

پراکندگی نفوس دولت عثمانی بنابر آمار سرشماری رسمی در سال 1914 (1)

ولایات	مسلمین	رومیان	ارامنه
ادیرنه	Edirne	360.411	227.680
آدانا	Adana	341.903	8.974
آنتالیا	Antalya (Sancak)	235.762	12.385
آنکارا	Ankara	877.285	20.240
حلب	Halep	576.320	21.954
آیدین	Aydın	1.249.067	299.097
بیتلیس	Bitlis	309.999	-
بلو	Bolu	399.281	50.151
بورسا	Bursa	474.114	74.927
قیصری	Kayseri	184.292	20.590
استانبول	İstanbul	560.434	205.752
چاناق قلعه	Çanakkale (sancak)	149.903	8.550
دیاربکر	Diyarbakır (sancak)	492.101	1.935
جانیک	Canik	265.950	98.739
ارضروم	Erzurum	673.297	4.864
اسکی شهر	Eskişehir (sancak)	140.678	2.613
ازمیت	İzmit (sancak)	226.859	40.048
ایچل	İçel (sancak)	102.034	2.507
کاراحصار	Karahisar (sancak)	277.659	632
کاراسی	Karasi (sancak)	359.804	97.497
کاستامونو	Kastamonu	737.302	20.058
هارپوت	Harput	446.379	971
کوتاهیا	Kütahya (sancak)	303.348	8.755
ماراش	Maraş (sancak)	152.645	34
منتیش	Menteşe (sancak)	188.916	19.923
نیغده	Niğde (sancak)	227.100	58.312
اورفا	Urfa (sancak)	149.384	2
سیواس	Sivas	939.735	753.324
ترابزون	Trabzon	921.128	161.574
چاتالجا	Çatalca (sancak)	20.048	36.791
وان	Van	179.380	1
زور	Zor (sancak)	65.770	45
جمع کل	TOPLAM	12.588.288 (78,2%)	2.258.925 (14,0%)
نفوس عمومی	GENEL NÜFUS	16.069.063	1.221.850 (7,6%)

1) Azmi Süslü, Ermeniler ve 1915 Tehcir Olayı, Ankara, 1990, s.21-22

112

DOCUMENT NO. 58

No. 534
COPY

AMERICAN CONSULATE

Aleppo, Syria, February 8, 1916.

THE HONORABLE
HENRY MORGENTHAU,
AMERICAN AMBASSADOR,
CONSTANTINOPLE, TURKEY.

SIR:

I have the honor to transmit herewith a copy of a report received from reliable sources in reference to the number of Armenian immigrants in this vicinity, between here and Damascus and in that surrounding country, and down the Euphrates river as far as Dier-el-Zor, showing a total of about 500,000 persons. In connection with the relief sent by Mr. Peet for these people it would seem proper to state the sum of Ltq. 500 weekly is entirely inadequate to aid even a small part thereof, in fact as a person cannot live on less than 2 gold piasters per day, it will require the sum of Ltq. 10,000 a day to keep those alive who are in good health, to say nothing for the ill.

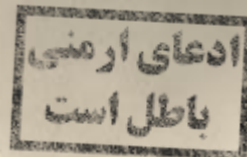
The Protestants have a fairly good organization for the caring for and distribution of money and other help to those in the localities mentioned in the list. The two distributing centers are Aleppo, which comprises all of the places mentioned on the list except Damascus, which is the other distribution center. Rev. Vahran Tahmizian may be charged with the distribution at the latter place.

Copy is enclosed for Mr. Peet. Please have him take energetic measures in this matter and advise me thereof.

I have the honor to be, Sir,

Your obedient servant

Signed: J. B. Jackson
Consul



Enclosure: Copy

310i.

Source: U.S. State Department Record Group 59, 867.48/271

DOCUMENT NO. 58

113

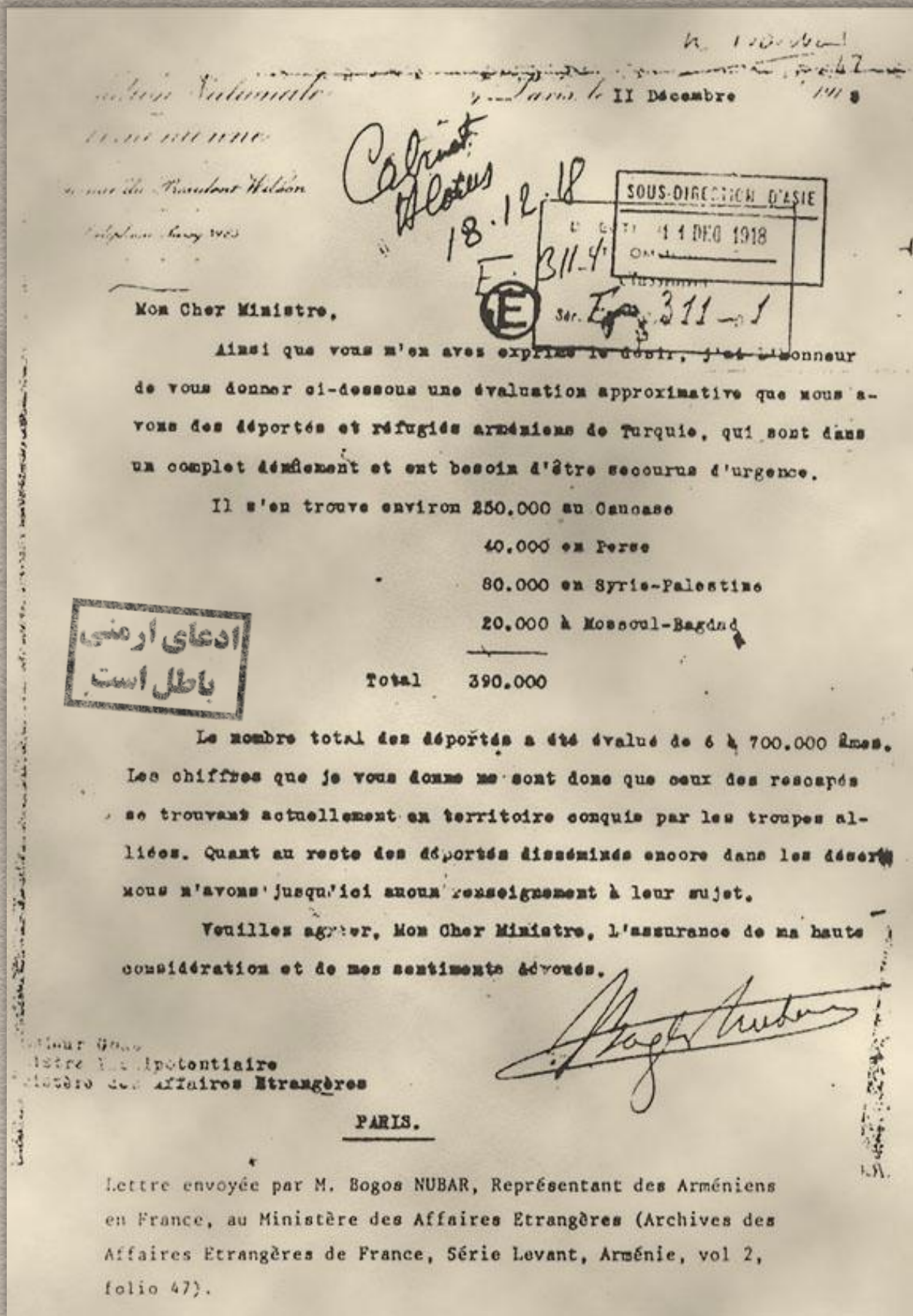
COPY

The following is the statistics of Armenian immigrants according to best information:

Damascus as far as Maan, more than	100,000
Hama and surrounding villages	12,000
Homs and surrounding villages	20,000
Aleppo and surrounding villages	7,000
Maara and surrounding villages	4,000
Bab and surrounding villages	8,000
Mumbidge and surrounding villages	5,000
Ras-el-Ain and surrounding villages	20,000
Rakka and surrounding villages	10,000
Der-el-Zor and surrounding villages	300,000
Total	486,000

February 3, 1916.

گزارش فرستاده شده از طرف سرکنسول ایالات متحده آمریکا جی. بی. جکسون (J. B. Jackson) در رابطه با کمک رسانی به ارامنه مهاجر توسط موسسات امداد در حلب به سفیر ایالات متحده آمریکا هنری مورگنثاؤ (Henry Morgenthau) در استانبول به تاریخ 1916.02.08



گزارش فرستاده شده از طرف رئیس هیئت ملی ارمنی بوغوس نوبار پاشا (Boghos Nubar Paşa) به وزارت امور خارجه فرانسه در مورد مهاجرت ارمنه از عثمانی، بنابر این گزارش بین 600-700 هزار نفر ارمنی از عثمانی مهاجرت کرده اند که 250.000 به قفقاز، 40.000 به ایران، 80.000 به سوریه، 20.000 به عراق و مابقی آن هم در این مناطق حاضر می باشند، حال اگر 250 هزار و 40 هزار مهاجرت کرده به قفقاز و ایران را که هیچ ارتباطی با تهجیر ارمنه ندارند را از میانگین 6-700.000 یعنی 650 هزار تقریب کنیم نتیجه 360 هزار نفر می شود که با آمار ارمنه مسکون شده بعد از تهجیر (382 هزار) در آرشیوهای عثمانی تناسبی بزرگی علاوه بر گذشته نزدیک به 3 سال از اتمام تهجیر دارد. این گزارش نشان می دهد ارمنه زمانی که واقعا احساس کرده اند به آنها قرار است چیزی داده شود حقایق را نوشته اند.

Ermenilerle ilgili bazı yabancı arşiv belgeleri <http://www.ttk.org.tr/index.php?Page=Sayfa&No=184>
Archives des Affaires Etrangères de France, Serie Levant, Armenie, Vol. 2, folio 47

CLASSIFICATION CANCELED AUTHORITY LETTER
OF 1-8-58 FROM W. H. ANDERSON, STATE DEP'T
BY *James W. Anderson* DATE *5 May 61*

Approximate number of Armenians in the world, November 1922.

Of the total indicated below, 817,873 are refugees from Turkey. The figures as to the refugees are based upon information furnished by the British Embassy, Constantinople, and by the agents of the Near East Relief Society, in 1921. The total given does not include the able-bodied Armenians, who are retained by the Kemalists, nor the women and children, - approximately 95,000, - according to the League of Nations- who have been forced to embrace Islam.

1.- In Turkey :

ادعای ارمنی
باطل است

Constantinople.....	150,000	
Asia Minor.....	131,000	
		281,000

2. In Russia :

Republic of Erivan	1,200,000	
Georgia	400,000	
Azerbaijan	340,000	
Region of TransCaspian	30,000	
Other parts of Russia	225,000	
		2,195,000

3. In Syria, Palestine

and Mesopotamia	104,000	
Egypt, Sudan and		
Abyssinia	28,000	
India, Java and		
Australia	12,000	
Persia	50,000	
		194,000

4. In Greece and Cyprus

Bulgaria	79,000	
Rumania	46,000	
Central and Western	43,000	
Europe	38,000	
		206,000

5. In the United States

and Canada	125,000	
South America	3,000	
		128,000
		3,004,000

NARA 867.4016/816
James W. Anderson
British Embassy Constantinople

گزارشی که توسط سفارت انگلیس در استانبول... کمیته امداد خاور نزدیک (Near East Relief Society) در سال 1922 حاضر شده و شمار نفوس ارمنه جهان و وضعیت ارمنه عثمانی را معین می کند. در این گزارش ارمنه مهاجرت کرده از تورکیه 817,873 نفر ذکر شده، همچنین شمار ارمنه حاضر در تورکیه به صورت 281,000 و 95,000 ارمنی که شامل آن نبوده و خود را مسلمان معرفی کرده اند قید شده است. این گزارش که از طرف یک سازمان بی طرف فقط برای اصلاح رسانی نه تبلیغات سیاسی حاضر شده است نظریه خرافه ای ارمنه و احبای آنان مبنی بر کشتار 1.5 میلیون ارمنی (معصوم!) توسط تورک ها را از پایه بی مسند و بی اتکا نشان می دهد.

Ermenilerle ilgili bazı yabancı arşiv belgeleri <http://www.ttk.org.tr/index.php?Page=Sayfa&No=184>
US Archives, Nara 867.4016/816.Jan.10,1923



یک جنگ جهانی، یک عصبان عمومی ارمنی، یک دسته از فرشتگان عصبان گر ارمنی
تصویری از دسته های سفاک ارمنی، امروز سعی می شود واقعیتهایی که در این تصویر افتخار آمیزانه برای فرشتگان عصبان گر ارمنی آن دوران دیده می شود، با تعریف نشود و یا اینکه انکار شود



یک جنگ جهانی، یک عصبان عمومی ارمنی، یک نسل کشی به دست فرشتگان عصبان گر ارمنی
تصویری از تورک های قتل عام شده توسط سفاکان ارمنی در روستای انرک ارزینجان، امروز نوادگان قاتلانی که این کودکان را با شکنجه قتل عام کرده اند، با مظلوم نمایی خاصی که جزی از هویت ملی ارمنی شده است، سعی می کنند تاریخ را بر عکس ردالتی که انجام داده اند، ارمنی وار پر از دروغ و اقتراء تعریف کنند.



مسئله ارمنی

یک جنگ جهانی، یک عصبان عمومی ارمنی، یک تهجیر ذیحق برای مقابله با فرشتگان عصبان گر ارمنی
تصویری از مهاجران ارمنی که قسمت مهمی از مسیر تهجیر را با قطار طی کرده اند، امروز سعی می شود این واقعیت دیده نشود و از اصطلاح راهپیمایی
مردگان استفاده شود.



مسئله ارمنی

یک جنگ جهانی، یک عصبان عمومی ارمنی، یک نسل کشی به دست فرشتگان عصبان گر ارمنی
تصویری از تورک های قتل عام شده توسط دسته های سفاک ارمنی در روستای واگاویر ارزینجان، ارامنه ای که محصور تقلا برای به واقعیت رساندن
خولیای سقیم ارمنستان بزرگ شده بودند. غوغای آنها حکایت صاحب بودن فرشتگان بر بهشت بود.

اسناد آرشیو، آلبوم عکس و منابع (معرفی):

اسناد آرشیو درج شده در این کتاب، برای مشاهده مابقی اسناد می توانید به آدرس اینترنتی ذیل مراجعه کنید.

<http://www.ermenisorunu.gen.tr/turkce/arsiv/index.html>

آلبوم تصاویر درج شده در این کتاب، برای مشاهده مابقی تصاویر می توانید به آدرس اینترنتی ذیل مراجعه کنید.

<http://www.ermenisorunu.gen.tr/turkce/album/index.html>

منابعی چند حاوی مقالات مرتبط با مسئله ارمنی

<http://www.ermenisorunu.gen.tr/turkce/makaleler/index.html>

<http://www.dunya48.com/siyaset/ermeni-sorunu>

<http://www.eraren.org/index.php?Lisan=tr&Page=Makaleler>

در این آدرس اینترنتی می توانید به 30 جلد از مجله ای با عنوان موسسه تحقیقات (مسئله) ارمنی دسترسی داشته باشید. این مجلات حاوی بخش های مختلفی مانند: مقالات مفصل تاریخی، معرفی و تحلیل کتاب، نقدها، مصاحبات و... می باشند

<http://www.eraren.org/index.php?Lisan=tr&Page=DergiSayilar&DergiNo=1>

اسناد و اطلاعات اساسی در رابطه با مسئله ارمنی

<http://www.eraren.org/bilgibankasi/tr/index.htm>

موسسه تاریخ تورک - تحقیقات (مسئله) ارمنی

<http://www.ttk.gov.tr/index.php?Page=Sayfa&No=90>

حوادث 1915 در آرشیوهای دولت

<http://www.devletarsivleri.gov.tr/1915-olaylari/>



معرفی و دانلود کتاب



کتاب 1915 نگرشی کامل بر 8 قرن تاریخ پرتنش اسلام و ارامنه و نسل کشی مسلمانان دارد. جلد اول کتاب به پیدایش مساله ارامنه و نسل کشی مسلمانان عثمانی توسط ارامنه و جنایات ارامنه در بین سالهای 1914 تا 1918 می پردازد. این کتاب در واقع جلد اول و دوم از کتابی کامل در این زمینه است.

در این کتاب یکصد سند مُحکم از آرشیوهای دولتی روسیه در مورد مسئله ارمنی در قفقاز و جنایات آنها در تورکیه و آذربایجان گردآوری شده است.

نویسنده : مهندس رضا طالبی
مترجم : -
انتشارات : تک درخت
قطع : رقعی
تعداد صفحه : 747
زبان : فارسی
تاریخ انتشار : 1388
خرید اینترنتی: <http://yurd.ir>

نویسنده : محمد پرینچک
مترجم : دکتر محمد اسدی فانید
انتشارات : ندای شمس
قطع : وزیری
تعداد صفحه : 328
زبان : فارسی
تاریخ انتشار : 1390
خرید اینترنتی: <http://yurd.ir>

ردیف	اسامی	حجم (KB)	صفحات	زبان
1.	کمیته های ارمنی 1891-1895	475	116	Tr
2.	ارامنه در اسناد عثمانی 1915-1920	1,011	307	Tr
3.	تاریخ حوادث ارمنی	9,981	470	Tr
4.	مطالب ارمنی در قفقازها و آناتولی بنابر اسناد آرشیو (1)	1,474	424	Tr
5.	مطالب ارمنی در قفقازها و آناتولی بنابر اسناد آرشیو (2)	1,017	245	Tr
6.	اسناد قتل عام های انجام گرفته از طرف ارامنه 1914-1919 (1)	2,053	393	Tr
7.	اسناد قتل عام های انجام گرفته از طرف ارامنه 1914-1919 (2)	1,663	325	Tr
8.	وقایع نامه تاریخچه دار مسئله ارمنی 1878-1923	762	284	Tr
9.	تاریخچه سیاسی مسئله ارمنی 1877-1914	437	134	Tr
10.	روابط ارمنی - فرانسه بنابر اسناد عثمانی 1879-1918 (1)	1,048	263	Tr
11.	روابط ارمنی - فرانسه بنابر اسناد عثمانی 1879-1918 (2)	1,452	273	Tr
12.	روابط ارمنی - فرانسه بنابر اسناد عثمانی 1879-1918 (3)	1,455	304	Tr
13.	روابط ارمنی - انگلیس بنابر اسناد عثمانی 1845-1890 (1)	1,350	302	Tr
14.	روابط ارمنی - انگلیس بنابر اسناد عثمانی 1845-1890 (2)	1,103	253	Tr
15.	روابط ارمنی - انگلیس بنابر اسناد عثمانی 1845-1890 (3)	1,270	271	Tr
16.	روابط ارمنی - انگلیس بنابر اسناد عثمانی 1845-1890 (4)	1,096	222	Tr
17.	روابط ارمنی - روس بنابر اسناد عثمانی 1894-1898 (1)	929	179	Tr
18.	روابط ارمنی - روس بنابر اسناد عثمانی 1894-1898 (2)	1,290	234	Tr
19.	روابط ارمنی - روس بنابر اسناد عثمانی 1894-1898 (3)	1,176	231	Tr
20.	روابط ارمنی - آمریکا بنابر اسناد عثمانی 1839-1895 (1)	1,441	279	Tr
21.	روابط ارمنی - آمریکا بنابر اسناد عثمانی 1839-1895 (2)	1,611	290	Tr
22.	حوادث 1909 آدانا در اسناد عثمانی (1) - به همراه نسخه دیجیتال اسناد	23,380	586	Tr
23.	حوادث 1909 آدانا در اسناد عثمانی (2) - به همراه نسخه دیجیتال اسناد	29,389	533	Tr
24.	قره باغ در اسناد عثمانی - به همراه نسخه دیجیتال اسناد	115,162	682	Tr
25.	اسناد آرشیو مطالب و نسل کشی انجام گرفته بر روی تورک ها از طرف ارامنه	5,405	279	Tr
26.	از مسامحه تا جدایی راه (1)	4,007	500	Tr
27.	از مسامحه تا جدایی راه (2)	6,814	490	Tr
28.	از مسامحه تا جدایی راه (3)	3,244	504	Tr
29.	از مسامحه تا جدایی راه (4)	2,217	472	Tr
30.	انتقال ارامنه به سوریه: آیا کوچ اجباری می باشد یا نسل کشی؟	2,958	66	Tr
31.	مسئله ارمنی در یکصد سند (آرشیوهای روسیه)	14,843	221	Tr
32.	دیگر چیزی نیست داشناکسوتیون انجام دهد	9,769	118	Tr
33.	سیاست قفقاز جنوبی فدراسیون روسیه	2,777	304	Tr
34.	از گذشته تا به امروز مسئله ارمنی و ارزیابی نسل کشی صوری از زاویه معیارهای بین المللی	2,142	150	Tr
35.	میتومانیای (جنون دروغ گوئی) ارمنی - مسئله ارمنی از دیدگاه اریک فیگل، محقق و نویسنده اطریشی	3,542	169	Tr
36.	تشکیلات ترور ارمنی ASALA	1,197	182	Tr
37.	فعالیت های ارمنی بنابر اسناد آرشیو - مجموعه ای از 8 جلد کتاب تهیه شده از سوی ستاد ارتش تورکیه	178,339	5,082	Tr, En
38.	نسل کشی خوجالی	2,308	281	Tr.az
39.	قره باغ، دروغ و حقیقت	1,030	153	Tr.az
40.	جعل ارمنی	721	95	Tr.az

ردیف	اسامی	حجم (KB)	صفحات	زبان
41.	نسل کشی و تبعید آذربایجانی ها	7,660	578	Tr.az
42.	کشتار های سال 1918	557	63	Tr.az
43.	رنج های آعدام	828	109	Tr.az
44.	نسل کشی خوجالی تورک	1,222	77	Tr.az
45.	نسل کشی آذربایجانی ها، سال های 1917-1918	1,369	168	Tr.az
46.	مسئله قره باغ در راستای حقوق بین الملل	1,079	98	Tr.az
47.	صفحات سیاه تاریخ: تبعید، نسل کشی، پناهندگی	1,421	218	Tr.az
48.	عالمان ارمنی و سنگ های فریاد کش - فعالیت های ارمنی از دیدگاه چاوپاودزه، عالم گرجی	559	34	Tr.az
49.	قره باغ: وقایع نامه حوادث، سال های 1988-1994	2,357	110	Tr.az
50.	قره باغ: هوش غالب خواهد شد	2,935	345	Tr.az
51.	ترور ارمنی در قره باغ: فاجعه قره داغلی، 1992.02.17	297	15	Tr.az
52.	حوادث زنگه زور	686	60	Tr.az
53.	ترور ارمنی	5,791	168	Tr.az
54.	جنایات ارمنی: بنابر اسناد	1,050	117	Tr.az
55.	شروط و اسباب ابتدایی مناقشه ارمنی - آذربایجانی در اوایل قرن بیستم	2,619	198	Tr.az
56.	رد مانده یمان در زنگه زور	1,408	102	Tr.az
57.	روزهای خونین مان: 1918-1920، نخجوان	829	68	Tr.az
58.	ارتش تورک اسلام قفقاز و ارمنه: 1918	5,215	419	Tr.az
59.	سیاحتی به گذشته قره باغ	515	49	Tr.az
60.	رنج وطن، حریق خاک	1,296	39	Tr.az
61.	فاشیسم ارمنی - دانشناک و آذربایجان	3,242	327	Tr.az
62.	خان نشینی ایروان: اشغال روسیه و تهجیر ارمنه به خاک های آذربایجان شمالی	33,177	594	Tr.az
63.	نسل کشی شاماخی، سال 1918	1,510	146	Tr.az
64.	ارمنه و حقایق: بنابر اسناد رسمی	2,107	298	Tr.az
65.	عامل ارمنی در جبهه قفقاز جنگ جهانی اول	3,076	204	Tr.az
66.	تاریخ قره باغ	461	29	Tr.az
67.	نسل کشی شکل گرفته از سوی ارمنه بر علیه آذربایجانی ها	615	16	Tr.az
68.	خوجالی: شهیدان و شاهدان	1,489	100	Tr.az
69.	قره باغ: تاریخ واقعی، حقایق، اسناد	5,673	249	Tr.az
70.	وضعیت سیاسی قره باغ بالا در دوران جمهوری آذربایجان: قدرت گرفتن تروریسم ارمنی: 1918-20	708	151	Tr.az
71.	حقایق نسل کشی بر علیه آذربایجانی ها	534	29	Tr.az
72.	ماهیت دشمن: تاریخ تروریسم ارمنی در اواخر و اوایل قرن نوزدهم و بیستم در تورکیه و قفقاز جنوبی (1)	2,787	300	Tr.az
73.	ماهیت دشمن: تاریخ تروریسم ارمنی در اواخر و اوایل قرن نوزدهم و بیستم در تورکیه و قفقاز جنوبی (2)	1,803	280	Tr.az
74.	ماهیت دشمن: تاریخ تروریسم ارمنی در اواخر و اوایل قرن نوزدهم و بیستم در تورکیه و قفقاز جنوبی (3)	1,164	98	Tr.az
75.	آذربایجان در کنفرانس صلح پاریس 1919-1920	1,822	184	Tr.az
76.	نسل کشی خوجالی: از زبان شاهدان	2,958	223	Tr.az
77.	قره باغ درون خون	1,094	79	Tr.az
78.	قیدهای مایوسکی سرکنسول روسیه در ارضروم	320	13	Tr.az
79.	از تاریخ ناسیونالیسم و تجاوزگری ارمنی	4,739	407	Tr.az
80.	واندالیسم: نسل کشی بر علیه نام های تاریخی	1,028	91	Tr.az

ردیف	اسامی	حجم (KB)	صفحات	زبان
81.	جنایت نسل کشی: مستندات بین المللی، اسناد قاعده دار و مجموع شرحیات	551	88	Tr.az
82.	"قره باغنامه ها" منبع ای برای آموختن تاریخ آذربایجان	1,516	184	Tr.az
83.	قره باغنامه ها (1)	1,928	214	Tr.az
84.	قره باغنامه ها (2)	2,087	286	Tr.az
85.	قره باغنامه ها (3)	1,850	246	Tr.az
86.	تشریح کوچ داده شدن ارمنه آذربایجان به مرزهای روسیه	574	27	Tr.az
87.	ما نمی توانیم اجازه بدهیم که در اراضی آذربایجان برای دومین بار یک دولت ارمنی خلق شود	1,778	105	Tr.az
88.	مدل اطلاعاتی مناقشه قره باغ	2,335	281	Tr.az
89.	ژنوسید... اکوسید (نسل کشی... بوم کشی)	2,934	397	Tr.az
90.	کوچ داده شدن	315	31	Tr.az
91.	نامه های پاریس	689	54	Tr.az
92.	تورک های قدیم و ارمنستان (امروز)	1,099	108	Tr.az
93.	آرزوی "صلح قره باغ" ولادمیر کازیمیرو و نیت اصلی	998	131	Tr.az
94.	بورچالیه تکه تکه شده (ارمنه در سال 1918 جنوب بورچالی را اشغال کرده اند)	12,715	83	Tr.az
95.	راهپیمایی استقلال - 1918	5,199	170	Tr.az
96.	دروغ ارمنی از آکدامار تا ساری گلین	5,713	232	Tr.az, Ru, En, Tr

En	انگلیسی
Ru	روسی
Tr	تورکی استانبولی
Tr.az	تورکی آذربایجانی

برای دسترسی به لینک دانلود کتاب مورد نظر بر روی اسم آن کلیک کنید.



سخن مترجم

یکی از مواردی که در سال های اخیر توسط بعضی از محیط های خاص به آن دامن زده می شود، موضوعی است که در این کتاب سعی شده به آن اشاره شود، هدف از تالیف و ترجمه این مجموعه، شفاف سازی و روشن ساختن مفهومی است که امروز در برابر ادعاهای بی بنیه ارمنی قرار گرفته است، ادعاهایی که تناقضات مضحک آن باعث می شود تا مروری به چه بودن چه چیز داشته باشیم.

شاید با این منظره روبرو شده باشید که در جایی تلاش شده تا افسانه نسل کشی ارمنی تعریف شود، این مطالب مزخرف و فاقد هرگونه اعتبار از زاویه تاریخ عینی معمولا با این تیتراژها "کشتار 1.5 میلیون ارمنی و یا نسل کشی 1.5 میلیون ارمنی" شروع شده و در ادامه با رسیدن به این نتیجه "600 الی 800 هزار ارمنی جان خود را از دست داده اند" خاتمه می یابند. هر کدام از این ارقام که برای خود قضیه ای مفصل دارند، حتی با این که در مقابل یکدیگر قرار می گیرند و دیگری را باطل می کنند، بدون این که حتی مورد نقد و بررسی قرار بگیرند از طرف بعضی اشخاص و جوامع مانند حقیقت مطلق دیده می شوند. این رفتارهای طرفدارانه که اکثر موارد گویا حامل بار داوری می باشند در واقع سعی در حقیقت جلوه دادن یک دروغ بزرگ دارند، این اعمال در واقع بیشتر شبیه جواب دادن به این سوال یعنی، چند دروغ می شود یک حقیقت؟ می باشند.

مفهوم نسل کشی برای اولین بار بعد از حوادث کشتار یهودیان توسط نازی های فاشیست آلمانی مفهومی که امروز دارد را پیدا کرده است، این مفهوم از سوی ارامنه هم بهره برداری شده است. هر چند دلایلی قابل توجهی هم مبنی بر اینکه نازی ها و صهیونیست ها در طول جنگ جهانی دوم با یکدیگر همکاری کرده اند تا با این حادثه یهودیان اروپا را در خاک های فلسطین مسکون کنند وجود دارند که در اینجا اکثر کشته شدگان یهودیانی بودند که یا بنی اسرائیل نبودند و یا اینکه بسیار فقیر بوده و باری اضافی برای جامعه صهیونیسم حساب می شدند.

در واقع در اینجا سعی نمی شود که حقایق وقایع مرتبط با یهودیان در جنگ جهانی دوم بررسی شود و تنها هدف استفاده از عبارت نسل کشی یهودیان به عنوان ملاکی برای نسل کشی می باشد.

بعد از سال 1965 که مسئله قبرس بین تورکیه و یونان به یک جنگ تبدیل گشت، نتیجه آن با بنای یک حکومت تورک در نیمه شمالی قبرس توسط تورکیه خاتمه می یابد، بعد از این دوران حوادث مرتبط با ارامنه در طول جنگ جهانی اول رفته رفته به معنی ای که می شود آن را یک پروژه تقلیدی از مفهوم نسل کشی یهودیان دانست تبدیل می شود.

انتخاب تاریخ 1915.04.24 از طرف سناریست های ارمنی برای نقطه شروع بودن نسل کشی صوری ارمنی بعد از 50 سال فاقد هرگونه بنیه قابل اتکا بوده و هدف آن نشان دادن غرض ارامنه نسبت به روز 23 آوریل که روز جشن حاکمیت ملی و عید کودک در تورکیه می باشد، است. زیرا ارامنه در 24 آوریل هر سال بیشتر از این که برای شمار کثیری از مردگان تغالی داده شده مراسم گرامی داشت بگیرند، در این روز، خود را با لعنت فرستادن و فحش دادن به تورک ها مشغول می کنند.

تاریخ این مراسم ارمنی با اعتبار روز و ماه ارتباط نزدیکی هم با تاریخ 1920.04.24 دارد. تاریخی که در آن خولیای سقیم بنای یک ارمنستان بزرگ برای اقلیت ارمنی توسط گزارش ژنرال جیمز هاربرد آمریکایی به انکسار ابدی کشیده می شود و این تاریخ با اعتبار روز و ماه اشاره ای هم به مرگ توهم معوق ارمنستان بزرگ دارد. افسانه نسل کشی ارمنی که پسمانده ای سرهم شده از نقشه شکست خورده ارمنستان بزرگ می باشد، توسط ارامنه با تقلید محض از مفهوم کشتار یهودیان و مسکون شدن آنها در فلسطین، بعد از ترور های ارمنی برای احیا شدن مجدد تلاش کرده است و بنابر چیزی که سناریست های ارمنی و حامیان آن آرزو دارند، هدف نهایی این سناریو گرفتن خاک از مسلمانان (تورک ها، کردها و...) می باشد.

همان گونه که امروز ارامنه با مظلوم نمایی خاص به نمایش گذاشته خود 20 درصد از خاک های جمهوری آذربایجان را اشغال کرده و دست به کشتارها زده و یک میلیون آذربایجانی را از وطن خود آواره کرده اند، نمونه ای بسیار دقیقی از اعمال آنها در دوران جنگ جهانی اول و بعد از آن می باشد، این یک حقیقت است که ارامنه در سال هایی که ادعا می کنند بر روی آنها نسل کشی شده، کشته نشده و نمرده اند، مگر در مواردی که یا به قوای روس ملحق شده و جنگیده اند، یا وارد حرکات پارتیزان و دسته های قتل عام شده و در درگیری ها کشته شده اند، یا در مقاتله ها شرکت کرده اند و یا بر اثر بیماری های مسری، شرایط اقلیمی و گرسنگی در دوران جنگ از بین رفته اند، که با تفریق آنها از ارامنه زنده مانده بعد از جنگ این رقم حدود 200 هزار می باشد.

اما در طرف دیگر کشته شدن 2 میلیون مسلمان تورک، کرد و... توسط ارمنه در جغرافیای آناتولی و آذربایجان حقیقت نا گفته دورانی می باشد که ارمنه خود را بیش از حد با آن مشغول کرده اند، مشغولیتی که جزی از هویت ارمنی شده است. ولی هرگز جوابی برای این سوال نخواهند داشت که: اگر بر روی ارمنه نسل کشی اتفاق افتاده آن زمان چرا کشته شدگان مسلمان (یعنی ظالمین و جلادان) چندین برابر مفقودات ارمنی (یعنی مظلومین و قربانیان) می باشند؟ بر روی حوادثی که موجب مرگ مسلمانان شده چه نامی باید گذاشته شود؟ توجه کردن به این مورد اهمیت دارد که مردم مسلمان از طرف یک عنصر غریب و موجودات غیر زمینی نابود نشده و صرفاً به دست ارمنه کشته شده اند.

ارمنه برای اینکه به خیلی از سوالات مرتبط با آن دوران جواب ندهند افتراء فانتزی بی سر و ته آنها در بسیاری از موارد برای جامعه کوچک آنها مانند یک سپر حفاظتی عمل می کند، آنها برای اینکه از خود در برابر اینکه دورانی فرا خواهد رسید که مسلمانان از حقایق و جنایات آنها مطلع خواهند شد و از این بدنامی خود را حفظ کنند، پیش دستی کرده و در پشت یک ادعای فاحشه وار صورتی رنگ سعی در مشروع نشان دادن اعمال غیر انسانی خود کرده اند.

آرتیست های ارمنی که در سناریوی نسل کشی نقش های خود را بر عهده گرفته اند، همیشه سعی خواهند کرد تا این شغل ملی و پول های کلان حاصل شده از دروغ صورتی را پایدار نگه دارند و مانع از فروپاشی نظام این کسب و کار جدید ملی بشوند، برای همین هم همیشه مجبور به پیچاندن حوادث می باشند.

مثلاً یکی از این موارد اینگونه می باشد که: کودکان ارمنی بی سرپرست مانده در طول جنگ جهانی اول همچون کودکان مسلمانان از طرف دولت پرورش یافته و اگر هم دولت در مواردی قادر به رسیدگی لازم نبوده سرپرستی آنها را با پرداخت مبلغی به یک خانواده مسلمان می سپرده و امروز سعی می شود این عمل انسانی که نمونه ای از عرف اخلاقی جامعه آن زمان بوده به عنوان یک نسل کشی جلوه داده شود و در اعماق خود بدون اینکه ارمنه و احبای آنها متوجه شوند این پیغام را بدهد که مسلمانان باید خجالت بکشند و شرم کنند که از یتیم های ارمنی مراقبت کرده اند. ولی در جایی که این یتیم های ارمنی از طرف آمریکایی ها و سونیسی ها به خارج برده می شدند آنها نقش نجات دهند را بازی کرده اند و ارمنه همیشه از آنها ممنون و سپاسگذار خواهند بود. چرا که اکثر آرتیست های ارمنی دیاسپورا هم از نوادگان آنها می باشند.

اما از رفتار خود ارمنه با کودکان مسلمان که خون هر انسان دارای وجدان را منجمد می کند کسی اطلاعی ندارد، این جمله بویاجیبیان ارمنی در سال 1914 مبنی بر اینکه: "تمام کودکان تورک برای ملت ارمنی یک وجه خطرناک هستند و باید کشته شوند." مدرکی عینی برای جنایات کودک کشی ارمنه می باشد، جنایاتی که کار را به پاره کردن شکم زنان حامله هم کشانده بود، آن هم بر روی تفریحی که قاعده آن شرط بندی جانی های ارمنی بر سر جنسیت جنین های درون شکم زنان حامله بود.

امروز جامعه ارمنی بیشتر از اینکه از اعمال جنایت کارانه خود شرم کند و از عواقب آن درس عبرت گرفته باشد، سعی در کسب نفع از آنها را دارد، همان گونه که گفته شد برای کسب این نفع در ارمنه میل به پیچاندن حوادث و موضوعات بسیار واضح دیده می شود و هرگز عوامل وقوع حادثه ای همچون تهجیر از زبان آنها تعریف نخواهد شد، زیرا این کار چندان هم بی گناه نبودن آنها را نشان خواهد داد، لیکن در افسانه نسل کشی که از تهجیر الهام گرفته است بیشتر سعی شده تا از هوش، ذکاوت و زیبایی کاکل ارمنه، حسادت بخل و کینه ورزی عثمانی ها نسبت به آنها حرف زده شود، این داستان های بی ربط و کسالت آور که قرار گرفتن ارمنه در مقام های دولتی عثمانی را از طرف آنها به اوزان های مهمل ارتباط می دهند، بی خبر از روی دیگر این سیاست روادارانه عثمانی می باشند، سیاستی که عثمانی با دادن پست های مهم دولتی به ارمنه، سعی به انتقال این پیام داشته که اگر مسیحیان رومی و بالکان هم به عثمانی وفادار باشند می توانند درون این دولت برای خود جایی داشته باشند و این موارد هرگز به تیپ، قیافه و اوصاف نژادی ارمنه ربطی نداشته است.

موارد زیادی از این نوع پیچاندن های ارمنی وار وجود دارند که یکی دیگر از آنها هم بنابر ادعا اینگونه می باشد: ارمنه باقیمانده در تورکیه به زور مسلمان شده اند و دولت آنها را آسیمیله کرده است، اما حقایق بر این گواهی می دهند که ارمنه با حضور در کشت و کشتار ها و نابودی مسلمانان سعی فراوانی برای به اجراء در آمدن تتاثر سور کردند، لیکن سور به جهت دلایل مشخصی اجراء نشد و بعد از کشیده شدن قوای متفقین و نبودن خبری از حامیان غربی، ارمنه ای که خون مسلمانان را ریخته بودند برای اینکه جزای اعمال خود را نبینند در ظاهر خود را مسلمان معرفی می کنند، برای اینکه این ادعا ثابت شود نگاه کردن به جامعه ای که ارمنه در آن خود را مسلمان معرفی کرده اند لازم است. ارمنه ای که خود را در آن مسلمان معرفی می کنند جزء اکثریت سنی مذهبان نبوده، بلکه علوی می باشند.

منصوبان مذهب علوی چون اهمیت زیادی به انجام فرایض دینی مانند نماز و روزه نمی دهند قبول این مذهب از طرف بعضی از ارمنه نشان دهنده این است که آنها در معنی حقیقی و با صداقت مسلمان نشده اند زیرا اگر در معنی حقیقی مسلمان شده بودند باید فرایض دین اسلام را به جا می آوردند، این یعنی اینکه به مسیحی بودن خود هم آگاه می باشند و در این صورت هم ادعای آسیمیله شدن آنها بی معنی می باشد. کسانی هم که ادعا می شود آنها را مسلمان کرده اند یعنی مسلمانان سنی چرا باید آنها را به زور علوی کنند زمانی که بین سنی ها و علویان هم اختلاف های طبیعی که بین دو مذهب وجود دارد موجود می باشند.

لیکن در مورد ادعای آسیمیله شدن آنها ذکر نکردن این مورد غیر ممکن می باشد، ارمنه ای که ادعا می شود آسیمیله شده اند به زبان تورکی نه، بلکه به زبان کردی صحبت می کنند به گونه ای که حتی ادعا می کنند یا هیچ چیز از زبان ارمنی نمی دانند و یا اینکه بسیار کم متوجه می شوند. در اینجا نباید این سوال بشود که دولت چگونه ارمنه را آسیمیله کرده که آنها نه در معنی حقیقی مسلمان سنی (با ملاک بودن انجام فرایض دینی) شده اند و نه تورک، بلکه خود را علوی و کرد معرفی می کنند، این جامعه از ارمنه با اصطلاح ارمنه کریپتو و یا پنهان شناخته می شوند. میزان شرارت و خطرناک بودن آنها با قرار گرفتن شان در راس کادرهای رهبری گروه ترور PKK و دیگر گروه های ترور کمونیسم قابل ذکر می باشد.

امروز ادعای مسلمان شدن به زور ارمنه از طرف دولت تورکیه و تورک ها در محیط های ارمنی به تبلیغات گرفته می شود، ولی در خود ایران شرکت کردن ارمنه در مراسم دینی مسلمانان، یا با یک فریبکاری موزیانه به نمایش گذاشته می شود و یا اینکه محیط های تبلیغات ارمنی بسیار عالی وانمود می کنند که از آنها خبر ندارند. تبلیغات به زور مسلمان شدن ارمنه در تورکیه که بسیار واضح است به چه اندازه و به چه شکل مسلمان می باشند هرگز به اندازه آتیسیم (بی خدایی) بودن حدود 15% از ارمنه فقط ارمنستان نمی تواند جالب توجه باشد، بعلاوه ارمنه مسیحی که در گذشته به مذهب گریگوری که مانند مذهب قومی ارمنه می باشد معتقد بودند، بسیار عجیب است که هیچ اعتراضی به کاتولیک و یا پروتستان شدن شان از طرف میسونر های غربی نمی کنند، تغییر مذهب هایی که در بین ارمنه، از قرن نوزدهم موجب تفرقه و یکی از عوامل مهم به میان آمدن مسئله ارمنی بوده است.

بعد از حوادث جنگ جهانی اول تورک ها سعی کردند تا همه چیز را فراموش کنند، حتی خود ارمنه هم تا سال 1965 بدور از حرکاتی که امروز به نمایش می گذارند بودند، شروع کردن ارمنه به تبلیغات با حمایت غربی ها و ساکت ماندن مجدد تورک ها این ذهنیت را هم در ارمنه، هم در احبای آنان و هم در بعضی از تورک ها به وجود آورد که ارمنه از حقایق می گویند، این سکوت در بین نسل های آینده مردم تورک باعث نا آگاهی از حوادث مهم تاریخ آنها شد. با ورود به قرن جدید صداهایی از طرف تورکیه و آذربایجان شنیده شد و رفته رفته این آگاهی در بین مردم تورک به وجود آمد که ارمنه افتراء بسیار کثیفی را بر ضد آنها زده اند و امروز این آگاهی باعث شده تا خود ارمنه که ادعا می کنند قربانی نسل کشی شده اند، به نسل کشی مردم آذربایجان متهم بشوند آن هم با اصولی که بر علیه تورک ها اجراء می کنند و حتی کار به جای کشیده شده که دادگاه حقوق بشر اروپا این حق را به تورکیه داده است که ادعای ارمنه را رد کند. اما ادامه این نا آگاهی در ایران هم باعث شد تا گروه هایی خاص که هم تحت تاثیر تبلیغات ارمنی قرار گرفته اند و هم اینکه از احساسات تورک سیزانه برای جلای هویت فاشیزان خود استفاده می کنند، تورک های آذربایجان جنوبی را هم به نسل کشی افسانه ای متهم کنند، مردمی که در طول جنگ جهانی اول بیشترین صدمات را در بین مردم ایران متحمل شدند و موسسبان آن هم ارمنه و گروه های خونخوار مسیحی بودند.

امروز دیگر وقت نا آگاهی و فرصت دادن مجانی به دشمن صلیبی نیست، دشمنی که در 24 آوریل هر سال اجازه داده می شود که در پایتخت و چند شهر فارس نشین دیگر با انجام تظاهرات زمینه تحریک شدن میلیون ها انسان را تدارک ببیند. از یک طرف ارمنه مشغول به تفریح وانمود کردن می شوند و از طرف دیگر هم گویا تبلیغات دوستی و برادری تنها و تنها برای نسل های جوان آذربایجانی بسیار لازم و ضروری است، به عنوان مثال در کتاب جغرافیای استانی دوره دبیرستان سال 1391 در صفحات ابتدایی این کتاب درسی این چند سطر در متنی با عنوان "استان آذربایجان غربی از دیدگاه مقام معظم رهبری" جای گرفته است:

"مردم این استان پر افتخار در دوران تهاجم قدرت های بیگانه به این کشور، یعنی در دوران جنگ بین الملل اول - که از جلسه نکات مهم همین نقطه است؛ آن هم به خصوص در این استان - بهترین امتحان ها را دادند. یعنی تجربه ای که این استان، در قضایای اواسط جنگ بین الملل اول دید و از سر گذراند، یکی از قضایایی است که در سایر نقاط ایران، اصلا سابقه ندارد. مردم این استان سال های متمادی، در کنار جمعی از هم میهنان مسیحی ما زندگی می کردند؛ امروز هم زندگی می کنند؛

در آینده هم زندگی خواهند کرد - مثل برادر و خویشاوند - با هم هیچ مشکلی هم، نه آن روز داشتند، نه امروز دارند و نه در آینده خواهند داشت. یعنی در این استان، تعدادی از هم میهنان ایرانی ما، از آشوری و ارمنی و مسیحیان کاتولیک و پروتستان، حضور دارند؛ آن روز هم بودند.

مسلمانان هم با آنها دوستانه، آنها هم با مسلمانان برادرانه و دوستانه رفتار می کردند. بین آنها هیچ مشکلی وجود نداشت. اما نکته عبرت آموز این است که نمایندگان کشورهای خارجی و استعمارگر، چون دیدند تعدادی مسیحی در این استان وجود دارد، به طمع افتادند که شاید بتوانند با تحریکات مذهبی و فرقه ای و دینی، پایگاهی از مسیحیت در این بخش از ایران به وجود آورند و این بخش را از ایران جدا کنند. یکی از امتحان های سخت برای این استان - یعنی برای اورمیه، سلماس، خوی، ماکو و شهر های دیگر این منطقه - پیش آمد. در همان برهه از زمان و تاریخ بود که نمایندگان دولت آمریکا، دولت روسیه تزاری و دولت انگلیس، در این منطقه، توطئه مشترکی را طراحی کردند و فتنه عجیبی به راه انداختند.

هزاران نفر از مسلمانان و مسیحیان در این فتنه، در همین اورمیه و سلماس و بقیه نقاط کشته شدند. اما مردم این منطقه، با این که خیلی سختی دیدند و با وجود تحریکات دشمنان، توانستند اولاً با شجاعت و با مقاومت و ایستادگی، دشمنان را بیرون کنند، ثالثاً - و از این بالاتر - همان برادری گذشته را، باز هم در بین خویش برقرار کردند. گروه های مسلمان با یکدیگر متحد شدند و تحت تاثیر تحریک دشمن قرار نگرفتند و جنگ شیعه سنی، جنگ تورک و کرد، جنگ مسلمان و مسیحی به راه نینداختند. این رشد مردم این استان را نشان می دهد. من همیشه در دلم، این رشد مردم استان را تحسین کرده ام. این یکی از سوابق مردم این استان است."

همان گونه که از این جملات هم قابل فهم است حوادث مانند چیزی که در این کتاب سعی شده به آن پرداخته شود تعریف شده است. ارامنه و مسیحیان تحریک شده خارج که برای ایران هم نقشه ها داشتند به عنوان یک دشمن تعریف شده اند. حال یک سوال، ارامنه ایران در روز 24 آوریل هر سال واقعا برای یاد نسل کشی صوری به خیابان ها می ریزند؟ و یا اینکه برای حمایت از اعمال مجددا احیا شده این دشمنان؟ در اینجا دو جواب وجود دارد، یا این کار ارامنه معنی ای جزء یاد نسل کشی صوری ندارد که این کار معنی افتراء زدن به ما را دارد، به ما مسلمانان که کشته شدگان مان تنها در یکی دو ولایت یا شهر به دست ارامنه به تنهایی از کل مفقودات ارمنی که به دلایل مختلف جان خود را از دست داده اند بیشتر است و یا اینکه ادامه دادن راه ارامنه خارج که برای ما مانند دشمن دیده می شوند هدف اصلی و مشخص ارامنه ایران می باشد. حال زمانی که شرایط اینگونه است مرور تاریخ مشترک مان با همزبان هایمان در آذربایجان و تورکیه که آنها هم بسیار بدتر از ما گرفتار بلاهای صلیبی شده اند، همدردی ما خصوصا با مردم آذربایجان شمالی در روزهای 26 فوریه (روز گرامی داشت قربانیان نسل کشی خوجالی) و 31 مارس (روز یاد بود نسل کشی آذربایجانی ها در دو سوی ارس) هر سال را می طلبد. زیرا اهمیت دادن به این مورد به معنی "درس گرفتن از تاریخ" در ارتباط با ماجراجویی های فلاکت آور ارامنه و شخصیت غیر قابل اعتماد آنها خواهد بود.

"این کتاب را به **کودکان ابدی آذربایجان** که در حوادث کودک کشی سفاکان ارمنی شهید شده اند تقدیم می کنیم"



تألیف و ترجمه: عیسی عبدالهی



بیشتر بدانید...

مبادله نفوس تورکیه و یونان:

در طول جنگ جهانی اول که در سال 1914 شروع و در سال 1918 پایان می یابد، حکومت اتحاد و ترقی در کنار آلمان جای می گیرد و از این جنگ مغلوب خارج می شود. بنابر معاهده سور که مشروعیت نمایشی آن با دیکته دول غالب جنگ جهانی اول بر آخرین پادشاه عثمانی که برای نشستن بر تاج و تخت کسب شده بود، ارتش یونان در تاریخ 1919.05.15 وارد ازمیر می شود، با شروع کردن از ازمیر منطقه اژه را اشغال می کند، یک قسم از مردم مسلمان منطقه با ترک کردن خانه، شهر ها و روستاهای خود به مناطق اشغال نشده آناتولی پناه می برند. در منطقه اژه در برابر اشغال، گروه های مقاومت مسلح محلی تشکیل شده و قوای غیر نظامی شروع به چند جنگ مختلف می کنند. قوای ملی که با رهبری مصطفی کمال متشکل شده بود و معاهده سور که تجزیه تورکیه را پیش دیده بود را نمی شناخت به مقاومت در برابر اشغال یونان قرار می دهد. جنگ تورک - یونان که تا سپتامبر 1922 ادامه خواهد داشت شروع می شود. ارتش یونان که در این جنگ مغلوب گشته بود زمانی که عقب نشینی می کرد بر سر راه خود با آتش زدن مناطق مسکونی، اشخاص برجسته مردم را هم گروگان گرفته و از آناتولی خارج می شود. مردم غیر نظامی رومیان ارتدکس که از بابت چگونه رفتار کردن تورک ها با آنان بنابر رفتارشان با مسلمانان نگران بودند همراه با ارتش مغلوب یونان راهی بنداری چون ازمیر و استانبول می شوند. آنها خود را با هر وسیله نقلیه آبی در دست به سواحل یونان می رسانند. اکثر آنها بین تاریخ 1922.09.09 تا امضاء متارکه مودانیا که تقریباً 650 هزار بودند، آناتولی را ترک می کنند. تا اواخر سال 1922 شمار رومیان ارتدکس مهاجرت کرده از تورکیه از یک میلیون نفر می گذرد. شکست یونان در ماجراجویی نظامی این کشور در آناتولی غربی نه تنها باعث ضررهای زیادی به مردم تورک می شود بلکه این ضررها را به رومیان آناتولی هم تحمیل می کند. مبادله نفوس تورکیه و یونان از طرف لرد کرزن انگلیسی به کنفرانس صلح لوزان پیشنهاد می شود و بعد از قبول و الحاق آن به عنوان پروتکل الحاقی به معاهده لوزان، اجراء می شود، قرارداد مبادله نفوس تورک - یونان که بیشتر شبیه به یک تصویب حساب دینی می باشد اهالی مسلمان تراکیه و مسیحی استانبول را شامل نمی شود و درون این مبادله های نفوس که صدها هزار مسلمان و مسیحی را احاطه می کند، حتی یونانیان مسلمان و یا مسلمانان غیر تورک از قومیت های مختلف ساکن در محدوده مبادله به تورکیه مهاجرت می کنند و در طرف دیگر مسیحیان غیر یونانی و حتی تورک های مسیحی کارامان هم از تورکیه به خارج مهاجرت می کنند.



یونانیان بربر یونان متمدن

آنها (یونانی ها) بر روی تورک هایی که فکر می کردند پول های خود را مخفی کرده اند شکنجه انجام می دادند، بنابر گزارش های St. Clair و Howarth وزرای، وزارت مستعمره های انگلیس و امور خارجه انگلیس، "دست و پا های شان بریده می شد و آرام آرام در آتش سوزانده می شدند." فاصله بین متمدن بودن تا بربر بودن کمتر از زنگ زدن تکه آهنی براق است.

ردیف	اسامی	حجم (KB)	صفحات	زبان
97.	مظالم یونان در بالکان و آناتولی بنابر اسناد آرشیو (1)	252	61	Tr
98.	مظالم یونان در بالکان و آناتولی بنابر اسناد آرشیو (2)	1,451	385	Tr
99.	مظالم یونان در بالکان و آناتولی بنابر اسناد آرشیو (3)	1,188	339	Tr